

ترجمہ کامل الزیارات



ابی القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسیٰ بن قولویہ القمّی

مترجم

سیّد محمد جواد ذہنی تهرانی

ناشر

انتشارات پیام حق

۲-۱۰-۵۹۶۲-۹۶۴ شابک
ISBN 964-5962-10-2



شناسنامه



نام کتاب: ترجمه کامل الزیارات
مؤلف: جعفر بن محمد بن قولویه
مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی
نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۷۷
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
چاپ: طلوع آزادی
ناشر: پیام حق

تهران، خیابان ناصر خسرو، کوچه حاج نائب،

پاساژ خاتمی، انتشارات پیام حق

تلفن: ۶۴۵۰۶۳۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و سپاس خالق را که بهترین و کامل ترین شرایع را برای ما قرار داد و اکمل و اشرف انبیاء عظام را هادی ما نمود و اعظم و اعلم اوصیاء را ولی و قائد ما گرداند.

بهترین تهنیت و خالص ترین تحیت ما بر وجود مبارک خاتم الانبیاء حضرت محمد ﷺ و بر سید الاوصیاء اعلی حضرت علوی صلوات الله و سلامه علیه و ابناء طیبین و طاهرینش که جملگی اختران تابناک آسمان ولایت و اعلام بارزه سُبُل هدایت می باشند.

و لعنت ابدی و نفرین سرمدی بر اعداء و غاصبین حقوق این خاندان آمین
یا رب العالمین.

محضر سروران و خوانندگان محترم می رساند که بهترین و ارزشمندترین سرمایه های معنوی مسلمین بالاخص طائفه حقه امامیه اثنی عشریه دعاء و توسل به اذیال پرفیض و سائط بین خالق و مخلوق و انوار درخشان مظاهر کامله حضرت احدیت یعنی ذوات مقدسه حضرات چهارده معصوم سلام الله علیهم اجمعین می باشد.

لازم به تذکر است که عالی ترین نوع توسل و تقرب جستن به درگاه حق عزوجل ذکر مصائب و گریستن بر مظلومیت های عزیزترین موجودات نزد خداوند تبارک و تعالی یعنی معصومین علیهم السلام بالاخص حضرت سید الشهداء سلام الله علیه می باشد و در این نحو از توسل و تقرب فرقی نیست بین اقامه عزاء و شرکت در مجالسی که به همین منظور به پا می شود یا به منظور زیارتشان به مشاهد مشرفه

کوچ کردن و رنج سفر به خود وارد نمودن چه آنکه همه این توشلات دارای اجر و فضیلت بوده و بر طبق روایات صحیحهای که از طرق معتبره به ما رسیده جملگی موجب نجات و فلاح انسان می باشند.

در طول غیبت حجّت بالغه حق سلام الله علیه علماء ربّانی و دانشمندان صمدانی کتبی در این زمینه به رشته تألیف و تصنیف در آورده اند که اقدم و استوارترین آنها کتاب شریف «کامل الزیارات» تألیف فقیه ماضی و محدّث نامی ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه القمّی می باشد که به تصدیق ارباب فن از بهترین مسفوراتی است که در این باره تألیف و تصنیف شده است و چون طبق معمول این کتاب به زبان عربی است و فارسی زبانانی که از علوم عربیه بی بهره هستند نمی توانند از آن استفاده کنند بر حسب پیشنهاد مکرّر بسیاری از دوستان و آشنایان و تشویق کثیری از سروران و اعزّه و لطف و عنایتی که به این حقیر دارند داعی تصمیم گرفتم آنرا به زبان فارسی سلیس ترجمه کرده و از هرگونه شرح و توضیحی در ذیل آن امتساک نموده تا موجب تطویل و تکبیر کتاب نشده و بدینوسیله برای خوانندگان موجب ملال و سبب کلال نباشد، بحمدالله این تصمیم از مرحله طرح به مرتبه اجراء و از قوه به فعل مبدّل گشت و اکنون تمام کتاب من الهدی الی الختم به زبان فارسی برگردانده شده و آماده بهره برداری گردیده است و از آنجائی که قرعه سعادت بنام انتشارات پیام حق در آمده از این رو کتاب حاضر توسط این انتشارات و با هزینه پر برکت آن تحت مدیریت آقایان حاج فخرالدین جواهریان و فاضل محترم حاج محمد جاسبی آیدهما الله طبع و تکثیر و منتشر می شود خداوند منان به تمام اهل خیر و بانیان علم و فضیلت توفیق دهد که مال و عمر عزیزشان را صرف آنچه ترویج دین و مذهب در آن است نمایند که خیر دنیا و آخرت در آن می باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الباب الأول»

«ثواب زیارة رسول الله و زیارة امیرالمؤمنین و الحسن و الحسین»

«- صلوات الله علیهم -»

۱- أخبرنا أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القميّ الفقيه قال: حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله بن أبي خلف الأشعري، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد البرقي، عن قاسم بن يحيى، عن جده الحسن بن راشد، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: بينما الحسين بن علي عليه السلام في حجر رسول الله ﷺ إذ رفع رأسه فقال له: يا أبة ما لمن زارك بعد موتك؟ فقال: يا بني من أتاني زائراً بعد موتي فله الجنة، و من أتى أباك زائراً بعد موته فله الجنة، و من أتى أخاك زائراً بعد موته فله الجنة، و من أتاك زائراً بعد موتك فله الجنة».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿باب اول﴾

﴿ثواب زیارت پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین و حسنین صلوات الله
عليهم اجمعین﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی فقیه می گوید:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری و او از احمد بن
محمد بن عیسی و او از محمد بن خالد برقی و او از قاسم بن یحیی، و او از
جدش حسن بن راشد و او نیز از عبدالله بن سنان و او از حضرت ابی عبدالله امام
صادق علیه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام در دامن پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، سپس سر مبارک بالا
نموده و عرضه داشت:

ای پدر ثواب کسی که پس از رحلتان شما را زیارت کند چیست؟
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

پسرم، کسی که من را پس از رحلت زیارت کند مستحق بهشت بوده و در
صورتی که بعد از ارتحال پدرت او را زیارت نماید به بهشت داخل می گردد و
اگر برادرت را پس از ممات زیارت نماید بهشت حق او بوده و آن کس که بعد از
شهادت تو را زیارت کند بهشت از آن او می باشد.

متن:

۲- عنه عن أحمد بن محمد بن عيسى عن علي بن اسباط عن عثمان بن عيسى عن المعلی بن ابي شهاب عن ابي عبد الله عليه السلام «قال: قال الحسين - صلوات الله عليه - لرسول الله صلى الله عليه وآله: ما جزاء من زارك؟ فقال: يا بُنَيَّ من زارني حيّاً أو ميتاً أو زار أباك أو زار أخاك أو زارك كان حقاً عليّ ان ازوره يوم القيامة حتى أخلصه من ذنوبه».

«حدیث دوم»

ترجمه:

از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عيسى، و او از علی بن اسباط، و او از عثمان بن عيسى، و او از معلی بن ابي شهاب و او از حضرت ابي عبدالله عليه السلام نقل نمود که آن حضرت فرمودند: حضرت ابي عبدالله الحسين صلوات الله عليه به جناب رسول الله صلى الله عليه وآله عرض کردند: *کامپوزر علوم اسلامی*

پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟

پیامبر صلى الله عليه وآله فرمودند:

پسرم، کسی که من را در حال حیات و بعد از آن زیارت کند یا به زیارت تو و برادرت آید بر من لازم است که در روز قیامت به زیارتش رفته تا او را از عذاب گناهانش برهانم.

متن:

۳- حدّثنی ابي - رحمه الله -؛ و محمد بن یعقوب، عن أحمد بن إدريس - عمّن ذکره - عن محمد ابن سنان، عن محمد بن علی - رفعه - «قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا عليّ من زارني في حياتي أو بعد موتي؛ أو زارك في حياتك أو بعد موتك؛ أو زار ابنيك في حياتهما أو بعد موتهما

ضمنت له يوم القيامة أن أخلصه من أهوالها وشدائدّها حتى أصيره معي في درجتي».

ترجمه: ﴿حدیث سوم﴾

پدرم علیه الرحمه و محمد بن یعقوب از احمد بن ادریس نقل نمودند و او از شخصی که یادش نموده و وی از محمد بن سنان و او از محمد بن علی به طور مرفوعه نقل نموده که رسول خدا ﷺ فرمودند: یا علی، کسی که من را در حال حیات یا پس از آن زیارت کند یا به زیارت تو و دو فرزندت در حال حیات و پس از آن آید من ضامنم که در روز قیامت او را از وحشت‌ها و سختی‌های آن روز رهانیده تا جایی که از نظر درجه و مقام با من باشد.



متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ: حَدَّثَنِي عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا: مِنْهُمْ: أَحْمَدُ بْنُ - إَدْرِيسَ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنِ الْقَمْرُكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ يَحْيَى - وَ كَانَ خَادِمًا لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - رَفَعَهُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرَّتْهُ يَوْمَ - الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا».

ترجمه: ﴿حدیث چهارم﴾

محمد بن یعقوب برایم چنین نقل نمود:

عده‌ای از اصحاب ما که از جمله ایشان: احمد بن ادریس و محمد بن یحیی هستند از عمر کی بن علی و او از یحیی که خادم حضرت ابی جعفر ثانی ﷺ است و وی از برخی اصحاب ما به طور مرفوعه از حضرت محمد بن علی بن الحسین ﷺ نقل نموده که آن جناب فرمودند:

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند روز قیامت به زیارت او آمده و وی را از هول و وحشت‌های آن روز می‌رهانم.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ، عَنْ أَبِيهِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عِثْمَانُ بْنُ عِيسَى، عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ أَبِي شِهَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: يَا أَبَتَاهُ مَا جِزَاءُ مَنْ زَارَكَ؟ فَقَالَ صلی الله علیه و آله: يَا بَنِيَّ مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأُخْلَصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ».

مرکز تحقیقات علمی و فرهنگی اسلامی

«حدیث پنجم»

ترجمه:

پدرم حسن از پدرش علی بن مهزیار، وی گفت:
عثمان بن عیسی از معلی بن ابی شهاب نقل نمود و وی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض نمود:

ای پدر، پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

فرزندم، کسی که من را در حال حیات و بعد از آن زیارت کند یا به زیارت پدر و برادر تو و شما بیاید بر من است که او را در روز قیامت زیارت کرده و از گرفتاری گناهانش برهانم.

﴿الباب الثاني﴾

﴿ثواب زيارة رسول الله ﷺ﴾

متن:

۱- حدَّثني أبي - رحمه الله -، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن أبان، عن السَّدُّوسِيَّ، عن أبي عبد الله عليه السلام: «قال: قال رسول الله ﷺ: من أتاني زائراً كنت شفيعه يوم القيامة».

﴿باب دوم﴾

﴿ثواب زیارت رسول خدا ﷺ﴾

﴿حديث أول﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد الله و او از احمد بن محمد بن محمد بن عيسى و او از حسن بن محبوب و او از ابان و او از سدوسی و او از حضرت ابی عبد الله عليه السلام نقل می کند که آن جناب فرمودند: رسول اکرم ﷺ فرمودند: کسی که به زیارت من آید روز قیامت من شفیع او هستم.

متن:

۲- حدَّثني محمد بن الحسن بن أحمد - رحمه الله -، عن محمد بن الحسن الصفَّار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن ابن أبي نجران: «قال: قلت لأبي جعفر الثاني عليه السلام: جعلت فداك ما لمن زار رسول الله ﷺ متعمداً قال: له الجنة».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد علیه الرحمه از محمد بن حسن صفار نقل نموده و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از ابن ابی نجران وی میگوید:
محضر مبارک حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلام عرض کردم:
فدایت شوم ثواب و پاداش کسی که با قصد به زیارت رسول خدا برود چیست؟

حضرت فرمودند:
بهشت برای او است.

متن:

۳- حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِنَا، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ زَارِ قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ قَاصِدًا؟ قَالَ: لَهُ الْجَنَّةُ.

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ ما از محمد بن یحیی نقل نموده‌اند و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از معاویه بن حکیم و او از عبدالرحمن ابن ابی نجران نقل کرده که گفت:

از حضرت ابا جعفر علیه السلام پرسیدم: پاداش کسی که قبر نبی اکرم ﷺ را با قصد زیارت کند چیست؟
حضرت فرمودند:
بهشت برای او است.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِنَا بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ: مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مُتَعَمِّدًا؟ قَالَ: يَدْخُلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

جماعتی از مشایخ ما با همین سندی که در حدیث قبل نقل شد از عبدالرحمن بن ابی نجران حدیث نموده‌اند و او از حضرت ابی جعفر ثانی چنین نقل کرده، میگوید:

محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتیم:
پاداش کسی که از روی قصد و عمد به زیارت حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله برود چیست؟

مرکز تحقیقاتی میراث فرهنگی و تاریخی

حضرت فرمودند:

اگر خدا بخواهد او را به بهشت وارد می‌نماید.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ «قَالَ: قَدْ أَمَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنْ أَكْثِرَ الصَّلَاةَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَا اسْتَطَعْتُ، وَقَالَ: إِنَّكَ لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ كُلَّهَا شِئْتُ، وَقَالَ لِي: تَأْتِي قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ يَسْمَعُكَ مِنْ قَرِيبٍ وَ يَبْلُغُهُ عَنْكَ إِذَا كُنْتَ نَائِيًا».

ترجمه: ﴿حدیث پنجم﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از علی بن حکم و او از سیف ابن عمیره و او از ابوبکر حضرمی نقل نمود که وی گفت:

حضرت ابا عبدالله علیه السلام به من امر فرمودند که آنچه در توان و قدرت داری در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز بگذار و فرمودند:

این طور نیست که هر وقت اراده کنی در آنجا نماز بگذار هر آن قادر باشی پس فرصت را غنیمت بشمار سپس به من فرمودند:

آیا نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می آئی و زیارتش می کنی؟

عرض کردم: بلی

فرمودند:

حقاً این طور است که زیارت تو را حضرت از نزدیک شنیده و اگر هم دور باشی از تو به حضرتش می رسانند.



مثنی:

۶- و یاسناده عن سیف بن عمیره، عن عامر بن عبدالله «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: إني زدت جمالي دينارين أو ثلاث على أن يمر بي على المدينة، فقال: قد أحسنت! ما أيسر هذا؛ تأتي قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و تسلم عليه، أما إنه ليسمعك من قريب و يبلغه عنك من بعيد».

ترجمه: ﴿حدیث ششم﴾

حمیری به اسناد سابقش از سیف بن عمیره، از عامر بن عبدالله، وی می گوید: محضر حضرت ابي عبدالله عليه السلام عرضه داشتم:

به سارابان خود دو یا سه دینار اضافه دادم تا من را به مدینه ببرد.
حضرت فرمودند:

بسیار کار خوبی کردی، سهل و آسان است زیرا با این عمل قبر رسول
خدا ﷺ را زیارت نمودی، حقاً این طور است که زیارت تو را حضرت از
نزدیک شنیده و اگر هم دور باشی از توبه حضرت می‌رسانند.

متن:

۷- حدیثی محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید، عن محمد بن
الحسن الصفار، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن عبدالرحمن بن
أبی نجران «قال: قلت لأبی جعفر الثانی علیه السلام: جعلت فداک ما لمن زار قبر
رسول الله صلی الله علیه و آله متعمداً؟ قال: یدخله الله الجنة إن شاء الله».

مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

﴿حدیث هفتم﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن
محمد بن عیسی، از عبدالرحمن بن ابی نجران وی می‌گوید:
محضر امام ابی جعفر ثانی علیه السلام عرضه داشتم: فدایت شوم پاداش کسی که با
قصد و عمد به زیارت قبر رسول خدا ﷺ برود چیست؟
حضرت فرمودند:

اگر خداوند بخواهد او را داخل بهشت می‌کند.

متن:

۸- حدّثنی محمد بن یعقوب، عن عدّة من رجاله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن عبدالرحمن بن ابی نجران «قال: قلت لأبی جعفر الثانی ؑ: جعلت فداک ما لمن زار قبر رسول الله ﷺ متعمداً؟ قال: له الجنة».

ترجمه: ﴿حدیث هشتم﴾

محمد بن یعقوب، از عده‌ای از رجالش، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبدالرحمن بن ابی نجران، وی می‌گوید: محضر امام ابی جعفر ثانی ؑ عرضه داشتم: فدایت شوم پاداش کسی که با قصد و عمد به زیارت قبر رسول خدا ﷺ برود چیست؟



حضرت فرمودند:

بهشت از آن او است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۹- حدّثنی محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید؛ و محمد بن یعقوب، عن علی بن محمد بن بُندار، عن إبراهیم بن إسحاق، عن محمد بن سلیمان الدّیلمی، عن أبی حجر الأسلمی، عن أبی عبد الله ؑ «قال: قال رسول الله ﷺ: من أتى مکة حاجاً و لم یزرنی بالمدينة جفوته يوم القيامة؛ و من زارنی زائراً وجبت له شفاعتی؛ و من وجبت له شفاعتی وجبت له الجنة، و من مات فی أحد الحرمین: مکة أو المدينة لم یرض إلى الحساب؛ و مات مهاجراً إلى الله و حشر يوم القيامة مع اصحاب بدر».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید و محمد بن یعقوب، از علی بن محمد بن بندار، از ابراهیم بن اسحاق، از محمد بن سلیمان دیلمی، از ابی حجر اسلمی، وی می گوید:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

هرکسی که برای اعمال حج به مکه رفته و سپس من را در مدینه زیارت نکند من نیز در روز قیامت به او جفا خواهم کرد و کسی که من را زیارت نماید شفاعت من نصیبش می گردد و کسی که از شفاعت من بهره مند شود بهشت بر او واجب می گردد، سپس فرمود:

و کسی که در یکی از دو حرم (مکه و مدینه) از دنیا برود او را در موقف حساب نیاروده و مهاجر الی الله محسوب شده و روز قیامت با اصحاب بدر محشور می گردد.

مرکز تحقیقات اسلامی قم

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ ابْنِ مَجْهُوبٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنِ السَّدُوسِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی از پدرش و او از حسن بن محبوب و او از ابان و او از سدوسی و او از حضرت ابی عبدالله ﷺ نقل نموده که آن جناب فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که به زیارت من آید من در روز قیامت شفیع او خواهم بود.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ سَيْفٍ قَالَ: حَدَّثَنِي الْفَضْلُ بْنُ مَالِكٍ النَّخَعِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي يَحْيَى الْمَدَنِيُّ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ سُلَيْمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ «قَالَ: مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي كَانَ فِي جَوَارِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه بن خطاب و او از علی بن سیف و او از فضل بن مالک نخعی و او از ابراهیم بن ابی یحیی مدنی و او از صفوان بن سلیم و او از پدرش و او از پیامبر اکرم ﷺ نقل نموده که آن حضرت فرمودند: کسی که یا در حال حیات و یا بعد از ممات من را زیارت کند روز قیامت در جوار و همسایگی من خواهد بود.

متن:

۱۲ - وَ عَنْهُ، عَنْ سَلَمَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ قَالَ: حَدَّثَنِي سُلَيْمَانُ بْنُ عُمَرَ النَّخَعِيُّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِيهِ، [عَنْ آبَائِهِ] عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي، وَ كُنْتُ لَهُ شَهِيداً وَ شَافِعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه، از علی بن سیف از سلیمان بن عمر النخعی، از عبدالله بن حسن، از پدرش از مولانا علی بن ابی طالب ﷺ نقل نموده

که آن حضرت فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که بعد از حیات من را زیارت کند گویا من را در حال حیاتم زیارت کرده و من در روز قیامت برای وی شاهد و شافع خواهم بود.

متن:

۱۳- و عنه، عن سلمة، عن جعفر بن بشير، عن أبان بن عثمان عن السدوسي، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: قال رسول الله ﷺ: من أتاني زائراً كنت له شافعاً يوم القيامة».



ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه، از جعفر بن بشیر، از ابان بن عثمان، از سدوسی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که به زیارت من آید روز قیامت من شافع او خواهم بود.

متن:

۱۴- و عنه، عن سلمة قال: حدثني زيد بن أبي زيد الهروي عن قتيبة بن ابن سعيد قال: قال رسول الله ﷺ: من أتاني زائراً في المدينة محتسباً كنت له شافعاً يوم القيامة».

﴿ حدیث چهاردم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه، از زید بن ابی زید الهروی و قتیبة بن سعید نقل نموده، وی گفت: رسول خدا ﷺ فرمودند: کسی که به امید ثواب و اجر در مدینه به زیارت من آید روز قیامت شفیع او خواهم بود.

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى؛ وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ جَمِيعاً، عَنْ سَلَمَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا بِهَذَا الْحَدِيثِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مُتَعَمِّداً؟ قَالَ: يَدْخُلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ».

مرکز تحقیقات علمی و پژوهشی

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخم رحمة الله عليهم از محمد بن یحیی و احمد بن ادريس جميعاً از سلمه نقل کرده‌اند که وی گفت: برخی از اصحاب ما این حدیث را از ابن ابی نجران نقل کرده که وی گفت: محضر مبارکش عرضه داشتم: پاداش کسی که به زیارت رسول خدا ﷺ رفته و قصدش صرفاً زیارت بوده چیست؟ فرمود: خداوند او را در بهشت داخل می‌کند.

متن:

۱۶ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَجَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنْ السَّدُوسِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

ترجمه: ﴿ حدیث شانزدهم ﴾

پدر و جماعتی از مشایخ من از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از ابان، از سدوسی از حضرت ابا عبدالله عليه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند: رسول خدا ﷺ فرمودند: کسیکه به زیارت من آید روز قیامت شفع او خواهم بود.

مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

متن:

۱۷ - حَدَّثَنِي أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ مُوسَى بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُوسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدَ الْأَشْعَثِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إِلَى فِي حَيَاتِي، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعُوا فَابْعَثُوا إِلَيَّ بِالسَّلَامِ فَإِنَّهُ يَبْلُغُنِي».

ترجمه: ﴿ حدیث هفدهم ﴾

ابوالفضل محمد بن احمد بن سلیمان، از موسی بن محمد بن موسی، از محمد بن محمد اشعث می گوید: ابوالحسن موسی بن اسماعیل بن موسی بن

جعفر علیه السلام می گوید:

پدرم (یعنی اسماعیل) از پدرش (یعنی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام) از جدش (یعنی از جد پدرم) حضرت جعفر بن محمد، از پدرش، از حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که بعد از حیاتم قبر من را زیارت کند مانند کسی است که در زمان حیاتم بطرف من هجرت کرده و به زیارت من آمده باشد، بنابراین اگر نتوانستید به زیارت من آئید از همان مکان دور سلام فرستید که به من خواهد رسید.

متن:

۱۸ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ أَبِي شَهَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَا أَبَتَاهُ مَا جِزَاءُ مَنْ زَارَكَ؟ فَقَالَ عليه السلام: يَا بُنَيَّ مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ».

«حدیث هیجدهم»

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از عثمان بن عیسی، از معلی بن ابی شهاب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل می کند که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام به رسول خدا ﷺ عرض کرد:

پدرم: پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟

رسول خدا ﷺ فرمودند:

پسرم، کسی که در حال حیات و مماتم من را زیارت کند بر من است که روز قیامت به زیارتش رفته و او را از گرفتاری گناهانش برهانم.

متن:

۱۹ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ .

ترجمه:

﴿ حدیث نوزدهم ﴾

پدرم رحمه الله عليه از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید باسنادش مثل همین حدیث را نقل نموده



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

متن:

۲۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ ، عَنْ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام : « قَالَ : إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ تَعْدِلُ حُجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ مَبْرُورَةً » .

ترجمه:

﴿ حدیث بیستم ﴾

محمد بن جعفر رزاز (از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از حسن بن محبوب، از جمیل بن صالح، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل می کند که آن جناب فرمودند:

زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله معادل و مساوی حج مقبولی است که با آن حضرت بجا آورده شود.

متن:

۲۱- و عنه، عن محمد بن محمد بن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقیبة، عن زید الشَّحَام «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما لمن زار قبر رسول الله ﷺ؟ قال: كمن زار الله في عرشه».

﴿حدیث بیست و یکم﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسن، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از زید شحام نقل نموده، وی می گوید:
 بمحضری ابی عبدالله علیه السلام عرضه داشتم:
 ثواب و پاداش کسی که قبر رسول الله ﷺ را زیارت کند چیست؟
 حضرت فرمودند:
 وی مانند کسی است که خدا را در عرشش زیارت نموده باشد.

﴿الباب الثالث﴾

﴿زيارة قبر رسول الله ﷺ والدعاء عنده﴾

متن:

١ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ،
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ؛ وَ صَفْوَانَ؛ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ
جَمِيعاً، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: «قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ
الْمَدِينَةَ فَاغْتَسِلْ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَهَا أَوْ حِينَ تَرِيدُ أَنْ تَدْخُلَهَا ثُمَّ تَأْتِي قَبْرَ النَّبِيِّ
ﷺ فَتُسَلِّمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ تَقُومُ عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الْمَقْدَمَةِ عَنْ جَانِبِ
الْقَبْرِ الْأَيْمَنِ عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ وَ أَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ وَ مَنْكِبُكَ الْأَيْسَرُ إِلَى
جَانِبِ الْقَبْرِ وَ مَنْكِبُكَ الْأَيْمَنُ مِمَّا يَلِي الْمِنْبَرَ، فَإِنَّهُ مَوْضِعُ رَأْسِ النَّبِيِّ ﷺ
وَ تَقُولُ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ،
وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ لَأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ، وَ عَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،
وَ أَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَ أَنَّكَ قَدْ رَأَيْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غُلُظْتَ عَلَى
الْكَافِرِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمَكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَ الضَّلَالَةِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ
مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَهْلِ
السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ؛ وَ مَنْ سَبَّحَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ
عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صَفِيِّكَ

وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَأَعْطِهِ الدَّرَجَةَ
وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَأَبْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَعْطِيهِ بِهِ الْأَوَّلُونَ
وَالْآخِرُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاوَوْكَ
فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً»^(۱)، وَإِنِّي
أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي، وَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ
مُحَمَّدٍ ﷺ، يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ بِكَ لِیَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي».
و إن كانت لك حاجة فاجعل قبر النبي ﷺ خلف كتفك، واستقبل
القبلة، وارفع يديك واسأل حاجتك، فإنك أحرى أن تقضى إن شاء الله.



﴿باب سوم﴾
﴿زیارت قبر رسول خدا ﷺ﴾
﴿و خواندن دعاء نیز بر آن﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از
فضالة بن ایوب و حسین از صفوان و ابن ابی عمیر جمیعاً از معاویة بن عمار، از
حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده‌اند آن جناب فرمودند:

هنگامی که به مدینه وارد شدی پیش از ورود یا وقتی اراده ورود کردی غسل
کن و پس از آن نزد قبر رسول خدا ﷺ برو و بر آن جناب سلام کن سپس
نزدیک مستونی که از جانب راست قبر جلو قرار گرفته برو و بالای سر قبر در

حالی که رو به قبله قرار گرفته‌ای و شانه چپ تو به جانب قبر و شانه راستت بطرف منبر می‌باشد بایست که آنجا مکان سر مبارک رسول خدا ﷺ است و بگو: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ: شهادت می‌دهم خدائی نیست مگر خداوند متعال که تنها بوده و انباز و شریکی ندارد.

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ: و شهادت می‌دهم حضرت محمد ﷺ بنده و فرستاده او است.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: و شهادت می‌دهم تو فرستاده خدا هستی و تو جناب محمد بن عبدالله می‌باشی.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ: و شاهدت می‌دهم تو رساندی پیام‌های پروردگارت را.

وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ: و امت خود را پند و اندرز دادی.

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: و در راه خدا جهاد نمودی.

وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ: و پرستیدی حق تعالی را تا هنگامی که

موت تو را دریافت.

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ: امت خود را با حکمت و اندرزهای پسندیده

نصیحت نمودی.

وَأَدَّيْتُ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ: و حقّی که بر عهده داشتی اداء نمودی.

وَأَنَّكَ قَدْ رَأَيْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغَلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ: و شهادت می‌دهم

که نسبت به اهل ایمان رئوف و مهربان، و بر اهل کفر غلیظ و خشن بودی.

فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ: پس خداوند رساند تو را به

بالاترین مرتبه اهل اکرام.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشَّرْكِ وَالضَّلَالَةِ: حمد و ستایش

می کنیم خدائی را که بوسیله تو ما را از شرک و گمراهی رهانید:*

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَّوَاتِكَ وَ صَلَّوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ انْبِيَاءِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ اَهْلَ السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِينَ وَ مَنْ سَبَّحَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ: خداوندا درود خود و فرشتگان مقرب و بندگان شایستهات و پیامبران فرستادهات و نیز درود اهل آسمانها و زمین و موجودات قدیم و جدیدی که پروردگار عالم را تسبیح و تنزیه نموده‌اند را قرار بده...

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ اَمِينِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صَفِيَّتِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ: بر حضرت محمد ﷺ که بنده و فرستاده و پیامبر و امین و نیکو نژاد و محبوب و خالص و برگزیده شده و اختصاص داده شده و انتخاب شده تو از میان مخلوقات می باشد.

اَللّٰهُمَّ وَاَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغْبُطُهُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَ الْاٰخِرُونَ: خداوندا مقام و منزلت در بهشت به آن حضرت اعطاء فرما و بر انگیز آن جناب را در حالی که مقام و درجه‌ای پسندیده داشته به طوری که خلق اولین و آخرین غبطه آن را بخورند.

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ وَ لَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ ثُمَّ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوْ جَدَّوْا اللّٰهَ تَوَّاباً رَحِيماً: خداوندا خودت در قرآن فرموده‌ای:

اگر گروه گناه کاران بواسطه گناه بر خود ستم کنند و سپس نزد تو آیند (ای پیامبر) پس بواسطه تو از خدا طلب آمرزش کنند و تو از خدا طلب مغفرت کنی البته خواهند دید که خداوند توبه ایشان را پذیرفته و به آنها ترحم می نماید.

وَإِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي: و من در حالی که طلب آمرزش کرده و از گناهانم توبه می کنم به پیامبرت پناهنده شده ام.

وَإِنِّي أَتَوَجَّهَ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ: و من به توسط پیامبرت آن پیامبر رحمت یعنی حضرت محمد ﷺ به تو روی می آورم.

يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ لِیَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي: ای محمد ﷺ من به خدا متوجه شده و روی می آورم همان خدای من و تو تا گناهانم را ببخشد. و اگر حاجت داری قبر مطهر را پشت سر قرار بده و رو به قبله بایست و دو دستت را بلند نما و سپس حاجتت را از خدا بخواه که انشاء الله مستجاب خواهد شد.



متن:

۲ - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْمَوْسَوِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نُهَيْكٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ معاويةَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: إِذَا فَرَّغْتَ مِنَ الدُّعَاءِ عِنْدَ الْقَبْرِ فَأَتِ الْمَنْبَرَ وَامْسَحْ بِيَدِكَ وَخُذْ بُرْمَاتَيْهِ وَهَذَا الشُّفْلَاوَانِ؛ وَامْسَحْ وَجْهَكَ وَعَيْنَكَ بِهِ، فَإِنَّهُ يَقَالُ: إِنَّهُ شِفَاءٌ لِلْعَيْنِ، وَ قَمِ عِنْدَهُ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ، وَ سَلْ حَاجَتَكَ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَا بَيْنَ مَنبَرِي وَ بَيْتِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَ إِنَّ مَنبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرْعِ الْجَنَّةِ، وَ قِوَامُ الْمَنْبَرِ رُتْبٌ فِي الْجَنَّةِ - وَ التُّرْعَةُ هِيَ الْبَابُ الصَّغِيرُ - ثُمَّ تَأْتِي مَقَامَ النَّبِيِّ ﷺ فَصَلِّ فِيهِ مَا بَدَا لَكَ، فَإِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ إِذَا خَرَجْتَ فَافْعَلْ ذَلِكَ وَ أَكْثَرِ مِنَ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ ﷺ».

«حدیث دوم»

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عبدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از معاویه بن عمار نقل نموده، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

هرگاه از خواندن دعاء سر قبر فارغ شدی نزدیک منبر برو و دو قبه پائین آن را بگیر و صورت و دیده گانت را به منبر مسح نما زیرا موجب شفاء چشمان می باشد و نزد منبر بایست و خدا را حمد نما و ثناء بگو و سپس حاجت خود را بخواه چه آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

بین منبر و قبر من بستانی است از بساتین بهشت و منبر من روی دربی از درب های بهشت قرار گرفته و چهار پایه اش در بهشت نهاده شده است.

کلمه «ترعه» به ضم «تاء» و سکون «راء» و فتح عین، که در حدیث آمده یعنی درب کوچک سپس به مقام نبی صلی الله علیه و آله برو و هرچه خواستی در آنجا نماز بخوان و هنگامی که به مسجد داخل شدی بر محمد و آل محمد صلوات فرست چنانکه هنگام خروج از آن نیز به آن مبادرت نما و توجه داشته باش که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار نماز بخوان.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيُّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عليه السلام «قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَيَسْلَمُ وَيَشْهَدُ لَهُ بِالْبَلَاغِ وَيَدْعُو بِمَا حَضَرَهُ، ثُمَّ يُسْنِدُ ظَهْرَهُ إِلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله إِلَى

المرمرة الخضراء الدقية الغرض مما يلي القبر و يلتزق بالقبر و يسند ظهره إلى القبر و يستقبل القبلة و يقول:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ أَمْرِي؛ وَ إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِي، وَ الْقَبْلَةَ الَّتِي رَضِيتَ مُحَمَّدٍ اسْتَقْبَلْتُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرًا مَا أَرْجُوهَا وَلَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرًّا مَا أَخْذَرُ عَلَيْهَا، وَ أَصْبَحْتُ الْأُمُورَ بِيَدِكَ وَ لَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي، إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ، اللَّهُمَّ أَرِدْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي أَوْ أَنْ تُغَيِّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي، اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَ جَمِّلْنِي بِالنُّعْمِ وَ اعْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَ ارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ».

ترجمه: ﴿حدیث سوم﴾

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسكري از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار، از علی بن الحسین بن علی بن عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، از علی بن جعفر بن محمد از برادرش ابی الحسن موسی بن جعفر، از پدرش، از جد بزرگوارش علیه السلام، فرمودند:

حضرت علی بن الحسین علیه السلام معمولاً نزدیک قبر نبی اکرم صلی الله علیه و آله می ایستادند، ابتداء به آن جناب سلام می دادند و پس از آن شهادت به بلاغ^(۱) داده و بدنبالش به آنچه صلاح و صواب می دانستند دعاء می فرمودند و سپس به سنگ سبز باریکی که نزدیک قبر می باشد تکیه داده و خود را باین نحو به قبر می چسبانده و پشت به قبر داده و روی مبارک به قبله می فرمودند و این دعا می خواندند:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ أَمْرِي؛ يَا خَدَايَا قَصْدَمِ رَأْبَةٍ جَانِبِ تَوَّاعِطٍ دَاشْتَمِ.

۱ - یعنی فرمودند: اشهدانک قد بلغت رسالات ربک.

اشهد انك قد بلغت رسالات ربك: و بدنبالش به آنچه صلاح و صواب می دانستند دعاء می فرمودند و سپس به سنگ سبز باریکی که نزدیک قبر می باشد تکیه داده و خود را به این نحو به قبر می چسبانند، پشت به قبر داده و روی مبارک به قبله می فرمودند و این دعاء را می خواندند:

اللهم اليك الجأت امری: بار خدایا قصدم را به جانب تو معطوف داشتم.
والی قبر نبیک محمد ﷺ عبدك و رسولك اسندت ظهري: و پشتم را به قبر پیامبرت حضرت محمد ﷺ که بنده و فرستاده تو است تکیه دادم.
والقبلة التي رَضِيتَ لمحمد ﷺ استقبلت: و قبله ای را که برای حضرت محمد ﷺ پسندیدی مقابل خود قرار داده ام.

اللهم انی اصبحت لا املك لنفسی خیر ما ارجوها: بار خدایا صبح نموده ام در حالیکه خیر آنچه را که برای خود آرزو دارم مالک نیستم.
ولا ادفع عنها شرّ ما احذر علیها: و نه می توانم شرّ و بدی آنچه را که بر نفس خود می ترسم از آن دفع نمایم.
واصبحت الامور کلّها بیدك: و صبح نموده ام درحالی که تمام امور و کارها بدست تو می باشد.

و لا فقیر افقر منی: و نیازمندی محتاج تر از من وجود ندارد.
انی لما انزلت الی من خیر فقیر: به طور مسلم و قطع من به آن خیری که تو برایم منظور داشته ای محتاج دنیازمند هستم.

اللهم اُردنی منک بخیر ولا رادَ لفضلک: بار خدایا خیر را از ناحیه خودت به من باز گردان در حالی که احدی نیست فضل و خیر تو را به من برگرداند.
اللهم انی اعود بک من ان تبدل اسمی او تغیر جسمی او تُزِيل نعمتک عَنی: بار خدایا همانا به تو پناه می برم از اینکه نامم را مبدل ساخته یا جسمم را

تغییر داده یا نعمت را از من زائل نمائی.

اللهم زیننی بالتقوى و جمکنى بالنعم و اغمرنى بالعافية وارزقنى
شکراً عافیه: بار خدایا من را به تقوی مزین نما و به نعمت‌هایت بیارا و به عافیت
غوطه ورم گردان و به من توفیق ده که شکر عافیت را به جای آورم.

متن:

۴- حدیثی ابی: عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن
عبد الرحمن بن أبي نجران، والحسين بن سعيد؛ وغير واحد، عن حماد
بن عيسى، عن محمد بن مسعود «قال: رأيت أبا عبد الله عليه السلام انتهى إلى قبر
رسول الله صلى الله عليه وآله فوضع يده عليه وقال «أسأل الله الذي اجتبأك
واختارك وهداك وهدى بك أن يصلي عليك»، ثم قال: «إن الله
وملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا
تسليماً»

«حدیث چهارم»

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از عبد الرحمن بن
ابی نجران و حسین بن سعید و جماعتی از حماد بن عيسى از محمد بن مسعود
نقل نموده‌اند که وی گفت:

حضرت ابی عبد الله عليه السلام را دیدم که به قبر رسول خدا صلى الله عليه وآله رسیدند، پس
دست مبارکشان را روی قبر گذارده و فرمودند:

اسأل الله الذي اجتبأك و اختارك و هداك و هدى بك ان يصلي
عليك: از خدائی که تو را برگزید و اختیار نمود و هدایت کرد و بواسطه‌ات

دیگران را راهنمایی نمود می خواهم که بر تو درود و رحمت بفرستد.
 اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يَصَلُّونَ عَلٰى النَّبِیِّ یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ
 وَسَلِّمُوا تَسْلِیْمًا: همانا خداوند و فرشتگانش بر نبی اکرم ﷺ صلوات
 می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید بر پیامبر صلوات فرستاده و تسلیم
 شوید تسلیم شدنی.

متن:

۵ - حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیْسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ
 اِبْرَاهِیْمَ بْنِ اَبِی الْبَلَادِ «قَالَ: قَالَ لِی اَبُو الْحَسَنِ علیه السلام: کَیْفَ تَقُولُ فِی التَّسْلِیْمِ
 عَلٰی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله؟



قلت: الذی نعرفه و رویناه.
 قال: اولا اعلّمک ما هو اَفْضَلُ مِنْ هَذَا؟
 قلت: نَعَمْ جُعِلَتْ فِداک.

فکتب لی - و انا قاعدٌ - بخطّه و قرأه علی:

اذا وقفت علی قبره صلی الله علیه و آله فقل:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ اَوْ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ
 رَسُولُهُ اَوْ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ خَاتَمُ النَّبِیِّیْنَ، وَ
 أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ فِی
 سَبِيلِ رَبِّكَ وَ عَبْدَتْهُ حَتَّى أَتَاكَ الْیَقِیْنُ وَ أَدَّیْتَ الَّذِی عَلَیْكَ مِنَ الْحَقِّ،
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَجِّیْكَ وَ أَمِیْنِكَ وَ صَفِیْكَ وَ
 خَیْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلٰی أَحَدٍ مِنْ أَنْبِیَائِكَ وَ رُسُلِكَ،

اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ وَامْنُ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ رَبَّ
 الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَرَبَّ الْبَلَدِ
 الْحَرَامِ، وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَمِ، وَرَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، بَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ
 مُحَمَّدٍ ﷺ مِنِّي السَّلَامَ»

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از محمد بن عیسی، از پدرش، از ابراهیم بن ابی البلاد نقل
 نموده که وی گفت: حضرت ابوالحسن علیه السلام به من فرمودند:

چگونه به نبی اکرم صلی الله علیه و آله سلام می دهی؟

عرض کردم: به همان نحو که شما آگاه بوده و از طریق روایت به ما رسیده.
 و نیز به من فرمودند:

آیا عبارتی افضل و برتر از این به تو یاد ندهم؟

عرض داشتم: چرا فدایت شوم.

پس در حالی که خدمتش نشسته بودم به خط مبارکشان نوشته و بر من قرائت
 کردند، فرمودند: هرگاه نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستادی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ: شهادت می دهیم که خدائی

نیست مگر خداوند متعال که تنها بوده و انباز و شریکی ندارد.

و أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ: و شهادت می دهیم که حضرت

محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او است.

و اشهد أنك محمد بن عبد الله: و شهادت می دهم که تو حضرت محمد بن عبد الله هستی.

و اشهد أنك خاتم النبیین: و شهادت می دهم که تو آخرین پیامبر می باشی.
و اشهد أنك قد بلغت رسالات ربك: و شهادت می دهم که تو رساندی پیامهای پروردگارت را.

و نصحت لامتك: و ائت خود را پند و اندرز دادی.
و جاهدت في سبيل ربك: و در راه خدا جهاد نمودی.
و عبدته حتى اتاك اليقين: و پرستیدی حق تعالی را تا هنگامی که موت تو را دریافت.

و اذيت الذي عليك من الحق: و حقی که بر عهده داشتی ادا نمودی.
اللهم صل على محمد عبدك و رسولك و نجيبك و امينك و صفيك و خيرتك من خلفك افضل ما صليت على احد من انبيائك و رسلك: بار خدایا بر حضرت محمد ﷺ که بنده و فرستاده و نیکو نژاد و امین و خالص و برگزیده تو از میان مخلوقات است درود و رحمت فرستاد آنهم برترین رحمتی که بر هریک از پیامبران و رسولانت ارزانی داشتی.

اللهم سلم على محمد و آل محمد كما سلمت على نوح في العالمين: خداوندا همان طوری که نعمت سلامتی را در عالم نصیب جناب نوح ﷺ نمودی حضرت محمد ﷺ را از آن بهره مند گردان.

و امنن على محمد و آل محمد كما مننت على موسى و هارون: خداوندا همان طوری که بر موسی و هارون نعمت دادی بر حضرت محمد و آلش صلوات الله عليهم انعام نما.

و بارك على محمد و آل محمد كما باركت على ابراهيم و آل ابراهيم

اِنَّكَ حمید مجید: همان طوری که نعمت‌هایت را بر ابراهیم و آلش مداوم قرار دادی بر حضرت محمد و آل ایشان صلوات الله علیهم نیز نعمت‌هایت را دائمی و مستمر گردان بدرستی که تو ستایش شده و بزرگ می‌باشی.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرْحِمِ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ:

خداندا بر محمد و آل محمد درود فرست و ترحم نما.

اللّٰهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْحَلِّ وَالْحَرَامِ وَ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ بَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ مِنْ السَّلَامِ: خداندان که صاحب بیت الحرام و مسجد الحرام و رکن و مقام و بلد حرام و حل و حرم و مشعر الحرام هستی از طرف من سلام به روح پیامبرت حضرت محمد ﷺ برسان.



مرکز تحقیقات و کتابخانه‌های اسلامی

متن:

۶- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيُّ: عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ﷺ: كَيْفَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ قَبْرِهِ؟ فَقَالَ:..

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب کلینی از عده‌ای اصحاب، از سهل بن زیاد، از احمد بن محمد بن ابی نصر نقل نموده، وی می‌گوید: محضر مبارک حضرت ابی‌الحسن علیه السلام عرض کردم:

وقتی در مقابل قبر مطهر رسول خدا ﷺ می‌ایستیم چگونه به حضرتش سلام دهیم؟

حضرت فرمودند:

کیفیت آن چنین است:

السَّلامُ عَلٰی رَسُولِ اللَّهِ: سلام بر فرستاده خدا.

السَّلامُ عَلَیْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ: سلام بر تو ای محبوب خدا.

السَّلامُ عَلَیْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ: سلام بر تو ای برگزیده خدا.

السَّلامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ: سلام بر تو ای امین خدا.

اشهد أنّك قد نصحت لأمّتك: شهادت می‌دهم که تو امتت را پندوانداز دادی.

و جاهدت فی سبیل الله: در راه خدا سعی و کوشش نمودی.

و عبدته مخلصاً حتی اتیک الیقین: و او را خالص از هر شائبه شرکی پرستیدی تا موت تو را دریافت.

فجزاك الله افضل ماجزی نبیاً عن امّته: پس برترین و بالاترین پاداشی

که حق تعالی به هر پیامبری عوض امتش می‌دهد به تو بدهد.

اللهم صلّ علی محمد افضل مصلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انّک

حمید مجید: خداوندا بالاتر و بهتر از رحمتی که بر ابراهیم و آلش فرستادی بر حضرت محمد ﷺ بفرست بدرستی که تو ستایش شده و

بزرگ می‌باشی.

﴿سلام مولانا ابی الحسن موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام﴾
 ﴿علی جدّه و رسوله الله صلی الله علیه و آله﴾

متن:

۷- [و] باسناده، عن سهل، عن علی بن حسان - عن بعض أصحابنا -
 «قال: حضرت ابوالحسن الأول علیه السلام و هارون الخلیفه، و عیسی بن جعفر و
 جعفر بن یحیی بالمدينة، و قد جاؤا إلى قبر النبی صلی الله علیه و آله، فقال هارون لأبی -
 الحسن علیه السلام: تقدّم، فأبی، فتقدّم هارون فسلم و قام ناحية، فقال عیسی
 بن جعفر لأبی الحسن علیه السلام: تقدّم، فأبی، فتقدّم عیسی بن جعفر فسلم و وقف مع
 هارون، و تقدّم أبو الحسن علیه السلام فقال: «السّلامُ علیک یا اَبه، أسألُ اللهَ
 الَّذی اصْطَفَاکَ واجْتَبَاکَ وَ هَدَاکَ وَ هَدَى بِکَ أَنْ یُصَلِّیَ عَلَیْکَ»، فقال
 هارون لعیسی: سمعتَ ما قال؟ قال: نعم، فقال هارون: أشهد أنّه أبوه
 حقّاً».

﴿کیفیت سلام حضرت موسی بن جعفر علیه السلام﴾
 ﴿بر جدّه خود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله﴾

﴿حدیث هفتم﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب به اسنادش، از سهل، از علی بن حسان از برخی اصحاب،
 وی می گوید: حضرت ابوالحسن اول علیه السلام (امام کاظم علیه السلام) و هارون الرشید خلیفه
 و عیسی بن جعفر و جعفر بن یحیی در مدینه بوده و باتفاق بطرف قبر نبی اکرم
صلی الله علیه و آله رفتند و وقتی نزدیک قبر رسیدند هارون به امام هفتم علیه السلام عرض کرد:

شما سبقت گرفته و ابتداء به سلام نمائید:
 حضرت امتناع فرمود لذا هارون جلو رفت و سلام نمود و سپس به گوشه‌ای
 رفت و ایستاد پس عیسی بن جعفر به حضرتش عرض نمود:
 شما سبقت گرفته و ابتداء به سلام نمائید:
 حضرت اباء نموده لذا عیسی بن جعفر جلو رفت و سلام نمود و سپس در
 جنب هارون ایستاد.

پس جعفر به آن جناب عرض کرد:
 شما سبقت گرفته و ابتداء به سلام نمائید.
 حضرت نپذیرفته فلذا جعفر جلو رفت و سلام نمود و سپس نزدیک هارون
 ایستاد. آن گاه حضرت ابوالحسن جلو رفته و چنین سلام دادند:
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتَهُ: سلام بر تو ای پدر من.
 أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اضْطَفَاكَ وَاجْتَبَاكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ
 عَلَيْكَ: از خدائی که تو را برگزید و راهنمائیست نمود و بواسطه تو دیگران را
 هدایت کرد می‌خواهم که تو را مشمول رحمتش قرار دهد.

متن:

۸ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ
 عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعُلَوِيِّ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ
 الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَخِيهِ مُوسَى، عَنْ
 أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عليه السلام «قَالَ: كَانَ أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ
 فَيَسْلَمُ عَلَيْهِ وَيَشْهَدُ لَهُ بِالْبَلَاغِ وَيَدْعُو بِمَا حَضَرَهُ، ثُمَّ يَسْنُدُ ظَهْرَهُ إِلَى
 قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ إِلَى الْمَرْمَرَةِ الْخَضِرَاءِ الدَّقِيقَةِ الْعَرَضِ مِمَّا يَلِي الْقَبْرَ، وَ

يلتزق بالقبر و يُسندُ ظهره إلى القبر و يستقبل القبلة فيقول:
 «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَجَأْتُ أَمْرِي، وَإِلَى قَبْرِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ
 أَسْتَدْتُ ظَهْرِي، وَالْقِبْلَةَ الَّتِي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ اسْتَقْبَلْتُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ
 لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا أَرْجُو لَهَا وَلَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا أَخْذَرُ عَلَيْهَا، وَأَصْبَحْتُ
 الْأُمُورَ كُلَّهَا بِيَدِكَ، وَلَا أَفْقِرُ أَفْقَرُ مِنِّي، إِنِّي لَمَّا أُنْزِلْتَ إِلَى مَنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ،
 اللَّهُمَّ أَرِدْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ، وَلَا رَادَّ لِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ
 اسْمِي (أَوْ تُغَيِّرَ جِسْمِي؛ أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي، اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى، وَجَمِّلْنِي
 بِالنَّعَمِ، وَاعْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ».

«حدیث هشتم»

ترجمه:

محمد بن حسن مهزيار، از پدرش، از جدش علی بن مهزيار، از علی بن
 حسین علوی بن علی بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، از
 علی بن جعفر، از برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از
 پدر بزرگوارش از جد امجدش علیه السلام، فرمود:

پدر بزرگوارم حضرت علی بن الحسین علیه السلام معمولاً نزدیک قبر نبی اکرم صلی الله علیه و آله
 می ایستادند ابتداء به آن جناب سلام می دادند و پس از آن شهادت به بلاغ داده
 (یعنی می فرمودند:

اشهد أنك قد بلغت رسالات ربك: و به دنبالش به آنچه صلاح و صواب
 می دانستند دعاء می فرموده و سپس به سنگ سبز باریکی که نزدیک قبر می باشد
 تکیه داده و خود را به این نحو به قبر می چسباندند، پشت به قبر داده و روی
 مبارک به قبله می فرمودند و این دعاء را می خواندند:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَجَأْتُ أَمْرِي: بار خدای قصدم را به جانب تو معطوف داشتم.

و الى قبر نبيك محمد ﷺ عبدك ورسولك اسندت ظهري: و پشتم را
به قبر پیامبرت حضرت محمد ﷺ که بنده و فرستاده تو است تکیه دادم.
والقبلة التي رضيت لمحمد ﷺ استقبلت: و قبله‌ای را که برای حضرت
محمد ﷺ پسندیدی مقابل خود قرار دادم.

اللهم اني اصبحت لا املك لنفسي خيرا ما ارجو لها: بار خدایا صبح نموده‌ام
در حالی که خیر آنچه را که برای خود آرزو دارم مالک نیستم.
ولا ادفع عنها شر ما احذر عليها: و نه می‌توانم شر و بدی آن چه را که بر
نفس خود می‌ترسم از آن دفع کنم.
واصبحت الامور كلها بيدك: و صبح نموده‌ام در حالی که تمام امور و
کارها به دست تو می‌باشد.

ولا فقير افقر مني: و نیازمندی محتاج ترا از من وجود ندارد.
اني لما انزلت الي من خير فقير: به طور مسلم و قطع من به آن خیری که تو
برایم منظور داشته‌ای محتاج و نیازمند هستم.

اللهم اردني منك بخير ولا راد لفضلك: بار خدایا خیر را از ناحیه خودت
به من باز گردان در حالی که احدی نیست فضل و خیر تو را به من برگرداند.
اللهم اني اعوذ بك من ان تبدل اسمي او تغير جسمي او تزيل نعمتك
عني: بار خدایا همانا به تو پناه می‌برم از اینکه نامم را مبدل ساخته یا جسمم را
تغییر داده یا نعمت را از من زائل نمائی.

اللهم زيني بالتقوى و جملي بالنعم و اغمرني بالعافية و ارزقني شكر
العافية: بار خدایا من را به تقوی مزین نما و به نعمت هایت بیارا و به عافیت
غوطه ورم گردان و به من توفیق داده که شکر عافیت را به جای آورم.

﴿ما يجب أن يُدعى به عند قبر سيدنا رسول الله ﷺ،﴾
 ﴿تخرج في المناسك﴾

متن:

۹- حدَّثني عليُّ بن الحسين، عن عليِّ بن إبراهيم بن هاشم، عن محمد بن عيسى بن عبيد، عن أبي عبد الله زكريّا المؤمن، عن إبراهيم بن ناجية، عن إسحاق بن عمار «قال:

قلت لأبي عبد الله عليه السلام: علّمني تسليماً خفيفاً علي النبي ﷺ، قال: قل: «أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَنْتَجِبَكَ وَاصْطَفَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ صَلَاةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً».



﴿آنچه واجب است در نزد قبر مطهر رسو خدا ﷺ﴾
 ﴿خوانده شود﴾

حدیث نهم

ترجمه:

علی بن حسین از علی بن ابراهیم بن هاشم، از محمد بن عیسی بن عبید، از ابی عبد الله زکریّا مؤمن، از ابراهیم ابن ناحیه، از اسحق بن عمار، وی می گوید: محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: از میان سلام هائی که به رسول خدا ﷺ داده می شود سلام کوتاهی به من تعلیم بفرمائید:

حضرت فرمودند:

بگو:

أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَنْتَجِبَكَ وَاصْطَفَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ صَلَاةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً.

از خدائی که ترا برگزید و اختیار نمود و هدایت کرد بواسطه تو دیگران را

راهنمایی نمود درخواست می‌کنم که بر تو رحمت فراوان و پاکیزه بفرستد.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى؛ وَ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ؛ وَ مُوسَى بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ قَبْرِهِ؟ فَقَالَ: تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لَأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَ عَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ».

﴿حدیث دهم﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى و يعقوب بن يزيد و موسى بن عمر، از احمد بن محمد بن أبي نصر، از حضرت ابی الحسن الرضا عليه السلام، وی می‌گوید:

محضر مبارک آن حضرت عرضه داشتم: هنگامی که نزد قبر مطهر رسول

خدا ﷻ رسیدیم چگونه به آن جناب سلام دهیم؟

حضرت فرمودند:

بگو:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ: سلام بر رسول خدا ﷺ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ: سلاما ما و رحمت و برکات خدا بر

تو باد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: سلام بر تو ای فرستاده خدا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ: سلام بر تو ای حضرت محمد بن

عبدالله.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ: سلام بر تو ای برگزیده خداوند متعال.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ: سلام بر تو ای محبوب خداوند متعال.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ: سلام بر تو ای افتخار شده خداوند متعال.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ: سلام بر تو ای امین خداوند متعال.

أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ: شهادت می دهم که تو فرستاده خداوند متعال

هستی.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: و شهادت می دهم که تو حضرت محمد

بن عبدالله می باشی.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لَأَمَّتِكَ: و شهادت می دهم که تو امنت را اندرز

دادی.

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ: و در راه خدا کوشش و سعی نمودی.

وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ: و خدا را پرستیدی تا زمانی که موت شما را

دریافت.

فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ: پس خداوند به شما برترین

پاداشی را که بهر یک از انبیاء عوض امتش داده بدهد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ: خداوند رحمتت را بر محمد و آل

محمد بفرست.

أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ: برترین رحمتی که بر ابراهیم

و آلش فرستادی.

إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ: همانا تو ستایش شده و بزرگ می باشی.



﴿الباب الرابع﴾

﴿فضل الصلاة في مسجد رسول الله ﷺ﴾

﴿و ثواب ذلك﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ عِمَارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ؛ هِيَ مِثْلُ الصَّلَاةِ بِالْمَدِينَةِ؟ قَالَ عليه السلام: لَا، لِأَنَّ الصَّلَاةَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِأَلْفِ صَلَاةٍ، وَ الصَّلَاةُ بِالْمَدِينَةِ مِثْلُ الصَّلَاةِ فِي سَائِرِ الْأَمْصَارِ».

﴿باب چهارم﴾

﴿فضیلت خواندن نماز در مسجد رسول خدا ﷺ﴾

﴿و ثواب و اجر آن﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن حسن بن احمد بن ولید از محمد بن حسن صفار، از احمد بن حسن بن علی بن فضال، از عمرو بن سعید از مصدق بن صدقه، از عمار بن موسی ساباطی، از ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:

از آن حضرت پرسیدم:

آیا نماز در مسجد رسول صلی الله علیه و آله مانند نماز در شهر مدینه می باشد؟

حضرت فرمودند:

خیر، زیرا نماز در مسجد رسول صلی الله علیه و آله معادل با هزار نماز بوده و نماز در شهر مدینه مانند نماز در سایر شهرها است.

متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ الْقَمِّيِّ الْأَشْعَرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ مُرَازِمٍ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؟ فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تَعْدُلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ، وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدُلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي مَسْجِدِي ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ مَكَّةَ وَ جَعَلَ بَعْضُهَا أَفْضَلَ مِنْ بَعْضٍ،

فَقَالَ: «وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»^(۱)، وَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ أَقْوَاماً وَأَمَرَ بِاتِّبَاعِهِمْ وَأَمَرَ بِمُودَّتِهِمْ فِي الْكِتَابِ».

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم از سعد بن عبدالله بن ابی خلف قمی اشعری، از احمد بن محمد بن عیسی، از موسی بن قاسم بجلی، از کسی که برایش نقل نموده، از مرآزم، وی می‌گوید:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

یک نماز در مسجد من معادل و مساوی با هزار نماز در غیر آن بوده و نماز در مسجد الحرام مساوی با هزار نماز در مسجد من می‌باشد، سپس فرمودند: حق تعالی مکه را بر سایر بقاع تفضیل داد و برخی از نواحی آنرا بر بعضی دیگر برتر قرار داد فرمود: مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید. و نیز فرمود:

حق تعالی گروهی را بر دیگران تفضیل داد و امر نمود که سایرین از آنها پیروی کنند و در کتاب عزیزش دستور داد که مودت و محبت آن گروه را در دل داشته باشند.

متن:

۳- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنُ مُوسَى بْنِ بَابُويَه، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ أَبِيهِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ، عَنْ أَبِي الصَّامِتِ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ:

صلاة في مسجد النبي ﷺ تعدلُ عشرة آلاف صلاة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

علی بن حسین بن موسی بن بابویه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از پدرش اسمعیل، از ابن مسکان، از ابی الصّامت، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

نماز در مسجد رسول خدا ﷺ مساوی با ده هزار نماز می باشد.

متن:

۴- حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيٍّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى؛ وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ؛ وَفَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ جَمِيعاً، عَنْ معاويةَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لابنِ أَبِي يَعْفُورٍ: أَكْثَرُ مِنَ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا كَأَلْفِ صَلَاةٍ فِي مَسْجِدٍ غَيْرِهِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، فَإِنَّ صَلَاةً فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي مَسْجِدِي».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و استائیدم، از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی، از حسین بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضاله بن ایوب جملگی از معاویه بن عمار نقل کرده اند که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله ﷺ به ابن ابی یعفور فرمودند:
در مسجد رسول خدا ﷺ زیاد نماز بخوان زیرا حضرتش ﷺ فرمودند:
یک نماز در مسجد من مانند هزار نماز در مساجد دیگری می باشد مگر مسجد
الحرام زیرا یک نماز در این مسجد مساوی با هزار نماز در مسجد من می باشد.

متن:

۵ - محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن سلمة. و
حدَّثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب، عن علي بن
سيف، عن جميل بن دراج «قال: سمعت أبا عبد الله ﷺ يقول: قال
رسول الله ﷺ: صلاة في مسجدی تعدل ألف صلاة في غيره».

حدیث پنجم

ترجمه:

محمد بن حسن، از سلمه و حکیم بن داود بن حکیم از سلمه بن خطاب، از
علی بن سیف از جمیل بن دراج نقل نموده که وی گفت:
شنیدم که حضرت ابا عبدالله ﷺ می فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

یک نماز در مسجد من مساوی با هزار نماز در غیر آن می باشد.

متن:

۶ - حدَّثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب، عن
مُصَدِّق بن صدقة، عن عمار بن موسى الساباطي، عن أبي عبد الله ﷺ «قال:
سألتُه عن الصَّلاة في مسجد الرَّسول ﷺ هل مثل الصَّلاة في المدينة؟

قال ﷺ لا لأنَّ الصَّلَاةَ في مسجد الرَّسول ﷺ بألف صلاة والصَّلَاةَ بالمدينة مثل الصَّلَاةِ في سائر الأمصار.

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمة بن خطاب، از مصدق بن صدقه، از عمار بن موسی سباطی، از حضرت ابی عبدالله ﷺ نقل نموده، وی می گوید: از خواندن نماز در مسجد رسول خدا ﷺ سوال کرده و عرضه داشتم: آیا نماز در مسجد رسول خدا ﷺ مساوی با نماز در مدینه می باشد؟ حضرت فرمودند:

خیر: زیرا نماز در مسجد رسول خدا ﷺ معادل با هزار نماز بوده و نماز در مدینه مانند نماز در سائر شهرها است.

مرکز تحقیقات اسلامی قم

متن:

۷- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ».

ترجمه: ﴿ حدیث هفتم ﴾

حکیم بن داود از حکیم، از سلمه، از علی بن سیف، از پدرش، از داود بن فرقده، وی می گوید: از حضرت ابا عبدالله ﷺ شنیدم که می فرمودند: رسول خدا ﷺ فرمودند:

یک نماز در مسجد من مساوی با هزار نماز در غیر آن می باشد.

متن:

۸- و عنه، عن سلمة، عن إسماعيل بن جعفر، عن بعض أصحابه، عن
مُرازم، عن أبي عبد الله عليه السلام: «قال: صلاةٌ في مسجد المدينة أفضل من
ألف صلاةٍ في غيره من المساجد».

ترجمه: ﴿ حدیث هشتم ﴾

حکیم بن داود از سلمه، از اسماعیل بن جعفر، از برخی اصحابش، از مرازم،
از حضرت اباعبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
یک نماز در مسجد مدینه بالاتر از هزار نماز در سایر مساجد می باشد.



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

﴿الباب الخامس﴾
 ﴿زيارة حمزة عم رسول الله ﷺ﴾
 ﴿وقبور الشهداء﴾

متن:

١ - حدثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب، عن عبد الله بن أحمد، عن بكر بن صالح، عن عمرو بن هشام - عن رجل من أصحابنا - عنهم عليهم السلام «قال: ويقول عند قبر حمزة:

«السَّلامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ وَخَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ وَطَلَبْتَ مَا عِنْدَ اللَّهِ، وَرَغِبْتَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ».

ثمَّ ادخل فَصَلَّ و لا تستقبل القبرَ عند صَلَاتِكَ، فإذا فرغت من صَلَاتِكَ فانكَبَّ على القبر و قل:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُوقِي بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ لِتُجِيرَنِي مِنْ نِقْمَتِكَ وَسَخَطِكَ وَمِنْ الْأَزْلالِ فِي يَوْمِ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَصْوَاثُ وَالْمَعْرَاثُ، وَتَشْتَغِلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ وَتُجَادِلُ كُلُّ نَفْسٍ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ تَرَحَّمْنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَلَا حُزْنَ، وَإِنْ تُعَاقِبْ فَمَوْلَايَ لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ، اللَّهُمَّ فَلَا تُخَيِّبْنِي الْيَوْمَ وَلَا تُصْرِفْنِي بغير حاجتي، فَقَدْ لَزِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ،

و تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ اِيْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَ عُدْ بِحَلِيمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَ بِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ جِنَايَةَ نَفْسِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، وَ مَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي وَ لَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ، فَانْظُرِ الْيَوْمَ إِلَى ثَقَلْبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّوْا تُكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، فَبِهِمْ فُكِّنِي وَ لَا تُخَيِّبْ سَعْيِي وَ لَا يُهَوِّنْ عَلَيْكَ اِبْتِهَالِي وَ لَا تَحْجُبْ مِنْكَ صَوْتِي، وَ لَا تُقَلِّبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي؛ يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَ مُخْزُونٍ، يَا مُفْرِجَ عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانِ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ انْظُرْ إِلَى نَظْرَةٍ لَا أَشْقَى بَعْدَهَا أَبَدًا، وَ اِرْحَمْ تَضَرُّعِي وَ غُرْبَتِي وَ اِنْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ وَ تَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، وَ لَا تَرُدُّ أَمَلِي».



مرکز تحقیق و پژوهش اسلامی
باب پنجم

﴿زیارت حضرت حمزه عموی گرامی رسول خدا ﷺ﴾
﴿و قبور شهداء﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه بن خطاب، از عبدالله بن احمد از بکر بن صالح، از عمرو بن هشام از شخصی از اصحاب ما از معصومین علیهم السلام، وی می گوید:

زائر نزد قبرد جناب حمزه بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَيْرَ الشَّهَدَاءِ: سلام بر تو ای عموی

رسول خدا و بهترین شهداء.

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا اسَدَ اللَّهِ وَ اسَدَ رَسُوْلِهِ: سلام بر تو ای شیر خدا و شیر رسول خدا.

اشهد انك قد جاهدت في الله حق جهاده: شهادت می‌دهم که تو در راه خدا آن طوری که باید جهاد کنی جهاد کردی.

و نصحت لله و لرسوله: و شهادت می‌دهم که برای خدا و رسول خدا به دیگران اندرز داده و نصیحت نمودی.

وجدت بنفسك و طلبت ما عند الله و رغبت في ما وعد الله: و نفست را ایثار کرده و رضای خدا را طلب نموده و در آنچه خدا وعده داده رغبت و میل نشان دادی.

سپس داخل شو و صلوات فرست ولی هنگام صلوات قبر را مقابل خود قرار مده و پس از فراغت از صلوات خود را روی قبر بیانداز و بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ: خداوندا بر محمد و اهل بیتش رحمت فرست.

اللَّهُمَّ اِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلِزْوَقِي بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ لِتَجِيرَنِي مِنْ نِعْمَتِكَ وَ سَخَطِكَ وَ مَقْتِكَ وَ مِنْ الْاِزْلالِ فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ الْاَصْوَاتُ وَ الْمَعْرَّاتُ وَ تَشْتَغِلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمت وَ تَجَادِلُ كُلُّ نَفْسٍ عَنْ نَفْسِهَا: خداوندا من با چسباندن خویش را به قبر عموی گرامی پیامبرت که رحمت تو بر او و بر اهل بیتش باد خود را در معرض رحمت قرار داده تا زنده‌ام داده و بدین وسیله من را از عتاب و خشم و دشمنی خودت بر حذر داشته و در روزی که در آن فریادها بسیار و بدن‌های عریان بی‌شمار بوده و هرکس سرگرم اعمالی است که در دنیا مرتکب شده و جمله نفوس در مقام دفاع از خود هستند پناه می‌دهی.

فَإِنْ تَرَحَّمَنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَلَا حُزْنَ: پس اگر در آن روز به من
ترحم فرمائی دیگر نه خوفی داشته و نه حزنی.
و ان تعاقب فمولای له القدرة علی عبده: و اگر من را عقاب و عذاب
کنی باکی نیست زیرا تو مولا و آقای من بوده و آقا بر عبد و بنده اش تسلط و
قدرت دارد.

اللَّهُمَّ فَلَا تَخَيِّبْنِي الْيَوْمَ وَلَا تَصْرِفْنِي بغير حاجتی: خداوندادر این روز من را
نا امید نکرده و بدون حاجت روا شده بر مگردان.
فقد لزقت بقبر عمّ نبيّك و تقرّبت به اليك ابتغاء مرضاتك و رجاء
رحمتك: زیرا خود را به قبر عموی گرامی پیامبرت چسبانده و به واسطه اش به
تو تقرّب جسته و رضایت را بدین وسیله طالب بوده و امید رحمتت را دارم.
فَتَقَبَّلْ مِنِّي وَ عُدَّ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي وَ بَرَأْفَتِكَ عَلَيَّ جُنَايَةَ نَفْسِي فَقَدْ عَظُمَ
جرمی: پس از من بپذیر و حلمت را بر جهل و نادانی من و عذوفت و مهربانیت
را بر جنایتم مسلط و غالب گردان چه آنکه جرم و گناهم بسیار گشته است.
و ما اخاف ان تظلمني و لكن اخاف سوء يوم الحساب: و از اینکه به
من ظلم کنی هراسی ندارم - یعنی می دانم که ظلم نمی کنی - ولی از زشتی اعمالم
در روز حساب خائف و بیم ناکم.

فانظر اليوم تقلّبي على قبر عمّ نبيّك صلواتك على محمّد و اهل بيته
فبهم فكنتي و لا تحيّب سعيي و لا يهوننّ عليك ابتهالي و لا تحجب منك
صوتي و لا تقلّبي بغير حوائجي.

پس در امروز بنگر که من جا به جا شده و خود را بر سر قبر عموی پیامرت
رسانده ام درود و رحمتت بر حضرت محمّد و اهل بیثش باد، پس به واسطه
ایشان من را آزاد نما و سعی و کوششم را ناکام مگذار و مبادا زاری من بر تو سهل

و آسان آید و صدایم را از خود محجوب و نهان مدار و البته بدون حاجت روا شده من را بر مگردان.

یا غیاث کُلِّ مَكْرُوبٍ وَ مَحْزُونٍ یا مُفْرِجَ عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحِیرَانِ
الغریب الغریق المشرف عَلَى الْهَلْکَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ
الطَّاهِرِينَ. ای پناه گاه هر اندوهگین و صاحب حزنی، ای بر طرف کننده اندوه
از غم زده ای که سر گردان و غریب و سوخته دل و نزدیک به هلاکت گشته، بر
حضرت محمد ﷺ و خاندان پاکیزه اش رحمت و درود بفرست.

و انظر إِلَى نَظْرَةٍ لَا أَشَقُّ بَعْدَهَا أَبَداً: نظر نما به من نظری که بعد از آن هرگز
به شقاوت نگرایم.

و ارحم تضرّعی و غربتی و انفرادی فقد رجوت رضاك و تحرّیت
الخير الذی لَا یُعْطِیْهِ أَحَدٌ مِثْلَکَ وَ لَا تَرُدُّ أَمْلِی. به زاری و غربت و تنهایی
من رحم نما، همانا من به خشنودی تو از خویش امیدوار بوده و همواره آن
خیری را طالبم که کسی غیر از تو آن را اعطاء نمی نماید و از تو می خواهم که
آرزوی من را ناکام و نافرجام نگذاری.

متن:

و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ سَلَمَةَ

مثله.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ أَحْمَدَ بْنِ أَدْرِيسَ جَمِيعاً عَنْ سَلَمَةَ

مثله.

متن:

٢ - حدثني محمد بن الحسن بن أحمد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن عبد الله بن هلال، عن عُبَيْتَةَ، عن أبي عبد الله عليه السلام - في حديث له طويل - «قال: إني آتى المساجد التي حول المدينة فبأيتها أبدء؟ فقال: ابدء بـ «قُبا» فصل فيه وأكثر، فإنه أول مسجد صلى فيه رسول الله ﷺ في هذه العرصة، ثم أتت مشربة أم إبراهيم فصل فيها فإنه مسكن رسول الله ﷺ ومُصَلَّاه، ثم أتى مسجد الفضيخ فصل فيه ركعتين فقد صلى فيه نبيك، فإذا قضيت هذا الجانب فأت جانب أحد فبدئت بالمسجد الذي دون الحرّة فصلت فيه، ثم مررت بقبر حمزة بن عبد المطلب فسلمت عليه، ثم مررت بقبور الشهداء فقامت عندهم فقلت:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ، أَنْتُمْ لَنَا قَرُطٌ وَإِنَّا بِكُمْ لَاجِقُونَ».

ثم أتى المسجد الذي في المكان الواسع إلى جنب الجبل عن يمينك حتى تدخل «أحد» فتصلي فيه، فعنده خرج النبي ﷺ إلى أحد حيث لقي المشركين فلم يبرحوا حتى حضرت الصلاة فصلى فيه، ثم مر أيضاً حتى ترجع فصل عند قبور الشهداء ما كتب الله لك، ثم امض على وجهك حتى أتى مسجد الأحزاب فتصلي فيه، فإن رسول الله ﷺ دعا فيه يوم الأحزاب وقال: «يا صرِيحَ المَكْرُوبِينَ، وَيا مُجِيبَ دَعْوَةِ المُضْطَرِّينَ، وَيا غِيَاثَ المَلْهُوفِينَ، اكشِفْ هَمِّي وَكَرْبِي فَقَدْ تَرَى حَالِي وَحَالَ أَصْحَابِي».

ترجمه:

محمد بن حسن از محمد بن حسن صفار از سلمه مثل حدیث اول را برایم نقل نموده.

ترجمه:

پدرم از محمد بن یحیی و احمد بن ادریس جعلگی از سلمه مثل حدیث اول را برایم نقل نمودند.

«حدیث دوم»

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد از محمد بن حسن صفار از محمد بن حسین، از محمد بن عبدالله بن هلال از عقبه، از مولانا ابی عبدالله علیه السلام در حدیث طولانی فرمودند:

سپس به قبر حمزة بن عبدالمطلب گذر نما پس به آن جناب سلام نما و بعد از آن به قبور شهداء عبور نما پس نزد قبور ایشان بایست و بگو:
السَّلامَ عَلَیْکُمْ یا اهل الدِّیَارِ اَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَاَنَا بِکُمْ لَاحِقُونَ: وَاَنَا بِکُمْ لَاحِقُونَ: سلام بر شما ای اهل دیار مردگان شما جلو تر از ما کوچ کرده و ما هم از دنبال به شما ملحق خواهیم شد.

سپس به مسجدی که در مکان وسیعی نزدیک کوه سمت راست قرار گرفته برو تا اینکه داخل اُخذ شوی پس در آن نماز بگذار چه آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از همین مکان به احد تشریف بردند و آن در وقتی بود که با مشرکین مواجه شدند و آنها در آنجا بوده و از آن مکان دور نشدند تا زمانی که وقت نماز فرا رسد و آن جناب نماز خواندند.

سپس از احد بگذر تا برگشته و مراجعت نمائی و وقتی نزدیک قبور شهداء رسیدی نمازی را که حق تعالی در وظیفه تو قرار داده بخوان سپس به راه مقابلت

ادامه بده تا به مسجد احزاب برسی پس در آن جا نماز بگذارد چه آنکه رسول خدا ﷺ در روز احزاب در این مسجد دعاء خوانده و فرمودند:

یا صریح المکروبین و یا مجیب دعوة المضطربین و یا غیاث الملهوفین اکشف همی و کربی و غمی فقد تری حالی و حال اصحابی.

ای فریاد رس اندوهگینان و ای اجابت کننده دعای بی چارگان و ای پناه گاه غمگینان غصه و اندوه من را بر طرف کن زیرا حال من و حال یارانم را دیده و از آن مطلع می باشی.



«الباب السادس»

«فضل إتيان المشاهد بالمدينة و ثواب ذلك»

مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى؛ وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ؛ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ جَمِيعاً، عَنْ معاويةَ بْنِ عَمَّارٍ «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: لا تدع إتيان المشاهد كلها و مسجد قبا؛ فإنه المسجد الذي أُسِّسَ على التَّقْوَى من أوَّل يوم، و مَشْرَبَةُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ، و مسجد القُضَيْخِ و قبور الشُّهَدَاءِ و مسجد الأحزاب؛ و هو مسجد الفتح، و بلغني أنَّ النَّبِيَّ ﷺ كان إذا أتى قبور الشُّهَدَاءِ قال: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ».

و لیکن فیما تقول فی مسجد الفتح:

«یا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ، و یا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ اكْشِفْ عَنِّي غَمِّي وَ كَرْبِي وَ هَمِّي كَمَا كَشَفْتَ عَن نَّبِيِّكَ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ كَرْبَهُ، وَ كَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فِي هَذَا الْمَكَانِ».

﴿باب ششم﴾

﴿فضیلت و ثواب زیارت مشاهد مشرفه در مدینه﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدش علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضالة بن ایوب جعلگی از معاویه بن عمار، وی می گوید:



امام صادق علیه السلام فرمودند:

مبادا زیارت مشاهد مشرفه و مسجد قبا را ترک کنی چه آنکه این مسجد همان مسجدی است که حق تعالی در قرآن فرموده:

لِمَسْجِدِ اسَّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ....

و نیز در این مسجد مادر، جد، ابراهیم (مقصود ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد) مکان داشت و نیز به زیارت مسجد فضیخ و قبور شهداء و مسجد احزاب که همان مسجد فتح باشد مبادرت نما و شنیده ام که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه به قبور شهداء احد عبور می کردند می فرمودند:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَبْرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ: سلام بر شما بواسطه صبر و تحملی که نمودید، پس خانه آخرت خوب خانه ای است.

سپس حضرت فرمودند:

شایسته است در ضمن دعاهائی که در مسجد فتح می خوانی بگوئی:

يَا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ اكْشِفْ عَنِّي غَمِّي وَ

كَرْبِي وَ هَمِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ ﷺ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ كَرْبَهُ وَ كَفَيْتَهُ هَوْلَ
عَذْوِهِ فِي هَذَا الْمَكَانِ.

ای فریادرس اندوهگینان و ای اجابت کننده دعای بی چارگان غم و اندوه و
حزن من را بر طرف کن همان طوری که غم و اندوه و حزن را از پیامبرت ﷺ
بر طرف نمودی و او را از هول و وحشت دشمنش در این مکان کفایت فرمودی.

متن:

۲- حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً، عَنْ عَلِيِّ بْنِ
إِبْرَاهِيمَ ابْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، وَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ؛ وَ
حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى؛
وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: - وَ ذَكَرَ
مِثْلَهُ.

۳- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ - رَحِمَهُمَا اللَّهُ -
- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ
بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ الْحَسَنِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَحْرٍ، عَنْ حَرِيزٍ - عَمَّنْ أَخْبَرَهُ -
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَقَى مَسْجِدِي مَسْجِدَ -
قُبَا فَصَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ رَجَعَ بِعُمْرَةٍ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب و علی بن حسین جمیعاً از علی بن ابراهیم بن هاشم از
پدرش، از ابن ابی عمیر، از محمد بن یعقوب این حدیث را برای من نقل

نموده‌اند.

و نیز محمد بن اسماعیل، از فضل بن شاذان، از صفوان بن یحیی، و ابن ابی عمیر از معاویه بن عمار نقل نموده که گفت:
امام صادق علیه السلام فرمودند:
و مثل حدیث گذشته را نقل کرده است.

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم و محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری علیه الرحمه از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار از برادرش علی بن مهزیار، از حسن، از عبدالله بن یحیی از حریر از کسی که به وی خبر داده، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:



رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که به مسجد من یعنی مسجد قبا داخل شده و دو رکعت نماز در آن بخواند ثواب یک عمره برایش منظور می‌کنند.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَائِخِنَا، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيٍّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى؛ وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ؛ وَفَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ جَمِيعاً، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ: وَلَا تَدْعُ إِتْيَانَ الْمَشَاهِدِ كُلِّهَا وَمَسْجِدَ قُبَا، فَإِنَّهُ الْمَسْجِدُ الَّذِي أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ، وَمَشْرَبَةُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ، وَمَسْجِدُ الْفَضِيخِ، وَقُبُورُ الشَّهَدَاءِ، وَمَسْجِدُ الْأَحْزَابِ - وَهُوَ مَسْجِدُ الْفَتْحِ».

«حدیث چهارم»

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و اساتید ما از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضالة بن ایوب جملگی از معاویة بن عمار نقل کرده که گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام به ابن ابی یعفور فرمودند:

زیارت مشاهد و مسجد قبا را البته ترک مکن زیرا مسجدی که حق تعالی در آیه شریفه:

لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ، آورده همین مسجد قبا بوده مضافاً به اینکه این مسجد مأوی و غرفه ما در ما جدّه ابراهیم (فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله) بوده.

و نیز به زیارت مسجد فضیخ و قبور شهداء و مسجد احزاب که همان مسجد فتح است رفته و آنها را ترک مکن.

مرکز تحقیقات علمی و فرهنگی مسجد

متن:

۵- و روی عن بعضهم علیهم السلام «قال: إذا كان لك مقام بالمدينة ثلاثة أيام فأتِ الصَّلَاةَ، وكذلك أيضاً بمكة إن أقمت ثلاثة أيام فأتِ الصَّلَاةَ، فإذا كان لك مقام بالمدينة ثلاثة أيام صمت ثلاثة أيام صمت يوم الأربعاء، و صلّ ليلة الأربعاء عند أسطوانة الثَّوبَةِ - وهي أسطوانة أبي لُبَابَةَ التي كان رَبط إليها نفسه حتى نزل عُذْرُهُ مِنَ السَّمَاءِ - و تقعد عندها يوم الأربعاء، ثم تأتي ليلة الخميس التي تلاها مما يلي مقام النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فتقعد عندها لَيْلَتِكَ و يومَكَ و تصوم يوم الخميس، ثم تأتي الأسطوانة التي تلي مقام النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله ليلة الجمعة فتصلّ عندها لَيْلَتِكَ و يومَكَ و تصوم فيه يوم

الجمعة، فإن استطعت أن لا تتكلم بشيء في هذه الثلاثة أيام فافعل إلا ما لا بد لك منه، ولا تخرج من المسجد إلا لحاجة ولا تنام في ليل ولا نهار فافعل، فإن ذلك مما يعد فيه الفضل، ثم أحمد الله في يوم الجمعة وأثن عليه وصل على النبي، وسل حاجتك، وليكن فيما تقول:

«اللَّهُمَّ مَا كَانَتْ لِي إِلَيْكَ مِنْ حَاجَةٍ سَارَعْتُ أَنَا فِي طَلِبِهَا وَاتِّمَاسِهَا أَوْ حَاجَةٍ لَمْ أَسْرِعْ، سَأَلْتُكَهَا أَوْ لَمْ أَسْأَلْكَهَا، فَابْنِي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي صَغِيرِهَا وَكَبِيرِهَا».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

از برخی معصومین علیهم السلام منقول است که فرمودند:

هرگاه در مدینه طیبه سه روز اقامه نمودی نماز را تمام بخوان و همچنین است حکم مکه معظمه و نیز اگر در مدینه سه روز اقامه کردی هر سه روز را روزه بگیر و کیفیت آن چنین است.

سه روز را از چهارشنبه شروع کن منتهی شب چهارشنبه (یعنی شبی که فردای آن روز چهارشنبه است) نزدیک ستون توبه (و آن ستون ابی لبابه است که وی به منظور توبه از گناهی که کرده بود خود را به آن بست و به تضرع پرداخت تا جبرئیل امین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و خبر داد که حق تعالی توبه وی را پذیرفت) نماز بگذار و روز چهارشنبه نیز با حالت روزه نزدیک آن بنشین و پس از اتمام روز و فرارسیدن شب پنجشنبه (یعنی شبی که فردای آن روز پنجشنبه است) نزدیک ستون بعدی که پهلوی ستون ابی لبابه و در کنار مقام نبی اکرم صلی الله علیه و آله است برو و در آن شب و روز بعد آن (روز پنجشنبه) آنجا بنشین و روز پنجشنبه را روزه بگیر و آن را به اتمام برسان سپس شب جمعه (شبی که فردای آن روز جمعه می باشد) نزدیک ستونی که پهلوی مقام نبی اکرم صلی الله علیه و آله است برو و آن

شب و روز بعدش در آنجا نماز بخوان و روز جمعه را روزه بگیر و آن را به اتمام برسان.

قابل توجه است که اگر بتوانی در این سه روز سخن نگوئی، با کس سخن مگو مگر به مقدار ضرورت و نیز تا محتاج نشدی از مسجد خارج نشو و همچنین در شب و روزن خواب.

در روز جمعه خدا را حمد و ثناء گو و بر پیامبر اکرم ﷺ صلوات فرست و پس از آن حاجتت را از خدا بخواه و در بین دعاهائی که می کنی این دعاء را نیز بخوان:

اللّٰهُمَّ مَا كَانَتْ لِي إِلَيْكَ مِنْ حَاجَةٍ سَأَرَعْتُ أَنْ أُطْلِبَهَا وَ التَّمَسُّهَا أَوْ حَاجَةٍ لَمْ أَسْرِعْ سَأَلْتُكَهَا فَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي صَغِيرَهَا وَ كَبِيرَهَا.

خداوندا هر حاجتی که به تو داشته باشم در طلب و خواستش از تو سریعاً اقدام می کنم و اگر در سوال آن از تو تسریع نکنم به واسطه پیامبرت حضرت محمد ﷺ که پیامبر رحمت است بطرف تو متوجه شده و در بر آمدن حاجاتم چه حاجات کوچک و چه بزرگ آن حضرت را واسطه قرار می دهم.

مثن:

۶- حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ، عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: إِنِّي آتِي الْمَسَاجِدَ الَّتِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ فَبَائِيهَا أَبَدًا؟ قَالَ:

أَبَدًا بَقْبًا فَضْلٌ فِيهِ وَ أَكْثَرُ، فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَسْجِدٍ صَلَّى فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي

هذه العرصة، ثم أتت مشربة أم إبراهيم فصلّ فيها فأنه مسكن رسول الله ﷺ و مصلاه ثم تأتي مسجد الفضيخ فتصلّي فيه ركعتين فقد صلّي فيه نبيّك، فإذا قضيت هذا الجانب فأت جانب أحد، فابدء بالمسجد الذي دون الحرّة فصلّيت فيه ثم مرّرت بقبر حمزة، والحديث طويل.

ترجمه: ﴿حدیث ششم﴾

گروهی از مشایخ و اساتید من از محمد بن یحیی و او نیز از محمد بن حسن صفار، از محمد بن عبدالله بن هلال و او نیز از عقبه بن خالد نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام پرسیدم:

من به مساجدی که اطراف مدینه است می‌روم به کدام یک از آنها آغاز کنم؟

حضرت فرمودند:

ابتداء به مسجد قبا برو پس در صحن آن بسیار نماز بخوان چه آنکه قبا اول مسجدی است که پیامبر خدا ﷺ در آن نماز گذاردند.

سپس به عرفه مادر ابراهیم برو و در آن نماز بخوان زیرا این مکان مسکن رسول خدا ﷺ و جای نماز آن حضرت بوده.

پس از آن به مسجد فضيخ برو و در آن دو رکعت نماز بخوان زیرا پیغمبر شما در آن نماز خوانده و وقتی تکالیف این طرف را اداء کردی به طرف اُحد برو و پس ابتداء در مسجدی که در جنب حرّه است نماز بخوان پس بر سر قبر حضرت حمزه برو... و این حدیث طولانی است و دنباله دارد.

﴿الباب السابع﴾
﴿وداع قبر رسول الله ﷺ﴾

متن:

۱ - حدَّثني محمد بن الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه، عن جده علي، عن الحسن بن سعيد، عن صفوان بن يحيى؛ وابن أبي عمير؛ وفضالة، عن معاوية بن عمار «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا أردت أن تخرج من المدينة فاغتسل ثم ائت قبر النبي ﷺ بعد ما تفرغ من حوائجك فودِّعه واصنع مثل ما صنعت عند دخولك وقل: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ»».

﴿باب هفتم﴾
﴿وداع قبر رسول خدا ﷺ﴾

﴿حديث اول﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدش علی، از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضاله از معاویه بن عمار نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبد الله ﷺ فرمودند:

بعد از آنکه از حوائج و خواسته های خود فارغ شدی و قصد نمودی از مدینه

خارج شوی ابتداء غسل کن و بعد نزد قبر رسول خدا ﷺ برو و با قبر وداع کن و آنچه هنگام داخل شدن به روضه مطهره انجام دادی اکنون نیز به جای آور و بگو:

اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارتی قبر نبيك ﷺ: خداوند! زیارتی که من قبر پیغمبرت را نمودم آخرین زیارت من قرار مده.

فان توفيتني قبل ذلك فاني اشهد في مماتي على ما اشهد عليه في حيوتي ان لا اله الا انت و ان محمداً عبدك و رسولك پس اگر من را قبل از زیارت دیگر می راندى بطور قطع و حتم در حال مرگم به آنچه در هنگام حیات و زنده بودنم شهادت می دادم، شهادت می دهم و آن اینست که می گویم:

نیست معبودی مگر تو و شهادت می دهم که حضرت محمد ﷺ بنده و فرستاده تو می باشد.



مرکز تحقیقات و نشر معارف اسلامی

متن:

۲- حدثني جماعة مشايخي، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن فضال، عن يونس بن يعقوب «قال: سألت أبا عبد الله ﷺ عن وداع قبر رسول الله ﷺ، فقال: تقول: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ»».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

گروهی از مشایخ و اساتید من از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از حسن بن فضال و او از یونس بن یعقوب نقل کرده که گفت:

از حضرت ابا عبدالله ﷺ راجع به الفاظ وداع قبر رسول خدا ﷺ سؤال کردم:

حضرت فرمودند:

بگو: **صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ**: درود و رحمت فرستد حق تعالی بر تو.

السَّلَام عَلَيْكَ: سلام و تهنیت بر تو باد.

لَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اٰخِرَ تَسْلِيْمِي عَلَيْكَ: خداوند متعال این سلام را آخرین سلام

من بر تو قرار ندهد.

متن:

۳- و باسناده، عن الحسن بن علي بن فضال «قال: رأيت أبا الحسن عليه السلام وهو يريد أن يودّع للخروج إلى القبرة - فأتى القبر من موضع رأس رسول الله ﷺ بعد المغرب فسلم على النبي ﷺ و لَزِقَ بالقبر، ثم أتى المنبر ثم انصرف حتى القبر فقام إلى جانبه فصلى و ألزق منكبته الأيسر بالقبر قريباً من الأسطوانة - التي دون الأسطوانة المخلفة عند رأس النبي ﷺ - فصلى ست ركعات، أو ثمان ركعات في نعليه، قال: فكان مقدار رُكوعه و سجوده ثلاث تسبيحات أو أكثر، فلما فرغ من ذلك سجد سجدةً أطال فيها السجود حتى بلّ عرقه الحصى، قال: و ذكر بعض أصحابنا أنه رآه ألصق خذّه بأرض المسجد».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

سعد بن عبدالله باسنادش از حسن بن علی بن فضال نقل کرده که وی گفت: حضرت ابوالحسن علیه السلام را دیدم که قصد وداع قبر رسول خدا ﷺ را داشته و می خواستند که از آنجا به عمره بروند، حضرت ﷺ بعد از مغرب به طرف قبر مطهر تشریف برده و نزدیک سر مبارک رسول خدا ﷺ ایستاده، ابتداء بر پیامبر

اکرم علیه السلام سلام نموده و سپس به قبر چسپیدند و بعد از آن به طرف منبر رفتند و سپس برگشته تا به قبر رسیدند و در کنار آن ایستاده و شانه چپ را به قبر چسبانده و در حالی که نزدیک ستونی که در جنب ستون حلقه دار واقع در نزدیکی سر مبارک می باشد ایستادند و نعلین های عربی به پای مبارکشان بود شش یا هشت رکعت نماز خواندند.

راوی می گوید:

مقدار رکوع و سجود آن حضرت به قدر گفتن سه تسبیح یا بیشتر بود و وقتی از نمازها فارغ شدند به سجده رفته و آن قدر سجده را طول دادند تا ریه ها از عرق بدن آن حضرت مرطوبی شدند.

راوی می گوید:

بعضی از اصحاب گفته اند: که آن حضرت را دیده که صورت مبارکشان روی زمین مسجد نهاده بودند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

﴿الباب الثامن﴾

﴿فضل الصلاة في مسجد الكوفة و مسجد سهله و ثواب ذلك﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَدِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِي حمزة الثمالي «أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَتَى مَسْجِدَ الْكُوفَةِ عَمْدًا مِنْ الْمَدِينَةِ فَصَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ جَاءَ حَتَّى رَكِبَ رَاحِلَتَهُ وَأَخَذَ الطَّرِيقَ».

﴿باب هشتم﴾

﴿فضیلت نماز خواندن در مسجد کوفه و مسجد سهله و ثواب آن﴾

﴿حديث أول﴾

ترجمه:

محمد بن حسین بن متی جوهری از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران، از احمد بن حسن، از محمد بن حسین از علی بن حدید از محمد بن سنان، از عمرو بن خالد، از ابو حمزه ثمالی نقل کرده که گفت: حضرت علی بن الحسین علیه السلام با قصد و نیت از مدینه خارج شده و به مسجد کوفه داخل شدند پس در آن دو رکعت نماز خوانده سپس از مسجد بیرون رفته تا بر مرکب خود سوار شده و طی طریق فرمودند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ سُلَيْمَانَ مَوْلَى طَرْبَالٍ؛ وَغَيْرِهِ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: نَفَقَةٌ دِرْهَمٍ بِالْكُوفَةِ تَحْسَبُ بِمِائَةِ [دِرْهَمٍ] فِيمَا سِوَاهُ، وَرَكْعَتَانِ تَحْسَبُ بِمِائَةِ رَكْعَةٍ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله و او از محمد بن حسين و او از محمد بن اسماعيل بن بزيح و او از منصور بن يونس و او از سليمان بن مولى طربال و غير او نقل کرده كه گفت:

حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند:

يك درهم در كوفه خرج نمودن معادل با دوست ^(۱) درهم در غير آن بوده و دو ركعت نماز در آن مساوى با صد ركعت نماز در غير آن مى باشد.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّقَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ الْفَضْلِ بْنِ زَكْرِيَّا، عَنْ نَجْمِ بْنِ حُطَيْمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ لَأَعْدَوْا لَهُ الزَّادَ وَالرَّاحِلَةَ مِنْ

مکان بَعید، و قال: صلاة فريضة فيه تعدلُ حَجَّةَ، و نافلة فيه تعدلُ
عَمرة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن صفار از احمد بن محمد بن حسن بن علی بن فضال از
ابراهیم بن محمد، از فضل بن زکریا از نجم بن حطیم از حضرت ابی جعفر علیه السلام
نقل کرده که آن جناب فرمودند:

اگر مردم به فضیلتی که در مسجد کوفه است واقف بودند از راه دور توشه
برداشته و بر مرکب سوار شده و به آنجا می رفتند و سپس فرمودند:

یک فريضة در آن به جا آوردن مساوی با یک حج بوده و یک نافله در آن
خواندن معادل با یک عمره می باشد



مرکز تحقیقات اسلامی و حقوق اسلامی

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ - عَمَّنْ
حَدَّثَهُ - عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ، عَنْ أَبِي هَمزة،
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قال: صلاة في مسجد الكوفة؛ الفريضة تعدلُ حَجَّةَ
مقبولة، و التَّطَوُّع فيه تعدلُ عَمرة مقبولة».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش از کسی که برای او حدیث را
نقل نموده از عبدالرحمن بن ابی هاشم، از داود ابن فرقده، از حضرت ابی جعفر
علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

یک نماز واجب در مسجد کوفه معادل با یک حج مقبول بوده و یک نماز
مستحبی در آن برابر با یک عمره قبول شده می باشد.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ، عَنْ سَلَامَ بْنِ أَبِي عُمَرَ، عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ، عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: النَّافِلَةُ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ تَعْدِلُ عُمْرَةً مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله، وَالفريضة فيه تعدل حجة مع النبي صلى الله عليه وآله، وَقد صَلَّى فِيهِ أَلْفَ نَبِيٍّ وَ أَلْفَ وَصِيٍّ.

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد از پدرش، از حسن بن محبوب، از عبدالله بن جبلة، از سلام بن ابی عمره، از سعد بن طریف، از اصبع بن نباته از مولانا علی علیه السلام نقل نموده که حضرت فرمودند: نماز نافله در این مسجد معادل با انجام عمره در معیت رسول خدا صلى الله عليه وآله بوده و نماز واجب در آن مساوی با انجام حج با رسول خدا صلى الله عليه وآله می باشد، در این مسجد هزار پیغمبر و هزار وصی پیامبر نماز خوانده اند.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَتُصَلِّي الصَّلَاةَ كُلَّهَا فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، قُلْتُ: لَا، قَالَ: أَمَا لَوْ كُنْتُ بِحَضْرَتِهِ لَرَجَوْتُ أَنْ لَا تَفُوتَنِي فِيهِ صَلَاةٌ، قَالَ: وَ تَدْرِي مَا فَضْلُهُ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ صَالِحٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا وَقد صَلَّى فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ حَتَّى أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَمَّا أُشْرِيَ بِهِ قَالَ

له جبرئیل علیه السلام: أتدری أين انت الساعة يا محمد؟ قال: لا، قال: أنت مقابل مسجد كوفان، فقال: أستاذن ربك حتى أهبط فأصلي فيه، فاستأذن فأذن له فهبط فصلى فيه ركعتين، وإن الصلاة المكتوبة فيه تعدل بألف صلاة، وإن التافلة فيه تعدل بخمس مائة صلاة، وإن مقدمة لروضة من رياض الجنة، وإن ميمته روضة من رياض الجنة، وإن مسيرته روضة من رياض الجنة، وإن مؤخره روضة من رياض الجنة، وإن الجلوس فيه بغير صلاة ولا ذكر لعبادة، ولو علم الناس ما فيه لأتوه ولو حبواً».

حدیث ششم

ترجمه:

محمد بن حسن از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از عمرو بن عثمان از کسی که برای او حدیث را نقل نموده از هارون بن خارجه، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

آیا تمام نمازهایت را در مسجد کوفه می خوانی؟

عرض کردم: خیر

حضرت فرمودند:

من اگر در آنجا حاضر باشم امیدوارم که هیچ نمازی از من در آن مسجد فوت

نشود و سپس فرمودند:

آیا فضیلت نماز در این مسجد را می دانی

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

هیچ بنده صالح و پیامبری نبوده مگر آنکه در مسجد کوفه نماز گذارده است

حتی رسول خدا ﷺ و فتنی به معراج رفتند جبرئیل علیه السلام به ایشان عرض نمود:
آیا نمی دانی در این ساعت به کجا آمده ای؟

حضرت فرمودند: خیر

عرضه داشت: شما در مقابل مسجد کوفه قرار گرفته اید.

حضرت فرمودند: از پروردگارت اذن بگیر تا به آن فرود آمده و در آن نماز بگذارم. پس جبرئیل از حق تعالی استبذان نمود و حق تعالی هم به او اذن داد.
پس پیامبر اکرم ﷺ به مسجد فرود آمده و در آن دو رکعت نماز خواندند.
باید توجه داشت که یک نماز واجب در آن معادل با هزار نماز در جاهای دیگر است و یک نماز نافله در آن مساوی با پانصد نمازی است که در اماکن دیگر خوانده شود.

قبله این مسجد بستانی است از بساتین بهشت و نیز قسمت راست آن بستان دیگری است از بساتین بهشت چنانچه طرف چپ آن نیز بستان دیگری محسوب می شود از بساتین بهشت ششتن در این مسجد بدون اینکه نماز بخوانند یا ذکر بگویند عبادت می باشد و اگر مردم فضیلتی را که در این مسجد است می دانستند مسلماً به آن حاضر گشته اگرچه به روش اطفال روی دست و شکم راه رفته و خود را روی زمین بکشند.

متن:

۷- حدیثی محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، عن أبيه، عن جدّه
علي بن مهزیار، عن الحسن بن سعيد، عن ظریف بن ناصح، عن خالد
القلانسی «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: صلاة في مسجد الكوفة ألف
صلاة».

«حدیث هفتم»

ترجمه:

محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار از پدرش، از جدش علی بن مهزیار از حسن بن سعید، از ظریف بن ناصح، از خالد قلانسی، وی می گوید:
از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
یک نماز در مسجد کوفه معادل است با هزار نماز.

متن:

۸- و بهذا الإسناد، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: مكة حرم الله وحرم رسوله وحرم علي، الصلاة فيها بمائة ألف صلاة، والدرهم فيها بمائة ألف درهم، والمدينة حرم الله وحرم رسوله عليه السلام وحرم علي أمير المؤمنين عليه السلام، الصلاة فيها في مسجدها بعشرة آلاف صلاة، والدرهم فيها بعشرة آلاف درهم، والكوفة حرم الله وحرم رسوله وحرم أمير المؤمنين علي - صلوات الله عليهما - الصلاة في مسجدها بألف صلاة».

«حدیث هشتم»

ترجمه:

با همین اسنادی که گذشت از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:
مکه حرم خدا و رسول او و مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد، یک نماز در آن معادل با صد هزار نماز بوده و یک درهم در آن اتفاق کردن برابر با صد هزار درهم می باشد.

و مدینه منوره حرم خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و حرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد یک نماز در مسجد آن معادل با ده هزار نماز بوده و یک درهم اتفاق

کردن در آن برابر باده هزار درهم می باشد.
و کوفه حرم خدا و رسولش ﷺ و حرم امیرالمؤمنین علی ﷺ می باشد، یک
نماز در مسجد آن معادل با هزار نماز می باشد.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّ الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ
بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ - عَنْ
بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ: حَدُّ مَسْجِدِ السَّهْلَةِ الرُّوحَاءِ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسین بن مت الجوهری، از محمد بن احمد بن یحیی، از احمد
بن محمد، از ابی محمد، از علی بن اسباط، از برخی اصحابمان، از مولانا ابی
عبدالله ﷺ فرمودند:
حد مسجد سهله روحاء^(۱) می باشد.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ مِثْلَهُ.

۱ - نام مکانی است که در چهل میلی مدینه واقع است و برخی گفته اند در مسو و ششی
میلی این شهر قرار گرفته.

ترجمه: ﴿ حدیث دهم ﴾

محمد بن حسن بن احمد بن ولید، از محمد بن حسن صفار، از محمد بن حسین، از علی بن اسباط مثل روایت سابق را نقل کرده است.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَخِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلُوبِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ، عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِأَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ: يَا أَبَا حَمْزَةَ هَلْ شَهِدْتَ عَمِّي لَيْلَةَ خُرُوجِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَهَلْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ سُهَيْلٍ؟ قَالَ: وَ أَيْنَ مَسْجِدِ سُهَيْلٍ؛ لَعَلَّكَ تَعْنِي مَسْجِدَ السَّهْلَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَوْ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ اسْتَجَارَ اللَّهَ لِأَجَارِهِ سَنَّةً، فَقَالَ لَهُ أَبُو حَمْزَةَ: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي هَذَا مَسْجِدُ السَّهْلَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، فِيهِ بَيْتُ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي كَانَ يُخْرِجُ مِنْهُ إِلَى الْعِمَالِقَةِ؛ وَ فِيهِ بَيْتُ إِدْرِيسَ الَّذِي كَانَ يُخِيطُ فِيهِ، وَ فِيهِ مَنَاخُ الرَّاكِبِ، وَ فِيهِ صَخْرَةُ خَضْرَاءَ؛ فِيهَا صُورَةُ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ، وَ تَحْتَ الصَّخْرَةِ الطَّيْنَةُ الَّتِي خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهَا النَّبِيِّينَ، وَ فِيهَا الْمِعْرَاجُ، وَهُوَ الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ مَوْضِعُ مِنْهُ، وَهُوَ تَمَرُ النَّاسِ، وَهُوَ مِنْ كُوفَانِ، وَ فِيهِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ، وَإِلَيْهِ الْمُحْشَرُ، يُحْشَرُ مِنْ جَانِبِهِ سَبْعُونَ أَلْفًا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، أُولَئِكَ الَّذِينَ أَفْلَحَ اللَّهُ حُجَجَهُمْ، وَ ضَاعَفَ نِعَمَهُمْ، فَانْتَبَهَرُوا الْمُسْتَبِقُونَ الْفَائِزُونَ الْقَانِتُونَ يُحِبُّونَهُ أَنْ يَدْرُؤُوا عَنْ أَنْفُسِهِمُ الْمَفْخَرِ وَيَجْلُونَ بِعَدْلِ اللَّهِ عَنْ لِقَائِهِ، وَ أَسْرَعُوا فِي الطَّاعَةِ فَعَمَلُوا وَ عَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ،

لیس علیهم حساب و لاعذاب، یُذْهِبُ الضُّعْفُ یُطَهِّرُ الْمُؤْمِنِینَ، و من
وسطه سارَ جبلُ الأهواز و قد أتى علیه زَمان و هو معمور».

ترجمه: ﴿حدیث یازدهم﴾

برادرِ علی بن محمد بن قولویه، از احمد بن ادریس بن احمد، از عمران بن
موسی، از حسن بن موسی الخشاب از علی بن حسان، از عمویش عبدالرحمن
بن کثیر، از ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که به ابی حمزه
ثمالی می فرمودند:

ای ابا حمزه آیا شاهد بودی عمویم شب خارج گردید؟

ابو حمزه گفت: بلی.

حضرت فرمودند:



آیا وی در مسجد سهیل نماز گذارد؟

ابو حمزه گفت: مسجد سهیل کجا است؟ شاهد مقصود تان مسجد سهله

است حضرت فرمودند.

بلی، سپس فرمودند:

حقاً اگر وی (یعنی عموی امام صادق علیه السلام که زید بن علی بن الحسین علیه السلام

باشد) در آن مسجد دو رکعت نماز می خواند سپس از خداوند پناه می خواست

حق تعالی او را برای یک سال پناه می داد.

ابو حمزه محضر مبارکش عرض کرد:

پدر و مادرم فدایت شوند، این مسجدی که توصیفاتش را بیان فرمودید آیا

مسجد سهله است؟ حضرت فرمودند:

بلی، در آن مسکن و منزل جناب ابراهیم علیه السلام بوده که از آن بطرف عمالقه

می رفت و ایشان را ارشاد می فرمود و نیز در آن منزل ادریس علیه السلام است که در آن

به خیاطت و دوزندگی اشتغال داشت و همچنین در آن استراحت گاه سواران و سنگ سبزی که در آن صورت و شمایل انبیاء نقش بسته شده می باشد و در زیر این سنگ گلی هست که خداوند عزوجل انبیاء را از آن آفریده و از این مکان و بمنزل معراج صورت گرفته و آن مکان به فاروق اعظم نامیده شده و آن محل عبور و مرور مردم به طرف محشر بوده و از کوفه محسوب می شود و دمیدن در صور در همین مکان واقع می شود و از همین مکان به محشر راه پیدا شده و هفتاد هزار نفر محشر گشته و از همین مکان به طرف بهشت بدون حساب رهسپار گردیده و داخل آن می شوند، ایشان کسانی هستند که حجتی آنها را رستگار نموده و نعمتهایش برایشان را مضاعف کرده است، ایشان در ورود به بهشت بر یکدیگر سبقت و پیشی می گیرند، رستگاران و امیدواران به رحمت حق بوده، دوست دارند فخر و کبر را از خود دور کنند، ایشان کسانی هستند که عدل حق تعالی آن ها را از ملاقات پروردگارشان ترسان و خائف نموده، دیگر از اوصاف ایشان آن است که در طاعت و فرمان برداری حق شتاب نموده و طریق عمل را پیش گرفته و می دانند که خداوند متعال به آنچه انجام می دهند بصیر و آگاه است، حسابی برایشان نبوده چنانچه عذاب و مواخذه ای متوجه ایشان نمی باشد.

این مکان کینه را از دل ها برده و مؤمنین را از هرگونه آلودگی پاک می نماید، و از وسط آن کوه اهواز (در برخی نسخ «اهوان» ضبط شده) رد شده و روزگاری بر آن گذشته که در طی آن این مکان معمور و آباد بوده است.

مترجم گوید:

همان طوری که مرجوم علامه مجلسی عطرالله مرقدہ در بحار فرموده الفاظ این حدیث از غلط و سقم خالی نمی باشد.

متن:

۱۲ - حدَّثني أبي عن سعد بن عبد الله، عن أبي عبد الله محمد بن أحمد الرازي الجاموراني، عن الحسين بن سيف بن عميرة، عن أبيه سيف، عن أبي بكر الحضرمي، عن أبي عبد الله؛ أو عن أبي جعفر عليه السلام «قال: قلت له: أي بقاع الأرض أفضل بعد حرم الله عز وجل و حرم رسوله ﷺ؟ فقال: الكوفة؛ يا أبا بكر هي الزكية الطاهرة؛ فيها قبور النبيين المرسلين، و قبور غير المرسلين والأوصياء الصادقين، وفيها مسجد سهيل الذي لم يبعث الله نبياً إلا وقد صلى فيه، ومنها يظهر عدل الله، وفيها يكون قائمه والقوام من بعده، وهي منازل النبيين والأوصياء والصالحين».

«حدیث دوازدهم»

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبد الله و او از ابی عبد الله محمد بن ابی عبد الله رازی جامورانی و او از حسین بن سیف بن عمیره و او از پدرش سیف و او از ابی بکر خضرمی و او از حضرت ابی عبد الله علیه السلام یا ابو جعفر علیه السلام نقل نموده، می گوید: محضر مبارکش عرضه داشتم: بعد از حرم خداوند عزوجل و حرم رسول خدا ﷺ چه مکانی از زمین از امکنه دیگر برتر و اشرف می باشد؟ حضرت فرمودند:

ای ابوبکر، آن زمین کوفه می باشد، این زمین پاک و پاکیزه بوده و در آن قبور انبیاء مرسل و غیر مرسل و اوصیاء انبیاء بوده و در آن مسجد سهیل قرار دارد، از خصوصیات این مسجد آن است که حق تعالی هیچ پیغمبری را مبعوث نفرموده مگر آنکه وی در آن نماز خوانده است و نیز از آن عدل الهی ظاهر و آشکار می گردد و در آن قائم حق تعالی قیام نموده و پس از آن عدالت را برپای می فرماید، در این زمین منازل انبیاء و اوصیاء صالح می باشد.

متن:

۱۳ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ،
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ «قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام
فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَسَلَّمَ وَجَلَسَ، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: «مِنْ أَيِّ الْبِلَادِ
أَنْتَ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ: أَنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَ أَنَا لَكَ مُحِبٌّ مُوَالٍ، قَالَ: فَقَالَ
لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: أَتَصَلِّي فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ كُلَّ صَلَاتِكَ؟ قَالَ الرَّجُلُ: لَا،
فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّكَ لَمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
أَتَغْتَسِلُ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ قُرَاتِكُمْ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَنِي كُلِّ جُمُعَةٍ؟ فَقَالَ: لَا،
قَالَ: فَنِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَنِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قَالَ: لَا، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
إِنَّكَ لَمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: أَتَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي كُلِّ
جُمُعَةٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَنِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَنِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قَالَ: لَا، فَقَالَ
أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّكَ لَمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

محمد حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدش، از حسن بن محبوب،
از حنان بن سدید نقل نموده، وی می گوید:
محضر مبارک حضرت ابی جعفر علیه السلام بودم که شخصی داخل شد و به آن
جناب سلام نمود و نشست حضرت به او فرمودند:
از کدام دیار هستی؟
عرض کرد: از اهل کوفه بوده و دوست دار شما می باشم.
راوی می گوید: حضرت به او فرمود:
آیا تمام نمازهایت را در مسجد کوفه می خوانی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

حقاً که از خیر محروم هستی، سپس فرمودند:

آیا هر روز یک مرتبه از فرات غسل می‌کنی.

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

آیا در هر جمعه چه طور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند: در هر ماه چطور، عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند: در هر سال چه طور؟

عرض کرد: خیر

حضرت فرمودند: در هر ماه چطور؟

عرض کرد: خیر

حضرت فرمودند:

حقاً که از خیر محروم می‌باشی.

راوی می‌گوید: حضرت سپس به او فرمود:

آیا قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در هر جمعه زیارت می‌نمائی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر ماه چه طور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر سال چه طور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

حقاً که از خیر محروم می‌باشی.

متن:

۱۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَاءِ «قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: لَا تَدْعُ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ الصَّلَاةَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَلَوْ أَتَيْتَهُ حَبْوًا، فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِيهِ بِسَبْعِينَ صَلَاةً فِي غَيْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ».



« حدیث چهاردهم »

ترجمه:

محمد بن حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدش علی بن مهزیار، از حسن بن محبوب، از علی بن رثاب از ابی عبیده حذاء، وی می‌گوید:
حضرت ابوجعفر علیه السلام فرمودند:

ای ابو عبیده نماز در مسجد کوفه را ترک مکن و حتماً به آن مسجد برو و در آن اداء نماز کن اگر چه به روش اطفال روی دست و شکم حرکت کرده و خود را روی زمین بکشی چه آنکه یک نماز در آن معادل و مساوی با هفتاد نماز در مساجد دیگری می‌باشد.

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيُّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ

محمد بن سنان «قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: الصلّاة في مسجد الكوفة فرادی أفضل من سبعین صلاة في غيره جماعة».

ترجمه: ﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد بن حسين عسکری از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از حسن بن سعید، از محمد بن سنان نقل کرده که وی گفت: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند: یک نماز فرادی در مسجد کوفه خواندن برتر و بافضیلت تر از هفتاد نماز بطور جماعت خواندن در غیر آن می باشد.



متن:

۱۶ - و عنه، عن الحسن بن علی عن ابيه علی بن مهزیار، عن أبيه، عن الحسن بن سعید، عن ظریف بن ناصح، عن خالد القلانسی «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: صلاة في مسجد الكوفة ألف صلاة».

ترجمه: ﴿ حدیث شانزدهم ﴾

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد بن حسين عسکری از حسن بن علی، از پدرش علی بن مهزیار از پدرش، از حسن بن سعید، از ظریف بن ناصح، از خالد قلانسی نقل کرده که وی گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: یک نماز در مسجد کوفه معادل با هزار نماز در غیر آن می باشد.

متن:

۱۷ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعاً، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ
 الْحَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيٍّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ،
 عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ فَضِيلِ الْأَعُورِ، عَنْ لَيْثِ بْنِ أَبِي سَلِيمٍ «قَالَ:
 اسْتَقْبَلْتَهُ وَقَدْ صَلَّى النَّاسُ الْعَصْرَ، فَقَالَ: إِنِّي لَمْ أَصِلْ الظَّهْرَ بَعْدُ
 فَلَا تَحْبِسْنِي وَامْضِ رَاشِداً، قَالَ: قُلْتُ: لِمَ أَخَّرْتَهَا إِلَى السَّاعَةِ؟ قَالَ: كَانَتْ
 لِي حَاجَةٌ فِي السُّوقِ فَأَخَّرْتُ الصَّلَاةَ حَتَّى أَصِلَ فِي الْمَسْجِدِ لِلْفَضْلِ الَّذِي
 بَلَغَنِي فِيهِ، قَالَ: فَرَجَعْتُ فَقُلْتُ: أَيُّ شَيْءٍ رُوِّيتَ فِيهِ، قَالَ: أَخْبَرَنِي فَلَانٌ عَنْ
 فَلَانٍ، عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: عَرَجَ بِي إِلَى
 السَّمَاءِ وَ إِنِّي هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ، فَأَهْبَطْتُ إِلَى مَسْجِدِ أَبِي نُوحٍ ﷺ وَ أَبِي
 إِبْرَاهِيمَ وَ هُوَ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ فَصَلَّيْتُ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ، قَالَ: ثُمَّ قَالَتْ: قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ فِيهِ تَغْدِلُ حِجَّةً مَبْرُورَةً، وَ
 النَّافِلَةَ تَعْدِلُ عِمْرَةً مَبْرُورَةً».

﴿ حدیث مفہوم ﴾

ترجمہ:

پدرم و محمد بن عبد اللہ جمیعاً از عبد اللہ بن جعفر حمیری، از ابراہیم بن
 مہزیار، از برادرش علی، از حسن بن سعید از علی بن حکم، از فضیل اعور، از
 لیث بن ابی سلیم نقل کرده کہ وی می گفت:

نزد او رفتم در حالی کہ مردم نماز عصر را خواندہ بودند، وی فرمود:
 من هنوز نماز ظہر را نخواندہ ام پس مرا معطل مکن و از خواندن نماز باز مدار
 و برو انشاء... موفق باشی.

راوی می گوید:

عرض کردم چرا نمازتان را به تأخیر انداخته و تا این ساعت نخوانده اید؟
فرمود:

در بازار کاری داشتم لذا خواندن نماز را به تأخیر انداخته تا آن را در این
مسجد نخوانم زیرا فضیلتی که راجع به خواندن نماز در این مسجدت به سمع
رسیده بود مرا بر این داشت.

راوی می گوید:

دو مرتبه به سؤال و پرسش برگشته و عرض کردم:
چه روایتی در این زمینه به شما رسیده؟
فرمود:

فلانی از فلانی از عائشه به من خبر داد که وی گفت:
از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمودند.

زمانی که من را به آسمان عروج می دادند بنامد به زمین فرود آیم پس من به
مسجد ابی نوح عليه السلام و ابی ابراهیم که همان مسجد کوفه است نزول نموده و در آن
دو رکعت نماز خواندم...

پس روای می گوید عائشه گفت:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

یک نماز واجب در آن مسجد خواندن معادل با حج مقبول بوده و یک نافلة
خواندن در آن مساری با یک عمره قبول شده می باشد.

متن:

۱۸ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ

عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجْلَانَ، عَنْ مَالِكِ بْنِ

ضَمْرَةُ الْعَنْبَرِيِّ «قال: قال لي أمير المؤمنين عليه السلام: أخرج إلى المسجد الذي في ظهر دارك تصلي فيه؟ فقلت له: يا أمير المؤمنين ذاك مسجد تصلي فيه النساء، فقال لي: يا مالك ذاك مسجد ما أتاه مكروب قط فصلي فيه فدعا الله إلا فرج الله عنه وأعطاه حاجته، فقال مالك: فوالله ما أتيته ولا صليت فيه، فلما كان ليلة أصابني أمر اغتتمت منه فذكرت قول أمير المؤمنين عليه السلام وقمت في الليل وانتعلت فتوضأت وخرجت فإذا على بابي مصابيح قرءدأمي، ومررت حتى انتهيت إلى المسجد فوقف بين يدي وكنت أصلي فلما فرغت انتعلت وانصرفت قرءدأمي حتى انتهيت إلى الباب فلما أن دخلت ذهب فما خرجت ليلة بعد ذلك إلا وجدت المصباح على بابي وقضى الله حاجتي».

ترجمه:
«حدیث هیجدهم»

محمد بن حسن بن مهزیار از پدرش از جدش علی بن مهزیار، از عثمان بن عیسی، از محمد بن عجلان، از مالک بن ضمیره روای (عنبری نسخه بدل) نقل نموده که وی گفت:

امیرالمؤمنین علیه السلام به من فرمودند:

آیا به مسجدی که پشت خانه‌ات هست می‌روی و نماز در آن می‌خوانی؟

محضر مبارک عرض کردم:

یا امیرالمؤمنین در آن مسجد زنان نماز می‌گذارند.

حضرت فرمودند:

ای مالک محزون و غمگینی هرگز به این مسجد داخل نشده که در آن نماز

خوانده و برای رفع حزن و غمش دعاء نموده باشد مگر آنکه حق تعالی حزنش

را برطرف و غمش را زائل کرده و خواسته‌اش را به او عطا فرموده.
 مالک می‌گوید: به خدا قسم به آن مسجد نرفته و در آن نماز نخواندم تا شبی
 که گرفتار ناراحتی شده و بخاطر آن غم و اندوه مرا فراگرفت پس فرموده
 امیرالمؤمنین علیه السلام بیادم آمد لاجرم در همان وقت شب برخاسته و نعلینی به
 پا کرده و وضوء ساخته و از منزل خارج گشتم ناگهان درب منزل چراغی دیدم
 روشن که جلو من در حرکت است و من نیز در روشنائی آن گام برداشته تا به
 مسجد رسیدم در این هنگام چراغ از حرکت ایستاد و در جلو من متوقف گردید
 من به مسجد داخل شده و در آن نماز گذاردم و پس از فراغت از آن نعلین‌ها را به
 پا کرده و به منزل برگشتم در مراجعت همچنان چراغ را روشن و جلو خود در
 حرکت دیدم در پرتو آن قدم برداشته تا به درب منزل رسیدم و چون داخل خانه
 شدم چراغ از نظرم محو گشت و از آن شب به بعد هر شبی که به مسجد می‌رفتم
 چراغ را در منزل روشن می‌دیدم و بحق تعالی حاجت و خواسته من را برآورده
 فرمود.

متن:

۱۹ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
 مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو يَوْسُفَ يَعْقُوبُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مِنْ وَلَدِ أَبِي
 فَاطِمَةَ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ زَيْدٍ مَوْلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ، عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام - وَهُوَ فِي مَسْجِدِ
 الْكُوفَةِ - فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
 فَرَدَّ عَلَيْهِ [السَّلَامَ]، فَقَالَ: جَعَلْتَ فِدَاكَ إِنِّي أُرَدْتُ الْمَسْجِدَ الْأَقْصَى
 فَأُرَدْتُ أَنْ أَسْلَمَ عَلَيْكَ وَ أَوْدَعَكَ، فَقَالَ: أَيُّ شَيْءٍ أُرَدْتُ بِذَلِكَ؟ فَقَالَ:

الفضل جُلت قداك، قال: فَبِعِ رَاحِلَتِكَ، وَكُلِّ زَادِكَ، وَصَلِّ شَفِي هَذَا
 الْمَسْجِدِ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِيهِ حُجَّةٌ مَبْرُورَةٌ، وَالتَّائِفَةُ عُمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ،
 وَالْبَرَكَةُ مِنْهُ عَلَى اثْنِي عَشَرَ مِيلًا، يَمِينُهُ يَمْنٌ، وَيسَارُهُ مَكْرٌ، وَالتَّائِفَةُ
 عُمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ، وَالْبَرَكَةُ مِنْهُ عَلَى اثْنِي عَشَرَ مِيلًا، يَمِينُهُ يَمْنٌ، وَيسَارُهُ
 مَكْرٌ، وَفِي وَسْطِهِ عَيْنٌ مِنْ دُهْنٍ وَ عَيْنٌ مِنْ لَبَنٍ وَ عَيْنٌ مِنْ مَاءٍ شَرَابًا
 لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ عَيْنٌ مِنْ مَاءٍ طَهُورًا لِلْمُؤْمِنِينَ، مِنْهُ سَارَتْ سَفِينَةُ نُوحٍ وَ
 كَانَ فِيهِ نَشْرٌ وَ يَغُوثٌ وَ يَعُوقٌ وَصَلَّى فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا وَ سَبْعُونَ وَصِيًّا أَنَا
 أَحَدُهُمْ - وَ قَالَ بِيَدِهِ فِي صَدْرِهِ مَا دَعَا فِيهِ مَكْرُوبٌ بِمَسْأَلَةٍ فِي حَاجَةٍ مِنْ
 الْحَوَائِجِ إِلَّا أَجَابَهُ اللَّهُ وَ فَرَجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ»



«حدیث نوزدهم»

ترجمہ:

پدرم علیہ الرحمہ از سعد بن عبداللہ، از احمد بن محمد بن عیسیٰ نقل
 نموده، وی گفت:

ابو یوسف یعقوب بن عبداللہ کہ از فرزندان ابی فاطمہ است برایم نقل نمود
 از اسمعیل بن زید کہ مولای عبداللہ بن یحییٰ کاہلی است و او از حضرت ابی
 عبداللہ ؑ روایت کرد کہ آن جناب فرمودند:

شخصی محضر مبارک امیرالمؤمنین ؑ رسید در حالی کہ آن حضرت در
 مسجد کوفہ نزول اجلال داشتند بر حضرتش سلام کرد و گفت:
 السَّلَامُ عَلَیْکَ یا امیرالمؤمنین وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُہ.
 حضرت جواب سلامش را دادند.

وی عرض کرد: فدایت شوم عازم مسجد اقصیٰ بودم گفتم ابتداء خدمت شما
 آمده سلام عرض کرده و با شما وداع نمایم.

حضرت فرمودند:

قصدت از رفتن به آن مسجد چیست؟

عرضه داشت: فدایت شوم درک فضیلت آن مسجد.

حضرت فرمودند:

مرکبت را بفروش و ثوשת را تناول کن و در همین مسجد نماز بگذار و نیازی به آن مسجد نیست زیرا یک نماز واجب در اینجا خواندن معادل با یک حجّ قبول شده بوده و یک نماز نافله گذاردن مساوی و برابر است با یک عمره مقبول، برکتی که از این مسجد ناشی می‌باشد تا فاصله دوازده میلی آن منتشر می‌باشند، جانب راست آن نیک بختی و برکت بوده و طرف چپش تزویر و فریب و در وسطش چشمه‌ای از روغن و چشمه‌ای از شیر و چشمه‌ای از آبی که شراب است برای مؤمنین و چشمه‌ای است از آب که برای اهل ایمان طهور و پاکیزه می‌باشد از همین مکان کشتی نوح علیه السلام حرکت نمود و در همین مسجد بت‌های سه گانه یعنی: نسر و یغوث و یعوق بودند و در همین مسجد هفتاد و پیغمبر و هفتاد وصی که یکی از آنها من هستم نماز خوانده‌اند.

سپس در حالی که با دست مبارک اشاره می‌نمودند فرمودند:

در این مسجد هیچ محزون و مکروبی برای حاجتی از حوائجش دعاء نکرده مگر آنکه حق تعالی حزنش را برطرف و غمش را زایل و حاجتش را روا ساخته است.

مترجم گوید:

اینکه حضرت فرمودند: بت‌های سه گانه یعنی: نسر و یغوث و یعوق در این مسجد بودند نه به ملاحظه شرافت مسجد از این رهگذر باشد بلکه اشاره به قدمت آن است که خود فضیلت و اعتباری محسوب می‌گردد.

﴿الباب التاسع﴾

﴿الدلالة على قبر أمير المؤمنين علیه السلام﴾

متن:

۱- حدّثني أبي؛ وأخي؛ وعليّ بن الحسين؛ ومحمد بن الحسن - رحمهم الله - جميعاً، عن سعد بن عبد الله بن أبي خلف، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن عليّ بن الحكم، عن صفوان الجمال «قال: كنت و عامر بن عبد الله بن جذاعة الأزديّ عند أبي عبد الله علیه السلام فقال له عامر: إنّ الناس يزعمون أنّ أمير المؤمنين علیه السلام دفن بالرحبة فقال: لا، قال: فأين دفن؟ قال: انه لما مات حمله الحسن علیه السلام فألقى به ظهر الكوفة قريباً من النجف يُشْرَةُ عن الغرّي، بمنّة عن الحيرة، فدفنه بين ذكوات بيض، قال: فلما كان بعد ذهبت إلى الموضع فتوقفت موضعاً منه، ثمّ أتيتّه فأخبرته فقال: أصبت أصبت أصبت - ثلاث مرّات - رَحِمَكَ اللهُ».

﴿باب نهم﴾

﴿روشن نمودن و تعیین کردن مکان قبر امیرالمؤمنین علیه السلام﴾

﴿حديث أول﴾

ترجمه:

پدر و برادرم و علی بن حسین و محمد بن حسن رحمة الله عليهم جملگی از سعد بن عبد الله بن ابی خلف نقل نموده اند و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از علی بن حکم و او از صفوان جمال حکایت کرده که وی گفت: من و عامر بن

عبدالله بن جذاعه از دی محضر امام صادق علیه السلام بودیم، ناقل می گوید:
 عامر به امام عرض نمود: مردم گمان دارند که امیرالمؤمنین علیه السلام در «رحبه»^(۱)
 مدفون هستند حضرت فرمودند: خیر، این طور نیست.
 روای می گوید: عرضه داشتم پس آن حضرت در کجا مدفون می باشند؟
 حضرت فرمودند:

وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام رحلت فرمودند امام حسن علیه السلام ایشان را به پشت کوفه
 در مکانی که نزدیک نجف و در چپ غری و راست حیره بود انتقال داده سپس
 بین ریگهای سفید و روشن آن حضرت را دفن نمودند.
 روای می گوید:

بعد از این به مکانی رفته و پنداشتم آن مکان مدفون حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
 است و سپس که محضر مبارک امام صادق علیه السلام مشرف شدم از پندار خود به آن
 جناب خبر داده و از صحت و سقم آن جویا شدم، حضرت سه مرتبه فرمودند:
 خداوند تو را رحمت کند در پندارت به صواب رفتی.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ، عَنْ
 أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْخَلَّالِ
 (كَذَا)، عَنْ جَدِّهِ «قَالَ: قُلْتُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا - أَيْنَ
 دَفَنْتُمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام؟ قَالَ: خَرَجْنَا بِهِ لَيْلاً حَتَّى مَرَرْنَا عَلَى مَسْجِدِ
 الْأَشْعَثِ، حَتَّى خَرَجْنَا إِلَى ظَهْرِ نَاحِيَةِ الْقَرْيِ».

۱ - به ضم راء دو سکون حاء اسم مکانی است که محاذی با قادسیه می باشد.

ترجمه: ﴿حدیث دوم﴾

محمد بن حسن، از محمد بن حسن صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن ابی عمیر، از حسین خلّال از جدّش نقل نموده، وی گفت:
محضر حسین بن علی صلوات الله علیهما عرض کردم: امیرالمؤمنین علیه السلام را در کجا دفن نمودید؟
حضرت فرمودند:
پیکر مطهر آن جناب را شب بیرون برده تا به مسجد اشعث رسیده و از آن گذشته تا به پشت ناحیه غری منتقلش نمودیم.

متن:

۳- حَدَّثَنِي جَمَاعَةُ مَشَائِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ «قَالَ: أَتَانِي عُمَرُ بْنُ - يَزِيدَ فَقَالَ لِي أَرْكَبْ، فَرَكَبْتُ مَعَهُ فَضَيْنَا حَتَّى نَزَلْنَا مَنْزِلَ حَفْصِ الْكُنَاسِيِّ فَاسْتَخْرَجَهُ فَرَكَبَ مَعَنَا فَضَيْنَا حَتَّى أَتَيْنَا الْغُرِّيَّ فَانْتَهَيْنَا إِلَى قَبْرِ فَقَالَ: انْزِلُوا! هَذَا الْقَبْرُ قَبْرُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَقُلْنَا لَهُ: مِنْ أَيْنَ عَرَفْتَ هَذَا؟ قَالَ: أَتَيْتُهُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام حَيْثُ كَانَ فِي الْحَيْرَةِ غَيْرَ مَرَّةٍ وَخَبَّرَنِي أَنَّهُ قَبْرُهُ».

ترجمه: ﴿حدیث سوم﴾

گروهی از مشایخ من، از محمد بن یحیی و او از احمد بن محمد و او از ابن ابی عمیر و او از قاسم بن محمد و او از عبدالله بن سنان نقل کرده که وی گفت:
عمرو بن یزید نزد من آمد و بمن گفت: سوار شو، من با او سوار شده و

حرکت کردیم تا به منزل حفص کناسی رسیده و او را به بیرون خواندیم وقتی از منزل خارج شد با ما سوار گشته و هر سه حرکت کردیم تا به غری رسیده و از آنجا به حرکت خود ادامه دادیم تا منتهی به قبری شدیم عمرو بن یزید گفت فرود آید این قبر، قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است.
به او گفتیم: از کجا دانستی.

گفت: زمانی که حضرت ابی عبدالله علیه السلام در خیره بودند مکرر با آن جناب به اینجا آمده و فرمودند: این قبر، قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ؛ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا، عَنْ يَزِيدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ طَلْحَةَ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَهُوَ بِالْحَيْرَةِ -: أَمَا تَرِيدُ مَا وَعَدْتُكَ؟ قَالَ: قُلْتُ: بَلَى - يَعْنِي الذَّهَابَ إِلَى قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام -، قَالَ: فَرَكِبْ وَ رَكِبَ إِسْمَاعِيلُ ابْنَهُ مَعَهُ وَ رَكِبْتُ مَعَهُمَا حَتَّى إِذَا جَازَ الثَّوِيَّةَ وَ كَانَ بَيْنَ الْحَيْرَةِ وَ النَّجْفِ عِنْدَ ذِكْوَاتِ بَيْضِ نَزْلِ وَ نَزَلَ إِسْمَاعِيلُ وَ نَزَلْتُ مَعَهُمْ فَصَلَّى إِسْمَاعِيلُ وَ صَلَّيْتُ، فَقَالَ لِإِسْمَاعِيلَ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلَى جَدِّكَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام، فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ أَلَيْسَ الْحُسَيْنُ عليه السلام بِكَرْبَلَاءَ، فَقَالَ: نَعَمْ؛ وَلَكِنْ لَمَّا حُمِلَ رَأْسُهُ إِلَى الشَّامِ سَرَقَهُ مَوْلَى لَنَا فَدَفَنَهُ بِجَنْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام».

«حدیث چهارم»

ترجمه:

پدرم و محمد بن یعقوب از علی بن ابراهیم بن هاشم و او از پدرش و او از یحیی بن زکریا و او از یزید بن عمر بن طلحه نقل کرده که وی گفت:

زمانی که امام صادق علیه السلام در حیره بودند به من فرمودند:
آیا اراده آنچه به تو وعده داده بودم را نداری؟

روای می گوید: عرضه داشتم چرا (یعنی رفتن به زیارت قبر المؤمنین علیهم السلام).
سپس راوی می گوید: امام علیه السلام سوار مرکب شده و فرزندشان اسمعیل نیز با آن
جناب سوار گشته و من نیز با ایشان سوار شدم و حرکت کردیم تا از وادی ثویه
گذشته و بین حیره و نجف جنب ریگ های سفید و روشن حضرت پیاده شدند و
اسمعیل نیز از مرکب به زیر آمد و من هم از مرکب پائین آمدم، حضرت نماز
گذارند و اسمعیل نیز با آن حضرت نماز خواند من هم نماز گذاردم سپس
حضرت به اسمعیل فرمودند:

بایست و برجدت حسین بن علی علیه السلام، سلام بده.
من عرض کردم: فدایت شوم: آیا حضرت حسین علیه السلام در کربلاء نیستند؟
فرمودند:

بلی ولی هنگامی که سر مطهر آن حضرت را به شام آوردند یکی از دوستان ما
آن را ربود و در جنب امیرالمؤمنین علیه السلام دفن نمود.

متن:

۵- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِيعاً، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مِثْلٍ، (و)
عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ الْحَسَنِ الْخَزَّازِ الْوَشَّاءِ،
عَنْ أَبِي الْفَرَجِ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ «قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَرَبَّ بَظْهَرِ
الْكُوفَةِ فَنَزَلَ وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ تَقَدَّمَ قَلِيلاً فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ سَارَ قَلِيلاً
فَنَزَلَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ قَالَ: هَذَا مَوْضِعُ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام، قُلْتُ:
جَعَلْتَ فِدَاكَ فَمَا الْمَوْضِعَيْنِ اللَّذَيْنِ صَلَّيْتَ فِيهِمَا؟ قَالَ: مَوْضِعُ رَأْسِ
الْحُسَيْنِ علیه السلام، وَ مَوْضِعُ مَنْبَرِ الْقَائِمِ علیه السلام».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم و محمد بن حسن جملگی از حسن بن مثیل، و او از سهل بن زیاد و او از ابراهیم بن عقبه و او از حسن خزاز و شاء و او از ابوالفرج و او از ابان بن تغلب نقل کرده که وی گفت:

در معیت حضرت ابی عبدالله علیه السلام بودم که آن حضرت از پشت کوفه عبور فرموده و سپس از مرکب به زیر آمده و دو رکعت نماز خواندند و بعد اندکی جلو رفته و دو رکعت دیگر خوانده سپس کمی حرکت فرموده و باز پیاده شدند و دو رکعت نماز خوانده سپس فرمودند:

این جا، قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است.

عرض کردم: فدایت شوم پس آن دو مکان که در آن نماز خواندید چه بود؟ حضرت فرمودند:

یکی مکان سر مطهر حضرت حسین علیه السلام بود و دیگری جای منبر قائم علیه السلام می باشد.

متن:

۶- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ - رَفَعَهُ - «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّكَ إِذَا أَتَيْتَ الْغُرَى رَأَيْتَ قَبْرَيْنِ: قَبْرًا كَبِيرًا وَ قَبْرًا صَغِيرًا، فَأَمَّا الْكَبِيرُ فَقَبْرُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَمَّا الصَّغِيرُ فَرَأْسُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم از سعد بن عبدالله و او از حسن بن موسی الخشاب و او از علی بن اصباط به طور مرفوعه نقل نموده و گفت:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی به غری وارد شده دو قبر می بینی: قبر بزرگ و قبر کوچک.

اما قبر بزرگ آن قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است.

و اما قبر کوچک: آن محل دفن سر مطهر حضرت حسین بن علی علیه السلام

می باشد.

متن:

۷- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ، عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ مِهْرَانَ، النَّجَفِي، فَقَالَ: هُوَ الْجَبَلُ الَّذِي اعْتَصَمَ بِهِ ابْنُ جَدِّي نُوحٌ عليه السلام، فَقَالَ: «سَأُوي إِلَى جَبَلٍ يَغْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ» فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ: يَا نَجْفُ أَيْعَتَصِمْ بِكَ مَنِّي؟! فغاب في الأرض و تقطع إلى قطر الشام، ثم قال: اعدل بنا؛ فعدلت فلم يزل سائرًا حتى أتى الغري فوقف على القبر، فساق السلام من آدم على نبي و نبي عليه السلام، و أن أسوق معه حتى وصل السلام إلى النبي صلى الله عليه وآله، ثم خرَّ على القبر فسلم عليه و علا نحيبه، ثم قام فصلى أربع ركعات و صليت معه، و قلت: يا ابن رسول الله ما هذا القبر، فقال: هذا قبر جدِّي علي بن أبي طالب عليه السلام.

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله، از محمد بن ابی عبدالله کوفی و او از موسی بن عمران

نخعی و او از حسین بن یزید نقل نموده که وی گفت:

صفوان بن مهران از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام حدیثی را این طور نقل

کرد:

صفوان می گوید: امام علیه السلام از سرزمین قادسیه حرکت کردند در حالی که من نیز همراه ایشان بودم تا به نجف رسیدیم، حضرت فرمودند:

این کوه همان کوهی است که فرزند جَدَم نوح علیه السلام به آن پناه برد و گفت:
سَاوِی اِلٰی جَبَلِ یَعْمَنِ مِنَ الْمَاءِ.

خداوند تبارک و تعالی به کوه خطاب نمود:

آیا او از من به تو پناه می برد؟!

پس از این خطاب کوه در زمین نهان گشت و رشته اش تا قبل از سرزمین شام بریده و منهدم گردید سپس به من فرمود:
به موازات من حرکت کن.

پس من به موازات حضرتش حرکت نمودم و پیوسته آن جناب مرکب می راندند تا به غریّ رسیده پس بالای قبری توقف فرمود و سپس شروع نمودند به سلام دادن به یک یک از انبیاء از حضرت آدم علیه السلام آغاز نموده و نام هر کدام را جداگانه برده و به آنها سلام می کردند و من نیز به متابعت از آن حضرت به هر یک از انبیاء سلام می دادم تا رسیدند به سلام بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله و پس از سلام به آن حضرت صورت مبارک را بر قبر مطهر نهاده و بر صاحب قبر سلام نمودند و پس از آن صدا به گریه بلند نمودند و بعد از آن ایستاده و چهار رکعت نماز خواندند و من نیز با آن حضرت نماز گذاردم و پس از فراغ از نماز محضر مبارکش عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله این قبر کیست؟
فرمودند: این قبر جَدَم علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد.

متن:

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ أَبِيهِ (كَذَا)، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْجَهْمِ بْنِ بُكَيْرٍ «قَالَ:

ذکرت لأبي الحسن علیه السلام يحيى بن موسى و تعرضه لمن يأتي قبر أمير المؤمنين علیه السلام و أنه كان ينزل موضعاً كان يقال به: الثوبية يتنزه إليه، ألا و قبر أمير المؤمنين علیه السلام فوق ذلك قليلاً و هو الموضع الذي روى صفوان الجمال أن أبا عبد الله وصفه له، قال له فيما ذكر: إذا انتهيت إلى القرى ظهر الكوفة فاجعله خلف ظهرك و توجه على نحو النجف، و تيامن قليلاً، فإذا انتهيت إلى الذكوات البيض و الثنية أمامه فذلك قبر أمير المؤمنين علیه السلام، و أنا أتيت كثيراً و من أصحابنا من لا يرى ذلك و يقول: هو في المسجد، و بعضهم يقول: هو في القصر، فأرد عليهم أن الله لم يكن ليجعل قبر أمير المؤمنين علیه السلام في القصر في منازل الظالمين، و لم يكن يُدفن في المسجد و هم يريدون ستره، فأينا أصوب؟ قال: أنت أصوب منهم، أخذت بقول جعفر بن محمد علیه السلام، قال: ثم قال لي: يا أبا محمد ما أرى أحداً من أصحابنا يقول بقولك، و لا يذهب مذهبك، فقلت له: جعلت فداك أما ذلك شيء من الله؟ قال: أجل: إن الله يوفق من يشاء و يؤمن عليه، فقل ذلك بتوفيق الله و الحمد عليه.

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن احمد بن علی بن یعقوب، از علی بن حسن بن علی بن فضال و از پدرش و او از حسن بن جهم بن بکیر نقل نموده که وی گفت: محضر مبارک ابی الحسن علیه السلام از یحیی بن موسی یاد کرده و عرضه داشتم که وی متعرض کسانی که به زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می آیند می شود و در مکانی که آن را ثوبیه می خوانند فرود آمده و آنجا را تفریح گاه خود قرار داده منتهی قبر امیرالمؤمنین علیه السلام اندکی بالاتر از آنجا است و آن همان موضعی است که صفوان جمال از امام

صادق علیه السلام روایت کرده و حضرت برایش آنجا را توصیف فرموده، حضرت در ضمن اوصافی که برای آن موضع ذکر فرمودند خاطر نشان نمودند:

وقتی به غری که پشت کوفه واقع شده متهی گشتی آنجا را پشت خود قرار بده و رو به پشت نجف نما و کمی به طرف راست مایل شو و وقتی به ریگ های سفید و روشن متهی گشتی و ثنیه جلو آن واقع شد همان جا قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.

راوی (حسن بن جهم) می گوید: من به این مکان بسیار آمده ام.

سپس محضر امام علیه السلام (حضرت ابی الحسن) عرض کرد:

بعضی از اصحاب ما را ایشان غیر از این بوده و معتقدند که قبر در مسجد است و برخی دیگر آن را در قصر می دانند ولی من در رد ایشان می گویم: خداوند متعال هرگز قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را در قصر که منزل ظالمین است قرار نمی دهد چنانچه هیچ گاه نمی گذارد پیکر مطهر آن جناب در مسجد دفن شود با اینکه قصد ظالمین پوشاندن و مخفی نگاه داشتن آن می باشد سپس محضر امام علیه السلام عرض می کند:

کدام یک از ما در این اعتقاد به صواب هستیم؟

حضرت فرمودند:

اعتقاد تو صحیح است، زیرا که تو کلام جعفر بن محمد علیه السلام را اخذ نموده ای. راوی می گوید:

سپس امام علیه السلام به من فرمودند:

ای ابا محمد احدی از اصحاب را نمی بینم که اعتقاد تو را داشته و به قول تو مایل باشد.

محضرش عرض کردم:

آیا این عنایت و لطفی از جانب حق تعالی می باشد؟

فرمودند:

بلی، خداوند به هر کس بخواهد توفیق داده و وی را امین قرار می دهد پس تو این عقیده را به توفیق حق تعالی بدان و او را در مقابل آن ستایش نما.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً،
عَنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ
فَضَّالٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْجَهْمِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي الْحُسَيْنِ علیه السلام - وَ
ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ -



﴿ حَدِيثُ نَهْم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن و محمد بن احمد بن حسین جمیعاً از حسن بن علی بن
مهزیار، از پدرش علی، از حسن بن علی بن فضال، از حسن بن جهم بن بکیر
نقل نموده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السلام یادی نمودم از... و همان حدیث قبلی
را تماماً نقل کرده است.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً،
عَنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ
بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشْتَمٍ [عَنْ رَجُلٍ] عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ «قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِالْحَيْرَةِ أَيَّامَ مَقْدَمِهِ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ فِي لَيْلَةِ صَحْيَانَةِ مُقَمَّرَةٍ،

قال: فنظر إلى السماء فقال: يا يونس أما ترى هذه الكواكب ما أحسنها، أما إنها أمانٌ لأهل السماء و نحن أمانٌ لأهل الأرض، ثم قال: يا يونس فمرّ بإسراج البغل و الحمار، فلما أسرجا قال: يا يونس أتيهما أحبُّ إليك؛ البغل أو الحمار؟ قال: فظننت أن البغل أحبُّ إليه لقوّته، فقلت: الحمار، فقال: أحبُّ أن تؤثرني به، قلت: قد فعلتُ، فركب و ركبت، و لما خرجنا من الحيرة قال: تقدّم يا يونس، قال: فأقبل يقول: تيامن تيامن، فلما انتهينا إلى الذكوات الحمر قال: هو المكان، قلت: نعم فتيامن ثمّ قصد إلى موضع فيه ماء و عَيْنٌ فتوضّأ ثمّ دنا من أكمة فصلّى عندها، ثمّ مال عليها و بكى، ثمّ مال إلى أكمة وونها ففعل مثل ذلك، ثمّ قال: يا يونس افعل مثل ما فعلتُ، ففعلتُ ذلك فلما تفرّغت قال لي: يا يونس تعرف هذا المكان؟ قلت: لا، فقال: الموضع الذي صليت عنده أولاً هو قبر أمير المؤمنين عليه السلام، و الأكمة الأخرى رأس الحسين بن عليّ بن أبي طالب عليه السلام، إنّ الملعون عبيد الله بن زياد - لعنه الله - لما بعث رأس الحسين عليه السلام إلى الشام رُدَّ إلى الكوفة، فقال: أخرجوه عنها لا يُفتنن به أهلها، فصيّره الله عند أمير المؤمنين عليه السلام، فالرأس مع الجسد و الجسد مع الرأس».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن و محمد بن احمد بن حسين جميعاً از حسن بن علی بن مهزيار و او از پدرش علی بن مهزيار نقل نموده که وی می گفت:
علی بن احمد بن اشیم برایم نقل نمود از شخصی و او از یونس بن ظبیان حکایت کرد که وی گفت: در ایامی که حضرت ابو عبد الله عليه السلام در حیره بر ابی

جعفر وارد شده بودند شبی که هوا صاف و خالی از ابر بود و ماه در آسمان می درخشید من محضر مبارک امام علیه السلام بودم آن جناب به آسمان نظر نموده و فرمودند:

یونس، می بینی که این ستارگان چه قدر زیبا هستند؟
توجه داشته باش که این کرات نورانی امان برای اهل آسمان هستند همان طوری که ما امان برای اهل زمین می باشیم، سپس فرمودند:
ای یونس، قاطر و الاغی را زین کن و بیاور.
وقتی هر دو زین شده و آماده گشتند حضرت فرمودند:
ای یونس، کدام یک را دوست داری. قاطر یا الاغ را؟
یونس می گوید: گمان کردم آن جناب قاطر را به خاطر نیرو و قوه ای که دارد بیشتر دوست دارند سوار شوند لذا در جواب آن حضرت عرض کردم: من الاغ را بیشتر دوست دارم. حضرت فرمودند:
دوست دارم الاغ را به من دهی.
عرض کردم: من الاغ را سوار شدم.
به هر صورت حضرت بر قاطر و من نیز بر الاغ سوار شده و حرکت کردیم و وقتی از حیره بیرون رفتیم حضرت به من فرمودند:

ای یونس: جلو برو

یونس می گوید: جلو رفتم

حضرت می فرمود: به سمت راست و به سمت چپ برو (یعنی پیوسته آن جناب من را راهنمایی نموده گاهی می فرمودند به سمت راست برو و زمانی دستور می دادند که به چپ برو) و وقتی به ریگ های سرخ رسیدیم فرمودند: این همان مکان است.

من نیز حضرت را تصدیق کردم سپس آن جناب به سمت راست آن مکان

رفته و مقصودشان جائی بود که در آن آب و چشمه باشد و وقتی به چنین موضعی رسیدند از چشمه وضوء گرفته سپس به مکانی که بلند به نظر می‌رسید نزدیک شدند و در آنجا نماز خواندند و پس از نماز روی آن مکان خم شده و زمانی گریستند و سپس به مکان بلند دیگری که نزدیک آن بود رفته و عیناً اعمال سابق را بجا آوردند و بعد فرمودند:

ای یونس آنچه را من عمل کردم تو نیز به جای آور.

پس من آنچه حضرت انجام داده بودند را به جای آوردم و بعد از فراغت به من فرمودند:

ای یونس دانستی این چه مکانی است؟

عرض کردم: خیر.

فرمودند: جائی که اول نماز خواندم آن قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است و مکان دوم محل دفن سر مطهر حضرت حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد، پس از آن اضافه نموده و فرمودند:

زمانی که عبیدالله بن زیاد ملعون سر مبارک حضرت را به شام فرستاد از شام آن را به کوفه برگرداندند وی به اصحابش گفت:

این سر را از این شهر بیرون ببرید و باعث فتنه و آشوب بین اهل این شهر نشوید و بدین ترتیب خداوند متعال سر مبارک آن جناب را نزد امیرالمؤمنین قرار داد و از آن پس سر به جسد ملحق شد و بدن با سر متصل گردید.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ

أَبِي الْخَطَّابِ الزَّيَّاتِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ، عَنْ

أبي عبد الله عليه السلام «قال: إني لما كنتُ بالمحيرة عند أبي العباس كنتُ أتي قبرَ أمير المؤمنين عليه السلام ليلاً و هو بناحية الثَّجَفِ إلى جانب الغرَى النِّعْمانِ، فأصليَّ عنده صلاة الليل و أنصرف قبل الفجر».

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز از محمد بن حسین بن ابی خطاب زیات و او از حسن بن محبوب و او از اسحق بن جریر نقل کرده که وی گفت:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامی که در حیره نزد ابی العباس بودم شب‌ها به زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می‌رفتم، قبر آن حضرت در ناحیه ثَجَف به جانب غری النِّعْمان می‌باشد به هر صورت نزد قبر نماز شب را خوانده و پیش از طلوع فجر از آنجا بر می‌گشتم.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

متن:

۱۲ - و عنه، عن محمد بن الحسين، عن الحَجَّال، عن صفوان بن مهران، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: سألتُه عن موضع قبر أمير المؤمنين عليه السلام، قال: فوصف لي موضعه حيث دكادك الميل قال: فأتيتُه فصلَّيتُ عنده ثمَّ عُدْتُ إلى أبي عبد الله عليه السلام من قابل فأخبرته بذهابي و صَلَّاتي عنده».

فقال: أصبت، فكثتُ عشرين سنة أصليَّ عنده».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن حسین و او از حَجَّال و او از صفوان بن

مهران و او از مولانا ابی عبداللہ علیہ السلام نقل می کند، وی می گوید:

راجع به مکان قبر امیرالمؤمنین علیہ السلام از آن حضرت پرسیدم؟

حضرت وصف آن مکان را برایم بیان فرموده و اظهار داشتند:

موضعی است که ریگ ها به روی هم انباشته شده و پشته ای ساخته اند.

راوی می گوید:

به آن مکان رفته و در آنجا نماز خوانده سپس به محضر مبارک امام علیہ السلام بعداً

مراجعت کرده و ایشان را از رفتن و نماز خواندنم در آنجا اطلاع دادم.

حضرت فرمودند: عمل صحیحی انجام دادی.

بعد از آن مدت بیست سال در آنجا توقف کرده و به خواندن نماز مشغول

گردیدم.



متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى،

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ «قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا علیہ السلام فَقُلْتُ: أَيْنَ مَوْضِعُ

قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیہ السلام؟ فَقَالَ: الْغَرَى، فَقُلْتُ لَهُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ إِنَّ بَعْضَ

النَّاسِ يَقُولُونَ: دَفَنٌ فِي الرُّحْبَةِ، قَالَ: لَا، وَلَكِنْ بَعْضُ النَّاسِ يَقُولُ: دَفَنٌ

بِالْمَسْجِدِ».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از احمد بن

محمد بن ابی نصر نقل کرده که وی گفت:

از حضرت رضا علیہ السلام پرسیدم: جای قبر امیرالمؤمنین علیہ السلام کجا است؟

حضرت فرمودند: غری.

محضرش عرضه داشتیم: فدایت شوم برخی می‌گویند آن حضرت در رجه دفن شده‌اند؟

حضرت فرمودند: خیر ولی پاره‌ائی معتقدند که آن جناب در مسجد دفن گردیده است.

﴿الباب العاشر﴾

﴿ثواب زیارة امیرالمؤمنین (علیه السلام)﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ
حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ النَّيْسَابُورِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيِّ، عَنْ
مَنْعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسَ، عَنِ أَبِي وَهَبٍ الْبَصْرِيِّ «قَالَ: دَخَلْتُ
الْمَدِينَةَ فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ أَتَيْتَكَ وَلَمْ أَزِرْ قَبْرَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام)، قَالَ: بَشْ مَا صَنَعْتَ، لَوْلَا أَنَّكَ مِنْ شِيعَتِنَا مَا نَظَرْتُ
إِلَيْكَ، أَلَا تَزُورُ مَنْ يَزُورُهُ اللَّهُ تَعَالَى مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَ يَزُورُهُ الْأَنْبِيَاءُ وَ
يَزُورُهُ الْمُؤْمِنُونَ، قُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ مَا عَلِمْتُ ذَلِكَ، قَالَ: فَاعْلَمْ أَنَّ
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْأُئِمَّةِ كُلِّهِمْ وَ لَهُ ثَوَابُ أَعْمَاهُمْ وَ
عَلَى قَدَرِ أَعْمَاهُمْ فَضَّلُوا».

﴿ باب دهم ﴾

﴿ ثواب زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی عطار و او از حمدان بن سلیمان نیشابوری و او از عبدالله بن محمد یمانی و او از منیع بن حجاج و او از یونس و او از ابی وهب بصری نقل کرده که وی گفت:

داخل مدینه شده نزد حضرت ابا عبدالله (علیه السلام) مشرف شده محضرش عرضه داشتم:

فدایت شوم خدمت شما رسیدم ولی به زیارت قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) نرفته‌ام. حضرت فرمودند:

بدکاری کردی اگر از شیعیان ما نبودی به تو نگاه نمی‌کردم، چرا زیارت نکردی کسی را که خداوند با فرشتگانش زیارتش می‌کنند، انبیاء و مؤمنین زیارتش می‌نمایند؟

عرض کردم: فدایت شوم به این امر واقف نبودم.

حضرت فرمودند:

بدان که امیرالمؤمنین (علیه السلام) نزد حق تعالی از تمام ائمه (علیهم السلام) افضل و برتر بوده و ثواب اعمال ایشان برای آن حضرت منظور می‌شود (یعنی غیر از اینکه در قبال اعمال خود آن جناب حق تعالی ثواب لحاظ می‌کند اعمال ائمه هدی (علیهم السلام) نیز موجب حصول ثواب برای حضرتش می‌باشد) در حالی که حضرات ائمه (علیهم السلام) به مقدار اعمال صادره از خودشان فضیلت و برتری عائدشان می‌شود.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ - عَمَّ ذَكَرَهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ: حَدَّثَنِي ابْنُ سِنَانٍ قَالَ: حَدَّثَنِي الْمُفَضَّلُ ابْنُ عُمَرَ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَقُلْتُ: إِنِّي أَشْتَاقُ إِلَى الْغُرَى، قَالَ: فَمَا شَوْكَ إِيَّاهُ؟ قُلْتُ لَهُ: إِنِّي أَحَبُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) وَأَحَبُّ أَنْ أَزُورَهُ، قَالَ: فَهَلْ تَعْرِفُ فَضْلَ زِيَارَتِهِ؟ قُلْتُ: لَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؛ فَعَرَّفَنِي: ذَلِكَ، قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فَاعْلَمْ أَنَّكَ زَائِرُ عِظَامِ آدَمَ، وَبَدَنِ نُوحٍ، وَجَسَمِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)، قُلْتُ: إِنَّ آدَمَ هَبِطَ بِسَرَنْدِيبٍ فِي مَطْلَعِ الشَّمْسِ وَزَعَمُوا أَنَّ عِظَامَهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ فَكَيْفَ صَارَتْ عِظَامُهُ بِالْكُوفَةِ؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَى نُوحٍ (ع) وَهُوَ فِي السَّفِينَةِ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ أَسْبُوعاً، فَطَافَ كَمَا أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ، ثُمَّ نَزَلَ فِي الْمَاءِ إِلَى رَكْبَتَيْهِ فَاسْتَخْرَجَ تَابُوتاً فِيهِ عِظَامُ آدَمَ، فَحَمَلَ التَّابُوتَ فِي جَوْفِ السَّفِينَةِ حَتَّى طَافَ بِالْبَيْتِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَطُوفَ، ثُمَّ وَرَدَ إِلَى بَابِ الْكُوفَةِ فِي وَسْطِ مَسْجِدِهَا، فَفِيهَا قَالَ اللَّهُ لِلْأَرْضِ: «أَبْلَعِي مَاءَكُمْ»^(۱)، فَبَلَعَتْ مَاءَهَا مِنْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ كَمَا بَدَأَ الْمَاءُ مِنْ مَسْجِدِهَا وَتَفَرَّقَ الْجَمْعُ الَّذِي كَانَ مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ، فَأَخَذَ نُوحٌ التَّابُوتَ فَدَفَنَهُ بِالْغُرَى وَهُوَ قِطْعَةٌ مِنَ الْجَبَلِ الَّذِي كَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ مُوسَى تَكْلِيماً، وَقَدَّسَ عَلَيْهِ عِيسَى تَقْدِيساً، وَاتَّخَذَ عَلَيْهِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلاً، وَاتَّخَذَ عَلَيْهِ مُحَمَّدٌ حَبِيباً، وَجَعَلَهُ لِلنَّبِيِّينَ مَسْكناً، وَاللَّهُ مَا سَكَنَ فِيهِ أَحَدٌ بَعْدَ

آبائه الطاهرین: آدم و نوح اکرم من امیرالمؤمنین علیه السلام، فإذا أردت جانب النجف فزُرْ عظام آدم وبدون نوح و جسم علی بن ابی طالب علیه السلام فانك زائراً لآباء الاولین، و محمداً خاتم النبیین، و علیاً سید الوصیین، فإن زائرہ تفتح له أبواب السماء عند دعوتہ فلا تکن عن الخیر نואماً».

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن یعقوب از ابوعلی اشعری و او از کسی که نامش را برده و او از محمد بن سنان.

و نیز محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش و او از محمد بن حسین بن ابی الخطاب نقل کرده که وی گفت:

ابن سنان گفته است: مفضل بن عمر برایم چنین حکایت نمود:

گفت: محضر امام صادق علیه السلام داخل شده عرض کردم: مایل و مشتاقم که به غری بروم حضرت فرمودند:

چه اشتیاقی به آن داری؟

عرض کردم: امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست داشته و به زیارتش علاقمند هستم. حضرت فرمودند:

آیا فضیلت زیارت آن حضرت را می دانی؟

عرضه داشتم: خیر ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، من را از آن آگاه و مطلع بفرمائید.

حضرت فرمودند:

هرگاه اراده زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام را نمودی بدانکه در واقع استخوانهای حضرت آدم علیه السلام و بدن نوح علیه السلام و جسم امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت می کنی. عرض کردم:

حضرت آدم در سرندیب محل طلوع آفتاب هبوط نمود و عموم معتقدند استخوانهایش در بیت الله الحرام دفن شده پس چطور می فرمائید در کوفه می باشد؟

حضرت فرمودند:

خداوند متعال به حضرت نوح علیه السلام در حالی که در کشتی بود وحی فرمود که هفت بار طواف بیت نماید، آن جناب طبق آنچه به وی وحی شده بود طواف نمود سپس از کشتی بیرون آمد و تازانوهایش در آب فرورفت، تابوتی که در آن استخوانهای حضرت آدم بود را از آب بیرون آورده و آن را به داخل کشتی حمل فرمود و بدنبال آن مطابق خواسته حق تعالی دور بیت طواف نمود و پس از آن وارد درب کوفه که در وسط مسجد کوفه هست گردید در این وقت بود که حق تعالی به زمین فرمود: آبی که در برداری فروبیر، پس زمین آبش را از مسجد کوفه فرو برد همان طوری که قبلاً از همین مسجد ظاهر ساخته بود و به هر صورت گروهی که با نوح در سفینه بودند متفرق گشته سپس جناب نوح تابوت را در غری دفن کرد (غری قطعه‌ای از کوهی است که موسی علیه السلام در آن با خدا تکلم نمود و عیسی در آن تقدیس گردید و ابراهیم در آن به منصب خلیلی نصب گردید و حضرت محمد صلی الله علیه و آله در آن حبیب خدا خوانده شد و همین کوه بود که حق تعالی آن را مسکن انبیاء قرار داد).

سپس حضرت فرمودند:

به خدا قسم بعد از آباء طاهرین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یعنی حضرت آدم و نوح علیه السلام احدی کریم تر از امیرالمؤمنین علیه السلام در آن سکونت اختیار نکرده.

سپس فرمودند:

و بدین ترتیب هرگاه اراده کردی نجف را، پس استخوانهای آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب علیه السلام را زیارت کن که زائر آباء اول و گذشته (آدم و نوح علیه السلام) و حضرت محمد صلی الله علیه و آله که خاتم انبیاء است و حضرت علی علیه السلام که سید

اوصیاء بوده می‌باشی و باید توجه داشته باشی که برای زائر آن حضرت در ب‌های آسمان گشوده می‌شود پس از این خیر عظیم غافل مباش.

متن:

۳- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ أَبِي شِهَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَا أَبَتَ مَا جِزَاءُ مَنْ زَارَكَ؟ قَالَ: مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأُخْلَصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

علی بن حسین از علی بن ابراهیم بن هاشم و او از عثمان بن عیسی و او از معلی بن ابی شهاب و او از مولانا ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده، وی می‌گوید:
امام صادق علیه السلام فرمودند:

حضرت امام حسن علیه السلام محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشت:

ای پدر پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

فرزندم! کسی که من را زیارت کند در زمان حیات یا بعد از ممات یا پدر تو را زیارت کند بر خداوند عزوجل است که او را در روز قیامت زیارت کرده و از گناهانش برهاند.

﴿ الباب الحادى عشر ﴾

﴿ زیارة قبر أمير المؤمنين عليه السلام ﴾

﴿ وكيف یزار، و الدعاء عند ذلك ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ مَهْدِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي: عَلِيُّ بْنُ
صَدَقَةَ الرَّقِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ
أَبِيهِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «قَالَ: زَارَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَبْرَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَقَفَ عَلَى الْقَبْرِ فَبَكَى، ثُمَّ قَالَ:
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ
وَأَتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ ﷺ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ فِي جِوَارِهِ وَقَبَضَكَ بِاخْتِيَارِهِ،
وَأَلَزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ فِي قَتْلِهِمْ إِيَّاكَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى
جَمِيعِ خَلْقِهِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ؛ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً
بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لِمَصْفُوعِ أَوْلِيَائِكَ، مُحَبُّوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ،
صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِقَوَاضِي نِعْمَائِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ،
مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ
أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ
وَتَنَائِكَ».

ثم وضع خدّه على القبر وقال:

«اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّةُ، وَسُبُلَ الرَّاْغِبِينَ إِلَيْكَ
شَارِعَةٌ، وَأَعْلَامُ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ، وَأَفِيدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ
فَازِعَةٌ، وَأَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ، وَأَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ،
وَدَعْوَةٌ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ، وَتَوْبَةٌ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ، وَعِبْرَةٌ مَنْ
بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، وَالْإِعَانَةُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَوْجُودَةٌ، وَالْإِغَاثَةُ
لِمَنْ اسْتَغَاثَ بِكَ مَبْدُولَةٌ، وَعِدَاتُكَ لِعِبَادِكَ مُنَجَّزَةٌ، وَزَلَّلَ مَنْ اسْتَقَالَكَ
مُقَالَةٌ، وَأَعْمَالُ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ، وَأَرْزَاقُكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ
لَدُنْكَ نَازِلَةٌ، وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ لَهُمْ مُتَوَاتِرَةٌ، وَذُنُوبُ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ،
وَحَوَائِجُ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ، وَجَوَائِزُ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مَوْفُورَةٌ،
وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ، وَمَوَائِدُ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ، وَمَنَاهِلُ
الظَّمَاءِ لَدَيْكَ مُتَرَعَّةٌ، اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَاقْبَلْ ثَنَائِي، وَأَعْظِني رَجَائِي
وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ عليهم السلام، إِنَّكَ وَلِيٌّ نَعْمَائِي، وَمُنْتَهَى رَجَائِي، وَغَايَةُ مُنَايَ فِي مُسْتَقْلَبِي
وَمُتَوَايَ، أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، اغْفِرْ لِي وَلِأَوْلِيَائِنَا، وَكُفَّ عَنَّا
أَعْدَاءَنَا، وَاشْغَلْهُمْ عَنَّا أَدَانَا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا،
وَأَذْهِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

«باب یازدهم»

«زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام و کیفیت زیارت»

«و خواندن دعا در آنجا»

«حدیث اول»

ترجمه:

ابوعلی احمد بن علی بن مهدی می گوید:

ابوعلی بن صدقه رقی برایم نقل نموده و گفت:

علی بن موسی علیه السلام برایم نقل نموده و گفت:

پدرم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدر بزرگوارش حضرت جعفر علیه السلام نقل

فرمود که آن جناب فرمودند:

حضرت زین العابدین علیه السلام قبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را به این

کیفیت زیارت کردند:

ابتداء بالای قبر توقف نموده و فصلی گریسته و بعد از آن فرمودند:

سلام بر تو ای امیرمؤمنان و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، سلام بر تو ای

امین خدا در روی زمین و حجتش بر بنده گان، سلام بر تو ای امیرمؤمنان،

شهادت می دهم که تو در راه خدا آن طور که شاید و باید جهاد نموده و به کتاب

خدا عمل و سنن و احکام پیامبرش صلی الله علیه و آله را پیروی کردی تا حق تعالی تو را به

جوار خودش خواند و به اختیار خویش قبض روح فرمود و به واسطه کشتنت

دشمنان را در حالی که حجت ها و براهین بالغه الهی بر جمیع خلایق در دست تو

بود حق تعالی بر دشمنان اتمام حجت نمود، بار خدایا نفس من را به تقدیرات

خود مطمئن و به قضائت راضی و خشنود و به یاد و خواندنت حریص و نسبت

به برگزیده گان از دوستان محب و علاقه مند قرار بده، خداوند من را در زمین و

آسمان محبوب دیگران نما و بر نزول بلا و گرفتاری ها شکایا و در مقابل

نعمتهای بزرگت شاکر و نسبت به نعمتهای تامه و کاملهات ذاکر و متوجه و به سرور و شادی ملاقاتت مشتاق گردان.

خداوندا تقوی و پرهیزکاری را زاد و توشه‌ام قرار بده برای روز جزائت، و مؤدبم کن به آداب دوستانت و برحذرمدار از اخلاق و سجایای دشمنانت، خداوندا از تو می‌خواهم که بواسطه حمد و ستایشت از دنیا منصرفم نمائی.

سپس آن حضرت صورت مبارک بر قبر نهاده و عرضه داشت:

بار خدایا دل‌های خاشعین درگاهت واله تو است، و طرق و راه‌های مایلین به تو گشاده و باز و نشانه‌های قاصدین تو روشن و آشکار و دل‌های عارفین از تو به فزع آمده، و صدای خوانندگان بلند و درهای اجابت دعاهایشان گشوده و دعای کسانی که تو را می‌خوانند مستجاب و توبه بازگشت کنندگان به تو پذیرفته می‌باشد.

بار خدایا اشک گریه کنندگان از خوفت مورد ترحم تو واقع شده و کمک تو نسبت به آنان که از تو طلب کمک کرده‌اند در خارج تحقق یافته و پناهت به پناهندگان به تو بذل و اعطاء گردیده و وعده‌هایت به بندگان تحقق پیدا کرده و لغزش کسانی که از تو طلب عفو کرده‌اند معفو قرار داده شده و اعمال عمل کنندگان نزد تو محفوظ بوده و ارزاق بندگان از نزد تو به ایشان نازل گشته، و احسان‌ها و نیکی‌های فراوان بر بندگان پشت سرهم بوده و گناهان استغفار کنندگان بخشیده شده و حاجت‌های مخلوقات به تو برآورده شده و پاداش‌های درخواست کنندگان از تو فراوان و نیکی‌های زیاد به آنها رسیده و خوان‌های طالبین طعام آماده و گسترده و آب خورگاه تشنگان نزد تو مملو و پُر می‌باشد.

بار خدایا دعای من را مستجاب فرما و ستایش من را قبول نما و به من امید ببخش و بین من و دوستانم جمع فرما به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام، همانا تو ولی نعمت من و نهایت امیدم در برگشتن و درنگ نمودنم می‌باشی، توئی خدا و آقا و ولی من، من و دوستان ما را ببخش و شر دشمنان را از

ما بازدار و ایشان را از اذیت به ما روی گردان، کلمه حق را آشکار و آن را مرتفع و
افراشته نما و کلمه باطل را نابود و خوار گردان چه آنکه تو بر هر چیزی قادر و
توانا هستی.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - فِيمَا ذَكَرَ مِنْ
كِتَابِهِ الَّذِي سَمَّاهُ «كِتَابُ الْجَامِعِ»، رَوَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام «أَنَّهُ كَانَ
يَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ؛ وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ
حَقُّهُ، صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ حَقَّ أَتَاكَ الْيَقِينُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ، وَأَنْتَ
شَهِيدٌ، عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَجَدَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ، جِشَّكَ
عَارِفًا بِحَقِّكَ؛ مُسْتَبْصِرًا بِشَأْنِكَ؛ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ وَمَنْ ظَلَمَكَ، أَلْقَى عَلَى
ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ
يَا مَوْلَايَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَعْلُومًا، وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا عَظِيمًا
وَشَفَاعَةً، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى»^(۱).

و يقول عند قبر امیرالمؤمنین علیه السلام أيضاً:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِهِ وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله، وَمَنْ فَرَضَ اللَّهُ
طَاعَتَهُ، رَحِمَهُ مِنْهُ لِي وَتَطَوَّعاً مِنْهُ عَلَيَّ، وَمَنْ عَلَيَّ بِالْإِيمَانِ، الْحَسَنُ لِلَّهِ
الَّذِي سَيَّرَنِي فِي بِلَادِهِ وَحَمَلَنِي عَلَى دَوَابِّهِ، وَطَوَّى لِي الْبَعِيدَ؛ وَدَفَعَ عَنِّي
الْمَكْرُوهَ حَتَّى أَدْخَلَنِي حَرَمَ أَخِي رَسُولِهِ فَأَرَانِيهِ فِي عَافِيَةٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

جَعَلَنِي مِنْ زُوَارِ قَبْرِ وَصِيِّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ
 عِنْدِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ، اللَّهُمَّ عَبْدُكَ وَزَائِرُكَ
 يَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِزِيَارَةِ قَبْرِ أَخِي نَبِيِّكَ، وَعَلَى كُلِّ مَا تِيَّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ،
 وَأَنْتَ خَيْرُ مَا تِيَّ، وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، وَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا جَوَادُ
 يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا فَرْدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا
 أَحَدٌ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَجْعَلَ تُحَفَّتَكَ إِيَّايَ
 مِنْ زِيَارَتِي فِي مَوْقِفِي هَذَا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَاجْعَلْنِي بِمَنْ يُسَارِعُ فِي
 الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُوكَ رَهْبًا وَرَغْبًا، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ
 بَشَّرْتَنِي عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ فَقُلْتُ: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ
 صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (١) اللَّهُمَّ فَإِنِّي بِكَ مُؤْمِنٌ وَبِجَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ مُوقِنٌ، فَلَا
 تُؤَقِفْنِي بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفًا تَقْضِيهِ بِهِ عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ، بَلْ أَوْقِفْنِي
 مَعَهُمْ، وَتَوَقَّفْنِي عَلَى التَّضَدِيقِ بِهِمْ، فَإِنَّهُمْ عَبِيدُكَ وَأَنْتَ خَصَصْتَهُمْ
 بِكَرَامَتِكَ وَأَمَرْتَنِي بِاتِّبَاعِهِمْ».

ثُمَّ تَدْنُو مِنَ الْقَبْرِ وَتَقُولُ: السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ
 عَبْدِ اللَّهِ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، وَمَغْدِنِ الْوَحْيِ وَالْتِزِيلِ،
 وَالْخَاتَمِ لِمَا سَبَقَ وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَالْمَهْيَمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَالشَّاهِدِ
 عَلَى خَلْقِهِ، وَالسَّرَاجِ الْمُنِيرِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْمَظْلُومِينَ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَرْفَعَ وَأَشْرَفَ
مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ،
الَّذِي انْتَجَبْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ، وَالذَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ،
وَدَيَّانِ الدِّينِ بَعْدَكَ، وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأُئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ،
الْمُطَهَّرِينَ الَّذِينَ ارْتَضَيْتَهُمْ أَنْصَاراً لِدِينِكَ وَحَفَظَةً لِسِرِّكَ؛ وَشُهَدَاءَ عَلَى
خَلْقِكَ، وَأَعْلَاماً لِعِبَادِكَ - وَتَصَلِّيْ عَلَيْهِمْ مَا اسْتَطَعْتَ - السَّلَامُ عَلَى الْأُئِمَّةِ
الْمُسْتَوْدِعِينَ، السَّلَامُ عَلَى خَالِصَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأُئِمَّةِ
الْمُتَوَسِّمِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِأَمْرِكَ، وَوَارَثُوا أَوْلِيَاءَ
اللَّهِ، وَخَافُوا بِخَوْفِهِمْ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ».

ثمَّ تقول: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ
وَوَارِثَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَصَاحِبَ الْمِيسَمِ وَالصُّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ،
أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ
عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ
فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَنَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ صَابِراً
مُحْتَسِباً مُجَاهِداً عَنِ دِينِ اللَّهِ، مُوقِياً لِرَسُولِ اللَّهِ، طَالِباً مَا عِنْدَ اللَّهِ،
رَاغِباً فِيهِ وَعَدَ اللَّهِ، وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَشَاهِداً
وَمَشْهُوداً، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ رَسُولِهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ،

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَالَفَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ
وَزَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَضَبَكَ حَقًّا، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ
مِنْهُمْ بَرَاءٌ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَالَفَتْكَ؛ وَأُمَّةً جَحَدَتْ وَلَايَتَكَ؛ وَأُمَّةً تَظَاهَرَتْ
عَلَيْكَ؛ وَأُمَّةً قَتَلَتْكَ؛ وَأُمَّةً حَادَثَتْ عَنْكَ وَخَذَلَتْكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ
النَّارَ مَشَواهُمْ، وَبَشَسَ الْوَرْدَ الْمَوْرُودَ، وَبَشَسَ وَرْدَ الْمَوَارِدِينَ، وَبَشَسَ
دَرْكُ الْمَذْرُوكِ، اللَّهُمَّ الْعَنُ قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ وَأَوْصِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ،
وَأَصْلِهِمْ حَرَّنَارِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنُ الْجَوَابِيتَ وَالطَّوَاعِغِيَّةَ وَالْفَرَاعِنَةَ؛
وَاللَّاتَ وَالْعُزَّى وَالْجَبْتَ، وَكُلَّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ، وَكُلَّ مُفْتَرٍ عَلَى اللَّهِ،
اللَّهُمَّ الْعَنُهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَوْلِيَاءَهُمْ وَأَعْوَانَهُمْ وَمُحِبِّهِمْ لَعْنًا
كَثِيرًا».

و تقول: «اللَّهُمَّ الْعَنُ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام - ثلاثاً - اللَّهُمَّ الْعَنُ قَتْلَةَ
الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عليهما السلام - ثلاثاً - اللَّهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا لَا تُعَذِّبُهُ أَحَدًا
مِنَ الْعَالَمِينَ، وَضَاعِفْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ كَمَا شَاقُّوا وُلَاةَ أَمْرِكَ، وَأَعِدَّ
لَهُمْ عَذَابًا لَمْ تَحِلَّهُ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَأَدْخِلْ عَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ
رُسُولِكَ، وَ قَتْلَةِ أَنْصَارِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ عَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ الْحَسَنِ وَ عَلَى
قَتْلَةِ أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ، وَ قَتْلَةَ مَنْ قُتِلَ فِي وِلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ أَجْمَعِينَ عَذَابًا
مُضَاعَفًا فِي أَسْفَلِ دَرْكِ مِنَ الْجَحِيمِ، وَ لَا تُخَفِّفْ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا وَ هُمْ
فِيهِ مُبْتَلِسُونَ مُلْعُونُونَ، نَاكِسُوا رُؤُسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ، قَدْ عَايَنُوا النَّدَامَةَ وَ
الْحَزْنَ الطَّوِيلَ لِقَتْلِهِمْ عِثْرَةَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَأَتْبَاعِهِمْ مِنْ عِبَادِكَ
الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ الْعَنُهُمْ فِي مُسْتَسِيرِ السَّرِّ وَ ظَاهِرِ الْعِلَانِيَةِ فِي أَرْضِكَ وَ
سَمَائِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ، وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ

حَقِّ تَلْحِقْنِي بِهِمْ وَتَجْعَلْنِي لَهُمْ تَبَعًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». ثُمَّ أَجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقُلْ:

«سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَالمُسْلِمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ، وَالنَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ؛ وَالشَّاهِدِينَ عَلَى أَنَّكَ صَادِقٌ [أَمِينٌ] صَدِيقٌ؛ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ، وَأَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ بِالْبَلَاغِ وَالْإِدَاءِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَنْبُ اللَّهِ وَأَنَّكَ بَابُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوثَى، وَأَنَّكَ خَلِيلُ اللَّهِ وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ، وَأَخُو رَسُولِهِ وَقَدْ أَتَيْتُكَ وَافِدًا لِعَظِيمِ حَالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكَ، طَالِبًا خَلَاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحْقَاقِهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُهُ عَلَى نَفْسِي، أَتَيْتُكَ انْقِطَاعًا إِلَيْكَ وَإِلَى وَلَدِكَ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِكَ عَلَى بَرَكَةِ الْحَقِّ، فَقَلْبِي لَكَ مُسَلِّمٌ، وَأَمْرِي لَكَ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكَ مُعَدَّةٌ، وَأَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ فِي طَاعَتِكَ، وَالْوَافِدُ إِلَيْكَ، أَلْقَمْتُ بِذَلِكَ كِمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ يَمُنُّ أَمْرُنِي اللَّهُ بِطَاعَتِهِ، وَحَثَّنِي عَلَى بَرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ، وَرَغَّبَنِي فِي الْوِفَادَةِ إِلَيْهِ وَإِلَى طَلَبِ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ يَسْعَدُ مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخْشِبُ مَنْ أَتَاهُمْ، وَلَا يَخْسَرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ، وَلَا يَسْقُدُ مَنْ عَادَاهُمْ، لَا أَجِدُ أَحَدًا أَفْزَعَ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، وَدَعَائِمُ الدِّينِ، وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ، وَالشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ، اللَّهُمَّ لَا تُخَيِّبْ تَوَجُّهِي إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ وَآلِ رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ مَنْنْتَ عَلَيَّ بِزِيَارَةِ مَوْلَايَ وَوَلَايَتِهِ وَمَعْرِفَتِهِ، فَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْصُرُهُ وَيُنْصَرُ بِهِ، وَمَنْ عَلَى بَنَصْرِكَ لِدِينِكَ فِي الدُّنْيَا وَ

الْآخِرَةَ، اللَّهُمَّ أَخِيفِي عَلَى مَا خَيِيَ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، وَأَمِثْنِي عَلَى مَامَاتٍ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن ولید رحمه الله علیه در کتابی که نامش را «کتاب الجامع» نهاده می گوید:

از حضرت ابی الحسن علیه السلام روایت شده که آن جناب هنگام زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند:

سلام بر تو ای ولی خدا، شهادت می دهم که تو اولین مظلوم و اولین کسی که حقش غصب شده می باشی، صبر و تحمل نمودی تا هنگامی که اجل تو را دریافت و شهادت می دهم که خدا را ملاقات نمودی در حالی که شهید بودی، عذاب کند خداوند متعال کُشنده تو را به انواع عذاب ها و تجدید نماید بر او، آن به آن، عذاب را، نزد تو آمدم در حالی که به حق عارف و به شأن و مقامت مستبصر و نسبت به دشمنان و ظالمین دشمن می باشم انشاء الله، خداوند را با همین مرام و عقیده ملاقات خواهم نمود، بدرستی که گناهان زیادی بر عهده من است پس ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش چه آنکه نزد خدا برای شما مقام و مرتبه ای معلوم و مشخصی بوده و جاه و جلال عظیمی ثابت می باشد و خود خداوند فرموده: وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى.

و نیز حضرت هنگام زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند:

حمد سزاوار خداوندی است که به واسطه معرفت پیدا کردن به او و به رسولش صلی الله علیه و آله و به کسانی که حق تعالی طاعتشان را واجب گرداند، بر من اکرام نمود و این رحمتی است از ناحیه حضرتش بر من و فضیلتی است که نصیب فرموده و همچنین ستایش شایسته ذات مقدّسش بوده که به واسطه ایمان بر من منت نهاد، حمد و ثناء خداوندی را سزد که من را در شهرهای روی زمینش سیر

داد و بر پشت حیواناتش سوار نمود و راه‌های دور را برای من درهم پیچید و هرگونه گزند و ناراحتی را از من دور ساخت تا به حرم برادر رسول گرامیش داخل نمود و آن را به من نشان داد در حالی که با عافیت و سلامتی می‌باشم، حمد سزاوار خداوندی است که من را از زائرین قبر وصی رسولش صلی الله علیه و آله قرار داد، حمد شایسته ذاتی است که من را به این معنا هدایت فرمود و اگر او هدایت نمی‌کرد ابداً به آن راه نمی‌یافتم.

شهادت می‌دهم که معبودی غیر از حق تعالی که تنها و بدون شریک است وجود ندارد و شهادت می‌دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او است حق را از ناحیه خدا آورده است و شهادت می‌دهیم که حضرت علی علیه السلام بنده خدا و برادر رسول او است.

بار خدایا، بنده‌ات و زائر به واسطه زیارت قبر برادر پیغمبرت به سوی تو تقرب می‌جوید در حالی که بر هر مزرور و زیارت شده‌ای حقی است که باید آن را نسبت به زائر اداء کند و تو بهترین و کریم‌ترین مزرورها می‌باشی، و از تو درخواست می‌کنم ای الله و ای رحمن و ای رحیم و ای جواد و ای واحد و ای احد و ای فرد و ای صمد و ای کسی که نمی‌زاید و زائیده نشده و احدی همتایش نیست اینکه رحمت را بر محمد و آل محمد و اهل بیتش نصیب گردانی و اینکه پاداشی که در قبال این زیارت به من می‌دهی آزادی من از آتش جهنم باشد، خداوندا من را از کسانی قرار بده که در کارهای خیر شتاب کرده و در حال خوف و رجاء تو را می‌خواند، خدایا من را از خاشعین درگاهت قرار بده، خداوندا تو با لسان پیامبرت به من بشارت داده و فرموده‌ای:

و بشر الذین آمنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم.

بار خدایا من به تو ایمان داشته و به تمام فرستادگانت یقین دارم از این رو انتظار دارم بعد از معرفت داشتن به ایشان من را در جانی نگه نداری که به طور علن و آشکار مقابل خلایق رسوایم نمائی بلکه تقاضایم این است که با این

ذوات محترم من را نگاه داشته و در حالی که آنها را تصدیق دارم از دنیا ببری چه آنکه انبیاء عظام بنده گان تو بوده و تو ایشان را به کرامت خود اختصاص داده و به من امر کرده ای که اطاعتشان کنم سپس به قبر نزدیک شو و بگو:

سلام از خدا به تو و سلام بر محمد بن عبدالله که امین خدا است بر وحی و امور لازمه او از قبیل احکام واجبه و محرّمه و مرکز وحی و نزول آیات و پایان دهنده گذشتگان و گشاینده آیندگان است، قائم بر تمام اینها و شاهد بر تمام خلق بوده و چراغی فروزان و فروزنده می باشد سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد. بار خدایا رحمت و اسعاهات را بر محمد و اهل بیتش که مظلومین در این سرا هستند بفرست رحمتی برتر و کامل تر و بالاتر و گران قدرتر از هر رحمتی که بر انبیاء و فرستادگان و برگزیدگان فرستادی.

خداوندا رحمت خود را بر حضرت علی امیرالمؤمنین علیه السلام بفرست، وجود مبارکی که بنده تو و بهترین مخلوقات بعد از نبی و برادر رسول گرامیت و جانشین آن حضرت است، آقا و سروری که بعد از پیامبرت از میان مخلوقات انتخاب نموده و حضرتش را دلیل و نشان بر کسی که مسئول رساندن پیام هایت به خلق است قرار دادی، رهبری که سیاست مدار دین با عدالت تو بوده و فرجام و پایان دهنده داوری تو است در بین خلق، سلام و رحمت و برکات حق تعالی بر او باد.

خداوندا رحمت و اسعه خود را بر پیشوایانی که فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام هستند نصیب گردان، ایشان پس از حضرتش علیه السلام متصدی امر تو می باشند، آنان پاکیزه گانی هستند که تو به عنوان انصار دین و حافظین سر و شاهدین بر خلق و شاخص ها برای بنده گانت انتخابشان نمودی، بار خدایا به مقداری که قدرت و توان داری رحمت را بر ایشان نازل گردان، سلام بر پیشوایانی که امین ها محسوب می گردند، سلام بر آنان که انتخاب شده گان خداوند متعال از میان خلق می باشند، سلام بر پیشوایانی که صاحبان فراست هستند، سلام بر مؤمنینی که به

امر تو قیام نموده و دوستان خدا را نصرت و کمک کرده و بواسطه خوف آنها ایشان نیز خائف هستند سلام بر فرشتگان مقرب خداوند.

سپس بگو:

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای امیرمؤمنان، سلام بر تو ای دوست خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای ستون دین و وارث علم گذشتگان و آینده گان و دارنده وسیله گذاردن داغ و نشان و صاحب راه مستقیم. شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشته و زکات را اداء نموده و به معروف امر و از منکر نهی فرموده و رسول را متابعت کرده و کتاب خدا را آن طور که شایسته است تلاوت و در راه خدا به جهاد برخاسته و حق آن را اداء کرده و برای رضاء خدا و رسولش نصیحت نموده ای.

شهادت می دهم که نفس شریف و جان عزیزت را در راه خدا ایثار کرده در حالی که بر بلایا و سختی ها صابر و فوازها را آزموده و رسول خدا را حافظ و نگهدار و خواستار آنچه رضاء خدا است بوده و در آنچه باری تعالی وعده داده خود را مایل و راغب قرار داده و در طریق حق و صوابی که بودی گام برداشتی و در این راه شهید گشته در حالی که بر آنچه از امت صادر گردیده شاهد و ناظر بوده و حق تعالی و رسول گرامیش و فرشتگان نیز شهادت می دهند که راه تو حق بوده و آنچه می باید اداء می کردی، اداء نمودی پس خداوند متان به خاطر رسول عزیزش و اسلام و اهل آن را به تو جزاء دهد آن هم برترین جزاها را.

خداوند متعال لعنت کند کسی را که تو را کشت و آنکه مخالفت تو را نمود و همچنین لعنت کند کسی که بر تو بهتان بست و به تو ظلم و ستم نمود و نیز لعنت کند کسی را که حق تو را غصب نمود و آنکه وقتی این خبر به او رسید خشنود گردید، خدایا شاهد باش که من از ایشان متنفر و بی زارم.

خداوند متعال لعنت کند امت و گروهی را که با تو مخالفت کردند و طائفه ای

را که ولایت تو را منکر شدند و قومی را که بر علیه تو تظاهر نمودند و جماعتی را که تو را کشتند و دسته‌ای را که از تو روی برتافته و خوارت نمودند، حمد و سپاس خدا را که دوزخ را جایگاه ایشان قرار داد و محققاً محل ورود ایشان به موضعی است و محل ورود واردین نیز بد مکانی بوده و درک که طبقه زیرین دوزخ است و جایگاه ایشان می‌باشد نیز جایگاه بسیار بدی است.

خداوندا قاتلین انبیاء و اوصیاء ایشان را با تمام انحاء لعن، لعنت کن و گرمای آتش دوزخ را به ایشان برسان، خداوندا جبت‌ها (بت‌ها و ساحرها و کاهن‌ها) و طاغوت‌ها (شیطان‌ها) و فرعون‌ها و لات و عزی و جبت و هر رقیب و ضد خداوندی که به جای حق تعالی خوانده می‌شود و تمام آنان که بر خداوند افتراء بسته‌اند لعنت‌تما، خداوندا تمام ایشان و تابعین آنها و پیروان و دوستان و کمک‌کنندگان و علاقه‌مندان ایشان را لعنت فراوان نما و بگو:

خداوندا قاتلین امیرالمؤمنین علیه السلام را لعنت بفرما (سه بار).

خداوندا ایشان را عذابی دردناک نما که احدی را چنین عذابی نکرده باشی، و عذاب خود را بر ایشان دو چندان کن همان طوری که اولیاء امور را به مشقت و رنج انداختند و عذابی را که بر هیچ کس نکردی بر ایشان آماده نما.

خداوندا بر قاتلین انصار رسولت و کشتندگان انصار امیرالمؤمنین و قاتلین انصار امام حسن و امام حسین علیهما السلام و کشتندگان کسانی که در راه ولایت و دوستی آل محمد علیهم السلام کشته شده‌اند عذابی وارد نما که برابر دو چندان عذاب دیگران بوده و آنها را در جایگاه زیرین جهنم قرار بده و هرگز در عذابشان تخفیف مده در حالی که به شدت در حسرت بوده و از رحمت به دور مانده و نزد پروردگارشان سرافکنده هستند، ایشان به واسطه کشتن عترت انبیاء و پیامبران و بندگان صالح ندامت و ذلت طولانی را معاینه حس خواهند نمود.

خداوندا ایشان را در اخفی الخفاء و اظهر الظهور، در زمینت و آسمانت لعنت

نما.

خداوند نسبت به دوستان برای من زبانی صادق و راستگو قرار بده و حب و دوستی زیارت مشاهده‌شان را نصیبم گردان تا اینکه به ایشان ملحقم نموده و در دنیا و آخرت تابع و دنباله‌رو آنها قرارم دهی ای مهربان‌تر از هر مهربانی. سپس بالای سر آن حضرت بنشین و بگو:

سلام خدا و سلام فرشتگان و سلام آنان که با قلبشان تسلیم تو بوده و به فضل تو گویا و مقرر بوده و شهادت می‌دهند که تو راستگو و بسیار راستگو می‌باشی، بر تو ای آقای من، سلام خدا بر تو و بر روح و جسم تو، شهادت می‌دهم که تو پاکیزگی و پاک و پاک شده می‌باشی.

شهادت می‌دهم ای ولی خدا و ولی رسولش که تو آنچه را مأمور به رساندنش بودی رساندی و امانتی که نزدت بود اداء کردی و شهادت می‌دهم که تو نزدیک‌ترین خلق به خدا بوده و باب الله (یعنی از راه تو باید به خدا نزدیک شد) هستی و وجه الله می‌باشی (یعنی اگر کسی بخواهد روی به خدا کند باید به تو روی نماید) و شهادت می‌دهم که تو دوست خالص خدا و بنده او و برادر رسولش می‌باشی.

همانا از راه دور به نزد تو آمده‌ام زیرا حال و منزلت نزد خدا و رسولش بسیار عظیم و عالی است.

به نزدت آمده‌ام به حال زیارت در حالی که بواسطه این زیارت به حق تعالی تقرب جسته و رهائی نفسم از زندان شهوات را طلب نموده و از آتش دوزخی که همچون من به واسطه جنایت بر نفس و ظلم بر خود استحقاقش را دارم به تو پناه می‌برم.

به نزدت آمده‌ام در حالی که از دیگران جدا و به تو و فرزندان که در هدایت مردم و رفع شبهات و ازاله جهل از ایشان جانشینان بعد از تو هستند متصل و مایلم لذا دل و قلبم تسلیم و افعال و اعمال تابع و کمک و نصرت‌م برای تو آماده می‌باشد و من بنده خدا و در طریق طاعت و فرمان‌برداری غلامت بوده و در کوچ

و سفر نمودن توجّهم به تو می باشد و بواسطه این معنا کمال منزلت و نهایت مرتبه را در نزد خدا طلب می کنم ای آقای من تو آن کسی هستی که حق تعالی فرمان به اطاعتش را به من داده و بر احسان به او وادارم کرده و بر فضل و شرافتش دلالت و به حبّ و دوستیش هدایت نموده و در پیمودن راه به سوبش و نیز به طلب حوائج نزدش ترغیب کرده ای، شما خاندانی هستید که آن کس که شما را دوست بدارد سعادت مند گشته و آنکه نزدتان آید را ناامید نکرده و کسی که هوای شما را داشته باشد زیان ننموده و آنکه با شما دشمنی کند سعادت مند نمی گردد، هرگز سراغ ندارم کسی را که خیر رساننده تر باشد از شما به من، شما خاندان رحمت و ستون های دین و رکن های زمین و شجره طیبه می باشید.

خداوند امیددی که از ناحیه توجّهم به تو به واسطه رسول و آل او می باشد را به ناامیدی مبدل مکن.

خداوند به واسطه زیارت اقلیم و دوستی و معرفتش بر من منت نهاده ای پس من را از کسانی قرار بده که او را کمک کرده ای.

خداوند با کمک نمودنت دین خود را بر من در دنیا و آخرت منت بگذار.

خداوند من را زنده بدار بر آنچه علی بن ابی طالب علیه السلام بر آن زنده بود و بمیران بر آنچه علی بن ابی طالب علیه السلام بر آن از دنیا رحلت فرمود.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ. وَ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنِ الصَّادِقِ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عليه السلام قَالَ: تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ،

صَبَرْتَ وَ احْتَسَبْتَ حَقِّي أَتَاكَ الْيَقِينُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ وَ أَنْتَ شَهِيدٌ، عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ، وَ جَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ، جِشُّكَ عَارِفاً بِحَقِّكَ، مُسْتَبَصِراً بِشَأْنِكَ، مُوَالِياً لِوَلِيَّائِكَ، مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ وَ مَنْ ظَلَمَكَ، أَلْقَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى، يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ لِي ذُنُوباً كَثِيرَةً، فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَعْلُوماً، وَ إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهاً وَ شَفَاعَةً، وَ قَالَ: «لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْتَضَى وَ هُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ»^(۱).

حدَّثني محمد بن جعفر الرِّزَّاز القرشي، عن محمد بن عيسى بن عبَّيد - عن بعض أصحابنا - عن أبي الحسن الثالث مثله.



﴿ حَدِيثُ سَوْم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب از کسی که برایش نقل کرده و او از سهل بن زیاد و او از محمد بن اورمه و نیز پدرم از حسین بن حسن بن ابان و او از محمد بن اورمه و او از کسی که برایش نقل نموده و او از امام صادق علیه السلام یا از حضرت ابی الحسن الثالث علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام بگو:

سلام بر تو ای ولی خدا، تو اوّل مظلوم و اوّل کسی هستی که حقش غصب شده، صبر نموده و تحمل کردی تا موت تو را دریافت و شهادت می‌دهم که خدا را ملاقات نمودی در حالی که شهید بودی، خدا قاتل و کشنده تو را به انواع عذاب‌ها معذب نموده و آن را بر او تجدید نماید، به نزدت آمده در حالی که به حَقَّت آگاه و به شأن و مرتبه‌ات مطلع و نسبت به دوستان دوست و دشمنان و

آننانکه به تو ظلم کرده‌اند دشمن می‌باشم، خدا را با همین حال ملاقات خواهم نمود ان شاء الله تعالی.

همانا گناهان زیادی در عهده من بوده پس نزد پروردگارت من را شفاعت فرما زیرا برای تو نزد او مقام و مرتبه‌ای معلوم بوده و در درگاهش شوکتی عظیم و حق شفاعت داری و خداوند خود در قرآن کریمش فرموده:

و لا یشفعون الا لمن ارضى و هم من خشیتہ مشفقون.

محمد بن جعفر رزاز قرشی از محمد بن عیسی بن عبید و او از برخی اصحاب و او از حضرت ابی‌الحسن ثالث علیه السلام مثل همین زیارت را نقل نموده.



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

«الباب الثاني عشر»
«وداع قبر أمير المؤمنين عليه السلام»

متن:

١ - حدثني محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد في كتاب الجامع يروي عن أبي الحسن عليه السلام «قال: إذا أردت أن تودع قبر أمير المؤمنين عليه السلام فقل:

«السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ، وَأَقْرُوهُ عَلَيْكَ السَّلامَ، آمِنًا بِاللَّهِ وَبِالرُّسُلِ وَبِمَا جَاءَتْ بِهِمُ وَدَعَتْ إِلَيْهِ» وَذَكَتْ عَلَيْهِمُ فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُ فَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمْلُوقٍ عَلَى مَا كُنْتُ عَلَيْهِ فِي خَلْقِي، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأُمَمُ تَسْمِيهِمْ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ قَتَلَهُمْ وَحَارَبَهُمْ مُشْرِكُونَ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْهِمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ حَارَبَهُمْ لَنَا أَعْدَاءُ وَنَحْنُ مِنْهُمْ بُرَاءٌ، وَأَنَّهُمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ، وَ عَلَى مَنْ قَتَلَهُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَمَنْ شَرِكَ فِيهِمْ وَمَنْ سَرَّهُ قَتْلُهُمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاخْشُرْنِي مَعَ هَؤُلَاءِ الْمُسَمِّينَ الْأُمَمَ، اللَّهُمَّ وَذَلِّ قُلُوبَنَا بِالطَّاعَةِ وَالْمَنَاصَحَةِ وَالْمَحَبَّةِ وَحُسْنِ الْمَوَازَرَةِ».

﴿ باب دوازدهم ﴾
 ﴿ وداع قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) ﴾

ترجمه: ﴿ حدیث اول ﴾

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید در کتاب جامع از حضرت ابوالحسن (علیه السلام) روایت نموده که آن جناب فرمودند: هنگامی که خواستی قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) را وداع کنی بگو:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، تو را به خدا سپرده و از او خواستار نگاهبانی توام سلام بر تو می‌نمایم، به خدا و به رسولانش و به آنچه آورده و مردم را به آن دعوت کرده‌اند امان دارم پس ما را در زمره گواهان به این حقائق بنویس.

خدایا این زیارت را آخرین زیارتم قرار مده پس اگر مرا قبل از آن (زیارت دیگر) میراندی محققاً در حال مردنم به آنچه در حال حیات شهادت دادم، شهادت می‌دهم. شهادت می‌دهم که شما ائمه و پیشوایان من هستید (در اینجا نام ائمه طاهرین سلام الله علیهم را یکی پس از دیگری ببر).

و شهادت می‌دهم کسانی که ایشان را کشته و با آنها به حرب برخاسته‌اند مشرک می‌باشند و شهادت می‌دهم به اینکه هرکس ایشان را رد کرده جایگاهش در پست‌ترین طبقات دوزخ می‌باشد.

و شهادت می‌دهم به اینکه هرکس با ایشان به حرب برخاست دشمن ما است و ما از او تنفر و دوری می‌جوئیم و قطعاً در زمره حزب شیطان می‌باشد و بر کسانی که ایشان را کشتند، لعنت خدا و فرشتگان و جمیع مردم باد و نیز لعنت خدا و فرشتگان و جمیع خلایق بر کسانی که در خون ایشان شریک شده و همچنین بر کسانی که از کشته شدن آنان مسرور و خوشحال شدند.

بار خدایا پس از دورد قلبی و زبانی از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد رحمت فرستی و این زیارت را آخرین زیارتم قرار ندهی و اگر آن را آخر زیارت من قرار دادی پس مرا با این امامان نامبرده محشور نما.

بار خدایا دلهای ما را رام ایشان و برای اطاعتشان و خیرخواهی و محبت و نیکو پشتیبانی نمودن قابل گردان.

﴿ الباب الثالث عشر ﴾

﴿ فضل الفرات و شربه و الغسل فيه ﴾



متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيِّ عليه السلام ^{رضي الله عنه} «قَالَ: الْمَاءُ سَيِّدُ شَرَابِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَرْبَعَةُ أَنْهَارٍ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْجَنَّةِ: الْفُرَاتُ، وَالنَّيْلُ، وَسَيْحَانُ، وَجَيْحَانُ. الْفُرَاتُ: الْمَاءُ، وَالنَّيْلُ: الْعَسَلُ، وَسَيْحَانُ: الْخَمْرُ وَجَيْحَانُ: اللَّبَنُ».

﴿ باب سیزدهم ﴾

﴿ فضیلت آب فرات و نوشیدن و غسل نمودن در آن ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام و او از پدرش و او

از جدش و او از حضرت علی علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:
 آب سرور مایعات دنیا و آخرت می باشد و چهار نهر در دنیا هستند که از
 بهشت می باشند و آنها عبارتند از:
 فرات، نیل، سیحان و جیحان.
 فرات آب بوده و نیل عسل و سیحان خمر و جیحان شیر می باشند.

متن:

۲- و عنه عن أبي جميلة، عن سليمان بن هارون أنه «سمع أبا عبد الله عليه السلام يقول: من شرب من ماء الفُرات و حَتَّكَ به فهو محبَّبًا أهل البيت».

ترجمه:

ترجمه:

سعد بن عبدالله، از ابو جمیل و او از سلیمان بن هارون نقل کرده که وی از
 حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنید که آن حضرت می فرمودند:
 کسی که از آب فرات بنوشد و با آن تحنیک کند دوستدار ما خاندان خواهد
 بود.

متن:

۳- و بإسناده عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عيسى، عن
 أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: لو أن بيننا وبين الفُرات كذا وكذا
 ميلاً لذهبنا إليه واستشفيناه».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

سعد بن عبدالله به اسنادش از احمد بن محمد، از عثمان بن عیسی، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السلام آن حضرت فرمودند:
اگر فاصله بین ما و بین فرات فلان و فلان مقدار میل می بود همانا این راه را طی می کرده و به آن آب خود را می رسانده و بواسطه اش استشفاء می جستیم.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ هَارُونَ الْعَجَلِيِّ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَا أَظُنُّ أَحَدًا يُحَنِّكُ بِمَاءِ الْفَرَاتِ إِلَّا أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَسَأَلَنِي: كَمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَاءِ الْفَرَاتِ، فَأَخْبَرْتَهُ، فَقَالَ: لَوْ كُنْتُ عِنْدَهُ لَأَحْبَبْتُ أَنْ آتِيَهُ طَرَفِي النَّهَارِ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد بن ولید، از محمد بن حسن صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی بن فضال، از ثعلبه بن میمون، از سلیمان بن هارون عجل، وی می گوید:
از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمود:
گمان نمی کنم کسی با آب فرات تحنیک کند مگر آنکه دوست دار ما اهل بیت می باشد، سپس فرمود: فاصله بین تو و آب فرات چه مقدار می باشد؟
پس محضرش خبر داده و فاصله مزبور را بیان کردم.
حضرت فرمودند:

اگر من در این فاصله می بودم دوست می داشتم دو طرف روز (صبح و غروب) به فرات بروم.

متن:

۵ - و حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ نَهْيَكٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَأَوْتَيْنَاهَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ^(۱)»، قَالَ: «الرَّبْوَةُ» نَجْفُ الْكُوفَةِ؛ وَ «الْمَعِينُ» الْفُرَاتُ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

علی بن حسین بن موسی از علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش، از علی بن حکم از سلیمان بن نهیک، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام نقل کرده که آن حضرت در ذیل فرموده خداوند عز و جل:

و آویناها الی ربوة ذات قرار و معین.

فرمودند:

مقصود از «ربوة» نجف کوفه و از «معین» فرات می باشد.

متن:

۶ - «و حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ ابْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحَسَنِ، عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام «قَالَ: الْفُرَاتُ سَيِّدُ الْمِيَاهِ فِي

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

علی بن حسین رحمۃ اللہ علیہ از سعد بن عبداللہ و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از عیسی بن عبداللہ بن محمد بن عمر و او از پدرش و پدرش از جد وی و او از حضرت علی علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: فرات در دنیا و آخرت سرور آب‌ها است.

متن:

۷- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ - عَنْ حَدَّثَهُ - عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَكِيمِ بْنِ جُبَيْرٍ رضی اللہ عنہ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ مَلَكًا يَهْبِطُ كُلَّ لَيْلَةٍ مَعَهُ ثَلَاثَ مِثَاقِيلَ مَسْكٍ مِنْ مَسْكِ الْجَنَّةِ فَيَطْرَحُهَا فِي الْفَرَاتِ، وَ مَا مِنْ نَهْرٍ فِي شَرْقٍ وَ لَا فِي غَرْبٍ أَعْظَمَ بَرَكَةً مِنْهُ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبداللہ از پدرش عبداللہ بن جعفر حمیری، از احمد بن ابی عبداللہ، از پدرش، از کسی که برای او حدیث گفته، از حنان بن سدید، از پدرش، از حکیم بن جبیر، وی می‌گوید:

از حضرت علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: فرشته‌ای در هر شب به زمین فرود می‌آید در حالی که با سه مثقال مشک از مشک‌های بهشتی است پس آن را در فرات می‌ریزد و هیچ نهری در شرق و غرب نیست که برکتش بیشتر از آن باشد.

متن:

۸- و حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلُويَه، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَثْمَانَ، - عَنْ ذَكَرِهِ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: تَقَطَّرُ فِي الْفُرَاتِ كُلِّ يَوْمٍ قَطَرَاتٌ مِنَ الْجَنَّةِ».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

علی بن محمد بن قولویه، از احمد بن ادریس، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابن فضال، از ابن ابی عمیر، از حسین بن عثمان از کسی که یادش نموده، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
هر روز در فرات قطراتی از بهشت می ریزد.

مرکز تحقیقاتی و فرهنگی مهدی

متن:

۹- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ ابْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ «قَالَ: لَمَّا قَدِمَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْكُوفَةَ فِي زَمَنِ أَبِي الْعَبَّاسِ فَجَاءَ عَلَى دَابَّتِهِ فِي ثِيَابٍ سَفْرَةٍ حَتَّى وَقَفَ عَلَى جِسْرِ الْكُوفَةِ، ثُمَّ قَالَ لِفُتْلَانِهِ: اسْتَقْنِي؛ فَأَخَذَ كَوْزَ مَلَّاحٍ فَغَرَفَ لَهُ بِهِ فَأَسْقَاهُ فَشَرِبَ وَالْمَاءُ يَسِيلُ مِنْ شِدْقَيْهِ وَعَلَى لَحْيَتِهِ وَثِيَابِهِ، ثُمَّ اسْتَزَادَهُ فَزَادَهُ فَحَمَدَ اللَّهَ، ثُمَّ قَالَ: نَهْرُ مَاءٍ مَا أَعْظَمَ بَرَكَتَهُ، أَمَا إِنَّهُ يَسْقُطُ فِيهِ كُلُّ يَوْمٍ سَبْعَ قَطَرَاتٍ مِنَ الْجَنَّةِ، أَمَا لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِيهِ مِنَ الْبَرَكَةِ لَضَرَبُوا

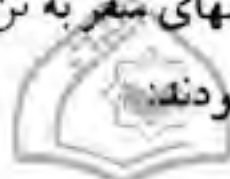
الأخبية على حافتيه، أما لولا ما يدخله من الخاطئين ما اغتسم فيه
ذو عاهة إلا براء».

«حدیث نهم»

ترجمه:

محمد بن حسن بن علی بن مهزیار از پدرش، از جدش علی بن مهزیار از
حسن بن سعید، از علی بن حکم، از ربیع بن محمد مُسَلّی، از عبدالله بن سلیمان،
وی می گوید:

در زمان ابی العباس وقتی حضرت ابی عبدالله علیه السلام به کوفه تشریف آوردند
سوار مرکب بوده در حالی که لباسهای سفر به تن داشتند، حضرت روی پل کوفه
توقف فرموده سپس به غلام فرمودند:



به من آب بده.

غلام کوزه کشتی بانی را گرفت و در آن آب ریخت و سپس به حضرت آب
داد.

آن جناب آب را نوشیدند در حالی که آب از دو گوشه دهانشان جاری بود و
بر محاسن شریف و لباسهای آن حضرت می ریخت سپس دوباره آب طلبیدند و
غلام به حضرتش آب داد حضرت حمد و ستایش حق تعالی به جای آورده سپس
فرمودند:

فرات نهر آبی است و چقدر برکتش زیاد می باشد در این آب هر روز هفت
قطره از بهشت می ریزد و اگر مردم به برکتی که در این آب هست واقف بودند
مسئماً در اطراف آن خیمه می زدند و از آن توشه بر می داشتند.

سپس حضرت فرمودند:

اگر گناه کاران در آن داخل نشده بودند به طور قطع و جزم هر مریض و آفت

زده‌ای که داخلش می‌شد و در آن فرو می‌رفت مرضش بهبود می‌یافت و آفتش برطرف می‌گشت.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ ابْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عُرْفَةَ، عَنْ رَبِيعٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: «شَاطِئُ الْوَادِ الْأَيْمَنِ» الَّذِي ذَكَرَهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ هُوَ الْفَرَاتُ، وَ«الْبُقْعَةُ الْمُبَارَكَةُ» هِيَ كَرْبِلَا، وَ«الشَّجَرَةُ» هِيَ مُحَمَّدٌ ﷺ».



ترجمه:

ترجمه: مُحَمَّدُ بْنُ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ از پدرش و او از جَدِّ وی یعنی علی بن مهزیار و او از حسن بن سعید و او از علی بن حکم و او از عرفه و او از ربیع، وی می‌گوید:
امام صادق ﷺ فرمودند:

کنار وادی ایمن که حق تعالی در قرآن فرموده همان فرات بوده و مقصود از «بقعه مبارکه» کربلا و از «شجره» وجود مقدس حضرت محمد ﷺ می‌باشد. (۱)

۱ - مقصود آیه (۳۰) از سوره قصص است که آن عبارت است از:

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عُمَانَ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام . وَ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام « قَالَ : مَا أَظُنُّ أَحَدًا يُحَنِّكَ بِمَاءِ الْفُرَاتِ إِلَّا كَانَ لَنَا شِيعَةً » .
و روى ابن أبي عمير، عن بعض أصحابنا « قال: يجري في الفرات ميزابان من الجنة ».

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله و او از ابراهیم بن مهزیار و او از برادرش علی بن مهزیار و او از ابن ابی عمیر و او از حسین بن عثمان و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده

و محمد بن ابی حمزه از کسی که یادش نموده و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند: گمان نمی‌کنم احدی به آب فرات تحنیک کند مگر آنکه شیعه و تابع ما خواهد شد.

راوی می‌گوید: ابن ابی عمیر گفته است این روایت را ابن سنان برایم نقل نموده.

و نیز ابن ابی عمیر از برخی اصحاب نقل کرده که گفته است. دو ناودان از بهشت در آب فرات جاری می‌باشد.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ ، عَنْ

العباس ابن معروف، عن علي بن مهزيار، عن محمد بن إسماعيل، عن حنان بن سدير، عن حكيم بن جبیر الأسدي «قال: سمعت علي بن الحسين عليه السلام يقول: إِنَّ اللَّهَ يَهْطُ مَلَكًا كُلَّ لَيْلَةٍ مَعَهُ ثَلَاثُ مِثَاقِيلٍ مِنْ مِشْكِ الْجَنَّةِ فَيَطْرَحُهُ فِي فُرَاتِكُمْ هَذَا، وَمَا مِنْ نَهْرٍ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا اعْظَمَ بَرَكَهً مِنْهُ».

«حدیث دوازدهم»

ترجمه:

محمد بن حسن از محمد بن حسن صفار، از عباس بن معروف، از علی بن مهزیار، از محمد بن اسمعیل، از حنان بن سدير از حکيم بن جبیر اسدي، وی می گوید:

از حضرت علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می فرمود:

خداوند متعال در هر شب فرشته ای نازل می کند که با او سه مثال از مشگ بهشتی است پس آن فرشته مشگ را در فرات (همین فرات) می ریزد و هیچ نهري در شرق و غرب زمین با برکت تر از فرات نمی باشد.

متن:

۱۳- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْه، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ ابْنِ فَضَالٍ، عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ هَارُونَ «قَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا أَظُنُّ أَحَدًا يُحَسِّنُ بِجَاءِ الْفُرَاتِ إِلَّا أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

علی بن حسین بن موسی بن بابویه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابن فضال، از ثعلبه بن میمون، از سلیمان بن هارون، می گوید:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:
گمان نمی کنم احدی با آب فرات تحنیک کند مگر آنکه ما اهل بیت پیامبر را دوست می دارد.

متن:

۱۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحَدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادِ الْكُوفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ - الْحَجَّالُ، عَنْ غَالِبِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ «قَالَ: ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْفَرَاتَ قَالَ: أَمَّا إِنَّهُ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ عليه السلام وَمَا حُنَّكَ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا أَهْلَ الْبَيْتِ».

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از احمد بن محمد برقی از عبدالرحمن بن حماد کوفی، وی می گوید: عبدالله بن محمد حجّال، از غالب بن عثمان و او از عقبه بن خالد نقل کرده، وی می گوید: حضرت ابو عبدالله علیه السلام نامی از فرات بردند سپس فرمودند:
فرات در زمره شیعیان علی علیه السلام بوده و احدی با آن تحنیک نمی کند مگر آنکه ما اهل بیت را دوست دارد.

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَثِيلٍ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِيِّ الرَّازِيِّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حمزة، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ صُنْدَلٍ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: مَا أَحَدٌ يَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفَرَاتِ وَ يُحَنِّكَ بِهِ إِذَا وَلَدَ إِلَّا أَحَبَّنَا، لِأَنَّ الْفَرَاتَ نَهْرٌ مُؤْمِنٌ».

«حدیث پانزدهم»

ترجمه:

پدرم، از حسن بن مثیل، از عمران بن موسی، از عبدالله جامورانی رازی، از حسن بن علی بن ابی حمزه، از سیف بن عمیره، از صندل از هارون من خارجه، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله ﷺ فرمودند: هر کس که

احدی نیست که هنگام تولد از آب فرات بنوشد و با آن تحنیک نماید مگر آنکه ما را دوست می دارد زیرا فرات نهر مؤمن می باشد.

متن:

۱۶ - وَ بِإِسْنَادِهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حمزة، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي بصير، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ: نَهْرَانِ مُؤْمِنَانِ، وَ نَهْرَانِ كَافِرَانِ، نَهْرَانِ كَافِرَانِ نَهْرٌ بَلَخَ وَ دَجَلَةُ، وَ الْمُؤْمِنَانِ نَيْلُ مِصْرَ وَ الْفَرَاتُ، فَحَنِّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِمَاءِ الْفَرَاتِ».

﴿ حدیث شانزدهم ﴾

ترجمہ:

ترجمہ: پدرم بہ اسنادش از حسن بن علی بن ابی حمزہ، از پدرش، ابی بصیر، از حضرت ابی عبداللہ علیہ السلام نقل کردہ کہ آن جناب فرمودند:
 دو نہر مؤمن و دو نہر کافر می باشند.
 دو نہر کافر عبارتند از: نہر بلخ و نہر دجلہ.
 دو نہر مؤمن عبارتند از: رود نیل و رود فرات.
 پس فرزندانان را، با آب فرات تحنیک نمایند.

﴿ الباب الرابع عشر ﴾

﴿ حب رسول اللہ ﷺ الحسن والحسين علیہ السلام ﴾

﴿ والأمر بحبهما و ثواب حبهما ﴾

مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

متن:

۱ - حدَّثني أبي - رحمه الله -، عن سعد بن عبد الله بن أبي خلف؛
 و عبد الله ابن جعفر الحميري؛ و محمد بن يحيى العطار جميعاً، عن أحمد
 بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم؛ وغيره، عن جميل بن درّاج، عن
 أخيه نوح، عن الأجلح، عن سلمة بن كهيل، عن عبد العزيز، عن علي عليه السلام
 «قال: كان رسول الله ﷺ يقول: يا علي لقد أذهلني هذان الغلامان - يعني
 الحسن والحسين - أن أحبّ بعدهما أحداً أبداً إن ربي أمرني أن أحبّهما
 وأحبّ من يحبّهما».

﴿باب چهاردهم﴾

﴿در بیان محبت حضرت رسول خدا ﷺ به حضرت﴾

﴿امام حسن و امام حسین ﷺ و امر نمودن حضرت به محبت داشتن﴾

﴿و ثواب محبت به آن دو بزرگوار﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله بن ابی خلف و عبدالله بن جعفر حمیری و محمد بن یحیی عطار جملگی از احمد بن محمد بن عیسی و او از علی بن حکم و غیر محمد بن یحیی عطار از جمیل بن دراج و او از برادرش نوح و از ازاجلح و او از سلعة بن کھیل و او از عبدالعزیز و او از حضرت علی ؑ نقل نمود که آن جناب فرمودند: رسول خدا ﷺ فرمودند:

ای علی (ؑ) این دو کودک یعنی حسن و حسین ؑ من را منصرف کرده‌اند از اینکه کسی بعد از ایشان را دوست داشته باشیم، پروردگارم مرا امر فرمود که ایشان و کسی ایشان را دوست دارد، دوست داشته باشم.

متن:

۲- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّيْدِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيٍّ بْنِ عَبَّاسٍ؛ وَ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ حَرْبٍ جَمِيعًا قَالَ: حَدَّثَنَا مَنْ سَمِعَ بَكْرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْمَزْنِيَّ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ الْحَصِينِ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِي: يَا عِمْرَانُ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مَوْقِعًا مِنَ الْقَلْبِ، وَمَا وَقَعَ مَوْقِعَ هَذَيْنِ الْغَلَامَيْنِ مِنْ قَلْبِي شَيْءٌ قَطُّ، فَقُلْتُ: كُلُّ هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: يَا عِمْرَانُ وَمَا خَفِيَ عَلَيْكَ أَكْثَرُ أَنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّهِمَا».

«حدیث دوم»

ترجمه:

محمد بن احمد بن ابراهیم از حسین بن علی زیدی و او از پدرش و او از علی بن عباس و عبدالسلام بن حرب جمیعاً نقل کرده، عبدالسلام بن حرب می گوید: کسی که حدیث را از بکر بن عبدالله مرزی شنیده برایم از عمران بن حصین نقل نموده که وی گفت: رسول خدا ﷺ به من فرمودند:

ای عمران:

هر چیزی در قلب جایگاهی دارد ولی جایگاه این دو کودک از قلب من هرگز مکان خاصی نیست.

عمران می گوید: عرض کردم ای رسول خدا تمام قلب شما جلیگاه این دو است؟

حضرت فرمودند:

ای عمران: آنچه بر تو مخفی مانده بیش از آن است که دانسته ای، خداوند متعال من را به محبت ایشان امر فرموده است.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ - عَنْ حَدِّثِهِ - عَنْ سَفْيَانَ الْجُرَيْرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي رَافِعٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ أَبِي ذَرِّ الْغَفَارِيِّ «قَالَ: أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِحُبِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ»، فَلَنَا أَحَبُّهُمَا وَأَحَبُّ مَنْ يَحِبُّهُمَا لِحُبِّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَيَّاهَا.

«حدیث سوم»

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله و او از محمد بن حسین بن ابی الخطاب و او از کسی که برایش حدیث کرده و او از سفیان جریر و او از پدرش و او از ابی رافع و او از

پدرش و او از جد وی و او از ابوذر غفاری نقل کرده که فرمود:
 رسول خدا ﷺ من را به محبت امام حسن و امام حسین علیه السلام امر فرمود پس
 من ایشان و کسی که آنها را دوست داشته باشد دوست دارم زیرا رسول خدا ﷺ
 ایشان را دوست دارد.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي رَجُلٌ -
 نَسِيتُ اسْمَهُ - مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى، عَنْ مُهَلَّهِلِ الْعَبْدِيِّ،
 عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ، عَنْ رَبِيعَةَ السَّعْدِيِّ، عَنْ أَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ «قَالَ:
 رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقْبَلُ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ ﷺ وَهُوَ يَقُولُ: مَنْ أَحَبَّ
 الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ وَذُرِّيَّتَهُمَا مَخْلَصًا لَمْ تَلْفَحِ النَّارَ وَجْهَهُ وَلَوْ كَانَتْ
 ذُنُوبُهُ بِعَدَدِ رَمْلِ عَالِجٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ ذَنْبُهُ ذَنْبًا يُخْرِجُهُ مِنَ الْإِيمَانِ».

«حدیث چهارم»

ترجمه:

پدرم از عبدالله بن جعفر حمیری نقل نموده که وی گفت:
 مردی که نامش را فراموش کرده‌ام و از اصحاب ما بود از عبیدالله بن موسی و
 او از مهلهل عبدی و او از ابی هارون عبدی و او از ربیعه السعدی و او از
 ابی ذر غفاری نقل کرد که وی فرمود: رسول خدا ﷺ را دیدم که حسن و حسین
 را می‌بوسید و می‌فرمود:

کسی که حسن و حسین را و ذریه این دو را دوست داشته و ایشان را
 خالصانه بخواهد آتش دوزخ هرگز صورتشان را نسوزاند اگرچه گناهان آنها به
 مقدار ریگ‌های بیابان باشد مگر آنکه گناهانشان ایشان را از ایمان خارج کرده
 باشند.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْقُرَشِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ عَلِيٍّ بْنِ عَابِسٍ، عَنْ الْحَجَّالِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَمَةَ، عَنْ عُبَيْدَةَ السَّلْمَانِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ «قَالَ: قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَنْ كَانَ يُحِبُّنِي فَلْيُحِبِّ ابْنِي هَذَيْنِ، فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّهِمَا».

﴿حدیث پنجم﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز قرشی می گوید:

محمد بن حسین بن خطاب از حسن بن محبوب از کسی که نامش را برده، از علی بن عابس، از حجاج، از عمرو بن مرّة از عبدالله بن سلمة از عبیده سلمانی، از عبدالله بن مسعود نقل کرده که وی گفت:

از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمودند:

کسی که مرا دوست دارد باید این دو کودک (امام حسن و امام حسین) را هم دوست باشد چه آنکه خداوند من را به دوست داشتن این دو امر فرموده است.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ سَلِيمَانَ الْبَزَّازِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِعُرْوَةِ اللَّهِ الْوُثْقَى الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ فُلْيُوَالِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُمَا مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ».

ترجمه:

﴿حدیث ششم﴾

پدرم از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از پدرش و او از محمد بن عیسی و او از عبدالله بن مغیره و او از محمد بن سلیمان بزّاز و او از عمرو بن شمر و او از جابر و او از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که می خواهد به ریسمان محکم خدا که حضرتش در قرآن از آن یاد کرده چنگ بزند باید علی بن ابی طالب علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام را دوست بدارد چه آنکه خداوند متعال از فوق عرش این دو را دوست دارد.

متن:

۷- و عنه عن أحمد بن محمد، عن أبيه؛ و عبدالرحمن بن أبي نجران - عن رجل - عن عباس بن الوليد، عن أبيه، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَبْغَضَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَيْسَ عَلَى وَجْهِهِ لَحْمٌ، وَلَمْ تَنْلَهُ شَفَاعَتِي».

ترجمه:

﴿حدیث هفتم﴾

پدرم از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد و او از پدرش و نیز عبدالرحمن بن ابی نجران از شخصی و او از عباس بن ولید و او از پدرش و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که حضرت فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که نسبت به امام حسن و امام حسین علیهما السلام بغض داشته باشد روز قیامت خواهد آمد در حالی که گوشت در صورت نداشته و شفاعت من شاملش نمی شود.

متن:

۸- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قُرَّةُ عَيْنِي النَّسَاءُ، وَرَيْحَانَتِي الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عليهما السلام».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

ترجمه: محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل از ابی المغری، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:



رسول خدا ﷺ می فرمودند: نور چشم زنان بوده و گل خوش بوی من حسن و حسین علیهم السلام می باشند.

متن:

۹- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبٍ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبَّاسٍ، عَنْ الْمِنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ الْأَصْبَغِ، عَنْ زَاذَانَ «قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فِي الرُّحْبَةِ يَقُولُ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ رَيْحَانَتَا رَسُولِ اللَّهِ ﷺ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی از پدرش و او از حسن بن محبوب و او از کسی که نامش را برده و او از علی بن عباس و او از منهال بن عمرو، و او از

اصبع و او از زاذان نقل کرده که وی گفت:

شنیدم حضرت صادق علیه السلام در قریه رُحبه می فرمودند:

حسن و حسین علیهما السلام دو ریحانه (گل خوش بو) رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشند.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي مِنْهُمْ: أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدِ الْيَقْطِينِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ، عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ، عَنْ زَيْدِ مَوْلَى ابْنِ هُبَيْرَةَ «قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: خُذُوا بِحُجْرَةِ هَذَا الْأَنْزَعِ، فَإِنَّهُ الصَّدِّيقُ الْأَكْبَرُ؛ وَالْهَادِي لِمَنْ اتَّبَعَهُ، وَ مَنْ سَبَقَهُ مَرَقَ مِنْ دِينِ اللَّهِ، وَ مَنْ خَذَلَهُ خَفَى اللَّهُ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِحَبْلِ اللَّهِ، وَ مَنْ أَخَذَ بِوَلَايَتِهِ هَدَاهُ اللَّهُ، وَ مَنْ تَرَكَ وِلَايَتَهُ أَضَلَّهُ اللَّهُ، وَ مِنْهُ سَبْطُ أَمْتِي الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، وَ هُمَا ابْنَايَ، وَ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ الْأُتَمَّةُ الْهَدَاةُ وَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ، فَأَحْبَبُوهُمْ وَ تَوَالَوْهُمْ، وَ لَا تَتَّخِذُوا عَدُوَّهُمْ وَ لِيَجْءَ مِنْ دُونِهِمْ، فَيَحِلُّ عَلَيْكُمْ غَضَبُ مِنْ رَبِّكُمْ، وَ ذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَ قَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

دسته‌ای از مشایخ و اساتیدم از جمله: پدرم و محمد بن حسن و علی بن حسین جمیعاً از سعد بن عبدالله بن ابی خلف از محمد بن عیسی بن عبید یقطینی و او از ابی عبدالله زکریا مؤمن و او از ابی مسکان و او از زید مولای ابن هبیره نقل کرده که گفت:

حضرت ابو جعفر ﷺ فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

بگیرید میان (جانی که کمر بسته می شود) این مرد انزع (به کسی گویند که موی های دو طرف پیشانی او ریخته باشد) را زیرا او صدیق اکبر بوده و تابعین خود را هدایت می کند و کسی که بر او سبقت گیرد از دین خدا خارج شود و آنکس که او را مخدول و ذلیل نماید خداوند نابودش می نماید و کسی که به او متوصل شود به خدا متوصل شده و آن کس که به ولایتش اخذ نماید خدا هدایتش نموده و هر کس که ولایت او را ترک نماید خداوند گمراهش کند و دو سبط امت من یعنی حسن و حسین ﷺ که دو فرزندان من هستند از ایشان می باشند و امام و پیشوایان که هادیان خلقند و همچنین حضرت قائم مهدی ﷺ از فرزندان حسین ﷺ هستند، بنا بر این ایشان را دوست بدارند و با دشمنانشان دوستی نکنند که در این صورت غضب پروردگار متوجه شما شده و در زندگانی دنیا ذلیل و خوار خواهید شد.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الزَّعْفَرَانِيُّ بِالرَّيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَلِيمَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَثْمَانَ بْنِ خَثِيمٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي رَاشِدٍ، عَنْ يَعْلَى بْنِ مُرَّةٍ «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبُّ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سَبَطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ».

﴿حدیث یازدهم﴾

ترجمه:

حسین بن علی زعفرانی در ری برایم نقل نمود، وی گفت:

یحیی بن سلیمان، از عبد الله بن عثمان بن خثیم و او از سعید بن ابی راشد و او از یعلی

بن مرّه نقل کرده، وی گفت:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

حسین از من و من از حسین هستم، کسی که حسین را دوست بدارد خدا او را دوست دارد، حسین سبطی است از اسباط (یعنی همان طوری که حضرت یعقوب ۱۲ اسباط داشت و هر کدام سبطی از اسباط بودند، پیامبر اکرم ﷺ نیز ۱۲ اسباط داشت که حضرت سید الشهداء ﷺ سبطی از این اسباط بودند).

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ زَكَرِيَّا الْقُدَوِيِّ الْبَصْرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْأَعْلَى بْنُ حَمَادٍ التَّرْسِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا وَهَبٌ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي رَاشِدٍ، عَنْ يَعْلَى الْعَامِرِيِّ «أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى الْقَوْمِ طَعَامَ دُعَى إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ بِحُسَيْنٍ (ع) يَلْعَبُ مَعَ الصَّبِيَّانِ فَاسْتَقْبَلَ النَّبِيَّ (ص) أَمَامَ ثُمَّ بَسَطَ يَدَيْهِ فَطَفَرَ الصَّبِيَّ هَهُنَا مَرَّةً، وَهَهُنَا مَرَّةً، وَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَضَاحُكُهُ حَتَّى أَخَذَهُ فَجَعَلَ إِحْدَى يَدَيْهِ تَحْتَ ذَقْنِهِ وَالْأُخْرَى تَحْتَ قَفَائِهِ، وَوَضَعَ فَاهُ عَلَى فِيهِ وَقَبَلَهُ، ثُمَّ قَالَ: حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنِ حُسَيْنٍ، أَحَبُّ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سَبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ».

«حدیث دوازدهم»

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از ابی سعید حسن بن علی بن زکریا عدوی بصری نقل کرده، وی گفت: عبدالاعلی بن حماد البرسی برایم نقل نمود که وهب از عبدالله بن عثمان، از سعید بن ابی راشد از یعلی العامری، وی

می‌گوید:

از محضر رسول خدا ﷺ بیرون آمده و به صرف طعامی که مدعو بودم حاضر شدم در آن مجلس حضرت حسین را دیدم که با اطفال بازی می‌کردند، پیامبر اکرم ﷺ دو دست مبارک را باز کرده و او را به پیش خواندند، طفل (حضرت حسین) شروع به پریدن به این طرف و آن طرف نمود و پیامبر ﷺ از این حرکات می‌خندیدند تا بالاخره او را گرفتند سپس یک دست مبارک را زیر چانه‌اش و دست دیگر را پشت سرش قرار داد و دهان مبارک را روی دهانش گذارد و او را بوسید و سپس فرمود:

حسین از من و من از حسینم، خداوند دوست دارد کسی را که حسین را دوست دارد، حسین سبطی است از اسباط.



متن:

۱۳- و عنه، عن أبي سعيد قال: حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ «قَالَ: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِيَدِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَقَالَ: مَنْ أَحَبَّ هَذَيْنِ الْغَلَامَيْنِ وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از ابی سعید منقول است که گفت: نصر بن علی گفت: علی بن جعفر از برادرش حضرت موسی بن جعفر نقل نمود که آن جناب فرمودند:

رسول خدا ﷺ دست حسن و حسین را گرفته سپس فرمودند: کسی که این دو طفل و پدر و مادرشان را دوست بدارد در روز قیامت با من هم‌درجه خواهد بود.

﴿الباب الخامس عشر﴾

﴿زيارة الحسن بن علي ؑ و قبور الأئمة ؑ بالبقيع﴾

متن:

۱ - حدثني حكيم بن داود بن حكيم قال: حدثني سلمة بن الخطاب، عن عمر بن علي، عن عمه، عن عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ بَيْتَاعِ السَّابِرِيِّ - رفعه - «قال: كان محمد بن علي ابن الحنفية يأتي قبر الحسن بن علي ؑ فيقول: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ أَوَّلِ الْمُسْلِمِينَ، وَكَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ وَأَنْتَ سَلِيلُ الْهُدَى، وَخَلِيفَةُ الثَّقَوَى، وَخَامِسُ أَهْلِ الْكِسَاءِ، غَذَّتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ، وَرُبِّيتَ فِي حَجَرِ الْإِسْلَامِ، وَرُضِغْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ، فَطَبْتَ حَيًّا، وَطَبْتَ مَيِّتًا، غَيْرُ أَنَّ النَّفْسَ غَيْرُ رَاضِيَةٍ بِفِرَاقِكَ، وَلَا شَاكِيَةٍ فِي حَيَاتِكَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ».

ثم التفت إلى الحسين ؑ فقال: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَعَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ السَّلامُ».

﴿باب پانزدهم﴾

﴿زيارت حضرت حسن بن علي ؑ و قبور ائمه معصومین ؑ﴾

﴿در قبرستان بقیع﴾

﴿حديث أول﴾

ترجمه:

حكيم بن داود بن حكيم می گوید:

سلمة بن خطاب، از عمر بن علی و از عمرویش و از عمر بن یزید که

جامه‌های نیکو می فروخت نقل کرده و وی حدیث را به طور مرفوعه بیان نموده می گوید:

محمد بن علی بن حنفیه به سر قبر حضرت حسن بن علی علیه السلام حاضر می شد و می گفت:

سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان و فرزند اولین نفر از مسلمین، و چگونه این طور نباشد و حال آنکه تو فرزند هدایت و هم قسم با تقوی و پنجمین نفر از اصحاب کساء می باشی، دست رحمت خدا تو را پرورش داده، و در دامن اسلام رشد نموده ای و از پستان ایمان شیر خورده ای، پس در حال حیات و ممات خوشا به حالت، متهی نفس از فراق و جدائی تو خشنود نبوده و تردیدی در حیات و زنده بودن تو ندارد.

سپس توجه به امام حسین علیه السلام نمود و گفت:
ای ابا عبدالله بر ابو محمد علیه السلام رحمت و سلام باد.

مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

متن:

۲- و عنه، عن سلمة، عن عبد الله بن أحمد، عن بكر بن صالح، عن عمرو بن هشام - عن بعض أصحابنا - عن أحدهما علیه السلام «قال: إذا أتيت قبور الأئمة بالبقیع فقف عندهم واجعل القبلة خلفك، والقبر بين يديك، ثم تقول:

«السَّلامُ عَلَيْكُمْ أُمَّةَ الْهُدَى، السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، السَّلامُ عَلَيْكُمْ الْحُجَجَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلامُ عَلَيْكُمْ الْقَوَّامِينَ فِي الْبَرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي

ذاتِ اللَّهِ وَكَذَّبْتُمْ، وَأُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأُئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ
 الْمَهْدِيُّونَ، وَأَنْ طَاعَتَكُمْ مُفْرُوضَةٌ، وَأَنْ قَوْلَكُمْ الصَّدَقُ، وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ
 فَلَمْ تُجَابُوا وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعَايُمُ الدِّينِ وَأَزْكَانُ الْأَرْضِ،
 لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَيَتَقَلَّبُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ
 الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدَنَّسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَلَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ
 الْأَهْوَاءِ، طَبِئْتُمْ وَطَابَتْ مَنَبَتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دَيَانُ الدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي
 بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً
 لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، إِذْ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنْ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ
 وَلَا يَتَّكُمُ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا
 مَقَامٌ مِنْ أَشْرَفِ وَأَخْطَأَ وَاشْتَكَاكَ وَأَقْرَبَ مَا جَنَى وَرَجَى بِمَقَامِهِ الْخَلَاصِ،
 وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ أَهْلِكِي مِنَ الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ
 وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا
 وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ
 شَيْءٍ، لَكَ الْمَنْ بَا وَفَقْتُ وَعَرَفْتُني أُنْتِ، وَبِمَا أَقْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُ
 عِبَادُكَ، وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَمَالُوا إِلَى سِوَاهِ، فَكَانَتْ
 الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ
 كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامٍ مَذْكُورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَلَا تُخَيِّبْنِي
 فِيمَا دَعَوْتُ فِي مَقَامِي هَذَا بِحُزْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ»،
 وَادْعَ لِنَفْسِكَ بِمَا أَحَبَّتْ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

از حکیم بن داود بن حکیم از سلمه، از عبدالله بن احمد، از بکر بن صالح از عمرو بن هشام از برخی اصحاب، از احمد الصادقین علیهما السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

هرگاه در بقیع به قبور ائمه علیهم السلام حاضر شدی بایست و قبله را پشت سر و قبر را در مقابل قرار بده سپس بگو:

سلام بر شما پیشوایان هدایت، سلام بر شما اهل نیکی و پرهیزکاری، سلام بر شما که حجت‌های خدا هستید بر اهل دنیا، سلام بر شما که در زمین به عدالت حکم می‌فرمائید، سلام بر شما که برای برگزیده شدن لایق و شایسته هستید، سلام بر شما ای دودمان رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام بر شما ای اهل راز و سر، شهادت می‌دهم که شما احکام خدا را تبلیغ کرده و به مردم اندرز گفته و به خاطر خداوند متحمل مصائب و مشکلات گردیده و مورد تکذیب دیگران واقع شده و به شما بدی کرده‌اند پس آنها را بخشیده و خلافتشان را نادیده فرض نمودید، و شهادت می‌دهم که شما پیشوایان هدایت‌کننده و هدایت شده ما بوده و اطاعت شما بر ما واجب و کلامتان راست و مطابق با واقع است، مردم را خواندید ولی شما را اجابت نکردند. آنها را به معروف امر کردید ولی اطاعتان را نکردند و شهادت می‌دهم که شما اسطوانه‌های دین و رکن‌های روی زمین هستید، پیوسته خداوند شما را در صلب‌های پاکیزه منتقل فرموده و از ارحام پاک نقلتان داده و هرگز نادانی نادانان شما را آلوده نکرده و شریک و همتای شما نشده است فتنه‌هایی که از خواهش‌های نفس پیدا می‌شود، پاکیزه‌اید و محل نشو و نمای شما نیز پاک و پاکیزه می‌باشد، خداوند قهار بواسطه شما بر ما منت نهاده پس شما را در منازلی قرار داده که اذن داده است در آن منازل اسمش با صدای بلند برده شود و صلوات ما بر شما را رحمت برای ما و کفاره گناهانمان قرار داده زیرا حق تعالی شما را برای ما برگزیده و خلقت و آفرینش ما را با آنچه بر ما منت نهاد یعنی ولایت و

دوستی شما پاک و طاهر نمود و ما نزد او علم و آگاهی شما را یاد کرده در حالی که اعتراف می‌کنیم شما را تصدیق داریم و اینجا که ایستاده‌ام مکان و محل کسی است که در گناه زیاده روی کرده و مرتکب خطاء و اشتباه شده و خوار و ذلیل گشته و به آنچه جنایت نموده اقرار کرده و امید دارد به برکت این مکان شریف از تبعات گناهانش خلاص و رها گشته و به کمک شما حق تعالی او را نجات داده نظیر نجات دادن هلاک شوندگان را از هلاک و مرگ، پس درخواست من این است که شفیع من باشید، چه آنکه من به سوی شما پناه آورده زمانی که اهل دنیا از شما روی تافته و آیات الهی را به استهزاء گرفته و از آنها سر باز زدند، ای کسی که سر پا بوده و اشتباه نمی‌کنی و دائم و همیشگی بوده و به لهو و باطل نمی‌پردازی و به هر چیز احاطه داری به واسطه توفیقی که به من داده و پیشوایانم را به من شناساندی بر من منت نهادی، و به آنچه من را بر آن به پا داشتی در هنگامی که بندگان از آن روی گردانده و به آن جاهل شده و حقش را سبک شمردند و به غیر آن میل ورزیدند منت تو بر من با جماعتی که ایشانرا به آن چه من را به آن اختصاص دادی، مختص ساختی پس حمد و ستایشم اختصاص به تو دارد زمانی که در مقام و مکانی یادگشته و ثبت شده نزد تو می‌باشم پس از آنچه امیدوارم من را ناامید مکن و از آنچه در این مقام من را به آن دعوت فرموده‌ای محروم مساز به حق حرمت و عظمت محمد و آل طاهرین آن حضرت.

و سپس برای خودت به آنچه دوست داری دعاء کن.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ غَيْرُهُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعْرٍ، عَنْ

الحسن بن عطیة، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: تقول عند قبر الحسين ما أحببت».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین و غیر او از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از عبدالرحمن بن ابی نجران، از یزید بن إسحاق اشعری از حسن بن عطیة، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:
در مقابل قبر علی بن الحسین علیه السلام هر چه خواستی بگو.

﴿ الباب السادس عشر ﴾

﴿ ما نزل به جبرئيل عليه السلام في الحسين بن علي عليه السلام أنه سيقتل ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْقُرَشِيُّ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ؛ أَوْ غَيْرِهِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: لَمَّا أَنْ هَبَطَ جِبْرِئِيلُ عليه السلام عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَخَلَا بِهِ مَلِيًّا مِنَ النَّهَارِ فَغَلَبَتْهُمَا الْعَبْرَةُ، فَلَمْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى هَبَطَ عَلَيْهِمَا جِبْرِئِيلُ عليه السلام - أَوْ قَالَ: رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ - فَقَالَ لَهَا: رَبِّكَمَا يَقْرَأُ كَمَا السَّلَامَ وَيَقُولُ: عَزَمْتُ عَلَيْكُمَا لَمَّا صَبَرْتُمَا، قَالَ: فَصَبْرًا».

﴿باب شانزدهم﴾

﴿در بیان خبر دادن جبرئیل علیه السلام از شهادت﴾

﴿حضرت حسین بن علی علیه السلام﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز قرشی کوفی می گوید:

محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از محمد بن سنان، از سعید بن یسار یا غیر

او نقل کرده، وی گفت:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمود:

هنگامی که جبرئیل علیه السلام خبر شهادت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را به

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رساند آن جناب دست امیرالمؤمنین علی علیه السلام را گرفته و مقدار

زیادی از روز را با هم خلوت کرده و هر دو گریستند، و از یکدیگر جدا نشدند

مگر آنکه جبرئیل علیه السلام بر ایشان نازل شد و عرصه داشت:

پروردگارتان سلامتتان می رساند و می فرماید: صبر نمودن را بر شما واجب و

لازم نمودم.

سپس حضرت فرمودند: هر دو صبر کرده و بی تابی نکردند.

متن:

حدّثنی محمد بن الحسن بن الولید، عن محمد بن الحسن الصّفّار،

عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن سنان، عن سعید بن یسار

قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول مثله.

حدّثنی أبی - رحمه الله -، عن سعد بن عبد الله، عن یعقوب بن یزید،

عن محمد بن سنان، عن سعید بن یسار مثله.

ترجمه:

محمد بن حسن بن ولید، از محمد بن حسن صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن سنان، از سعید بن یسار نقل نموده که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که مثل نقل قبلی را فرمودند: پدرم رحمة الله علیه از سعد بن عبدالله و او از یعقوب بن یزید و او از محمد بن سنان و او از سعد بن یسار نیز مثل روایت قبلی را نقل نموده.

متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ سَالِمِ بْنِ مُكْرَمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: لَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحُسَيْنِ جَاءَ جَبْرَائِيلُ عليه السلام إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ سَتَلِدُ وَلَدًا تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ، فَلَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحُسَيْنِ كَرِهَتْ حَمْلَهُ، وَحِينَ وَضَعَتْهُ كَرِهَتْ وَضْعَهُ، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ رَأَيْتُمْ فِي الدُّنْيَا أُمًّا تَلِدُ غُلَامًا فَتَكْرَهُهُ؟! وَلَكِنِّي كَرِهْتُهُ لِأَنَّهَا عَلِمَتْ أَنَّهُ سَيُقْتَلُ، قَالَ: وَفِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَوَضَّيْنَا لِلْإِنْسَانِ إِبْرَاهِيمَ حُسْنًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِضْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از حسین بن علی الوشاء و او از احمد بن عائذ و او از ابی سلمه سالم بن مکرم و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

زمانی که حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت سید الشهداء سلام الله عليه باردار شدند جبرئیل علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و عرضه داشت:

حضرت فاطمه سلام الله عليه علیهما عنقریب فرزندی بیاورد که بعد از شما امت او را می‌کشند، پس هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت سید الشهداء علیه السلام باردار شد از حملشان کراحت داشته و زمانی که حمل را وضع نمودند از وضع آن نیز کراحت داشتند، سپس امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

آیا در دنیا مادری را دیده‌اید که فرزندی بزاید و از آن کراحت داشته باشد، البته این کراحت به خاطر این بود که حضرت می‌دانستند که این مولود عنقریب کشته خواهد شد و در همین مورد آیه شریفه «وَصَبَا الْإِنْسَانُ بِوَالِدَيْهِ حَسَنًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرهًا وَوَضَعَتْهُ كَرهًا وَفَصَّالَةٌ لَّكُنَّ شَهْرًا»



متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ أَخِيهِ أَحْمَدَ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: أَتَى جَبْرَائِيلُ عليه السلام إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ لَهُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ، أَلَا أَبْشُرُكَ بِغُلَامٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ؟ فَقَالَ: لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ، قَالَ: فَانْتَهَضَ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ الثَّانِيَةَ، فَقَالَ لَهُ: مِثْلَ ذَلِكَ، فَقَالَ: لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ، فَانْعَرَجَ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ انْقَضَ إِلَيْهِ الثَّالِثَةُ فَقَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ، فَقَالَ: لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ، فَقَالَ: إِنَّ رَبَّكَ جَاعِلٌ الْوَصِيَّةَ فِي عَقِبِهِ، فَقَالَ: نَعَمْ، ثُمَّ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَدَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا: إِنَّ جَبْرَائِيلَ أَتَانِي فَبَشَّرَنِي بِغُلَامٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي! فَقَالَتْ: لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ، فَقَالَ لَهَا: إِنَّ رَبِّي جَاعِلٌ الْوَصِيَّةَ فِي عَقِبِهِ، فَقَالَتْ: نَعَمْ إِذْنًا قَالَ: فَأَنْزَلَ اللَّهُ

تعالی عند ذلك هذه الآية: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا» لموضع إعلام جبرئیل ایاتها بقتله، «فَحَمَلَتْهُ كُرْهًا» بآنکه مقتول، و «وَضَعَتْهُ كُرْهًا» لآنکه مقتول.

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله و او از محمد بن حماد و او از برادرش احمد بن حماد و از محمد بن عبدالله از پدرش نقل نموده که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

جبرئیل علیه السلام محضر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شد و عرضه داشت: ای محمد صلی الله علیه و آله سلام بر تو، آیا تو را به فرزندی که امتت بعد از تو او را می‌کشند بشارت ندهم؟

حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست.
امام صادق علیه السلام فرمودند: جبرئیل به آسمان رفت سپس برای بار دوم نازل شد و نزد حضرت آمد و به آن جناب همان گفتار اولی را عرض نمود.

حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست.
پس جبرئیل به آسمان عروج کرد و بعد برای بار سوم محضر حضرتش مشرف شد و همان گفتار را تکرار کرد.

حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست.
جبرئیل عرض کرد: پروردگارت اوصیاء را در نسل او قرار می‌دهد.
حضرت فرمودند: بسیار خوب پذیرفتم.

یا پس از آنکه جبرئیل گفتار مزبور را ایراد کرد سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایستادند و تشریف بردند تا بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شدند و فرمودند:
جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و مرا به فرزندی که پس از من امتم او را می‌کشند

بشارت داد.

حضرت فاطمه علیها السلام عرض کردند: من را به او نیازی نیست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: پروردگارم اوصیاء را در نسل او قرار می دهد.

حضرت فاطمه علیها السلام عرضه داشتند: بسیار خوب پذیرفتم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

در این هنگام حق تعالی ابن آیه را نازل کرد: حملته امه کرها و وضعته کرها (زیرا جبرئیل اعلام به کشتن آن فرزند نمود) فحملته کرها (یعنی کراهت داشت از اینکه کشته می شود) و وضعته کرها (زیرا جبرئیل خبر داد که او کشته می شود)

متن:

۴- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدِ الزِّيَّاتِ قَالَ: حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّ جَبْرَائِيلَ نَزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ عليه السلام فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيَبْشُرُكَ بِمَوْلُودٍ يُولَدُ مِنْ فَاطِمَةَ عليها السلام تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ، فَقَالَ: يَا جَبْرَائِيلُ وَ عَلَى رَبِّي السَّلَامُ، لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ يُولَدُ مِنْ فَاطِمَةَ | تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي، قَالَ: فَعَرَجَ جَبْرَائِيلُ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ هَبَطَ فَقَالَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ، فَقَالَ: يَا جَبْرَائِيلُ وَ عَلَى رَبِّي السَّلَامُ؛ لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي، فَعَرَجَ جَبْرَائِيلُ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ هَبَطَ فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْرَأُكَ السَّلَامَ وَيَبْشُرُكَ أَنَّهُ جَاعِلٌ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَالْوَلَايَةَ وَالْوَصِيَّةَ، فَقَالَ: قَدْ رَضِيتُ، ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَى فَاطِمَةَ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُنِي بِمَوْلُودٍ يُولَدُ مِنْكَ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي، فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهِ أَنْ لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ يُولَدُ مِنِّي تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ، فَأَرْسَلَ إِلَيْهَا

أَنَّ اللَّهَ جَاعِلٌ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَالْوِلَايَةَ وَالْوَصِيَّةَ، فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهِ أَنِّي قَدْ رَضِيتُ، «فَحَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي»، فُلُو أَنَّهُ قَالَ: أَصْلِحْ لِي ذُرِّيَّتِي لَكَانَتْ ذُرِّيَّتُهُ كُلُّهُمْ أُمَّةً وَلَمْ يَرْضَعْ الْحُسَيْنُ مِنْ فَاطِمَةَ وَلَا مِنْ أَنثَىٰ لَكِنَّهُ كَانَ يُوقَىٰ بِهِ النَّبِيُّ فَيَضَعُ إِيَّاهُمْ فِي فِيهِ فَيَمُصُّ مِنْهَا مَا يَكْفِيهِ الْيَوْمَينِ وَالثَّلَاثَةِ فَنَبَتْ لَحْمَ الْحُسَيْنِ عليه السلام «مِنْ لَحْمِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَدَمِهِ مِنْ دَمِهِ وَلَمْ يُولَدْ مَوْلُودٌ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ إِلَّا عِيسَىٰ بْنُ مَرْيَمَ وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام».



« حَدِيثٌ جَاهِلِيٌّ »

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی می گویند: محمد بن الحسین بن الخطاب از محمد بن عمرو بن سعید زیات نقل کرده که گفت:
شخصی از اصحاب برایم نقل نمود که امام صادق علیه السلام فرمودند:
جبرئیل علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه وآله نازل شد پس عرض کرد:
یا محمد صلی الله علیه وآله خداوند سلام می رساند و بشارت می دهد شما را به فرزندی
که از حضرت فاطمه علیها السلام متولد شده و امت پس از شما او را می کشند.
حضرت فرمودند:

ای جبرئیل به پروردگار سلام من را برسان و عرض کن احتیاجی به چنین
فرزندی که از فاطمه سلام الله علیها متولد شود و بعد از من امت او را بکشند
ندارم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

جبرئیل علیه السلام به آسمان بالا رفت و سپس به زمین فرود آمد و محضر رسول

خدا ﷻ مشرف شد و همان گفتار را تکرار کرد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

ای جبرئیل به پروردگارم سلام من را برسان و عرض کن احتیاجی به چنین فرزندی که از فاطمه سلام الله علیها متولد شود و بعد از من ائمت او را بکشند ندارم.

پس جبرئیل علیه السلام به آسمان بالا رفت و سپس به زمین فرود آمد و محضر رسول خدا ﷻ مشرف شد و عرض کرد.

ای محمد ﷺ: پروردگارت به تو سلام می‌رساند و بشارت می‌دهد که امامت و ولایت و وصایت را در نسل این مولود قرار می‌دهد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: راضی و خوشنود شدم.

سپس حضرت برای فاطمه سلام الله علیها خبر فرستاد... و اظهار نمودند که: خداوند به من بشارت داده که فرزندی از شما متولد گشته و پس از من ائمت او را می‌کشند.

حضرت فاطمه سلام الله علیها برای پیامبر اکرم ﷺ خبر فرستاده و اظهار کردند که:

به فرزندی که ائمت بعد از شما او را بکشند نیازی ندارم.

پیامبر اکرم ﷺ خبر فرستادند که:

خداوند امامت و ولایت و وصایت را در نسل این فرزند قرار داده.

حضرت فاطمه سلام الله علیها برای رسول خدا خبر فرستادند که راضی شدم.

پس در حالی که از مقتول واقع شدن آن فرزند کراهت داشت به او باردار گردید و سپس در حالی که از اخبار جبرئیل به مقتول واقع شدن آن مولد کراهت داشت بار حمل را بر زمین نهاد و مجموع دوران حمل و شیر خوارگی آن طفل سی ماه بود تا آنکه به سن بلوغ و سپس به چهل سالگی رسید و به درگاه الهی

عرضه داشت:

بار خدایا من را بر نعمتی که به من و پدر و مادرم عطاء فرمودی شکر، بیامرز، و به کارشایسته‌ای که خشنودی تو در آن است موفق نما و فرزندان من را صالح گردان.

قابل توجه آنکه: اگر جناب سیدالشهداء به جای «اصلح فی ذرّیتی» عبارت «اصلح لی ذرّیتی» را ایراد می‌کردند به طور قطع و حتم تمام ذریه آن جناب از پیشوایان می‌شدند.

لازم به تذکر است که آن حضرت نه از حضرت فاطمه سلام الله علیها شیر خوردند و نه از خانم دیگری بلکه حضرتش را نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌آوردند و آن جناب انگشت ابهامشان را در دهان او می‌گذارند و سید الشهداء علیه السلام به مقدار غذای دو و سه روزشان را از انگشت حضرت می‌مکیدند پس گوشت حضرت امام حسین علیه السلام از گوشت رسول خدا صلی الله علیه و آله و خونشان از خون حضرت تکوین یافت و هیچ مولودی در شش ماهگی متولد نگشته مگر حضرت عیسی بن مریم و حضرت امام حسین علیه السلام.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدِ الزِّيَّاتِ، بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

ترجمه:

پدرم رحمه الله از سعد بن عبدالله و او از اسماعیل بن عیسی و او از محمد بن عمرو بن سعید زیّات به اسنادش مثل همین خبر را نقل کرده است.

متن:

۵ - حدیثی أبي؛ و محمد بن الحسن جميعاً، عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن ابن فضال، عن عبد الله بن بكير - عن بعض أصحابنا - عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: دَخَلْتُ فاطمة عليها السلام على رسول الله ﷺ - و عيناه تَدْمَع - فسأله: مالك؟! فقال: إِنَّ جَبْرِئِيلَ أَخْبَرَنِي أَنَّ أُمَّتِي تَقْتُلُ حُسَيْنًا، فَجَزَعْتُ وَ شَقَّ عَلَيَّهَا، فَأَخْبَرَهَا بِنِ يَمْلِكُ مِنْ وَلَدِهَا فَطَابَتْ نَفْسُهَا وَ سَكَنْتُ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن جملگی از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابن فضال، از عبد الله بن بکیر از بعضی اصحاب از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که ایشان فرمودند: من من حضرت فاطمه سلام الله علیها بر رسول خدا ﷺ داخل شده در حالی که چشمان آن جناب اشک بار بود.

حضرت فاطمه سلام الله علیها از آن جناب پرسیدند: شما را چه می شود؟ رسول خدا ﷺ فرمودند: جبرئیل علیه السلام به من خبر داده که امتم عنقریب حسین را می کشند.

پس فاطمه علیها السلام به جزع آمده و جامه خود را پاره کرده.

رسول خدا ﷺ که حال را مشاهده نمودند به آن حضرت خبر دادند که یکی از فرزندان این مولود مالک امور گشته و انتقام از قاتلین خواهد گرفت.

پس از این خبر حضرت فاطمه سلام الله علیها خشنود گشته و نفس مبارکش آرام گشت.

متن:

۶- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي غُنْدَرٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام «قال: قال أمير المؤمنين علیه السلام: زارنا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وقد أهدت لنا أمُ أيمن لبناً وزَبِداً وتمرّاً، فقدّمنا منه، فأكل ثمّ قام إلى زاوية البيت فصلى ركعات، فلما كان في آخر سجوده بكى بكاءً شديداً، فلم يسأله أحد منا، إجلالاً وإعظاماً له، فقام الحسين وقعد في حجره، فقال: يا أبة لقد دخلت بيتنا فما سررنا بشيء كسرورنا بدخولك، ثمّ بكيت بكاءً غمّنا فما أبكاك؟! فقال: يا يابني أتاني جبرئيل أنفاً فأخبرني أنّكم قتل؛ وأنّ مصارعكم شقى، فقال: يا أبة فما لمن زار قبرنا على تشّتها؟ فقال: يا يابني أولئك طوائف من أمّتي يزورونكم فيلتمسون بذلك البركة، وحقّق علىّ أن آتيهم يوم القيامة حتّى أخلّصهم من أهوال الساعة و من ذنوبهم، و يسكنهم الله الجنّة».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد بن ولید، از سعد بن عبد الله، از محمد بن عیسی، از صفوان بن یحیی، از حسین بن ابی غنّدر، از عمرو بن شمر، از جابر، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به زیارت ما آمدند و قبلاً امّ ایمن برای ما شیر و سرشیر و خرما هدیه داده بود لذا به منظور پذیرائی از حضرت، آنها را مقابلش نهادیم، حضرت میل فرموده سپس ایستادند و به گوشه‌ای از خانه تشریف برده و چند

رکعت نماز خواندند و در آخرین سجده به شدت گریستند و احدی از ما به منظور اجلال و تعظیم از آن وجود مبارک سؤال نکرد که سبب گریستن شما چیست ولی حضرت حسین علیه السلام ایستاد و سپس در دامن رسول خدا نشست عرض نمود:

ای پدر به منزل ما وارد شدی و هیچ چیز ما را این مقدار مسرور ننمود سپس گریستی بطوری که ما را مغموم و محزون کردی، سبب گریستن شما چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پسر من اکنون جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و به من خبر داد که شما را می کشند و قبور شما متفرق و پراکنده است.

حضرت سید الشهداء سلام الله علیه عرض کرد: ای پدر چه ثوابی است برای کسی که این قبور متفرق و پراکنده را زیارت کند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: پسر من زائرین شما گروهی از امت من بوده که درخواستشان از زیارت شما حصول برکت می باشد و سزاوار است که من روز قیامت به نزدشان رفته و آنها را از هول و وحشت قیامت رهاانیده و از گناهانی که کرده اند خلاصشان بنمایم و سپس حق تعالی آنها را در بهشت جای می دهد.

متن:

۷ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ مَا جِيلَوِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْقُرَشِيِّ، عَنْ عُبَيْدِ بْنِ يَحْيَى الثَّوْرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام «قَالَ: زَارَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ذَاتَ يَوْمٍ فَقَدَّمْنَا إِلَيْهِ طَعَامًا وَأَهْدَتْ إِلَيْنَا أُمَّ أَيْمَنَ صَحْفَةً مِنْ تَمْرٍ وَقَعْبًا مِنْ لَبَنٍ وَزَبَدٍ، فَقَدَّمْنَا إِلَيْهِ فَأَكَلَ مِنْهُ فَلَمَّا فَرَغَ قَمْتُ وَسَكَبْتُ عَلَى يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله

ماء، فلما غسل يديه مسح وجهه و لحيته ببلة يديه، ثم قام إلى مسجد في جانب البيت و صلى و خرَّ ساجداً فبكى و أطلال البكاء، ثم رفع رأسه، فما اجترأ منا أهل البيت أحدٌ يسأله عن شيء، فقام الحسين يدرج حتى صعد على فخذى رسول الله صلى الله عليه وآله فأخذ برأسه إلى صدره، و وضع ذقنه على رأس رسول الله صلى الله عليه وآله، ثم قال: يا أبة ما يُبكيك؟ فقال: يا بنى إني نظرت إليكم اليوم فسررت بكم سروراً لم أسر بكم قبله مثله، فهبط إليّ جبرئيل فأخبرني أنكم قتل؛ و أن مصارعكم شتى، فحمدت الله على ذلك و سألت لكم الخيرة، فقال له: يا أبة فمن يزور قبورنا و يتعاهدها على تشيتها؟ قال: طوائف من أمتي يريدون بذلك برى و صلتى أتعاهدهم في الموقف، و أخذ بأعضادهم فأنجهم من أهواله و شدائده».

در حدیث هشتم

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد بن وليد می گوید:

محمد بن ابی القاسم ماجیلویه، از محمد بن علی القرشی، از عبید بن یحیی ثوری، از محمد بن حسین بن علی بن الحسین از پدر بزرگوارشان، از جدشان، از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله روزی به زیارت ما آمدند پس طعامی نزد آن جناب نهادیم و کاسه خرما و ظرف شیر و سرشیری که ام ایمن برای ما آورده بود را نیز در مقابل حضرت نهادیم، آن جناب تناول فرموده و پس از فراغت ایشان از طعام ایستادم و آب روی دو دست مبارک ایشان ریخته و پس از آنکه حضرت دو دست خویش را شستند، دستهای مرطوبی خود را به صورت و محاسن شریف کشیده سپس ایستادند و به مسجدی که در یک طرف خانه بود تشریف

برده و نماز گذارده و در آخر به سجده رفته پس در آن گریه طولانی نموده سپس سر از آن برداشتند و از ما اهل بیت احدی جرأت نکرد سبب گریه آن حضرت را بپرسد، پس حضرت امام حسین علیه السلام ایستاده و آهسته آهسته جلو رفت تا خود را به آن جناب رساند و از حضرتش بالا رفت تا به روی رانهای حضرت قرار گرفت پس سر به سینه رسول خدا صلی الله علیه و آله، چانه را روی سر آن جناب نهاد سپس عرضه داشت:

ای پدر چرا گریستی؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: امروز به شما نگریستم بسیار مسرور و خوشحال شدم به طوری که پیش از آن چنین سرور و نشاطی در من پیدا نشده بود، پس جبرئیل بر من نازل شد و خبر داد که شما کشته خواهید شد و قبورتان پراکنده خواهد بود پس خدا را حمد و ستایش کرده و از خدا خیر شما را درخواست نمودم.

حضرت سید الشهداء علیه السلام عرض کرد: ای پدر چه کسی قبور ما را زیارت می کند و با اینکه از هم جدا و متفرقند به سر آنها خواهد آمد؟
حضرت فرمودند: جماعتی از امت، و قصدشان از زیارت این قبور احسان به من می باشد و من نیز در قیامت به نزدشان حاضر شده و بازوهایشان را گرفته و آنها را از هول و وحشت و گرفتاری آن روز می رهانم.

﴿الباب السابع عشر﴾

﴿قول جبرئیل لرسول الله ﷺ﴾

﴿«إِنَّ الْحُسَيْنَ تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ، وَ أَرَاهُ التُّرْبَةَ الَّتِي يَقْتُلُ عَلَيْهَا»﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى - قَالَ: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنْ يَحْيَى الْحُلَبِيِّ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «قَالَ: إِنَّ جَبْرَائِيلَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ - وَالْحُسَيْنَ يَلْعَبُ بَيْنَ يَدَيْهِ - فَأَخْبَرَهُ أَنَّ أُمَّتَهُ سَتَقْتُلُهُ، قَالَ: فَجَزَعُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: أَلَا أُرِيكَ التُّرْبَةَ الَّتِي يَقْتُلُ فِيهَا؟ قَالَ: فَخَسَفَ مَا بَيْنَ مَجْلِسِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي قُتِلَ (فِيهِ الْحُسَيْنُ ﷺ) حَتَّى التَقَتِ الْقِطْعَتَانِ، فَأَخَذَ مِنْهَا وَدَحِيتَ فِي أَسْرَعٍ مِنْ طَرْفَةِ عَيْنٍ، فَخَرَجَ وَهُوَ يَقُولُ: طُوبَى لَكَ مِنْ تَرْبَةٍ، وَ طُوبَى لِمَنْ يَقْتُلُ حَوْلَكَ، قَالَ: وَ كَذَلِكَ صَنَعَ صَاحِبُ سُلَيْمَانَ تَكَلَّمَ بِاسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ فَخَسَفَ مَا بَيْنَ سَرِيرِ سُلَيْمَانَ وَ بَيْنَ الْعَرْشِ مِنْ سُهولةِ الْأَرْضِ وَ حَزُونَتِهَا حَتَّى التَقَتِ الْقِطْعَتَانِ فَاجْتَرَّ الْعَرْشَ، قَالَ سُلَيْمَانُ: يَخْتَلِ إِلَى أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ تَحْتِ سَرِيرِي، قَالَ: وَ دُحِيتَ فِي أَسْرَعٍ مِنْ طَرْفَةِ الْعَيْنِ».

﴿ باب هفدهم ﴾

﴿ سخن جبرئیل با رسول خدا ﷺ و اینکه اقامت بعد از شما حسین ﷺ را می‌کشند و نشان دادن سرزمینی را که امام مظلوم ﷺ در آن کشته می‌شود به رسول خدا ﷺ ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه می‌گوید:

سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از نصر بن سوید، از یحیی حلی، از هارون بن خارجه، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله ﷺ نقل کرده که آن حضرت فرمودند جبرئیل ﷺ نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد در حالی که امام حسین ﷺ در مقابل آن حضرت بازی می‌کرد پس به رسول خدا ﷺ خبر داد که عنقریب اقامت شما حسین را خواهند کشند. امام صادق ﷺ می‌فرمایند:

پیامبر اکرم ﷺ از این خبر به جزع و ناله آمدند.

جبرئیل ﷺ محضر مبارکش عرضه داشت:

مایل هستید سرزمینی که حسین ﷺ در آن کشته می‌شود به شما نشان دهم؟ امام صادق ﷺ می‌فرماید:

در این هنگام فاصله بین مکان رسول خدا ﷺ و جانی که حضرت سید الشهداء ﷺ در آن کشته شدند فرو رفته بطوری که دو مکان مزبور با هم ملاقات کرده سپس حضرت مقداری از تربت و خاک آن مکان را برداشتند و سریع‌تر از چشم به هم زدن زمین گسترده شد پس جناب رسول خدا ﷺ از آن مکان خارج شده در حالی که می‌فرمودند:

خوشا به تو از خاکی که داری، خوشا به حال کسی که در اطراف و حوالی تو

کشته می شود.

امام صادق ﷺ می فرمایند:

صاحب و وزیر سلیمان نیز چنین کرد یعنی به کمک اسم اعظم باری تعالی در زمین خسف پدید آورد و بین تخت سلیمان ﷺ و عرش فرو رفت و تمام پستی و بلندی های آن پائین رفت به طوری که این دو قطع از زمین (جای تخت و عرش) با هم ملاقی شدند پس عرش چنان کشیده شد که تصور نمودم از زیر تخت من خارج گشت.

امام صادق ﷺ می فرمایند:

سریع تر از چشم به هم زدن زمین گسترده شد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۲- و حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله عن محمد بن عبد الحمید العطار، عن اَبی جمیلة المفضل بن صالح، عن اَبی أسامة زید الشحام، عن اَبی عبد الله علیه السلام «قال: نعی جبرئیل علیه السلام الحسین الی رسول الله صلی الله علیه و آله فی بیت أم سلمة، فدخل علیه الحسین علیه السلام - و جبرئیل عنده - فقال: انّ هذا تقتله أمتک، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: أرنی من التربة الّتی یسفک فیها دمه، فتناول جبرئیل علیه السلام قبضة من تلك التربة فاذا هی تربة حمراء».

حدیث دوم

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه از سعد بن عبد الله، از محمد بن عبد الحمید عطار، از اَبی جمیلة مفضل بن صالح، از اَبی اسامه زید شحام، از حضرت اَبی عبد الله علیه السلام نقل نموده که حضرت فرمودند:

جبرئیل علیه السلام در خانه ام سلمه خبر شهادت حضرت امام حسین علیه السلام را به رسول خدا صلی الله علیه و آله داد و شرح آن چنین است:

حضرت امام حسین علیه السلام در خانه ام سلمه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شد در حالی که جبرئیل علیه السلام در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، جبرئیل عرضه داشت: اَمّت شما این (امام حسین علیه السلام) را خواهند کشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

از آن خاکی که خون او در آن می ریزد مقداری را به من نشان بده. جبرئیل علیه السلام یک مشت از آن را برداشت و وقتی به آن حضرت خواست نشان دهد خاک قرمز گردید.

متن:

۳- حدَّثنی أبی - رحمه الله تعالى - عن سعد، عن علی بن إسماعیل بن عیسی و محمد بن الحسین بن أبی الخطاب؛ و ابراهیم بن هاشم، عن عثمان ابن عیسی، عن سماعة بن مهران، عن أبی عبد الله ﷺ مثله و زاد فیہ: «فلم تزل عند أم سلمة حتی ماتت - رحمها الله -».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه از سعد از علی بن اسماعیل بن عیسی و محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و ابراهیم بن هاشم، از عثمان بن عیسی، از سماعة بن مهران، از مولانا ابی عبد الله ﷺ حدیثی مثل حدیث گذشته را نقل کرده منتهی در آن این فقره را افزوده:

این تربت پیوسته نزد ام سلمه بود تا از دنیا رفت رحمة الله علیها.

متن:

۴- حدَّثنی أبی - رحمه الله - عن سعد ابن عبد الله، عن محمد بن الولید الخزاز، عن حماد بن عثمان، عن عبد الملك بن أعین، «قال: سمعت أبا عبد الله ﷺ يقول: إنَّ رسول الله ﷺ كان في بيت أم سلمة وعنده جبرئیل ﷺ، فدخل علیه الحسين ﷺ، فقال له جبرئیل: إنَّ أمَّتك تقتل ابنك هذا، إلا أريك من تربة الأرض التي يقتل فیها؟ فقال رسول الله ﷺ: نعم، فأهوى جبرئیل ﷺ بیده و قبض قبضة منها فأراها النبي ﷺ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله و او از محمد بن ولید خزّاز و او از حمّاد بن عثمان و او از عبدالملک بن اعین نقل کرده که گفت:
 از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
 رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه ام سلمه بودند و جبرئیل علیه السلام در محضر آن حضرت حضور داشت پس حضرت حسین علیه السلام داخل شد، جبرئیل علیه السلام عرضه داشت:
 اَمّت شما فرزندان حسین را خواهند کشت، آیا از خاک زمینی که او را روی آن می کشند به شما مقداری را نشان بدهم.
 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بلی.
 پس جبرئیل دستش را دراز نمود و مشتی از آن خاک را برداشت و سپس به رسول خدا صلی الله علیه و آله نشان داد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ الرَّزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: بَيْنَمَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذْ أَتَاهُ جِبْرِئِيلُ عليه السلام فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ أَتُحِبُّهُ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ: أَمَا إِنَّ أُمَّتَكَ سَتَقْتُلُهُ، قَالَ: فَحُزِنَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حُزْنًا شَدِيدًا، فَقَالَ لَهُ جِبْرِئِيلُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتُرِيدُ أَنْ أُرِيكَ التُّرْبَةَ الَّتِي يَقْتُلُ فِيهَا؟ فَقَالَ: نَعَمْ، فَخَسَفَ مَا بَيْنَ مَجْلِسِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَى كَرْبَلَاءَ حَتَّى التَقَتِ الْقِطْعَتَانِ هَكَذَا - ثُمَّ جُمِعَ بَيْنَ السَّبَابَتَيْنِ - ثُمَّ تَنَاوَلَ بِجَنَاحِهِ مِنَ التُّرْبَةِ وَنَاوَلَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ثُمَّ رَجَعَتْ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَةِ عَيْنٍ.

فقال رسول الله ﷺ: طوبى لك من تربة، و طوبى لمن يقتل فيك».

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن جعفر قریشی رزّاز از محمد بن حسین، از محمد بن سنان، از هارون بن خارجه، از ابی بصیر، از حضرت ابی‌عبدالله ﷺ نقل کرده، وی می‌گوید:

شنیدم از حضرت امام صادق ﷺ که می‌فرمودند: هنگامی که حضرت حسین بن علی ﷺ نزد رسول خدا ﷺ بودند جبرئیل بر رسول خدا ﷺ داخل گشت و عرضه داشت:

ای محمد ﷺ آیا وی را دوست می‌داری.

حضرت فرمودند: بلی.

عرض کرد: این حتمی است که امت شما عنقریب او را خواهند کشت.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

امام صادق ﷺ فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله شدیداً محزون و غمگین شدند.

پس جبرئیل ﷺ عرضه داشت: یا رسول الله ﷺ آیا می‌خواهی تربت

و خاکی که وی روی آن کشته می‌شود را ببینی؟

حضرت فرمودند: بلی.

پس فاصله بین مجلس رسول خدا ﷺ و کربلا فرو رفت به طوری که این

قطعه با هم متصل شد به این نحو (پس امام صادق ﷺ برای تصویر کردن

اتصال دو قطعه زمین دو انگشت سیاه دست‌ها را به هم متصل فرمودند).

پس از آن جبرئیل با بالش مقداری از تربت کربلا را برداشت و رسول خدا

ﷺ آن را از وی گرفتند سپس جبرئیل به کمتر از چشم به هم زدن برگشت.

و بعد از آن رسول خدا ﷺ فرمودند:

چه خوش تربتی هستی و چه خوش کسی است که در تو کشته می‌شود.

متن:

۶- حدیثیابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد ابن عيسى، عن الحسن بن على الوشاء، عن احمد بن عائد، عن أبی خدیجة سالم بن مکرم الجمال، عن أبی عبدالله عليه السلام «قال: لما ولدت فاطمة الحسين عليه السلام جاء جبرئيل الى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال له: انّ امّتك تقتل الحسين عليه السلام من بعدك ثم قال الا أريك من تربته فضرب بجناحه فاخرج من تربة كربلاء واراها آياه ثم قال هذه التربة التي يقتل عليها».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله و او از احمد بن محمد بن عيسى و او از حسن بن على و شاء و او از احمد بن عائد و او از ابی خدیجة بن مکرم جمال و او از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: زمانی که حضرت حسین عليه السلام از فاطمه سلام الله علیها متولد شد جبرئیل عليه السلام محضر مبارک رسول خدا صلى الله عليه وآله مشرف شد و عرض کرد: امّت شما حسین عليه السلام را بعد از شما می کشند سپس اظهار داشت: آیا تربت او را به شما نشان دهم؟! پس بال زد و مقداری از خاک کربلا را برداشت و آن را به رسول خدا صلى الله عليه وآله نشان داده سپس گفت: این تربتی است که حسین عليه السلام روی آن کشته می شود.

متن:

۷- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّعْفَرَانِي، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو الْأَسْلَمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَنبَسَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ «قَالَ: الْمَلِكُ الَّذِي جَاءَ إِلَى مُحَمَّدٍ ﷺ يُخْبِرُهُ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ ﷺ كَانَ جِبْرِئِيلُ ﷺ الرُّوحَ الْأَمِينُ مَنشُورَ الْأَجْنَحَةِ بَاكِئاً صَارِخاً قَدْ حَمَلَ مِنْ تَرْبَةِ الْحُسَيْنِ ﷺ وَ هِيَ تَفُوحُ كَالْمَسْكِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ تَفْلَحُ أُمَّةٌ تَقْتُلُ فَرْخِي أَوْ قَالَ فَرْخَ ابْنَتِي فَقَالَ جِبْرِئِيلُ يَضْرِبُهَا اللَّهُ بِالْأَخْتِلَافِ فَتَخْتَلِفُ قُلُوبُهُمْ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم از حسین بن علی زعفرانی نقل نمود که وی گفت: محمد بن عمرو اسلمی برایم نقل کرده که عمرو بن عبدالله بن عنبسه، از محمد بن عبدالله بن عمرو از پدرش، از ابن عباس نقل نمود که وی گفت: فرشته‌ای که محضر مبارک رسول خدا ﷺ مشرف شد و به آن جناب از شهادت حضرت امام حسین ﷺ خبر داد جبرئیل روح الامین بود در حالی که بال‌هایش را باز کرده و می‌گریست و فریاد می‌نمود مقداری از تربت حضرت سید الشهداء ﷺ را که همچون مشک بویش منتشر بود با خود حمل می‌کرد.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

آیا امتی که جوجه من را می‌کشند رستگار خواهند شد؟

یا فرمودند:

آیا امتی که جوجه دختر من را می‌کشند رستگار می‌گردند؟

جبرئیل عرض کرد:

خداوند متعال آنها را از هم پراکنده نموده و سپس دل‌هایشان نیز با هم نبوده

و همواره بینشان اختلاف می‌باشد.

متن:

۸۔ حدثني الناقد ابوالحسين احمد بن عبدالله بن علي، قال: حدثني جعفر بن سليمان، عن ابيه، عن عبدالرحمن الغنوي، عن سليمان، «قال: و هل بقى في السموات ملك لم ينزل الى رسول الله ﷺ يعزيه بولده الحسين ﷺ و يخبره بثواب الله اياه و يحمل اليه تربته مصروعاً عليها مذبوحاً مقتولاً جريحاً طريحاً مخذولاً فقال رسول الله ﷺ اللهم اخذل من خذله و اقتل من قتله و اذبح من ذبحه و لا تمتعه بما طلب قال عبدالرحمن فوالله لقد عوجل الملعون يزيد و لم يتمتع بعد قتله بما طلب قال عبدالرحمن: فوالله لقد عوجل الملعون يزيد، و لم يتمتع بعد قتله بما طلب و لقد أخذ، بات سكراناً و اصبح ميتاً متغيراً، كانه مطلى بقار، اخذ على اسف و ما بقى احد ممن تابعه على قتله او كان في محاربتة الا اصابه جنون او جذام او برص و صار ذلك وارثة في نسلهم لعنهم الله».

﴿ حدیث ہشتم ﴾

ترجمہ:

ناقد ابوالحسین احمد بن عبداللہ بن علی می گوید:

جعفر بن سلیمان، از پدرش و او از عبدالرحمن غنوی و او از سلیمان نقل کرده کہ وی گفت:

آیا در آسمان ہا فرشتہ ای ماند کہ بہ رسول خدا ﷺ نازل نشود و بہ آن جناب راجع بہ شہادت فرزندش حضرت امام حسین ﷺ تسلیت نگوید و از ثواب دادن حق تعالی بہ او وی را با خبر نکند و از تربت آن شہید در حالی کہ آن جناب بہ روی آن با سر بریدہ و کشتہ شدہ و با بدنی پر از جراحت و بدون یار و یاور

افتاده به نزد رسول خدا حمل ننماید؟

رسول خدا ﷺ فرمودند:

بار خدایا کسانی که او را یاری نکردند یاری مکن و آنانکه او را کشتند بکش و آنها که او را سر بریدند سرشان را ببر و از آنچه طالب هستند بهره‌مند مساز. عبدالرحمن می‌گوید:

به خدا قسم یزید ملعون مهلت نیافت و پس از کشتن آن جناب آنچه را که طالب بود نیافت و از آن بهره‌مند نشد، شب با حالتی مست و خارج از حال طبیعی خوابید و صبح کرد در حالی که مرده‌ای بود متغیر گویا او را قیر اندود کرده‌اند، با حالتی غمگین و حسرت و حزن مرد و احدی از آنانکه در کشتن سید الشهداء سلام الله علیه از او تبعیت کرده یا در محاربه و جنگ با آن سرور مقابل شدند باقی نماندند مگر آنکه یا مبتلا به دیوانگی و یا جذام و یا برص گردیدند و این امراض در نسل ایشان به ارث باقی ماند خداوند همه آنها را لعن و از رحمت و اسعاهش دور نماید.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ خَنِيْسٍ، «قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَصْبَحَ صَبَاحاً فَرَأَتْهُ فَاطِمَةُ بَاكِئاً حَزِيناً، فَقَالَتْ: مَا لَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَأَبَى أَنْ يُخْبَرَهَا، فَقَالَتْ: لَا أَكُلُ وَلَا أَشْرِبُ حَتَّى تُخْبِرَنِي، فَقَالَ: إِنَّ جَبْرَائِيلَ ﷺ أَتَانِي بِالتُّرْبَةِ الَّتِي يَقْتُلُ عَلَيْهَا غُلَامٌ لَمْ يَحْمَلْ بِهِ بَعْدَ وَلَمْ تَكُنْ تَحْمِلُ بِالْحُسَيْنِ ﷺ وَ هَذِهِ تَرْبَتُهُ».

حَدَّثَنِي عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ هَلَالٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ

عمیره الأسلمی، قال: حدّثنی عمرو بن عبد اللّٰه بن عنبسة، عن محمّد بن عبد اللّٰه بن عمر؛ عن ابيه، عن ابن عبّاس - و ذکر الحديث مثل حديث أبي عبد اللّٰه الزعفرانی سواء. و حدّثنی عبید اللّٰه بن الفضل قال: حدّثنی جعفر بن سلیمان، عن ابيه، عن عبد الرحمن الغنوی، عن سلیمان - و ذکر مثل حديث أبي الحُسین الناقد سوآء.

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد، از احمد بن محمد بن ابی نصر، از عبد الكريم بن عمرو، از معلى بن خنيس نقل کرده که وی گفت:

در صبح روزی حضرت فاطمه علیها السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را گریان و محزون دیده پس عرضه داشت: ای رسول خدا! شما را چه می شود؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خبر دادن به ایشان امتناع نمودند. حضرت فاطمه علیها السلام عرض کرد: نه غذا خورده و نه آب می آشامم تا به من خبر دهید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل خاکی را برایم آورده که بر روی آن جوانی که هنوز مادرش به او باردار نشده کشته خواهد شد و این همان تربت و خاک است (این واقعه زمانی بود که هنوز حضرت فاطمه علیها السلام به حسین علیه السلام باردار نشده بودند).

عبید الله بن فضل بن محمد بن هلال می گوید:

محمّد بن عمیره اسلمی برایم نقل نمود، وی گفت: عمرو بن عبد اللّٰه بن عنبسة، از محمّد بن عبد اللّٰه بن عمرو، از پدرش و او از ابن عبّاس نقل کرده که وی حدیث را نظیر حدیث ابی عبد اللّٰه زعفرانی (حدیث هفتم همین باب) نقل

نموده:

و عبیداللہ بن فضل برایم نقل نمود، وی گفت: جعفر بن سلیمان، از پدرش، از عبدالرحمن غنوی، از سلیمان نقل کرد که وی حدیث را نظیر حدیث ابی الحسین الناقد (حدیث هشتم) حکایت نمود.

﴿ الباب الثامن عشر ﴾

﴿ ما نزل من القران بقتل الحسين ﷺ و انتقام الله عزوجل ﴾

﴿ و لو بعد حين ﴾

متن:

۱- حدّثنی محمد بن جعفر القرشی الرزازی، قال: حدّثنی محمد بن الحسین بن أبی الخطاب، عن موسى بن سعدان الحنّاط، عن عبد الله بن قاسم الحضرمی، عن صالح بن سهل، عن أبی عبد الله ﷺ فی قول الله عزوجل: «و قضینا الی بنی اسرائیل فی الكتاب تُفسدن فی الأرض مرّتين» قال قتل امیر المؤمنین ﷺ و طعن الحسن بن علی ﷺ «و لتعلن علواً کبیراً» قتل الحسین بن علی ﷺ «فاذا جاء وعد اولیها» قال: اذا جاء نصر الحسین ﷺ «بعثنا علیکم عباداً لنا اولی بأس شدید فجاسوا خلال الدیار» قوماً یبعثهم الله قبل القائم ﷺ، لا یدعون و تراً لآل محمد الا احرقوه، «و کان وعداً مفعولاً».

﴿ باب هیجدهم ﴾

﴿ آیاتی که در باره شهادت حضرت امام حسین علیه السلام نازل شده ﴾

﴿ و بیان انتقام حق تعالی از قاتلین اگرچه در زمانی ﴾

﴿ بس متأخر باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزّاز می گوید:

محمد بن حسین بن ابی الخطّاب، از موسی بن سعدان حنّاط، از عبدالله بن قاسم حضرمی، از صالح بن سهل از ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن حضرت در ذیل آیه شریفه:

و قضینا الی بنی اسرائیل فی الکتاب لتفسدن فی الارض مرّتين،

فرمودند:

مقصود از مرّتين یکی قتل و شهید نمودن امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و دیگری طعن و زخم زبان هائی بود که به حسن بن علی علیه السلام زده شد.

و مراد از «لتعلن علواً کبیراً» شهادت حسین بن علی علیه السلام است.

و منظور از «فاذا جاء وعد اولیها» اینست که وقتی فرا رسید زمان خون

خواهی حضرت امام حسین علیه السلام و یاری کردن آن جناب.

و تفسیر «بعثنا علیکم عباداً لنا اولی بأس شدید فجاسوا خلال

الدّیار» اینست که:

خداوند متعال قبل از قیام قائم علیه السلام گروهی را برانگیزد که آنها احدی را بر آلمحمد صلی الله علیه و آله و انگذارند مگر آنکه او را آتش می زنند و این وعده خدا حتماً

بوقوع می پیوندد.

متن:

۲- و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: تَلَاهُذِهِ الْآيَةُ: «أَنَا لِنَنْصُرَ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»، قَالَ: الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام مِنْهُمْ وَ لَمْ يَنْصُرْ بَعْدَ، ثُمَّ قَالَ: وَ اللَّهُ لَقَدْ قَتَلَ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ لَمْ يَطْلُبْ بِدَمِهِ بَعْدَ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن سنان، از علی بن ابی حمزه، از ابی بصیر، از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل نموده که آن حضرت آیه: «أَنَا لِنَنْصُرَ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» را تلاوت نموده سپس فرمودند: حضرت حسین بن علی عليه السلام از جمله این دسته بود و مورد کمک و نصرت قرار نگرفت پس از آن فرمود: به خدا سوگند کشتندگان حسین بن علی عليه السلام جملگی کشته شدند در حالی که کسی خون آن حضرت را از ایشان طلب نکرد.

متن:

۳- و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدٍ، وَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ - عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ -

عن أبي عبد الله عليه السلام «في قول الله عز وجل: «وإذا المؤودة سُئِلَتْ بأيِّ ذنبٍ قتلت»، قال: نزلت في الحسين بن علي عليه السلام».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید و ابراهیم بن هاشم، از محمد بن ابی عمیر، از برخی رجالش از حضرت ابی عبدالله عليه السلام در ذیل فرموده خداوند عز وجل:

وإذا المؤودة سُئِلَتْ، بأيِّ ذنبٍ قتلت.

فرمودند:

این آیه در شأن حسین بن علی عليه السلام نازل شده.



متن:

۴- حدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد ابن عيسى، عن العباس بن معروف، عن صفوان بن يحيى، عن حكم الحنّاط، عن ضريس، عن أبي خالد الكابلي، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: سمعته يقول في قول الله عز وجل: «اذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله على نصرهم لقدير»، قال: عليّ والحسن والحسين عليهم السلام».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى، از عباس بن معروف، از صفوان بن يحيى، از حكم حنّاط، از ضريس، از ابی خالد کابلی، از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل نموده که گفت:

از آن جناب شنیدم که در ذیل فرموده حق عزوجل:
 اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير.
 فرمودند:
 ایشان علی و حسن و حسین علیهم السلام می باشند.

متن:

۵ - و حدثني محمد بن الحسن بن احمد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن العباس بن معروف، عن محمد بن سنان - عن رجل - «قال: سألت عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل انه كان منصوراً»، قال: ذلك قائم آل محمد يخرج فيقتل بدم الحسين عليه السلام فلو قتل اهل الأرض لم يكن مسرفاً، وقوله: «فلا يسرف في القتل» لم يكن ليصنع شيئاً يكون سرفاً، ثم قال ابو عبد الله عليه السلام: يقتل والله ذراري قتلة الحسين عليه السلام بفعال آبائها».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد، از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف، از محمد بن سنان، از شخصی نقل نموده که وی گفت:
 از حضرت ابی عبد الله عليه السلام از تفسیر آیه شریفه:
 و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل انه كان منصوراً.

پرسیدم، حضرت فرمودند:

مقصود از «ولی» قائم آل محمد علیه السلام بوده که خروج نموده پس به خون خواهی حضرت سید الشهداء علیه السلام شروع به کشتن می نماید بطوری که اگر اهل زمین را بکشد اسراف نکرده است.

و در ذیل این فقره از آیه «فلا یسرف فی القتل» می فرماید:

حضرت قائم علیه السلام اقدام به چیزی که اسراف محسوب شود نمی کنند.

پس امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم حضرت قائم علیه السلام اعقاب کشتندگان سید الشهداء علیه السلام را بواسطه عمل آباء و اجدادشان را خواهد کشت.

متن:

۶ - حدیثی محمد بن جعفر الرزّاز، عن محمد بن الحسین، عن عثمان ابن عیسی، عن سماعة بن مهران، عن أبي عبد الله علیه السلام «فی قوله تبارک و تعالی: «لأعدوان الآ علی الظالمین»، قال: اولاد قتلة الحسین علیه السلام».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن الحسین، از عثمان بن عیسی، از سماعة بن مهران، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام در ذیل فرموده حق تبارک و تعالی: لأعدوان الآ علی الظالمین.

فرمودند:

مقصود از «ظالمین» فرزندان کشتندگان امام حسین علیه السلام می باشد.

متن:

حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن ابراهیم بن هاشم؛ و محمد بن الحسین، عن عثمان بن عیسی، عن سماعة بن مهران مثله.

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از ابراهیم بن هاشم و محمد بن الحسین، از عثمان بن عیسی از سماعة بن مهران مثل حدیث قبل را نقل نموده.

متن:

۷- حدَّثني محمد بن جعفر الكوفي الرزاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن موسى بن سعدان، عن عبدالله بن القاسم الحضرمي، عن صالح بن سهل، عن أبي عبدالله عليه السلام «في قول الله تبارك و تعالى: «و قضينا الى بني اسرائيل في الكتاب لتفسدن في الارض مرتين»، قال: قتل علي و طعن الحسن «و لتعلن علواً كبيراً» قال: قتل الحسين عليه السلام».

حدیث هفتم

ترجمه:

محمد بن جعفر کوفی رزاز، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدان، از عبدالله بن القاسم الحضرمی از صالح بن سهل، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام در ذیل فرموده حق تبارک و تعالی: و قضينا الى بني اسرائيل في الكتاب لتفسدن في الارض مرتين.

نقل نموده که آن جناب فرمودند:

مقصود از «مرتین» یکی کشتن حضرت علی علیه السلام بوده و دیگری زخم زبان زدن به امام حسن علیه السلام می باشد.

و مراد از «و لتعلن علواً كبيراً» کشتن حضرت امام حسین علیه السلام می باشد.

﴿ الباب التاسع عشر ﴾

﴿ علم الانبياء بقتل الحسين بن علي عليه السلام ﴾

متن:

۱- حدّثنی اَبی - رحمه الله - قال: حدّثنی سعد بن عبد الله بن اَبی خلف، عن احمد بن محمد بن عيسى؛ و محمد بن الحسين بن اَبی الخطاب؛ ويعقوب بن يزيد جميعاً، عن محمد بن سنان، - عمّن ذكره - عن اَبی عبد الله عليه السلام «قال: انّ اسماعيل الذي قال الله تعالى في كتابه «واذكر في الكتاب اسماعيل انه كان صادق الوعد و كان رسولاً نبياً» لم يكن اسماعيل بن ابراهيم عليه السلام، بل كان نبياً من الانبياء؛ بعثه الله الى قومه فاخذوه فسلخوا فروة رأسه و وجهه فأثام ملك عن الله تبارك و تعالى فقال: انّ الله بعثنی اليك فرني بما شئت، فقال: لي اسوة بما يصنع بالحسين».

﴿ باب نوزدهم ﴾

﴿ آگاه بودن انبياء از شهادت ﴾

﴿ حضرت حسين بن علي عليه السلام ﴾

﴿ حديث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه فرمود:

سعد بن عبد الله بن ابي خلف از احمد بن محمد بن عيسى و محمد بن حسين بن ابي الخطاب و يعقوب بن يزيد، جملگی از محمد بن سنان، از کسی که يادش

نموده از حضرت ابی عبداللہ علیه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

اسماعیلی که حق تعالی در کتاب عزیزش در باره او فرموده:

و اذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولاً.

اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام نبوده بلکه مقصود از وی پیامبری از پیامبران عظام بوده که حق تعالی وی را به طرف قومش مبعوث داشت قومش او را گرفته و پوست سر و صورتش را کردند پس فرشته‌ای از جانب حق تبارک و تعالی نزدش آمد، عرضه داشت:

خداوند متعال من را به سوی تو فرستاده و امر کرده که به تو عرض کنم هر چه می‌خواهی از او بخواه.

او فرمود:

من خواستارم که آنچه به حضرت حسین علیه السلام از بلا و محنت می‌رسد پیرو آن حضرت بوده و به من نیز آنها متوجه گردد.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۲- و حدّثنی أبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عیسی؛ و ابن ابی الخطاب؛ و ابن یزید، عنهما جميعاً عن محمد ابن سنان، عن عمار بن مروان، عن سماعة بن مهران، عن أبی عبد الله علیه السلام «قال: إنه کان لله رسولاً نبياً تسلط علیه قومه، فقشروا جلدة وجهه وفروة رأسه، فأتاه رسول من رب العالمین، فقال له: ربّک یقرؤک السّلام و یقول: «قد رأیت ما أصنع بک» و قد أمرنی بطاعتک، فرفنی بما شئت، فقال: یكون لی بالحسین اسوة».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن محمد بن عيسى و ابن ابی الخطاب و ابن یزید، جملگی از محمد بن سنان، از عمار بن مروان، از سماعة بن مهران از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال رسول و پیامبری داشت که قومش بر او مسلط شده و پوست صورت و سر او را کردند رسولی از رسولان پروردگار عالمیان نزد او آمد و گفت: پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:

آنچه به تو وارد شد را دیدم و به من امر فرمود که تو را اطاعت نمایم حال آنچه می‌خواهی به من بفرما.

وی فرمود: من خواستارم که آنچه به حضرت حسین علیه السلام از بلا و محنت رسید پیرو آن حضرت باشم.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

متن:

۳- حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب؛ و احمد بن الحسن بن علی، عن ابیه، عن مروان بن مسلم، عن برید بن معاویة العجلی، «قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام : یا بن رسول الله اخبرنی عن اسماعیل الذی ذکره الله فی کتابه حیث یقول: «أذكر فی الكتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً»؛ أکان اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام؟ فانّ الناس یزعمون انه اسماعیل بن ابراهیم، فقال علیه السلام : انّ اسماعیل مات قبل ابراهیم و انّ ابراهیم کان حجّة لله قائماً، صاحب شریعة فالی من أرسل اسماعیل اذن؟ قلت: فن کان جعلت فداک؟ قال علیه السلام : ذاک اسماعیل بن حزقیل النبی علیه السلام؛ بعثه الله الی

قومه فکذبوه فقتلوه و سلخوا وجهه، فغضب الله له عليهم فوجه اليه سطا طائيل؛ ملك العذاب، فقال له: يا اسماعيل انا سطا طائيل ملك العذاب؛ وجهني اليك رب العزة لأعذب قومك بانواع العذاب ان شئت، فقال له اسماعيل: لا حاجة لي في ذلك، فأوحى الله اليه: فما حاجتك يا اسماعيل؟ فقال يا رب انك أخذت الميثاق لنفسك بالربوبية، و لمحمد بالنبوة و لأوصيائه بالولاية، و أخبرت خير خلقك و بما تفعل امته بالحسين بن علي ؑ من بعد نبيها و انك وعدت الحسين ؑ ان تكرهه الى الدنيا حتى ينتقم بنفسه ممن فعل ذلك به، فحاجتي اليك يا رب ان تكرني الى الدنيا حتى أنتقم ممن فعل ذلك بي، كما تكرّ الحسين ؑ، فوعد الله اسماعيل بن حزقيل ذلك فهو يكرّ مع الحسين ؑ».

ترجمه:
 ﴿ حدیث سوم ﴾

محمد بن جعفر رزّاز از محمد بن حسین بن ابی الخطّاب و احمد بن حسن بن علی بن فضال از پدرش از مروان بن مسلم از برید بن معاویه العجلی نقل کرده که گفت: محضر امام صادق ؑ عرض کردم: ای پسر رسول خدا: خبر دهید به من از اسماعیل که حق تعالی در کتاب خودش از او یاد کرده و فرموده: و اذکر فی الكتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولا نبیاً. آیا مقصود از او اسماعیل بن ابراهیم ؑ است چه آنکه مردم این طور می پندارند که وی اسماعیل بن ابراهیم می باشد.

امام ؑ فرمودند:

اسماعیل پیش از حضرت ابراهیم از دنیا رفت و جناب ابراهیم ؑ حجّت

قائم حق تعالی و صاحب شریعت بود و مع ذلک اسماعیل با چنین موقعیتی به جانب چه کسانی می توانست مبعوث باشد؟!

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم:

پس اسماعیل در آیه مذکور چه کسی است؟

حضرت فرمودند:

وی اسماعیل بن حزقیل پیغمبر می باشد که خداوند متعال او را به جانب قومش مبعوث نمود و آنها وی را تکذیب کرده و کشتند و سپس پوست صورتش را کردند پس خداوند به ایشان غضب نمود و سطا طائیل را که فرشته عذاب است بر او نازل کرد، فرشته عرضه داشت:

ای اسماعیل من سطا طائیل بوده که فرشته عذاب می باشم پروردگار متعال من را نزد شما فرستاده تا قوم شما را به انواع عذاب ها معذب نمایم و در صورتی که نخواهی ایشان را به بلاها و گرفتاری ها مبتلا سازم. اسماعیل به او فرمود:

به این امر نیاز و احتیاجی ندارم.

پس حق تعالی وحی فرستاد: ای اسماعیل حاجت تو چیست؟

عرض کرد: پروردگارا از بندگان عهد و میثاق گرفتی که تو را رب و پروردگار دانسته و حضرت محمد ﷺ را پیغمبر و اوصیاء کرامش را ولی بدانند و به بهترین مخلوقات خبر دادی که امتش با حسین بن علی علیه السلام بعد از پیامبر چه خواهند نمود و به حسین علیه السلام وعده دادی که به دنیا برگردانده می شود تا خودش از آن قوم جفا کار انتقام بگیرد و حاجت من به تو ای پروردگارم آن است که من را نیز به دنیا برگردانی تا انتقام خود را از ظالمین بگیرم همان طوری که حسین علیه السلام را به دنیا بازگردانیدی، پس حق تعالی به اسماعیل بن حزقیل وعده داد او را با حسین بن علی سلام الله علیهما به دنیا برگرداند.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ إِسْمَاعِيلَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: «اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ» أَخَذَ فَنَسَلَخَتْ فَرْوَةً وَجْهَهُ وَرَأْسَهُ فَاتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي إِلَيْكَ فَرَنِي بِمَا شِئْتَ، فَقَالَ: لِي أَسْوَةٌ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار از پدرش از جدش علی بن مهزیار، از محمد بن سنان از کسی که ذکرش نموده نقل کرد که گفت امام صادق علیه السلام فرمودند:

اسماعیلی که حق تعالی در کتاب عزیزش از او یاد کرده و فرموده:
و اذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد.

گرفتار قومش شد و او را گرفته پوست صورت و سرش را کردند پس فرشته ای نزد او آمد عرضه داشت:

خداوند متعال من را نزد تو فرستاده اکنون آنچه می خواهی به من دستور بده.
اسماعیل فرمود:

من پیرو حسین بن علی علیه السلام می باشم.

﴿ الباب العشرون ﴾

﴿ علم الملائكة بقتال الحسين عليه السلام ﴾

متن:

١ - حدثني محمد بن جعفر القرشي الرزاز الكوفي، قال: حدثني خالي محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، قال: حدثني موسى بن سعدان الحنطاط، عن عبد الله بن القاسم الحضرمي، عن ابراهيم بن شعيب الميثمي، «قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: ان الحسين بن علي عليه السلام لما ولد امر الله عز وجل جبرئيل عليه السلام ان يهبط في آفة من الملائكة فيهنىء رسول الله صلى الله عليه وآله من الله ومن جبرئيل عليه السلام، قال: وكان مهبط جبرئيل عليه السلام على جزيرة في البحر فيها ملك يقال له: فطرس، كان من الحملة فبعث في شيء فابطأ فيه فكسر جناحه ولقى في تلك الجزيرة يعبد الله فيها ستمائة عام حتى ولد الحسين عليه السلام، فقال الملك لجبرئيل عليه السلام: أين تريد؟ قال: ان الله تعالى انعم على محمد صلى الله عليه وآله بنعمة فبعثت اهنيئه من الله ومني، فقال: يا جبرئيل احملني معك لعل محمداً صلى الله عليه وآله يدعو الله لي، قال: فحمله فلما دخل جبرئيل على النبي صلى الله عليه وآله وهناه من الله وهناه منه واخبره بحال فطرس فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا جبرئيل ادخله فلما ادخله اخبر فطرس النبي صلى الله عليه وآله بحاله فدعاه النبي صلى الله عليه وآله وقال له: تمسح بهذا المولود وعد الى مكانك، قال: فتمسح فطرس بالحسين عليه السلام وارتفع وقال: يا رسول الله (ص) اما ان امتك ستقتله وله على مكافاة ان لا يزوره زائر الا بلغته عنه،

و لا یسَلِّمُ علیه مسلِّم الاّ بَلَّغته سلامه، و لا یصلّی علیه مصلّ الاّ بَلَّغته
صلوته، قال: ثمّ ارتفع».

﴿ باب بیستم ﴾
﴿ آگاهی فرشتگان از شهادت ﴾
﴿ حضرت حسین بن علی علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزّاز کوفی می گوید:
از دائی ام محمد بن الحسین بن ابی الخطاب گفت:
موسی بن سعدان حنّاط از عبداللّه بن قاسم حضرمی، از ابراهیم بن شعیب
میشمی نقل کرد که گفت:
شنیدم امام صادق علیه السلام فرمودند:
هنگامی که حسین بن علی علیه السلام متولّد شدند حق تعالی به جبرئیل امر فرمود
که در ضمن هزار فرشته دیگر به زمین فرود آید و از طرف خدا و خودش به
رسول خدا صلی الله علیه و آله تهنیت بگوید.
حضرت فرمودند:

محل فرود آمدن جبرئیل جزیره‌ای بود در میان دریائی و در آن جزیره
فرشته‌ای می زیست بنام فطرس که از جمله عرش محسوب می شد و حق تعالی
او را بر انجام کاری مبعوث نمود و چون وی در بجا آوردن آن سستی نمود بالش
شکسته شد و او در آن جزیره افتاد و مدت ششصد سال خداوند را عبادت
می کرد تا حضرت حسین بن علی علیه السلام متولّد شدند به هر صورت فطرس به

جبرئیل عرضه داشت:

اراده کجا داری؟

جبرئیل فرمود: خداوند متعال بر حضرت محمد ﷺ نعمتی عنایت فرموده و من را برای گفتن تهنیت از جانب خودش و خودم به نزد آن جناب فرستاده اکنون محضر مبارک آن حضرت می‌روم.

فطرس عرضه داشت: ای جبرئیل من را با خودت ببر شاید حضرت رسول خدا ﷺ برای من دعاء فرماید.

حضرت فرمودند:

جبرئیل فطرس را با خود برد و هنگامی که به مکان رسول خدا ﷺ رسید فطرس را بیرون گذارد و خودش محضر مبارک آن جناب مشرف گردید و از ناحیه خدا و خود به حضرتش تهنیت گفت و سپس حال فطرس را گزارش داد. حضرت رسول خدا ﷺ فرمودند:

ای جبرئیل او را داخل کن.

جبرئیل او را داخل نمود و وی حال خود را برای آن جناب بازگو نمود.

پیامبر اکرم ﷺ برایش دعاء نموده و فرمودند:

بال شکسته خودت را به این مولود بکش و به جای خودت برگردد.

حضرت فرمودند:

فطرس بال شکسته‌اش را به حضرت امام حسین ﷺ کشید و سالم شد و به هوا پرواز کرد و گفت: ای رسول خدا ﷺ: این حتمی است که امت شما عنقریب این مولود را خواهند کشت و در مقابل حقی که این مولود بر من دارد ملتزم هستم هر زائری که او را زیارت کند، زیارتش را به آن حضرت رسانده و هر سلام کننده‌ای که به حضرتش سلام کند، سلامش را به محضرش ابلاغ نموده و هر کسی که به جنابش تهنیت گوید آن را به حضورش عرضه نمایم این بگفت و به آسمان پرواز کرد.

﴿ الباب الحادی و العشرون ﴾

﴿ لعن الله تبارک و تعالی و لعن الأنبياء قاتل الحسين بن علی ﴾

متن:

۱- حدثنی أبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى ابن عبيد اليقطيني، عن محمد بن سنان، عن أبي سعيد القماط، عن ابن أبي يعفور، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: بينا رسول الله صلى الله عليه وآله في منزل فاطمة عليها السلام والحسين في حجرة اذ بكى و خرّ ساجداً، ثم قال: يا فاطمة يا بنت محمد! انّ العلى الأعلى ترائى لى في بيتك هذا في ساعتى هذه في احسن صورة واهيأ هيئة، و قال لى: يا محمد اتحب الحسين عليه السلام؟ فقلت: نعم؛ قرّة عيني وريحانتي و ثمرة فؤادي؛ و جلدة ما بين عيني، فقال لى: يا محمد - و وضع يده على رأس الحسين عليه السلام - بورك من مولود عليه بركاتي و صلواتي و رحمتي و رضواني؛ و لعنتى و سخطى و عذابى و خزبى و نكالى على من قتله و ناصبه و ناواه و نازعه اما انه سيّد الشهداء من الاولين و الاخرين فى الدنيا و الآخرة - و ذكر الحديث -».

﴿ باب يست و يكم ﴾

﴿ در بيان لعنت نمودن حق تبارک و تعالی و انبياء عظام ﴾

﴿ در حق قاتلین حسین بن علی ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبد الله، از محمد بن عيسى بن عبيد يقطينى

از محمد بن سنان از ابی سعید قماط از ابن ابی یعفور از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در منزل حضرت فاطمه سلام الله علیها تشریف داشته در حالی که حضرت امام حسین علیه السلام در دامن آن جناب بودند، حضرت گریسته و به سجده رفته سپس فرمودند:

ای فاطمه، ای دختر محمد! در این ساعت و در همین مکان خداوند علی علیه السلام (۱) در بهترین صورت و زیباترین شکل خود را به من نشان داد و گفت: ای محمد آیا حسین را دوست داری؟

گفتم: بلی، نور دیده و گل خوشبو و میوه دل و پرده مابین دیده گان من است. در حالی که دست بر سر حسین علیه السلام نهاده بود (۲) به من فرمود:

ای محمد: برکت حاصل می شود از مولودی که بر او برکات و رحمت و رضوان من می باشد و لعنت و غضب و عذاب و ذلت و عقوبت من بر کسی که او را کشته و نصب عداوتش نموده و با او دشمنی کرده و با وی به حرب برخاسته است.

بطور حتم و قطع او سرور شهداء است از اولین و آخرین در دنیا و آخرت....

متن:

۲- و حدّثنی ابوالحسین محمد بن عبدالله بن علی الناقده، قال: حدّثنی ابوهارون العبسی، عن ابی الأشهب جعفر بن حیّان، عن خالد الرّبعی قال: حدّثنی من سمع کعباً «یقول: أوّل من لعن قاتل الحسین بن علی علیه السلام»

۱ - مقصود رسول حق تبارک و تعالی است یعنی جبرئیل علیه السلام.

۲ - مراد از قرار دادن حق تعالی دست بر سر آن حضرت افزایش رحمت می باشد.

ابراهیم خلیل الرحمن، لعنه و أمر ولده بذلك و اخذ عليهم العهد و الميثاق، ثم لعنه موسى بن عمران، و امر امته بذلك، ثم لعنه داود و امر بنی اسرائیل بذلك، ثم لعنه عیسی، و اکثر ان قال: یا بنی اسرائیل العنوا قاتله و ان ادركتم ايامه فلا تجلسوا عنه، فانّ الشهيد معه كالشهيد مع الأنبياء مقبل غير مدبر و كانی انظر الى بقعته، و ما من نبی الا و قد دار كربلاء و وقف عليها و قال انك لبقعة كثيرة الخير، فيك يدفن القمر الأزهر».

« حدیث دوم »

ترجمه:

ابوالحسین محمد بن عبدالله بن علی الناقم می گوید:

ابوهرون عیسی، از ابی الاشهب جعفر بن حیّان از خالد ربیع نقل نمود

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

و گفت:

کسی که از کعب شنیده بود گفت: اولین کسی که قاتل حضرت حسین بن علی (ع) را لعن نمود حضرت ابراهیم خلیل الرحمن بود، آن جناب قاتل حضرت سید الشهداء را لعن نمود و به فرزندانشان نیز امر فرمودند که چنین نمایند و از آنها عهد و پیمان گرفت بر آن و سپس حضرت موسی بن عمران قاتل آن جناب را لعن کرد و امتش را به آن مأمور ساخت پس از ایشان حضرت داود قاتل آن حضرت را لعن کرده و به بنی اسرائیل امر نمود که ایشان نیز لعن کنند و سپس حضرت عیسی به آن مبادرت نمود و بیشترین گفتار آن حضرت این بود که ای بنی اسرائیل قاتل حسین بن علی (ع) را لعنت کنید و اگر زمان آن حضرت را درک نمودید مبادا او را تنها گذارده و در رکابش حاضر نشوید زیرا کسی که با آن جناب شهید شود همچون شهید با انبیاء است، او روی آورنده است نه پشت

کننده، گویا به جایگاه او نظر کرده و آن را می بینم، و نیست پیغمبری مگر آنکه کربلاء را زیارت کرده و بر آن ایستاده و گفته است:
 تو جایگاهی پرخیر بوده، در تو ماه درخشنده و نورافشان دفن می گردد.

متن:

۳- حدیثی الحسین بن علی الزعفرانی بالری، قال: حدَّثنا محمد بن عمر النصیبی، عن هشام بن سعد قال: أخبرني المشيخة «انَّ الملك الَّذي جاء الى رسول الله ﷺ و أخبره بقتل الحسين بن عليّ عليه السلام كان ملك البهار و ذلك انَّ ملكاً من ملائكة الفردوس نزل على البحر فنشر اجنحته عليها، ثمَّ صاح صيحة و قال: يا اهل البهار البسوا اثواب الحزن فانَّ فرخ رسول الله ﷺ مذبوح، ثمَّ حمل من تربته في اجنحته الى السَّموات، فلم يبق ملك فيها الاَّ شَمَّها و صار عنده لها اثر و لعن قتلته و اشياهم و اتباعهم».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

حسین بن علی زعفرانی در ری برایم نقل نمود وی گفت:
 محمد بن عمر نصیبی از هشام بن سعد حکایت کرد و گفت:
 اساتید و شیوخ ما به من خبر دادند فرشته ای که نزد رسول خدا ﷺ آمد و خبر شهادت حضرت حسین بن علی ﷺ را گزارش داد فرشته دریاها بود و شرح آن این است که:

فرشته ای از فرشته های بهشت بر دریا نازل شد و بال هایش را روی سطح آب گسترانید سپس فریادی بلند زد و گفت:

ای اهل دریا لباس‌های حزن و اندوه بپوشید زیرا فرزند رسول خدا ﷺ را سر بریده‌اند سپس از تربت آن حضرت در بال‌هایش نهاد و به آسمان‌ها پرواز کرد و فرشته‌ای نبود در آسمان‌ها مگر آن را بوئید و در وی اثر گذارد و کشته‌گان آن حضرت و تابعین آنها را لعنت نمود.

﴿الباب الثانی و العِشْرُونَ﴾

﴿قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ﴾

﴿إِنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَقْتُلُهُ أُمَّتُهُ مِنْ بَعْدِهِ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ سَعْدِ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى؛ وَ جَعْفَرِ ابْنِ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ، قَالَا: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنُ أَبِي غُنْدَرٍ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ: كَانَ الْحُسَيْنِ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ فِي حَجَرِ النَّبِيِّ ﷺ يَلْعَبُهُ وَ يَضَاحُكُهُ فَقَالَتْ عَائِشَةُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَشَدَّ اعْجَابِكَ بِهَذَا الصَّبِيِّ؟ فَقَالَ لَهَا: وَيْلَكَ! وَ كَيْفَ لَا أَحِبُّهُ وَ لَا أَعْجِبُ بِهِ وَ هُوَ ثَمَرَةُ فَوَادِيٍّ وَ قَرَّةُ عَيْنِي، أَمَا إِنَّ أُمَّتِي سَتَقْتُلُهُ، فَمَنْ زَارَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَجَّةً مِنْ حَجَجِي، قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ حَجَّةً مِنْ حَجَجِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ؛ حَجَّتَيْنِ مِنْ حَجَجِي، قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ حَجَّتَيْنِ مِنْ حَجَجِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ؛ وَ أَرْبَعَةَ، قَالَ: فَلَمْ تَزَلْ تَزَادُهُ وَ يَزِيدُ وَ يَضْعَفُ حَتَّى بَلَغَ تِسْعِينَ حَجَّةً مِنْ حَجَجِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِأَعْمَارِهَا».

﴿ باب بیست و دوم ﴾

﴿ در بیان کلام رسول خدا ﷺ ﴾

﴿ بعد از من اَمّت من حسین ﷺ را می‌کشند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و محمد بن الحسن بن ولید، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی بن عبید، از صفوان بن یحیی و جعفر بن عیسی بن عبیدالله گفتند:

برای ما حدیث گفت ابو عبدالله الحسین بن ابی غنّدر از کسی که برایش از حضرت ابی عبدالله ﷺ نقل نمود وی گفت:

روزی حسین بن علی ﷺ در دامن نبی اکرم ﷺ نشسته بود و با آن حضرت بازی می‌کرد و هر دو می‌خندیدند.

عایشه گفت: یا رسول الله، چه قدر علاقه و محبت شما به این طفل زیاد است؟

حضرت فرمودند: وای بر تو! چه گونه او را دوست نداشته و به او محبت نداشته باشم در حالی که میوه دل من و نور چشمم می‌باشد، این امر قطعی است که عنقریب امت من او را خواهند کشت و کسی که بعد از شهادتش او را زیارت کند خداوند برای او ثواب یک حج از حج‌های من را می‌نویسد.

عایشه عرض کرد: یا رسول الله حجی از حج‌های شما؟

حضرت فرمودند: بلی، دو حج از حج‌های من.

عایشه عرضه داشت: یا رسول الله دو حج از حج‌های شما؟

حضرت فرمودند: بلی، چهار حج از حج‌های من.

راوی می‌گوید: پیوسته حضرت به تعداد حج‌ها اضافه کردند و آن را بالا بردند

تا به نود حج با عمره از حج‌ها و عمره‌های خودشان ﷺ رساندند.

متن:

۲ - حدَّثني مُحَمَّد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصري، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم، عن مسمع بن عبد الملك، عن أبي عبد الله عليه السلام: «قال: كان الحسين عليه السلام مع أمة تحمله، فاخذه رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: لعن الله قاتلك و لعن الله سالبك، و اهلك الله المتوازيين عليك و حكم الله بيني و بين من اعان عليك، فقالت فاطمة: يا ابة اي شيء تقول؟ قال: يا بنتاه ذكرت ما يصيبه بعدى و بعدك من الأذى و الظلم و القدر و البغى و هو يومئذ في عصابة كانتهم نجوم السماء، يتهادون الى القتل، و كاني انظر الى مُعَسِّكِهِم و الى موضع رحالهم و تربتهم، فقالت: يا ابة و اين هذا الموضع الذي تصف؟ قال: موضع يقال له كربلاء و هي ذات كرب و بلاء، علينا و على الأمة، يخرج عليهم شرار امتي، و لو ان احدهم يشفع له من في السموات و الأرضين ما شفَعُوا فيهم و هم المخلدون في النار، قالت: يا ابة فيقتل؟ قال: نعم يا بنتاه ما قتل قبله احد كان تبكيه السموات و الأرضون و الملائكة و الوحش و الحيتان في البحار و الجبال، لو يؤذن لها ما بقى على الأرض متنفّس، و تأتيه قوم من محبينا ليس في الارض اعلم بالله و لا اقوم بحقنا منهم أو ليس على ظهر الأرض احد يلتفت اليه غيرهم، اولئك مصابيح في ظلمات الجور، و هم الشفعا، و هم واردون حوضي غداً، أعرفهم اذ اوردوا على بسياهم، و اهل كل دين يطلبون انفسهم و هم

یطلبوننا و لا یطلبون غیرنا، و هم قوام الأرض بهم ینزل الغیث - و ذکر
الحديث بطوله -».

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از
محمد بن خالد از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم از
مسع بن عبدالملک از ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:
حضرت امام حسین علیه السلام را مادر گرامیشان حمل می کردند، رسول خدا
صلی الله علیه و آله او را گرفته و فرمودند:

خداوند متعال کشتگان تو را لعنت کند، حق تعالی کسانی که جامه از تن تو
بیرون می آورند را لعنت نماید، خدا بکشد آنان را که یکدیگر را بر علیه تو کمک
می کنند، و بین من و آنان حکم بنماید.

حضرت فاطمه سلام الله علیها عرض کردند:

ای پدر چه می فرمائید؟

حضرت فرمودند:

دخترم مصیبت هائی که بعد از من و تو به او می رسد و اذیت ها و ظلم ها
و مکرها و تعدی هائی که متوجهش می گردد را به یاد آوردم، او در آن روز در
میان جمعی مردان که جملگی همچون ستارگان درخشانند بوده و همگی به
طرف مرگ و کشتن حرکت می کنند، گویا اکنون لشکرگاه آنها را دیده و به جایگاه
و محل دفن ایشان می نگرم.

حضرت فاطمه سلام الله علیها عرض کردند:

ای پدر جائی را که توصیف می فرمائید کجا است؟

حضرت فرمودند:

مکانی است که به آن کربلاء می‌گویند و آن زمین برای ما و امت موجب اندوه و بلاء است، بدترین افراد امت من بر ایشان خروج می‌نمایند، اگر تمام اهل آسمان‌ها و زمین شفیع یک نفر از این گروه شرور باشند شفاعتشان پذیرفته نشود و بطور قطع تمام آنها در جهنم جاوید خواهند بود.

حضرت فاطمه سلام الله علیها عرض کردند:

پدر، این طفل کشته خواهد شد؟!؟

حضرت فرمودند:

بله، دخترم، پیش از او کسی این طور کشته نشده که آسمان‌ها و زمین و فرشتگان و حیوانات وحشی و ماهی‌های دریا و کوه‌ها برایش گریه کنند.

اگر این موجودات مأذون بودند پس از شهادت این طفل هیچ نفس کشی روی زمین باقی نمی‌ماند و گروهی از دوستان ما خواهند آمد که در روی زمین کسی از آنها اعلم به خدا نبوده و کوشا تر در اقامه حق ما از آنها نمی‌توان یافت و روی زمین احدی غیر از ایشان نیست که مورد التفات و توجه باشد، ایشان چراغ‌های فروزانی بوده که در ظلمات جور و ستم می‌درخشند ایشان شفعاء دیگران بوده و در فردای قیامت بر حوض من وارد خواهند شد، هنگامی که بر من وارد شوند بوسیله سیما و چهره‌اشان می‌شناسمشان و اهل هر دینی پیشوایان خود را طلب نموده و ایشان ما را طالب بوده و غیر ما را طلب نمی‌کنند، ایشان باعث قوام و استوار بودن زمین می‌باشند، به برکت آنها باران بر زمین می‌بارد.

متن:

۳- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ زَكَرِيَّا الْمُؤَمِّنِ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ؛ وَ زَيْدِ بْنِ الْحُسَيْنِ أَبِي الْحُسَيْنِ؛ وَ عَبَّادٍ جَمِيعاً، عَنْ

سعد الأسکاف «قال: قال ابو جعفر عليه السلام قال رسول الله ﷺ من سرّه ان يحیی محیای و يموت مماتى و يدخل جنّة عدن فيلزم قضيباً غرسه ربّى بيده فليتولّ عليّاً و الأوصياء من بعده و ليسلم لفضلهم، فانهم الهداة المرضيّن، اعطاهم الله فهمى و علمى و هم عترتى من لحمى و دمنى، الى الله اشكو عدوّهم من امتى، المنكرين لفضلهم، القاطعين فيهم صلتى و الله ليقتلنّ ابنى، لا انا لهم الله شفاعتى».

﴿ حدیث سؤم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن الولید، از محمد بن الحسن الصفّار، از محمد بن عیسی بن عبید، از ابی عبد الله زکریّا المؤمن از ایوب بن عبدالرحمن و زید بن الحسن ابی الحسن و عباد جملگی از سعد الأسکاف نقل نموده و گفت:

حضرت ابو جعفر عليه السلام فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که دوست دارد حیاتش حیات من و معاشش معاش من بوده و به بهشت جاودان داخل گردد و ملازم درختی باشد که حق تعالی به دست قدرتش آن را کاشته پس باید علی عليه السلام و جانشینان بعد از او را دوست داشته و فضیلت ایشان را قبول نموده باشد زیرا ایشان راهنمایان پسندیده خدا بوده و جناب اقدس الهی به ایشان فهم و علم من را اعطاء فرموده است و ایشان اهل بیت من بوده که از گوشت و خون من می باشند شکایت دشمنان ایشان از امت من را به خدا خواهم نمود، دشمنانی که منکر فضیلت ایشان بوده و به جای اینکه صله رحم من را نموده آن را قطع کرده اند، به خدا قسم فرزندانم را خواهند کشت، خداوند متعال شفاعت من را هرگز نصیب ایشان نخواهند نمود.

متن:

۴- حدَّثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن أبيه، عن الحسن ابن محبوب، عن علي بن شجرة، عن سلام الجعفي، عن عبد الله بن محمد الصنعاني، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: كان رسول الله ﷺ إذا دخل الحسين عليه السلام جذبته إليه، ثم يقول لأُمير المؤمنين عليه السلام: امسكه، ثم يقع عليه فيقبله و يبكي فيقول: يا ابيه لم تبكي؟ فيقول: يا بني اقبل موضع السيف منك و ابكي، قال: يا ابيه و اقل؟ قال: ائى والله و ابوك و اخوك و انت، قال: يا ابيه فصار عنا شقى؟ قال: نعم يا بني، قال: فمن يزورنا من امّتك؟ قال: لا يزورنى و يزور اباك و اخاك و انت الا الصديقون من امتى».



« حدیث چهارم »

ترجمه:

حسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى از پدرش، از حسن بن محبوب، از علی بن شجرة، از سلام جعفی، از عبد الله بن محمد صنعانی، از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

هرگاه حضرت حسین بن علی عليه السلام بر پیامبر اکرم ﷺ داخل می شدند حضرت او را به خود می چسبانند و سپس به امیرالمؤمنین عليه السلام می فرمودند: او را نگاه دار و پس از آن او را بوسیده و می گریستند.

حسین عليه السلام عرض می کرد: ای پدر چرا گریه می کنی؟

رسول خدا ﷺ می فرمود: فرزندانم جاهای شمشیر را بوسیده و می گیرم.

حسین عليه السلام عرضه می داشت: ای پدر من کشته خواهم شد؟

رسول خدا ﷺ می فرمود: بلی به خدا قسم تو و پدرت و برادرت جملگی

کشته خواهید شد.

عرض می نمود: پدر، قبور ما از هم متفرق و پراکنده می باشد؟
 رسول خدا ﷺ می فرمود: بلی پسر.
 عرض می کرد: از امت شما چه کسانی به زیارت ما می آیند؟
 رسول خدا ﷺ می فرمود: من و پدرت و برادرت و تو را زیارت نخواهد نمود مگر راست گویان از امت من.

متن:

۵ - حدّثنی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن أبی سعید الحسن ابن علی بن زکریّا العدوی البصری، قال: حدّثنا عمرو [ابن المختار، قال: حدّثنا اسحاق بن بشر، عن القوّام مولى قریش] «قال: سمعت مولای عمر بن هبیره، قال: رأیت رسول الله ﷺ - والحسن و الحسین فی حجره - یقتل هذا مرّة و هذا مرّة، و یقول للحسین: انّ الویل لمن یقتلک».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از ابی سعید حسن بن علی بن زکریّا عدوی بصری نقل نموده که وی گفت:
 عمرو بن مختار گفت: اسحاق بن بشر از قوّام که مولای قریش بود نقل کرد که وی گفت:
 از آقای خود عمر بن هبیره شنیدم که گفت: رسول خدا ﷺ را دیدم که حسن و حسین ﷺ در دامن آن حضرت بوده و آن جناب گاهی او و زمانی این را می بوسیده و به حسین ﷺ می فرمودند:
 وای بر کسی که تو را می کشد.

متن:

۶- حدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى، عن محمد بن سنان، عن أبي سعيد القمَّاط، عن ابن أبي يعفور، عن أبي عبد الله عليه السلام: «قال: بينما رسول الله ﷺ في منزل فاطمة، والحسين في حجره اذ بكى وخرَّ ساجداً، ثم قال: يا فاطمة يا بنت محمد انَّ العليَّ الأعلى تراني لي في بيتك هذا في ساعتی هذه في احسن صورة واهيأ هیئة فقال لي: يا محمد اتحبَّ الحسين؟ قلت: يا ربِّ قرَّة عيني وريحانتي، وثمرة فؤادي، وجلدة ما بين عيني، فقال لي: يا محمد - و وضع يده على رأس الحسين عليه السلام - بورك من مولود عليه بركاتي و صلواتي و رحمتي و رضواني؛ [و نقمتي] و لعنتي و سخطي و عذابي و خزيي و نکالی علی من قتله و ناصبه و ناواه و نازعه اما انه سيّد الشهداء من الأوّلين و الآخرين في الدّنيا و الآخرة و سيّد شباب اهل الجنّة من الخلق اجمعين، و ابوه افضل منه و خير فاقراه السّلام و بشره بانّه رأية الهدى، و منار اوليائي، و حفيظي و شهيدى على خلقى، و خازن علمى و حجتي على اهل السّموات و اهل الارضين و الثقلين الجن و الانس».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

ترجمه: پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی، از محمد بن سنان، از ابی سعید قمّاط، از ابن ابی یعفور، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

روزی رسول خدا ﷺ در منزل حضرت فاطمه سلام الله علیها تشریف داشته در حالی که حضرت امام حسین عليه السلام در دامن آن جناب بودند، حضرت

گریسته و به سجده رفته، سپس فرمودند:

ای فاطمه، ای دختر محمد! در این ساعت و در همین مکان خداوند علی
اعلی در بهترین صورت و زیباترین شکل خود را به من نشان داد و گفت:
ای محمد آیا حسین را دوست داری؟

گفتم: بلی، نور دیده و گل خوشبو و میوه دل و پرده مابین دیده گان من است.
در حالی که دست بر سر حسین علیه السلام نهاده بود به من فرمود:
ای محمد: برکت حاصل می شود از مولودی که بر او برکات و رحمت و
رضوان من می باشد و لعنت و غضب و عذاب و ذلت و عقوبت من بر کسی که او
را کشته و نصب عداوتش نموده و با او دشمنی کرده و با وی به حرب برخاسته
است.

به طور حتم و قطع او سرور شهداء است از اولین و آخرین در دنیا و آخرت
و آقای جوانان اهل بهشت است از جملگی خلائق و پدرش از او برتر و بهتر
است پس سلام من را به او برسان و بشارتش بده که او علامت هدایت و نشانه
است برای دوستان من و نگهبان و شاهد من بر خلق و خزانه دار علم من و حجت
بر اهل آسمان ها و زمین و جن و انس می باشد.

متن:

۷- حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن ابیه، عن محمد
ابن الحسین بن ابی الخطاب، عن محمد بن حماد الکوفی، عن ابراهیم بن
موسی الأنصاری قال: حدیثی مصعب، عن جابر، عن محمد بن علی علیه السلام
«قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من سرّه ان یحیی حیوتی و یموت مماتی
و یدخل جنّتی - جنّة عدن غرسها ربّی بیده - فلیتولّ علیّاً و یعرف فضله
والأوصیاء من بعده، و یتبرّء من عدوی. اعطاهم الله فهمی و علمی، و هم

عترتی من لحمی و دمی، اشکوا الی ربی عدوهم من امتی، المنکرین لفضلهم، القاطعین فیهم صلتی و الله لیقتلن ابنی، ثم لا تنالهم شفاعتی».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از محمد بن حماد کوفی، از ابراهیم بن موسی انصاری نقل کرده که وی گفت مصعب از جابر و او از حضرت محمد بن علی علیه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که دوست دارد حیاتش حیات من و مماتش ممات من بوده و به بهشت جاودانی که حق تعالی درختانش را به دست قدرتش کاشته داخل گردد باید علی علیه السلام را دوست داشته و به فضل آن حضرت و جانشینانش آگاه بوده و از دشمن من تبری و دوری بجوید، خداوند متعال فهم و دانش من را به ایشان (حضرت علی و اوصیایش علیهم السلام) اعطاء فرموده، ایشان اهل بیت من بوده که از گوشت و خون من می‌باشند شکایت دشمنان ایشان از امت من را به خدا خواهم نمود، دشمنانی که منکر فضیلت ایشان بوده و به جای اینکه صله رحم من را نموده آن را قطع کرده‌اند به خدا قسم فرزندانم را خواهند کشت و بدنبالش شفاعت من به ایشان نخواهد رسید.

﴿ الباب الثالث والعشرون ﴾

﴿ قول امیرالمؤمنین علیه السلام فی قتل الحُسن علیه السلام ﴾

﴿ و قول الحسین له فی ذلك ﴾

متن:

۱ - حدّثنی محمد بن جعفر الرزّاز القرشی قال: حدّثنی خالی محمد بن الحسین بن أبی الخطاب، عن علی بن النّعمان، عن عبد الرّحمان بن سیابة، عن أبی داود السّبیعی، عن أبی عبد الله الجّدلی، «قال: دخلت علی امیرالمؤمنین و الحسین علیهما السلام الی جنبه، فضرب بیده علی کتف الحسین علیه السلام، ثمّ قال: انّ هذا یقتل و لا ینصره احدٌ، قال: قلت: یا امیرالمؤمنین و الله انّ تلك لحیاة سوء! قال: انّ ذلك لکائن».

﴿ باب بیست و سوم ﴾

﴿ گفتار امیرالمؤمنین علیه السلام راجع به شهادت امام حسین علیه السلام ﴾﴿ و مقاله امام حسین علیه السلام و جواب آن حضرت ﴾

ترجمه:

﴿ حدیث اوّل ﴾

محمد بن جعفر رزّاز قرشی می گوید:

دائی من محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از علی بن نعمان و او از عبد الرحمن بن سیابه و او از ابی داود سبعی و او از ابی عبد الله جدلی نقل کرده که وی گفت:

بر امیرالمؤمنین علیه السلام داخل شدم در حالی که حضرت حسین علیه السلام در کنار آن حضرت نشسته بودند امیرالمؤمنین علیه السلام دست بر شانه حسین علیه السلام زد و سپس

فرمود:

این کشته خواهد شد و احدی یاری او را نخواهد نمود.

راوی می گوید:

عرضه داشتم یا امیرالمؤمنین به خدا قسم این زندگی بدی است.

حضرت فرمودند:

این حادثه حتماً به وقوع می پیوندد.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ؛ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.



مرکز تحقیقات تاریخ و فرهنگ اسلامی

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری و محمد بن یحیی عطّار، از محمد بن حسین باسنادش مثل حدیث مذکور نقل کرده اند.

متن:

۲- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ نَصْرِ بْنِ مَزَاحِمٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعْدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عليه السلام لِلْحُسَيْنِ عليه السلام: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ اسْوِةَ أَنْتَ قَدْماً، فَقَالَ: جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا حَالِي؟ قَالَ: عَلِمْتُ مَا جَهِلُوا، وَ سَيَتَفَعَّعُ عَالَمٌ بِمَا عَلِمَ، يَا بَنِيَّ اسْمَعْ وَ ابْصُرْ مِنْ

قبل ان یأتیک، فوالذی نفسی بیده لیسفکن بنوامیة دمک ثم لا یزیلونک عن دینک، و لا ینسونک ذکر ربک، فقال الحسین علیه السلام: والذی نفسی بیده حسبی اقررت بما انزل الله، و اصدق [قول] نبی الله، و لا اکذب قول أبی.

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن جعفر رزاز از دانی خود محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد از علی بن حماد، از عمرو بن شمر، از جابر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: حضرت علی علیه السلام به حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: ای ابا عبدالله از قدیم ثابت و مسلم شده که تو اسوه و مقتدای خلق می باشی. حسین علیه السلام عرضه داشت: فدایت شوم حالم چیست؟ حضرت علی علیه السلام فرمودند: می دانی آنچه را که خلق نمی دانند و عنقریب عالم به آنچه می داند منتفع خواهد شد، فرزندم بشنو و ببین پیش از آنکه مبتلا گردی، قسم به کسی که جانم در دست او است بنوامیه خون تو را خواهند ریخت ولی نمی توانند تو را از دینت جدا کرده و قادر نیستند یاد پروردگارت را از خاطرت ببرند.

حسین علیه السلام عرض کرد: قسم به کسی که جانم در دست او است همین قدر مرا کافی است به آنچه خدا نازل فرموده اقرار داشته و گفتار پیامبر خدا را تصدیق داشته و کلام پدرم را تکذیب نمی کنم.

متن:

حدَّثنی أبی - رحمه الله -؛ و جماعة، عن سعد بن عبدالله؛ و محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین باسناده مثله.

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی، از سعد بن عبدالله و محمد بن یحیی، از محمد بن حسین به اسنادش مثل روایت مذکور را نقل نموده است.

متن:

۳ - حدَّثني محمد بن جعفر الرزّاز، عن خاله محمد بن الحسين، عن نصر بن مزاحم، عن عمر بن سعد، عن يزيد بن اسحاق، عن هاني بن هاني، عن علي عليه السلام «قال: ليقتل الحسين قتلاً، و اني لأعرف تربة الأرض التي يقتل عليها قريباً من النهرين».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز از دائی خود محمد بن الحسین، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد، از یزید بن اسحاق، از هانی بن هانی، از حضرت علی عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حسین عليه السلام کشته خواهد شد کشته شدنی و من به زمینی که او روی آن کشته خواهد شد آگاه بوده و می دانم که آن زمین بین دو نهر آب قرار گرفته است.

متن:

حدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسين باسناده مثله.

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین باسنادش حدیثی مثل حدیث سابق را نقل نموده است.

متن:

۴ - حدّثنی اَبی - رحمه الله - و علی بن الحسین جمیعاً، عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن اَبی الصَّهْبَان، عن عبد الرحمن بن اَبی نجران، عن عاصم بن حمید، عن فضیل الرِّسَّان، عن اَبی سعید عقیصا «قال: سمعت الحُسَین بن علی علیه السلام و خلا به عبد الله بن الزبیر و ناجاه طویلاً، قال: ثمّ اقبل الحسین علیه السلام بوجهه الیهم و قال: انّ هذا یقول لی: کن حماماً من حمام الحرم و لأن اقتل و بینی و بین الحرم باع احبّ الیّ من ان اقتل و بینی و بینہ شبراً، و لأن اقتل بالطف احبّ الیّ من ان اقتل بالحرم».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و علی بن الحسین جملگی از سعد بن عبد الله، از محمد بن ابی الصَّهْبَان، از عبد الرحمن بن ابی نجران، از عاصم بن حمید، از فضیل رِسان، از ابوسعید عقیصا نقل کرده که گفت:

از حضرت حسین بن علی علیه السلام در حالی که در خلوت عبد الله بن زبیر با آن جناب بود مناجات طولانی با خداوند را شنیدم سپس حضرتش روی مبارک به مردم نموده و فرمودند:

این شخص (یعنی عبد الله بن زبیر) به من می گوید: کبوتری از کبوتران حرم باش، ولی بدانید اگر من کشته شوم در حالی که فاصله من و حرم به مقدار باع (فاصله بین سر دو انگشت و مسطی از دست چپ و راست هنگامی که دست ها را کاملاً باز نمایند) بوده بهتر است از اینکه فاصله به مقدار یک وجب باشد و نیز اگر در سرزمین طف خونم ریخته شود بهتر است از اینکه در حرم کشته شوم.

متن:

۵ - و عنهما، عن سعد، عن محمد بن الحسين، عن صفوان بن يحيى، عن داود بن فرقد، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: قال عبد الله بن الزبير للحسين عليه السلام: [و] لو جئت الى مكة فكنت بالحرم، فقال الحسين [بن علي] عليه السلام: لا نستحلها ولا تستحل بنا، و لأن أقتل على تل أعفر أحب الى من أن أقتل بها».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین (رحمة الله عليهما)، از سعد، از محمد بن الحسین، از صفوان بن یحیی، از داود بن فرقد از حضرت ابی عبد الله عليه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

عبدالله بن زبیر به حضرت حسین بن علی عليه السلام عرض کرد:
کاش به مکه آمده و در حرم بمانید.

حضرت فرمودند:

نه ما آمدن در حرم را روا داشته و نه شما آنجا را برای ما روا دارید و محققاً این طور است که اگر بر تپه ریگ سرخ و روی آن کشته شوم نزد من بهتر است تا در حرم کشته شوم.

متن:

۶ - حدثني أبي - رحمه الله - و محمد بن الحسن، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن ابيه، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: ان الحسين عليه السلام خرج من مكة قبل

التروية بيوم فشيّعه عبدالله بن الزبير فقال: يا ابا عبدالله لقد حضر الحجّ و تدعه و تاتي العراق؟ فقال: يا بن الزبير لأن ادفن بشاطئ الفرات احبّ الىّ من ان ادفن بفناء الكعبة».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن الحسن، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از علی بن حکم، از پدرش، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام یک روز قبل از ترویّه از مکه خارج شدند و عبدالله بن زبیر آن جناب را تشییع کرده و به حضرتش عرض نمود:
یا ابا عبدالله وقت انجام اعمال حجّ رسیده شما مکه را ترک کرده و به عراق تشریف می‌برید؟
حضرت فرمودند:

ای ابن زبیر: اگر در کنار فرات دفن شوم بهتر است تا در اطراف مکه مدفون گردم.

متن:

۷- حدّثنی أبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن علی بن اسماعیل بن عیسی، عن صفوان بن یحیی، عن الحسین بن أبی العلاء، عن أبی عبدالله علیه السلام «انّ الحسین بن علی علیه السلام قال لأصحابه - يوم اصابوا - اشهد انه قد اذن فی قتلکم فاتّقوا الله واصبروا».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از صفوان بن یحیی از حسین بن ابی العلاء از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی سلام الله علیهما روزی که خود و یارانشان به مصیبت گرفتار شدند به ایشان فرمودند:

شهادت می‌دهم که از جانب پروردگار اذن داده شد که جانتان را قربان کنید پس تقوا اختیار کرده و صبر نمائید.

متن:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ مِثْلَهُ.

مرکز تحقیقات علمی و فرهنگی

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی از دانی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و او از علی بن نعمان و او از حسین بن ابی العلاء مثل حدیث سابق را نقل کرده است.

متن:

۸- وَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ، عَنْ الْحَلْبِيِّ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ الْحُسَيْنَ عليه السلام صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الْغَدَاةَ، ثُمَّ التَفَتَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذِنَ فِي قَتْلِكُمْ، فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علی بن رثاب، از حلبی نقل نموده که گفت: شنیدم حضرت ابوعبدالله علیه السلام می فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام در صبح عاشوراء با یارانشان نماز خوانده سپس به ایشان توجه نموده و فرمودند:

خداوند متعال اذن داد که شما جانتان را قربان کنید پس بر شما باد که صبر نمائید.

متن:

۹- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ صفوان بن يحيى، عن يعقوب بن شعيب، عن حسين بن أبي العلاء «قال: قال: والذي رفع إليه العرش لقد حدثني أبوك بأصحاب الحسين لا ينقصون رجلاً ولا يزيدون رجلاً تعتدي بهم هذه الأمة كما اعتدت بنو إسرائيل يوم السبت و قتل يوم السبت يوم عاشوراء».

ترجمه:

﴿ حدیث نهم ﴾

حسن از پدرش، از محمد بن عیسی، از صفوان بن یحیی، از یعقوب بن شعیب، از حسین بن ابی العلاء نقل نموده که وی گفت: قسم به کسی که عرش را پیاداشته قدرت راجع به یاران امام حسین علیه السلام برایم نقل نمود که ایشان عددشان ثابت بود نه یکی کم و نه یکی زیاد، این امت به ایشان ستم و تعدی نمودند همان طوری که بنی اسرائیل روز شنبه ستم کردند و شهادت آن حضرت روز شنبه دهم محرم الحرام واقع شد.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
ابْنِ عِيْسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ
عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ
الْحُسَيْنَ عليه السلام صَلَّى بِأَصْحَابِهِ يَوْمَ أَصِيبُوا، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَذِنَ فِي
قَتْلِكَ، يَا قَوْمَ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْبِرُوا».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و مشایخم از احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن
سعید، از نصر بن سوید، از یحیی بن عمران حلبی، از حسین بن ابی العلاء، از
حضرت ابی عبد الله عليه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:
حضرت حسین بن علی عليه السلام در آن روزی که با اصحاب و یارانشان به بلاء
و مصیبت گرفتار شدند پس از آنکه با ایشان نماز خواندند فرمودند:
شهادت می دهم که خداوند متعال به شما اذن داد جانتانرا نثارش کنید، ای
گروه از خداوند بترسید و تقوی اختیار کرده و صبر و شکیبائی داشته باشید.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاقِدُ، قَالَ: حَدَّثَنِي
عَبْدُ الرَّحْمَنِ الْأَسْلَمِيُّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ،
«قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا ذَرٍّ وَهُوَ يَوْمُئِذٍ قَدْ أَخْرَجَهُ عَثْمَانُ إِلَى الرَّبِذَةِ، فَقُلِلَ لَهُ
النَّاسُ: يَا أَبَا ذَرٍّ ابْشِرْ، فَهَذَا قَلِيلٌ فِي اللَّهِ تَعَالَى، فَقَالَ مَا يَسِرُّ هَذَا وَلَكِنْ
كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا قَتَلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام قَتْلًا، أَوْ قَالَ ذَبَحَ ذَبْحًا - ؟! وَاللَّهِ

لا يكون في الإسلام بعد قتل الحسين اعظم قتلاً منه، وإن الله سيسل سيفه على هذه الأمة، لا يغمده ابداً، ويبعث ناقماً من ذريته فينتقم من الناس، وأنكم لو تعلمون ما يدخل على أهل البحار و سكان الجبال في الغياض والأنعام وأهل السماء من قتله لبكيتم والله حتى تزهق أنفسكم، وما من سماء يمر به روح الحسين ﷺ إلا فزع له سبعون ألف ملك يقومون قياماً ترعد مفاصلهم إلى يوم القيامة، وما من سحابة تمر وترعد و تبرق إلا لعنت قاتله، وما من يوم إلا و تعرض روحه على رسول الله ﷺ فيلتقيان».

حدیث یازدهم

ترجمه:

ابوالحسین محمد بن عبد الله بن علی ناقد می گوید:
عبد الرحمن اسلمی از عبد الله بن الحسین، از عروة بن زبیر برایم نقل نمود
که وی گفت:
در روزی که عثمان ابذر را به ریذه تبعید کرد از وی در پاسخ مردم که به او
گفتند:

بشارت باد تو را، این مصیبت در راه خدا اندک است.
شنیدم که فرمود: این بلا سهل و آسان است ولی در چه حالی هستید هنگامی
که حسین بن علی ﷺ شهید شود شهید شدنی.
یا فرمود:

چه حالی دارید وقتی حسین بن علی ﷺ ذبح شود ذبح شدنی.
به خدا قسم در اسلام بعد از قتل حسین بن علی ﷺ قتلی بزرگتر از آن واقع
نخواهد شد و خداوند عنقریب شمشیر انتقامش را بر این امت از نیام بیرون
خواهد آورد و هرگز در غلاف نخواهد برد و از ذریه آن حضرت خون خواهی را

برانگیزد که از مردم انتقام خون آن جناب را بگیرد و شما اگر بدانید که از ناحیه قتل آن حضرت چه بر اهل دریا و ساکنین کوهها در جنگلها و تپهها خواهد آمد بخدا قسم آن قدر گریه می کنید تا از بین بروید و آسمانی نیست که روح سید الشهداء به آن عبور کند مگر آنکه هفتاد هزار ملک به فزع در می آیند، این ملائک و فرشتگان می ایستند به طوری که مفاصل آنها تا روز قیامت بانک و فریاد می کنند و هیچ ابری نیست که حرکت کرده و بغرد و برق زند مگر آنکه کشنده آن حضرت را لعنت می کند و هیچ روزی نیست مگر آنکه روح مطهر آن حضرت را بر رسول خدا ﷺ عرضه داشته پس آن دو باهم ملاقات می کنند.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نُجْرَانَ، عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ عَبْدِ السَّامِيِّ^(۱) يَرْفَعُهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام - «قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَخْطُبُ النَّاسَ وَهُوَ يَقُولُ: سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي؛ فَوَاللَّهِ مَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ مَضَى وَلَا شَيْءٍ يَكُونُ إِلَّا نَبَأْتُكُمْ بِهِ، قَالَ: فَقَامَ إِلَيْهِ سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَاصٍ وَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَخْبِرْنِي كَمْ فِي رَأْسِي وَلِحْيَتِي مِنْ شَعْرَةٍ، فَقَالَ لَهُ: وَاللَّهِ لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ مَسْئَلَةٍ حَدَّثَنِي خَلِيلِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنَّكَ سَأَلْتَنِي عَنْهَا وَمَا فِي رَأْسِكَ وَلِحْيَتِكَ مِنْ شَعْرَةٍ إِلَّا وَفِي أَصْلِهَا شَيْطَانٌ جَالِسٌ وَأَنَّ فِي بَيْتِكَ لِسُخْلًا يَقْتُلُ الْحُسَيْنَ ابْنَ وَاعْمَرِ يَوْمَئِذٍ يَدْرَجُ بَيْنَ يَدَيَّ ابْنِهِ».

ترجمه:

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبد الله، از محمد بن عبد الجبار، از عبد الرحمن بن ابی نجران، از جعفر بن محمد بن حکیم، از عبد السمین بطور مرفوعه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده وی می گوید:

جناب امیر المؤمنین علیه السلام برای مردم خطبه خوانده و سپس فرمودند:

پیش از آنکه من را از دست دهید از من سؤال کنید، به خدا قسم از چیزی که گذشته و چیزی که خواهد آمد سؤال نمی کنید مگر آنکه جوابتان را خواهم داد. راوی می گوید:

سعد بن ابی وقاص ایستاد و عرض کرد: یا امیر المؤمنین به من خبرده چند تار مو در سر و محاسن من می باشد؟ حضرت فرمودند:

به خدا قسم از مسئله ای سؤال کردی که دوست من رسول خدا صلی الله علیه و آله قبلاً به من فرموده بود که تو عنقریب از آن سؤال می کنی، در سر و محاسن تو هیچ تار موئی نیست مگر آن که در بیخ آن شیطانی نشسته و نیز در خانه تو بزغاله ای است که حسین فرزندم را می کشد.

راوی می گوید:

در آن روز عمر (یعنی عمر بن سعد) مقابل پدرش راه می رفت.

متن:

۱۳ - و حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن محمد بن یحیی الخثعمی، عن طلحة بن زید، عن ابی عبد الله (ع)، عن ابیه، عن جدّه، عن الحسین بن علی علیه السلام «قال: قال: والذی نفس حسین بیده لأیهنی بنی امیة ملکهم حتی یقتلونی و هم قاتلی

فلو قد قتلونی لم یصلوا جمیعاً ابداً و لم یأخذوا عطاءً فی سبیل اللّٰه جمیعاً ابداً، انّ اوّل قتیل هذه الامة انا و اهل بیتی و الذی نفس حسین بیده لاتقوم الساعة و علی الارض هاشمی یطرف».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن یحیی خثعمی، از طلحة بن زید، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده و آن جناب از پدر بزرگوارشان و آن حضرت از جدّ آن جناب و آن حضرت از حسین بن علی علیه السلام نقل نمودند:

حضرت فرمودند:

قسم به کسی که جان حسین در دست او است سلطنت بنی امیه به پایان نمی رسد تا من را بکشند و ایشان بکشند من هستم، پس از گر من را بکشند هر گز موفق نخواهند شد نمازشان را با امام عادل جماعه خوانده و نه اخذ کنند عطاء و مالی را که در راه خدا می دهند (نظیر زکات)، من و اهل بیت من و اولین کشته این امت هستیم و قسم به کسی که جان حسین در دست او است قیامت بپا نخواهد شد در حالی که یک هاشمی در روی زمین چشم برهم می زند.

متن:

حدّثنی أبی - رحمه الله - عن سعد، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن یحیی الخزاز، عن طلحة، عن جعفر علیه السلام مثله.

ترجمه:

۱- پدرم علیه الرحمه از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن یحیی خزاز از طلحه، از امام جعفر صادق علیه السلام مثل حدیث مذکور را نقل کرده است.

متن:

۱۴ - حدثني جماعة مشايخي منهم علي بن الحسين؛ و محمد بن الحسن، عن سعد، عن احمد بن محمد؛ و محمد بن الحسين؛ و ابراهيم ابن هاشم جميعاً، عن الحسن بن علي بن فضال، عن أبي جميلة المفضل ابن صالح، عن شهاب بن عبد ربّه، عن أبي عبد الله عليه السلام «انه قال: لما صعد الحسين بن علي عليه السلام عقبة البطن قال لأصحابه: ما أراي الا مقتولاً، قالوا: وما ذاك يا ابا عبد الله؟ قال: رؤيا رأيته في المنام، قالوا: وما هي؟ قال: رأيت كلاباً تنهشني؛ اشدّها على كلب ابقع».

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و اساتیدم که از جمله آنها علی بن حسین و محمد بن حسن باشند از سعد و او از احمد بن محمد و محمد بن حسین و ابراهیم بن هاشم نقل کرده و همگی ایشان از حسن بن علی بن فضال و او از ابی جمیل مفضل بن صالح و او از شهاب بن عبد ربّه و او از مولانا ابی عبد الله عليه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

هنگامی که حسین بن علی عليه السلام بالای عقبة بطن رفتند به اصحاب و یاران شان فرمودند:

نمی بینم خودم را مگر کشته شده.

اصحاب عرضه داشتند:

یا ابا عبد الله این چه سخنی است که می فرمائید؟

حضرت فرمودند:

خوابی است که دیده ام.

عرض کردند: شرح آن چیست؟

فرمودند:

سگ هانی را دیدم که من را نیش می زند و مودی ترین ایشان نسبت به من سگی پیس بود.

متن:

۱۵- و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى؛ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدِ الزِّيَّاتِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكِيرٍ، عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: كَتَبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ مِنْ مَكَّةَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِلَى مُحَمَّدِ ابْنِ عَلِيٍّ وَ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ؛ أَمَّا بَعْدُ فَأَنْ لِحَقِّ بِي اسْتَشْهَدُ، وَ مِنْ لَمْ يَلْحَقْ بِي لَمْ يَدْرِكِ الْفَتْحُ؛ وَ السَّلَامُ.»

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از علی بن اسماعیل بن عیسی و محمد بن حسین بن ابی الخطاب از محمد بن عمرو بن سعید زیات از عبدالله بن بکیر، از زراره از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

حضرت حسین بن علی سلام الله علیهما نامه ای از مکه به محمد بن علی عليه السلام به این شرح مرقوم فرمودند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از طرف حسین بن علی عليه السلام به محمد بن علی عليه السلام (یعنی محمد بن حنفیه)

و بنی هاشمی که او را قبول داشته و با وی می باشند:

اما بعد: هر کس با من همراه شود شهید خواهد شد و آنانکه همراهی نکرده و با من نباشند فتح و گشایش به خود نخواهند دید و السلام.

متن:

۱۶ - قال محمد بن عمرو: حدثني كرام عبدالكريم بن عمرو، عن
ميسر بن عبدالعزيز، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: كتب الحسين بن علي عليه السلام الى
محمد بن علي عليه السلام من كربلاء، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ من الحسين بن
علي عليه السلام الى محمد بن علي و من قبله من بنی هاشم، اما بعد، فكان الدنيا
لم تكن، و كان الآخرة لم تزل، والسلام».



ترجمه: ﴿حدیث شانزدهم﴾

محمد بن عمرو می گوید:

گرام عبدالکرم بن عمرو از میسر بن عبدالعزیز از حضرت ابی جعفر برایم
نقل نمود که آن حضرت فرمودند: حضرت حسین بن علی عليه السلام از کربلاء برای
محمد بن علی عليه السلام نوشتند:

بسم الله الرحمن الرحيم

از حسین بن علی به محمد بن علی و بنی هاشمی که او را پذیرفته اند:
اما بعد:

گویا دنیا نبوده و پیوسته آخرت بوده است. و السلام.

﴿ الباب الرابع والعشرون ﴾

﴿ ما استدلل به علی قتل الحسین بن علی ؑ فی البلاد ﴾

متن:

۱- حدَّثنی اَبی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد - عن رجل - عن يحيى ابن بشير «قال: سمعت ابا بصير يقول: قال ابو عبد الله ؑ: بعث هشام ابن عبد الملك الى ابي فاشخصه الى الشام، فلما دخل عليه قال له: يا ابا جعفر اشخصناك لنسئلك عن مسألة لم يصلح ان يسئلك عنها غيري، ولا اعلم في الأرض خلقاً ينبغي ان يعرف او عرف هذه المسئلة ان كان الاً واحداً، فقال ابي: ليسئلكني امير المؤمنين عما أحب، فان علمتُ اجبتُ ذلك وان لم اعلم قلت: لا ادري؛ وكان الصدوق اولي بي، فقال هشام: اخبرني عن الليلة التي قتل فيها علي بن ابي طالب ؑ بما استدلل به الغائب عن المصر الذي قتل فيه علي قتله وما العلامة فيه للناس فان علمت ذلك واجبت فاخبرني هل كان تلك العلامة لغير علي ؑ في قتله، فقال له ابي: يا امير المؤمنين انه لما كان تلك الليلة التي قتل فيها امير المؤمنين ؑ لم يرفع عن وجه الأرض حجر الاً وجد تحته دم عبيط حتى طلع الفجر، وكذلك كانت الليلة التي قتل فيها هارون اخو موسى ؑ، وكذلك كانت الليلة التي قتل فيها يوشع بن نون، وكذلك كانت الليلة التي رفع فيها عيسى ابن مريم الى السماء، وكذلك كانت الليلة التي قتل فيها شمعون بن حمون الصفا، وكذلك كانت الليلة التي قتل فيها علي بن ابي طالب ؑ،

و كذلك كانت الليلة التي قتل فيها الحسين بن علي عليه السلام .

قال: فتربّد وجه هشام حتى انتقع لونه وهمّ أن يبطش بابي، فقال له أبي: يا امير المؤمنين الواجب على العباد الطاعة لأمامهم و الصدق له بالنصيحة؛ و أنّ الذي دعاني الى ان اجيب امير المؤمنين فيما سألني عنه معرفتي اياه بما يجب له عليّ من الطاعة؛ فليحسن امير المؤمنين عليّ الظنّ، فقال له هشام: انصرف الى اهلك اذا شئت، قال: فخرج فقال له هشام عند خروجه: اعطني عهد الله و ميثاقه ان لا توقع هذا الحديث الى احد حتى اموت، فاعطاه أبي من ذلك ما ارضاه - و ذكر الحديث بطوله - .»



﴿ باب بیست و چهارم ﴾

﴿ نشانه ها و علامت هائی که در بلاد وجود داشته و به آنها بر شهادت ﴾
﴿ حسین بن علی عليه السلام استدلال شده ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و گروهی از اساتیدم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی از حسین بن سعید از شخصی از یحیی بن بشیر نقل کرده که وی گفت: از ابوبصیر شنیدم که می گفت: حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند: هشام بن عبدالملک پی پدرم فرستاد و ایشان را به شام دعوت نمود، هنگامی که پدرم بر وی داخل شد او محضر پدرم عرضه داشت: ای ابو جعفر من شما را به اینجا دعوت کرده و آوردم تا مسئله ای را از شما بپرسم چه آنکه صلاح نیست

دیگری آن را از شما جویا شود و اساساً روی زمین کسی را سراغ ندارم که شایسته دانستن این مسئله بوده یا کاملاً از آن اطلاع داشته باشد و تنها شخصی که از آن آگاه است یک نفر بوده و آن شما می‌باشید.

پدرم فرمودند:

آنچه را امیرالمؤمنین می‌خواهد سؤال کند اگر بدانم جواب داده و اگر ندانم می‌گویم نمی‌دانم و راست گفتن سزاوارتر است به من.

هشام عرض کرد: خبر دهید به من از شبی که در آن علی بن ابی طالب علیه السلام کشته شدند و بفرمائید غائبی که در آن شهر نبوده و هنگام شهادت آن حضرت حضور نداشته به چه دلیلی بر قتل آن جناب استدلال کند و اصلاً برای مردم چه علامتی دال بر شهادت آن حضرت وجود داشته اگر از آن آگاه هستید و جواب می‌دهید در ضمن به من خبر دهید آیا آن علامت برای شهادت و قتل غیر علی بن ابی طالب علیه السلام نیز بوده یا نه؟

مرکز تحقیقاتی و فرهنگی مسجد اعظم

پدرم به او فرمود:

ای امیرالمؤمنین در آن شبی که امیرمؤمنان علیه السلام کشته شد هر سنگی را که از زمین بلند می‌کردند زیر آن خون تازه بود چنانچه در شبی که هارون برادر موسی علیه السلام کشته شد و شبی که در آن یوشع بن نون مقتول واقع شد و شبی که در آن حضرت عیسی بن مریم به آسمان رفت و شبی که در آن شمعون بن حمون صفا به قتل رسید چنین بود و همچنین شبی که در آن حسین بن علی علیه السلام شهید گردید زیر هر سنگی که برداشته می‌شد خون تازه دیده می‌شد.

امام صادق علیه السلام سپس فرمودند:

رنگ صورت هشام از غضب تغییر کرد و حمله کرد به پدرم که ایشان را بگیرد.

پدرم به وی فرمود:

ای امیرالمؤمنین بر بندگان لازم است از امامشان اطاعت کرده و در مقام

نصیحت و خیرخواهی او باشند و تنها چیزی که من را بر این داشت درخواست
امیر را اجابت کرده و در اینجا حاضر شدم علم به این نکته است که بر من اطاعت
امیر لازم است از این رو انتظار دارم که امیرالمؤمنین به من حسن ظن داشته
باشد.

هشام به ایشان گفت:

اگر می خواهی به نزد اهل خود برگرد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

پدرم از نزد او خارج شد و هشام هنگام خروج به ایشان عرض کرد:
با خدا عهد و میثاق کنید که این حدیث را تا من زنده ام با کسی بازگو نکنید.
پدرم به وی قول مساعد داد و او را از این رهگذر بخشود نمودند.



متن:

۲- حدیثی ابوالحسین احمد بن عبدالله بن علی الناقدا قال:

حدیثی عبدالرحمن البلخی، قال لی ابوالحسین: واخبرنی عتی عن ابيه،
عن أبي نضرة - عن رجل من اهل بيت المقدس - انه «قال: والله لقد
عرفنا اهل بيت المقدس و نواحيها عشية قتل الحسين بن علي عليه السلام ،
قلت: وكيف ذلك؟ قال: ما رفعنا حجراً ولا مدرأً ولا صخراً الا و رأينا
تحتها دماً عبيطاً يغلي و احمرت الحيطان كالعلق، و مطر ثلاثة ايام دماً
عبيطاً، و سمعنا منادياً ينادی فی جوف الليل يقول:

اترجو امّة قتلت حسيناً	شفاعة جدّه يوم الحساب
مغاذ الله! لانسلم يقيناً	شفاعة أحمد و أبي تراب
قتلتم خير من ركب المطايا	و خير الشيب طراً و الشباب

و انكسفت الشمس ثلاثة ايام ثم تجلّت عنها و انشبكت النجوم،
فلما كان من الغد أرجفنا بقتله، فلم يأت علينا كثير شيء حتى نعى اليك
الحسين عليه السلام».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابوالحسین احمد بن عبدالله بن علی ناقد می‌گوید:

عبدالرحمن بلخی برایم نقل نمود و ابوالحسین برایم گفت و عمویم از
پدرش برایم خبر داد، از ابی نصره و او از شخصی از اهل بیت المقدس که وی
گفت:

به خدا قسم ما اهل بیت المقدس و حوالی آن به عصری که حضرت حسین
بن علی علیه السلام در آن شهید شدند آگاه و مطلع هستیم.
به او گفتم: چه طور؟

گفت: هیچ ریگ و کلوخ و سنگی را بر نداشتیم مگر زیر آن خون تازه‌ای
دیدیم که می‌جوشید، دیوارها قرمز گشت همچون خون بسیار سرخ، باران تاسه
روز بصورت خون تازه می‌بارید و در دل شب منادی نداء می‌کرد:

أترجوا أمة قتلت حسيناً شفاعته جدّه يوم الحساب

آیا امتی که حسین علیه السلام را کشتند امید دارند در روز حساب جدّش ایشان را
شفاعت کند؟

معاذ الله! لانلتم يقيناً شفاعته احمد و أبي تراب

پناه بر خدا! بطور قطع و یقین به شفاعت احمد علیه السلام و حضرت ابوتراب علیه السلام
نخواهید رسید.

قتلتم خير من ركب المطايا و خير الشيب طراً و الشباب

کشتید بهترین کسی را که بر اسبان می‌نشست و بهترین جوانان و سالمتان

و جوانان بود.

تا سه روز خورشید در نظر ما به حالت کسوف دیده می شد و پس از سه روز باز مشاهده گردید در شب ستارگان از کثرت و تراکم به طور خاصی دیده شدند پس فردای آن روز از قتل و شهادت آن حضرت پی گیری نموده چیزی عائد ما نشد تا خبر شهادت و قتل آن جناب علیه السلام به ما رسید.

متن:

۳- حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاقِدُ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ: قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو مَعْشَرٍ عَنِ الزَّهْرِيِّ «قَالَ: لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ عليه السلام لَمْ يَبْقَ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ حِصَاةٌ إِلَّا وَجَدَ تَحْتَهَا دَمَ عُبَيْطٍ».



﴿ حَدِيثِ سَوْمِ ﴾

ترجمه:

ابوالحسین احمد بن عبدالله بن علی ناقد به اسنادش می گوید:
عمر بن سعد گفت: ابو معشر برایم از زهری نقل کرد که وی گفت:
هنگامی که حسین بن علی علیه السلام شهید شد در بیت المقدس ریگی باقی نماند
مگر زیر آن خون تازه بود.

﴿ الباب الخامس والعشرون ﴾

﴿ ما جاء في قاتل الحسين و قاتل يحيى بن زكريا عليهما السلام ﴾

متن:

۱- حدثني أبي - رحمه الله تعالى -؛ و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى؛ و محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن جعفر بن بشير، عن حماد، عن كليب بن معاوية، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: كان قاتل يحيى بن زكريا ولد زنا، و كان قاتل الحسين عليه السلام ولد زنا و لم تبك السماء إلا عليهما».



﴿ باب بیست و پنجم ﴾

﴿ آنچه در باره کشته شدن امام حسین و یحیی بن زکریا ﴾

﴿ علیهما السلام وارد شده ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و گروهی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از جعفر بن بشیر، از حماد از کلب بن معاویه، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کشته شدن یحیی بن زکریا ولد الزنا بوده و کشته شدن حضرت امام حسین عليه السلام نیز ولد الزنا است و آسمان نگریسته مگر بر این دو.

متن:

حدَّثني محمد بن الحسن؛ و محمد بن احمد بن الحسين جميعاً، عن الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه، عن الحسن، عن فضالة بن أيوب عن كليب بن معاوية الأسدي، عن أبي عبد الله عليه السلام مثله.

ترجمه:

محمد بن حسن و محمد بن احمد بن حسين جملگی از حسن بن علی بن مهزيار از پدرش از حسن، از فضالة بن أيوب از کليب بن معاوية اسدي از حضرت ابي عبدالله عليه السلام مثل حدیث مذکور را نقل کرده‌اند.

متن:

۲- و حدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن ابراهيم بن هاشم، عن عثمان بن عيسى، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: قال رسول الله ﷺ: إنَّ في النار لمنزلة لم يكن يستحقها أحد من النَّاسِ إلَّا قاتِلَ الحُسَيْنِ بنِ علي، و يحيى بن زكريَّا عليه السلام».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد الله از ابراهيم بن هاشم از عثمان بن عيسى از عمرو بن شمر از جابر، از حضرت ابي جعفر عليه السلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

رسول خدا صلی الله و آله و سلّم فرمودند:

در جهنم جایگاهی است که احدی از مردم استحقاق آن را نداشته مگر کشنده حضرت حسین بن علی و یحیی بن زکریا عليه السلام

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: تَقْتُلُ وَاللَّهِ ذُرَارِي قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ بِفَعَالِ آبَائِهَا».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و علی بن حسین، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد، از محمد بن سنان، از اسماعیل بن جابر، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:



شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمودند: به خدا قسم فرزندان کشتندگان حضرت حسین بن علی علیه السلام به واسطه افعال پدرانشان کشته خواهند شد.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ ابْنِ بَكِيرٍ عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ عَبْدِ الْخَالِقِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: كَانَ قَاتِلُ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَلَدَ زَنَا، وَ قَاتِلُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا وَلَدَ زَنَا».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و محمد بن الحسن، از محمد بن حسن صقار، از احمد بن

محمد بن عیسی از ابن فضال، از ابن بکیر از زراره، از عبدالخالق از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

کشنده حضرت حسین بن علی علیه السلام و یحیی بن زکریا ولد زنا بودند.

متن:

۵ - حدیثی محمد بن جعفر القرشی الرزازی، عن خاله محمد بن الحسین ابن ابی الخطاب، عن علی بن النعمان، عن مثنی، عن سدید «قال: سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول: ان الله [جلّ و عزّ] جعل قتل اولاد النبیین من الأمم الماضية على یدی اولاد زنا».



ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزازی از دانی خودش محمد بن حسین بن ابی الخطاب از علی بن نعمان از مثنی از سدید نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمودند: خداوند متعال قتل فرزندان پیامبران امت های گذشته را در دست زنازادگان قرار داده است.

متن:

۶ - و عنه، عن محمد بن الحسین، عن صفوان بن یحیی، عن داود بن فرقد، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: کان الذی قتل الحسین بن علی علیه السلام ولد زنا والذی قتل یحیی بن زکریا ولد زنا».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی، از محمد بن حسین، از صفوان بن یحیی، از داود بن فرقد، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: کسی که حضرت حسین بن علی علیه السلام و نیز شخصی که حضرت یحیی بن زکریا را کشت زنا زاده بود.

متن:

۷- و عنه، عن محمد بن الحسين، عن علي بن اسباط، عن اسماعيل ابن أبي زياد، - عن بعض رجاله - عن أبي عبد الله علیه السلام «في قول فرعون: «ذروني اقتل موسى»، ف قيل له: من كان يمنعه؟ قال: كان لرشدة، لأن الأنبياء والحجج لا يقتلهم الا اولاد زنا والبغايا».

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی از محمد بن حسین، از علی بن اسباط از اسماعیل بن ابی زیاد از برخی رجالش از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که در ذیل کلام فرعون که گفت:

ذرونی اقتل موسی (واگذارید من را تا موسی را بکشم) به حضرت عرض شد: چه کسی او را از قتل موسی منع می‌کرد؟

حضرت فرمودند:

افراد حلال زاده چه آنکه انبیاء و حجت‌های خدا را تنها زنازادگان و حرامزاده‌ها می‌کشند.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بِهَذَا الْحَدِيثِ.

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و گروهی از اساتیدم، از سعد بن عبد الله بن ابی خلف، از محمد بن حسین این حدیث را برایم نقل نموده‌اند.

متن:

۸ - وَ حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - عَنْ ابْنِ مَسْكَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَاتِلِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ وَلَدَ زَنَا».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد الله، از ابراهیم بن هاشم، از ابن ابی عمیر، از برخی اصحابش از ابن مسکان از حضرت ابی عبد الله عليه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

کشنده حسین بن علی عليه السلام زنازاده بوده است.

متن:

۹ - وَ حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ،

عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: لا يقتل النبيين و اولاد النبيين الا اولاد زنا».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

ترجمه: پدرم علیه الرحمه و محمد بن حسن از سعد بن عبدالله، از ابراهیم بن هاشم، از عثمان بن عیسی از عمرو بن شمر از جابر از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
انبیاء و اولاد انبیاء را تنها زنا زادگان می کشند.

متن:

۱۰ - حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله؛ و عبدالله بن جعفر الحمیری، عن احمد ابن ابی عبدالله البرقی، عن ابیه محمد بن خالد، عن عبدالعظیم بن عبدالله بن علی الحسفی، عن الحسن بن الحسین العمری، عن الحسین بن شداد الجعفی، عن جابر، عن ابی جعفر عليه السلام «قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يقتل الأنبياء و اولاد الأنبياء الا ولد زنا».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن ابی عبدالله برقی از پدرش محمد بن خالد از عبدالعظیم بن عبدالله بن علی الحسنی از حسن بن حسین عمری از حسین بن شداد جعفی از جابر از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

رسول خدا ﷺ فرمودند:

انبیاء و فرزندان ایشان را نمی‌کشد مگر زنا زاده.

متن:

۱۱ - حدَّثني مُحَمَّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد، عن مُحَمَّد بن الحسن الصفَّار، عن أحمد بن مُحَمَّد بن عيسى، عن الحسن بن عليّ بن الفضال، عن مروان بن مسلم، عن اسماعيل بن كثير «قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: كان قاتل الحسين بن عليّ ولد زنا، وكان قاتل يحيى بن زكريّا ولد زنا، ولم تبك السماء والأرض الأهلها - وذكر الحديث -».



﴿ حَدِيث يازدهم ﴾

ترجمه:

محمّد بن الحسن بن أحمد بن ولید از محمد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن علی بن فضال از مروان بن مسلم از اسماعیل بن کثیر نقل نموده که وی گفت:

از حضرت ابا عبد الله عليه السلام شنیدم که می‌فرمودند:

قاتل حضرت حسین بن علی سلام الله علیهما و کشته حضرت یحیی بن زکریّا عليه السلام زنا زاده بوده و آسمان و زمین نگریسته مگر براین دو....

﴿الباب السادس والعشرون﴾

﴿بكاء جميع ما خلق الله على الحسين بن علي (علیه السلام)﴾

متن:

۱- حدّثنی محمد بن جعفر الرزّاز القرشي، قال: حدّثنی خالی محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع، عن أبي اسماعيل السراج، عن يحيى بن معمر العطار، عن أبي بصير، عن أبي جعفر (علیه السلام) «قال: بكت الأنس و الجن و الطير و الوحش على الحسين ابن علي (علیه السلام) حتى ذرفت دموعها»

و حدّثنی أبي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبد الله بن أبي خلف، و محمد بن يحيى العطار جميعاً، عن محمد بن الحسين، باسناده مثله.

﴿باب بیست و ششم﴾

﴿گریستن تمام مخلوقات بر حضرت حسین بن علی (علیه السلام)﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز قرشی می گوید:

دائی من محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، از محمد بن اسماعيل بن بزيع، از أبي اسماعيل سراج، از يحيى بن معمر عطار، از أبي بصير، از حضرت ابو جعفر (علیه السلام) نقل کرده که آن جناب فرمودند:

انس و جن، پرنده و وحوش بر حسین بن علی (علیه السلام) گریستند حتی

اشک‌هایشان جاری گشت.

و پدرم علیه الرحمه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبدالله بن ابی خلف و محمد بن یحیی عطار جملگی از محمد بن حسین به اسنادش مثل همین خبر را نقل کرده‌اند.

متن:

۲ - حدیثی ابی - رحمه الله تعالى - و علی بن الحسین، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن احمد بن ابی داود، عن سعد بن ابی عمر الجلاب^(۱)، عن الحارث الأعور، «قال: قال علی ؑ: یابی و امی؛ الحسین المقتول بظهر الکوفة، واللّه کانی انظر الی الوحوش مائة اعناقها علی قبره من انواع الوحش، یبکونه و یرثونه لیلاً حتی الصّباح، فاذا کان ذلک فایاکم و الجفاء».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن ابی داود، از سعد بن ابی عمر جلاب، از حارث اعور نقل کرده که گفت:

حضرت علی ؑ که پدر و مادرم فدایش باد فرمودند:

حسین در پشت کوفه کشته خواهد شد، به خدا قسم گویا می‌بینم که وحوش گردن‌های خود را بر قبرش کشیده و بر او می‌گیرند و از شب تا صبح بر او مرثیه می‌خوانند و وقتی حال وحوش چنین باشد پس شما انسان‌ها از جفاء به او حذر کنید.

۱ - کذا فی بعض نسخ الکتاب الموجودة عندنا و فی بعضها سعد بن عمر الجلاب و فی البخار تقلأ عن الکتاب.

متن:

۳- و حدّثنی محمد بن جعفر القرشی الرزّاز، عن محمد بن الحُسین بن ابی الخطاب، عن الحسن بن علی بن ابی عثمان، عن عبد الجبار النّهاوندی، عن ابی سعید، عن الحُسین بن ثویر بن ابی فاخته؛ و یونس ابن ظبیان؛ و ابی سلمة السّراج؛ و المفضّل بن عمر کلّهم قالوا: «سمّنا ابا عبد الله علیه السلام یقول: ان ابا عبد الله الحسین بن علی علیه السلام لما مضى بکت علیه السموات السّبع و الارضون السّبع و ما فیهنّ و ما بینهنّ و من ینقلب علیهنّ، و الجنّة و النار، و ما خلق ربّنا و ما یری و ما لا یری».

و حدّثنی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن الحُسین، عن الحسن بن علی بن ابی عثمان باسناده مثله.

حدیث سوم

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزّاز از محمد بن حسین بن ابی الخطاب از حسن بن علی بن ابی عثمان از عبد الجبار نهاوندی از ابی سعید، از حسین بن ثویر بن ابی فاخته و یونس بن ظبیان و ابی سلمه سراج و مفضل بن عمر جملگی گفتند:

شنیدیم حضرت ابو عبد الله علیه السلام می فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسیدند آسمان های هفتگانه و طبقات هفتگانه زمین و آنچه در آنها و بین آنها بود و تمام موجودات و جنبنده گان بر روی آنها و بهشت و دوزخ و بالآخره کلیه اشیا که پروردگار ما آنها را آفریده و موجودات مرنی و نامرنی کلاً بر آن حضرت گریستند.

و پدرم علیه الرّحمة از سعد بن عبد الله و او از محمد بن الحسین و او از حسن بن علی بن ابی عثمان با اسنادش برایم مثل حدیث مذکور را نقل نمود.

متن:

۴- و حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن الحسين بن عبيد الله، عن الحسن بن علی بن اَبی عثمان، عن عبد الجبار النهاوندي، عن اَبی سعيد، عن الحسين بن ثوير؛ و یونس؛ و اَبی سلمة السراج؛ و المفضل بن عمر «قالوا: سمعنا ابا عبد الله عليه السلام يقول: لما مضى الحسين بن علی عليه السلام بكى عليه جميع ما خلق الله الا ثلاثة اشياء البصرة و دمشق و آل عثمان».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد الله، از حسین بن عبيد الله، از حسن بن علی بن اَبی عثمان از عبد الجبار نهاوندي از اَبو سعيد از حسین بن ثوير و یونس و اَبی سلمه سراج و مفضل بن عمر جمعی گفتند:
از حضرت اَبی عبد الله عليه السلام شنیدیم که می فرمود:
هنگامی که حضرت حسین بن علی عليه السلام شهید شدند تمام مخلوقات خدا بر آن حضرت گریستند مگر سه چیز: بصره و دمشق و آل عثمان.

متن:

۵- حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد ابن عيسى، عن القاسم بن يحيى، عن الحسن بن راشد، عن الحسين بن ثوير «قال: كنت انا و یونس بن ظبيان و المفضل بن عمر و اَبو سلمة السراج جلوساً عند اَبی عبد الله عليه السلام فكان المتكلم یونس، و كان اكبرنا سنّاً و ذكر حديثاً طويلاً يقول، ثم قال اَبو عبد الله عليه السلام: انّ ابا عبد الله عليه السلام

لَمَّا مَضَى بِكَتْ عَلَيْهِ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَ مَا فِيهِنَّ
وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَ مَا يَنْقَلِبُ فِي الْجَنَّةِ وَ النَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبَّنَا، وَ مَا يَرَى وَ مَا
لَا يَرَى بِكَى عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ لَمْ تَبْكْ عَلَيْهِ، قُلْتَ: جُعِلَتْ
فِدَاكَ مَا هَذِهِ الثَّلَاثَةُ أَشْيَاءَ؟ قَالَ: لَمْ تَبْكْ عَلَيْهِ الْبَصْرَةَ وَ لَا دِمَشْقَ
وَ لَا آلَ عَثْمَانَ بْنِ عَفَّانٍ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ - .»

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، از
قاسم بن یحیی، از حسن بن راشد از حسین بن ثویر نقل کرده که وی گفت:
من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمر و ابوسلمه سراج محضر حضرت
ابی عبدالله علیه السلام نشسته بودیم و یونس که از همه ما مسن تر بود سخن می گفت
و حدیث طولانی را ذکر کرد سپس امام صادق علیه السلام فرمودند:
هنگامی که حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام شهید شدند آسمان ها و طبقات
هفت گانه زمین و آنچه در آنها و بین آنها بود و تمام جنبنده گان در بهشت
و دوزخ و کلیه موجودات مرئی و نامرئی بر آن حضرت گریستند مگر سه چیز که
بر آن مظلوم گریه نکردند.

عرض کردم: فدایت شوم آن سه چیز کدام بودند؟

حضرت فرمودند:

بصره و دمشق و آل عثمان بن عفان بودند که به آن سرور نگریستند.

متن:

٦- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ أَبِي يَعْقُوبَ، عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ زُرَّاءَ «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا زُرَّاءُ إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَى الْحُسَيْنِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِالدَّمِ؛ وَإِنَّ الْأَرْضَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِالسَّوَادِ؛ وَإِنَّ الشَّمْسَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِالكُفُوفِ وَالْحُمْرَةِ؛ وَإِنَّ الْجِبَالَ تَقَطَّعَتْ وَانْتَثَرَتْ؛ وَإِنَّ الْبَحَارَ تَفَجَّرَتْ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً عَلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام، وَمَا اخْتَضَبَتْ مَتَا امْرَأَةً وَلَا اذْهَنْتْ وَلَا اِكْتَحَلَتْ وَلَا رَجَلَتْ حَتَّى أَتَانَا رَأْسُ عبيد الله بن زياد، وَمَا زِلْنَا فِي عُبْرَةٍ بَعْدَهُ، وَكَانَ جَدِّي إِذَا ذَكَرَهُ بَكَى حَتَّى تَمَلَأَ عَيْنَاهُ لَحِيمَتَهُ، وَحَتَّى يَبْكِيَ لِبَكَائِهِ - رَحِمَهُ لَهُ - مِنْ رَأَاهُ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ عِنْدَ قَبْرِهِ لَيَبْكُونَ، فَيَبْكِي لِبَكَائِهِمْ كُلٌّ مِنْ فِي الْهَوَاءِ وَالسَّمَاءِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَلَقَدْ خَرَجَتْ نَفْسُهُ عليه السلام فَزَفَرَتْ جَهَنَّمَ زَفْرَةً كَادَتْ الْأَرْضُ تَنْشَقُّ لَزَفَرَتِهَا، وَلَقَدْ خَرَجَتْ نَفْسُ عبيد الله بن زياد ويزيد بن معاوية [لعنهم الله]، فَشَهَقَتْ جَهَنَّمَ شَهَقَةً لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ حَبَسَهَا بِخِزَانِهَا لَأَحْرَقَتْ مِنْ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْ قُورِهَا، وَلَوْ يُؤْذَنُ لَهَا مَا بَقِيَ شَيْءٌ إِلَّا ابْتُلَعَتْ وَلَكِنَّا مَأْمُورَةٌ مَصْفُودَةٌ وَلَقَدْ عَتَتْ عَلَى الْخِزَانِ غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى أَتَاهَا جَبْرِئِيلُ فَضَرَبَهَا بِجَنَاحِهِ فَسَكَنْتْ، وَأَنَّهَا لَتَبْكِيهِ وَتَنْدُبُهُ وَأَنَّهَا لَتَسْلُطُنِي عَلَى قَاتِلِهِ، وَلَوْ لَا مِنْ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ حَجَجِ اللَّهِ لَنَقَضَتْ الْأَرْضُ وَأَكْفَأَتْ [ب] مَا عَلَيْهَا وَمَا تَكَثَّرَ الزَّلَازِلُ إِلَّا عِنْدَ

اقترب الساعة؛

و ما من عين احب الى الله و لا عبرة من عين بكت و دمعت عليه و ما
من باك يبكيه الا و قد وصل فاطمة (علیها السلام) و اسعدھا عليه و وصل رسول
الله (صلی الله علیه و آله) و ادى حقنا و ما من عبد يحشر الا و عيناه باكية الا الباكين على
جدی الحسین (علیه السلام) فإنه يحشر و عينه قريرة و البشارة تلقاه و السرور
[بین] على وجهه، و الخلق في الفرع و هم آمنون، و الخلق يعرضون و هم
حدّاث الحسین (علیه السلام) تحت العرش و في ظلّ العرش، لا يخافون سوء يوم
الحساب يقال لهم: ادخلوا الجنة، فيأبون و يختارون مجلسه و حديثه
و انّ الحور لترسل إليهم أنا قد اشتقناكم مع الولدان المخلّدين فما
يرفعون رؤوسهم اليهم لما يرون في مجلسهم من السرور و الكرامة،
و انّ اعدائهم من بين مسحوب بناصيته الى النار، و من قائل: «ما لنا
من شافعين و لا صدّيق حميم»؛

و انّهم ليرون منزلهم، و ما يقدرّون انّ يدنوا اليهم، و لا يصلون
اليهم، و انّ الملائكة لتأتيهم بالرسالة من ازواجهم و من خزائهم على ما
اعطوا من الكرامة فيقولون: نأتيكم انشاء الله، فيرجعون الى ازواجهم
بمقلاتهم، فيزدادون اليهم شوقاً اذا هم خبروهم بما هم فيه من الكرامة
و هربهم من الحسین (علیه السلام) فيقولون الحمد لله الذي كفانا الفرع الأكبر،
و أهوال القيامة، و نجّانا ممّا كنّا نخاف، و يؤتون بالمراكب و الرّحال
على النجائب، فيستوون عليها، و هم في الثناء على الله و الحمد لله
و الصّلاة على محمّد و آله، حتّى ينتهوا الى منازلهم.

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن الاصم، از ابی یعقوب از ابان بن عثمان، از زرارہ نقل نموده که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای زرارہ آسمان تا چهل روز بر حسین بن علی علیه السلام خون بارید و زمین تا چهل روز تار و تاریک بود و خورشید تا چهل روز گرفته و نورش سرخ بود و کوهها تکه تکه شده و پراکنده گشتند و دریاها روان گردیده و فرشتگان تا چهل روز بر آن حضرت گریستند و هیچ زنی از ما اهل بیت خضاب نکرد و روغن به خود نمالید و سرمه نکشید و موهایش را شانه نزد تا وقتی که سر عبیدالله بن زیاد را به نزد ما فرستادند و پیوسته بعد از شهادت آن حضرت چشمان، اشک آلود بود و هرگاه جدم یاد آن حضرت را می نمود محاسنش از اشک خیس می گشت بطوری که هر کس آن جناب را می دید به حالش ترخم نموده و از گریه اش به گریه می افتاد و فرشتگانی که نزد قبر آن حضرت هستند جملگی می گریند و از گریه ایشان تمام فرشتگان در آسمان و زمین گریه می کنند، هنگامی که روح مطهر آن حضرت از کالبد شریفش خارج شد دوزخ فریاد و بانگی زد که نزدیک بود از صدای آن زمین منشق شود و زمانی که روح خبیث عبیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه از بدن کثیفشان خارج گردید جهنم جیغی کشید که اگر حق تعالی بوسیله فرشتگان حافظ دوزخ آن را کنترل و حبس نمی نمود تمام موجودات روی زمین از هیبت آن می سوختند و اگر آتش جهنم از حق تعالی اذن می داشت هیچ جنبنده ای را روی زمین باقی نمی گذارد بلکه تمام را می بلعید منتهی مأمور و اسیر فرمان او است و بدون امر حق جلّت عظمته حرکتی از آن صادر نمی شود و مع ذلک چند مرتبه بر نگهبانان طغیان کرده تا بالآخره جبرئیل در آنجا حاضر شد و بالش را بر آن زد تا ساکت گردید.

ولی در عین حال از آن تاریخ به بعد بر حضرتش گریه و نندبه کرده و پیوسته بر قاتلین او زیانه می‌کشد و اگر حجت‌های خدا روی زمین نمی‌بودند آن را واژگون می‌کرد و لرزش‌های زمین و زلزله‌ها زیاد نمی‌شود مگر صراً در وقت قیامت.

و هیچ چشم و اشکی نزد خدا محبوب‌تر از چشم و اشکی نیست که بگرید و بر آن حضرت جاری گردد و هیچ گریه‌کننده‌ای نیست که بر آن جناب بگرید مگر آنکه گریه‌اش به حضرت فاطمه علیها السلام رسیده و آن بانو را یاری می‌کند و نیز گریه‌اش به حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده و بدین وسیله حق ما را ادا کرده. و هیچ بنده‌ای نیست که روز قیامت محشور شود مگر آنکه چشمانش گریان است غیر از گریه‌کنندگان بر جدم حضرت حسین بن علی علیه السلام چه آنکه ایشان در حالی که چشمانی روشن و باز دارند محشور می‌گردند و آثار سرور و شادی در صورتشان نمایان می‌باشد، مردم در فزع و ناراحتی بوده ولی ایشان از هر غم و محنتی در امان هستند، مردم متفرق و پراکنده و مضطرب بوده ولی ایشان در زیر عرش و سایه آن به یاد حسین علیه السلام بوده و درباره آن جناب به گفتن حدیث مشغولند، از ناملازمات و ناراحتیهای روز حساب هیچ خوف و هراسی ندارند. به ایشان گفته می‌شود: داخل بهشت شوید ولی آنها از ورود به بهشت امتناع نموده و مجلس ذکر حسین علیه السلام را اختیار می‌کنند، فرشتگان و حورالعین به آنها پیغام می‌دهند که ما با ولدان مخلد مشتاق شما هستیم ولی ایشان از فرط سرور و نشاطی که در مجلسشان دارند سرشان را بالا نکرده و به آنها نمی‌نگرند. دشمنان ایشان در آخرت دو گروه هستند:

الف: کسانی که موی جلو سر ایشان را فرشتگان عذاب گرفته و آنها را روی زمین کشان کشان به طرف جهنم می‌برند.

ب: آنانکه از روی حسرت می‌گویند: ما لنا من شافعين و لا صديق حميم. نه شفيعی داریم و نه دوستی که از ما حمایت کند.

دشمنان ایشان مقام و منزل آنها را دیده ولی نمی توانند نزدیک ایشان شوند. فرشتگان از طرف همسرهای ایشان در بهشت و نگهبانان بر ایشان پیغام آورده که چه کرامت و عطایائی به آنها اعطاء شده.

ایشان در جواب می گویند: انشاء الله نزد شما خواهیم آمد و پس از این گفتار به نزد آنها بازگشته و وقتی همسرانشان به آنها خبر می دهند که در نزدیکی حضرت حسین علیه السلام می باشند شوقشان زیاد گشته و از شعف دل می گویند: حمد می کنیم حق تعالی را که ما را از فزع اکبر و وحشت های قیامت در امان داشت و از آنچه هراس داشتیم نجات داد.

خداوند متعال به ایشان مرکب ها و اسب های نیکوئی که بر پشت آنها زین نهاده شده اعطاء فرمود و ایشان بر آنها سوار شده و در حالی که خدای متان را ستوده و حمد و ثناء گفته و صلوات بر محمد و آل محمد می فرستند حرکت نموده تا به منازل و جایگاه خویش می رسند.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْكَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ،

«قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام [و] أحدثته، فدخل عليه ابنه فقال له: مرحباً، و ضمه و قبله و قال: حقّاً الله من حقركم، و انتقم ممن و تركم، و خذل الله من خذلكم، و لعن الله من قتلکم، و كان الله لكم ولياً و حافظاً و ناصراً، فقد طال بكاء النساء و بكاء الأنبياء و الصديقين و الشهداء و ملائكة السماء، و ثم بكى و قال: يا أبا بصير اذا نظرت الى وُلد الحسين

أتاني ما لأملكه بما أتى إلى أبيهم، واليهم يا أبا بصير إن فاطمة عليها السلام لتبكيه
و تشهي، فتزفر جهنم زفرةً لولا أن الحزنة يسمعون بكاءها و قد
استعدوا لذلك مخافة أن يخرج منها عنق أو يشرر دخانها فيحرق أهل
الأرض فيكبحونها ما دامت باكية، و يزجرونها و يستوثقون من أبوابها
مخافةً على أهل الأرض، فلا تسكن حتى يسكن صوت فاطمة عليها السلام؛

وإن البخار تكاد أن تنفتق فيدخل بعضها على بعض، و ما منها قطرة
الآ بها ملك موكل، فإذا سمع الملك صوتها اطفأ ناراها بأجنحته و حبس
بعضها على بعض مخافةً على الدنيا و ما فيها و من على الأرض، فلا تزال
الملائكة مشفقين يبكون لبكائها و يدعون الله و يتضرعون إليه،
و يتضرع أهل العرش و من حوله؛ و ترتفع اصوات من الملائكة
بالتقديس لله مخافةً على أهل الأرض، و لو أن صوتاً من اصواتهم يصل
إلى الأرض لصعق أهل الأرض و تقطعت الجبال و زلزلت الأرض
بأهلها.

قلت: جعلت فداك إن هذا الأمر عظيم! قال: غيره اعظم منه ما
لم تسمعه، ثم قال لي: يا أبا بصير أما تحب أن تكون فيمن يُسعد
فاطمة عليها السلام؟ فبكيت حين قالها فما قدرت على النطق و ما قدر على كلامي
من البكاء ثم قام إلى المصلّى يدعوا فخرجت من عنده على تلك الحال
فما انتفعت بطعام و ما جاني النوم، و أصبحت ضائماً و جلاً حتى أتته،
فلما رأيته قد سكن سكنتُ و حمدت الله حيث لم تُنزل بي عقوبةً.

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

محمد بن عبدالله، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن مسکان، از ابوبصیر نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک امام صادق علیه السلام بوده و برای آن جناب سخن می‌گفتم در این هنگام یکی از فرزندان حضرت داخل شد.

امام علیه السلام به او فرمودند: بارک الله و او را به سینه خود چسبانده و وی را بوسیده و فرمودند:

خدا ذلیل کند کسانی را که شما را ذلیل کنند و انتقام کشد از آنانکه به شما ظلم کنند، و خوار کند افرادی را که شما را خوار کنند، و لعنت کند اشخاصی را که شما را می‌کشند و خدا ولی و حافظ و ناصر شما باشد، زنان و انبیاء و صدیقین و شهداء و فرشتگان آسمان بسیار بر شما گریستند، سپس آن حضرت گریسته و فرمودند:

ای ابوبصیر هرگاه به بچه‌های حضرت حسین علیه السلام می‌نگرم به واسطه مصیبت و ظلمی که به پدرشان و خودشان شده حالتی به من دست می‌دهد که قابل کنترل نیست.

ای ابوبصیر: فاطمه علیها السلام بر آن حضرت گریست و زجه زده و به دنبال آن جهنم فریادی کشید و جیغی زد که فرشتگان حافظ و نگهبان بر آن، صدای گریه دوزخ را شنیدند و سریع آماده شدند آن را کنترل کنند زیرا خوف آن بود که از درون دوزخ آتش زیانه کشد یا دود آن بیرون رفته و اهل زمین را بسوزاند لذا تا مادامی که دوزخ گریان و نالان است فرشتگان حافظ آن را مهار کرده و به جهت خوف و هراسی که بر اهل زمین دارند آن را محافظت نموده و درب‌های آن را محکم بسته‌اند ولی در عین حال دوزخ ساکت و آرام نمی‌شود مگر صدای فاطمه علیها السلام آرام گردد.

ای ابوبصیر دریاها نزدیک بود شکاف برداشته در نتیجه برخی در بعضی دیگر داخل شوند و قطره‌ای از آب دریاها نیست مگر آنکه فرشته‌ای بر آن موکل است، لذا هرگاه فرشته موکل بانک دریا و خروش آن را بشنود با زدن بالش خروش و طغیان را خاموش و ساکت می‌کند و آنها را حبس و نگاه داشته تا بر یکدیگر داخل و وارد شوند و این نیست مگر بخاطر خوف و هراس بر دنیا و آنچه در آن و کسانی که بر روی زمین می‌باشند و پیوسته فرشتگان از روی شفقت و ترحم به واسطه گریستن دریاها می‌گیرند و خدا را خوانده و به جانبش تضرع و زاری نموده و اهل عرش و اطراف آن نیز جملگی در تضرع و ناله می‌باشند.

صداهای فرشتگان بلند است که به خاطر خوف و هراس بر اهل زمین همواره حق تعالی را تقدیس و تنزیه می‌نمایند و اگر احیاناً صدای آنها به زمین برسد اهل زمین به فریاد آمده و کوهها قطعه قطعه شده و زمین اهلش را می‌لرزاند.

ابو بصیر می‌گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتم:

فدایت شوم این امر بسیار عظیم و بزرگ است!

حضرت فرمودند: از این عظیم تر غیر آن، یعنی خبری که نشنیده‌ای می‌باشد.

سپس فرمودند: ای ابو بصیر! دوست نداری در زمره کسانی باشی که حضرت

فاطمه علیها السلام را کمک می‌کنند؟

ابو بصیر می‌گوید: وقتی امام علیه السلام این کلام را فرمودند بطوری گریه به من دست

داد که قادر بر سخن گفتن نبودم و چنان بغض گلویم را می‌فشرد که توانایی بر تکلم نداشتم.

سپس حضرت پیا خواسته و به نمازخانه تشریف برده و به خواندن دعا

پرداختند.

پس از مجلس حضرت با چنین حالی برخاسته و بیرون آمدم پس نه طعام

خوردم و نه خوابیدم و صبح روز بعد را با حالی ترسان روزه گرفته تا آنکه

محضر مبارکش دو باره مشرف شدم پس وقتی آن جناب را ساکن و آرام دیدم
من نیز آرام گرفتم و از اینکه عقوبت و بلائی بر من نازل نشده حق تعالی را حمد
و ستایش نمودم.

﴿الباب السابع والعشرون﴾

﴿بكاء الملائكة على الحسين بن علي عليه السلام﴾

متن:

۱- حدّثنی اَبی - رحمه الله - و جماعة مَشائِخی، عن سعد بن عبدالله،
عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحُسَین بن سعید، عن حمّاد بن عیسی، عن
ربیع بن عبدالله، عن القُضیل بن یسار، عن اَبی عبدالله علیه السلام «قال: مالکم
لأَتأتونه - یعنی قبر الحُسَین علیه السلام - فَإِنَّ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ یَبْکُونَهُ [ه] عند
قبره الی یوم القیمة».

﴿باب بیست و هفتم﴾

﴿گریستن فرشتگان بر حضرت حسین بن علی علیه السلام﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبدالله، از احمد بن
محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از حمّاد بن عیسی، از ربیع بن عبدالله، از
فضیل بن یسار، از حضرت اَبی عبدالله علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:
شما را چه می‌شود که به آنجا نمی‌روید (یعنی به قبر حضرت حسین علیه السلام) چه
آنکه چهار هزار فرشته تا روز قیامت بر سر قبر آن جناب حاضر بوده و بر آن
حضرت می‌گیرند.

متن:

۲- و حدَّثني محمد بن جعفر الرزّاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن موسى بن سعدان، عن عبدالله بن القاسم، عن عمر بن أبان الكلبي، عن أبان بن تغلب «قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: إنّ أربعة آلاف ملك هبطوا يريدون القتال مع الحسين بن علي عليه السلام، لم يؤذن لهم في القتال فرجعوا في الاستيذان فهبطوا و قد قتل الحسين عليه السلام فهم عند قبره شعثٌ عُثِرَ بيكونه الى يوم القيمة، رئيسهم ملك يقال له: المنصور».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدان، از عبدالله بن القاسم، از عمر بن ابان الكلبي، از ابان بن تغلب نقل کرده که گفت:

حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند:

چهار هزار فرشته به زمین فرود آمدند و خواستند همراه حضرت امام حسین عليه السلام به قتال پردازند ولی آن جناب به ایشان اذن ندادند، پس بار دیگر که به زمین فرود آمده برای اذن گرفتن آن حضرت شهید شده بودند لذا ایشان بر سر قبر آن حضرت به حالتی ژولیده و گرفته باقی مانده و تا روز قیامت می‌گیرند، رئیس ایشان فرشته‌ای است که به او منصور می‌گویند.

متن:

۳- و حدَّثني أبي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبدالله، عن علي بن اسماعيل بن عيسى، عن حماد بن عيسى، عن ربيع، عن الفضيل بن

یسار «قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: مالکم لا تاتونه - یعنی قبر الحسین علیه السلام - فان اربعة آلاف ملك ييكون عنده الى يوم القيامة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

و پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از علی بن اسماعیل، از حماد بن عیسی، از ربیع، از فضیل بن یسار نقل کرده‌اند که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

شمارا چه می‌شود که به آنجا نمی‌روید (یعنی به قبر حضرت حسین علیه السلام) چه آنکه چهار هزار فرشته تا روز قیامت بر سر قبر آن جناب حاضر بوده و بر آن حضرت می‌گیرند.



مرکز تحقیقات و پژوهش در مورد اهل بیت (ع) قم

متن:

۴ - وحدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسمعيل، عن ابي اسمعيل السراج، عن يحيى بن معمر العطار، عن ابي بصير، عن ابي جعفر علیه السلام «قال: اربعة آلاف ملك شعث غبر ييكونه الى يوم القيامة»

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

و محمد بن جعفر رزاز از محمد بن حسین از محمد بن اسماعیل، از ابی اسماعیل سراج، از یحیی بن معمر عطار، از ابی بصیر، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

چهار هزار فرشته ژولیده و گرفته تا قیامت بر آن حضرت گریه می‌کنند.

متن:

۵- و حدَّثنی اَبی - رحمه الله - و علی بن الحُسَینِ حمیلاً، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم، «علی بن ابی حمزة، عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله (ع) قال: وکل الله تعالی بالحسین (ع) سبعین الف ملک یصلون علیه کلّ یوم شُعثاً غبراً منذ یوم قتل الی ما شاء الله - یعنی بذلك قیام القائم (ع) -».

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

و پدرم علیه الرحمة و علی بن الحُسَین، جملگی از سعد بن عبدالله، از احمد ابن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از علی بن ابی حمزه، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله (ع) نقل کرده اند که آن جناب فرمودند: از روزی که حضرت حسین بن علی (ع) شهید شده اند تا زمانی که خدا بخواهد یعنی تا قیام قائم (ع) خداوند هفتاد هزار فرشته را مبعوث فرموده که با حالی ژولیده و گرفته هر روز بر حضرتش صلوات فرستاده و طلب رحمت می کنند.

متن:

۶- و عن سعد، عن ابراهیم بن هاشم، عن ابن فضال، عن ثعلبة، عن مبارك العطّار، عن محمد بن قیس «قال: قال لی ابو عبدالله (ع): عند قبر الحُسَین (ع) اربعة آلاف ملک شُعثٌ غُبرٌ یبکونه الی یوم القيامة».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم علیه الرحمة و علی بن الحُسَین جملگی از سعد، از ابراهیم بن هاشم، از ابن فضال از ثعلبه، از مبارک عطار، از محمد بن قیس نقل کرده که وی گفت:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:
چهار هزار فرشته زولیده و گرفته نزد قبر حضرت حسین علیه السلام بوده که تا روز
قیامت بر آن جناب می‌گیرند.

متن:

۷- و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ
سَعِيدٍ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ هَارُونَ، عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: وَكُلُّ اللَّهِ بِه أَرْبَعَةُ آلَافٍ مَلِكٍ شُعْبٌ غَيْرُ يَبْكُونَهُ إِلَى
يَوْمِ الْقِيَمَةِ».

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم علیه الرحمة و محمد بن الحسن و علی بن الحُسَین، جملگی از سعد بن
عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد، از
اسحاق بن ابراهیم، از هارون، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت
فرمودند:

خداوند منان چهار هزار فرشته بر قبر حضرت سید الشهداء علیه السلام موکل نموده
که همگی زولیده و گرفته بوده و تا روز قیامت گریه می‌کنند.

متن:

۸ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ الْفَضِيلِ، عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ «قَالَ إِنَّ عَلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلِكٍ شُعْثٌ غَيْرُ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ - قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ: يَحْرُسُونَهُ -».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن حسن الصفار، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب علیه السلام از صفوان بن یحیی، از حریز، از فضیل بن یسار، از امام باقر یا امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: چهار هزار فرشته زولیده و غمگین و گرفته بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام موکل بوده که تا روز قیامت گریه می کنند. محمد بن مسلم می گوید: این چهار هزار فرشته قبر را حراست و نگهبانی می نمایند.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ ابْنِ عِيسَى، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى، عَنْ رِبْعِيِّ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - بِالْمَدِينَةِ -: أَيْنَ قُبُورُ الشَّهَدَاءِ؟ فَقَالَ: الْيَسُ أَوْفَضُ الشَّهَدَاءِ عِنْدَكُمْ؟ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ حَوْلَهُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلِكٍ شُعْثٌ غَيْرُ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ».

وحدَّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفَّار، عن العباس
ابن معروف مثله.

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى، از
عباس بن معروف، از حماد بن عيسى، از ربیع نقل کرده که وی گفت:
در مدینه محضر امام صادق علیه السلام بودم به ایشان عرض کردم:
قبور شهداء در کجا است؟
حضرت فرمودند:

مگر افضل و برترین شهداء نزد شما نیست؟!

قسم به آن کسی که جانم در دست او است اطراف قبر آن حضرت چهار هزار
فرشته که جملگی زولیده و غمگین و گرفته هستند بوده و تا روز قیامت بر آن
جناب می‌گریند.

و محمد بن الحسن، از محمد بن حسن الصفَّار، از عباس بن معروف نظیر این
حدیث را نقل کرده.

متن:

۱۰ - وحدَّثني محمد بن جعفر الرزاز قال: حدَّثني محمد بن الحسين
ابن أبي الخطاب، عن محمد بن اسمعيل بن بزيح، عن أبي اسمعيل
السَّراج، عن يحيى بن معمر العطار، عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام «قال:
أربعة آلاف ملك غير يبيكون الحسين الى يوم القيمة فلا يأتيه
احد الا استقبلوه، ولا يمرض احد الا عادوه، ولا يموت احد الا
شهوده».

وحدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسين
باسناده مثله.

ترجمه: ﴿ حدیث دهم ﴾

محمد بن جعفر رزازی می گوید:

محمد بن حسین بن ابی الخطاب برایم نقل نمود از محمد بن اسماعیل بن
بزیع و او از اسماعیل سراج و او از یحیی بن معمر عطار و او از ابی بصیر و او از
حضرت ابو جعفر علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

چهار هزار فرشته که جملگی زولیده و غمگین و گرفته هستند برای حضرت
امام حسین علیه السلام تا روز قیامت می گیرند. پس احدی از مردم به زیارت آن حضرت
نمی آیند مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش آمده و احدی از مردم مریض و
بیمار نشده مگر که ایشان به عبادتش رفته و کسی از مردم نیست که بعیرد مگر
آنکه این فرشتگان بالای سرش حاضر می شوند.

و پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله، از محمد بن حسین به اسنادش نظیر
همین حدیث را نقل نموده است.

متن:

۱۱ - وحدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن
علي بن عبدالله بن المغيرة، عن العباس بن عامر، عن أبان، عن أبي حمزة
الثمالي، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: إن الله وكل بقبر الحسين عليه السلام أربعة
آلاف ملك شعث غبر يبيكونه من طلوع الفجر الى زوال الشمس، فإذا
زالت الشمس هبط أربعة آلاف ملك و صعد أربعة آلاف ملك، فلم يزل
يبيكونه حتى يطلع الفجر - وذكر الحديث -».

ترجمه:

﴿ حدیث یازدهم ﴾

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره از عباس بن عامر، از ابان، از ابو حمزه ثمالی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام موکل قرار داده که جملگی ژولیده و غمگین و گرفته بوده و از طلوع صبح تا زوال آفتاب (وقت ظهر) بر آن جناب می‌گیرند و وقتی ظهر می‌شود چهار هزار فرشته دیگر به زمین فرود آمده و این چهار هزار نفر به آسمان می‌روند و فرشتگان به زمین آمده پیوسته می‌گیرند تا صبح طلوع کند.....

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ هَارُونَ «قَالَ: سَأَلَ رَجُلًا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَ أَنَا عَنْده - فَقَالَ: مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ فَقَالَ: إِنَّ الْحُسَيْنَ عليه السلام لَمَّا أُصِيبَ بِكَتْهِ حَتَّى الْبِلَادِ، فَوَكَّلَ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلِكًا شُعْنًا غُبْرًا، يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

ترجمه:

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن عبدالله، از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی بن مهزیار، از ابوالقاسم، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون نقل کرده که وی گفت: شخصی از حضرت

ابو عبدالله علیه السلام سؤال نمود و من نیز آنجا حاضر بودم.

وی عرضه داشت: برای کسی که قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند چه ثوابی است؟
حضرت فرمودند:

زمانی که حضرت حسین علیه السلام به بلا و مصیبت گرفتار شد تمام موجودات حتی بلاد و شهرها بر آن حضرت گریستند، پس خداوند متان چهار هزار فرشته بر او موکل ساخت که جملگی ژولیده و غمگین و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن جناب گریه می کنند

متن:

۱۳ - و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ صَبَاحِ الْحِذَاءِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مِرْوَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ زُورُوا الْحُسَيْنَ علیه السلام وَلَوْ كُلَّ سَنَةٍ فَإِنَّ كُلَّ مَنْ أَتَاهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ جَائِدٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ عِوَضٌ غَيْرُ الْجَنَّةِ، وَرُزْقٌ رِزْقًا وَاسِعًا، وَآتَاهُ اللَّهُ بِفَرَجٍ عَاجِلٍ، إِنَّ اللَّهَ وَكُلَّ بَقَرٍ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ، كُلُّهُمْ يَبْكُونَهُ، وَيَشْتَعُونَ مِنْ زَارِهِ إِلَى أَهْلِهِ، فَإِنْ مَرَضَ عَادُوهُ، وَإِنْ مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ بِالْأَسْتِغْفَارِ لَهُ وَالتَّوَحُّمِ عَلَيْهِ».

حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

ترجمه:

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

پدرم رحمه الله عليه از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحُسين، از حسن بن محبوب، از صباح حدّاء، از محمد بن مروان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده، وی گفت:

شنیدم که آن حضرت می فرمودند:

حسین علیه السلام را زیارت کنید اگرچه در هر سال باشد زیرا کسانی که او را در حالی که به حقّش عارف بوده و آن را انکار ندارند زیارت کنند عوض و پاداشی ندارند مگر بهشت و روزی آنها واسع و فراخ بوده و خداوند منّان در دنیا فرج نصیبشان می کند، حق تبارک و تعالی چهار هزار فرشته را موکّل قبر حسین بن علی علیه السلام فرموده که تمام بر او می گریند و زائرین حضرت را مشایعت کرده تا به اهل خود برسند و اگر مریض شوند آنها را عیادت کرده و هنگامی که از دنیا روند بر سر جنازه آنها حاضر شده و برایشان طلب آمرزش و رحمت می نمایند.

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب به اسنادش نظیر همین روایت را نقل نموده است.

متن:

۱۴ - و حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: وَكَلَّ اللَّهُ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ شِعْثًا غَيْرًا يَبْكُونَهُ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ، يَصَلُّونَ عِنْدَهُ الصَّلَاةَ الْوَاحِدَةَ مِنْ صَلَوَاتِهِمْ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ مِنَ صَلَاةِ الْآدَمِيِّينَ، يَكُونُ ثَوَابُ صَلَوَاتِهِمْ وَاجِرٌ ذَلِكَ لِمَنْ زَارَ قَبْرَهُ».

ترجمه: ﴿ حدیث چهاردهم ﴾

پدرم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از پدرش، از سیف بن عمیره، از بکر بن محمد، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام موکل ساخته که تمام زولیده و غمگین و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن حضرت گریسته و نزد قبر آن جناب نماز می گذارند یک نماز ایشان معادل هزار نماز انسان ها می باشد و جالب اینکه ثواب نماز آنها برای کسی است که قبر آن حضرت را زیارت کند.



متن:

۱۵ - وحدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن صفوان بن يحيى، عن حنان بن سدير، عن مالك الجهني عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: إن الله وكل بالحسين علیه السلام ملكاً في أربعة آلاف ملك يبكونه ويستغفرون لزوَّاره و يدعون الله لهم».

ترجمه: ﴿ حدیث پانزدهم ﴾

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از صفوان بن یحیی، از حنان بن سدید، از مالک جهنی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال فرشته ای را در میان چهار هزار فرشته دیگر بر حسین علیه السلام موکل قرار داد، این فرشتگان جملگی بر آن حضرت گریسته و برای زائرین آن جناب طلب آمرزش کرده و دعاء می نمایند.

متن:

١٦ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصَرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ وَاقِدٍ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ مُقَرَّنٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا زَرْتُمْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَالْزَمُوا الصَّمْتَ الْأَمِنْ خَيْرٍ، وَ إِنَّ مَلَائِكَةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الْحَفَظَةِ تَحْضُرُ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ بِالْحَائِثِ، فَتَصَافِحُهُمْ فَلَا يُجِيبُونَهُمْ مِنْ شِدَّةِ الْبُكَاءِ فَيَنْتَظِرُونَهُمْ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ وَ حَتَّى يَنْوُرَ الْفَجْرُ، ثُمَّ يَكَلِّمُونَهُمْ وَيَسْأَلُونَهُمْ عَنْ أَشْيَاءَ مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ، فَأَمَّا مَا بَيْنَ هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ فَانَّهُمْ لَا يَنْطَقُونَ وَ لَا يَفْتَرُونَ عَنِ الْبُكَاءِ وَ الدُّعَاءِ، وَ لَا يَشْغَلُونَهُمْ فِي هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ عَنْ أَصْحَابِهِمْ، فَأَمَّا شُغْلُهُمْ بِكُمْ إِذَا نَطَقْتُمْ.

قلت: جعلت فداك و ما الذى يسألونهم عنه أيهم يسأل صاحبه، الحفظة أو أهل الحائر؟ قال: أهل الحائر يسألون الحفظة، لأن أهل الحائر من الملائكة لا يبرحون، و الحفظة تنزل و تصعد، قلت: فما ترى يسألونهم عنه؟ قال: أنهم يمرّون إذا عرجوا باسمعيل صاحب الهواء، فربما وافقوا النبي صلى الله عليه وآله و عنده فاطمة و الحسن و الحسين و الأئمة من مضى منهم فيسألونهم عن أشياء و عمّن حضر منكم الحائر، و يقولون: بشروهم بدعائكم، فتقول الحفظة: كيف نبشّركم و هم لا يسمعون كلامنا؟ فيقولون لهم: باركوا عليهم و ادعوا لهم عنّا فهي البشارة منّا فإذا انصرفوا فحقّوهم بأجنحتكم حتّى يحسّوا مكانكم و أنا نستودعهم الذى لا تضيع ودائعه؛

و لو يعلمون ما في زيارته من الخير و يعلم ذلك الناس لا قتلوا على زيارته بالسيف، و لباعوا أموالهم في إتيانه، و أن فاطمة عليها السلام اذا نظرت إليهم و معها ألف نبي و ألف صديق و ألف شهيد من الكرويين ألف ألف يسعدونها على البكاء، و أنها لتشهق شهقة فلا يبق في السماوات ملك إلا بكى رحمة لصوتها، و ما تسكن حتى يأتيها النبي صلى الله عليه وآله فيقول: يا بنيتة قد أبكيت أهل السماوات و شغلتهن عن التسبيح و التقديس فكفي حتى يقدسوا، فإن الله بالغ أمره، و أنها لتنظر إلى من حضر منكم فتسأل الله لهم من كل خير، و لاتزهدوا في إتيانه! فإن الخير في إتيانه أكثر من أن يحصى».



﴿ حدیث شانزدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم نقل کرده که وی گفت:

هشتم بن واقد، از عبدالملک بن مقرن از امام صادق عليه السلام برای ما نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

وقتی به زیارت حضرت ابا عبدالله عليه السلام رفتید در آنجا سکوت اختیار کرده و کلامی نگوئید مگر سخن نیک و خیر، زیرا فرشتگان شب و روز که از نگهبانان و حافظین هستند نزد فرشتگانی که در حائر حسینی می باشند آمده و با ایشان مصافحه کرده ولی ایشان از شدت گریه و ناراحتی که دارند جواب آنها را نداده بناچار آنها صبر می کنند تا ظهر فردا برسد و صبح طلوع نماید سپس آنان با ایشان سخن گفته و راجع به امور آسمانی سؤالاتی را مطرح می نمایند ولی بین این دو

وقت (صبح و ظهر) ابدأ صحبت نکرده و از گریستن و دعاء نمودن کوتاهی نمی‌کنند و در ایندو وقت آن فرشتگان نیز ایشان را از یارانشان منصرف و مشغول نمی‌کنند تنها وقتی شما سخن گفته و تکلم می‌نمائید ایشان مشغول و منصرف می‌گردند.

راوی می‌گوید: محضر امام علیه السلام عرض کردم:

فدایت شوم، چه چیزی را سؤال می‌کنند و کدامیک از دیگری می‌پرسد آیا فرشتگان نگهبان و حافظ از فرشتگان حائر سؤال می‌کنند یا بالعکس؟ حضرت فرمودند:

فرشتگان اهل حائر از حافظین و نگهبانان می‌پرسند، زیرا فرشتگان حائر از آنجا دور نشده و به جانی دیگر نمی‌روند ولی حافظین و نگهبانان به زمین نزول کرده و از آن به آسمان صعود می‌کنند. عرض کردم: نظر شما راجع به سؤال آنها چه بوده و می‌فرمائید از چه چیز سؤال می‌کنند؟

حضرت فرمودند: حافظین وقتی به آسمان عروج می‌کنند عبورشان به اسماعیل یعنی صاحب هواء می‌افتد و بسا با نبی اکرم صلی الله علیه و آله ملاقات کرده در حالی که نزد آن جناب حضرات فاطمه و حسن و حسین و ائمه علیهم السلام (مقصود حضرات ائمه ماضی بوده نه امام حاضر علیه السلام) حضور دارند پس فرشتگان از ایشان راجع به اشیائی چند و در باره آنانکه از شما در حائر حاضر می‌شوند سؤالاتی می‌کنند؟ حضرات معصومین علیهم السلام در پاسخ سؤالاتشان می‌فرمایند:

زائرین را بشارت دهید و به دعائی که برای ایشان می‌نمائید مژده دهید. فرشتگان حافظ عرض می‌کنند: چگونه به ایشان بشارت دهیم در حالی که صدای ما را نمی‌شنوند؟

حضرات معصومین علیهم السلام به ایشان می‌فرمایند:

برای ایشان دعاء کنید که برکات حق تعالی بر ایشان مداوم باشد و نیز از جانب

ما ایشان را دعاء نمایند و این خود بشارتی است از ما به ایشان و وقتی از زیارت برگشتند با بال‌هایشان ایشان را نوازش کنید، بطوری که شما را حس و درک نمایند و ما ایشان را به امانت نزد شما می‌سپاریم و امید است که این ودائع ضایع و تباه نشوند.

و اگر خیر و برکتی که در زیارت آن جناب است مردم می‌دانستند قطعاً و به طور حتم در نائل شدن به زیارت آن حضرت با شمشیر با یکدیگر به مقاتله پرداخته و مال‌های خود را فروخته و به زیارت آن جناب می‌رفتند.

و حضرت فاطمه علیها السلام هرگاه به ایشان (زائرین) نظر نمایند در حالی که با وی هزار پیغمبر و هزار صدیق و هزار شهید از کروبین می‌باشند هزار هزار (یک میلیون) نفر آن حضرت را بر گریستن یاری و همراهی می‌کنند و آن حضرت چنان فریاد می‌زنند که هیچ فرشته‌ای در آسمان‌ها باقی نمی‌ماند مگر آنکه از صدای ایشان بگریه می‌افتد، و آن حضرت آرام نمی‌گیرند تا وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نزد ایشان آمده و می‌فرمایند:

دخترم، اهل آسمان‌ها را به گریه انداختی و ایشان را از تسبیح و تقدیس حق تعالی بازداشتی، پس خودداری کن تا ایشان به تقدیس حق پردازند چه آنکه امر و فرمان خدا بر همه چیز نافذ و روان می‌باشد.

سپس امام علیه السلام فرمودند:

حضرت فاطمه علیها السلام به کسانی که از شما به زیارت سیدالشهداء روند نظر فرموده و از خداوند منان برای ایشان هر خیر و خوبی را مسئلت می‌نمایند، مبادا در رفتن، به زیارت آن جناب بی‌رغبت باشید چه آنکه خیری که در زیارت آن حضرت است بیشتر از آنستکه بتوان احصاء و شمارش نمود.

متن:

۱۷- و حدَّثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن عليّ ابن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم قال حدَّثنا ابو عبيدة البرّاز، عن حريز، عن أبي عبدالله عليه السلام: «قال: قلت له: جعلت فداك ما اقلّ بقاؤكم أهل البيت و أقرب آجالكم بعضها من بعض مع حاجة هذا الخلق اليكم! فقال: إنّ لكلّ واحدٍ منّا صحيفة فيها ما يحتاج إليه أن يعمل به في مدّته، فإذا انقضى ما فيها تمّا أمر به عرف أنّ أجله قد حضر و اتاه النّبي عليه السلام ينعي إليه نفسه و اخبره بما له عند الله و إنّ الحسين عليه السلام قرء صحيفته السّقى اعطيها و فسّره ما يأتي و ما يبقى و بقي منها أشياء لم تنقض فخرج إلى القتال فكانت تلك الأمور التي بقيت أنّ الملائكة سألت الله في نصرته فأذن لهم فكثرت تستعدّ للقتال و تأنّهب لذلك حتّى قُتل فنزلت الملائكة و قد انقطعت مدّته و قتل عليه السلام فقالت الملائكة يا ربّ أذنّت لنا بالأخذار في نصرته فانحدروا و قد قبضته؟ فأوحى الله تبارك و تعالى إليهم أن ألزموا قبره حتّى ترويه و قد خرج فانصروه و ابكوا عليه و على ما فاتكم من نصرته و إنّكم خصّصتم بنصرته و البكاء عليه فبكت الملائكة حزناً و جزعاً على ما فاتهم من نصرة الحسين عليه السلام فإذا خرج عليه السلام يكونون أنصاره».

﴿ حدیث هفدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم نقل

کرده که وی گفت:

ابو عبیده بزاز از حریر برای ما نقل کرد که وی به حضرت ابو عبدالله علیه السلام عرض نمود:

فدایت شوم چقدر مانند شما اهل بیت در این دار فانی کم بوده و چقدر اجل شما نزدیک است با اینکه تمام این خلایق به شما احتیاج دارند حضرت فرمودند:

هر کدام از ما صحیفه‌ای داریم که در طول مدت عمر به آنچه نیازمندیم عمل کنیم در آن ثبت و ضبط شده است پس هرگاه آنچه در صحیفه نوشته شده منقضی گشت معلوم می‌شود اجل صاحب صحیفه فرا رسیده و در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد وی آمده و خبر ارتحالش را اعلام نموده و از آنچه برای او نزد خداست خبر می‌دهند و حضرت امام حسین علیه السلام نیز صحیفه‌ای را که داده شده بودند قرائت فرموده و برای آن جناب اموری که باقی مانده منقضی نمی‌گردید تفسیر گردیده بود لذا آنچه می‌باید واقع شود واقع گردید و باقی ماندن اشیائی که بوقوع نپیوست لذا حضرتش به قتال شتافت پس آن اموری که باقی مانده بودند این بود که فرشتگان از حقتعالی طلب نصرت آن حضرت را کردند و به ایشان اذن یاری داده شد پس ایشان درنگ نموده و خود را آماده برای قتال و کارزار کردند تا آن حضرت به شهادت رسیدند و پس از این واقعه فرشتگان به زمین فرود آمدند یعنی پس از انقطاع مدت عمر آن حضرت و به شهادت رسیدن آن جناب و وقتی ملائکه این واقعه را دیدند به درگاه الهی عرض کردند:

خداوند! به ما اذن هبوط و فرود آمدن به زمین را دادی و اجازه نصرت و یاری آن حضرت را اعطاء فرمودی پس وقتی ما به زمین آمدیم که حضرتش را قبض روح کرده‌ای؟

خداوند متعال به ایشان وحی نمود که ملازم قبر آن حضرت بوده تا آن جناب

را ببینند و وقتی آن حضرت از قبر خارج گشت نصرتش نمائید و نیز بر او و بر آنچه از شما نسبت به یاری آن حضرت فوت گردیده گریه کنید و تنها شما گروه فرشتگان هستید که مختص به این خصیصه گردیده اید که آن جناب را یاری کرده و بر مصیبتش گریه نمائید، پس فرشتگان بخاطر آنچه از دستشان رفته بود و نتوانسته بودند به آن حضرت کمک کنند محزون گشته و از روی جزع و حزن بر آن جناب به گریه درآمدند و هنگامی که حضرت سید الشهداء از قبر خارج گردیدند این فرشتگان انصار و یارانش می باشند.

﴿الباب الثامن والعشرون﴾

﴿بُكَاءُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ عَلَى قَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبُكَاءُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

متن:

۱- حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعه مشایخی: علی بن الحسین؛ و محمد بن الحسن، عن سعد بن عبدالله، عن یعقوب بن یزید، عن أحمد بن الحسن الميثمی، عن علی الأزرق، عن الحسن بن الحكم النخعی عن رجل «قال: سمعت أمير المؤمنين عليه السلام في الرحبة وهو يتلو هذه الآية «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ» و خرج عليه الحسين من بعض أبواب المسجد، فقال: ما إن هذا سيقتل و تبكى عليه السماء والأرض».

﴿ باب بیست و هشتم ﴾

﴿ گریستن آسمان و زمین بر شهادت حضرت حسین علیه السلام ﴾﴿ و یحیی بن زکریا علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از اساتیدم (علی بن الحُسَین و محمد بن الحسن) از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید، از احمد بن الحسن المیشمی، از علی ارزق، از حسن بن حکم نخعی، از شخصی نقل کرده اند که وی گفت: در سرزمین رُحَبَه از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که این آیه شریفه را تلاوت می فرمودند:

«فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ».

در این هنگام حضرت حسین علیه السلام از یکی از درب های مسجد داخل شد، حضرت فرمودند: بدانید این (یعنی حضرت حسین علیه السلام) عنقریب کشته خواهد شد و آسمان و زمین بر او می گریند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مَسْكِينٍ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ عِيسَى الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى، عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ «قَالَ: خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَجَلَسَ فِي الْمَسْجِدِ وَاجْتَمَعَ أَصْحَابُهُ حَوْلَهُ وَجَاءَ الْحُسَيْنُ علیه السلام حَتَّى قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ فَقَالَ: يَا بَنِي إِنْ اللَّهَ عَبَّرَ أَقْوَامًا بِالْقُرْآنِ، فَقَالَ: «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ». وَ أَمِيرُ اللَّهِ لِيَقْتُلَنَّكَ بَعْدِي، ثُمَّ تَبْكِيكَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن الحُسَین، از حکم بن مسکین، از داود بن عیسیٰ انصاری، از محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی، از ابراهیم نخعی نقل کرده که وی گفت:

امیرالمؤمنین علیه السلام بیرون آمده و در مسجد نزول اجلال فرموده و اصحاب و یاران دور آن حضرت حلقه زدند در این هنگام حضرت حسین علیه السلام تشریف آوردند تا رسیدند مقابل امیرالمؤمنین علیه السلام و آنجا ایستادند، امیرالمؤمنین علیه السلام دست مبارک بر سر ایشان نهاده و فرمودند:

پسرم، خداوند متعال اقوام و طوائفی را بوسیله قرآن تقبیح نموده و مورد سرزنش و ملامت قرار داده و فرموده است:

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ.

به خدا قسم حتماً پس از من تو را خواهند کشت سپس آسمان و زمین بر تو گریه خواهند نمود.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

ترجمه:

پدرم، از سعد بن عبدالله، از محمد بن حسین بن ابی الخطّاب به اسنادش مثل و نظیر همین حدیث را نقل نموده است.

متن:

۳- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ النَّخَّاسِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) «قَالَ: إِنَّ الْحُسَيْنَ (ع) بَكَى لِقَتْلِهِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَاحْمَرَّتَا، وَلَمْ تَبْكِيَا عَلَى أَحَدٍ قَطُّ إِلَّا عَلَى يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا، [وَالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع)]».

وَحَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.

﴿ حَدِيثِ سَوِّم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحُسين، از وهیب بن حفص نخّاس، از ابو بصیر، از حضرت ابی عبدالله (ع) نقل نموده که آن حضرت فرمودند: همانا آسمان و زمین برای شهادت حضرت حسین (ع) گریسته و سرخ شدند و بر احدی هرگز نگریسته مگر بر حضرت یحیی بن زکریا و حسین بن علی (ع). و پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحُسين به اسنادش نظیر همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

۴- و حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ، وَغَيْرُهُ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا، وَلَمْ تَبْكِيَا عَلَى أَحَدٍ غَيْرِهِمَا، قُلْتُ: وَ مَا بِكََاؤُهَا؟ قَالَ: مَكَثْتُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا تَطْلُعُ كَالشَّمْسِ

بِحُمْرَةٍ وَ تَغْرِبُ بِحُمْرَةٍ قُلْتَ: فَذَٰكَ بِكَأْوَهَا؟ قَالَ: نَعَمْ».

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

علی بن الحُسَین بن موسی بن بابویه و غیر او، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عبدالجبار، از حسن بن علی بن فضال، از حماد بن عثمان، از عبدالله بن هلال نقل کرده که وی گفت:

شنیدم حضرت ابو عبدالله علیه السلام می فرمودند:

آسمان بر حضرت حسین بن علی و یحیی بن زکریا علیهما السلام گریست و بر احدی غیر این دو گریه نکرد.

عرض کردم: گریه آسمان چیست و چگونه بوده؟

حضرت فرمودند:

چهل روز آسمان درنگ و توقف نمود، خورشید با رنگی قرمز طلوع نموده و با رنگی سرخ غروب می کرد.

عرضه داشتم: این گریه آسمان بود؟

حضرت فرمودند: بلی.

متن:

۵ - وَ حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

أَحْمَدَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَهْلٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُنْهَرِ الْقُرَشِيِّ «قَالَ: حَدَّثَنِي جَدِّي أَنَّهَا أَذْرَكَتِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام حِينَ قُتِلَ فَكُنَّا سَنَةً وَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ، وَ السَّمَاءُ مِثْلَ الْعَلَقَةِ مِثْلُ الدَّمِّ، مَا تَرَى الشَّمْسَ».

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از عبدالله بن احمد، از عمر بن سهل، از علی بن مشیر قرشی نقل کرده که وی گفت:
جذّه من برایم نقل کرد که هنگام شهادت حسین بن علی علیه السلام را درک نموده
وی گفت:

یکسال و نه ماه پس از این واقعه پیوسته آسمان مانند لخته خونی بود
و خورشید اصلاً دیده نشد.

متن:

۶- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ»، قَالَ: لَمْ تَبْكِ السَّمَاءُ عَلَى أَحَدٍ مِّنْذُ قَتَلَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا حَتَّى قُتِلَ الْحُسَيْنُ عليه السلام فَبَكَتْ عَلَيْهِ».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

علی بن الحُسَین بن موسی، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابن فضال، از ابی جمیل، از محمد بن علی الحلّبی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده که آن حضرت در ذیل آیه شریفه: فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ.

فرمودند:

از زمانی که حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام کشته شد آسمان بر احدی نگریست تا هنگامی که حضرت حسین علیه السلام شهید شدند که در این هنگام باز یک بار دیگر آسمان گریست.

متن:

۷۔ و حدَّثنی محمد بن جعفر الرزاز القرشي قال: حدَّثنی محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن صفوان بن يحيى، عن داود بن فرقد، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: احمرَّت السماء حين قُتل الحسين عليه السلام سنة، و يحيى ابن زكريّا، و مُرثها بُكاؤها».

﴿ حدیث ہفتم ﴾

ترجمہ:

محمد بن جعفر رزاز قرشی می گوید:

محمد بن الحُسين بن أبي الخطاب برایم نقل نمود از صفوان بن يحيى، از داود بن فرقد، از حضرت ابو عبدالله عليه السلام کہ آن حضرت فرمودند: هنگامی کہ حضرت حسین عليه السلام شهید شدند و يحيى بن زكريا را کشتند آسمان تا یکسال سرخ بود و این سرخی گریستن آسمان به حساب آمده.

متن:

۸۔ و حدَّثنی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي بن فضال، عن ابن بكير، عن زرارة، عن عبد الخالق بن عبد ربه «قال: سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول: «لم نُجَلَّ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا»، الحسين بن علي عليه السلام لم يكن له من قبل سميًّا، و يحيى به زكريّا عليه السلام لم يكن له من قبل سميًّا، و لم تبك السماء الا عليهما أربعين صباحاً، قال: قلت: ما بُكاؤها؟ قال: كانت تطلع حمراء و تغرب حمراء».

ترجمه: ﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن علی بن فضال، از ابن بکیر، از زرارہ، از عبدالخالق بن عبد ربہ نقل کرده کہ وی گفت:

شنیدم کہ حضرت ابو عبدالله علیه السلام در ذیل آیه شریفه:

لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا.

می فرمودند:

حسین بن علی علیه السلام پیش تر همنامی نداشتند و یحیی بن زکریا علیه السلام نیز قبلاً همنامی نداشتند.

و آسمان بر احدی نگریست مگر بر این دو کہ چهل صباح گریه کرد.
راوی می گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرض کردم: گریه آسمان چه بود؟
حضرت فرمودند: هنگام طلوع و غروب آسمان سرخ بود.

متن:

۹- و حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ؛ وَ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعاً، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام «قَالَ: مَا بَكَتِ السَّمَاءُ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا إِلَّا عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام، فَانْهَارَتْ عَلَيْهِ أَرْبَعِينَ يَوْماً».

ترجمه: ﴿ حدیث نهم ﴾

علی بن الحُسَین بن موسی، از علی بن ابراهیم و سعد بن عبدالله، جملگی از ابراهیم بن هاشم، از علی بن فضال، از ابی جمیلہ، از جابر، از حضرت

ابی جعفر علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:

بعد از حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام آسمان بر احدی نگریست مگر بر حضرت حسین بن علی علیه السلام چه آنکه چهل روز آسمان بر آن حضرت گریه می کرد.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْكُوفِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بِشِيرٍ، عَنْ كَلِيبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْأَسَدِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: لَمْ تَبْكِ السَّمَاءُ إِلَّا عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عليه السلام».



﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز کوفی از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از جعفر بن بشیر، از کلیب بن معاویه اسدی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

آسمان بر احدی نگریسته است مگر بر حضرت حسین بن علی علیه السلام و یحیی بن زکریا علیه السلام.

متن:

۱۱ - وَ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعْدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَمَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ - «قَالَ: لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام أَمْطَرَتِ السَّمَاءُ تَرَاباً أَحْمَراً».

ترجمه:

﴿ حدیث یازدهم ﴾

محمد بن جعفر رزاز کوفی از محمد بن الحُسن بن ابی الخطّاب، از محمد ابن الحُسن، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد، از محمد بن سلمه از کسیکه برایش نقل نموده، وی گفت:

هنگامی که حسین بن علی علیه السلام کشته شدند از آسمان خاک سرخ می بارید.

متن:

۱۲ - حدیثی حکیم بن داود بن حکیم، عن سلمة بن الخطاب، عن محمد بن أبي عمير، عن الحسين بن عيسى، عن أسلم بن القاسم قال: أخبرنا عمر بن وهب، عن أبيه، عن علي بن الحسين عليه السلام «قال: إن السماء لم تبك منذ وضعت إلا على يحيى بن زكريا والحسين بن علي عليه السلام، قلت: أي شيء كان بكأوها؟ قال: كانت إذا استقبلت بثوب وقع على الثوب شبه أثر البراغيث من الدّم».

ترجمه:

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه بن خطّاب، از محمد بن ابی عمیر، از حسین بن عیسی، از اسلم بن قاسم، وی می گوید:

عمر بن وهب به ما خبر داد از پدرش، از علی بن الحُسن علیه السلام که آن جناب فرمودند:

از زمانی که آسمان تعبیه شده و وضع گردیده تا بحال بر احدی نگریسته مگر بر یحیی بن زکریا و حسین بن علی علیه السلام.

عرض کردم: گریه آسمان چه بوده؟

حضرت فرمودند:

وقتی لباسی را در مقابل آن قرار می‌دادی روی آن اثری شبیه به خون پشه واقع می‌گشت.

متن:

۱۳ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِي بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُوسَى بْنِ الْفَضْلِ، عَنْ حَنَانٍ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؛ فَإِنَّهُ بَلَّغَنَا عَنْ بَعْضِهِمْ أَنَّهَا تُعَدُّ حَجَّةً وَ عُمْرَةً؟ قَالَ: لَا تَعْجَبُ بِالْقَوْلِ هَذَا كُلُّهُ ^(۱)، وَلَكِنْ زُرُّهُ وَلَا تُجْفِهْ فَإِنَّهُ سَيِّدُ الشَّهَدَاءِ؛ وَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ شَبِيهِهِ يَحْيَى بْنُ زَكْرِيَّا وَ عَلَيْهِمَا بَكَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ».

ترجمه: **حدیث سیزدهم**

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحُسَین از سعد بن عبدالله، از احمد بن عیسی، از موسی بن فضل از حنان نقل کرد که وی گفت:
محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه می‌فرمائید راجع به زیارت قبر حضرت ابی عبدالله الحُسَین علیه السلام زیرا از بعضی شما نقل شده که زیارت آن حضرت معادل یک حج و یک عمره می‌باشد؟
حضرت فرمودند:

چه قدر ضعیف است این حدیث، زیارت آن حضرت معادل کل این ثواب

۱ - در نسخه بحار چنین آمده: قَالَ: مَا أضعف هذا الحديث ما تعدل هذا كله ...

و مرحوم مجلسی آنرا معمول بر نقلیه دانسته است و ما حدیث را طبق نسخه بحار ترجمه می‌کنیم زیرا طبق

نسخه موجود معنای واضح و روشنی برای آن نمی‌بینیم.

نیست ولی در عین حال شما آن حضرت را زیارت کرده و به او جفاء نکنید زیرا آن جناب سید شهداء و سید جوانان اهل بهشت و شبیه یحیی بن زکریا است و بر این دو آسمان و زمین گریسته‌اند.

متن:

حدَّثنی ابی؛ و محمد بن الحسن بن الولید، عن محمد بن الحُسَین الصَّفَّار، عن عبد الصَّمد بن محمد، عن حنان بن سَدیر، عن ابی عبد الله علیه السلام مثله سواء.

حدَّثنی ابی - رحمة الله - تعالی و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن اسماعیل بن بزیع، عن حنان بن سَدیر، عن ابی عبد الله علیه السلام مثله.

مرکز تحقیقات اسلامی قم

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از عبد الصمد ابن محمد، از حنان بن سدید، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند:

پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل بن بزیع از حنان بن سدید از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نظیر این حدیث را نقل کرده‌اند.

متن:

۱۴ - و بهذا الأسناد عن احمد بن محمد بن عیسی - عن غیر واحد - عن جعفر بن بشیر، عن حماد، عن عامر بن معقل، عن الحسن بن زیاد، عن

ابی عبدالله علیه السلام «قال: كان قاتل يحيى بن زكريا ولد زنا، وقاتل الحسين علیه السلام ولد زنا، ولم تبك السماء على أحدٍ الا عليهما، قال: قلت: وكيف تبكى؟ قال: تطلع الشمس في حمرة، و تغيب في حمرة».

حدَّثني محمد بن جعفر القرشي، عن محمد بن الحسين، عن جعفر بن بشير باسناده مثله.

ترجمه: ﴿ حدیث چهاردهم ﴾

و با همین اسناد مذکور از احمد بن محمد بن عیسی، از جماعتی، از جعفر بن بشیر، از حماد، از عامر بن معقل، از حسن بن زیاد، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

قاتل یحیی بن زکریا و حسین بن علی علیه السلام زنا زاده بوده و آسمان بر احدی نگریست مگر بر این دو. *راختختگی بر سر من و منم*

راوی می گوید: عرض کردم: چگونه آسمان گریست؟

حضرت فرمودند:

طلوع خورشید و غروبش در سرخی بود.

محمد بن جعفر قرشی، از محمد بن الحُسَین، از جعفر بن بشیر به اسنادش مثل همین حدیث را نقل نموده است.

متن:

۱۵ - و حدَّثني أبي؛ و علي بن الحسين - رحمهما الله - جميعاً، عن سعد ابن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي الوشاء، عن حماد بن عثمان، عن عبدالله بن هلال، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: سمعته

يقول ان السماء بَكَت على الحسين بن علي و يحيى بن زكريا، ولم تبكِ على أحدٍ غيرهما، قلت: و ما بُكاؤُها؟ قال: مَكَثوا أربعين يوماً تطلع الشمس بِحُمْرَةٍ، و تغرب بِحُمْرَةٍ قلت: فذاك بُكاؤُها؟ قال: نعم».

ترجمه: ﴿ حدیث پانزدهم ﴾

پدرم و علی بن الحُسَین رحمۃ اللہ علیہما جملگی از سعد بن عبدالله، از احمد ابن محمد بن عیسی، از حسن بن علی الوشاء، از حماد بن عثمان، از عبدالله بن هلال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب می فرمودند: آسمان بر حسین بن علی و یحیی بن زکریا علیہ السلام گریسته و بر احدی غیر این دو گریه نکرده است.



عرض کردم: چگونه آسمان گریسته است؟

حضرت فرمودند:

مرکز تحقیقات علمی و پژوهشی

تا چهل روز طلوع و غروبش در سرخی بود.

عرض کردم: گریه آسمان این گونه بوده است؟

حضرت فرمودند: بلی.

متن:

۱۶ - و عنهما عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد، عن البرقي محمد بن خالد، عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسني، عن الحسن بن الحكم النخعي عن كثير بن شهاب الحارثي «قال: بينما نحن جلوس عند أمير المؤمنين عليه السلام في الرُّحْبَةِ إذ طلع الحسين عليه السلام عليه فضحك علي عليه السلام ضحكاً حتى بدت نواجذُهُ، ثم قال: ان الله ذكر قوماً و قال: «فما بَكَت

عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ»، وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ
النَّسَمَةَ لِيُقْتَلَنَّ هَذَا وَلِتَبْكِينَ عَلَيْهِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ».

﴿ حدیث شانزدهم ﴾

ترجمه:

از پدرم و علی بن الحُسَین از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از برقی
(محمد بن خالد)، از عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی، از حسن بن المحکم النخعی،
از کثیر بن شهاب حارثی، وی گفت:

هنگامی که محضر مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام در رجه نشسته بودیم، در این
وقت حضرت حسین علیه السلام بر آن جناب وارد گشت، امیرالمؤمنین چنان خندیدند
که دندانهای عقل آن جناب ظاهر گردید سپس فرمودند:

خداوند متعال در قرآن کریم قومی را یاد کرده و می فرماید:

فَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ.

قسم به کسی که حبه را شکافت و بنده را آفرید این (یعنی حضرت
حسین علیه السلام) را البته خواهند کشت و قطعاً آسمان و زمین بر او می گیرند.

متن:

۱۷ - وَحَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
مُحَمَّدٍ، عَنِ الْبَرْقِيِّ، عَنِ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ
«قَالَ: قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیه السلام: مَا بَكَتِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ إِلَّا عَلَى يَحْيَى بْنِ
زَكَرِيَّا وَالْحُسَيْنِ علیه السلام».

﴿ حدیث هفدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از برقی، از

عبدالعظیم، از حسن، از ابی سلمه نقل کرده که گفت:

حضرت جعفر بن محمد (ع) فرمودند:

آسمان و زمین بر احدی نگریسته مگر بر یحیی بن زکریا و حسین بن علی (ع).

متن:

۱۸ - حدَّثنی ابی؛ و اخی - رحمهما الله - عن احمد بن ادريس؛ و محمد ابن یحیی جمیعاً، عن العُمَرَکی بن علی، البوفکی قال: حدَّثنا یحیی - وکان فی خدمة ابی جعفر الثانی (ع) - عن علی، عن صفوان الجمال، عن ابی عبد الله (ع) «قال: سألته فی طریق المدينة - نحن نرید المکة - فقلت: ابن رسول الله ما لی أراک کثیباً حزیناً مُنکسراً؟! فقال: لو تسمع ما اسمع لشغلك عنه مسألتی، قلت: فما الَّذی تسمع؟! قال: ابتهال الملائكة الی الله عزّ و جلّ علی قتلة امیرالمؤمنین و قتلة الحُسَین (ع)، و نوح الجنّ و بکاء الملائكة الذین حوله و شدّة جَزَعِهِمْ، فمن یتهنّأ مع هذا بسطعام أو شراب أو نوم؟! - و ذکر الحديث -».

﴿ حدیث هجدهم ﴾

ترجمه:

پدر و برادرم رحمة الله علیهما، از احمد بن ادريس و محمد بن یحیی، جملگی از عمرکی بن علی بوفکی نقل کرده که وی گفت:

یحیی که در خدمت حضرت ابی جعفر ثانی (ع) بود از علی و او از صفوان جمال و او از حضرت ابی عبد الله (ع) نقل کرد که وی گفت:

در راه مدینه بودیم ولی قصدمان مکه بود بهر صورت در راه مدینه از حضرت

ابی عبدالله علیه السلام سؤال کرده و محضر مبارکش عرض کردم:
ای پسر رسول خدا (ص): شما را چه می شود که غمگین و ناراحت و شکسته
حال می بینم؟

حضرت فرمودند:

اگر می شنیدی آنچه را که من می شنوم دیگر از من چنین سؤالی نمی کردی.
عرض کردم: چه چیز می شنوید؟

حضرت فرمودند: تضرع ملائکه به درگاه الهی و نفرینشان نسبت به کُشندگان
امیرالمؤمنین و حضرت حسین بن علی علیه السلام و نیز نوحه و زاری جن و گریستن
فرشتگانی که در اطراف قبر آن حضرت هستند بنابراین کیست که با شنیدن چنین
صداهائی غذا و شراب یا خواب بر او گوارا باشد؟!۱۹



متن:

۱۹ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ
الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ
عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ الْعُلَوِيِّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْحَكَمِ النَّخَعِيِّ،
عَنْ كَثِيرِ بْنِ شَهَابٍ الْحَارِثِيِّ «قَالَ: بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِالرُّخْبَةِ إِذْ طَلَعَ الْحُسَيْنُ عليه السلام قَالَ: فَضَحَكَ عَلِيُّ عليه السلام حَتَّى
بَدَتْ نَوَاجِذُهُ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ ذَكَرَ قَوْمًا فَقَالَ: «بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ
وَالْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ»، وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَدَأَ النَّسْمَةَ لَيَسْقُتَنَّ
هَذَا وَلَتَبْكَيْنَ عَلَيْهِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ».

﴿ حدیث نوزدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد ابن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی از عبدالعظیم بن عبدالله الحسینی العلوی، از حسن بن حکم النخعی از کثیر بن شهاب حارثی نقل کرده که وی گفت: در رحبه محضر مبارک امیر المؤمنین علیه السلام نشسته بودیم در این هنگام حضرت حسین علیه السلام ظاهر شدند، پس امیر المؤمنین علیه السلام چنان خندیدند که دندان‌های عقلشان پیدا شد سپس فرمودند:

خداوند متعال در قرآن کریمش قومی را یاد کرده و فرموده:

فما بكت عليهم السماء والارض و ما كانوا منظرين.

قسم به کسی که حبه را شکافته و بنده را آفریده البته این (حضرت حسین علیه السلام) را خواهند کشت. و آسمان و زمین بر او می‌گرید.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

متن:

۲۰ - و عنه، عن نصر بن مزاحم، عن عمر بن سعد قال: حدثني أبو معشر، عن الزُّهري «قال: لما قتل الحسين علیه السلام أمطرت السماء دماً». و قال عمر بن سعد: و حدثني أبو معشر، عن الزُّهري «قال: لما قتل الحسين علیه السلام لم يبق في بيت المقدس حصاة إلا وجد تحتها دم غبيط».

﴿ حدیث بیستم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمة، از سعد بن عبدالله، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد نقل کرده که وی گفت:

ابو معشر از زهري نقل نمود که وی گفت:

هنگامی که حضرت حسین بن علی علیه السلام شهید شدند آسمان خون بارید.

و عمر بن سعد گفت:

ابو معشر، از زهری برایم نقل نمود که وقتی حسین بن علی علیه السلام شهید شد در بیت المقدس سنگ ریزه‌ای باقی نماند مگر وقتی آنرا بر می داشتیم خون تازه زیرش بود.

متن:

۲۱ - حدیثی ابی - رحمه الله - عن محمد بن الحسن بن مهزیار، عن أبیه، عن علی بن مهزیار، عن الحسن بن سعید، عن فضالة بن أيوب، عن داود بن فرقد «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: كان الذي قتل الحسين بن علي عليه السلام ولد زنا، والذي قتل يحيى بن زكريا ولد زنا، وقال: أحرقت السماء حين قُتل الحسين بن علي سنة، ثم قال: بكت السماء والأرض على الحسين بن علي وعلى يحيى بن زكريا، وأحمرتها بكاءها».

ترجمه: ﴿ حدیث بیست و یکم ﴾

پدرم رحمه الله علیه از محمد بن الحسن بن مهزیار، از پدرش، از علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از فضالة بن ایوب، از داود بن فرقد نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که فرمود:

کشتنده حضرت حسین بن علی علیه السلام زنازاده بود و آن کس که یحیی بن زکریا را نیز کشت ولد زنا بود، سپس حضرت فرمودند: هنگامی که حسین بن علی علیه السلام کشته شد تا یکسال آسمان سرخ بود، پس از آن فرمودند:

آسمان و زمین بر حسین بن علی علیه السلام و یحیی بن زکریا علیه السلام گریست و همین سرخی آن گریه وی می باشد.

﴿ الباب التاسع والعشرون ﴾
 ﴿ نوح الجن على الحسين بن علي علیه السلام ﴾

متن:

۱ - حدَّثني محمد بن جعفر القرشي الرزاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن نصر بن مزاحم، عن عمر بن سعد، عن عمرو بن ثابت، عن حبيب بن أبي ثابت، عن أم سلمة زوجة النبي صلی الله علیه و آله قالت: ما سمعت نوح الجن منذ قبض الله نبيه إلا الليلة، ولا أراني إلا وقد أصبت بأبي الحسين، قالت: وجاءت الجنّة منهم وهي تقول:

أَيَا عَيْنَايَ فَأَنهَمِلَا بِجَهْدٍ فَمَنْ يَبْكِي عَلَى الشُّهَدَاءِ بَعْدِي
 عَلَى رَهْطٍ تَقُودُهُمُ الْمَسَايَا إِلَى مُتَجَرِّ مِنْ نَسْلِ عَبْدِ

﴿ باب يستونهم ﴾
 ﴿ نوحه سرائی طائفه جن بر حسین بن علی علیه السلام ﴾

﴿ حديث أول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزّاز، از محمد بن الحُسن بن ابی الخطّاب، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد، از عمرو بن ثابت، از حبيب بن ابی ثابت، از ام سلمه همسر نبی اکرم صلی الله علیه و آله وی گفت:

از زمانی که خداوند منان روح نبی اکرم صلی الله علیه و آله را قبض فرمود نوحه سرائی طائفه جن را نشنیدم مگر همان شب (شب رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله) و ندیدم ایشان را مگر وقتی که به مصیبت فرزندان حسین علیه السلام مبتلا شدم.

ام سلمه می فرماید:

در همان زمان جنّیه از طائفه جن آمد در حالی که می گفت:

ای دو چشم من با شدّت و زاری گریه کنید، زیرا بعد از من چه کسی بر شهداء بگرید.

زاری کنید بر گروهی که مرگ آنها را به سوی ستمگری از نسل بنده و غلام می برد.

متن:

۲- حدّثنی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن یعقوب بن یزید، عن ابراهیم بن عُقبة، عن احمد بن عمرو بن مسلم، عن المیثمی «قال: خمسة من اهل الکوفة ارادوا نصر الحُسن بن علیؑ فرؤوا بقریة یقال لها: شاهی اذ اقبل علیهم رجلاً: شیخ و شابٌ فسَلما علیهم، و فقال الشّیخ: انا رجلٌ من الجنّ و هذا ابنُ اخی أردنا نصر هذا الرّجل المظلوم، قال: فقال لهم الشّیخ الجنّی: قد رأیت رأياً فقال الفتیة الأنسیون: و ما هذا الرّأی الذی رأیت؟ قال: رأیت ان أطیر فأتیکم بخبر القوم فتذهبون علی بصیره، فقالوا له: نعم ما رأیت، قال: فغاب یومه و لیلته فلما کان من الغد اذا هم بصُوت یسمعونّه و لا یرون الشّخص و هو یقول:

وَاللهِ مَا جِئْتُکُمْ حَتّی بَصَرْتُ بِهِ

بِالطّفِ مُنْعَفِرِ الْحَدّینِ مَنْحُورِ

وَحَوْلِهِ فَتِیةٌ تَدْمِی نَحُورَهُمْ

مِثْلَ الْمَصَابِیحِ یَمْلُونَ الدُّجَى نُورِ

وَقَدْ حَشَّتْ قُلُوصِي كُنْ اَصَادِفُهُمْ
 مِنْ قَبْلِ مَا اَنْ يَلَاقُوا الْخُرْدَ الْحُورَا
 كَانَ الْحُسَيْنِ سِرَاجاً يُسْتَضَاءُ بِهِ
 اللَّهُ يَعْلَمُ اَنِّي لَمْ اَقْلُ زُورَا
 مَجَاوِراً لِرَسُولِ اللَّهِ فِي غَرْفٍ
 وَلِلْبَتُولِ وَلِلطَّيَّارِ مَشْرُورَا
 فَأَجَابَهُ بَعْضُ الْفَتَيَّةِ مِنَ الْأَنْسِيَّيْنَ يَقُولُ:
 اِذْهَبْ فَلَا زَالَ قَبْرُ أَنْتِ سَاكِئُهُ
 إِلَى الْقَيْمَةِ يَسْقِي الْغَيْثَ مَمْطُورَا
 وَقَدْ سَلَكَتُ سَبِيلًا أَنْتِ سَالِكُهُ
 وَقَدْ شَرِبْتَ بِكَاسٍ كَانَ مَغْزُورَا
 وَفِتْنَةً فَرَّغُوا اللَّهَ أَنْفُسَهُمْ
 وَفَارَقُوا الْمَالَ وَالْأَحْبَابَ وَالْذُّورَا

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمہ:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید، از ابراهیم بن عقیبه، از احمد بن عمرو بن مسلم، از میثمی نقل کرده که وی گفت:
 پنج تن از اهل کوفه به قصد یاری حسین بن علی (علیه السلام) حرکت کردند و به قریه ای رسیدند که به آن شاهی می گفتند پس دو نفر یکی پیر و دیگری جوان جلوی آنها آمده و به ایشان سلام کردند پیر مرد گفت:
 من مردی از طائفه جن هستم و این جوان برادر زاده من بوده و ما قصدمان یاری نمودن به این مظلوم (یعنی حسین بن علی (علیه السلام)) می باشد.

پیرمرد جنی سپس به ایشان گفت: من پیشنهادی دارم.
 جوانی از این پنج نفر در جوابش گفت: پیشنهادت چیست؟
 پیرمرد جنی گفت: پیشنهادم این است که من پرواز کرده بروم و سپس خبر
 این گروه را بیاورم تا شما با بصیرت به طرف مقصدتان بروید.
 ایشان در جوابش گفتند: خوب پیشنهادی است.
 راوی می گوید:

پیرمرد جنی یک روز و یک شب از نظر ایشان غائب بود پس فردای آن روز
 ایشان صدائی شنیدند بدون اینکه صاحب آن را ببینند، صدا این بود:
 به خدا قسم نیامدم نزد شما مگر آنکه خود دیدم، در زمین طف که سری
 بریده و دو گونه هایش به خاک آلوده بود.
 و اطرافش جوانانی افتاده که از حلقومشان خون جاری بود نظیر چراغ هائی
 که تاریکی و ظلمت را بر طرف کرده اند.
 پیوسته ناچه خود را دواندم تا قبل از آنکه ایشان با حوریه های باکره ملاقات
 کنند مصادف کردم.

حسین علیه السلام چراغی فروزان بود و خدا می داند که من در این گفتار دروغ
 نمی گویم.

حسین علیه السلام در غرفه های بهشت مجاور رسول خدا صلی الله علیه و آله و بتول علیها السلام و جعفر
 طیار بوده در حالی که شادمان و مسرور می باشد.
 بعضی از جوانان در جواب آن صدا گفتند:
 برو پس پاینده و جاوید باد قبری که تو ساکن آن هستی تا قیامت باران بر آن
 ببارد.

پیمودم راهی را که تو نیز راهرو آن بودی و نوشیدم با کاسه ای که بسیار فراخ
 بود.

و نیز پیمودم راهی را که جوانانی در این راه جان خودشان را تسلیم خدا نموده و از مال و دوستان و خانه هایشان جدا گردیدند.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ: حَدَّثَنِي عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ؛ وَ عَمْرُو بْنُ ثَابِتٍ، عَنْ أَبِي زِيَادِ الْقَنْدِيِّ قَالَ: كَانَ الْجَحْطَاصُونَ يَسْمَعُونَ نُوحَ الْجَنِّ حِينَ قُتِلَ الْحُسَيْنُ عليه السلام فِي السَّحَرِ بِالْجَبَّانَةِ وَ هُمْ يَقُولُونَ:

مَسَحَ الرَّسُولُ جَبِينَهُ
أَبَوَاهُ مِنْ عَلِيَا قَرِيشَ
فَلَهُ بَرِيقٌ فِي الْخُدُودِ
جَدُّهُ خَيْرُ الْمَجْدُودِ



«حَدِيثِ سَوْمِ»

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از ام سلمه بن خطاب نقل کرده که وی گفت: عمر بن سعد و عمرو بن ثابت از ابی زیاد قندی برایم نقل نمود، وی گفت: زمانی که حضرت امام حسین علیه السلام شهید شدند گنج کارها در وقت سحر نوحه سرائی های طائفه جن را در قبرستان می شنیدند، ایشان می گفتند: رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشانی او را دست کشید پس در رخس نوری ساطع است. پدر و مادرش از برترین افراد قریش بوده، جد بزرگوارش بهترین جداها است.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ: قَالَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ: حَدَّثَنِي الْوَلِيدُ بْنُ عَسَّانٍ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - «قَالَ: كَانَتْ الْجَنُّ

تنوح علی الحُسَین بن علی علیه السلام تقول:
 لَمَنِ الْأَبْيَاتُ بِالطَّفِّ عَلَى كُرْهِ بَنِينِهِ
 تِلْكَ أَبْيَاتُ الْحُسَيْنِ يَتَجَاوَبُنَ الرَّئِيسَةَ

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم از سلمة بن خطاب نقل کرده که وی گفت:
 عمر بن سعد گفت: ولید بن غسان از کسی که برایش نقل نمود برایم حدیثی
 چنین نقل کرد وی گفت:

طائفه جن بر حسین بن علی علیه السلام نوحه سرانی کرده و می گفتند:
 این اشعار و ابیات که در سرزمین طَفّ در ترسیم بلاهای وارده بر فرزندان
 سروده شده از کیست؟
 این ابیات حسین علیه السلام را صداهای حزین و همراه با گریه پاسخ خواهند داد.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلْمَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَيُّوبُ بْنُ
 سَلِيمَانَ بْنِ أَيُّوبَ الْفَزَارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَزَوَّرِ «قَالَ: سَمِعْتُ لَيْلَى وَهَى
 تَقُولُ: سَمِعْتُ نُوحَ الْجَنِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام وَهَى تَقُولُ:

يَا عَيْنُ جُودِي بِالْذُّمِّوعِ فَإِنَّمَا	يَبْكِي الْحَزِينُ بِحَرَقَةٍ وَتَفْجَعُ
يَا عَيْنُ أَهْلَاكَ الرِّقَابُ بِطَبِيبَةٍ	مَنْ ذَكَرَ آلَ مُحَمَّدٍ وَتَوَجَّعُ
بَاتَتْ ثَلَاثًا بِالصَّعِيدِ جُسُومُهُمْ	بَيْنَ الْوُحُوشِ كُلُّهُمْ فِي مَصْرَعِ

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم از سلمه نقل کرده که وی گفت:
ایوب بن سلیمان بن ایوب الفزاری، از علی بن خزّور برایم نقل کرد از لیلی
شنید که وی گفت:

نوحه سرائی طائفه جنّ بر حسین بن علی علیه السلام را شنیدم که می گفتند:
ای چشم اشک بریز، ریرا می گرید شخص حزین با سوز و دلتنگی.
ای چشم مردم به واسطه خوشی و خوش گذرانی تو را از یاد آل محمد علیهم السلام
و هم دردی با ایشان بازداشته و غافل کرده اند.
سه شب را آل محمد علیهم السلام به روز آورده در حالی که ابدان طاهره آنها روی
خاک بین حیوانات وحشی بوده و جملگی در قتلگاه افتاده اند.



متن:

۶ - حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن
الحسین، عن نصر بن مزاحم، عن عبدالرحمن بن ابی حماد، عن ابی لیلی
الواسطی، عن عبدالله بن حسان الکنانی قال: بکت الجنّ علی الحسین بن
علی علیه السلام فقالت:

ماذا تقولون إذ قال النّبي لكم

ماذا فعلتم وأنتم آخر الأمم؟

بأهل بيتي وإخواني و مكرمتي

من بين أسرى و قتل ضرجوا بدم؟

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحُسين، از نصر بن مزاحم، از عبدالرحمن بن ابی حماد، از ابی لیلی واسطی، از عبدالله بن حسان کنانی نقل کرده که وی گفت:

طائفه جن بر حضرت حسین بن علی علیه السلام گریسته و گفتند:

چه خواهید گفت زمانی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله به شما بفرماید:

شما که آخرین امت‌ها می‌باشید چه کردید با اهل بیت و برادران و خویشان من، برخی را اسیر و بعضی را کشته و آلوده به خون خود کردید.

متن:

۷- حدَّثني حکيم بن داود بن حکيم قال: حدَّثني سلمة قال: حدَّثني عليّ ابن الحسن، عن معمر بن خلّاد، عن أبي الحسن الرضا عليه السلام «قال: بينما الحسين عليه السلام يسير في جوف الليل وهو متوجّه إلى العراق وإذا برجل يرتجز ويقول:

و حدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عيسى عن معمر بن خلّاد، عن الرضا عليه السلام مثل ألفاظ سلمة، قال: وهو يقول:

يا ناقتي لا تدعري من زجري و شميري قبل طلوع الفجر
بخير ركنبانٍ و خير سفرٍ حتى تحلى بكريم التجر
بما جدّ الحمدِ رحيب الصدرِ أتى به الله لخير امرٍ
ثمّت ابقاه بقاء الدهر

فقال الحسين بن علي عليه السلام

سَامِضِي وَمَا بِالمَوْتِ عَارٌ عَلَى الفَقْرِ

اِذَا مَا نَوَى حَقًّا وَجَاهَدَ مُسْلِمًا

وَأَسَى الرِّجَالِ الصَّالِحِينَ بِنَفْسِهِ

وَفَارَقَ مَثْبُورًا وَخَالَفَ مُجْرِمًا

فَإِنْ عِشْتُ لَمْ أَتَدَمَّ وَإِنْ مِتُّ لَمْ أَلَمَّ

كَفَى بِكَ ذَلًّا أَنْ تَعِيشَ وَتَرْغَمَا

﴿ حدیث ہفتم ﴾

ترجمہ:



حکیم بن داود بن حکیم می گوید:

سلمہ پرایم نقل نمود و گفت:

علی بن حسن، از معمر بن خلاد، از ابی الحسن الرضا علیه السلام نقل نمود کہ آن

حضرت فرمودند:

ہنگامی کہ حضرت امام حسین علیہ السلام در دل شب حرکت کردہ و بطرف عراق

متوجہ شدند در راہ بہ شخصی برخوردند کہ رجز می خواند و می گفت:

و پدرم رحمۃ اللہ علیہ از سعد بن عبداللہ، از احمد بن محمد بن عیسی، از

معمر بن خلاد نقل کرد کہ وی از حضرت رضا علیہ السلام عین الفاظ سلمہ را حکایت

نمود، وی گفت آن مردی کہ رجز می خواند می گفت:

ای شتر خوف و ہراس مکن از زجر و نہی من و سرعت کن و بشتاب پیش از

آنکہ صبح طلوع کند.

تا برسانی من را بہ بہترین سوار و بہترین سفر و بہ کسی کہ اصل و نسبش

کریم و جدش بزرگ و سینہ اش فراخ و با ظرفیت است، خداوند بواسطہ بہترین

اعمال او را اجر و ثواب دہد و سپس تا مادامی کہ روزگار باقی است خداوند او

را باقی بدارد.

سپس حضرت حسین بن علی علیه السلام فرمودند:

عنقریب از این روزگار و دنیا می‌گذرم و مرگ بر جوانمرد ننگ و عار نیست
زمانیکه عزم و نیتش حق بوده و در حالی که مسلمان است جهاد کند.
مرگ بر جوانمرد عار نیست زمانی که با مردان صالح و نیکوکار به مواسات
رفتار کرده و از شخص معذب و هلاک شده فاصله گرفته و با مجرم و ستمکار به
مخالفت برخیزد.

بنابراین اگر زنده ماندم پشیمان نیستم و اگر مرگ مرا دریافت ملامت زده
نخواهم بود ولی همین خواری و ذلت برای تو کافی است که زندگانی می‌کنی
و مرتکب اعمال ناپسند می‌گرددی.



متن:

۸- حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله بن
ابی خلف، عن محمد بن یحیی المعاذی قال: حدیثی الحسین بن موسی
الأصم، عن عمرو، عن جابر، عن محمد بن علی علیه السلام «قال: لما هم
الحسین علیه السلام بالشُّخوص عن المدينة أقبلت نساءُ بنی عبدالمطلب
فاجتمعن للثیاحه مشی فیهنَّ الحسین علیه السلام فقال: انشدک الله ان تبدين هذا
الأمر معصية الله و لرسوله، فقالت له نساء بنی عبدالمطلب: فلمن نستبق
الثیاحه والبكاء فهو عندنا کیوم مات فیہ رسول الله صلی الله علیه و آله و علی، و
فاطمة و رقیة و زینب و أم کلثوم؟! فنشده الله جعلنا الله فداک من
الموت، یا حبیب الأبرار من اهل القبور، و أقبلت بعض عَمَّاته تبکی
و تقول: اشهد یا حسین لقد سمعتُ الجنَّ ناحث بنوحک و هم یقولون:

فَانْ قَتِيلَ الْطَفِّ مِنْ آلِ هَاشِمٍ اَزَلْ رِقَاباً مِنْ قُرَيْشٍ قَدْ ذَلَّتْ
حَبِيبُ رَسُولِ اللَّهِ لَمْ يَكُ فَاحِشاً اَبَانَتْ مُصِيبُكَ الْأَنْوَفَ وَ جَلَّتْ
وَقَلْنَ اَيْضاً:

بَكُّوْ حُسَيْناً سَيِّداً وَلِقَتْلِهِ شَابَ الشَّعْرَ
وَ لِقَتْلِهِ زَلْزَلَتْ وَلَقَتْلِهِ انْخَسَفَ الْقَمَرُ
وَ اخْمَرَّتْ آفَاقُ السَّمَاءِ مِنْ الْعَشِيَّةِ وَ السَّحَرِ
وَ تَسْفَرَّتْ شَمْسُ الْبِلَادِ بِهِمْ وَ أَظْلَمَتِ الْكُورُ
ذَاكَ ابْنُ فَاطِمَةَ الْمُصَابِ بِهِ الْخَلَائِقُ وَ الْبَشَرُ
أَوْرَثْنَا ذُلًّا بِهِ جَدَعَ الْأَنْوَفَ مَعَ الْغَرَرِ



﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از آساتیدم، از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از محمد بن یحیی معاذی نقل کرده اند که وی گفت:

حسین بن موسی اصم از عمرو، از جابر، از حضرت محمد بن علی علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین علیه السلام با افراد و نفرات از مدینه آهنگ خروج نمودند زنان بنی عبدالمطلب پیش آمده پس برای نوحه سرانی و گریستن اجتماع نمودند، امام حسین علیه السلام در میان ایشان راه می رفتند و می فرمودند:

شما را به خدا سوگند می دهم که معصیت خدا و رسولش را نکرده و نوحه سر نداده و آشکارا نگرید.

زنان بنی عبدالمطلب محضر مبارکش عرضه داشتند: پس برای چه کسی نوحه و گریه را ذخیره نمائیم امروز مانند روزی است که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله

از دنیا رفتند و همانند روزی است که حضرت علی و فاطمه علیهما السلام از دنیا رحلت نمودند و همچون روزی است که رقیه و زینب و ام‌کلثوم (دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله) ارتحال نمودند!!

فدایت شویم تو را به خدا سوگند که از مرگ کناره بگیر ای دوست خوبان از اهل قبور و سپس برخی از عمه‌های آن حضرت جلو آمده در حالی که می‌گریست عرض کرد:

ای حسین شاهد باش شنیدم صدای جنیان را که برای شما نوحه‌سرایی کرده و می‌گویند:

همانا مقتول و کشته شده در سرزمین طف از آل‌هاشم است که پست‌ترین و ذلیل‌ترین مردم از قریش او را مقتول ساخته است.

حبیب رسول خدا بد نبود، مصیبت تو بینی‌ها را بریده و حقیر نموده است. و زنان بنی‌عبدالمطلب نیز گفتند:

برای حسین که سرور و آقای همه است گریه کنید و بخاطر شهادتش موی‌ها سفید شد.

بخاطر شهادتش به زلزله مبتلا شدید، بخاطر شهادتش ماه گرفته شد.

بخاطر شهادتش افق آسمان در غروب و سحر سرخ گردید.

بخاطر شهادتش خورشید شهرها و نور آن کدر شد و مساکن و منازل تار و ظلمانی گردید او فرزند فاطمه‌ایست که از خلائق و بشر به مصیبت گرفتار گردید.

بواسطه شهادت و قتل آن جناب خواری به ما رسیده و به سبب آن بینی‌ها قطع و به هلاکت افتاده‌ایم.

متن:

۹ - حدّثنی ابی - رحمه الله - و جماعه مشایخی، عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن یحیی المعاذی، عن عبّاد بن یعقوب، عن عمرو بن ثابت، عن عمر [و] بن عکرمه قال: أصبحنا صبیحة قتل الحُسَین علیه السلام بالمَدینة فاذا مولی لنا یقول: سمعنا الباریة مُنادیاً ینادی و یقول:

أَها القاتِلون ظِلماً حُسیناً ابْشِرُوا بِالْعَذابِ و التَّنْکِیلِ
کُلُّ أَهْلِ السَّماِ یَدْعُو عَلَیکم مِنْ نَبیٍّ و مَلَأَکِ و قَبیلِ
قَدْ لَعِنْتُمْ عَلَى لِسانِ بَنِ داوُ ذَ و ذی الرُّوحِ حامِلِ الأَنْجیلِ



حدیث نهم

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبد الله، از محمد بن یحیی معاذی، از عبّاد بن یعقوب، از عمرو بن ثابت، از عمرو بن عکرمه نقل کرده‌اند که وی گفت:

بامداد روزی که حضرت حسین بن علی علیه السلام شهید شدند ما در مدینه صبح نمودیم در این هنگام غلامی که داشتیم گفت: شب گذشته شنیدیم منادی نداء می‌کرد و می‌گفت:

ای کسانی که حسین را از روی ستم و جور کشتید بشارت باد شما را به عذاب و عقوبتی سخت.

تمام اهل آسمان شما را نفرین می‌کنند، چه انبیاء و چه فرشته‌گان و چه کارگذاران.

بر زبان ابن داود و عیسی بن مریم که صاحب روح و حامل انجیل بوده لعن شده‌اید.

متن:

۱۰ - حدَّثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب قال: حدَّثني عبدالله بن محمد بن سنان، عن عبدالله بن القاسم بن الحارث، عن داود الرقي قال: حدَّثني جدِّي أنَّ الجَنِّ لما قتلَ الحسينَ عليه السلام بَكَت عليه بهذه الأبيات:

يا عينُ جُودي بِالْعَبَرِ	وَأَبْكَى فَقَدْ حَقَّ الْخَبَرِ
أَبْكَى ابْنَ فَاطِمَةَ الَّذِي	وَرَدَ الْفُرَاتَ فَمَا صَدَرَ
الْجَنُّ تَبْكَى شَجْوَهَا	لَمَّا أَتَى مِنْهُ الْخَبَرُ
قَتَلَ الْحُسَيْنَ وَرَهْطَهُ	تَغْسَا لِدَلِكْ مِنْ خَبَرِ
فَلَأَبْكِيَنَّكَ حُرْقَةً	عِنْدَ الْعِشَاءِ وَبِالسَّحَرِ
وَلَأَبْكِيَنَّكَ مَا جَرَى	عَرَقٌ وَ مَا حَمَلَ الشَّجَرُ

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

حكيم بن داود بن حكيم از سلمة بن خطاب نقل کرده که وی گفت: عبدالله بن محمد بن سنان، از عبدالله بن قاسم بن حارث، از داود رقی برایم نقل کرد و گفت:

جدهام حکایت نمود که وقتی حضرت حسین علیه السلام شهید شدند طائفه جن بر آن حضرت گریسته و این ابیات را می خواند: ای چشم اشک بریز و گریه کن پس محققاً خبر شهادت حضرت حسین علیه السلام حق و راست می باشد.

گریه کن برای فرزندان فاطمه که به فرات داخل شد و از آن برنگشت. جن برای حزن و غم فاطمه می گریه زمانی که از حسین علیه السلام خبر شهادتش

برسد.

حسین علیه السلام و یارانش کشته شدند، افسوس از چنین خبری.
صبح و شام البته البته برایت اشک سوزان می ریزم.
البته البته آن قدر برایت اشک بریزم که ریشه ها را روان و درختان را ببرد.

﴿الباب الثلاثون﴾

﴿دغای الحمام و لعنها علی قاتل الحسین علیه السلام﴾

متن:

۱- حدیثی آبی - رحمه الله - و علی بن الحسین، عن علی بن ابراهیم بن هاشم، عن أبیه، عن الحسین بن یزید النوفلی، عن اسمعیل بن أبی زیاد السکونی، عن أبی عبدالله علیه السلام «قال: اتخذوا الحمام الراعیة فی بیوتکم، فإنها تلعن قتلة الحسین علیه السلام».

﴿باب سی ام﴾

﴿نفرین و لعنت نمودن کبوتران در حق﴾

﴿قاتلین حضرت امام حسین علیه السلام﴾

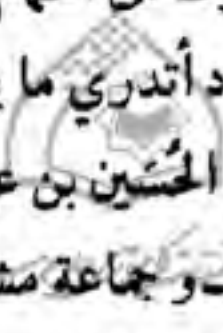
﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از حسین بن یزید نوفلی، از اسماعیل بن ابی زیاد سکونی از حضرت

ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
 کبوتر خوانا را در خانه هایتان نگهداری کنید زیرا این حیوان قاتلین امام
 حسین علیه السلام را لعنت می کند.

متن:

۲ - حدّثنی ابی؛ و اخی؛ و علی بن الحُسَین؛ و محمّد بن الحسن جمیعاً،
 عن أحمد بن ادريس بن احمد، عن أبي عبدالله الجاموراني، عن الحسن
 ابن علی بن ابی حمزة، عن صندل، عن داود عن فرقد «قال: كنت جالساً
 فی بیت ابی عبدالله علیه السلام فنظرت الى الحمام الزاجي يُقرّر طويلاً، فنظر اليّ
 ابو عبدالله علیه السلام فقال: يا داود أتدري ما يقول هذا الطير؟ قلت: لا جعلتُ
 فذاك، قال: تدعو على قتلّة الحُسَين بن علی علیه السلام فأتخذوه في منازلکم». 
 وحدّثنی ابی - رحمه الله - وجماعة مشايخي، عن سعد بن عبدالله عن
 أبي عبدالله الجاموراني باسناده مثله.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدر و برادرم و علی بن الحُسَین و محمّد بن الحسن جملگی از احمد بن
 ادريس بن احمد، از ابی عبدالله جامورانی از حسن بن علی بن ابی حمزه از
 صندل (صفوان نسخه ب) از داود بن فرقد نقل کرده اند وی گفت:
 در خانه امام صادق علیه السلام نشسته بودم، چشمم به کبوتر خوانا افتاد که مشغول
 خواندن بود و زیاد می خواند، امام علیه السلام به من نگاه نموده و فرمودند:
 ای داود می دانی این حیوان چه می گوید؟
 عرض کردم: خیر فدایت شوم.

حضرت فرمودند: قاتلین حسین بن علی علیه السلام را نفرین می‌کند از این حیوان تهیه کنید و در منازلتان نگهداری کنید.

و پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبدالله، از ابی عبدالله جامورانی به اسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند.

﴿ الباب الخاди وَ الثلاثون ﴾

﴿ نوح البوم وَ مُصيبتها على الحسين عليه السلام ﴾

متن:

۱ - حدَّثني محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد؛ و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن عيسى بن عُبَيْد، عن صفوان بن يحيى، عن الحسين بن أبي عُندَر، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: سمعته يقول في البومة، قال: هل أحد منكم رآها بالنهار، قيل له: لا، تكاد تظهر بالنهار ولا تظهر إلا ليلاً، قال: اما انها لم تزل تأوي العُمران ابداً، فلما ان قتل الحسين عليه السلام آلت على نفسها أن لا تأوي العُمران أبداً ولا تأوي إلا الخراب، فلا تزال نهارها ضائعة حزينة حتى يجتأ الليل فإذا جتأ الليل (كذا) فلا تزال ترثم على الحسين عليه السلام حتى تصبح».

﴿ باب سی و یکم ﴾

﴿ نوحه سرائی و ذکر مصیبت نمودن جغد بر ﴾

﴿ حضرت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی بن عبید، از صفوان بن یحیی، از حسین بن ابی غنڈر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:

شنیدم امام صادق علیه السلام در باره جغد فرمودند:

آیا احدی از شما آن را در روز دیده است؟

محضر مبارکش عرض شد: خیر ابدأ در روز ظاهر نشده و تنها در شب پیدا می گردد.

حضرت فرمودند:

اما اینکه این حیوان پیوسته در خرابه ها مسکن گرفته و در آبادی نمی آید جهتش آنستکه:

وقتی حضرت امام حسین علیه السلام شهید شدند این حیوان بواسطه قسم بر خود حتم نمود که ابدأ در آبادی سکنا نکرده و منزلش تنها در خرابه ها باشد پس پیوسته در روز صائم و حزین است تا شب فرا برسد و وقتی شب در آمد از ابتداء آن تا صبح بر مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام زمزمه و نوحه سرائی و مرثیه خوانی می کند.

متن:

۲ - حدَّثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن أبي الخطاب، عن الحسين بن علي بن صاعد البربري قِيماً القبر الرضا عليه السلام قال: حدَّثني أبي «قال: دخلتُ على الرضا عليه السلام فقال لي: ترى هذه البومة كانت على عهد جدِّي رسول الله صلى الله عليه وآله تأوي المنازل والقصور والدُّور، وكانت إذا أكل النَّاس الطَّعام تطير وتقع أمامهم فيرمي إليها بالطَّعام وترجع إلى مكانها فلما تقلَّ الحُسين عليه السلام خرجت من العُمران إلى الخراب والجبال والبراري، وقالت: بشَّ الأُمَّة أنتم! قتلتم ابن بنت نبيِّكم، ولا آمنكم على نفسي».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

حكيم بن داود بن حكيم از سلمة بن ابی الخطاب از حسين بن علي صاعد بربري كه قیّم و متصدی قبر حضرت امام رضا عليه السلام بود نقل کرده كه وی گفت: پدرم برای من نقل نمود و گفت: بر حضرت رضا عليه السلام وارد شدم، آن جناب به من فرمود:

این جغد را می بینی؟ مردم چه می گویند؟

عرض کردم: فدایت شوم آمده ایم كه از شما بپرسیم.

حضرت فرمودند: این جغد در عصر جدّم رسول خدا صلى الله عليه وآله در منازل وقصرها و خانه ها سكنی داشت و هر وقت مردم مشغول خوردن طعام بودند این حیوان پر می زد و در مقابل ایشان خود را می رساند و مردم طعام و غذا جلویش می ریختند و این حیوان طعام خورده و از آب خود را سیراب می كرد و سپس به منزلش بر می گشت ولی هنگامی كه حضرت حسين بن علي عليه السلام شهید شدند از شهر و آبادی خارج گشت و در خرابه ها و كوه ها و بیابان ها مكان گرفت و گفت:

بد امتی شما می باشید! پسر دختر پیامبر خود را کشتید و من نسبت به نفس خود از شما در امان نیستم.

متن:

۳- و حدَّثنی محمد بن جعفر الرِّزَّاز، عن خاله محمد بن الحُسَین بن ابی الخطَّاب، عن الحسن بن علی بن فضال - عن رجل - عن ابی عبد الله علیه السلام «قال: انَّ البُوم لتصوم النِّهار فإِذا أَفطرت تدلَّت علی الحُسَین بن علی علیه السلام حقّ تصبّح».



«حدیث سوم»

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز، از حدیثی بخود محمد بن الحُسَین بن ابی الخطَّاب، از حسن بن علی بن فضال از شخصی از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرد، وی گفت:

امام علیه السلام فرمودند:

جغد در روز صائم بوده و وقتی افطار نمود قلبش در مصائب حضرت حسین بن علی علیه السلام محزون و افسرده شده تا صبح فرا برسد.

متن:

۴- حدَّثنی علی بن الحُسَین بن موسی، عن سعد بن عبد الله، عن موسی بن عمر، عن الحسن بن علی، عن المیثمی «قال: قال ابو عبد الله علیه السلام: یا یعقوب رأیت بومةً بالنِّهار تنفّس قطّ، فقال: لا، قال: و تدری لم ذلک؟

قال: لا، قال: لَأَنَّهُ تَظَلُّ يَوْمَهَا صَائِمَةً عَلَى مَا رَزَقَهَا اللَّهُ، فَاذَا جَنَّهَا اللَّيْلُ افْطَرْتُ عَلَى مَا رَزَقْتُ، ثُمَّ لَمْ تَزَلْ تَرْتَمِ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام حَتَّى تَصْبَحَ.

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

علی بن الحُسَین بن موسی، از سعد بن عبدالله، از موسی بن عمر، از حسن بن علی، از میثمی نقل کرده، وی گفت:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:
ای یعقوب آیا تا به حال دیده‌ای که جغدی در روز آواز بخواند؟
وی گفت: خیر.



حضرت فرمودند: می‌دانی چرا؟

عرض کرد: خیر.

امام علیه السلام فرمودند: برای اینکه طول روز را این حیوان صائم بوده و وقتی شب فرا رسید افطار کرده و از آنچه خداوند مَنان روزی او کرده استفاده نموده سپس پیوسته تا صبح بدمد بر مصائب حضرت حسین بن علی علیه السلام زمزمه نموده و نوحه سرائی می‌کند.

﴿الباب الثاني والثلاثون﴾

﴿ثواب من بكى على الحسين بن علي عليه السلام﴾

متن:

۱- حدّثنی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن ابیه، عن الحسن ابن محبوب، عن العلاء بن رزین، عن محمد بن مسلم، عن ابی جعفر علیه السلام «قال: كان علی بن الحُسن علیه السلام يقول: ایما مؤمنٌ دَمَعَتْ عیناه لقتل الحُسن بن علی علیه السلام دَمْعَةً حَتَّى تَسِيلَ عَلَی خَدِّهِ بَوَّاهُ اللهُ بِهَا فی الْجَنَّةِ غُرَفًا یَسْكُنُهَا احْقَابًا، وایما مؤمنٌ دَمَعَتْ عیناه حَتَّى تَسِيلَ عَلَی خَدِّهِ فینا لأذیٌّ مَسَّنَا من عَدَوْنَا فی الدُّنْیَا بَوَّاهُ اللهُ بِهَا فی الْجَنَّةِ مُبَوَّأٌ صَدِیقٍ، وایما مؤمنٌ مَسَّهُ اذیٌّ فینا فدمعت عیناه حَتَّى تَسِيلَ عَلَی خَدِّهِ من مضاضة ما اودى فینا صرّف اللهُ عن وجهه الأذی وامنهُ یومَ القیمة من سخطه والنار».

﴿باب سی و دوم﴾

﴿ثواب کسی که بر حضرت حسین بن علی علیه السلام﴾

﴿گریه کند﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن

جناب فرمودند:

حضرت علی بن ابی الحسن علیه السلام می فرمودند:

هر مؤمنی که بخاطر شهادت حسین بن علی علیه السلام گریه کند تا اشکش بر گونه هایش جاری گردد خداوند منان غرقه ای در بهشت به او دهد که مدت ها در آن ساکن گردد و هر مؤمنی بخاطر ایذاء و آزاری که از دشمنان ما در دنیا به ما رسیده گریه کند تا اشکش بر گونه هایش جاری شود خداوند متعال در بهشت به او جایگاه شایسته ای دهد و هر مؤمنی در راه ما اذیت و آزاری به او رسد پس بگیرد تا اشکش بر گونه هایش جاری گردد خداوند متعال آزار و ناراحتی را از او بگرداند و در روز قیامت از غضب و آتش دوزخ در امانش قرار دهد.



متن:

۲ - حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن ابی عبدالله الجامورانی، عن الحسن بن علی بن ابی حمزة، عن ابیه، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: سمعته يقول: انّ البكاء و الجزع مکروه للعبد فی کلّ ماجزع ما خلا البكاء و الجزع علی الحسین بن علی علیه السلام فانه فیہ مأجور».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله، از ابی عبدالله جامورانی از حسن بن علی بن ابی حمزه، از پدرش از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:
از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

برای بنده جزع نمودن و گریستن در تمام امور مکروه و ناپسند است مگر گریستن و جزع کردن بر حسین بن علی علیه السلام زیرا شخص در این گریستن مأمور و مثاب می باشد.

متن:

۳- و حدَّثني مُحَمَّد بن جعفر الرِّزَّاز، عن خاله مُحَمَّد بن الحُسَيْن الزِّيَّات، عن مُحَمَّد بن اسمعيل، عن صالح بن عقبة، عن أبي هارون المكفوف «قال: قال ابو عبد الله عليه السلام - في حديثٍ طویلٍ له - : و من ذکر الحُسَيْن عليه السلام عنده فخرج من عينه من الدَّموع مقدار جناح زباب كان ثوابه على الله عزَّ و جلَّ و لم یرض له بدون الجنة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمّد بن جعفر رزّاز، از دانی خود محمد بن الحُسَین زِیّات، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابو هارون مکفوف نقل کرده که وی گفت: حضرت ابو عبد الله عليه السلام در ضمن حدیث طولانی فرمودند: کسی که یادی از حضرت حسین بن علی عليه السلام نزدش بشود و از چشمش به مقدار بال مگس اشک خارج شود اجر او بر خدا است و حق تعالی به کمتر از بهشت برای او راضی نیست.

متن:

۴- حدَّثني حکيم بن داود بن حکيم، عن سلمة بن الخطاب قال: حدَّثنا بکار بن احمد القسّام؛ والحسن بن عبد الواحد، عن مُخَوَّل بن ابراهيم، عن الرِّبيع بن منذر عن ابيه، «قال: سمعت علي بن الحُسَيْن عليه السلام يقول: من قطرت عيناه فينا قطرة و دمعت عيناه فينا دمعة بَوَّاه الله بها في الجنة عُرفاً يسكنها احقَاباً و احقَاباً».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم از سلمة بن خطاب نقل کرده که وی گفت:
 بکار بن احمد قسام و حسن بن عبدالواحد، از مخول بن ابراهیم، از ربیع بن
 منذر از پدرش نقل نموده، وی گفت:
 از حضرت علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
 کسی که از دو چشمش قطره ای اشک در راه ما بیاید خداوند متعال در بهشت
 غرفه ای به او عطاء فرماید که روزگاری در آن سکنا گیرند.

متن:

حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن
 احمد بن محمد، عن حمزة بن علی الأشعری، عن الحسن بن معاویة بن
 وهب - عمن حدیثه - عن ابی جعفر علیه السلام قال کان علی بن الحسین علیه السلام یقول:
 - و ذکر مثل حدیث محمد بن جعفر الرزاز سواء.

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبدالله، از احمد بن
 محمد، از حمزة بن علی اشعری، از حسن بن معاویة بن وهب از کسی که برایش
 حدیث نقل نموده از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:
 حضرت علی بن الحسین علیه السلام می فرمودند: و حدیثی مانند حدیث محمد
 بن جعفر رزاز را عیناً فرمودند (مقصود حدیث سوم می باشد).

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنْ أَبِي عُمَارَةَ الْمُنَشِدِ «قَالَ: مَا ذَكَرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ ابْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فِي يَوْمٍ قَطَّ فَرُّنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَتَبَسِّمًا قَطَّ إِلَى اللَّيْلِ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از حسن بن علی، از ابن ابی عمیر، از علی بن مغیره، از ابی عماره منشد نقل کرده که وی گفت: هرگز ذکر نشد حسین بن علی علیه السلام نزد ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام در روزی که در آن روز آن جناب تا شب متبسم و خندان دیده شوند.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ كِرْدِينِ الْبَصْرِيِّ «قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا مِسْمَعُ أَنْتَ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ؛ أَمَّا تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قُلْتُ: لَا؛ أَنَا رَجُلٌ مَشْهُورٌ عِنْدَ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، وَعِنْدَنَا مَنْ يَتَّبِعُ هَوَىٰ هَذَا الْخَلِيفَةِ، وَعدونا كثير من أهل القبائل من النُّصَابِ وَغَيْرِهِمْ، وَلَسْتُ أَمْنُهُمْ أَنْ يَرْفَعُوا حَالِي عِنْدَ وَلَدِ سُلَيْمَانَ فَيُمَثِّلُونَنِي، قَالَ لِي: أَلَمْ تَذْكُرْ مَا صَنَعَ بِهِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: فَتَجْزَعُ؟ قُلْتُ:

ای والله و أستعبر لذلك حتى يرى اهلي اثر ذلك على فامتنع من الطعام حتى يستبين ذلك في وجهي، قال: رَحِمَ الله دمعَكَ، اما إِنَّكَ مِنَ الَّذِينَ يُعَدُّونَ مِنْ اهل المِجْزَعِ لَنَا، وَالَّذِينَ يَفْرَحُونَ لِفَرْحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَ يَخَافُونَ لِحُوفِنَا وَ يَأْمَنُونَ إِذَا أَمْنَا، اما إِنَّكَ سَتَرَى عِنْدَ مَوْتِكَ حُضُورَ آبَائِي لَكَ وَ وَصِيَّتَهُمْ مَلِكُ الْمَوْتِ بِكَ، وَ مَا يَلْقَوْنِكَ بِهِ مِنَ الْبَشَارَةِ أَفْضَلُ، وَ لِمَلِكِ الْمَوْتِ أَرْقَ عَلَيْكَ وَ أَشَدَّ رَحْمَةً لَكَ مِنَ الْأُمِّ الشَّفِيقَةِ عَلَى وَلَدِهَا، قَالَ: ثُمَّ اسْتَعْبَرُوا اسْتَعْبَرْتُ، مَعَهُ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى خَلْقِهِ بِالرَّحْمَةِ وَ خَصَّنَا اهل الْبَيْتِ بِالرَّحْمَةِ، يَا مَسْمُوعُ إِنَّ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ لَتَبْكِي مُنْذُ قُتِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام رَحْمَةً لَنَا، وَ مَا بَكَى لَنَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَكْثَرُ وَ مَارَقَاتِ دُمُوعِ الْمَلَائِكَةِ مُنْذُ قُتِلْنَا، وَ مَا بَكَى أَحَدٌ رَحْمَةً لَنَا وَ لَمَّا لَقِينَا إِلَّا رَحِمَهُ اللهُ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ عَيْنِهِ، فَإِذَا سَأَلْتَ دُمُوعُهُ عَلَى خَدِّهِ، فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ لَأُطْفِئَتْ حَرُّهَا حَتَّى لَا يَوْجِدَهَا حَرٌّ، وَ أَنَّ الْمَوْجِعَ لَنَا قَلْبُهُ لِيَفْرَحَ يَوْمَ يَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ فَرَحَةً لَا تَزَالُ تِلْكَ الْفَرَحَةُ فِي قَلْبِهِ حَتَّى يَرِدَ عَلَيْنَا الْحَوْضُ، وَ أَنَّ الْكُوْثَرَ لِيَفْرَحَ بِمَحَبَّتِنَا إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ حَتَّى أَنَّهُ لِيَذِيقَهُ مِنْ ضُرُوبِ الطَّعَامِ مَا لَا يَشْتَهِي أَنْ يَصْدُرَ عَنْهُ، يَا مَسْمُوعُ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرْبَةً لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا، وَ لَمْ يَسْتَقْ بَعْدَهَا أَبَدًا، وَ هُوَ فِي بَرْدِ الْكَافُورِ وَ رِيحِ الْمِسْكِ وَ طَعْمِ الزَّعْبِيلِ، أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ، وَ الْيَنِّ مِنَ الزَّبَدِ، وَ أَضْفَى مِنَ الدَّمْعِ، وَ أَذْكَى مِنَ الْعَنْبَرِ يَخْرُجُ مِنْ تَسْنِيمٍ، وَ يَمُرُّ بِأَنْهَارِ الْجَنَانِ يَجْرِي عَلَى رَضْرَاضِ الدَّرِّ وَ الْيَاقُوتِ، فِيهِ مِنَ الْقُدِّ خَانَ أَكْثَرَ مِنْ عَدَدِ نَجُومِ السَّمَاءِ، بِوَجْدِ رِيحِهِ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ،

قَدْ حَانَهُ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْوَانِ الْجَوْهَرِ، يَفُوحُ فِي وَجْهِ الشَّارِبِ مِنْهُ
 كُلُّ فَائِضَةٍ حَتَّى يَقُولَ الشَّارِبُ مِنْهُ: يَا لَيْتَنِي تَرَكْتُ هَهُنَا لِأَبْغَى بِهَذَا بَدَلًا
 وَلَا عَنْهُ تَحْوِيلًا، أَمَا إِنَّكَ يَا [ابن] كِرْدِينَ مِمَّنْ تَرَوِي مِنْهُ، وَمَا مِنْ عَيْنٍ
 بَكَتْ لَنَا إِلَّا نَعِمَتَ بِالنَّظَرِ إِلَى الْكُوْثَرِ وَسُقِيتَ مِنْهُ، وَأَنَّ الشَّارِبَ مِنْهُ
 مِمَّنْ أَصْبَتْنَا لِيُعْطَى مِنَ اللَّذَّةِ وَالطَّعْمِ وَالشَّهْوَةِ لَهُ أَكْثَرُ مِمَّا يُعْطَاهُ مَنْ هُوَ
 دُونَهُ فِي حُبِّنَا.

وَأَنَّ عَلَى الْكُوْثَرِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَفِي يَدِهِ عَصًا مِنْ عَوْسَجٍ يَحْطُمُ
 بِهَا أَعْدَاءَنَا، فَيَقُولُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ: إِنِّي أَشْهَدُ الشَّهَادَتَيْنِ، فَيَقُولُ: انْطَلِقْ إِلَى
 إِمَامِكَ فَلَانٍ فَاسْأَلْهُ أَنْ يَشْفَعَ لَكَ، فَيَقُولُ: تَبَرَّأْ مِنِّي أَمَامِي الَّذِي تَذْكُرُهُ،
 فَيَقُولُ: أَرْجِعْ إِلَى وَرَائِكَ فَقُلْ لِلَّذِي كُنْتَ تَتَوَلَّاهُ تَقَدِّمَهُ عَلَى الْخَلْقِ فَاسْأَلْهُ
 إِذَا كَانَ خَيْرَ الْخَلْقِ عِنْدَكَ أَنْ يَشْفَعَ لَكَ، فَإِنَّ خَيْرَ الْخَلْقِ مَنْ يَشْفَعُ، فَيَقُولُ:
 إِنِّي أَهْلَكَ عَطَشًا، فَيَقُولُ لَهُ: زَادَكَ اللَّهُ ظِمَاءً وَزَادَكَ اللَّهُ عَطَشًا.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَكَيْفَ يَقْدِرُ عَلَى الدُّنُوِّ مِنَ الْحَوْضِ وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ
 غَيْرُهُ؟ فَقَالَ: وَرَعَ عَنْ أَشْيَاءَ قَبِيحَةٍ، وَكَفَّ عَنْ شَتْمِنَا [أَهْلَ الْبَيْتِ] إِذَا
 ذَكَّرْنَا، وَتَرَكَ أَشْيَاءَ اجْتَرَأَ عَلَيْهَا غَيْرُهُ، وَلَيْسَ ذَلِكَ لِحُبِّنَا وَلَا لَهْوِيٍّ مِنْهُ
 لَنَا، وَلَكِنْ ذَلِكَ لَشِدَّةِ اجْتِهَادِهِ فِي عِبَادَتِهِ وَتَدَيُّنِهِ وَلَمَّا قَدْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِهِ
 عَنْ ذِكْرِ النَّاسِ فَأَمَّا قَلْبُهُ فَنَافَقَ وَدِينَهُ النَّصَبُ وَاتِّبَاعُ أَهْلِ النَّصَبِ
 وَوَلَايَةُ الْمَاضِينَ وَتَقَدُّمُهُ لِهَمَّا عَلَى كُلِّ أَحَدٍ.

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از مسمع بن عبدالملک کِردَین بصری نقل کرده که وی گفت:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

ای مسمع تو از اهل عراق هستی، آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می روی؟
عرض کردم: خیر، من نزد اهل بصره مردی مشهور هستم و نزد ما کسانی هستند که خواسته این خلیفه را طالب بوده و دشمنان ما از گروه ناصبی ها و غیر ایشان بسیار بوده و من در امان نیستم از اینکه حال من را نزد پسر سلیمان گزارش کنند.

در نتیجه او با من کاری کند که عبرت دیگران گردد لذا احتیاط کرده و به زیارت آن حضرت نمی روم.
حضرت به من فرمودند:

آیا یاد می کنی مصائبی را که برای آن جناب فراهم کرده و آزار و اذیت هائی که به حضرتش روا داشتند؟

عرض کردم: بلی.

حضرت فرمودند:

آیا به جزع و فزع می آئی؟

عرض کردم: بلی به خدا قسم و بخاطر یاد کردن مصائب آن بزرگوار چنان غمگین و حزین می شوم که اهل و عیالم اثر آن را در من مشاهده می کنند و چنان حالم دگرگون می شود که از خوردن طعام و غذا امتناع نموده و بوضوح علائم حزن و اندوه در صورتم نمایان می گردد.

حضرت فرمودند:

خدا رحمت کند اشک های تو را (یعنی خدا بواسطه این اشک ها تو را رحمت

نماید) آبدان قطعاً تو از کسانی محسوب می شوی که به خاطر ما جزع نموده و به واسطه سرور و فرح ما مسرور گشته و بخاطر حزن ما محزون گردیده و بجهت خوف ما خائف بوده و هنگام مأمون بودن ما در امان هستند، توجه داشته باش حتماً و عنقریب هنگام مرگ اجداد ما را بالای سرش خواهی دید که ملک الموت سفارش تو را خواهند نمود و بشارتی که به تو خواهند داد برتر و بالاتر از هر چیزی است و خواهی دید که ملک الموت از مادر مهربان به فرزندش به تو مهربان تر و رحیم تر خواهد بود.

مسمع می گوید:

سپس حضرت گریستند و اشکهای مبارکشان جاری شد و من نیز با آن جناب اشک ریختم، پس از آن حضرت فرمودند:

الحمد لله الذي فضلنا على خلقه بالرحمة و خصنا اهل البيت بالرحمة.

ای مسمع از هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام شهید شدند زمین و آسمان بر ما ترحم نموده و می گریند و موجودی بیشتر از فرشتگان بر ما گریه نکرده است، ایشان اشکهایشان لاینقطع جاری بوده و هرگز قطع نمی شود.

توجه داشته باش احدی بخاطر ترحم بما و بجهت مصائبی که بر ما وارد شده گریه نمی کند مگر آنکه قبل از آمدن اشک از چشمش حقتعالی او را رحمت خواهد نمود و وقتی اشکها بر گونه هایش جاری گشت در صورتی که یک قطره از آنها در جهنم بیفتد حرارت و آتش آن را خاموش و آرام می کند که دیگر برای آن حرارتی پیدا نمی شود.

دانسته باش کسی که به خاطر ما قلبش دردناک شود در روزی که موت و مرگش فرا برسد و ما را مشاهده نماید سرور و نشاطی برایش پیدا شود که پیوسته این سرور در او بوده تا در کنار حوض بر ما وارد گردد و هنگامی که محب و دوست دار ما اهل بیت بر حوض کوثر وارد شود سرور و فرح خاصی در کوثر پیدا شود به حدی که انواع و اقسام اطعمه ای را به او چشانده که وی مایل

نیست طعم آن غذاها زائد گردد.

ای مسمع: کسی که از آن حوض یک جرعه بپاشاند هرگز بعد از آن تشنه نشده و ابداً طلب آب نکند.

صفات آب کوثر

سپس حضرت اوصاف آب کوثر را چنین توصیف فرمودند:

الف: طبع آن در سردی و خنکی مانند کافور بوده.

ب: بوی آن همچون بوی مشک بوده.

ج: طعمش نظیر طعم زنجبیل می باشد.

د: شیرین تر از عسل.

ه: نرم تر و لطیف تر از سر شیر.

و: صاف تر از اشک چشم.

ز: پاک تر از عنبر.

ح: از تسنیم که چاهی است در بهشت خارج می گردد.

ط: در جوی های بهشت عبور می کند.

ی: از روی ریگ های بهشتی که در و باقوت هستند جاری می باشد.

ک: کاسه هایی در آن است که عدد آنها از ستارگان آسمان بیشتر می باشد.

ل: بوی خوش آن از مسافتی که باید آن را ظرف هزار سال پیمود به مشام

می آید.

م: کاسه های درون آن از زر و سیم و انواع و اقسام جواهر قیمتی است.

ن: از آن هر بوی خوش و نسیم معطری به صورت شارب می وزد تا جایی که

شارب می گوید: کاش من را در همین جا به حال خود بگذارند، حاضر نیستم

اینجا را به جای دیگری تبدیل کرده و آن را تغییر دهم.

پس از آن حضرت به مسمع بن عبدالملک کردین بصیری فرمودند:

ای کردین توجه داشته باش تو از کسانی هستی که از آب آن حوض می‌آشامی. و نیست چشمی که برای ما بگرید مگر آنکه از نعمت نظر نمودن به آب کوثر بهره‌مند شده و از آن سیراب می‌گردد.

دوستانداران ما که از آب کوثر می‌آشامند پس از نوشیدن از آن لذتی که برده و طعمی که چشیده و شهوتی که در آن‌ها پدید آمده به مراتب بیشتر از لذت و طعم و شهوتی است که به دیگران یعنی کسانی که در مرتبه پائین‌تر از حبّ ما هستند اعطاء می‌گردد.

بر بالای حوض کوثر امیرالمؤمنین علیه السلام ایستاده و در دست مبارکشان عصائی از گیاه عوسج بوده که با آن دشمنان ما را منکوب و مضروب می‌سازند، یکی از آن دشمنان محضر مبارکش عرض می‌کند: من شهادتین می‌گویم.

حضرت می‌فرماید: نزد امام خود «فلانی» برو پس از او بخواه که تو را شفاعت کند.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

آن شخص می‌گوید:

امام من که نامش را بردید از من تبری می‌جوید.

حضرت می‌فرمایند:

به پشت خود برگردد و از کسی که دوستش می‌داشتی و بر خلائق مقدمش می‌نمودی طلب شفاعت کن زیرا بهترین خلق نزد تو باید شفاعتت را بکند چه آنکه بهترین مخلوقات کسی است که شفیع دیگران باشد.

آن شخص می‌گوید: از تشنگی مردم.

حضرت به او می‌فرمایند:

خداوند تو را تشنه‌تر کرده و عطشت را زیاد کند.

راوی یعنی مسمع می‌گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم این شخص چگونه نزدیک حوض می‌رود در حالی که غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام احدی بر آن قادر نیست؟

حضرت فرمودند:

این شخص از اعمال زشتی چند اجتناب نموده و وقتی ما را نام می‌برد از ناسزا گفتن و فحش دادن خودداری می‌کند و کارهایی را که دیگران جرئت نموده و انجام می‌دادند وی آنها را ترک می‌کند ولی این نه بخاطر حبّ و دوستی با ما بوده بلکه منشاء آن زیاد عبادت نمودن و تدبّین و منصرف بودنش از ذکر مردم می‌باشد ولی در قلبش نفاق بوده و دین و آئینش مذهب نصب و تبعیت از اهل آن بوده و ولایت و دوستی خلفاء ماضی را داشته و آن دو نفر را بر هر کسی مقدّم می‌کند.

متن:

۷- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ ابْنَانَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكِيرٍ الْأَرْجَانِيِّ وَحَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكِيرٍ «قَالَ: حَجَجْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - فَقُلْتُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَوْ نُبِّشَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام هَلْ كَانَ يُصَابُ فِي قَبْرِهِ شَيْءٌ؟ فَقَالَ: يَا ابْنَ بَكِيرٍ مَا اعْظَمَ مَسَائِلُكَ، إِنَّ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَعَ أَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَمَعَهُ يَرْزُقُونَ وَيَحْبُونَ وَأَنَّهُ لَعَلَى عِمِينَ الْعَرْشِ مُتَعَلِّقٌ (كَذَا)؟ يَقُولُ: يَا رَبِّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَأَنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى زُؤَارِهِ وَأَنَّهُ اعْرِفْ بِهِمْ وَبِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَمَا فِي رِحَالِهِمْ مِنْ أَحَدِهِمْ بَوْلَدِهِ، وَأَنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَيَسْأَلُ أَبَاهُ الْأَسْتَغْفَارَ لَهُ، وَ

يقول: ايها الباكي لو عَلِمْتَ ما أَعَدَّ اللهُ لكَ لَفَرِحْتَ اكْثَرَ ممَّا حَزَنْتَ، وَ إِنَّهُ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَ خَطِيئَةٍ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از حسين بن حسن بن ابان، از حسين بن سعيد، از عبدالله بن مغیره، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن بكير ارجانی.
و پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسين، از محمد بن عبدالله زرارہ، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن بكير نقل کرده كه گفت: با حضرت ابی عبدالله علیه السلام حجّ به جا آوردم.... حدیث طولانی است و در یکی از فقرات آن راوی می گوید:

محضر امام علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر قبر حضرت حسين ابن علی علیه السلام را نبش کنند در قبر به چیزی برخورد و اصابت می کنند یا نه؟ حضرت در جواب فرمودند:

چقدر سوال بزرگی کردی، حضرت حسين علیه السلام با پدر و مادر و برادر بزرگوارشان در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و جملگی با آن حضرت از روزی خدا بهره مند می شوند و در خصوص آن جناب باید بگویم كه حضرتش بر سمت راست عرش چنگ زده و به درگاه الهی عرض می کند:
يا رَبِّ انْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي (آنچه را به من وعده دادی روا نما).

و آن حضرت به زوار خود نگرسته و به آنها و به اسماء ایشان و اسماء پدرانشان و آنچه در خورجین و بارشان می باشد اعرف و آگاه تر از ایشان به فرزندشان می باشد و نیز آن جناب به گریه کننده گانش نظر فرموده و برای آنها طلب آمرزش نموده و از پدر بزرگوارش درخواست استغفار برای ایشان می نماید و خطاب به کسانی كه برایش گریه می کنند کرده و می فرماید:

ای کسی که گریه می کنی اگر بدانی چه خدا برایت آماده نموده مسلماً سرور و شادی تو بیشتر از حزن و اندوهت می گردد و این حتمی است که حق تعالی تمام گناهان و لغزشهای تو را بواسطه این اشگی که ریخته ای می آمرزد.

متن:

۸- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلَمَةَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ وَلَوْ مِثْلَ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ غُفِرَ لَهُ ذُنُوبُهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ».



﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود، از سلمه، از یعقوب بن یزید، از ابن ابی عمیر، از بکر بن محمد، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کسیکه نام ما نزد او برده شود و از چشمانش اشک بیاید اگرچه به قدر بال پشه باشد گناهانش آمرزیده شود و لو به اندازه روی دریاها باشد.

متن:


حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مثله.

ترجمه:

محمد بن عبدالله از پدرش، از احمد بن ابی عبدالله برقی، از پدرش از بکر بن محمد، از حضرت ابی عبدالله مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سُلَيْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ الْقَلَاءِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عليه السلام ذَمُّعَةٌ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدَيْهِ بَوَّاهُ اللَّهِ بِهَا غُرْفًا فِي الْجَنَّةِ يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا».



«حدیث نهم»

ترجمه:

حکیم بن داود از سلیمه بن خطاب، از حسن بن علی، از علاء بن رزین القلاء، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر عليه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند: هر مؤمنی که بخاطر شهادت حضرت حسین عليه السلام چشمانش اشک ریخته بطوریکه اشکها بر گونه هایش جاری گردد خداوند منان در بهشت غرفه هائی به او عنایت فرماید که وی برای روزگارها در آن سکنا گیرند.

متن:

۱۰ - وَ عَنْهُ عَنْ سُلَيْمَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ، عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ فَضِيلِ بْنِ فَضَالَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ ذُكِرْنَا عَنْدهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى النَّارِ».

ترجمه: ﴿ حدیث دهم ﴾

حکیم بن داود از سلمه، از علی بن سیف، از بکر بن محمد، از فضیل بن فضالة، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرد که آن جناب فرمودند: کسیکه ما را نزد او یاد کنند پس از چشمانش اشک بیاید خداوند متعال صورتش را بر آتش حرام می نماید.

﴿ الباب الثالث و الثلاثون ﴾
﴿ من قال في الحسين عليه السلام شعراً فبكى و أبكى ﴾

متن:

۱ - حدثنا ابو العباس القُرشي، عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن محمد بن اسمعيل، عن صالح بن عتبة، عن أبي هارون المكفوف «قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: يا ابا هارون أنشدني في الحسين عليه السلام؟ قال: فأنشدته فبكى، فقال: أنشدني كما تنشدون - يعني بالرقّة - قال: فأنشدته: امرؤ على جدّ الحسين فقل لأعظمه الزكّة.

قال: فبكى، ثم قال: زدني، قال: فأنشدته القصيدة الأخرى، قال: فبكى، و سمعت البكاء من خلف السّتر، قال: فلما فرغت قال لي: يا ابا هارون من أنشد في الحسين عليه السلام شعراً فبكى و أبكى عشرًا كتبت لهم الجنة و من أنشد في الحسين شعراً فبكى و أبكى خمسة كتبت لهم الجنة، و من أنشد في الحسين شعراً فبكى و أبكى واحداً كتبت لهما الجنة، و من ذكر الحسين عليه السلام عنده فخرج من عينه من الدّموع مقدار جناح ذباب كان ثوابه على الله، و لم يرض له بدون الجنة».

﴿ باب می و سوم ﴾

﴿ ثواب کسی که بواسطه گفتن شعر در مصیبت ﴾

﴿ حضرت امام حسین علیه السلام گریه کند و دیگران را بگریاند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

ابوالعباس قرشی، از محمد بن الحُسَین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابی هارون مکفوف نقل کرده که وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای ابا هارون آیا شعری در مصیبت امام حسین علیه السلام برایم می خوانی؟
 ابا هارون می گوید: پس برای آن حضرت شعری خواندم و آن جناب گریست.

مرکز تحقیقات و نشر معارف اسلامی

سپس فرمودند:

همان طوری که پیش خود شعر و مرثیه می خوانید برایم بخوان یعنی با رقت و لطافت، ابا هارون می گوید:

پس این بیت را برای آن جناب با رقت و لطافت خواندم:

أمر علی جَدَّتِ الحُسَین فقل لأَعْظَمَ الزَّکِیَّة

یعنی: گذر کن بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام، پس به استخوانهای پاک و مطهرش بگو.

ابا هارون می گوید: امام علیه السلام گریست، سپس فرمود: بیشتر برایم بخوان.

پس قصیده دیگر برای حضرتش خواندم.

ابا هارون می گوید: امام علیه السلام گریستند و صدای گریه اهل منزل را از پشت پرده شنیدم.

سپس ابا هارون می گوید: وقتی از خواندن فارغ شدم حضرت به من فرمودند:

ای ابا هارون کسی که در مرثیه حسین بن علی علیه السلام شعری خوانده و خود گریه کرده و ده نفر دیگر را بگریاند بهشت بر ایشان واجب می گردد.
و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و خود گریه کرده و یک نفر دیگر را بگریاند بهشت برای هر دو واجب می شود.
و کسی امام حسین را نزدش یاد کنند و از چشمش به مقدار بال مگس اشک بیاید ثواب و اجر او بر خداست و خداوند برای وی به کمتر از بهشت اجر و ثواب نمی دهد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عَثْمَانَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي الْمَغِيرَةِ، عَنْ أَبِي عُمَارَةَ الْمُتَشَدِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ لِي: يَا أبا عُمَارَةَ أَنْشِدْنِي فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: فَأَنْشُدْته فَبِكِي، ثُمَّ أَنْشُدْته فَبِكِي، ثُمَّ أَنْشُدْته فَبِكِي، قَالَ: فَوَاللَّهِ مَا زِلْتُ أَنْشُدُهُ وَبِكِي حَتَّى سَمِعْتُ الْبُكَاءَ مِنَ الدَّارِ، فَقَالَ لِي: يَا أبا عُمَارَةَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَأَبْكِي خَمْسِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَأَبْكِي أَرْبَعِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَأَبْكِي ثَلَاثِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَأَبْكِي عَشْرِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَأَبْكِي عَشْرَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَأَبْكِي وَاحِداً فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَبِكِي فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام شِعْراً فَتَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ».

ترجمه: ﴿ حدیث دوم ﴾

ابو العباس از محمد بن الحُسَین، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از حسن بن علی بن ابی المغیره، از ابی عماره المنشد، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

حضرت ابی عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

ای ابو عماره شعری در مرثیه حسین علیه السلام برایم بخوان.
ابو عماره می گوید:

برای آن حضرت شعر خواندم پس آن حضرت گریست سپس خواندم باز آن جناب گریه کرده و بعد از آن باز خواندم و آن حضرت گریستند.

ابو عماره می گوید: به خدا قسم پیوسته شعر می خواندم و آن جناب گریه می کردند تا جایی که صدای گریه از منزل و خانه بگوשמ رسید، پس حضرت به من فرمودند:

ای ابو عماره کسی که در مصیبت حسین علیه السلام شعری بخواند سپس پنجاه نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و چهل نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مصیبت حسین علیه السلام شعری خوانده و سی نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و بیست نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مصیبت حسین علیه السلام شعری خوانده و ده نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مصیبت حسین علیه السلام شعری خوانده و خودش بگرید بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و یک نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و به هیئت گریه کن درآورد بهشت برای او است.

متن:

۳- حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحُسَین، عن ابن ابی عمیر، عن عبدالله بن حَسان، عن ابن ابی شعبة، عن عبدالله بن غالب «قال: دخلت علی ابی عبدالله علیه السلام فأنشدته مرثیه الحُسَین علیه السلام، فلما انتهیت الی هذا الموضع

لَبَلِيَّةٌ تَسْقُو حُسَيْنًا بِمَسْقَاةِ الثَّرَى غَيْرِ التُّرَابِ
فصاحت باکیه من وراء السُّر: واأبتاه!!!»

« حدیث سوم »

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحُسَین، از ابن ابی عمیر، از عبدالله بن حَسان، از ابن ابی شعبة، از عبدالله بن غالب نقل کرده که وی گفت:
بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام داخل شده پس شعری در مرثیه حضرت امام حسین علیه السلام خواندم و وقتی به این بیت متهمی شدم:

لَبَلِيَّةٌ تَسْقُو حُسَيْنًا بِمَسْقَاةِ الثَّرَى غَيْرِ التُّرَابِ

به خدا قسم مصیبتی بود که آن مصیبت حسین علیه السلام را در آب خورگاه زمینی مرطوب نه خشک سیراب نمود پس مخدره‌ای که در پشت پرده می‌گریست با صدای بلند فریاد زد: واأبتاه!!!

متن:

۴- و عنه، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسمعيل، عن صالح ابن عقبة، عن ابي عبدالله عليه السلام «قال: من أنشد في الحسين عليه السلام بيت شعر فبكى وأبكى عشرة فله ولهم الجنة، ومن أنشد في الحسين بيتاً فبكى وأبكى تسعة فله ولهم الجنة، فلم يزل حتى قال: من أنشد في الحسين بيتاً فبكى - وأظنه قال: أو تباكى - فله الجنة».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از حضرت ابي عبدالله عليه السلام نقل کرد که آن جناب فرمودند: کسی که در مرثیه حضرت امام حسین عليه السلام یک بیت شعر خوانده پس گریه کند و ده نفر را بگریاند بهشت برای او و آن ده نفر می باشد. و کسی که یک بیت شعر در مصیبت حضرت امام حسین عليه السلام خوانده پس گریه کند و نه نفر را بگریاند بهشت برای او و آن نه نفر می باشد. و پیوسته امام عليه السلام این فقره را با کاهش دادن نفرات تکرار نموده تا بالاخره فرمودند:

و کسی که یک بیت شعر در مصیبت حضرت امام حسین عليه السلام خوانده و خود بگرید (راوی می گوید گمان می کنم امام عليه السلام فرمودند: یا تباکی کرده و خود را به صورت گریه کن درآورد). بهشت برای او می باشد.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لِي: أَنْشِدْنِي فَأَنْشِدْتُهُ، فَقَالَ لَا؛ كَمَا تَنْشُدُونَ وَكَمَا تَرْتِيهِ عِنْدَ قَبْرِهِ، قَالَ: فَأَنْشِدْتَهُ: أَمُرُّ عَلَى جَدِّ الْحُسَيْنِ فَقُلْ لِأَعْظَمِهِ الزَّكِيَّةِ
قَالَ: فَلَمَّا بَكَى أَمْسَكَتُ أَنَا، فَقَالَ: مَرَّ فَرَرْتُ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ زِدْنِي زِدْنِي قَالَ: فَأَنْشِدْتَهُ:

يَا مَرِيْمُ قُومِي فَأَنْشِدِي مَوْلَاكَ وَ عَلَى الْحُسَيْنِ فَأُسْعِدِي بِبُكَائِكَ
قَالَ: فَبَكَى وَ تَهَايَجَ النِّسَاءُ!! قَالَ: فَلَمَّا سَكَتَنَ قَالَ لِي: يَا أَبَا هَارُونَ مِنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام فَأَبَكَى عَشْرَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، ثُمَّ جَعَلَ يَنْقُصُ وَاحِدًا وَاحِدًا حَتَّى بَلَغَ الْوَاحِدَ، فَقَالَ: مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ فَأَبَكَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ، ثُمَّ قَالَ: مَنْ ذَكَرَهُ فَبَكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن الحسن، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابی هارون مکفوف، وی می گوید:
بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام وارد شدم، حضرت به من فرمودند:
برایم شعر بخوان، پس برای آن حضرت شعر خواندم.
حضرت فرمودند: نه، آنطور که در جمع خودتان می خوانی و به همان نحو که در کنار قبر آن حضرت (حضرت امام حسین علیه السلام) مرثیه می خوانی، بخوان:
ابوهارون می گوید: پس شعر ذیل را برای آن حضرت خواندم:

امر علی جَدِّ الحُسَین فقل لا عَظِیمَ الزَّکِیَّۃِ

یعنی: گذر کن بر قبر حسین بن علی علیه السلام، پس به استخوان های پاک و مطهرش بگو.

ابو هارون می گوید: وقتی حضرت گریستند، من خودداری کرده و خواندن را متوقف نمودم، پس حضرت فرمودند:

بگذر، پس من گذشتم، سپس فرمودند:

بیشتر برایم بخوان، بیشتر برایم بخوان.

ابو هارون می گوید: پس این بیت را خواندم:

یا مریم قومی فاندُبی مولاک و علی الحُسَین فاسعدی ببکاک

ای مریم (مادر حضرت عیسی علیه السلام) بایست و بر سرور خود ندبه و زاری نما، زاری کن بر حضرت حمین علیه السلام و با این زاری و گریه خود او را نصرت و یاری نما.

ابو هارون می گوید: پس از خواندن این بیت، حضرت گریست و مخدرات شیون و زاری کردند.

وی می گوید: وقتی بانوان آرام گرفتند حضرت به من فرمودند:

ای ابا هارون: کسی که در مرثیه حضرت امام حسین علیه السلام شعر بخواند و ده نفر را بگریاند بهشت برای او است سپس حضرت نفرات گریه کننده گان را یکی یکی کاهش داده تا به «واحد» رسیده و فرمودند:

کسی که در رثاء حضرت حسین علیه السلام شعر خوانده و یک نفر را بگریاند بهشت برای او است.

سپس فرمودند:

کسی که یاد امام حسین علیه السلام نموده و برای آن حضرت بگرید بهشت برای او است.

متن:

۶- و روی عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: لكل شيء ثواب إلا الذمعة فينا».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مروی است که آن جناب فرمودند:
هر چیزی ثواب و اجری معین دارد مگر ریختن اشک برای ما که ثوابش را
احدی نمی داند.

متن:

۷- حدّثني محمد بن احمد بن الحسين العسكري، عن الحسن بن عليّ
ابن مهزيار، عن أبيه، عن محمد بن سنان عن محمد بن اسماعيل عن
صالح بن عقبة، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: من أنشد في الحسين بيت شعر
فبكي وأبكي عشرة فله ولهم الجنة، ومن أنشد في الحسين بيتاً فبكي وأبكي
تسعة فله ولهم الجنة، فلم يزل حتى قال: من أنشد في الحسين بيتاً فبكي -
وأظنه قال: أو تباكي - فله الجنة».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن احمد بن حسين العسكري، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش،
از محمد بن سنان، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از حضرت
ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
کسی که در مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام یک بیت شعر بخواند پس خود
گریسته و ده نفر را بگریاند بهشت برای او و آن ده نفر می باشد.
و کسی که در مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام یک بیت شعر بخواند پس خود
گریسته و نه نفر را بگریاند بهشت برای او و آن نه نفر می باشد.

پس پیوسته حضرت نفرات را یکی یکی کاهش داده تا فرمودند:
کسی که در مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام یک بیت شعر خوانده پس خود
بگرید (راوی می گوید: گمان می کنم امام علیه السلام فرمودند: یا تباهی کرده و خود را به
صورت گریه کن درآورد) بهشت برای او می باشد.

﴿الباب الرابع والثلاثون﴾

﴿ثواب من شرب الماء و ذكر الحسين عليه السلام و لعن قاتله﴾

متن:

۱ - حدثني محمد بن جعفر الرزاز الكوفي عن محمد بن الحسين، عن
الحشّاب، عن علي بن حشّان، عن عبد الرحمن بن كثير، عن داود الرقيّ
قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام إذ استسقى الماء، فلما شربه رأيتَه قد استعبر
واغترَ ورقت عيناه بدموعه، ثم قال لي: يا داود لعن الله قاتل
الحسين عليه السلام، فما من عبدٍ شرب الماء فذكر الحسين عليه السلام و لعن قاتله إلا
كتب الله له مائة ألف حسنة، و حطّ عنه مائة ألف سيئة، و رفع له مائة
الف درجة، و كأنما أعتق مائة ألف نسمة و حشره الله تعالى يوم القيامة
ثلج الفؤاد».

حدثني محمد بن يعقوب، عن علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن
جعفر بن إبراهيم الحضرمي عن سعد بن سعد مثله.

﴿ باب سی و چهارم ﴾

﴿ ثواب کسی که آب نوشیده و یاد امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ نموده و کشنده آن حضرت را لعنت کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی از کوفی از محمد بن الحسین، از خشاب، از علی بن حسان، از عبدالرحمن بن کثیر، از داود رقی، وی می گوید:

در محضر مبارک امام صادق علیه السلام بودم، حضرت آب طلبیدند و زمانی که آب را نوشیدند دیدم در حضرت حالت گریه پیدا شد و دو چشم آن حضرت غرق اشک شد سپس به من فرمودند:

ای داود خدا قاتل حسین علیه السلام را لعنت کند، بنده ای نیست که آب نوشیده و حسین علیه السلام را یاد نموده و کشنده اش را لعنت کند مگر آنکه خداوند مئان صد هزار حسنه برای او منظور می کند و صد هزار گناه از او محو کرده و صد هزار درجه مقامش را بالا برده و گویا صد هزار بنده آزاد کرده و روز قیامت حق تعالی او را با قلبی آرام و مطمئن محشورش می کند.

محمد بن یعقوب، از علی بن محمد، از سهل بن زیاد، از جعفر بن ابراهیم حضرمی، از سعد بن سعد مثل همین حدیث را نقل کرده است.

﴿البَابُ الْخَامِسُ وَ الثَّلَاثُونَ﴾

﴿بِكَاء «عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ» عَلَيَّ «الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ» عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾

متن:

۱- حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن جماعة مشايخی، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن الحسين بن اَبی الخطاب، عن اَبی داود المسترق - عن بعض اصحابنا - عن اَبی عبدالله عليه السلام «قال: بكی علی بن الحُسَین علی اَبيه حسین بن علیّ صلوات الله علیهما عشرين سنة - أو أربعین سنة - و ما وضع بین یدیه طعاماً الاّ بکی علی الحُسَین حتّی قال له مولى له: جُلعت فداک یا بن رسول الله انّی أخاف علیک ان تكون من الهالکین، قال: «انّما أشکو بئى و حزنى الى الله و أعلم من الله ما لا تعلمون»، انّی لم أذكر مصرع بنی فاطمة الاّ خنقتی العبرة لذلك».

﴿باب سی و پنجم﴾

﴿گریستن حضرت علی بن حسین بر حسین بن علی﴾

﴿سلام الله علیهم﴾

ترجمه:

﴿حدیث اول﴾

پدرم رحمة الله علیه از جماعتی استایدم، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحُسَین بن اَبی الخطاب، از اَبی داود مسترق، از برخی اصحاب، از حضرت

ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

حضرت علی بن الحُسَین صلوات الله علیهما مدت بیست یا چهل سال بر پدرشان گریستند و طعام و غذائی نبود که در مقابل حضرت بگذارند مگر آنکه حضرتش بیاد امام حسین علیه السلام گریه می‌کردند تا جائی که غلام حضرت محضر مبارکش عرض نمود:

فدايت شوم ای پسر رسول خدا می‌ترسم که شما هلاک شوید.

حضرت فرمودند:

أَنَا اشْكُو بَيْتِي وَحَزَنِي إِلَى اللَّهِ وَاعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

تنها درد دل و غم خود را با خدا گویم و از لطف و کرم بی اندازه او چیزی دانم

که شما نمی‌دانید.

سپس فرمودند:

هیچ‌گاه محل کشته شدن فرزندان فاطمه علیها السلام را بیاد نمی‌آورم مگر آنکه حزن و غصه حلقوم من را می‌فشارد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ الزِّيَّاتِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَنْصُورٍ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - «قَالَ: أَشْرَفَ مَوْلَى لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَهُوَ فِي سَقِيفَةٍ لَهُ سَاجِدٌ يَبْكِي، فَقَالَ لَهُ: يَا مَوْلَى يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ أَمَا أَنْ لِحُزْنِكَ أَنْ يَنْقُضِيَ؟ فَرَنَعَ رَأْسَهُ إِلَيْهِ وَقَالَ: وَيْلَكَ أَوْ ثَكَلْتُكَ أَمَّكَ [وَاللَّهُ] لَقَدْ شَكِي يَعْقُوبُ إِلَى رَبِّهِ فِي أَقَلِّ مِمَّا رَأَيْتَ حَتَّى قَالَ: «يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ»^(۱) إِنَّهُ

فَقَدْ ابْتَأَ واحداً، و أنا رَأَيْتُ أبى و جماعة أهل بيتى يُذَبِّحُونَ حَوْلِي، قال:
و كان على بن الحُسَيْن عليه السلام يميل إلى ولد عقيل، فقيل له: ما بالك تميل
إلى بني عمك هؤلاء دون آل جعفر؟ فقال: إني أذكر يومهم مع أبي عبد الله
الحُسَيْن بن علي عليه السلام فأرق لهم.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی، از دانی خود محمد بن الحُسَيْن بن ابی الخطاب زیات،
از علی بن اسیباط، از اسماعیل بن منصور، از برخی اصحاب نقل کرده که او گفت:
غلام علی بن الحُسَيْن عليه السلام به صفتی سر پوشیده‌ای که تعلق به امام سجاد عليه السلام داشت
و آن جناب در آنجا پیوسته در حال سجود و گریه بودند نزدیک شد و به
حضرت عرض نمود:

ای آقای من، ای علی بن الحُسَيْن آیا وقت تمام شدن حزن و غصه شما هنوز
نرسیده؟

حضرت سر مبارک از زمین برداشته و متوجه او شده و فرمودند:
وای بر تو یا فرمودند: مادرت به عزایت بنشیند به خدا قسم حضرت یعقوب
در حادثه‌ای بس کمتر و واقعه‌ای ناچیزتر از آنچه من دیدم شکایت به پروردگار
نمود و اظهار کرد: یا اسفی علی یوسف (وا اسفا بر فراق یوسفم).
با اینکه ایشان تنها یک فرزندش را از دست داده بود ولی من دیدم که پدرم
و جماعتی از اهل بیت من را در دور من سر بریدند.
راوی گفت:

حضرت علی بن الحُسَيْن عليه السلام به فرزندان عقیل میل و توجه خاصی داشتند. به
حضرت عرض شد: چه طور به این بنی اغماصان (اولاد عقیل) توجه و تمایل
دارید نه به آل و فرزندان جعفر؟

حضرت فرمودند:

یادم می آید از روزی که ایشان همراه ابی عبدالله الحُسَین علیه السلام به چه مصیبت هائی گرفتار شدند پس به حالشان رقت می کنم.

﴿الباب السادس وَ الثَّلَاثُونَ﴾

﴿فِي أَنَّ الْحُسَيْنَ علیه السلام قَتِيلَ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى﴾

متن:

حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ، عَنْ أَبِي يَحْيَى الْحَذَّاءِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: نَظَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام إِلَى الْحُسَيْنِ فَقَالَ: يَا عَبْرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ، فَقَالَ: أَنَا يَا أَبَتَاهُ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا بَنِيَّ».

﴿باب سی و ششم﴾

﴿حضرت امام حسین علیه السلام کشته اشک بوده و هیچ مؤمنی﴾

﴿او را یاد نمی کند مگر آنکه برایش می گرید﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحُسَین و محمد بن الحسن رحمۃ الله علیهم جملگی از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی از سعید بن جناح از ابی یحیی حذاء، از برخی اصحاب از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:

امیرالمؤمنین علیه السلام به حضرت حسین علیه السلام نظر نموده پس فرمودند:
ای اشک هر مؤمنی.

حضرت حسین علیه السلام عرض نمود:
ای پدر من اشک هر مؤمنی هستم؟
امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

بلی پسر من.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنِ الْحُسَيْنِ
ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عَثْمَانَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنْ أَبِي عَمَّارٍ الْمُنْشِدِ «قَالَ: مَا ذَكَرَ الْحُسَيْنَ عليه السلام عِنْدَ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي يَوْمٍ قَطَعَ فَرَسِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَتَبَسِّمًا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِلَى
اللَّيْلِ وَكَانَ عليه السلام يَقُولُ: الْحُسَيْنُ عليه السلام عِبْرَةٌ كُلِّ مُؤْمِنٍ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

جماعتی از اساتیدم از محمد بن یحیی عطار، از حسین بن عبدالله، از حسن
ابن علی بن ابی عثمان، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از ابی عماره منشد
نقل کرده اند که وی گفت:

نام حضرت امام حسین علیه السلام هرگز در روزی نزد امام صادق علیه السلام برده نشد که در
آن روز ایشان متبسم و خندان باشند و می فرمودند:

حسین علیه السلام اشک هر مؤمنی می باشد.

یعنی یاد امام حسین علیه السلام سبب اشک هر مؤمنی می باشد.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى الْخُشَّابِ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام: أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ، لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اشْتَعَبَ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه از سعد بن عبدالله، از حسن بن موسی خشاب، از اسماعیل بن مهران، از علی بن ابی حمزه، از ابی بصیر نقل کرده که وی گفت:
امام صادق علیه السلام فرمودند:

حضرت حسین بن علی فرمودند: من کشته اشک هستم، هیچ مؤمنی من را یاد نمی کند مگر آنکه با یاد من طلب اشک می کند.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام: أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه از سعد بن عبدالله، از حسن بن موسی، از محمد بن سنان، از اسماعیل بن جابر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:

من کشته اشک هستم.

متن:

۵ - حدیثی محمد بن جعفر الرزازی، عن محمد بن الحُسَین، عن المحکم ابن مسکین، عن اَبی بصیر، عن اَبی عبد الله علیه السلام «قال: قال الحُسَین بن علی علیه السلام: انا قتیل العبرة».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحُسَین، از حکم بن مسکین، از اَبی بصیر، از حضرت اَبی عبد الله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
حضرت حسین بن علی علیه السلام فرمودند:
من کشته اشک هستم.



متن:

۶ - حدیثی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن خالد البرقی، عن أبان الأحمر، عن محمد بن الحُسَین الخزاز، عن هارون بن خارجه، عن اَبی عبد الله علیه السلام «قال: کُنّا عنده فذكرنا الحُسَین علیه السلام [و علی قاتله لعنة الله] فبکی اَبو عبد الله علیه السلام و بکینا، قال: ثم رفع رأسه فقال: قال الحُسَین علیه السلام: انا قتیل العبرة، لا یذکر فی مؤمن إلا بکی - و ذکر الحدیث -».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی، از ابان احمر، از محمد بن الحُسَین الخزاز، از هارون بن

خارجہ، از حضرت ابی عبد اللہ علیه السلام نقل کرده وی گفت:
محضر مبارک امام صادق علیه السلام بودیم، پس نام امام حسین علیه السلام و علی قاتله
لعنہ اللہ را بردیم، حضرت گریستند و ما نیز گریستیم.
راوی می گوید: امام علیه السلام سر مبارکش را بلند کرده و فرمودند:
حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:
من کشته اشک هستم، یاد نمی کند من را هیچ مؤمنی مگر آنکه می گرید....

متن:

۷ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ [عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ] السَّعْدِ أَبَادِي قَالَ:
حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ مَسْكَانٍ، عَنْ هَارُونَ
ابْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ علیه السلام: أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ،
قُتِلْتُ مَكْرُوبًا، وَحَقِيقَ عَلَى [اللَّهِ] أَنْ لَا يَأْتِيَنِي مَكْرُوبٌ قَطُّ إِلَّا رَدَّهَ اللَّهُ
وَقَبَلَهُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا».

حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو،
عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مثله.

﴿ حدیث ہفتم ﴾

ترجمہ:

علی بن الحُسَین سعد آبادی می گوید:
احمد بن ابی عبد اللہ برقی از پدرش، از ابن مسکان، از هارون بن خارجہ، از
حضرت ابی عبد اللہ علیه السلام نقل کرده کہ حضرت فرمودند:
حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:

من کشته اشک هستم، من در حالی کہ غمگین و اندوہگین بودم کشته شدم
و سزاوار است بر خدا کہ هر مکروب و اندوہگینی کہ بہ زیارت من می آید را با

قلبی مسرور و شاد به اهلش برگرداند.

حکیم بن داود، از سلمه بن الخطاب، از محمد بن عمرو، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده است.

﴿الباب السابع والثلاثون﴾ ﴿ماروی أن الحُسین علیه السلام سید الشهداء﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسین، محمد بن اسماعیل، عن حنان «قال: قال أبو عبدالله علیه السلام: زوروا الحُسین علیه السلام و لا تجفوه، فانه سید شباب اهل الجنة من الخلق و سید الشهداء».

﴿باب سی و هفتم﴾
﴿در بیان روایاتی که دلالت دارند بر﴾
﴿اینکه حضرت امام حسین علیه السلام سید الشهداء می باشند﴾

ترجمه: ﴿حدیث اول﴾

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن الحُسین، از محمد بن اسماعیل، از حنان نقل کرده که وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و به آن جناب جفاء نکنید زیرا آن وجود مبارک سرور جوانان بهشت و آقا و سید الشهداء می باشند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ ابْنِ عِيسَى، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى، عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِالْمَدِينَةِ: أَيْنَ قُبُورُ الشَّهْدَاءِ؟ فَقَالَ: أَلَيْسَ أَفْضَلُ الشَّهْدَاءِ عِنْدَكُمْ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ أَنَّ حَوْلَهُ أَرْبَعَةُ آلَافٍ مَلِكٍ شَعَثًا غُبْرًا يَكُونُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى، از عباس بن معروف، از حماد بن عيسى از ربیع بن عبد الله نقل کرده که وی گفت: محضر ابو عبدالله علیه السلام در مدینه عرض کردم: قبور شهداء کجاست؟ حضرت فرمودند:

آیا افضل و برترین شهداء نزد شما نیست؟ قسم به کسی که جانم در دست او است اطراف آن حضرت چهار هزار فرشته که جملگی زولیده و اندوهگین و گرفته می باشند حضور داشته و پیوسته تا روز قیامت برای آن حضرت گریه می کنند.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرْقِ، عَنْ أُمِّ سَعِيدِ الْأَخْمَسِيَّةِ «قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَقَدْ بَعَثَتْ مِنْ يَكْتَرِي لِي حَمَارًا إِلَى قُبُورِ الشَّهْدَاءِ، فَقَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنْ زِيَارَةِ سَيِّدِ الشَّهْدَاءِ قَالَتْ: قُلْتُ: وَمَنْ هُوَ؟ قَالَ: الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَتْ: قُلْتُ: وَمَا لَنْ زَارَهُ؟ قَالَ: حَجَّةٌ وَعَمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ

وَمِنَ الْخَيْرِ كَذَا وَكَذَا وَثَلَاثَ مَرَّاتٍ - بیده».

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

ابوالعباس رزازی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از ابی داود المسترق، از ام سعید اَحْمَسِیَه وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابو عبدالله علیه السلام بودم و کسی را فرستاده بودم که درازگوشی را کرایه کند و من را به قبور شهداء ببرد.

امام علیه السلام فرمودند:

چه چیز تو را باز داشت از زیارت حضرت سیدالشهداء.

ام سعید می گوید: عرض کردم: سیدالشهداء کیست؟

حضرت فرمودند:

سیدالشهداء امام حسین علیه السلام می باشد.

ام سعید عرض کرد: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

حج و عمره قبول شده و از اعمال خیر فلان و فلان و فلان (حضرت بادست

مبارک سه مرتبه این عبارت را تفهیم فرمودند).

متن:

۴- و عنه، عن محمد بن الحسين، عن الحكم بن مسكين، عن ام سعید الأحمسیة «قالت: جئت إلى أبي عبدالله علیه السلام فدخلت عليه، فجاءت الجارية فقالت: قد جئت بالدابة؛ فقال لي: يا ام سعید أئی شيء هذه الدابة؛ أين تبغين تذهبين؟ قالت: قلت: أزور قبور الشهداء، قال: آخری ذلك اليوم، ما اعجبكم يا اهل العراق؛ تأتون الشهداء من سفر

بعید و تترکون سید الشهداء لا تأتونه؟! قالت: قلت له: من سید الشهداء؟ فقال: الحُسين بن علی علیه السلام قالت: قلت: انی امرأة، فقال لأبأس لمن کان مثلك أن تذهب إليه و تزوره، قالت: أئی شيء لنا فی زیارته؟ قال: تعدل حجة و عمرة و اعتکاف شهرین فی المسجد الحرام و صیامها، و خیرها کذا و کذا، قالت: بسط یده و ضمها ضمّاً - ثلاث مرّات - .»

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

ابو العباس رزّاز، از محمد بن الحُسين، از حکم بن مسکین، از امّ سعید احمسیّه، وی می گوید:

رفتم محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام و بر آن جناب داخل شدم پس کنیزم آمد و اظهار کرد که اسب را بربایت آورده و آماده کرده ام. امام علیه السلام به من فرمودند:

این اسب چیست کجا را اختیار کرده ای که بروی؟

عرض کردم: به زیارت قبور شهداء می روم.

حضرت فرمودند: امروز را به تأخیر بیاور، از شما اهل عراق متعجبم که راه دوری را طی کرده و به زیارت قبور شهداء می روید ولی سید الشهداء را ترک کرده و به زیارتش نمی روید؟!

عرض کردم: سید الشهداء کیست؟

حضرت فرمودند: سید الشهداء حضرت حسین بن علی علیه السلام می باشد.

عرض کردم: من زن هستم.

امام علیه السلام فرمودند: کسی که مثل شما باشد اشکالی ندارد به آنجا رفته و آن

حضرت را زیارت کند.

عرض کردم: در زیارت ما چه ثواب و اجری هست؟
حضرت فرمودند: زیارت شما معادل با یک حج و یک عمره و اعتکاف دو ماه در مسجدالحرام و روزه آن بوده و بهتر از آن کذا و کذا.
ام سعید می گوید: حضرت سه مرتبه دست های مبارک را باز کرده و بستند.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ -
عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنْ
الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رَزَقٍ، الْغَمْشَانِيِّ، عَنْ أُمِّ سَعِيدٍ الْأَحْمَسِيَّةِ
«قَالَتْ: دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ فَكَتَرْتُ حِمَاراً عَلَى أَنْ أَطُوفَ عَلَى قُبُورِ
الشَّهَدَاءِ، فَقُلْتُ لَا بُدَّ أَبْدَأُ بِابْنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَأَدْخَلَ عَلَيَّ، فَابْطَأَتْ عَلَى
الْمَكَارِيِّ قَلِيلاً، فَهَتَفَ بِي، فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: مَا هَذَا يَا أُمَّ سَعِيدٍ؟ قُلْتُ
لَهُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ تَكَارَيْتُ حِمَاراً لِأُزُورَ عَلَى قُبُورِ الشَّهَدَاءِ، قَالَ: أَفَلَا
أَخْبَرَكِ بِسَيِّدِ الشَّهَدَاءِ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ، قُلْتُ: وَإِنَّهُ
لَسَيِّدُ الشَّهَدَاءِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ زَارَهُ؟ قَالَ: حَجَّةٌ وَ عَمْرَةٌ وَ مِنْ
الْخَيْرِ - هَكَذَا وَ هَكَذَا -».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمه الله علیهم، از سعد بن
عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره از عباس بن عامر، از احمد بن رزق
الغمشانی از ام سعید احمسیه نقل کرده اند که وی گفت:
داخل مدینه شدم و درازگوشی را کرایه کرده تا قبور شهداء را زیارت کنم، با

خود گفتم:

چاره‌ای نیست از اینکه ابتداء پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده بعداً به زیارت اهل قبور بروم پس بر آن جناب داخل شدم و چون توقف و ماندنم نزد آن جناب اندکی طول کشید کمی مکاری معطل شد لذا فریاد زد و من را صدا نمود.

حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

ای ام سعید این شخص کیست؟

عرض کردم: فدایت شوم درازگوشی را کرایه کرده‌ام تا به زیارت قبور شهداء بروم.

حضرت فرمودند: آیا به تو از سیدالشهداء خبر ندهم؟

عرض کردم: چرا.

فرمودند: سیدالشهداء حضرت حسین بن علی علیه السلام است.

عرض کردم: آن حضرت سیدالشهداء می باشند؟

حضرت فرمودند: بلی.

عرض کردم: ثواب و اجر کسی که حضرت را زیارت کند چیست؟

فرمود:

یک حج و یک عمره و از اعمال خیر هکذا و هکذا (فلان مقدار و فلان

مقدار).

متن:

۶- حدیثیابی؛ و محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری جمیعاً، عن

عبدالله بن جعفر الحمیری، عن احمد بن ابی عبدالله البرقی، عن أبیه، عن

عبدالله بن قاسم الحارثی، عن عبدالله بن سنان، عن امّ سعید الأحمسیّة،

«قالت: دخلت المدينة فأكرتيت البغل لأزور عليه قبور الشهداء، قالت: قلت: ما أحدٌ أحقُّ أن أبدء به من جعفر بن محمد عليه السلام؟ قالت: فدخلت عليه فابطأت فصاح بي المكارى حبستينا عافاك الله، فقال لي أبو عبد الله: كأنَّ إنساناً يستعجلك يا أمَّ سعيد، قلت: نعم جعلتُ فداك، إني أكرتيت بغلاً لأزور عليه قبور الشهداء فقلت: ما آتي أحدٌ أحقَّ من جعفر ابن محمد عليه السلام؟ قالت: فقال: يا أمَّ سعيد فما يمنعك من أن تأتي قبر سيِّد الشهداء؟! قالت: فطمعت أن يدُلَّني على قبر علي بن أبي طالب عليه السلام؟ فقلت: بأبي أنت وأُمِّي ومن سيِّد الشهداء؟ قال: الحسين، ابن فاطمة عليها السلام، يا أمَّ سعيد من أتاه ببصرة و رَغِبَ فيه كان له حَجَّةٌ و عمرة مبرورة و كان له من الفضل هكذا و هكذا».

ترجمه: حدیث ششم

ترجمه:

پدرم و محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری جملگی از عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد بن ابی عبدالله برقی، از پدرش، از عبدالله بن قاسم حارثی، از عبدالله بن سنان از امّ سعید اَحْمَسِيَه نقل کرده اند که وی گفت: داخل مدینه شده پس قاطری کرایه کردم تا بر آن سوار شده و به زیارت قبور شهداء روم.

وی می گوید: پیش خود گفتم: احدی شایسته تر از جعفر بن محمد عليه السلام به این نیست که ابتداء زیارتش کرده و سپس به زیارت اهل قبور بروم لذا بر آن جناب داخل شدم پس چون توقف و ماندم نزد آن حضرت طول کشید مکاری فریاد زد و گفت: خدا سلامت بدارد، ما را اینجا حبس کردی و نگاه داشتی! حضرت ابو عبدالله عليه السلام به من فرمودند:

گویا ای ام سعید کسی انتظار تو را می کشد؟
عرض کردم: بلی فدایت شوم، من قاطری را کرایه کرده تا بر آن سوار شده
و به زیارت قبور شهداء روم متهی به خودم گفتم: ابتداء نزد کسی شایسته تر از
جعفر محمد علیه السلام نمی روم.

ام سعید می گوید: امام علیه السلام فرمودند:

ای ام سعید: چه چیز تو را بازداشت از زیارت قبر حضرت سیدالشهداء؟
ام سعید می گوید: انتظار داشتم آن حضرت من را بر قبر علی بن ابی طالب علیه السلام
راهنمایی کنند، پس محضرشان عرض کردم: پدر و مادرم فدایت باد سیدالشهداء
کیست؟

حضرت فرمودند:

حسین بن فاطمه علیه السلام، ای ام سعید کسی که با بصیرت و رغبت و میل به
زیارتش رود برای او یک حج و یک عمره قبول شده منظور می کنند و فلان
و فلان فضیلت برایش می باشد.

متن:

۷- حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن خاله محمد بن الحسین بن ابی
الخطّاب، عن محمد بن اسمعیل - عن حدّثه - عن علی بن ابی حمزة،
عن الحسین بن ابی القلاء، و ابی المغراء و عاصم بن حمید الخطّاط
جماعتهم، عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: ما من شهید الا
و یحبّ أن یكون مع الحسین علیه السلام حتی یدخلون الجنة معه».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز از دانی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از

محمد بن اسماعیل، از کسیکه برای او حدیث نقل کرده، از علی بن ابی حمزه، از حسین بن ابی العلاء و ابی المغیرا و عاصم بن حمید حناط جملگی از ابی بصیر و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: نیست شهیدی مگر آنکه دوست دارد که با حضرت امام حسین علیه السلام بوده تا در معیت آن جناب داخل بهشت شوند.

﴿ الباب الثامن و الثلاثون ﴾

﴿ زیارة الأنبياء الحسين بن علی علیه السلام ﴾



متن:

۱ - حدثني الحسن بن عبدالله، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، وعن اسحاق بن عمار «قال: سمعت أبا عبدالله علیه السلام يقول: ليس نبي في السماوات [و الأرض] إلا يسألون الله تعالى أن يأذن لهم في زيارة الحسين علیه السلام ففوج ينزل و فوج يصعد».

﴿ باب سی و هشتم ﴾
 ﴿ زیارت انبیاء علیهم السلام حضرت ﴾
 ﴿ حسین بن علی علیه السلام را ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب از اسحق بن عمار وی می گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

نیست پیغمبری در آسمان ها و زمین مگر آنکه از خداوند متعال درخواست دارند که به ایشان اذن داده شود تا حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کنند پس فوجی از آسمان نازل شده و به زیارت آن جناب رفته و فوجی پس از زیارت به آسمان می روند.

متن:

۲- و عنه، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن الحسين بن بنت أبي حمزة الثمالي «قال: خرجت في آخر زمان بنى مروان إلى زيارة قبر الحسين عليه السلام مستخفياً من أهل الشام، حتى انتهيت إلى كربلاء فاختفيت في ناحية القرية حتى إذا ذهب من الليل نصفه أقبلت نحو القبر، فلما دَنَوْتُ منه أقبل نحوي رجلٌ فقال لي: انصرف مأجوراً؛ فإنك لا تصل إليه، فرجعت فرجاً حتى إذا كاد يطلع الفجر أقبلت نحوه حتى إذا دَنَوْتُ منه خرج إليَّ الرَّجُلُ فقال لي: يا هذا إنك لا تصل إليه، فقلت له: عافاك الله

ولم أنا أخاف أن أصبح فيقتلونني أهل الشام إن أدركوني ههنا قال: فقال لي: اصبر قليلاً فإن موسى بن عمران عليه السلام سأل الله أن يأذن له في زيارة قبر الحسين فأذن له، فهبط من السماء في سبعين ألف ملك فهم بحضرته من أول الليل ينتظرون طلوع الفجر ثم يرجون إلى السماء، قال: قلت له: فمن أنت عافاك الله؟ قال: أنا من الملائكة الذين أمروا لجرس قبر الحسين عليه السلام والاستغفار لزوَّاره، فانصرفت وقد كاد أن يطير عقلي لما سمعت منه، قال: فأقبلت لما طلع الفجر نحوه فلم يحلُ بيّني وبينه أحدٌ فدَنَوْتُ مِنَ الْقَبْرِ وَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَدَعَوْتُ اللَّهَ عَلَى قَتْلَتِهِ وَصَلَّيْتُ الصُّبْحَ وَأَقْبَلْتُ مُسْرِعاً مَخَافَةَ أَهْلِ الشَّامِ».



﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب، از حسین بن بنت ابی حمزه الثمالی، وی می گوید:

اواخر حکومت بنی مردان بود که من برای زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام در حالی که از اهل شام پنهان می داشتم از شهر کوفه خارج شده تا به کربلاء رسیدم.

پس در جایی مخفی شدم تا نیمی از شب گذشت سپس از مکان خود بیرون آمدم و به طرف قبر رفتم و وقتی نزدیک شدم مردی بطرف من آمد و گفت: برگرد که مأجور و مثاب می باشی و تو به قبر دسترسی نداری.

پس نالان و با فزع و جزع برگشته تا نزدیک طلوع صبح شد سپس به طرف قبر بازگشته تا نزدیک آن شدم باز همان شخص به طرف من آمد و گفت: ای شخص تو دسترسی به قبر نداری.

به او گفتم: خدا سلامت بدارد چرا من به قبر دسترسی ندارم؟ در حالی که من از کوفه به نیت زیارت آن حضرت آمده‌ام بنابراین تقاضا دارم بین من و بین قبر حائل نشوی تا زیارت کرده و سریع برگردم زیرا هراس دارم صبح شود و اهل شام من را در اینجا دیده و اقدام به کشتنم کنند.

راوی می‌گوید:

آن شخص به من گفت: کمی صبر کن زیرا حضرت موسی بن عمران علیه السلام از خداوند متعال درخواست نموده که به او اذن زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام را بدهد و حقیقتاً به وی اذن داده لذا وی با هفتاد هزار فرشته از آسمان به زیر آمده و هم اکنون در محضر امام علیه السلام بوده و آن جناب را زیارت کرده و انتظار می‌کشند صبح طلوع کرده تا به آسمان بروند.



راوی می‌گوید: به آن شخص گفتم: خدا سلامت بدارد کیستی؟

گفت: من از فرشتگانی هستم که مأمور حفاظت و حراست قبر حسین بن علی علیه السلام و طلب آمرزش برای زوار آن جناب می‌باشند.

پس برگشتم و نزدیک بود بخاطر آنچه از او شنیده بودم عقمم ببرد.

وی می‌گوید:

هنگامی که صبح طلوع کرد جلو رفته کسی حائل و مانع نشد پس نزدیک به قبر شده و سلام نمودم و کشنده‌گان آن حضرت را نفرین کرده و در همانجا نماز صبح را بجا آورده و بجهت خوف و هراسی که از اهل شام داشتم سریع برگشتم.

متن:

۳- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيرِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ [عَمْرِو بْنِ] الْأَشْعَثِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ

الانصارى، عن ابن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: سمعته يقول: قبر الحسين بن علي صلوات الله عليهما عشرون ذراعاً في عشرين ذراعاً مكثراً روضة من رياض الجنة، ومنه معراج الملائكة الى السماء، وليس من ملك مقرب ولا نبي مرسل إلا وهو يسأل الله أن يزوره، ففوج بهبط و فوج يصعد».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله حمیری از پدرش، از هارون بن مسلم، از عبدالرحمن بن عمرو اشعث، از عبدالله بن حماد الانصاری، از ابن سنان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی می گویند:



از آن حضرت شنیدم که می فرمودند: مساحت قبر حسین بن علی صلوات الله علیهما بیست ذراع در بیست ذراع بوده و آن باغی است از باغ های بهشت و از آنجا فرشتگان به آسمان عروج می کنند و هیچ فرشته مقرب و نبی مرسل نیست مگر آنکه از خدا طلب زیارت آن را می کند لذا فوجی از آسمان به زمین آمده تا آن زیارت کرده و فوجی پس از زیارت از زمین به آسمان می روند.

متن:

۴- حدَّثنی ابي؛ و أخى؛ و جماعة مشايخى - رحمهم الله - عن محمد بن يحيى؛ و أحمد بن إدريس، عن محمد بن سليمان النيسابورى، عن عبد الله بن محمد اليماني، عن منيع بن حجاج، عن يونس، عن صفوان الجمال «قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: لما أتى الحيرة هل لك في قبر

الحُسَین علیه السلام؟ قلت: وَ تَزُورُهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟ قَالَ: وَ كَيْفَ لَا أَزُورُهُ وَاللَّهِ يَزُورُهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٌ يَهْبِطُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ إِلَيْهِ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَوْصِيَاءُ وَ مُحَمَّدٌ أَفْضَلُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ نَحْنُ أَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ، فَقَالَ صَفْوَانُ جَعَلَتْ فِدَاكَ فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ حَتَّى تُدْرِكَ زِيَارَةُ الرَّبِّ؟ قَالَ: نَعَمْ، يَا صَفْوَانُ أَلْزَمَ ذَلِكَ تَكْسِبَ لَكَ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَینِ علیه السلام، وَ ذَلِكَ تَفْضِيلٌ وَ ذَلِكَ تَفْضِيلٌ.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدر و برادر و جماعتی از اساتیدم، از محمد بن یحیی و احمد بن ادریس، از حمدان بن سلیمان نیشابوری از عبدالله بن محمد الیمانی، از منیع بن حجاج، از یونس، از صفوان جمال نقل کرده اند که وی گفت:

وقتی حضرت ابو عبدالله علیه السلام به حیره شریف آوردند به من فرمودند:

آیا مایل به زیارت قبر حسین علیه السلام هستی؟

عرض کردم: فدایت شوم آیا قبر آن حضرت را زیارت می کنی؟

حضرت فرمودند:

چگونه آن را زیارت نکنم و حال آنکه خداوند متعال در هر شب جمعه با فرشتگان و انبیاء و اوصیاء به زمین هبوط کرده و او را زیارت می کنند.

البته حضرت محمد صلی الله علیه و آله افضل انبیاء و ما افضل اوصیاء هستیم.

(طبق فرموده مرحوم مجلسی مقصود از زیارت حق تعالی، انزال رحمت های خاصه اش بر آن حضرت و زوار آن جناب می باشد).

سپس صفوان عرض کرد: فدایت شوم پس، هر شب جمعه قبر آن حضرت را

زیارت کرده تا بدین وسیله زیارت پروردگار را نیز کرده باشیم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای صفوان ملازم این باش برایت قبر حسین علیه السلام را می نویسند و این تفضیلی است و این تفضیلی است (یعنی زیارت قبر حسین علیه السلام این فضیلت را دارد که در آن زیارت پروردگار نیز می باشد).

متن:

و حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَمْدَانِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: خَرَجْتُ فِي آخِرِ زَمَانِ بَنِي أُمَيَّةَ (كُذَّا) وَذَكَرْتُ مِثْلَ الْحَدِيثِ الْمُسْتَقْدَمِ فِي الْبَابِ.

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنْ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْبُوفَكِيِّ، عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ ابْنَةِ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: خَرَجْتُ فِي آخِرِ زَمَانِ بَنِي مَرْوَانَ - وَذَكَرْتُ مِثْلَ حَدِيثِ الَّذِي مَرَّ فِي أَوَّلِ الْبَابِ سِوَاءً.

ترجمه:

قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم همدانی از پدرش، از جدش از عبدالله بن حماد انصاری از حسین بن ابی حمزه نقل کرده که وی گفت:
در اواخر حکومت بنی امیه من از شهر خود خارج شدم و سپس مثل حدیثی را که قبلاً نقل کردیم (حدیث دوم از همین باب) نقل نموده:
و پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از احمد بن ادريس از عمرکی بن علی بوفکی، از عده ای اصحاب از حسن بن محبوب، از حسین بن ابنة ابی حمزة الثمالی نقل کرده اند که وی گفت:

در اواخر حکومت بنی مروان از شهر خود خارج شدم و سپس نظیر حدیثی را که قبلاً نقل نمودیم (حدیث دوم از همین باب) نقل کرده‌است.

﴿الباب التاسع و الثلاثون﴾
﴿زیارة الملائكة الحسين بن علی علیه السلام﴾

متن:

۱- حدّثنی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن أبیه، عن الحسن ابن محبوب، عن اسحاق بن عمار، عن ابي عبدالله علیه السلام «قال: سمعته يقول: ليس من ملك في السماوات إلا وهم يسألون الله عز وجل أن يأذن لهم في زيارة قبر الحسين علیه السلام، ففوج ينزل و فوج يعرج».

﴿باب سی و نهم﴾
﴿زیارت فرشتگان حسین بن علی علیه السلام را﴾

ترجمه: ﴿حدیث اول﴾

حسین بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از اسحاق بن عمار، از حضرت ابي عبدالله علیه السلام وی می‌گوید:
از آن حضرت شنیدم که می‌فرمودند:

هیچ فرشته‌ای در آسمان‌ها نیست مگر آنکه از خداوند عزوجل درخواست دارد که حق تعالی به او اذن دهد که قبر حضرت حسین علیه السلام را زیارت کند لذا

فوجی از آسمان به زیر آمده و به زیارت حضرتش رفته و فوجی از زیارت برگشته و به آسمان عروج می کنند.

متن:

۲- و عنه، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن داود الرقيّ «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ما خلق الله خلقاً أكثر من الملائكة، وأنه ينزل من السماء كل مساء سبعون ألف ملك يطوفون بالبيت الحرام ليلتهم حتى إذا طلع الفجر انصرفوا إلى قبر النبي صلى الله عليه وآله فيسلمون عليه ثم يأتون قبر أمير المؤمنين عليه السلام فيسلمون، ثم يأتون قبر الحسين عليه السلام فيسلمون عليه، ثم يرجون إلى السماء قبل أن تطلع الشمس، ثم تنزل ملائكة النهار سبعون ألف ملك، فيطوفون بالبيت الحرام نهارهم حتى إذا غربت الشمس انصرفوا إلى قبر رسول الله صلى الله عليه وآله فيسلمون عليه، ثم يأتون قبر أمير المؤمنين عليه السلام فيسلمون عليه، ثم يأتون قبر الحسين عليه السلام فيسلمون عليه، ثم يرجون إلى السماء قبل أن تغيب الشمس».

« حدیث دوم »

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از داود رقی نقل کرده، وی گفت:

از حضرت ابو عبدالله عليه السلام شنیدم که می فرمود:

خداوند متعال مخلوقی زیاده از فرشتگان نیافریده، در هر شب هفتاد هزار فرشته از آسمان نازل شده و از اول شب تا طلوع صبح بیت الله الحرام را طواف می کنند و پس از طلوع صبح به طرف قبر نبی اکرم ﷺ برگشته و به آنجا که

رسیدند به حضرتش سلام نموده و بعداً به نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام رفته و به آن جناب سلام کرده و پس از آن به نزد قبر حسین علیه السلام آمده و بر آن وجود مبارک سلام داده و قبل از طلوع آفتاب به آسمان عروج می‌کنند و پس از ایشان فرشتگان روز که آنها نیز هفتاد هزار نفر هستند به زمین آمده ابتداء بیت‌الله الحرام را طواف کرده و طول روز به آن اشتغال دارند و پس از غروب آفتاب به طرف قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله رفته و بر آنجناب سلام داده و پس از آن نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام می‌آیند و بر آن حضرت سلام کرده و بعد به نزد قبر حسین علیه السلام حاضر شده و بر آن جناب سلام داده و سپس پیش از غروب آفتاب به آسمان می‌روند.



متن:

۳- حدّثنی اَبی - رحمه الله - و جماعۃ مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن الحُسَین بن عبدالله، عن الحسن بن علی بن اَبی عثمان، عن محمد بن الفضیل، عن إسحاق بن عمار، عن اَبی عبدالله علیه السلام «قال: ما بین قبر الحُسَین علیه السلام إلى السماء مُخْتَلَفُ الملائکة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبدالله، از حسین بن عبدالله، از حسن بن علی بن ابی عثمان از محمد بن فضیل، از اسحاق بن عمار نقل کرده‌اند که وی گفت:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

بین قبر امام حسین علیه السلام تا آسمان ملائکه و فرشتگان در آمد و شد و نزول و صعود می‌باشند.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: قَبْرُ الْحُسَيْنِ عليه السلام - عَشْرُونَ ذِرَاعاً فِي عِشْرِينَ ذِرَاعاً مُكْسِراً - رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، مِنْهُ مَعْرَاجٌ إِلَى السَّمَاءِ، فَلَيْسَ مِنْ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ وَلَا نَبِيٍّ مُرْسَلٍ إِلَّا وَهُوَ يَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَزُورَ الْحُسَيْنَ عليه السلام، ففَوْجٌ يَهْبِطُ وَفَوْجٌ يَصْعَدُ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم از پدرش، از جدش، از عبدالله بن حماد انصاری، از عبدالله بن سنان وی می گوید:
از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

مساحت قبر حسین بن علی علیه السلام بیست ذراع در بیست ذراع می باشد، این محل باغی است از باغ های بهشت، از آنجا عروج به آسمان صورت می گیرد، و هیچ فرشته مقرب و نبی مرسل نیست مگر آنکه از حق تعالی درخواست می کند که به زیارت حسین علیه السلام برود پس فوجی از آسمان به زمین فرود آمده و به زیارت آن حضرت رفته و فوجی پس از زیارت به آسمان می روند.

متن:

۵ - وَ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ كُنْتُ فِي الْحَيْرَةِ لَيْلَةَ عَرَفَةَ فَرَأَيْتُ نَحْواً مِنْ ثَلَاثَةِ آلَافٍ أَوْ أَرْبَعَةِ آلَافٍ رَجُلٍ،

جميلة وجوههم، طيبة ريحهم، شديد بياض ثيابهم، يصلون الليل أجمع، فلقد كنت أريد أن آتي قبر الحسين عليه السلام وأقبله وأدعو بدعوات، فما كنت أصل إليه من كثرة الخلق، فلما طلع الفجر سجدت سجدة، فرفعت رأسي فلم أر منهم أحداً، فقال لي أبو عبدالله عليه السلام: أتدري من هؤلاء؟ قلت: لا جعلت فداك، فقال: أخبرني أبي، عن أبيه، قال: مرّ بالحسين عليه السلام أربعة آلاف ملك - وهو يقتل - فخرجوا إلى السماء فأوحى الله تعالى إليهم: يا معشر الملائكة مرّتم بآبن حبيبي و صفيني محمد عليه السلام وهو يُقتل ويضطهد مظلوماً فلم تنصروه؟! فأنزلوا إلى الأرض إلى قبره فابكوه شغشغاً غبراً إلى يوم القيامة، فهم عنده إلى أن تقوم الساعة».



« حدیث پنجم »

ترجمه:

و از قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم، از پدرش، از جدش، از عبدالله بن حماد، از اسحاق بن عمار نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله عليه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا فدایت شوم شب عرفه در حیره بودم، قریب سه، چهار هزار مردانی دیدم که صورت هایشان زیبا و بویشان خوش و لباس های بسیار سفید به تن داشتند و طول شب در آنجا به نماز خواندن مشغول بودند، اراده کردم به نزدیک قبر شریف رفته و آن را بوسیده و دعاهائی نزدیک قبر بخوانم ولی از کثرت خلق و ازدحام جمعیت نتوانستم خود را به قبر برسانم و وقتی صبح طلوع نمود به سجده رفته و وقتی سر از سجده برداشتم احدی از آن مردان را ندیدم.

امام عليه السلام به من فرمودند:

آیا دانستی آنها چه کسانی بودند؟

عرضه داشتم: فدایت شوم، خیر.

امام علیه السلام فرمودند: پدرم از پدرشان به من خبر دادند که چهار هزار فرشته به حضرت امام حسین علیه السلام مرور کردند در حالی که آن حضرت شهید شده بودند پس آن فرشتگان به آسمان عروج کردند و حق تعالی به ایشان وحی فرمود: ای گروه فرشتگان به پسر حبیب و برگزیده ام حضرت محمد صلی الله علیه و آله مرور نمودید در حالی که او کشته و مقهور و مظلوم بود پس چرا او را کمک نکردید؟ پس به زمین فرود آئید و ملازم قبرش بوده و با حالی ژولیده و گرفته تا روز قیامت بر او بگریید، پس این فرشتگان نزد قبر بوده تا قیامت به پا شود.

متن:

۶- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ قَتَيْبَةَ الْهَمْدَانِيِّ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي كُنْتُ بِالْخَائِرِ لَيْلَةَ عَرَفَةَ وَكُنْتُ أَصْلِي وَثُمَّ نَحَوُّ مِنْ خَمْسِينَ أَلْفًا مِنَ النَّاسِ، جَمِيلَةً وَجُوهَهُمْ، طَيِّبَةً رَوَائِحُهُمْ، وَأَقْبَلُوا يَصَلُّونَ اللَّيْلَةَ أَجْمَعِ، فَلَمَّا طَلَعَ الْفَجْرُ سَجَدْتُ ثُمَّ رَفَعْتُ رَأْسِي فَلَمْ أَرْ مِنْهُمْ أَحَدًا، فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّهُ مَرَّ بِالْحُسَيْنِ عليه السلام خَمْسُونَ أَلْفَ مَكٍّ، وَهُوَ يَقْتُلُ فَعَرَجُوا إِلَى السَّمَاءِ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمْ: مَرَّرْتُمْ بِابْنِ حَبِيبٍ وَهُوَ يَقْتُلُ فَلَمْ تَنْصُرُوهُ؟ فَاهْبُطُوا إِلَى الْأَرْضِ فَاشْكُنُوا عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْنًا غُبْرًا إِلَى يَوْمِ تَقُومُ السَّاعَةُ.

واقبلوا يصلون الليلة اجمع فلما طلع الفجر سجدت ثم رفعت رأسي فلم أر منهم احداً فقال لي ابو عبد الله عليه السلام انه مرّ بالحسين عليه السلام خمسون ألف ملك و هو يقتل فخرجوا الى السماء فأوحى الله تعالى اليهم مررتم بابن

حبیبی و هو یقتل فلم تنصروه فاهبطوا الی الارض فاسکنوا عند قبره
شعناً غبراً الی یوم تقوم الساعة».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از برخی اصحابش، از احمد بن قتیبه
همدانی، از اسحاق بن عمار نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم شب عرفه در حائر بوده
و نماز می خواندم و در آنجا قریب پنجاه هزار نفر از مردمی دیدم زیباروی
و خوش بو که طول مدت شب را در آنجا نماز می خواندند و هنگامی که صبح
طلوع نمود به سجده رفتم و پس از برداشتن سر احدی از ایشان را ندیدم.

امام علیه السلام به من فرمودند:

پنجاه هزار فرشته به حسین علیه السلام عبور کرده و در حالی که آن حضرت کشته
شده بودند پس به آسمان بالا رفتند و خداوند متعال به ایشان وحی فرستاد:

به پسر حبیبم مرور کردید در حالی که او کشته شده بود، پس چرا کمک
و یاری او نکردید؟ حال به زمین فرو روید و نزد قبرش ساکن شوید و با هیبتی
زولیده و حالی غمگین باقی بمانید تا قیامت پیا شود.

﴿البابُ الأربعون﴾

﴿دُعَاءُ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَزُوَارِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - جَمِيعاً، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرٍ، عَنْ حَسَّانِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ: قَالَ لِي: يَا مُعَاوِيَةُ لَا تَدْعُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَخَوْفٍ، فَإِنْ مَنْ تَرَكَ زِيَارَتَهُ رَأَى مِنَ الْحَشَرَةِ مَا يَتَمَنَّى أَنْ قَبْرَهُ كَانَ عِنْدَهُ أُمًّا تَحَبُّ أَنْ يَرَى اللَّهَ شَخْصَكَ وَ سَوَادَكَ فَيَمْنُ بِدَعْوِ لَه رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلِيٍّ فَاطِمَةَ وَ الْأَئِمَّةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

مرکز تحقیقات اسلامی قم

﴿باب جهلم﴾

﴿دُعَاءُ نَمُودَن رَسُولِ خُدَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ امیرالمؤمنین وَ فَاطِمَةَ وَ ائِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾

﴿در حق زائرین امام حسین علیه السلام﴾

﴿حدیثِ اوّل﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن عبدالله و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمة الله علیهم
جملگی از عبدالله بن جعفر حمیری، از موسی بن عمر، از حسان بصری، از
معاویه بن وهب، از حضرت ابا عبدالله علیه السلام، وی گفت:
امام صادق علیه السلام به من فرمودند:

ای معاویه به جهت ترس و وحشت زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام را ترک
مکن زیرا کسیکه زیارت آن حضرت را ترک کند چنان حسرتی بخورد که آرزو

نماید قبر آن حضرت نزد او باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود، آیا دوست داری که خدا تو را در زمره کسانی ببیند که حضرت رسول ﷺ و حضرات علی و فاطمه و ائمه علیهم السلام در حقشان دعاء فرموده‌اند.

متن:

۲- وبهذا الإِسناد، عن موسى بن عمر، عن حَسَّان البصريّ، عن معاوية بن وَهَب «قال: استأذنت على أبي عبد الله ﷺ فقبل لي: أدخل، فدخلت فوجدته في مصلاه في بيته فجلست حتى قضى صلاته فسمعتَه يَناجي رَبَّهُ وهو يقول: «اللَّهُمَّ يا مَنْ خَصَّنَا بِالكَرَامَةِ؛ و وعدنا بِالشَّفَاعَةِ؛ و خَصَّنَا بِالوَصِيَّةِ؛ و أعطانا عِلْمَ ما مَضَى و عِلْمَ ما بَقِيَ؛ و جعل أَفْتَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إلينا، اغْفِرْ لي و لإِخواني و زُوارِ قَبْرِ أبي: الحَسَنِ، الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوالَهُمْ و أَشْخَصُوا أَبدانَهُمْ رَغْبَةً في بَرِّنا، و رَجاءً لَمّا عِنْدَكَ في صَلَّاتِنَا، و سُروراً أَذْخُلُوهُ عَلى نَبِيِّكَ، و إِجابةً مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا، و غِيظاً أَذْخُلُوهُ عَلى عَدُوِّنا، أَرادوا بِذلك رِضاكَ، فَكَافَتْهُمْ عَنّا بِالرِّضوانِ، و اكْتَلَأَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ، و اخْلَفَ عَلى أَهالِهِمْ و أولادِهِم الَّذِينَ خَلَفُوا بِأَحْسَنِ الْخَلْفِ و أَصْحَبَهُمْ، و اكْفَيْهِمْ شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ؛ و كُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ و شَدِيدٍ، و شَرِّ شَيَاطِينِ الْإِنسِ وَالْجِنِّ، و أعطِهِمْ أَفْضَلَ ما أَمَّلُوا مِنْكَ في غَرِبتِهِمْ عَن أوطانِهِمْ، و ما آثَرُونَا بِهِ عَلى أَبنائِهِمْ و أَهالِهِمْ و قَرابَتِهِمْ، اللَّهُمَّ إِنَّ أَعْداءَنا عابُوا عَلَيهِمْ بِخروجِهِمْ، فلم يَنْبِهِمْ ذلك عَنِ الشُّخوصِ إلينا خَلافاً مِنْهُمْ عَلى مَنْ خالَفَنا، فَارْحَمْ تِلْكَ الوُجُوهُ الَّتِي غَيَّرَها الشَّمْسُ، و اَرْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي تَتَقَلَّبُ عَلى حُفْرَةِ أبي عَبْدِ اللَّهِ الحَسَنِ ﷺ،

وَارْحَمِ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَّنَا، وَارْحَمِ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاخْتَرَقَتْ لَّنَا، وَارْحَمِ تِلْكَ الصَّرخَةَ الَّتِي كَانَتْ لَّنَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ تِلْكَ الْأَبْدَانِ وَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ حَتَّى تَرْوِيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ [الأكبر]»:

فما زال يدعوني وهو ساجدٌ بهذا الدعاء، فلما انصرف قلت: جُعِلْتُ فِدَاكَ لو أَنَّ هذا الَّذِي سَمِعْتُ مِنْكَ كَانَ لِمَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَظَنَنْتُ أَنَّ الثَّارَ لَا تَطْعَمُ مِنْهُ شَيْئاً أَبَداً!! واللَّهِ لَقَدْ تَمَنَّيْتُ أَنِّي كُنْتُ زُرَّتُهُ وَلَمْ أَحُجَّ، فَقَالَ لِي: مَا أَقْرَبَكَ مِنْهُ؛ فَمَا الَّذِي يَمْنَعُكَ مِنْ زيارته؟ ثُمَّ قَالَ: يَا مُعَاوِيَةُ لَمْ تَدْعُو ذَلِكَ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ لَمْ أَرَ أَنَّ الْأَمْرَ يَبْلُغُ هَذَا كُلَّهُ؟ فَقَالَ: يَا مُعَاوِيَةُ [و] مَنْ يَدْعُو لِرُؤُوسِهِ فِي السَّمَاءِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَدْعُو لَهُمْ فِي الْأَرْضِ».

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: اسْتَأْذَنْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ.

﴿ حَدِيثِ دَوِّم ﴾

ترجمه:

و پدرم و محمد بن عبدالله و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمه الله علیهم جملگی از عبدالله بن جعفر حمیری از موسی بن عمر، از حسان بصری، از معاویه بن وهب نقل کرده اند که وی گفت:

اذن خواستم که بر امام صادق علیه السلام داخل شوم، به من گفته شد که داخل شو، پس داخل شده آن جناب را در نمازخانه منزلشان یافتم پس نشستم تا حضرت

نمازشان را تمام کردند پس شنیدم که با پروردگارشان مناجات نموده و می گفتند: بار خدایا، ای کسی که ما را اختصاص به کرامت داده و وعده شفاعت دادی و مختص به وصیت نمودی (یعنی ما را وصی پیامبرت قرار دادی) و علم به گذشته و آینده را به ما اعطاء فرمودی، و قلوب مردم را مایل به طرف ما نمودی، من و برادران و زائرین قبر پدرم حسین ﷺ را بیمارز، آنانکه اموالشان را انفاق کرده و ابدانشان را به تعب انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما و به امید آنچه در نزد تست به خاطر صله و احسان به ما و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت و به جهت اجابت کردنشان فرمان ما را و به قصد وارد نمودن غیظ بر دشمنان ما.

اینان اراده و نیتشان از این ایثار تحصیل رضا و خشنودی تو است پس تو هم از طرف ما این ایثار را جبران کن و بواسطه رضوان احسانشان را جوابگو باش و در شب و روز حافظ و نگاهدارشان بوده و اهل و اولادی که از ایشان باقی مانده اند را بهترین جانشینان قرار بده و مراقب و حافظشان باش و شر و بدی هر ستمگر عنود و منحرفی را از ایشان و از هر مخلوق ضعیف و قوی خود کفایت نما و ایشان را از شر شیاطین انسی و جنی محفوظ فرما و اعطاء کن به ایشان برترین چیزی را که در دور بودنشان از اوطان خویش از تو آرزو کرده اند و نیز به ایشان پهنش برتر و بالاتر از آنچه را که بواسطه اش ما را بر فرزندان و اهل و نزدیکانشان اختیار کردند، بار خدایا دشمنان ما بواسطه خروج بر ایشان آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند ولی این حرکت اعداء ایشان را از تمایل به ما باز نداشت و این ثبات آنان از باب مخالفتشان است با مخالفین ما، پس تو این صورت هائی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورت هائی را که روی قبر ابی عبدالله الحسین ﷺ می گذارند و برمی دارند مشمول لطف و رحمت قرار بده و همچنین به چشم هائی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته اند نظر عنایت فرما و دل هائی که

برای ما به جزع آمده و بخاطر ما سوخته‌اند را ترحم فرما، بارخدا یا به فریادهائی که بخاطر ما بلند شده برس، خداوند من این ابدان و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می‌شوند آنها را سیراب نمائی.

و پیوسته امام علیه السلام در سجده این دعاء را می‌خواندند و هنگامی که از آن فارغ شدند عرض کردم:

فدایت شوم این فقرات و مضامین ادعیه‌ای که من از شما شنیدم اگر شامل کسی شود که خداوند عزوجل را نمی‌شناسد گمانم این است که آتش دوزخ هرگز به آن فائق نیاید!!!

به خدا سوگند آرزو دارم آن حضرت (حضرت امام حسین علیه السلام) را زیارت کرده ولی به حج نروم.

امام علیه السلام به من فرمودند:

چقدر تو به قبر آن جناب نزدیک هستی، پس چه چیز تو را از زیارتش باز می‌دارد؟

سپس فرمودند:

ای معاویه زیارت آن حضرت را ترک مکن.

عرض کردم: فدایت شوم نمی‌دانستم که امر چنین بوده و اجر و ثواب آن این مقدار است.

حضرت فرمودند:

ای معاویه کسانی که برای زائرین امام حسین علیه السلام در آسمان دعاء می‌کنند به مراتب بیشتر هستند از آنانکه در زمین برای ایشان دعاء و ثناء می‌نمایند.

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم از معاویه بن وهب نقل کرده که وی گفت:

اذن گرفتیم که بر حضرت ابی عبدالله ﷺ داخل شوم.
سپس مثل حدیث مذکور را نقل کرده است.

متن:

۳- حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن موسى بن عمر، عن حسان البصری، عن معاوية بن وهب، عن ابی عبدالله ﷺ «قال: قال لي: يا معاوية لا تدع زيارة الحسين ﷺ لخوفٍ فإنَّ مَنْ تركه رأى مِنَ الحسرة ما يتمنى إنَّ قبره كان عنده، أما تحبُّ أن يرى الله شخصك و سوادك فيمن يدعو له رسول الله ﷺ و علي و فاطمة و الائمة ﷺ؟! أما تحبُّ أن تكون ممن ينقلب بالمغفرة لما مضى و يغفر لك ذنوب سبعين سنة؟! أما تحبُّ أن تكون ممن يخرج من الدنيا و ليس عليه ذنبٌ تتبع به؟! أما تحبُّ أن تكون غداً ممن يصفحه رسول الله ﷺ».

« حدیث سؤم »

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله از موسی بن عمر، از حسان بصری، از معاویه بن وهب از حضرت ابی عبدالله ﷺ نقل کرده، وی گفت:
امام ﷺ به من فرمودند:

ای معاویه به خاطر ترس و خوف زیارت امام حسین ﷺ را ترک مکن زیرا کسی که آن را ترک کند چنان حسرتی بخورد که آرزو کند قبر آن حضرت نزدش باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود آیا دوست داری که خدا تو را در زمره کسانی ببیند که حضرت رسول ﷺ و حضرات علی و فاطمه و ائمه ﷺ در حقشان دعاء فرموده اند؟!

آیا دوست داری از کسانی باشی که به واسطه آمرزش لغزشهای گذشته طومار اعمال تغییر یابد و گناهان هفتاد سال از تو آمرزیده شود؟
 آیا دوست داری از کسانی باشی که از دنیا رفته بدون اینکه گناه قابل مؤاخذه داشته باشی؟
 آیا دوست داری از کسانی باشی که رسول خدا ﷺ با آنها مصافحه می فرمایند؟

متن:

حدَّثني أبي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن سعد، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن عبدالله بن حماد، عن عبدالله الأصم، عن معاوية بن وهب قال:

استأذنت علي أبي عبدالله عليه السلام - و ذكر الحديث والدعاء لزوار الحسين عليه السلام - .

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از اساتیدم، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبدالله بن حماد از عبدالله اصم، از معاویه بن وهب نقل کرده که وی گفت:
 اذن خواستم که بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام داخل شوم.... و حدیث مذکور و دعاء برای زائرین قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را طبق آنچه قبلاً ذکر گردید نقل نمود.

متن:

و حدَّثني محمد بن الحسين بن مَتَّ الجوهري، عن محمد بن أحمد بن يحيى، عن موسى عمر، عن غسان البصري، عن معاوية بن وهب، و حدَّثني

محمد بن یعقوب؛ و علی بن الحسین، عن علی بن ابراهیم بن هاشم - عن بعض أصحابنا - عن ابراهیم بن عقیبة، عن معاویة بن وهب قال: استأذنت علی ابی عبدالله ﷺ - و ذکر مثل حدیث الدعاء الّذی فی زوّار الحسین ﷺ -

حدّثنی ابی - رحمه الله - و علی بن الحسین؛ و جماعة مشایخنا، عن أحمد بن إدريس؛ و محمد بن یحیی جمیعاً، عن العُمَری بن علی البوفکی، عن یحیی خادم ابی جعفر الثانی ﷺ، عن ابن ابی عمیر، عن معاویة بن وهب قال: استأذنت علی ابی عبدالله ﷺ - و ذکر الحدیث -.

ترجمه:

محمد بن الحسین بن مَتّ الجوهري، از محمد بن احمد بن یحیی، از موسی بن عمر، از غُثَّان البصری، از معاویة بن وهب.

محمد بن یعقوب و علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از بعض اصحاب، از ابراهیم بن عقبه از معاویة بن وهب نقل کرده که وی گفت:

اذن خواستم که بر حضرت ابی عبدالله ﷺ داخل شوم.... و نظیر حدیثی که مشتمل بود بر دعاء در حق زائرین امام حسین ﷺ را نقل نموده.

پدرم و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتید ما، از احمد بن ادريس و محمد بن یحیی جملگی از عمرکی ابن علی بوفکی، از یحیی خادم حضرت

ابی جعفر ثانی ﷺ، از ابن ابی عمیر، از معاویة بن وهب نقل کرده که وی گفت: اذن خواستم که بر حضرت ابی عبدالله ﷺ داخل شوم.... و حدیث سابق را نقل

نمود.

متن:

۴ - حدَّثني حكيم بن داود، عن سلمة بن الخطاب، عن الحسن بن علي الوشاء - عمَّن ذكره - عن داود بن كثير، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: إنَّ فاطمة عليها السلام بنت محمد عليه السلام تحضر لزوار قبر ابنها الحسين عليه السلام فتستغفر لهم ذنوبهم».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود، از سلمة بن الخطاب، از حسن بن علی الوشاء از کسی که ذکرش نموده، از داود بن كثير، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حضرت فاطمه عليها السلام دخت حضرت محمد عليه السلام برای زوار قبر فرزندش حضرت حسین بن علی عليه السلام حاضر شده و برای طلب آمرزش برای گناهان ایشان می نماید.

﴿ الباب الحادي و الأربعون ﴾

﴿ دعاء الملائكة لزوار الحسين عليه السلام ﴾

متن:

۱ - حدَّثني محمد بن جعفر الرِّزَّاز الكوفي، عن خاله محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن موسى بن سعدان، عن عبدالله بن القاسم، عن عمر بن أبان الكلبي، عن أبان بن تغلب «قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: أربعة آلاف ملك عند قبر الحسين عليه السلام شُعْتُ غِبْرٌ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، رُئِيسُهُمْ مَلِكٌ يُقَالُ لَهُ: مَنْصُورٌ، وَلَا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ، وَلَا يُوَدِّعُهُ مُوَدِّعٌ إِلَّا

شیعوه، ولا یمرض إلا عادوه، ولا یموت إلا صلوا علیه [و] علی جنازته، واستغفروا له بعد موته».

﴿ باب چهل و یکم ﴾

﴿ دعاء فرشتگان در حق زائرین قبر ﴾

﴿ امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز کوفی از دانی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدون، از عبدالله بن قاسم از عمر بن ابان الکلبی، از ابان بن تغلب نقل کرده که وی گفت:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

چهار هزار فرشته در اطراف قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام بوده که جملگی ژولیده و گرفته و حزین می باشند و تا روز قیامت بر آن جناب می گریند، رئیس ایشان فرشته ای است که به او منصور گفته می شود، هیچ زائری به زیارت آن حضرت نمی رود مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش می روند و هیچ وداع کننده ای با قبر آن حضرت وداع نکرده مگر آنکه این فرشتگان مشایعتش می کنند و مریض نمی شود مگر آنکه عبادتش کرده و نمی میرد مگر آنکه ایشان بر جنازه اش نماز خوانده و از خدا طلب آمرزش برایش می کنند.

متن:

۲- و حدَّثنی اَبی - رحمه الله - و محمد بن الحسن؛ و علی بن الحسین؛
عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم، عن

عَلِيَّ بْنِ أَبِي حمزة، عن أَبِي بصير، عن أَبِي عبد الله عليه السلام «قال: وكل الله تبارك و تعالى بالحسين عليه السلام سبعين ألف ملك يصلون عليه كل يوم شُعثاً غُبراً، ويدعون لمن زارَه ويقولون: يا رَبِّ هؤلاء زُوارُ الحسين عليه السلام؛ افعل بهم وافعل بهم - كذا وكذا -».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن و علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از علی بن ابی حمزه، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت امام حسین علیه السلام موکل ساخته که همگی ژولیده و غمگین بوده و هر روز بر آن حضرت صلوات فرستاده و زائرینش را دعاء کرده و می گویند: پروردگارا، این جماعت زائرین حسین علیه السلام هستند با ایشان چنین و چنان نما.

متن:

۳- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلْمَةَ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرٍ، عَنْ حَسَّانِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: لا تدع زيارة الحسين عليه السلام، أما تحب أن تكون فيمن تدعوه الملائكة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود از سلمه، از موسی بن عمر، از حسان بصری، از معاویه بن وهب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند: زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را ترک مکن، آیا دوست نداری در زمره کسانی

باشی که فرشتگان برای آنها دعاء می کنند.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّقَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حمزة، عَنْ أَبِي بصير، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: وَكَلَّ اللَّهُ تَعَالَى بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَصَلُّونَ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ شُعْثًا غُبْرًا مِنْ يَوْمِ قُتِلَ إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ - يَعْنِي بِذَلِكَ قِيَامُ الْقَائِمِ عليه السلام - وَ يَدْعُونَ لِمَنْ زَارَهُ وَ يَقُولُونَ: يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ زَوَّارُ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَفْعَلْ بِهِمْ وَافْعَلْ بِهِمْ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن حسن بن احمد بن ولید، از محمد بن حسین صقار، از احمد بن محمد بن عیسی از علی بن حکم، از علی بن ابی حمزه، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام موکل ساخته که هر روز بر او صلوات فرستاده و از روزی که آن حضرت شهید شدند تا زمانی که خدا می خواهد یعنی زمان قیام قائم علیه السلام ایشان ژولیده و غمگین می باشند، برای زائرین حضرت دعاء کرده و می گویند:

پروردگارا، ایشان زائرین حسین علیه السلام بوده با ایشان چنین و چنان نما.

متن:

حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبَانَ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام

«قال: كَأَنِّي بِالْقَائِمِ [عليه السلام] عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ وَقَدْ لَبَسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
 فَيَنْتَفِضُ هُوَ بِهَا فَتَسْتَدِيرُ عَلَيْهِ، فَيَغْشِيهَا بِحِجَابَةٍ مِنْ اسْتَبْرَقٍ، وَيَرْكَبُ
 فَرَساً أَدْهَمَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ شِمْرَاخٌ فَيَنْتَفِضُ بِهِ انْتِفَاضَةً لَا يَبْقَى أَهْلُ بَلَدٍ إِلَّا وَهُمْ
 يَرُونَ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ، فَيَنْتَشِرُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، عَمُودُهَا مِنْ
 عَمُودِ الْعَرْشِ، وَسَائِرُهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ، لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا إِلَّا أَهْلَكَهُ
 اللَّهُ، فَإِذَا هَزَّهَا لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ، وَيُعْطَى الْمُؤْمِنُ
 قُوَّةُ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرَحَةُ فِي
 قَبْرِهِ، وَذَلِكَ حِينَ يَتَزَاوَرُونَ فِي قُبُورِهِمْ، وَيَتَبَاشِرُونَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ،
 فَيَنْحَطُّ عَلَيْهِ ثَلَاثَ عَشَرَ آلَافَ مَلَكٍ وَثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَ عَشَرَ مَلَكًا،
 قُلْتُ: كُلُّ هَؤُلَاءِ الْمَلَائِكَةُ؟ قَالَ: نَعَمْ؛ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ،
 وَالَّذِينَ كَانُوا مَعَ إِبْرَاهِيمَ حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ، وَالَّذِينَ كَانُوا مَعَ مُوسَى حِينَ
 فُلِقَ الْبَحْرُ لِبَنِي إِسْرَآئِيلَ، وَالَّذِينَ كَانُوا مَعَ عِيسَى حِينَ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَ
 أَرْبَعَةَ آلَافَ مَلَكٍ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ مَسْؤُمِينَ، وَأَلْفَ مُرْدَفِينَ، وَثَلَاثُمِائَةٍ وَ
 ثَلَاثَةَ عَشَرَ مَلَائِكَةً بِدَرِيئِينَ، وَأَرْبَعَةَ آلَافَ مَلَكٍ هَبْطُوا يَرِيدُونَ الْقِتَالَ
 مَعَ الْحُسَيْنِ ﷺ، فَلَمْ يُؤْذَنْ لَهُمْ فِي الْقِتَالِ فَهَمُّ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْتُ غُبْرٍ يَبْكُونَهُ
 إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَرُئِيسُهُمْ مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ: مَنْصُورٌ، فَلَا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا
 اسْتَقْبَلُوهُ، وَلَا يُودَّعُهُ مُودَّعٌ إِلَّا شَتَّعُوهُ، وَلَا يَمْرُضُ مَرِيضٌ إِلَّا عَادُوهُ،
 وَلَا يَمُوتُ مَيِّتٌ إِلَّا صَلُّوا عَلَى جَنَازَتِهِ، وَاسْتَغْفَرُوا لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ، وَكُلُّ
 هَؤُلَاءِ فِي الْأَرْضِ يَنْتَظِرُونَ قِيَامَ الْقَائِمِ ﷺ إِلَى وَقْتِ خُرُوجِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْهِ».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

حسین بن محمد بن عامر، از احمد بن اسحاق بن سعد، از سعدان بن مسلم، از عمر بن ابان، از ابان بن تغلب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

گویا می بینم حضرت قائم علیه السلام را که بر بلندی شهر کوفه بوده و زره رسول الله صلی الله علیه و آله را به تن نموده، پس زرع را به تن خود حرکت داده تا بر بدن احاطه کرده و آنرا بپوشاند، آن حضرت در زیر هودجی از استبرق قرار داشته و بر اسبی خاکستری که بین دو چشمانش سفیدی می باشد سوار می باشند، پس اسب حرکتی به خود داده و اهل هر شهری می بینند که راکب و مرکب با ایشان در شهرشان می باشد و بدین ترتیب پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را در تمام بلاد منتشر می فرماید، عمود این پرچم از عمود عرش بوده و بر بقیه آن نقش نصر من الله می باشد، آن پرچم بر چیزی فرود نمی آید مگر آنکه حق تعالی آن چیز را نابود می فرماید. هنگامی که پرچم به اهتزاز و حرکت در می آید هیچ مؤمنی باقی نمی ماند مگر آنکه قلبش همچون آهنی سخت می باشد، به هر مؤمنی نیروی چهل مرد داده می شود و نیز هیچ مؤمن مرده ای باقی نمی ماند مگر آنکه این فرح و سرور در قبرش داخل می شود و این در وقتی است که اهل قبور یکدیگر را در قبرها زیارت می کنند و به آنها بشارت به قیام قائم داده می شود، سیزده میلیون و سیصد و سیزده فرشته بدنبال آن حضرت بانگ برآورند.

راوی عرض می کند: تمام این جمعیت فرشتگانند؟

حضرت می فرمایند:

بلی، آنها عبارتند از:

الف: فرشتگانی که با حضرت نوح علیه السلام در سفینه بودند.

ب: فرشتگانی که با حضرت ابراهیم علیه السلام بودند وقتی آن حضرت را در آتش انداختند.

ج: فرشتگانی که با حضرت موسی علیه السلام بودند زمانی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت.

د: فرشتگانی که با حضرت عیسی علیه السلام بودند وقتی که حق تعالی او را از زمین به آسمان برد.

ه: چهار هزار فرشته مسومین (نشانه گذارنده) و هزار فرشته مردفین (بعضی تابع برخی دیگر می باشند).

و: سیصد و سیزده فرشته که در جنگ بدر حاضر گشتند.

ز: چهار هزار فرشته که از آسمان به قصد قتال در رکاب همایون حضرت امام حسین علیه السلام از آسمان نازل شده پس به آنها اذن قتال داده نشد پس کنار قبر آن حضرت با هیتی ژولیده و حالی حزین و غمگین باقی مانده و از آن روز تا قیامت برای حضرت گریان می باشند، رئیس ایشان فرشته ای است که به آن منصور گفته می شود، زائری نیست که به زیارت آن حضرت رود مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش رفته و آن حساب را وداع نمی کند مگر آنکه آنها به مشایعتش رفته و بیمار نشده مگر آنکه ایشان عیادتش می نمایند و میتی از دنیا نرفته مگر آنکه بر جنازه اش نماز خوانده و پس از مرگش برای او طلب آمرزش می کنند و تمام این فرشتگان در زمین منتظر قیام قائم علیه السلام بوده که در وقتش خروج فرماید صلوات الله علیه.

﴿ الباب الثاني والأربعون ﴾

﴿ فضل صلاة الملائكة لزوار الحسين علیه السلام ﴾

ترجمه:

۱- حدّثنی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن أبیه، عن الحسن بن محبوب، عن أبي المغراء، عن عنبة، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: سمعته

يقول: وكل الله بقبر الحسين بن علي عليه السلام سبعين ألف ملك يعبدون الله عنده، الصلاة الواحدة من صلاة أحدهم تعدل ألف صلاة من صلاة آدميين، يكون ثواب صلاتهم لزوار قبر الحسين بن علي عليه السلام و علي قاتله لعنة الله والملائكة والناس أجمعين أبد الأبدین».

﴿ باب جهل و دؤم ﴾

﴿ فضیلت و اجر نماز فرشتگان برای زائرین قبر ﴾

﴿ حضرت امام حسین علیه السلام ﴾



ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از ابی المغراء، از عنبسه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده وی گفت: شنیدم از امام صادق علیه السلام که می فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام موکل ساخته که او را نزد قبر عبادت کنند، یک نماز از یک نفر آنها معادل با هزار نماز آدمیان می باشد و ثواب نمازشان برای زوار قبر حضرت امام حسین علیه السلام و وزیر و وبال برای قاتل آن حضرت که لعنت خدا و ملائکه و مردم اجمعین بر او باد محسوب می گردد.

متن:

۲ - حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن أبيه، عن سيف بن عميرة، عن بكر بن محمد الأزدي، عن أبي

عبدالله ﷺ «قال: وكل الله تعالى بقبر الحسين ﷺ سبعين ألف ملك شُعثاً غُبراً يَبْكُونَهُ إلى يوم القيامة، يَصْلُونَ عنده، الصلاة الواحدة من صلاة أحدهم تعدل ألف صلاة من صلاة الآدميين، يكون ثواب صلاتهم وأجر ذلك لمن زار قبره ﷺ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از پدرش، از سیف بن عمیره، از بکر بن محمد ازدی، از حضرت ابی عبدالله ﷺ نقل کرده که حضرت فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی ﷺ موکل ساخته که جملگی زولیده و غمگین بوده و تا روز قیامت بر آن جناب گریه می کنند، نزد قبر نماز می خوانند و یک نماز از یک نفر آنها معادل هزار نماز آدمیان بوده، ثواب نماز ایشان و اجر آن برای زوار قبر آن حضرت ﷺ محسوب می گردد.

﴿ الباب الثالث والأربعون ﴾

﴿ إن زيارة الحسين ﷺ فرض و عهد لازم له ﴾

﴿ ولجميع الأئمة ﷺ على كل مؤمن و مؤمنة ﴾

متن:

۱- حدیثی ابی - رحمه الله - و محمد بن الحسن، عن الحسن بن مئیل. وقال محمد بن الحسن: و حدیثی محمد بن الحسن الصفار جميعاً، عن أحمد بن أبي عبدالله البرقي، قال: حدَّثنا الحسن بن علي بن فضال قال:

حدَّثني أبو أيوب إبراهيم بن عثمان الخزاز، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: مروا شيعتنا بزيارة قبر الحسين عليه السلام، فإن إتيانه مفترضٌ على كلِّ مؤمن يقرُّ للحسين عليه السلام بالإمامة من الله عزَّ وجلَّ».

﴿ باب چهل و سوم ﴾

- ﴿ وجوب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بر هر مرد ﴾
- ﴿ و زن مسلمان و عهد و فرض بودنش برای آن جناب و جمیع ﴾
- ﴿ ائمه صلوات الله و سلامه علیهم ﴾



﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن، از حسن بن متیل.

و محمد بن الحسن می گوید:

محمد بن الحسن الصفار برایم نقل کرد که جملگی از احمد بن ابی عبدالله برقی این طور حکایت کرده اند که حسن بن علی بن فضال گفت:

ابو ایوب ابراهیم بن عثمان خزاز، از محمد بن مسلم از حضرت ابو جعفر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

شیعیان ما را امر کنید که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام بروند زیرا زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامتش از جانب خداوند عزوجل دارد فرض و واجب می باشد.

متن:

۲ - حدَّثني أبي؛ و أخي؛ و علي بن الحسين؛ و محمد بن الحسن - رحمهم

الله - جميعاً، عن أحمد بن إدريس، عن عبيد الله بن موسى، عن الوشاء
 «قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: إن لكل إمام عهداً في عتق أوليائه و شيعته،
 وإن من تمام الوفاء بالعهد و حسن الأداء زيارة قبورهم، فمن زارهم
 رغبةً في زيارتهم و تصديقاً لما رغبوا فيه كان أئمتهم شفعاء لهم يوم
 القيامة».

حدّثني محمد بن يعقوب الكليني، عن أحمد بن إدريس بإسناده مثله
 سواء.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدر و برادرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمۃ الله علیهم جملگی از
 احمد بن ادريس، از عبيد الله بن موسى، از وشاء نقل کرده اند که وی گفت: شنیدم
 از امام رضا عليه السلام که می فرمودند: هر امامی در گردن دوستان و شيعيانش عهدي دارد و زیارت قبورشان از
 مصادیق وفاء به عهد و حسن اداء وظيفه محسوب می شود، لذا کسی که از روی
 رغبت و میل به زیارتشان رود ایشان در روز قیامت شفیع او خواهند بود.
 محمد بن یعقوب کلینی از احمد بن ادريس باسنادش مثل همین حدیث را عیناً
 نقل نموده است.

متن:

۳ - حدّثني محمد بن جعفر الرّزّاز قال: حدّثني محمد بن الحسين بن أبي
 الخطّاب، عن أبي داود المسترق، عن أمّ سعيد الأحمسيّة، عن أبي
 عبد الله عليه السلام «قالت: قال لي: يا أمّ سعيد تزورين قبر الحسين؟ قالت:

قلت: نعم، فقال لي: زورية؛ فإنَّ زيارة قبر الحسين واجبة على الرجال والنساء».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی می گوید: محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از داود مسترق از ام سعید احمسیه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی می گوید: امام علیه السلام به من فرمودند:

ای ام سعید آیا قبر حسین علیه السلام را زیارت می کنی؟
عرض کردم: بلی.

فرمودند: به زیارت آن قبر مطهر برو زیرا زیارت قبر حسین علیه السلام بر مردان و زنان واجب است.



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

متن:

۴ - حدَّثني أبي؛ و محمد بن الحسن - رحمهما الله - جميعاً، عن الحسن ابن ميثل، عن الحسن بن علي الكوفي، عن علي بن حسان الهاشمي، عن عبدالرحمن بن كثير مولى أبي جعفر، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: لو أنَّ أحدكم حجَّ دهره، ثمَّ لم يزر الحسين بن علي علیه السلام لكان تاركاً حقاً من حقوق الله و حقوق رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، لأنَّ حقَّ الحسين فريضة من الله، واجبة على كلِّ مسلم».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن رحمه الله عليهم جملگی از حسن بن ميثل از حسن بن علي کوفی، از علي بن حسان الهاشمی از عبدالرحمن بن كثير غلام ابی جعفر، از

حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:
اگر یکی از شما طول دهر و عمرش را به حج رفته ولی به زیارت حسین بن
علی علیه السلام نرود حتماً و محققاً حق از حقوق خدا و حقوق رسول خدا صلی الله علیه و آله را
ترک کرده زیرا حق حسین علیه السلام فریضه و تکلیفی است از جانب خداوند که بر هر
مسلمانی واجب می باشد.

﴿ الباب الرابع والأربعون ﴾

﴿ ثواب من زار الحسين علیه السلام بنفسه أو جهز إليه غيره ﴾

متن:

۱ - حدثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن علي بن
محمد ابن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري، عن
عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن محمد البصري، عن أبي عبدالله علیه السلام
«قال: سمعت أبي يقول لرجل من موالیه - وسأله عن الزيارة - فقال له:
من تزور و من تريد به؟ قال: الله تبارك و تعالی، فقال: من صلی خلفه
صلاة واحدة يريد بها الله لقي الله يوم يلقاه و عليه من النور ما يغشى له كل
شيء يراه، والله يكرم زواره و يمنع النار أن تنال منهم شيئاً، و إن الزائر
له لا يتناهى له دون الحوض و أمير المؤمنين علیه السلام قائم على الحوض
يصافحه و يرويه من الماء، و ما يسبقه أحد إلى وروده الحوض حتى
يروى، ثم ينصرف إلى منزله من الجنة و معه ملك من قبل
أمير المؤمنين يأمر الصراط أن يذل له، و يأمر النار أن لا تصيبه من
لفحها شيء حتى يجوزها، و معه رسوله الذي بعثه أمير المؤمنين علیه السلام».

﴿ باب چهل و چهارم ﴾

﴿ ثواب کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رفته ﴾

﴿ یا دیگری را به زیارت آن حضرت بفرستد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم از محمد بصری، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده وی می گوید:

امام صادق علیه السلام فرمودند: از پدرم شنیدم به یکی از دوستانشان که از زیارت (مقصود زیارت قبر امام حسین علیه السلام است) سؤال کرده بود می فرمودند:

چه کسی را زیارت می کنی و چه کسی را با این زیارت اراده می نمائی؟ یعنی با این زیارت قصد تقرب به چه کسی را داری؟ عرض کرد:

مراد و مقصودم خداوند تبارک و تعالی است، یعنی قصد تقرب به خدا می باشد. حضرت فرمودند:

کسی که بدنبال زیارت یک نماز خوانده و با این نماز قصد تقرب به خدا را داشته باشد در روزی که خدا را ملاقات می کند بر او نوری احاطه کرده باشد که تمام اشیائی که او را می بینند صرفاً نور مشاهده نمایند و خداوند متعال زوار قبر مطهر امام حسین علیه السلام را مورد اکرام قرار داده و آتش جهنم را از رسیدن به آنها باز می دارد، و زائر در نزد حوض کوثر مقامی بسیار مرتفع و مرتبه ای لایتناهی دارد و امیرالمؤمنین علیه السلام که در کنار حوض ایستاده اند با او مصافحه کرده و وی را از آب سیراب می فرماید و احدی در وارد شدن بر حوض بر وی سبقت نمی گیرد مگر پس از او و سیراب شدن او و پس از سیراب گشتن به جایگاهش در بهشت برگشته در حالی که فرشته ای از جانب امیرالمؤمنین علیه السلام با او بوده که به صراط امر

می‌کند برای وی پائین بیاید و با او مدارا کرده تا از روی آن بگذرد و به آتش جهنم فرمان می‌دهد که حرارت و سوزشش را به او نرساند تا وی از آن گذر کند و نیز با او فرستاده‌ای است که امیرالمؤمنین علیه السلام آن را فرستاده‌اند.

متن:

۲- و باسناده عن الأصم قال: حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - «قَالَ: أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ يَزَارُ وَالِدُكَ؟ قَالَ: فَقَالَ: نَعَمْ وَ يَصَلِّيَ عِنْدَهُ، وَقَالَ: يَصَلِّيَ خَلْفَهُ وَلَا يَتَقَدَّمُ عَلَيْهِ، قَالَ: فَمَا لِمَنْ أَتَاهُ؟ قَالَ: الْجَنَّةُ إِنْ كَانَ يَأْتُمُّ بِهِ، قَالَ: فَمَا لِمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ؟ قَالَ: الْحَسْرَةُ يَوْمَ الْحَسْرَةِ، قَالَ: فَمَا لِمَنْ أَقَامَ عِنْدَهُ؟ قَالَ: كُلُّ يَوْمٍ بِأَلْفِ شَهْرٍ، قَالَ: فَمَا لِلْمُتَّقِ فِي خُرُوجِهِ إِلَيْهِ وَالْمُنْفِقِ عِنْدَهُ؟ قَالَ: دَرَاهِمٌ بِأَلْفِ دَرَاهِمٍ؛

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

قَالَ: فَمَا لِمَنْ مَاتَ فِي سَفَرِهِ إِلَيْهِ؟ قَالَ: تَشْيِيعُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَ تَأْتِيهِ بِالْحَنُوطِ وَالْكَسْوَةِ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ تَصَلِّيَ عَلَيْهِ إِذْ كَفَّنَ وَ تَكْفَنُهُ فَوْقَ أَكْفَانِهِ، وَ تَفْرَشُ لَهُ الرِّيحَانُ تَحْتَهُ، وَ تَدْفَعُ الْأَرْضُ حَتَّى تَصَوِّرَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ مَسِيرَةَ ثَلَاثَةِ أَمْيَالٍ، وَ مِنْ خَلْفِهِ مِثْلَ ذَلِكَ، وَ عِنْدَ رَأْسِهِ مِثْلَ ذَلِكَ، وَ عِنْدَ رِجْلَيْهِ مِثْلَ ذَلِكَ، وَ يَفْتَحُ لَهُ بَابٌ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَى قَبْرِهِ، وَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ رَوْحُهَا وَ رِيحَانُهَا حَتَّى تَقُومَ السَّاعِدُ؛

قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ صَلَّى عِنْدَهُ؟ قَالَ: مَنْ صَلَّى عِنْدَهُ رَكْعَتَيْنِ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهُ تَعَالَى شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ، قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ اغْتَسَلَ مِنْ مَاءِ الْفَرَاتِ، ثُمَّ أَتَاهُ؟ إِذَا اغْتَسَلَ مِنْ مَاءِ الْفَرَاتِ وَ هُوَ يَرِيدُهُ تَسَاقَطَتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ

أَمَهُ، قَالَ: قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ يَجْهَزُ إِلَيْهِ وَلَمْ يَخْرُجْ لِعَلَّةٍ تَصِيبُهُ؟ قَالَ: يَعْطِيهِ اللَّهُ بِكُلِّ دَرَاهِمٍ أَنْفَقَهُ مِثْلَ أُحُدٍ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَيَخْلِفُ عَلَيْهِ أَضْعَافُ مَا أَنْفَقَ [هـ]، وَيَصْرِفُ عَنْهُ مِنَ الْبَلَاءِ مِمَّا قَدْ نَزَلَ لِيَصِيبَهَا، وَيُدْفَعُ عَنْهُ، وَيَحْفَظُ فِي مَالٍ؛

قَالَ: قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ قُتِلَ عِنْدَهُ، جَارٍ عَلَيْهِ سُلْطَانٌ فَقْتَلَهُ؟ قَالَ: أَوَّلُ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِهِ يُغْفَرُ لَهُ بِهَا كُلُّ خَطِيئَةٍ، وَتَغْسَلُ طِينَتُهُ الَّتِي خَلَقَ مِنْهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تَخْلُصَ كَمَا خَلَصَتْ الْأَنْبِيَاءُ الْمُخْلِصِينَ، وَيَذْهَبُ عَنْهَا مَا كَانَ خَالِطَهَا مِنْ أَجْنَاسٍ طِينِ أَهْلِ الْكُفْرِ، وَيَغْسَلُ قَلْبَهُ وَيُشْرَحُ صَدْرُهُ وَيَمْلَأُ إِيْمَانًا فَيُلْقِي اللَّهُ وَهُوَ مُخْلَصٌ مِنْ كُلِّ مَا تَخَالَطَهُ الْأَبْدَانُ وَالْقُلُوبُ، وَيَكُتَبُ لَهُ شَفَاعَةٌ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَلْفٌ مِنْ إِخْوَانِهِ، وَتَوَلَّى الصَّلَاةَ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مَعَ جَبْرَائِيلَ وَمَلِكِ الْمَوْتِ، وَيُؤْتَى بِكَفَنِهِ وَحَنُوطِهِ مِنَ الْجَنَّةِ، وَيُوسَّعُ قَبْرُهُ عَلَيْهِ وَيُوضَعُ لَهُ مَصَابِيحُ فِي قَبْرِهِ وَيُفْتَحُ لَهُ بَابٌ مِنَ الْجَنَّةِ، وَتَأْتِيهِ الْمَلَائِكَةُ بِالطَّرْفِ مِنَ الْجَنَّةِ، وَيَرْفَعُ بَعْدَ ثَمَانِيَةِ عَشْرِ يَوْمًا إِلَى حَظِيرَةِ الْقُدُسِ، فَلَا يَزَالُ فِيهَا مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ حَتَّى تَصِيبَهُ النَّفْخَةُ الَّتِي لَا تَبْقَى شَيْئًا فَإِذَا كَانَتِ النَّفْخَةُ الثَّانِيَةَ وَخَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ كَانَ أَوَّلَ مَنْ يَصَافِحُهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَبْشُرُونَهُ وَيَقُولُونَ لَهُ: الزَّمْنَا، وَيَقِيمُونَهُ عَلَى الْحَوْضِ فَيَشْرَبُ مِنْهُ وَيَسْقِي مَنْ أَحَبَّ.

قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ حُبِسَ فِي إِتْيَانِهِ؟ قَالَ: لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ يَحْبَسُ وَيَغْتَمُّ فَرَحَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَإِنْ ضُرِبَ بَعْدَ الْحَبْسِ فِي إِتْيَانِهِ كَانَ لَهُ بِكُلِّ ضَرْبَةٍ حُورَاءٌ وَبِكُلِّ وَجَعٍ يَدْخُلُ عَلَى بَدَنِهِ أَلْفُ أَلْفِ حَسَنَةٍ، وَيُمَحَّابُهَا عَنْهُ أَلْفُ أَلْفِ سَيِّئَةٍ، وَيَرْفَعُ لَهُ بِهَا أَلْفُ دَرَجَةٍ، وَيَكُونُ مِنْ مُحَدَّثِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَتَّى يَفْرَغَ

من الحساب، فیصافحه حمله العرش و يقال له: سل ما أحببت؛
و یؤتی ضاربه للحساب فال یسأل عن شيء ولا یحتسب بشيء و یؤخذ
بضبعیه حتی ینتهی به إلى ملک تحبوه و یتحفه بشربة من الحمیم، و شربة
من الغسلین، و یوضع علی مقال فی النار، فیقال له: ذُق ما قَدَّمْتُ یداک
فما أتیتَ إلى هذا الَّذی ضربته، و هو وفدُ الله و وفدُ رسولہ و یأتي
بالمضروب إلى باب جهنم فیقال له: انظر إلى ضاربک و إلى ما قد لقی فهل
شفیت صدرك، و قد اقتصَّ لك منه؟ فیقول: الحمد لله الَّذی انتصر لی
و لولد رسولہ منه».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمہ:

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری به استادش از اصم نقل نموده که وی گفت:
هشام بن سالم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام در حدیثی طولانی نقل کرده که شخصی
نزد امام صادق علیه السلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد:
ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله: آیا پدر شما را می توان زیارت کرد؟
حضرت فرمودند:

بلی، علاوه بر زیارت نماز هم نزد قبر می توان خواند منتهی نماز را باید پشت قبر
بجا آورد نه مقدم و جلو آن.
آن شخص عرض کرد: کسی که آن حضرت را زیارت کند چه ثواب و اجر
دارد؟

حضرت فرمودند:
اجر او بهشت است مشروط به اینکه به آن حضرت اقتداء کرده و از او تبعیت
کند.

عرض کرد: اگر کسی زیارت آن حضرت را از روی بی رغبتی و بی میلی ترک کند

چه خواهد دید؟

حضرت فرمودند:

روز حسرت (روز قیامت) حسرت خواهد خورد.

عرض کرد: کسی نزد قبر آن جناب اقامت کند اجر و ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند: هر یک روز آن معادل یک ماه می باشد.

عرض کرد: کسی که برای رفتن و زیارت نمودن آن حضرت متحمل هزینه

و خرج شده و نیز نزد قبر مطهر پول خرج کند چه اجری دارد؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر یک درهمی که خرج کرده هزار درهم دریافت خواهد نمود.

عرض کرد: اجر کسی که در سفر به طرف آن حضرت فوت کرده چیست؟

حضرت فرمودند:

فرشتگان مشایعتش کرده و برای او جنوط و لباس از بهشت آورده و وقتی کفن

شد بر او نماز خوانده و روی کفنی که بر او پوشانده اند فرشتگان نیز کفن دیگری

قرار می دهند و زیر او را از ریحان فرش می نمایند و زمین را چنان رانده و جلو

برده که از جلو فاصله سه میل طی شده و از پشت و جانب سر و طرف پائین مانند

آن این مقدار مسافت و فاصله منهدم و ساقط می گردد و برای آن دربی از بهشت

به طرف قبرش گشوده شده و نسیم و بوی خوش بهشتی به قبر او داخل گشته

و تا قیام قیامت بدین منوال خواهد بود.

آن شخص می گوید: محضر مبارکش عرضہ داشتیم:

کسی که نزد قبر نماز بگذارد اجر و ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند:

کسی که نزد قبر مطهرش دو رکعت نماز بخواند از خداوند چیزی را درخواست

نمی کند مگر آنکه حق جل و علی آن را به او اعطاء می فرماید.

عرض کردم: اجر کسی که از آب فرات غسل کرده و سپس به زیارت آن جناب

رود چیست؟

حضرت فرمودند:

زمانی که شخص از فرات غسل کرده در حالی که اراده زیارت آن حضرت را داشته باشد تمام لغزش‌ها و گناهانش ساقط و محو شده و وی نظیر آن روزی می‌باشد که از مادر متولد شده است.

آن شخص می‌گوید: عرض کردم:

اجر کسی که دیگری را مجهز کرده و به زیارت قبر آن حضرت بفرستد ولی خودش بواسطه عارضه و علتی که پیش آمده به زیارت نرود چیست؟
حضرت فرمودند:

به هر یک درهمی که خرج کرده و اتفاق نموده همانند کوه احد حسنات حق تعالی برای او منظور می‌فرماید و باقی می‌گذارد و بر او چند برابر آنچه متحمل شده و بلا و گرفتاری‌هایی که بطور قطع نازل شده تا به وی اصابت کرده را از او دفع می‌نماید و مال و دارائی او را حفظ و نگهداری می‌کند.

آن شخص می‌گوید: عرض کردم:

اجر و ثواب کسی که نزد آن حضرت کشته شود چیست، مثلاً سلطان ظالمی بر وی ستم کرده و او را آنجا بکشد؟
حضرت فرمودند:

اولین قطره خونس که ریخته شود خداوند متعال تمام گناهانش را می‌آمرزد و طینتی را که از آن آفریده شده فرشتگان غسل داده تا از تمام آلودگی‌ها و تیره‌گی‌ها پاک و خالص شده همان طوری که انبیاء مخلص خالص و پاک می‌باشند و بدین ترتیب آنچه از اجناس طین اهل کفر با طینت وی آمیخته شده زدوده می‌گردد و نیز قلبش را شستشو داده و سینه‌اش را فراخ نموده و آنرا مملو از ایمان کرده و بدین ترتیب خدا را ملاقات کرده در حالی که از هر چه ابدان و قلوب با آن مخلوط هستند پاک و منزّه می‌باشد و برایش مقرر می‌شود که

اهل بیت و هزار تن از برادران ایمانی خود را بتواند شفاعت کند و فرشتگان با همراهی جبرئیل و ملک الموت متولی خواندن نماز بر او می گردند و کفن و حنوطش را از بهشت آورده و در قبرش توسعه داده و چراغ هائی در آن می افروزند و دربی از آن بهشت باز می کنند و فرشتگان برایش اشیاء تازه و تحفه هائی بدیع از بهشت می آورند و پس از هیجده روز او را به خطیره القدس (بهشت) برده پس پیوسته در آنجا با اولیاء خدا خواهد بود تا نغضه ای که با دمیده شدنش هیچ چیز باقی نمی ماند دمیده شود و وقتی نغضه دومی دمیده شد و وی از قبر بیرون آمد اولین کسی که با او مصافحه می کند رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و اوصیاء سلام الله علیهم بوده که به وی بشارت داده و می گویند: با ما باش و سپس او را کنار حوض کوثر آورده و از آن به او می نوشانند و سپس به هر کسی که او بخواند و دوست داشته باشد نیز می آشامانند.

آن شخص می گوید: عرض کردم: اجر و ثواب کسی که به خاطر زیارت آن حضرت حبس شده چیست؟ حضرت فرمودند:

در مقابل هر روزی که حبس شده و غمگین می گردد سرور و شادی منظور شده که تا قیامت ادامه دارد و اگر پس از حبس او را زدند در قبال هر یک ضربه ای که به وی اصابت می کند یک حوریه ای به او داده شده و به ازاء هر دردی که بر پیکرش وارد می شود هزار هزار حسنه ملاحظه گردیده و هزار هزار لغزش و گناه از او محو و زائل گشته و هزار هزار درجه ارتقاء داده می شود و از ندیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله محسوب شده تا از حساب فارغ گردد و پس از آن فرشتگانی که حمله عرش هستند با او مصافحه کرده و به او می گویند: آنچه دوست داری بخواه.

و زننده وی را برای حساب حاضر می کنند پس هیچ سئوالی از او نکرده و با هیچ چیز اعمالش را نسنجیده و محاسبه نکرده بلکه دو بازویش را گرفته و او را برده و به فرشته ای تحویل داده و آن فرشته به او جرعه ای از حمیم (آب داغ جهنم)

و جرعه‌ای از غسلین (آب چرک که از پوست و گوشت دوزخیان جاری می‌باشد) می‌چشانند و سپس او را روی تکه‌ای سرخ از آتش قرار داده و به وی می‌گویند: به‌چش چیزی را که دست‌هایت پیش پیش بواسطه زدن شخصی که او را زدی برای تو فرستاده‌اند، کسی را که زدی پیک و پیام‌آور خدا و رسول خدا بود و در این هنگام مضروب را آورده و نزدیک درب جهنم نگاه داشته و به او می‌گویند: به زننده خود بشگر و به آنچه به سرش آمده نظر نما آیا سینه‌ات شفاء می‌یابد؟ این عذابی که به او وارد شده بخاطر قصاص برای تو می‌باشد، پس می‌گوید: حمد خدا را که من و فرزند رسول خود را یاری فرمود.

متن:

۳- و بهذا الإسناد عن الأصم، عن عبد الله بن بكير - في حديث طويل -
 «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا ابن بكير إن الله اختار من بقاع الأرض ستة:
 البيت الحرام، والحرم، ومقابر الأنبياء، ومقابر الأوصياء، ومقاتل
 الشهداء، والمساجد التي يذكر فيها اسم الله، يا ابن بكير هل تدري ما
 لمن زار قبر أبي عبد الله الحسين عليه السلام إن جهله الجاهلون، ما من صباح إلا
 و على قبره هاتف من الملائكة يُنادي: يا طالب الخير أقبل إلى خالصة
 الله ترحل بالكرامة و تأمن الندامة، يسمع أهل المشرق و أهل المغرب
 إلا الثقلين، ولا يبقى في الأرض ملك من الحفظة إلا عطف عليه عند رقاد
 العبد حتى يستبح الله عنده، و يسأل الله الرضا عنه، ولا يبقى ملك في الهواء
 يسمع الصوت إلا أجاب بالتقديس لله تعالى، فتشتد أصوات الملائكة،
 فيجيهم أهل السماء الدنيا، فتشتد أصوات الملائكة و أهل السماء
 الدنيا حتى تبلغ أهل السماء السابعة فيسمع أصواتهم النبيون فيترحمون

و فیصلون علی الحسین علیه السلام و یدعون لمن زاره.

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری با همین اسناد از اصم، از عبدالله بن بکیر در ضمن حدیثی طولانی می گوید: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: ای ابن بکیر خداوند متعال از بقاع و اماکن روی زمین شش بقعه را اختیار فرموده:

بیت الحرام، حَرَم، مقابر انبیاء، مقابر اوصیاء، مقابر شهداء، و مساجدی که نام خدا در آنها برده می شود.

ای ابن بکیر، آیا می دانی اجر کسی که قبر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را زیارت کند چیست؟

هیچ صبح و بامدادی نیست مگر آنکه هاتفی از فرشتگان بالای قبر آن حضرت فریاد می کند: ای خواستاران خیر رو کنید به برگزیده خدا و کوچ کنید بطرف ارجمندی و بزرگی و بدین ترتیب از ندامت و حسرت در امان باشید.

اهل مشرق و مغرب نداء این هاتف را می شنوند مگر جنّ و انس و در زمین هیچ فرشته ای از فرشتگان حافظ و نگهبان در وقتی که بندگان خواب هستند باقی نمی ماند مگر آنکه به قبر مطهر روی آورده و هجوم می کنند تا در آن مکان مقدّس حق تعالی را تسبیح نموده و از درگاه جلالش بخواهند تا از آنها راضی گردد و هیچ فرشته ای در هوا باقی نمی ماند که نداء هاتف را شنیده مگر آنکه در جواب آن حق تعالی را تقدیس می کند و بدین ترتیب اصوات و صداها ی فرشتگان بلند و قوی شده پس اهل و سکنه آسمان دنیا به آنها جواب داده و در نتیجه اصوات و صداها ی فرشتگان و سکنه آسمان دنیا تشدید یافته به حدّی که طنین آن به اهل و سکنه آسمان هفتم رسیده و بدین ترتیب انبیاء عظام صداها ی ایشان را استماع

کرده پس رحمت و صلوات بر حضرت امام حسین علیه السلام فرستاده و زائرین آن حضرت را دعاء می کنند.

﴿ الباب الخامس والأربعون ﴾
﴿ ثواب من زار الحسين علیه السلام و عليه خوف ﴾

متن:

۱ - حدَّثني مُحَمَّد بن عبد الله بن جعفر، عن أبيه، عن علي بن مُحَمَّد بن سالم، عن مُحَمَّد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصري، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم، عن حماد ذي الثَّاب، عن رومي، عن زرارة «قال: قلت لأبي جعفر علیه السلام: ما تقول فيمن زار أباك على خوف؟ قال: يؤمنه الله يوم الفزع الأكبر، و تلقاه الملائكة بالبشارة، و يقال له: لا تَحْزَن و لا تحزن هذا يومك الذي فيه فوزك».

﴿ باب جهل و پنجم ﴾
﴿ ثواب کسی که با ترس و هراس به زیارت ﴾
﴿ حضرت امام حسین علیه السلام برود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمّد بن عبد الله بن جعفر، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد بصری، از عبد الله بن عبد الرحمن اصم، از حماد ذي الثَّاب، از رومی، از زراره نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی جعفر علیه السلام عرضه داشتم: چه می فرمائید در باره کسی که با خوف و هراس پدر شما را زیارت کند؟

حضرت فرمودند:

در روزی که فرع اکبر است حق تعالی او را امان دهد و فرشتگان به وی بشارت داده و به او می گویند: مترس و محزون مباش امروز روزی است که تو در آن رستگار می شوی.

متن:

۲- ویاسناده، عن الأصم، عن ابن بکیر، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: قلت له: إني أنزل الأرجان وقلبي ينازعني إلى قبر أبيك، فإذا خرجت فقلبي وجل مشفق حتى أرجع خوفاً من السلطان والشعاعة وأصحاب المسالخ، فقال: يا ابن بکیر أما تحب أن يراك الله فينا خائفاً؟ أما تعلم أنه من خاف لمخوفنا أظله الله في ظل عرشه، وكان محدثه الحسين علیه السلام تحت العرش، وآمنه الله من أفزاع يوم القيامة، يفزع الناس ولا يفزع، فإن فزع وقرّته الملائكة وسكنت قلبه بالبشارة».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر به اسنادش از اصم، از ابن بکیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت: محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتم: من به شهر ارجان وارد شده و در آنجا نازل شدم ولی قلب و دلم آرزوی زیارت قبر مطهر پدر بزرگوارتان را داشت لذا از شهر به قصد زیارت آن جناب خارج شدم اما دلم ترسان و لرزان بود و از خوف و ترس سلطان و ساعیان و عمال وی و مرزبانان تا زمان مراجعت در وحشت و دهشت بودم.

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر آیا دوست نداری که خداوند تو را از کسانی که در راه ما ترسان و خائف می‌باشند محسوب فرماید؟
آیا می‌دانی کسی که به خاطر خوف ما خائف باشد حق تعالی او را در سایه عرش مکان دهد و هم صحبتش حضرت امام حسین علیه السلام در زیر عرش می‌باشد و حق تعالی او را از فزع‌های روز قیامت در امان می‌دارد، مردم به فزع و جزع آمده ولی او فزع نمی‌کند، پس اگر فزع کند فرشتگان آرامش کرده و بواسطه بشارت دادن قلبش را ساکت و ساکن می‌نمایند.

متن:

۳- حدیثی حکیم بن داود بن حکیم السراج، عن سلمة بن الخطاب، عن موسى بن عمر، عن حسان البصري، عن معاوية بن وهب، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: قال: يا معاوية لا تدع زيارة قبر الحسين عليه السلام الخوف، فإن من تركه رأى من الحسرة ما يتمنى أن قبره كان عنده، أما تحب أن يرى الله شخصك و سوادك فيمن يدعوه له رسول الله صلى الله عليه وآله و علي و فاطمة و الأئمة عليهم السلام؟ أما تحب أن تكون ممن ينقلب بالمغفرة لما مضى و يغفر له ذنوب سبعين سنة؟ أما تحب أن تكون ممن يخرج من الدنيا و ليس عليه ذنب يتبع به؟ أما تحب أن تكون غداً ممن يصافحه رسول الله صلى الله عليه وآله؟».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم سراج از سلمة بن الخطاب، از موسی بن عمر، از حسان البصری از معاویة بن وهب، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

ای معاویه، بخاطر خوف و هراس زیارت قبر امام حسین علیه السلام را ترک مکن زیرا کسی که زیارت آن حضرت را ترک کند چنان حسرتی ببیند که تمنا و آرزو کند قبر آن جناب نزدش باشد، آیا دوست نداری که خداوند متعال تو را در زمره کسانی محسوب کند که رسولش صلی الله علیه و آله و حضرات علی و فاطمه و ائمه علیهم السلام برایش دعا می کنند؟

آیا دوست نداری از کسانی باشی که گناهان گذشته ات آمرزیده شده و برای گناهان هفتاد سال بعد طلب غفران برایت کنند؟

آیا دوست داری از کسانی باشی که از دنیا خارج می شوند در حالی که در گناهی قابل مواخذه ندارند؟

آیا دوست داری فردای قیامت از کسانی باشی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنها مصافحه می کند؟



متن:

۴ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ الْخَيْبَرِيِّ، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي حَالِ الثَّقِيَّةِ؟ قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ الْفِرَاتَ فَاغْتَسِلْ ثُمَّ أَلْبَسْ أَثْوَابَكَ الطَّاهِرَةَ ثُمَّ تَمَرَّ بِإِزَاءِ الْقَبْرِ وَقُلْ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»، فَقَدْ تَمَّتْ زِيَارَتُكَ».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

علی بن الحسین رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل بن بزيع، از خیبری، از یونس بن ظبیان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده وی گفت: محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم: زیارت قبر امام حسین علیه السلام در حال تقیه به چه گونه است؟ حضرت فرمودند:

وقتی به فرات رسیدی غسل کن و لباسهای پاک و طاهر خود را بپوش سپس عبور کن تا به ازاء و مقابل قبر برسی و بگو:

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِالله: صلوات و رحمت خدا بر شما ای ابا عبدالله

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِالله: صلوات و رحمت خدا بر شما ای ابا عبدالله

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِالله: صلوات و رحمت خدا بر شما ای ابا عبدالله

پس زیارت صحیح و تمام می باشد.

مرکز تحقیقاتی و پژوهشی علوم اسلامی

متن:

۵ - حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحیمری، عن أبیه، عن علی بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصری، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم قال: حدَّثنا مُدْجِلٌ، عن محمد بن مسلم - فی حدیث طویل - «قال: قال لي أبو جعفر محمد بن علي عليه السلام: هل تأتي قبر الحسين عليه السلام؟ قلت: نعم على خوفٍ و وجلٍ، فقال: ما كان من هذا أشدَّ، فالثواب فيه على قدر الخوف، و من خاف في إتيانه أمن الله روعته يوم القيامة يوم يقوم الناس لرب العالمين، و انصرف بالمغفرة، و سلّمت عليه الملائكة و زاره النبي صلى الله عليه و آله و سلم و دعا له و انقلب بنعمة من الله و فضلٍ لم يمسسه سوء و اتّبع رضوان الله - ثم ذكر الحديث -».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد البصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم نقل کرده، وی گفت:

حدیث گفت برای ما مدلیج، از محمد بن مسلم در ضمن حدیث طولانی، وی گفت:

حضرت ابو جعفر محمد بن علی علیه السلام به من فرمودند:

آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می‌روی؟

عرض کردم: بلی ولی با خوف و هراس.

فرمودند: هر قدر در زیارت خوف بیشتر باشد ثواب در آن به مقدار خوف و هراس تو می‌باشد و کسی که در زیارتش خائف و بیمناک باشد در روزی که مردم برای حساب پروردگار عالمیان به پا می‌خیزند حق تعالی او را در امان قرار داده و خوف و وحشت او را برطرف می‌کند و با آمرزش گناهان برگشته و فرشتگان بر او سلام نموده و نبی اکرم صلی الله علیه و آله به زیارتش آمده و برای او دعاء می‌فرمایند و بواسطه نعمت الهی حالش دگرگون شده و فضلی که هیچ مکروه و بدی با آن همراه نیست شاملش شده و بدنبال آن رضوان خدا نصیبش می‌گردد.

﴿ الباب السادس و الأربعون ﴾

﴿ ثواب ما للرجل في نفقته إلى زيارة الحسين علیه السلام ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحیمری، عن أبیه، عن علی بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصری، عن

عبدالله بن عبدالرحمن الأصم قال: حَدَّثَنَا مُعَاذُ، عَنْ أَبَانَ «قال: سمعته يقول: قال أبو عبدالله عليه السلام: من أتى قبر أبي عبدالله عليه السلام فقد وصل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ووصلنا وحرمت غيبته، وحرم لحمه على النار وأعطاه بكلِّ درهم أنفقهُ عشرة آلاف مدينة له في كتاب محفوظ، وكان الله له من وراء حوائجه، وحفظ في كلِّ ما خَلَفَ، ولم يسأل الله شيئاً إلا أعطاه وأجابه فيه، إِمَّا أَنْ يَعَجِّلَهُ وَإِمَّا أَنْ يُؤَخِّرَهُ لَهُ».

و حَدَّثَنِي بِذَلِكَ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ بْنُ سَهِيلٍ - رحمه الله - عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ مُعَاذٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مثله.



مرکز تحقیقات کتب و میراث اسلامی

﴿ باب چهل و ششم ﴾

﴿ اجر و ثواب آنچه شخص در زیارت حضرت ﴾

﴿ امام حسین علیه السلام اتفاق می کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمّد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد البصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم نقل کرده که وی گفت:

حدیث گفت برای ما معاذ، از ابان، وی گفت:
از او شنیدم که می گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

کسیکه به زیارت قبر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام رود محققاً به رسول خدا و به ما اهل بیت احسان نموده و غیبتش جایز نبوده و گوشتش بر آتش حرام است و در مقابل هر یک درهمی که اتفاق کرده خداوند متعال اتفاق اهالی و سکنه ده هزار شهرهائی که در کتابش مضبوط و معلوم است را به او اعطاء می‌فرماید و بدنبال آن حوائج و نیازمندی‌هایش را روا می‌فرماید و آنچه را که از خود باقی گذارد حق تعالی حافظ آنها است و درخواست و سؤال چیزی از خدا نمی‌کند مگر آنکه باری تعالی اجابتش می‌فرماید اعم از آنکه سریع و بدون مهلت حاجتش را روا کرده یا با تأخیر و مهلت آنرا برآورده نماید.

و محمد بن همام بن سهیل رحمه الله علیه، از جعفر بن محمد بن مالک، از محمد ابن اسماعیل، از عبدالله بن حماد، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از معاذ، از ابان برایم مثل همین حدیث را از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل نموده است.

متن:

۲- و حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن أبیه، عن علی بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصری، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصم، عن الحسین، عن الحلبي، عن أبي عبدالله علیه السلام - فی حدیث طویل - «قال: قلت: جعلت فداك ما تقول فیمن ترك زیارته و هو یقدر علی ذلك؟ قال: أقول: إنه قد عرق رسول الله صلی الله علیه و آله و عرقنا و استخفّ بأمره و له، و من زاره كان الله له من وراء حوائجه، و كفی ما أهّمه من أمر دنیا، و أنه لیجلب الرزق علی العبد، و یخلف علیه ما أنفق و یغفر له ذنوب خمسین سنة، و یرجع إلى أهله و ما علیه و زُر

ولا خطيئة إلا وقد محيت من صحيفته، فإن هلك في سفره نزلت الملائكة فغسلته، وفتحت له أبواب الجنة، ويدخل عليه روحها حتى ينشر، وإن سلم فتح له الباب الذي ينزل منه الرزق ويجعل له بكل درهم أنفقه عشرة آلاف درهم، وذخر ذلك له فإذا حُشِر قيل له: لك بكل درهم عشرة آلاف درهم، وإن الله نظر لك وذررها لك عنده».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد البصری، از عبدالله بن عبدالرحمن الاصم، از حسین، از حلبی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام در ضمن حدیث طویلی نقل کرده، وی گفت:

محضر مبارک امام علیه السلام عرصه داشتیم: فدایت شوم چه می فرمائید در باره کسی که با داشتن قدرت زیارت آن حضرت را ترک می کند؟
حضرت می فرمایند: می گویم:

این شخص عاق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و عاق ما اهل بیت می باشد و امری که به نفع او است را سبک شمرده است.

و کسی که آن حضرت را زیارت کند:

خداوند متعال حوائجش را برآورده نماید و آنچه از دنیا مقصود او است را کفایت فرماید.

و نیز زیارت آن حضرت موجب جلب رزق برای زائر می باشد.

و آنچه در این راه اتفاق کرده بر او باقی مانده و جانشین و یادگارش خواهد بود و همچنین زیارت آن حضرت موجب می شود:

گناهان پنجاه ساله او آمرزیده شده و وی به اهلش بازگردد در حالی که بر عهده اش نه وزر و ویالی بوده و نه لغزشی و آنچه از گناه در صحیفه اعمالش ثبت

شده جملگی محو و پاک می‌گردد.

اگر زائر در سفر زیارت فوت شود فرشتگان نازل گشته و او را غسل می‌دهند و نیز درب‌هایی از بهشت به روی او گشوده می‌شود و نسیم خوش آن در قبر بر او وزیده و در قبر پراکنده و منتشر می‌گردد.

و اگر وی در سفر زیارت سالم و از گزند مرگ در امان ماند دربی به روی او گشوده می‌شود که رزق و روزی وی از آن نازل می‌گردد و در مقابل هر دره‌می که اتفاق کرده ده هزار درهم قرار داده می‌شود و آن را برای وی ذخیره کرده و هنگامی که محشور شد و از قبر بیرون آمد به او گفته می‌شود:

در مقابل هر دره‌می که در سفر زیارتت خرج کردی ده هزار درهم مال تو است و خداوند به تو نظر نموده و آنها را نزد خودش برای او ذخیره کرد.



متن:

۳- و باسناده عن الأصم، عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام «إن رجلاً أتاه فقال له: يا ابن رسول الله هل يزار والدك؟ قال: فقال: نعم و يصلى عنده، و يصلى خلفه و لا يتقدم عليه، قال: فما لمن أتاه؟ قال: الجنة إن كان يأتهم به، قال: فما لمن تركه رغبة عنه؟ قال: الحسرة يوم الحسرة، قال: فما لمن أقام عنده؟ قال: كل يوم بألف شهر، قال: فما للمنفق في خروجه إليه و المنفق عنده؟ قال: الدرهم بألف درهم - و ذكر الحديث بطوله -».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری باسنادش از اصم، از هشام بن سالم از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده است، وی می‌گوید:

مردی محضر مبارک امام علیه السلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد:

ای پسر رسول خدا! آیا پدر بزرگوار شما زیارت بشود؟

حضرت فرمودند:

بلی و علاوه بر آن نزد آن جناب نماز نیز خوانده شود ولی باید توجه داشت که

نماز را پشت قبر بخوانند و بر آن مقدم نشوند.

راوی می گوید:

چه اجری است برای کسی که آن حضرت را زیارت کند.

حضرت فرمودند:

بهشت، مشروط به اینکه از آن جناب پیروی کرده و به حضرتش اقتداء نماید.

راوی می گوید:

کسی که از روی بی میلی و عدم رغبت زیارت آن حضرت را ترک کند چه برای او

می باشد؟

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

حضرت فرمودند:

در روز حسرت، حسرت خواهد خورد.

عرض کرد: چه اجر و ثوابی است برای کسی که نزد قبر آن جناب اقامه کند؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر روز هزار ماه منظور می گردد.

عرض کرد:

کسی که در راه سفر متحمل هزینه شده و در نزد قبر مطهر اتفاقاتی نماید چه اجر

و ثوابی دارد؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر درهمی که انفاق و خرج کرده هزار درهم منظور می شود.

متن:

۴ - و بإسناده عن الأصم، عن ابن سنان «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: جعلت فداك إنَّ أباك كان يقول في الحجِّ: يحسب له بكلِّ درهم أنفقَه ألفُ درهم، فما لمن ينفق في المسير إلى أبيك الحسين عليه السلام؟ فقال: يا ابن سنان يحسب له بالدرهم ألفٌ و ألف - حتى عدَّ عشرة -، و يرفع له من الدرجات مثلها، و رضا الله تعالى خيرُ له، و دعاءُ محمد و دعاءُ أميرالمؤمنين و الأئمة عليهم السلام خيرُ له».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری باسنادش از اصم، از ابن سنان نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم پدر بزرگوارتان راجع به حجّ می فرمودند:

در مقابل هر درهمی که شخص انفاق می کند هزار درهم منظور می شود، اکنون بفرمائید: چه اجر و ثوابی است برای کسی که در سفر زیارت پدرتان حضرت امام حسین علیه السلام انفاق نماید؟ حضرت فرمودند:

ای ابن سنان در مقابل هر درهمی که شخص انفاق کند هزار و هزار ... و همینطور شمرند تا به ده هزار رسید، منظور می گردد و به همین مقدار درجه اش را بالا می برند و رضایت و خشنودی حق تعالی از وی و دعاء حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و حضرات ائمه علیهم السلام برای او بهتر از آن می باشد.

متن:

۵ - حدَّثنی اَبی - رحمه الله - عن أحمد بن إدريس؛ و محمد بن یحیی العطَّار، عن العمرکی بن علی قال: حدَّثنا یحیی - و کان فی خدمۃ اَبی جعفر الثانی ؑ - عن علی، عن صفوان الجمال، عن اَبی عبد الله ؑ - فی حدیث طویل - «قال: قلت: فما لمن صلی عنده یعنی الحسین ؑ فی حدیث طویل» قال: قلت: فما لمن صلی عنده - یعنی الحسین ؑ؟ - قال: من صلی عنده رکعتین لم یسأل الله تعالى شیئاً إلا أعطاه إیَّاه، فقلت: فما لمن اغتسل من ماء الفرات ثم أتاه؟ قال: إذا اغتسل من ماء الفرات و هو یریده تساقطت عنه خطایاه کیوم ولدته أمُّه، قلت: فما لمن جهَّز إلیه و لم یمخرج لعلَّة؟ قال: یعطیه الله بكلِّ درهم أنفقَه من الحسنات مثل حیل أُحْد و یخلف علیه أضعاف ما أنفق، و یصرف عنه من البلاء ممَّا قد نزل فیدفع و یحفظ فی ماله - و ذکر الحدیث بطوله -».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از محمد بن إدريس و محمد بن یحیی عطَّار از عمرکی بن علی نقل کرده که وی گفت: حدیث کرد برای ما یحیی که در خدمت حضرت ابی جعفر ثانی ؑ بود از علی و او از صفوان جمال و او از حضرت ابی عبد الله ؑ حدیثی طولانی را نقل کرده و در ضمن آن می گوید:

محضر مبارک امام ؑ عرضه داشتیم: چه اجر و ثوابی است برای کسی که نزد قبر مطهر آن حضرت (حضرت امام حسین ؑ) نماز بخواند؟

حضرت فرمودند:

کسی که نزد قبر آن جناب دو رکعت نماز بخواند چیزی را از خدا نخواسته مگر

آنکه حق تعالی آن را به وی اعطاء می فرماید.

عرض کردم: چه اجر و ثوابی است برای کسی که از آب فرات غسل کرده و سپس به زیارت آن حضرت رود؟

امام علیه السلام فرمودند:

هنگامی که با اراده زیارت آن حضرت از فرات غسل می کند تمام گناهانش ریخته شده و پاک می گردد مثل اینکه تازه از مادر متولد گردیده.

عرض کردم: ثواب و اجر کسی که خودش بخاطر جهتی نمی تواند به زیارت رود ولی دیگری را مجهز ساخته و به زیارت فرستاده چه می باشد؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر یک درهمی که خرج کرده خداوند متعال به قدر کوه اُحُد از حسنات به وی داده و چند برابر هزینه ای را که متحمل شده برایش باقی می گذارد و نیز بلاهائی که نازل شده را از وی دور می گرداند و همچنین مال و دارائی وی را حفظ و نگهداری می فرماید.

﴿الباب السابع والأربعون﴾

﴿ما یکره اتخاذه لزیارة الحسین بن علی علیه السلام﴾

متن:

۱- حدیثی آبی؛ و علی بن الحسین؛ و جماعة مشایخی - رحمهم الله - عن سعد بن عبدالله بن أبي خلف، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم - عن بعض أصحابنا - «قال: قال أبو عبدالله علیه السلام: بلغني أن قوماً أرادوا الحسين علیه السلام حملوا معهم الشفر فيها الحلاوی والأخبصة وأشباهها، لوزاروا قبور أحبائهم ما حملوا معهم هذا».

﴿ باب چهل و هفتم ﴾

﴿ در بیان آنچه مکروه است اتخاذ و همراه بردنش ﴾

﴿ برای زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام ﴾

ترجمه:

﴿ حدیث اول ﴾

پدرم رحمة الله علیه و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمة الله علیهم، از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از برخی اصحاب ما نقل کرد که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

به من گزارش شده گروهی به قصد زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام حرکت کرده و با خود سفره‌هایی را برداشته‌اند که در آنها شیرینی جات و حلواها و امثال اینها را گذاشته‌اند، ایشان اگر به زیارت قبور محبوب‌هایشان روند امثال اینگونه از اشیاء را با خود حمل نمی‌کنند.

متن:

۲- و حدیثی محمد بن الحسن بن أحمد؛ و غیره، عن سعد بن عبدالله، عن موسى بن عمر، عن صالح بن السندی الجمال، عن رجل من أهل الرقة قال له: أبو المضا «قال: قال لي أبو عبدالله عليه السلام: تأتون قبر أبي عبدالله عليه السلام؟ قلت: نعم، قال: أفستخذون لذلك سفراً؟ قلت: نعم، فقال: أما لو أتيتم قبور آبائكم وأمهاتكم لم تفعلوا ذلك، قال: قلت: أي شيء نأكل؟ قال: الخبز واللبن، قال: وقال كرام لأبي عبدالله عليه السلام: جعلت فداك إن قوماً يزورون قبر الحسين عليه السلام فيطيبون السفر، قال: فقال لي أبو عبدالله عليه السلام:

أَمَّا إِنَّهُمْ لَوِ زَارُوا قُبُورَ آبَائِهِمْ مَا فَعَلُوا ذَلِكَ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و محمد بن الحسن بن احمد و غیرش از سعد بن عبدالله، از موسی بن عمر، از صالح بن سندی جمال، از مردی که اهل رقه بود و به وی ابوالمضا می گفتند نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

آیا به زیارت قبر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می روید؟

عرض کردم: بلی.

فرمودند:



آیا با خود سفره ها را برداشته و می برید؟

عرض کردم: بلی.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

فرمودند:

قطعی است که اگر به زیارت قبور پدران و مادران خود بروید چنین کاری نمی کنید.

وی می گوید: عرض کردم:

پس چه چیز بخوریم؟

حضرت فرمودند:

نان و شیر.

وی می گوید: کرام (یعنی: عبدالکریم بن عمرو الخثعمی) به حضرت عرض کرد:

فدایت شوم گروهی به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام می روند

و سفره هایشان را به انواع اطعمه مطبوع خوش بو و معطر می نمایند؟

حضرت فرمودند:

قطعی و حتمی است که ایشان اگر به زیارت قبور پدرانشان روند چنین نمی کنند.

متن:

۳- حدَّثني حكيم بن داود، عن سلمة بن الخطاب، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم - عن بعض أصحابنا - «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: بلغني أن قوماً إذا زاروا الحسين بن عليّ حملوا معهم السُّفر فيها الحلاوى والأخبصة وأشباهها، لو زاروا قبور أحبائهم ما حملوا ذلك».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

حكيم بن داود از سلمة بن الخطاب، از احمد بن محمد، از علی بن الحكم، از برخی اصحاب ما نقل کرده که وی گفت: حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند: به من گزارش شده گروهی هرگاه به زیارت حضرت حسین بن علی عليه السلام می روند با خود سفره هائی که در آن شیرینی جات و حلواها و امثال اینها را گذاشته برمی دارند، ایشان اگر به زیارت قبور دوستان و محبوب هایشان روند اینگونه از اشیاء را با خود حمل نمی کنند.

متن:

۴- حدَّثني محمد بن أحمد بن الحسين قال: حدَّثني الحسن بن عليّ بن مهزيار، عن أبيه، عن الحسن بن سعيد، عن زُرعة بن محمد الحضرمي، عن المفضل بن عمر «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: تزورون خير من أن لا تزورون، أحدكم ليذهب إلى قبر أبيه كئيباً حزيناً و تأتونه أنتم بالسُّفر، كلاً حتى تأتونه شعناً غُبراً».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن احمد بن الحسین می گوید:

حسن بن علی بن مهزیار از پدرش، از حسین بن سعید، از زرعة بن محمد
حضر می، از مفضل بن عمر نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

زیارت بروید بهتر است از اینکه به زیارت نروید و زیارت نروید بهتر است از
اینکه به زیارت بروید.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم:

کمر من را شکستید با این کلام.

حضرت فرمودند:

به خدا قسم یکی از شما وقتی به زیارت قبر پدرش می رود غمگین و اندوهناک
می رود ولی به زیارت قبر مطهر آن حضرت می رود در حالی که با خود سفره ها
می ببرد، نه، این طور نباید به زیارت آن جناب بروید بلکه زیارتش کنید با حالی
افسرده و حزین و گرفته.

﴿ الباب الثامن و الأربعون ﴾

﴿ کیف يجب أن يكون زائر الحسين بن علي صلوات الله عليهما ﴾

متن:

۱ - حدثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن علي بن
محمد بن سليمان، عن محمد بن خالد، عن عبدالله بن حماد البصري،
عن عبد بن عبد الرحمن الأصم قال: حدثنا مدج، عن محمد بن مسلم،
عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: قلت له: إذا خرجنا إلى أبيك أفكنا في حج؟ قال:

بلی، قلت فیلزمنا ما يلزم الحاج؟ قال: من ماذا؟ قلت: من الأشياء التي يلزم الحاج، قال يلزمك حسن الصحابة لمن يصحبك، و يلزمك قلة الكلام إلا بخير، و يلزمك كثرة ذكر الله، و يلزمك نظافة الثياب، و يلزمك الغسل قبل أن تأتي الحائر، يلزمك الخشوع و كثرة الصلاة، والصلاة على محمد و آل محمد، و يلزمك التوقير لأخذ ما ليس لك، و يلزمك أن تغض بصرک، و يلزمك أن تعود أهل الحاجة من إخوانك إذا رأيت منقطعاً و المؤاساة، و يلزمك التقيّة التي قوام دينك بها،

و الورع عما نهيت عنه و الخصومة و كثرة الأيمان و الجدال الذي فيه الأيمان فإذا فعلت ذلك ثم حجك و عمرتك، و استوجبت من الذي طلبت ما عنده بنفقتك، و اغترابك عن أهلك، و رغبتك فيما رغبت: أن تنصرف بالمغفرة و الرحمة و الرضوان».

﴿ باب چهل و هشتم ﴾

﴿ در بیان اینکه واجب است زائر حضرت حسین بن علی (ع) ﴾

﴿ چه گونه باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، وی می گوید:

مدلج از محمد بن مسلم برای ما نقل کرد که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: هرگاه به زیارت پدر بزرگوارتان (حضرت امام حسین علیه السلام) می‌رویم آیا بهمان هیئت و کیفیت که به حج می‌رویم باشیم؟

حضرت فرمودند: بلی.

عرض کردم: پس آنچه بر حاجی لازم است بر ما نیز لازم است؟

حضرت فرمودند: چه چیزهایی را گفتی؟

عرض کردم: اشیائی را که بر حاجی لازم می‌باشد.

حضرت فرمودند:

بر تو لازم است که با همراهانت خوش رفتار باشی، سخن اندک بگویی و حتی

الامکان تکلم نکنی مگر به خیر.

بر تو لازم است زیاد پیاد خدا باشی.

و بر تو لازم است جامه و لباس هایت را نظیف و پاکیزه نگاه داری.

و بر تو لازم است پیش از اینکه به حائری برسی غسل نمائی.

لازم است بر تو که خاشع بوده و زیاد نماز خوانده و بسیار بر محمد و آل محمد

صلوات بفرستی و به آنچه از تو نیست و مال دیگری است احترام گذارده

و برنداری.

لازم است به آنچه حلال نیست نگاه نکرده و چشم خود را از آن فرو ببندی.

لازم است وقتی برادر ایمانی خود را نیازمند دیده و ملاحظه کردی که بواسطه

نداشتن نفقه از ادامه عمل عاجز است به دیدنش رفته او را کمک کرده و به

مواسات با او رفتار نمائی.

بر تو لازم است تقیه که دین تو به آن قائم است را رعایت کنی.

واجب است از آنچه منهی هستی و از خصومت و دشمنی و زیاد قسم خوردن

و از جدال کردنی که در اثناء آن به خوردن قسم مبادرت می‌ورزی اجتناب

و دوری کنی.

و وقتی به این دستورها عمل کردی البته حج و عمره تو تمام و کامل بوده و به واسطه صرف نفقه و دور شدن از اهل و عیالت و روی تافتن از آنچه به آن مایل هستی از کسی که آنچه نزدش بوده و تو آن را طلب کردی استحقاق پیدا می‌کنی که از سفرت مراجعه کرده در حالی که مغفرت و رحمت و رضوانش شامل تو شده باشد.

متن:

۲- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: تَزُورُونَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ لَا تَزُورُونَ، وَلَا تَزُورُونَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَزُورُونَ، قَالَ: قُلْتُ: قَطَعْتَ ظَهْرِي، قَالَ: تَاللَّهِ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَذْهَبُ إِلَى قَبْرِ أَبِيهِ كَثِيبًا حَزِينًا وَتَأْتُونَهُ أَنْتُمْ بِالسُّفْرِ كُلِّهِ حَتَّى تَأْتُونَهُ شُعْنًا غَبْرًا».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

مترجم گوید:

این حدیث عیناً با ترجمه‌اش در باب چهل و هفتم «حدیث چهارم» قبلاً گذشت.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي وَأَخِي وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ غَيْرُهُمْ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَلِيٍّ

ابن الحكم - عن بعض اصحابنا - عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: إذا أردت زيارة الحسين عليه السلام فزره و أنت كئيبٌ حزينٌ مكروبٌ شعثاً مغبراً جائعاً عطشاناً، فإنَّ الحسين قتل حزيناً مكروباً شعثاً مغبراً جائعاً عطشاناً، وسله الحوائج وانصرف عنه، ولا تتخذهُ وطناً».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدر و برادر و علی بن الحسین و دیگران رحمة الله علیهم از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از احمد بن محمد بن عیسی الاشعری، از علی بن الحكم، از بعض اصحاب ما، از ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده وی گفت: حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامی که اراده زیارت حضرت حسین علیه السلام را نمودی پس آن حضرت را با حالی غمگین و اندوهناک و ناراحت و زولیده و گرفته و گرسنه و تشنه زیارت نما زیرا حضرتش کشته شدند در حالی که غمگین و ناراحت و زولیده و گرفته و گرسنه و تشنه بودند و از آن جناب حوائج و خواسته های خود را بخواه و سپس از آنجا برگرد و آن مکان شریف را وطن برای خود قرار مده.

متن:

۴- و بهذا الإسناد، عن سعد بن عبدالله، عن موسى بن عمر، عن صالح بن السندی الجمال - عن ذکره - عن كرام بن عمرو «قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: الكرام! إذا أردت أن تَقْبِرَ الحسين عليه السلام فزره و أنت كئيبٌ حزينٌ، شعثٌ غبرٌ فإنَّ الحسين عليه السلام قتل و هو كئيبٌ حزنٌ شعثٌ، غبرٌ جائعٌ عطشانٌ».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

و با اسناد حدیث قبل از سعد بن عبدالله، از موسی بن عمر، از صالح بن سندی جمال از کسی که ذکرش نموده از کرام بن عمرو، وی گفت:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای کرام! هرگاه اراده نمودی قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کنی پس آن حضرت را با حالی غمگین و حزین و هیبتی ژولیده و گرفته زیارت نما، زیرا حضرتش کشته شد در حالیکه محزون و غمگین و ژولیده و گرفته و گرسنه و تشنه بودند.

﴿ الباب التاسع والأربعون ﴾

﴿ ثواب من زار الحسين عليه السلام راكباً و ماشياً و مناجاة الله لزاره ﴾

ترجمه:

۱ - حدیثیابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، و محمد بن یحیی و عبدالله بن جعفر الحمیری و احمد بن إدريس جميعاً، عن الحسين بن عبيدالله، عن الحسن بن علي بن عثمان، عن عبد الجبار النهاوندي، عن أبي سعيد عن الحسين بن ثوير بن أبي فاخته «قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: يا حسين من خرج من منزله يريد زيارة قبر الحسين ابن علي عليه السلام إن كان ماشياً كتب الله له بكل خطوة حسنة و محي عنه سيئة حتى إذا صار في الحائر كتبه الله من المفلحين المنجحين حتى إذا قضى مناسكه كتبه الله من الفائزين، حتى إذا أراد الانصراف أتاه ملك فقال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله يقرؤك السلام و يقول لك: استأنف العمل فقد غفرك ما مضى».

﴿ باب چهل و نهم ﴾

﴿ ثواب کسی که سواره یا پیاده به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ برود و خواندن و مناجات ﴾

﴿ حق تعالی زائر قبر مطهر را ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبدالله و محمد ابن یحیی و عبدالله بن جعفر حمیری و احمد بن ادریس جملگی از حسین بن عیdale، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از عبدالجبار نهاوندی از ابو سعید، از حسین بن ثویر بن ابی فاخته، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: *ترجمه: کسی که پیاده یا سوار*

ای حسین! کسی که از منزلش بیرون آید و قصدش زیارت قبر حضرت حسین ابن علی علیه السلام باشد اگر پیاده رود خداوند متان به هر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید تا زمانی که به حائر برسد و پس از رسیدن به آن مکان شریف حق تبارک و تعالی او را از رستگاران قرار می دهد تا وقتی که مراسم و اعمال زیارت را به پایان برساند که در این هنگام او را از فائزین محسوب می فرماید تا زمانی که اراده مراجعت نماید در این وقت فرشته ای نزد او آمده و می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام رسانده و به تو می فرماید:

از ابتداء عمل را شروع کن، تمام گناهان گذشته ات آمرزیده شد.

متن:

۲ - حدَّثنی أبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، و محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن إسماعیل عن صالح بن عقیبة، عن بشیر الدَّهَّان، عن أبی عبدالله علیه السلام «قال: إنَّ الرَّجُلَ لیُخْرِجَ إلى قَبْرِ الحسین علیه السلام، فله إذا خرج من أهله بأوَّل خُطوة مغفرة لذنوبه ثمَّ لم یزل یَقْدَسُ بِکُلِّ خُطوة حتَّى یأتیه، فإذا أتاه نَاجاه الله تعالی فقال: عبدي سلني اعطك؛ أدعني اجیک، أطلب مني اعطک، سلني حاجةً أقضیها لك! قال: وقال ابو عبدالله علیه السلام : و حقّ علی الله أن یعطی ما بذل».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله و محمد بن یحیی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقیبة، از بشیر دهان، وی می گوید:
حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند:

شخصی که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام می رود، زمانی که از اهلش جدا شد با اولین گامی که برمی دارد نعم گناهانش آمرزیده می شود سپس با هر قدمی که برمی دارد پیوسته تقدیس و تنزیه شده تا به قبر برسد و هنگامی که به آنجا رسید حق تعالی او را خوانده و با وی مناجات نموده و می فرماید:

بنده من! از من بخواه تا به تو اعطاء نمایم، من را بخوان اجابت نمایم، از من طلب کن به تو بدهم، حاجت را از من بخواه تا برایت روا سازم.

راوی می گوید، امام علیه السلام فرمودند:

و بر خداوند متعال حق و ثابت است آنچه را که بذل نموده اعطاء فرماید.

متن:

۳- و بهذا الإسناد عن صالح، عن الحارث بن المغيرة، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إنَّ لله ملائكة موكلين بقبر الحسين عليه السلام، فإذا همَّ الرَّجل بزيارته أعطاهم الله ذنوبه، فإذا خطأ محوها، ثمَّ إذا خطأ ضاعفوا له حسناته، تزال حسناته تضاعف حتَّى توجب له الجنة، ثمَّ اكتنفوه و قدَّسوه و ينادون ملائكة السماء أن قدَّسوا زوار حبيب حبيب الله، فإذا اغتسلوا ناداهم محمد عليه السلام يا وفد الله أبشروا بمرافقتي في الجنة! ثمَّ ناداهم امير المؤمنين عليه السلام: أنا ضامن لقضاء حوائجكم و دفع البلاء عنكم في الدُّنيا والآخرة ثمَّ التقاهم النَّبي عليه السلام عن إيمانهم و عن شمالكهم حتَّى ينصرفوا إلى أهاليهم».



مرکز تحقیقات کبیر بر علوم دینی
حدیث سوم

ترجمه:

و با اسناد حدیث قبلی از صالح، از حارث بن مغیره، وی می گوید:

حضرت ابی عبد الله علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال فرشتگانی دارد که موکل قبر حضرت امام حسین علیه السلام می باشند هنگامی که شخص قصد زیارت آن حضرت را می نماید حق تعالی گناهان او را در اختیار این فرشتگان قرار می دهد و زمانی که وی قدم برداشت فرشتگان تمام گناهانش را محو می کنند سپس قدم دوم را که برداشت حسناش را مضاعف و دو چندان می کنند و پیوسته با قدم هائی که برمی دارد حسناش مضاعف می گردد تا به حدی می رسد که بهشت برایش واجب و ثابت می گردد، سپس اطرافش را گرفته و تقدیش می کنند و فرشتگان آسمان نداء داده و می گویند: زوار دوست دوست خدا را تقدیس نمائید.

و وقتی زوَّار غسل کردند حضرت محمد ﷺ ایشان را مورد نداء قرار داده و می فرماید:

ای مسافران خدا! بشارت باد بر شما که در بهشت با من هستید.
سپس امیرالمؤمنین علیه السلام به ایشان نداء نموده و می فرماید: من ضامنم که حوائج شما را بر آورده نموده و بلاء را در دنیا و آخرت از شما دفع کنم، سپس پیامبر اکرم ﷺ با ایشان از طرف راست و چپ ملاقات فرموده تا بالأخره به اهل خود بازگردند.

متن:

۴- و حدَّثني علي بن الحسين بن موسى بن بابويه؛ و جماعة - رحمهم الله - عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علي بن عبدالله بن المغيرة، عن العباس بن عامر، عن جابر المكفوف، عن أبي الصّامت «قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام وهو يقول: من أتى قبر الحسين عليه السلام ماشياً كتب الله له بكل خطوة ألف حسنة و محاً عنه ألف سيئة، و رفع له ألف درجة، فإذا أتيت القرات فأغتسل و علّق نعليك و أمش خافياً و أمش مشي العبد الذليل فإذا أتيت باب الخائر فكبر أربعاً، ثمّ امش قليلاً، ثمّ كبر أربعاً، ثمّ أتت رأسه فقف عليه فكبر أربعاً و صلّ عنده و اسأل الله حاجتك».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه و جماعتی رحمة الله عليهم، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از عباس بن عامر، از جابر مکوف، از اَبی الصّامت، وی می گوید:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
کسی که پیاده به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند متعال به هر قدمی که برمی دارد هزار حسنه برایش ثبت و هزار گناه از وی محو می فرماید و هزار درجه مرتبه اش را بالا می برد سپس فرمودند:
وقتی به فرات وارد شدی ابتداء غسل کن و کفش هایت را آویزان نما و پای برهنه راه برو و مانند بنده ذلیل راه برو و وقتی به درب حائر رسیدی چهار مرتبه تکبیر بگو سپس اندکی حرکت کن باز چهار بار تکبیر گفته بعد به طرف بالای سر حضرت برو و در آنجا بایست و سپس چهار مرتبه تکبیر بگو و نزد قبر نماز بخوان و از خداوند متعال حاجت خود را بخواه.



متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هَلَالٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ مَا أَدْنَى مَا لَزَائِرَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام؟ فَقَالَ لِي: يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنَّ أَدْنَى مَا يَكُونُ لَهُ أَنْ اللَّهُ يَحْفَظَهُ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلَهُ حَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى أَهْلِهِ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كَانَ اللَّهُ الْحَافِظَ لَهُ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از صالح بن عقبه، از عبدالله بن هلال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

محضر امام علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم کمترین ثواب و اجری که برای زائر قبر حضرت امام حسین علیه السلام می باشد چیست؟

حضرت فرمودند:

ای عبدالله! کمترین پاداشی که برای او است اینکه: خداوند متعال خود و اهلش را حفظ کرده تا به خویشانش باز گردد و وقتی روز قیامت شد خداوند متعال حافظ او خواهد بود.

متن:

۶- حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن الحسین بن الحسن بن أبان، عن محمّد بن اورمة - عمّن حدّثه - عن علی بن میمون الصّائغ، عن اَبی عبدالله علیه السلام «قال: یا علی زر الحسین ولا تدعه، قال: قلت: ما لمن أتاه من الثواب؟ قال: من أتاه ما شیا کتب الله له بكلّ خطوة حسنة، ومحی عنه سیئة، ورفع له درجة، فإذا أتاه وکّل الله به ملکین یکتبان ما خرج من فیه من خیر ولا یکتبان ما یخرج من فیه من شرّ ولا غیر ذلك، فإذا انصرف ودّعا، و قالّا: یا ولیّ الله مغفوراً لك أنت من حزب الله و حزب رسوله و حزب أهل بیت رسوله، والله لا ترى النار بعینک أبداً ولا تراك ولا تطمّعک أبداً».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمه الله علیه از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه از کسی که برایش حدیث گفته، از علی بن میمون صائغ، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

ای علی! قبر حسین علیه السلام را زیارت کن و ترک مکن.

عرض کردم: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

کسیکه پیاده زیارت کند خداوند بهر قدمی که برمی دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می فرماید و یک درجه مرتبه اش را بالا می برد و وقتی به زیارت رفت حق تعالی دو فرشته را موکل او می فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می شود را نوشته و آنچه شر و بد می باشد را ننویسند و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می گویند:

ای ولی خدا گناهانت آمرزیده شد و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بیت رسولش می باشی و خداوند هرگز چشمانت را به آتش جهنم بینا نمی کند و آتش نیز تو را ابداً نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد نمود.



متن:

۷- حدیثیابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، و عبدالله بن جعفر الحمیری، عن احمد بن محمد بن خالد البرقی، عن أبيه عن عبدالعظیم بن عبدالله بن الحسن، عن الحسين بن الحكم النخعی، عن أبي حماد الأعرابی عن سدير الصیرفی «قال: کنا عند أبي جعفر علیه السلام فذكر فتی قبر الحسين علیه السلام فقال له: أبو جعفر ما أتاه عبد فخطا خطوة إلا کتب الله له حسنة، و حط عنه سيئة».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد بن محمد بن خالد برقی، از پدرش از عبدالعظیم بن عبدالله بن الحسن، از حسن بن حکم النخعی، از ابی حماد اعرابی، از سدير صیرفی، وی می گوید:
محضر ابی جعفر علیه السلام بودیم پس جوانی قبر حضرت امام حسین علیه السلام را متذکر شد.

حضرت ابو جعفر علیه السلام بوی فرمود:

بنده‌ای به زیارت حضرت نرفته و قدمی برنداشته مگر آنکه حق تعالی برای او یک حسنه نوشته و یک گناه از او پاک می‌کند.

متن:

۸ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عليه السلام مِنْ شِيعَتِنَا لَمْ يَرْجِعْ حَتَّى يَغْفِرَ لَهُ كُلَّ ذَنْبٍ، وَ يَكْتُبَ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ خَطَايَاهَا وَ كُلِّ يَدٍ رَفَعْتُهَا دَابَّتَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ، وَ تَرَفَعَ لَهُ أَلْفُ دَرَجَةٍ».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالرحمن بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم از عبدالله بن مسکان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

کسی که از شیعیان ما بوده و حسین علیه السلام را زیارت کند از زیارت برنگشته مگر آنکه تمام گناهانش آمرزیده می‌شود و برای هر قدمی که برمی‌دارد و هر دستی که بالا می‌رود و اسبش را حرکت داده و می‌راند هزار حسنه ثبت شده و هزار گناه محو گشته و هزار درجه مرتبه‌اش بالا می‌رود.

متن:

۹- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ الرَّزَّازُ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ بَشِيرٍ السَّرَّاجِ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَاضِي «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي غُرْفَةٍ لَهُ وَعِنْدَهُ مُرَازِمٌ فَسَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَا شَاءَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ وَبِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا وَيَضَعُهَا عَتَقَ رَقَبَةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَ مِنْ أَتَاهُ بِسَفِينَةٍ فَكَفَّثَتْ بِهِمْ سَفِينَتُهُمْ نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: طَبِّمُوا وَ طَابَتْ لَكُمْ الْجَنَّةُ!».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزازی از دانی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از احمد بن بشیر سراج، از ابو سعید قاضی، وی گفت: حضرت ابی عبدالله علیه السلام در غرفه کوچکی که داشتند نزول اجلال داشتند و مرزم نیز در خدمت آن جناب بود من برایشان داخل شدم، شنیدم حضرت می فرمودند:

کسی که پیاده به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند متعال به هر گامی که برداشته و به هر قدمی که از زمین بلند نموده و بر آن نهاده ثواب آزاد کردن بنده‌ای از اولاد حضرت اسماعیل را می‌دهد.

و کسی که با کشتی به زیارت آن حضرت رود و در اناء کشتی چپ شده و سر نشینانش را در آب بریزد منادی از آسمان نداء می‌کند:

خوشا به حال شما و گوارا باد بر شما بهشت.

متن:

۱۰ - حدثني أبي - رحمه الله - و علي بن الحسين، عن سعد بن عبدالله، عن محمد بن احمد بن حمدان القلانسي، عن محمد بن الحسين المحاربي، عن احمد بن ميثم عن محمد بن عاصم، عن عبدالله بن النجار «قال: قال لي ابو عبدالله عليه السلام: تزورون الحسين عليه السلام و تركبون السفن» فقلت: نعم، قال: أما علمت أنها إذا انكفأت بكم نوديتم: ألا طبتم و طابت لكم الجنة!».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از محمد بن احمد بن حمدان قلانسی، از محمد بن الحسین المحاربی، از احمد بن ميثم، از محمد بن عاصم، از عبدالله بن نجار نقل کرده، و می گفت:

حضرت ابو عبدالله عليه السلام به من فرمودند:

آیا به زیارت حضرت امام حسین عليه السلام می روید؟ و آیا بر کشتی سوار می شوید و به زیارت آن حضرت می روید؟

عرض کردم: بلی.

حضرت فرمودند:

آیا می دانی هرگاه کشتی شما را در دریا واژگون کند منادی ندا می کند: آگاه باشید! خوشا بحال شما، بهشت بر شما گوارا باد.

﴿الباب الخمسون﴾

﴿کرامۃ الله تبارک و تعالی لزوّار الحسین بن علی علیه السلام﴾

ترجمه:

۱ - حدّثني محمّد بن الحسین بن احمد بن الولید، عن محمّد بن الحسن الصّفار، عن احمد بن محمّد بن عیسی، عن محمّد بن اسماعیل بن یزید، عن اسماعیل بن زید، عن عبدالله الطّحّان، عن أبی عبدالله علیه السلام «قال: سمعته و هو یقول: ما من أحد یوم القیامة إلّا و هو یتمّنّی أنّه من زوّار الحسین، لما یرى ممّا یصنع بزوّار الحسین علیه السلام من کرامتهم علی الله تعالی».



﴿باب پنجاهم﴾

﴿کرامت خداوند تبارک و تعالی در حق زوّار حضرت﴾

﴿حسین بن علی صلوات الله علیهما﴾

﴿حدیث اوّل﴾

ترجمه:

محمّد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمّد بن الحسن الصّفار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن اسماعیل بن یزید، از اسماعیل بن زید، از عبدالله طحّان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام وی گفت:

شیندم از امام علیه السلام که می فرمودند:

احدی نیست در روز قیامت مگر آنکه آرزو می کند از زوّار امام حسین علیه السلام باشد زیرا مشاهده می کند با ایشان چه معامله ای شده و چه کرامتی حق تبارک و تعالی درباره آنها منظور می فرماید.

متن:

۲- وروی صالح الصیرفی عن عمران الميثمي أو صالح بن ميثم، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من سرّه أن يكون على موائد النور يوم القيامة فليكن من زوّار الحسين بن علي عليه السلام».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

صالح صیرفی از عمران میثمی و او از صالح بن میثم و او از حضرت ابی عبدالله عليه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمودند: کسی که دوست دارد بر سفره‌های نور بنشیند در روز قیامت، پس باید از زوّار حضرت حسین بن علی عليه السلام باشد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۳- حدّثنیّ الحسین بن محمّد بن عامر، عن معلى بن محمد البصريّ قال: حدّثنیّ أبو الفضل، عن ابن صدقة، عن المفضل بن عمر «قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: كَأَنِّي بِالملائكة والله قد ازدحموا المؤمنین علی قبر الحسين عليه السلام قال: قلت: فیتراؤون له؟ قال: هیئات هیئات، قد لزموا والله المؤمنین حتّیّ أنّهم لیمسحون وجوههم بأيديهم، قال: و ینزّل الله علی زوّار الحسين عليه السلام غُدوة و عشیّة من طعام الجنة؛ و خدامهم الملائكة لا یسأل الله عبد حاجة من حوائج الدنیا والآخرة إلاّ أعطّاها إیّاه، قال: قلت: هذه والله الكرامة، قال لی: یا مفضل أزیدك؟ قلت: نعم سیّدی! قال: كَأَنِّي بسریر من نور قد وضع و قد ضربت علیه قبة من یاقوتة حمراء مكلّلة بالجواهر، و كَأَنِّي بالحسین عليه السلام جالس علی ذلك السریر

و حوله تسعون ألف قبة خضراء، و كأني بالمؤمنين يزورونه و يسلمون عليه، فيقول الله عزّوجلّ لهم، اوليائي سلوني فطال ما اوديتم و ذللتم و اضطهدتم، فهذا يوم لا تسألوني حاجة من حوائج الدنيا و الآخرة الا قضيتها لكم، فيكون اكلهم و شربهم في الجنة، فهذه والله الكرامة التي لا انقضاء لها، و لا يدرك منتهاها».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از معلی بن محمد بصری، وی می گوید:

ابوالفضل، از ابن صدقه، از مفضل بن عمر نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

گویا می بینم که فرشتگان با مؤمنین بر سر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام ازدحام کرده اند.

راوی می گوید: عرضه داشتم:

آیا مؤمنین فرشته را می بینند؟

حضرت فرمودند:

هرگز، هرگز، آنها به خدا قسم ملازم و همراه مؤمنین بودند حتی با دست هایشان به صورت های آنها مسح می کشند.

سپس امام علیه السلام فرمودند:

خداوند منان هر صبح و شام از طعام بهشت بر زوّار امام حسین علیه السلام نازل می فرماید و خدمتکاران ایشان فرشتگانند.

هیچ بنده ای از بندگان خداوند حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خداوند متعال درخواست نمی کند مگر آنکه خدا به او عطاء می فرماید.

راوی می گوید: عرض کردم: به خدا قسم این کرامت می باشد.

امام علیه السلام به من فرمودند:

ای مفضل: برایت بیشتر بگویم؟

عرضه کردم: بلی سرور من.

حضرت فرمودند:

گویا می بینم تختی از نور را که گذارده اند و بر روی آن قبه ای از یاقوت سرخ زده شده که با جواهرات آن را زینت نموده اند و حضرت امام حسین علیه السلام بر روی آن تخت نشسته اند و اطراف آن حضرت نود هزار قبه سبز زده اند و مؤمنین آن حضرت را زیارت کرده و بر آن جناب سلام می دهند، پس خداوند متعال به ایشان می فرماید:

ای دوستانم از من سؤال کنید و بخواهید، پس زیاد اذیت شدید و خوار و مقهور گردیدید امروز، روزی است که حاجتی از حاجات دنیا و آخرتتان را از من درخواست نکرده مگر آنرا روا می نمایم، پس خوردن و آشامیدنشان در بهشت می باشد، پس به خدا قسم کرامت و احسانی که زوال نداشته و انتهاء آن را نمی توان درک کرد همین است.

﴿ الباب الحادی و الخمسون ﴾

﴿ انْ أَيْامَ زَائِرِي الْحُسَيْنِ عليه السلام لَا تَعْدُ مِنْ أَعْمَارِهِمْ ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِي قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ زَكَرِيَّا الْعَدَوِيُّ الْبَصْرِيُّ، عَنْ هَيْثَمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الرَّمَافِيِّ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا، عَنْ أَبِيهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عليه السلام إِنَّ أَيْامَ زَائِرِي الْحُسَيْنِ عليه السلام لَا تُحْسَبُ مِنْ أَعْمَارِهِمْ وَلَا تَعْدُ مِنْ أَجَالِهِمْ».

﴿ باب پنجاه و یکم ﴾

﴿ ایام زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام جزء ﴾

﴿ عمر زائر شمرده نمی شود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری می گوید:

ابو سعید حسن بن علی بن زکریا عدوی بصری، از هیشم بن عبدالله رمانی از حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام نقل نموده و آن جناب از پدر بزرگوارشان حکایت کرده اند که ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام فرمودند:

ایام زیارت حضرت امام حسین علیه السلام جزء عمر زائر شمرده نشده و از اجلشان محسوب نمی گردد.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

﴿ الباب الثانی و الخمسون ﴾

﴿ إن زائر الحسین علیه السلام یكون فی جوار رسول الله صلی الله علیه و آله ﴾﴿ و علی و فاطمه علیهما السلام ﴾

متن:

۱ - حدّثنی علی بن الحسین، و علی بن محمد بن قولویه، عن محمد بن یحیی القطار، و علی بن ابراهیم بن هاشم، عن محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین الیقظینی - عن حدّثه - عن ابی خالد ذی الشّامة قال: حدّثنی أبو اسامة «قال: سمعت أبا عبدالله علیه السلام یقول: من أراد أن یكون فی جوار نبیّه صلی الله علیه و آله و جوار علی و فاطمة علیهما السلام فلا یدع زیارة الحسین بن علی علیهما السلام».

﴿ باب پنجاه و دوم ﴾

﴿ زائرین امام حسین علیه السلام همسایه رسول خدا صلی الله علیه و آله ﴾﴿ و حضرت علی و فاطمه علیهم السلام می باشند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین و علی بن محمد بن قولویه، از محمد بن یحیی عطار و علی بن ابراهیم بن هاشم، از محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین یقطینی، از کسی که برایش نقل نموده از ابو خالد ذی الشامة، وی می گوید:

ابو اسامه برایم حدیث گفت، وی اظهار داشت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

کسی که می خواهد در همسایگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی و فاطمه علیهم السلام باشد زیارت حسین بن علی علیه السلام را ترک نکند.

متن:

۲- و باسناده عن أبي بصير «قال: سمعت أبا عبد الله و ابا جعفر علیهم السلام يقول: من أحب أن يكون مسكنه الجنة و مأواه الجنة فلا يدع زيارة المظلوم، قلت: من هو؟ قال: الحسين بن علي صاحب كربلاء، من أتاه شوقاً إليه و حباً لرسول الله و حباً لفاطمة و حباً لأُمير المؤمنين صلوات الله عليهم أجمعين، أقعده الله على موائد الجنة يأكل معهم و الناس في الحساب».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین باسنادش، از ابی بصیر، وی می گوید:

از حضرت ابا عبد الله علیه السلام یا ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که دوست دارد محل سکنا و منزلش بهشت باشد پس زیارت مظلوم (مظلوم کربلاء) را ترک نکند.

عرض کردم: مظلوم کیست؟

حضرت فرمودند:

مظلوم حسین بن علی علیه السلام که صاحب کربلاء است می باشد، کسی که بخاطر شوق به آن حضرت و محبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه سلام الله علیها و حبّ به امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین حضرتش را زیارت کند خداوند او را بر سر سفره های بهشتی نشانده که با آن سروران هم غذا باشد در حالی که مردم در حساب می باشند.



متن:

۳- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ بْنُ سَهِيلٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ اللَّوْلُؤِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ الْحَارِثِ بْنِ الْمَغِيرَةِ النَّصْرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ مَلَائِكَةَ مُوَكَّلِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَإِذَا هُمْ الرَّجُلُ بَزِيرَاتِهِ وَاغْتَسَلَ نَادَاهُ مُحَمَّدٌ عليه السلام: يَا وَفَدَ اللَّهُ أَبْشُرُوا بِمِرَافِقَتِي فِي الْجَنَّةِ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن همام بن سهیل، از جعفر بن محمد بن مالک نقل کرده که وی گفت: محمد بن عمران گفت: حسن بن حسین لؤلؤئی از محمد بن اسماعیل، از محمد ابن ایوب، از حارث بن مغیره نصیری برایم نقل کرد که حضرت ابی عبد الله علیه السلام فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی فرشتگانی را موکل قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام قرار داده، هرگاه شخصی قصد زیارت آن جناب را نموده و غسل می نماید حضرت محمد صلی الله علیه و آله وی را نداء کرده و می فرماید:

ای مسافرین خدا بشارت باد شما را به اینکه در بهشت همراه من هستید ... و حدیث سابق الذکر را نقل کرده.

﴿ الباب الثالث و الخمسون ﴾

﴿ إن زائر الحسین عليه السلام يدخلون الجنة قبل الناس ﴾

متن:

۱- حدثنی أبی؛ و أخی؛ و علی بن الحسین؛ و محمد بن الحسن - رحمهم الله - جميعاً، عن محمد بن یحیی العطّار، عن العمرکی بن علی البوفکی، عن صندل، عن عبدالله بن بکیر، عن عبدالله بن زرارۃ «قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: إن لزوار الحسین بن علی عليه السلام يوم القيامة فضلاً على الناس، قلت: و ما فضلهم؟ قال: يدخلون الجنة قبل الناس بأربعین عاماً و سائر الناس في الحساب و الموقف».

﴿ باب پنجاه و سوم ﴾

﴿ زائرین امام حسین عليه السلام قبل از همه مردم وارد بهشت می شوند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدر و برادر و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمه الله عليهم جملگی از محمد بن یحیی عطّار، از عمرکی بن علی بوفکی، از صندل، از عبدالله بن بکیر،

از عبدالله بن زراره، وی می گوید:
از حضرت ابو عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
در روز قیامت برای زوّار حسین بن علی علیه السلام بر سایر مردم فضیلت و برتری
می باشد.

عرض کردم: فضیلتشان چیست؟

حضرت فرمودند:

پیش از دیگران و چهل سال قبل از آنها به بهشت داخل می شوند در حالی که
مردم در حساب و موقف می باشند.

﴿ الباب الرابع والخمسون ﴾

﴿ ثواب من زار الحسين علیه السلام عارفاً بحقه ﴾

مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ وَ حَدَّثَنِي
مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ
إِسْمَاعِيلَ الْقَمِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو الزِّيَّاتِ عَنْ فَائِدِ الْحَنَاطِ، عَنْ أَبِي
الْحَسَنِ الْمَاضِي علیه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا
تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ».

﴿ باب پنجاه و چهارم ﴾

﴿ ثواب کسیکه زیارت امام حسین علیه السلام را نموده ﴾
 ﴿ در حالی که عارف به حق آن بزرگوار باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از عبدالله بن جعفر حمیری و محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش عبدالله، از علی بن اسماعیل قمی از محمد بن عمرو زیات، از فائد حناط از حضرت ابی الحسن ماضی (امام کاظم علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کسیکه امام حسین علیه السلام را زیارت نموده و به حقش عارف و آگاه باشد خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.



متن:

۲ - حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ كَثِيرٍ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَتَهُمُ يَرَوْنَ أَنَّهُ مِنْ زَارِ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَانَتْ لَهُ حَجَّةٌ وَ عَمْرَةٌ؟ قَالَ لِي: مَنْ زَارَهُ - وَاللَّهِ - عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس کوفی می گوید:

محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از حسن بن علی بن فضال، از محمد بن

الحسن بن کثیر، از هارون بن ابی خارجه، وی می گوید:
محضر حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: مردم روایت نقل می کنند که اگر
کسی حسین علیه السلام را زیارت کند ثواب یک حج و یک عمره برای او منظور
می شود، شما در این باره چه می فرمائید؟
حضرت فرمودند:

به خدا قسم کسی که آن حضرت را زیارت کند و عارف به حقش باشد تمام
گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می شود.

متن:

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخُنَا، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ.



مرکز تحقیقات اسلامی و فرهنگی

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتید، از سعد بن عبدالله، از محمد
ابن الحسین باسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

۳- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ
ابْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنِ الْخَيْبَرِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَمِّيَّ «قَالَ: قَالَ
أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام أَدْنَى مَا يَثَابُ بِهِ زَائِرُ الْحُسَيْنِ علیه السلام بِشَطِّ
الْفَرَاتِ إِذَا عَرَفَ بِحَقِّهِ وَحَرَمَتِهِ، وَلَا يَتَهُ أَنْ يَغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا
تَأَخَّرَ».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از خیبری، از حسین بن محمد قمی، وی گفت:

حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

کمترین ثوابی که به زائر امام حسین علیه السلام در شط فرات می دهند بشرطی که عارف به حق و حرمت و ولایت آن جناب باشد این است که گناهان گذشته و آینده اش را حق تعالی می آمرزد.

متن:

۴ - و حدثني أبو العباس، عن محمد بن الحسين، عن صفوان بن يحيى، عن ابن مسكان، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه غفر [الله] له ما تقدم من ذنبه وما تأخر».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

ابوالعباس، از محمد بن الحسن، از صفوان بن يحيى، از ابن مسكان، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، وی می گوید: حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رود در حالی که به حق آن جناب عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد.

متن:

۵ - و عنه، عن محمد بن الحسين، عن أبي داود سليمان بن سفيان المسترق - عن بعض أصحابنا - عن مثنى الحنّاط، عن أبي الحسن موسى ابن جعفر عليه السلام «قال: سمعته يقول: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه غفر

[الله] له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر.

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

از ابوالعباس، از محمد بن الحسین، از ابی داود سلیمان بن سفیان مسترق، از برخی اصحاب ما، از مثنی حنّاط، از حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام، وی گفت:

از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمودند: کسیکه به زیارت قبر حسین علیه السلام رود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.



متن:

۶- و حدّثنی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن الحكم بن مسکین، عن فائد الحنّاط «قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول: من زار الحسين علیه السلام عارفاً بحقه یا تمّ به غفر الله له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از فائد حنّاط نقل کرده که گفت: محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از هند حنّاط (در بعضی نسخ فائد حنّاط ضبط شده)، وی می گوید:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند: کسی که حسین علیه السلام را زیارت کند در حالی که عارف بحقش بوده و به آن حضرت اقتداء کند خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد.

متن:

۷- حدّثنی القاسم بن محمّد بن علی، عن أبيه، عن جدّه، عن عبدالله بن حماد الأنصاری، عن عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: من أتى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه غفر له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر».

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

قاسم بن محمد بن علی از پدرش، از جدّش، از عبدالله بن حماد انصاری، از عبدالله بن سنان از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:
امام علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام برود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد.

مرکز تحقیقات علمی و فرهنگی اسلامی

متن:

۸- و حدّثنی أبي، عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علی بن عبدالله بن المغيرة، عن العباس بن عامر قال: أخبرني يوسف الأنباري، عن فائد الحنّاط «قال: قلت لأبي الحسن علیه السلام: إنهم يأتون قبر الحسين علیه السلام بالنوائح والطعام؟! قال: قد سمعت، قال: فقال: يا فائد من أتى قبر الحسين بن علي علیه السلام عارفاً بحقه غفر له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن المغیره، از عباس بن عامر، وی می گوید: یوسف انباری از فائد حنّاط به من خبر داد که وی گفت:

محضر حضرت ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: مردم با توجه و گریه به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رفته و طعام و غذای خود را نیز می آورند شما درباره زیارت آن حضرت چه می فرمائید؟

راوی می گوید: شنیدم که حضرت فرمودند:

ای فائد: کسی که به زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام برود در حالی که به حق آن جناب عارف باشد گناهان گذشته و آینده اش را خداوند می بخشد.

متن:

۹- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ فَائِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام «قَالَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ [لَهُ] مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ».



مرکز تحقیق و پژوهش در علوم اسلامی

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از فائد، از حضرت ابی الحسن الاول علیه السلام، آن حضرت فرمودند: کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رود و به حق آن جناب عارف باشد حق تعالی گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد.

متن:

۱۰- و حَدَّثَنِي أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ جَمَاعَةٌ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ ضَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ يَحْيَى بْنِ عَلِي الْقَمِّي قَالَ: أَخْبَرَنِي رَجُلٌ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِي علیه السلام «قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي

يقول: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه غفر له من ذنبه و ما تأخر.

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن و علی بن الحسین و جماعتی از سعد بن عبدالله و محمد بن یحیی از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از یحیی بن علی القمی، وی می گوید:

مردی از عبیدالله بن عبدالله و علی بن الحسین بن علی سلام الله علیهم به من خبر داد که آن جناب فرمودند: شنیدم از پدرم که می فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام رود و به حق آن جناب عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.



متن:

۱۱ - و بإسناده عن صالح بن عقیبة، عن یحیی بن علی، عن أبی عبدالله عليه السلام «قال: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه غفر له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن یحیی به اسنادش از صالح بن عقبه، از یحیی بن علی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام رود و به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

حدَّثني محمد بن جعفر القرشي، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب،

عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عتبة، عن أبي عبد الله عليه السلام بهذين الحديثين سواء.

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه وی نظیر و مانند دو حدیث گذشته را عیناً از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.

متن:

۱۲ - حدثني الحسين بن محمد بن عامر، عن معلى بن محمد البصري، عن أبي داود المسترق - عن بعض أصحابنا - عن مثني الحنّاط، عن أبي الحسن الأول «قال: سمعته يقول: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه غفر له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخر».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از معلی بن محمد بصری، از ابی داود مسترق از برخی اصحاب ما، از مثنی حنّاط از حضرت ابی الحسن الاول علیه السلام، وی گفت: شنیدم که امام علیه السلام می فرمودند: کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام رود و به حقّ آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

۱۳ - حدثني محمد بن يعقوب، عن احمد بن إدريس، عن محمد بن

عبد الجبار، عن صفوان، عن ابن مسكان، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه غفر له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

ترجمه:

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

محمد بن یعقوب، از احمد بن ادریس، از محمد بن عبد الجبار، از صفوان، از ابن مسكان، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، آن حضرت فرمودند: کسی که به زیارت امام حسین عليه السلام برود و به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

۱۴ - حدیثی محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، عن أبيه، عن هارون ابن مسلم، عن الحسن بن علي، عن احمد بن عائذ عن أبي يعقوب الأبزاري، عن فائد، عن عبد صالح عليه السلام «قال: دخلت عليه فقلت له: جعلت فداك إن الحسين عليه السلام قد زاره الناس؛ من يعرف هذا الأمر و من ينكره و ركبت إليه النساء و وقع حال الشهرة، و قد انقبضت منه لما رأيت من الشهرة، قال: فمكث ملياً لا يجيبني، ثم أقبل علي فقال: يا عراقى إن شهروا أنفسهم فلا تشهر أنت نفسك، فوالله ما أتى الحسين عليه السلام آتٍ عارفاً بحقه إلا غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

ترجمه:

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از هارون بن مسلم، از حسن بن علی، از احمد بن عائذ، از ابی یعقوب ابزاری، از فائد، از حضرت عبد صالح عليه السلام، وی می گوید:

بر آن حضرت داخل شده و سلام کرده و محضرش عرض کردم:
 فدایت شوم: همه گروه از مردم حضرت حسین علیه السلام را زیارت می کنند، چه کسانی
 که به این امر عرفان و شناخت دارند (امر ولایت) و چه آنانکه منکر آن می باشند
 و نیز زنان سوار مراکب شده و به زیارت آن حضرت می روند و این زیارت ها در
 حالی واقع می شود که زیارت کنندگان مشهور و مشخص شده اند که از دوستان
 این خاندان هستند و من چون این شهرت را در خارج حس کرده و لمس نمودم
 از رفتن به زیارت خودداری نمودم، وظیفه در اینجا چیست؟
 راوی می گوید:

امام علیه السلام مکث طولانی نموده و جواب من را ندادند سپس روی مبارک به من
 نموده و فرمودند: ای عراقی اگر آنها خود را آشکار و مشهور نمودند تو خود را
 مشهور نساز به خدا قسم هیچ کسی به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نمی آید در
 حالی که عارف به حق آن جناب باشد مگر آنکه حق تعالی گناهان گذشته
 و آینده اش را می آمرزد.

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي
 دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ مِثْقَى الْحَنَاطِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ
 الْأَوَّلِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ: مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مِنْ
 ذَنْبِهِ مَا تَقَدَّمَ وَ مَا تَأَخَّرَ».

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از معلى بن محمد، از ابی داود و مسترق، از برخی
 اصحاب، از مثنی حنّاط، از ابی الحسن اول (حضرت موسی بن جعفر علیه السلام)، وی

می گوید:

از آن حضرت شنیدم که می فرمودند:

کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رود و به حق آن جناب عارف باشد حق تعالی گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

متن:

۱۶ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوِيَه، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ صَالِحِ النَّيْلِ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ أَقَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ كَمَنْ حَجَّ ثَلَاثَ حَجَجٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم».

ترجمه: ﴿ حَدِثٌ شَائِرٌ دَهْمٌ ﴾

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، از عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن سنان، از محمد بن صدقه، از صالح النیلی، وی می گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود و به حق آن حضرت عرفان و آگاهی داشته باشد مانند کسی است که سه حج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام داده باشد.

متن:

۱۷ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عُبَيْدِ الْجَعْفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي جَرِيرٍ الْقُمِيُّ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَاءَ عليه السلام يَقُولُ لِأَبِي: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ

عَلَى اللَّهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانِ مِنْ مُحَدَّثِي اللَّهِ فَوْقَ عَرْشِهِ، ثُمَّ قَرَأَ: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صَدِيقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ».

﴿ حدیث هفدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبدالله نقل کرده‌اند که وی گفت: احمد بن علی بن عبید جعفری گفت: محمد بن ابی جریر قمی گفت:

از حضرت ابا الحسن الرضا (ع) شنیدم که به پدرم می‌فرمودند: کسی که حضرت حسین بن علی (ع) را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد از هم صحبت‌های حق تعالی بالای عرش می‌باشد، سپس این آیه را قرائت فرمودند: **إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ، فِي مَقْعَدٍ صَدِيقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ.**

(همانا اهل تقوی در باغ‌ها و کنار نهرها منزل گزینند، در منزل‌گاه صدق و حقیقت نزد خداوند عزت و سلطنت جاودانی متنعم می‌باشند).

﴿ الباب الخامس و الخمسون ﴾

﴿ من زار الحسين (ع) حباً لرسول الله و أمير المؤمنين و فاطمة (ع) ﴾

متن:

۱- حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله عن محمد بن الحسین ابن ابی الخطاب. و حدیثی محمد بن جعفر الرزازی، عن محمد بن الحسین ابن ابی الخطاب - عن بعض اصحابه - عن جويرية بن العلا - عن بعض اصحابه - عن أبي عبدالله (ع) «قال: إذا كان يوم القيامة نادى مناد: أين

زوّار الحسين بن علی، فيقوم عنق من الناس لا يحصيهم الا الله تعالى، فيقول لهم: ما [ذا] أردتم بزيارة قبر الحسين؟ فيقولون: يا ربّ أتيناك حبّاً لرسول الله و حبّاً لعلی و فاطمة؛ و رحمة له ممّا ارتكب منه، فيقال لهم: هذا محمّد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين فالحقوا بهم؛ فأنتم معهم في درجاتهم؛ الحقوا بلواء رسول الله، فينطلقون إلى لواء رسول الله فيكونون في ظلّه - واللواء في يد علی عليه السلام - حتّى يدخلون الجنة فيكونون إمام اللّواء و عن يمينه و عن يساره و من خلفه».

﴿ باب پنجاه و پنجم ﴾

﴿ در بیان اجر کسی که بخاطر حبّ به رسول خدا و أمير المؤمنين و فاطمه ﴾
﴿ سلام الله عليهم أجمعين به زیارت حضرت امام حسین عليه السلام برود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از محمّد بن الحسين بن ابی الخطاب، و محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسين بن ابی الخطاب، از برخی اصحاب، از جَویریه بن العلاء، از بعضی اصحابش، از حضرت ابو عبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند:

هنگامی که روز قیامت شود منادی ندا می کند:

کجا هستند زوّار حسین بن علی عليه السلام؟

گردن های تعدادی از مردم کشیده می شود که عدد آنها را غیر از خداوند متعال کس دیگری نمی داند پس به ایشان گفته می شود قصد شما از زیارت قبر حضرت حسین بن علی عليه السلام چه بود؟

می‌گویند: پروردگارا آن حضرت را زیارت کردیم بجهت محبتی که به رسول خدا ﷺ و حضرت علی و فاطمه ﷺ داشته و به منظور طلب رحمت برای صاحب قبر به ازاء آنچه از آن حضرت صادر گردید.
پس به آنها گفته می‌شود:

ایشان محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین سلام الله علیهم بوده، ملحق به آنها شوید شما با ایشان و در درجه و مرتبه آنها هستید، به لواء و پرچم رسول خدا ﷺ ملحق گردید پس بطرف لواء آن حضرت رهسپار شده و در سایه آن قرار می‌گیرند در حالی که لواء به دست امیرالمؤمنین علی ﷺ می‌باشد و بدین ترتیب به بهشت وارد می‌شوند ایشان جلو پرچم و سمت راست و جانب چپ و پشت آن بوده و چهار طرف لواء را گرفته‌اند.



مرکز تحقیقاتی و پژوهشی اسلامی

متن:

۲- و باسناده، عن أبي بصير «قال: سمعت أبا عبد الله؛ أو ابنا جعفر ﷺ يقول: من أحب أن يكون مسكنه الجنة و مأواه الجنة فلا يدع زيارة المظلوم قلت و من هو؟ قال: الحسين بن علي ﷺ صاحب كربلا، من أتاه شوقاً إليه و حباً لرسول الله و حباً لأمير المؤمنين و حباً لفاطمة أقدته الله على موائد الجنة، يأكل معهم و الناس في الحساب».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم به اسنادش از ابی بصیر، وی می‌گوید:
از امام صادق ﷺ یا امام باقر ﷺ شنیدم که می‌فرمود:
کسی که دوست دارد مسکن و جایگاهش در بهشت باشد نباید زیارت مظلوم را ترک کند.

عرض کردم: مظلوم کیست؟

حضرت فرمودند:

مظلوم حضرت حسین بن علی علیه السلام بوده که صاحب کربلاء می باشد، کسی که از روی شوق به آن حضرت و بسجته محبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و به امیرالمؤمنین علیه السلام و به فاطمه زهراء علیها السلام به زیارت آن حضرت برود خداوند متعال او را بر سر سفره های بهشتی می نشاند که با رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه زهراء علیها السلام هم غذا بوده در حالی که مردم در حال حساب می باشند.

متن:

۳- حدیثیابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله بن أبي خلف القمي، عن محمد بن عيسى اليقطيني - عن رجل - عن فضيل بن عثمان الصيرفي - عن حدثه - عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من أراد الله به الخير قذف في قلبه حب الحسين عليه السلام و حب زیارته و من أراد الله به السوء قذف في قلبه بغض الحسين و بغض زیارته».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله بن ابی خلف قمی، از محمد بن عیسی یقطینی، از شخصی، از فضیل بن عثمان صیرفی، از کسی که برای او حدیث گفته، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که خداوند خیر را برای او اراده کرده باشد در قلبش محبت امام حسین علیه السلام را قرار داده و در دلش محبت زیارت آن جناب را می اندازد و کسی که خداوند سوء و بدی را برایش بخواهد در قلبش بغض امام حسین علیه السلام قرار داده و در دلش بغض زیارت آن حضرت را می اندازد.

﴿ الباب السادس و الخمسون ﴾
 ﴿ من زار الحسين علیه السلام تشوقاً إليه ﴾

متن:

۱ - حدثني محمد بن جعفر القرشي الرزاز، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن صفوان بن يحيى، عن أبي أسامة زيد الشحام «قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول: من أتى قبر الحسين علیه السلام تشوقاً إليه كتبه الله من الآمنين يوم القيامة وأعطى كتابه بيمينه، وكان تحت لواء الحسين علیه السلام حتى يدخل الجنة فيسكنه في درجته، إن الله عزيز حكيم».

﴿ باب پنجاه و ششم ﴾
 ﴿ ثواب کسیکه از روی شوق به زیارت حضرت ﴾
 ﴿ امام حسین علیه السلام برود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزاز، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از صفوان بن یحیی، از ابی اسامه، زید شحام، وی می گوید:
 از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
 کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت قبر حضرت حسین بن علی سلام الله علیهما برود روز قیامت خداوند متعال او را از جمله آمنین می نویسد و محسوب می فرماید و کتابش (نامه اعمال او) را به دست راستش دهد و در زیر پرچم حسین علیه السلام بوده تا داخل بهشت شود پس حق تعالی او را در درجه و مرتبه خودش مکان داده بدرستی که خداوند متعال عزیز و حکیم می باشد.

متن:

۲- وروی عن أبي بصير عن أبي جعفر عليه السلام «إِنَّ مِنْ أَحَبِّ أَنْ يَكُونَ مَسْكَنَهُ الْجَنَّةُ وَ مَأْوَاهُ الْجَنَّةُ فَلَا يَدْعُ زِيَارَةَ الْمَظْلُومِ، قُلْتُ: مَنْ هُوَ؟ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَاحِبُ كَرْبَلَا، مَنْ أَتَاهُ شَوْقًا إِلَيْهِ وَ حُبًّا لِرَسُولِ اللَّهِ وَ حُبًّا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُبًّا لِفَاطِمَةَ عليها السلام أَقْعَدَهُ اللَّهُ عَلَى مَوَائِدِ الْجَنَّةِ، يَأْكُلُ مَعَهُمُ النَّاسُ فِي الْحِسَابِ».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

از ابی بصیر روایت شده که وی از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل نمود که آن جناب فرمودند: کسی که دوست دارد مسکن و مأوایش بهشت باشد نباید زیارت مظلوم را ترک کند.

ابو بصیر می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: مظلوم کیست؟ حضرت فرمودند:

مظلوم حسین بن علی سلام الله علیهما یعنی صاحب کربلاء می باشد، کسی که از روی شوق و محبت به رسول الله صلی الله علیه و آله و به امیرالمؤمنین علیه السلام و به فاطمه علیها السلام به زیارتش رود خداوند متعال او را بر سر سفره های بهشتی می نشاند و وی را با ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام هم غذا فرموده در حالی که مردم در حساب می باشند.

متن:

۳- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ محبوب، عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِين، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِم، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ

الناس ما في زيارة قبر الحسين عليه السلام من الفضل لماتوا شوقاً و تقطعت
 أنفسهم عليه حسرات، قلت: و ما فيه؟ قال: من أتاه تشوقاً كتب الله له
 ألف حجة متقبلة، و ألف عمرة مبرورة، و أجر ألف شهيد من شهداء
 بدر، و أجر ألف ضائم، و ثواب ألف صدقة مقبولة، و ثواب ألف نسمة
 أريد بها وجه الله، و لم يزل محفوظاً سنة من كل آفة أهونها الشيطان،
 و وُكِّل به ملك كريم يحفظه من بين يديه و من خلفه، و عن يمينه و عن
 شماله، و من فوق رأسه و من تحت قدمه، فإن مات سنته حضرته
 ملائكة الرحمة يحضرون غسله و إكفانه و الاستغفار له، و يشيخونه
 إلى قبره بالاستغفار له، و يفسح له في قبره مدّ بصره، و يؤمنه الله من
 ضغطة القبر، و من منكر و نكير أن يروّعانه و يفتح له باب إلى الجنة،
 و يعطى كتابه بيمينه، و يعطى له يوم القيامة نوراً يضيء لنوره نابين المشرق
 و المغرب، و ينادى مناد: هذا من زار الحسين شوقاً إليه، فلا يبقى أحد
 يوم القيامة إلا تمّنى يومئذ أنه كان من زوّار الحسين عليه السلام».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از محمد بن
 مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، آن حضرت فرمودند:
 اگر مردم می دانستند که در زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام چه فضل
 و ثوابی است حتماً از شوق و ذوق قالب تهی می کردند و بخاطر حسرت ها
 نفس هایشان به شماره افتاده و قطع خواهد شد.
 راوی می گوید: عرض کردم: در زیارت آن حضرت چه اجر و ثوابی می باشد.
 حضرت فرمودند:

کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت آن حضرت رود خداوند متعال هزار حج و هزار عمره قبول شده برایش می نویسد و اجر و ثواب هزار شهید از شهداء بدر و اجر هزار روزه دار و ثواب هزار صدقه قبول شده و ثواب آزاد نمودن هزار بنده که در راه خدا آزاد شده باشند برایش منظور می شود و پیوسته در طول ایام سال از هر آفتی که کمترین آن شیطان باشد محفوظ مانده و خداوند متعال فرشته کریمی را بر او موکل کرده که وی را از جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و زیر قدم نگهدارش باشد و اگر در اثناء سال فوت کرد فرشتگان رحمت الهی بر سرش حاضر شده و او را غسل داده و کفن نموده و برایش استغفار و طلب آمرزش کرده و تا قبرش مشایعتش نموده و به مقدار طول شعاع چشم در قبرش وسعت و گشایش ایجاد کرده و از فشار قبر در امانش قرار داده و از خوف و ترس دو فرشته منکر و نکیر بر حذرش می دارند و برایش دربی به بهشت می گشایند و کتابش را به دست راستش می دهند و در روز قیامت نوری به وی اعطاء می شود که بین مغرب و مشرق از پرتو آن روشن می گردد و منادی نداء می کند: این کسی است که از روی شوق و ذوق حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و پس از این نداء احدی در قیامت باقی نمی ماند مگر آنکه تمنا و آرزو می کند که کاش از زوار حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می بود.

متن:

۴ - و عنه عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن أبي أيوب ابراهيم بن عثمان الخزاز، عن محمد بن مسلم «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما لمن أتی قبر الحسين عليه السلام؟ قال: من أتاه شوقاً إليه كان من عباد الله المكرمين، وكان تحت لواء الحسين بن علي عليه السلام حتى يدخلهما الله [جميعاً] الجنة».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

از حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب، از ابی ایوب ابراهیم بن عثمان خزاز، از محمد بن مسلم، وی می گوید:
محضر مبارک ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: چه اجر و ثوابی هست برای کسی که حسین علیه السلام را زیارت کند؟

حضرت فرمودند:

کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رود از بندگان مکرم خداوند متان محسوب می شود و در روز قیامت زیر لواء و پرچم حضرت حسین بن علی علیه السلام بوده تا وقتی که این دو بزرگوار داخل بهشت شوند.



متن:

۶- و عنه، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن أبي المغراء، عن ذريح المحاربي «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما ألقى من قومي و من بني إذا أنا أخبرتهم بما في إتيان قبر الحسين عليه السلام من الخير إنهم يكذبوني و يقولون: إنك تكذب على جعفر بن محمد! قال: يا ذريح دع الناس يذهبون حيث شاؤوا، والله إن الله ليباهي بزاثر الحسين بن علي، و الوافد يفده الملائكة المقربون و حملة عرشه حتى أنه ليقول لهم: أما ترون زوار قبر الحسين أتوه شوقاً إليه و إلى فاطمة بنت رسول الله [محمد]، أما وعزتي و جلالی و عظمتی لأوجبن لهم كرامتي؛ و لأدخلنهم جنتي التي أعددتها لأولیائی و لأنبیائی و رسلی، یا ملائكتی! هؤلاء زوار قبر الحسين حبيب محمد رسولی، و محمد حبيبي، و من أحبني أحب حبيبي، و من أحب حبيبي أحب من يحبه، و من أبغض حبيبي أبغضني و من أبغضني كان حقاً على أن أعذبه

بأشدّ عذابٍ و أحرّقه بحرّ ناری، و اجعل جهنّم مسکنه و مأواه، و اعذبّه
عذاباً لا أعذبّه أحداً من العالمین».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

از حسن بن عبدالله، از پدرش از حسن بن محبوب، از ابی المغراء، از ذریح
محرابی، وی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: از
خویشاوندان و فرزندانم کسی را ملاقات نکردم مگر وقتی به آنها خبر دادم به
اجر و ثوابی که در زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام هست من را تکذیب
نموده و گفتند: تو بر حضرت جعفر بن محمد علیه السلام دروغ بسته و این خبر را از

پیش خودت می گویی!

حضرت فرمودند:



ای ذریح مردم را رها کن هر کجا که می خواهی بروند، بخدا قسم حق تعالی به
زائرین امام حسین علیه السلام مباحثات کرده و افتخار می نماید و مسافر و زائر را
فرشتگان مقرب خدا و حاملین عرش رهبری می کنند حتی حق تعالی به
فرشتگان می فرماید:

آیا زوّار حسین بن علی علیه السلام را می بینید که از روی شوق و محبت به آن حضرت
و علاقه به حضرت فاطمه علیه السلام دخت رسول الله صلی الله علیه و آله به زیارت آمده اند؟ به عزّت
و جلال و عظمت خود قسم کرامت خویش را بر ایشان واجب کرده ام و ایشان را
حتماً به بهشتی که برای دوستانم و برای انبیاء و رسل و فرستادگانم آماده کرده ام
داخل می کنم.

ای فرشتگان من! ایشان زوّار قبر حسین حبیب محمد رسول من بوده و محمد
صلی الله علیه و آله حبیب من است و کسی که من را دوست داشته باشد حبیب من را نیز
دوست می دارد و کسی که حبیب من را دوست داشته باشد دوست دار حبیبم را

نیز دوست دارد و کسی که نسبت به حبیب من بغض دارد به من نیز بغض می‌ورزد و کسی که به من بغض می‌ورزد بر من واجب است که به اشد عذاب، عذابش نموده و به آتش دوزخم او را بسوزانم و جهنم را مسکن و مکانش قرار داده و وی را چنان عذابی کنم که احدی از اهل عالم را آن طور عذاب نکرده باشم.

متن:

و حَدَّثَنِي مَنْ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي بصير قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبَا جَعْفَرٍ عليهما السلام يَقُولَانِ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ مَسْكَنَهُ وَ مَأْوِيَهُ الْجَنَّةَ - إِلَى آخِرِهِ كَمَا فِي صَدْرِ الْبَابِ - .



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

ترجمه:

کسی که حدیث را مرفوعاً تا ابی بصیر نقل کرده برایم بیان نمود که ابو بصیر گفت: از حضرت ابو عبدالله علیه السلام و حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: کسی که دوست دارد مسکن و منزلش بهشت باشد... تا آخر حدیث بهمان بیانی که در صدر باب گذشت.

مترجم گوید:

منظور حدیث دوم از ابواب پنجاه و دوم و پنجاه و پنجم، و پنجاه و ششم می‌باشد.

﴿ الباب السابع والخمسون ﴾
 ﴿ من زار الحسين عليه السلام احتساباً ﴾

متن:

۱ - حدَّثني أبي - رحمه الله - و علي بن الحسين؛ و محمد بن الحسن جميعاً، عن محمد بن يحيى العطار، عن حمدان بن سليمان النيسابوري قال: حدَّثنا عبدالله بن محمد اليماني، عن منيع بن الحجاج، عن يونس ابن عبدالرحمن، عن قدامته بن مالك عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «قال: من زار الحسين محتسباً لا اشرأ و لا بطراً و لا رياء و لا سمعته محصت عنه ذنوبه كما يحص الثوب بالماء فلا يبقى عليه دنس، و يكتب له بكل خطوة حجة و كلما رفع قدماً عمرة».

﴿ باب پنجاه هفتم ﴾

﴿ ثواب کسی که به امید اجر از خدا به زیارت ﴾
 ﴿ حضرت امام حسین علیه السلام برود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و علي بن الحسين و محمد بن الحسن جملگی از محمد بن يحيى عطار از حمدان بن سليمان نيشابوري وی می گوید:
 عبدالله بن محمد یمانی از منیع بن حجاج، از یونس بن عبدالرحمن، از قدامه بن مالک برای ما از حضرت ابی عبدالله علیه السلام حدیث نقل نمود، وی گفت:
 حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که به امید ثواب و اجر به زیارت حضرت

امام حسین علیه السلام برود نه از روی تکبر و نخوت و نه ریا و سمعه گناهانش پاک شده همانطور که جامه با آب پاک و طاهر می گردد، بنابراین هیچ آلودگی و لغزش بر او باقی نمی ماند و بهر قدمی که برداشته ثواب یک حج به او داده و هرگاه گام و قدمش را از روی زمین بلند می کند ثواب یک عمره دارد.

متن:

۲- حدیثی آبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد، بن عیسی، عن محمد بن خالد، عن ابان الأحمر، عن محمد بن الحسین الخزاز، عن هارون بن خارجه، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: قلت: جعلت فداك ما لمن أتى قبر الحسين علیه السلام زائراً له عارفاً بحقه يريد به وجه الله تعالى والدار الآخرة؟ فقال له يا هارون من أتى قبر الحسين علیه السلام زائراً له عارفاً بحقه يريد به وجه الله والدار الآخرة غفر الله - والله - له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر، ثم قال لي - ثلاثاً - ألم أحلف لك؟ ألم أحلف لك الم احلف لك؟!».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد، از ابان احمری، از محمد بن الحسین خزاز از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت: محضر مبارکش عرضه داشتم: فدایت شوم ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند در حالی که عارف به حق آن حضرت بوده و زیارتش برای خدا و سرای آخرت باشد چیست؟

حضرت به او فرمودند:

ای هارون کسی که به زیارت آن حضرت رفته در حالی که به حق حضرتش عارف بوده و زیارتش برای خدا و سرای آخرت باشد به خدا سوگند حق تعالی گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد. راوی می گوید:

سپس حضرت سه مرتبه به من فرمودند:

آیا برای تو قسم نخوردم، آیا برای تو قسم نخوردم، آیا برای تو قسم نخوردم؟

متن:

۳- حدیثی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن أبیه عبدالله بن محمد بن عیسی، عن أبیه محمد بن عیسی بن عبدالله، عن عبدالله بن المغیره، عن عبدالله بن میمون القداح، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: قلت له: ما لمن أتى قبر الحسين بن علي علیه السلام زائراً عارفاً بحقه، غير مستتكف ولا مستكبر؟ قال: يكتب له ألف حجة مقبولة، وألف عمرة مبرورة وإن كان شقيّاً كسب سعيداً، لم يزل يخوض في رحمة الله عز وجل».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش محمد بن عیسی بن عبدالله، از عبدالله بن مغیره، از عبدالله بن میمون قداح، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام وی می گوید:

محضر مبارک امام علیه السلام عرض کردم: کسی که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام برود در حالی که عارف به حق آن جناب بوده و زیارتش بدون تکبر و نخوت باشد ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند:

هزار حج مقبول و هزار عمره پذیرفته شده برایش می نویسند و اگر شخص شقی باشد او را سعید قلمداد می نمایند و پیوسته در رحمت خداوند عزوجل غوطه می خورد.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سَلِيمَانَ النِّسَابُورِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيِّ، عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مَهْرَانَ الْجَمَّالِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَهُوَ يَرِيدُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ شَيْعَةَ جَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ حَتَّى يَرُدَّ إِلَى مَنْزِلِهِ».

«حدیث چهارم»

ترجمه:

پدرم از محمد بن یحیی عطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبدالله بن محمد یمانی، از منیع بن حججاج، از صفوان بن یحیی، از صفوان بن مهران جمال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت: حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و قصدش خداوند عزوجل باشد جبرئیل و میکائیل و اسرافیل او را مشایعت نموده تا به منزلش وارد گردد.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْكَانٍ «قَالَ: شَهِدْتُ أَبَا

عبدالله علیه السلام و قد أتاه قوم من أهل خراسان فسألوه عن إتيان قبر الحسين بن علي عليه السلام وما فيه من الفضل، قال: حدثني أبي، عن جدي أنه كان يقول: من زاره يريد به وجه الله أخرج الله من ذنوبه كمولود ولدته أمه و شيعته الملائكة في مسيره فرفرفت على رأسه قد صفوا باجنحتهم عليه حتى يرجع إلى أهله، و سألت الملائكة المغفرة له من ربّه و غشيتة الرحمة من [أ]عنان السماء، و نادته الملائكة: طبت وطاب من ذرت! و حفظ في أهله».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از عبدالله بن مسکان، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابا عبدالله علیه السلام بودم در حالی که گروهی از اهل خراسان محضرش مشرف بودند، آنان راجع به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام و فضل و ثواب آن از حضرت سؤال کردند؟

حضرت فرمود:

پدرم از جدم نقل فرمود که آن بزرگوار می فرمودند:

کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کند و نیتش فقط خدا باشد حق تعالی گناهانش را محو نموده و او را از ذنوب بیرون آورده همانند مولودی که مادرش او را زائیده باشد و فرشتگان او را در سیر و سفرش مشایعت می کنند یعنی بالای سرش بال زده و گاهی بالهایشان را بر سرش پهن نموده بدون اینکه حرکت دهند و بهمین کیفیت او را مشایعت نموده تا وی به منزل و اهلش برسد.

فرشتگان از پروردگار متعال برای او طلب آمرزش نموده و از اطراف و اکناف

آسمان رحمت او را احاطه کرده و فرشتگان او را نداء داده و می‌گویند:
پاکی و پاک است آن کسی که تو زیارتش نمودی (یا: خوشا بر تو و خوشا بر
کسی که زیارتش نموده‌ای) و او را در میان اهل و عیالش حفظ و نگهداری
می‌کنند.

متن:

۶- و حدَّثني عبيد الله بن الفضل بن محمد بن هلال قال: حدَّثنا
عبد الرحمن قال: حدَّثنا سعيد بن خيثم، عن أخيه معمر «قال: سمعت
زيد بن عليّ يقول: من زار قبر الحسين بن عليّ عليه السلام لا يريد به إلا [وجه]
الله تعالى غفر الله له جميع ذنوبه و لو كانت مثل زبد البحر، فاستكثروا
من زيارته يغفر الله لكم ذنوبكم».

مرکز تحقیقات علمی و پژوهشی

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

عبيد الله بن فضل بن محمد بن هلال می‌گوید:
عبد الرحمن برای ما حدیث گفت، وی نقل نمود:
سعيد بن خيثم از برادرش معمر برای ما نقل کرد که وی گفت: از زيد بن علي عليه السلام
شنیدم که می‌فرمودند:
کسی که قبر حسين بن علي عليه السلام را زیارت کرده و نیتش تنها خداوند باشد حق
تعالی تمام گناهانش را می‌آمرزد اگرچه به قدر روی دریاها باشد، پس زیاد به
زیارت آن حضرت بروید تا خداوند گناهانتان را ببخشد.

متن:

۷- حدَّثني محمد بن عبد الله بن جعفر، عن أبيه، عن أحمد بن أبي عبد الله

البرقی، عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن حذيفة بن منصور «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: من زار قبر الحسين عليه السلام في الله أعتقه الله من النار و آمنه يوم الفزع الأكبر، ولم يسأل الله تعالى حاجة من حوائج الدنيا والآخرة إلا أعطاه».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر، از پدرش، از احمد بن ابی عبدالله برقی از پدرش، از محمد بن سنان، از حذیفه بن منصور، وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را قرینه الی الله و برای خدا زیارت کند حقتعالی او را از آتش جهنم آزاد نموده و روز فزع اکبر او را در امان قرار می دهد و حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خداوند نخواسته مگر آنکه باری تعالی به وی اعطاء می فرماید.

مرکز تحقیقاتی و فرهنگی اسلامی

﴿ الباب الثامن و الخمسون ﴾

﴿ ان زیارة الحسین علیه السلام افضل ما یكون من الاعمال ﴾

متن:

حدثني أبي - رحمه الله - و جماعة من أصحابنا، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي الوشاء، عن احمد بن عائذ، عن أبي خديجة، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: سألته عن زیارته قبر الحسين عليه السلام، قال: انه افضل ما يكون من الاعمال».

﴿ باب پنجاه و هشتم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام افضل اعمال می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از اصحاب، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی الوشاء، از احمد بن عائذ، از ابی خدیجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:

از آن حضرت راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام پرسیدم؟
حضرت فرمودند:



زیارت آن جناب افضل اعمال می باشد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

مثنی:

۲- و عنه، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الوشاء، عن احمد بن عائذ
عن ابی خدیجه، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: سألت أبا عبدالله علیه السلام عن زیارة
قبر الحسين علیه السلام، قال: انه افضل ما یكون من الأعمال».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از و شاء، از احمد بن عائذ، از
ابی خدیجه، از حضرت ابا عبدالله علیه السلام، وی گفت:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام راجع به زیارت قبر امام حسین علیه السلام پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

زیارت حضرت افضل اعمال می باشد.

متن:

۳- حدَّثني محمد بن الحسن عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد، عن الوشاء، عن احمد بن عائد، عن أبي خديجة، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: سألته عن زيارة قبر الحسين عليه السلام، قال: إنه أفضل ما يكون من الأعمال».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمہ:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد، از وشاء، از احمد بن عائد از ابی خدیجه، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، وی گفت:
از آن حضرت راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

زیارت آن جناب افضل اعمال است.

متن:

۴- حدَّثني أبو العباس الكوفي، عن محمد بن الحسين، عن الحسن بن محبوب - عن رجل - عن أبان الأرق - عن رجل - عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من أحب الأعمال إلى الله تعالى زيارة قبر الحسين عليه السلام، وأفضل الأعمال عند الله إدخال السرور على المؤمن، وأقرب ما يكون العبد إلى الله تعالى هو ساجد باك».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمہ:

ابوالعباس کوفی، از محمد بن الحسین، از حسن بن محبوب، از مردی، از ابان ارق، از مردی، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند:

محبوب ترین اعمال نزد حق تعالی زیارت قبر حضرت حسین علیه السلام بوده و برترین اعمال نزد او جلّ و علّی ادخال سرور و شادی بر مؤمن است و نزدیک ترین بنده به خدا، بنده ای است که در حال سجود بدرگاه الهی گریان باشد.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي الْجَهْمِ، عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا يَبْلُغُ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: أَفْضَلُ مَا يَكُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش، از احمد بن ابی عبدالله، از ابی جهم، از ابی خدیجه، وی می گوید: *بسم الله الرحمن الرحيم* عرض کردم: از زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام چه چیز به ما می رسد و عائد مان می گردد؟ حضرت فرمودند:

افضل و برترین اعمال.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ الرَّزَّازِ قَالَ: حَدَّثَنَا سَالِمُ بْنُ سَلَمَةَ - وَهُوَ أَبُو خَدِيجَةَ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَفْضَلُ مَا يَكُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین، از عبدالرحمن بن ابی هاشم رزازی، وی گفت:

سالم بن سلمه یعنی ابو خدیجه برای از امام صادق علیه السلام حدیثی به این شرح نقل نمود:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

زیارت امام حسین علیه السلام افضل و برترین اعمال می باشد.

﴿ الباب التاسع والخمسون ﴾

﴿ ان من زار الحسين علیه السلام كان كمن زار الله في ﴾

﴿ عرشه وكتب في أعلى عليين ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

متن:

۱ - حدیثی ابی، و علی بن الحسین؛ و جماعة مشایخی - رحمهم الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد؛ و محمد بن الحسین، عن محمد ابن اسماعیل بن بزيع، عن صالح بن عقبه، عن زيد الشحام «قال: قلت لأبي عبدالله علیه السلام: ما لمن زار قبر الحسين علیه السلام؟ قال: كان كمن زار الله في عرشه، قال: قلت: ما لمن احداً منكم؟ قال: كمن زار رسول الله صلی الله علیه و آله».

﴿ باب پنجاه و نهم ﴾

﴿ کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند مثل کسی است که در ﴾
 ﴿ عرش خدا را زیارت کرده و او را در اعلیٰ علیین قرار می دهند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

متن:

پدرم و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمه الله علیهم، از سعد
 ابن عبدالله، از احمد بن محمد و محمد بن الحسین از محمد بن اسماعیل بن
 بزیع، از صالح بن عقبه، از زید شحام، وی گفت:

محضر ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را
 زیارت کند ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند:

مثل کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده.

راوی گفت: عرضه داشتم:

چه اجر و ثوابی است برای کسی که یکی از شما اهل بیت را زیارت کند؟

حضرت فرمودند:

مثل کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت نموده است.

متن:

۲- و حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد
 ابن عیسی، عن محمد بن اسماعیل، عن الخیر بنی، عن الحسین بن محمد
 القمّی، عن أبی الحسن الرضا علیه السلام «قال: من زار قبر أبی عبدالله علیه السلام بشط
 الفرات کان کمن زار الله فوق عرشه».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد ابن اسماعیل، از خیبری، از حسین بن محمد قمی، از حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

کسی که قبر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را در کنار فرات زیارت کند مثل کسی است که خدا را بالای عرش زیارت نموده است.

متن:

۳- و حدَّثني علي بن الحسين، و جماعة مشايخي - رحمهم الله - عن علي ابن ابراهيم بن هاشم، عن محمد بن عمر، عن عيينة بن يّاع القصب، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه كتبه الله في أعلى عليّين».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمه الله علیهم، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از محمد بن عمر، از عیینة بیاع القصب (نی فروش) از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام رود در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد خداوند متعال او را در اُعلی علیین قرار دهد.

متن:

۴- حدَّثني أبو العباس الكوفي، عن محمد بن الحسين، عن أبي داود المسترق، عن عبدالله بن مسكان - عن بعض اصحابنا - عن أبي

عبدالله علیه السلام «قال: قال: من أتى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه كتبه الله في أعلى عليين».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس کوفی، از محمد بن الحسین، از ابی داود مسترق، از عبدالله بن مسکان، از برخی اصحاب ما از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت: حضرت فرمودند: کسیکه به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود. در حالیکه به حق آن جناب عارف و آگاه باشد خداوند متعال او را در اعلیٰ علیین قرار می دهد.

متن:

۵ - و حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد ابن عیسی، عن علی بن الحکم، عن عبدالله بن مسکان، عن ابی عبدالله علیه السلام «قال: من أتى قبر الحسين علیه السلام عارفاً بحقه كتبه الله في عليين».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از عبدالله بن مسکان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، آن حضرت فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد حقتعالی او را در اعلیٰ علیین قرار می دهد.

متن:

۶ - و حدیثی محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار؛ و سعد بن عبدالله جميعاً، عن علی بن اسماعیل عن محمد بن عمرو الزیيات، عن

هارون بن خارجه «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه كتبه الله في أعلى عليين».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن حسن صفار؛ و سعد بن عبدالله جملگی از علی بن اسماعیل از محمد بن عمرو زیات از هارون بن خارجه، وی گفت: از حضرت ابا عبدالله عليه السلام شنیدم که می فرمودند: کسی که به زیارت قبر امام حسین عليه السلام برود در حالی که به حق آن جناب عارف و آگاه باشد حق تعالی او را در اعلی علیین قرار می دهد.

متن:

۷- و حدیثی محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد ابن اسماعیل بن بزيع، عن الخیري، عن الحسين بن محمد القمي قال: قال لي الرضا عليه السلام: من زار قبر أبي بغيض كان كمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله و أمير المؤمنين إلا أن لرسول الله و أمير المؤمنين فضلها قال: ثم قال لي: من زار قبر أبي عبدالله بشطّ الفرات كان كمن زار الله فوق كرسيه».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن الحسين، از محمد بن اسماعیل بن بزيع، از خیري، از حسین بن محمد قمی، وی می گوید: حضرت رضا عليه السلام به من فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در بغداد زیارت کند، مانند کسی است که رسول خدا صلى الله عليه وآله و امیرالمؤمنین عليه السلام را زیارت نموده منتهی زیارت رسول خدا و امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیهما فضیلت و برتری دارد سپس فرمودند:

کسی که قبر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را در کنار فرات زیارت کند مانند کسی است که خدا را بالای کرسی اش زیارت نموده.

متن:

۸- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنْ ابْنِ مَسْكَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَتَبَهُ اللَّهُ فِي عَلَيَّيْنِ».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از عباس بن عامر، از ابان، از ابن مسکان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رود خداوند متعال او را در اعلیٰ علین قرار می دهد.

متن:

۹- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْكَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَتَبَهُ اللَّهُ فِي عَلَيَّيْنِ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابن فضال، از عبدالله بن مسکان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام آن حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود خداوند او را در علّیین قرار می دهد.

متن:

۱۰- وحدثني أبي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علي الكوفي، عن عباس بن عامر، عن ربيع بن محمد المسلّي عن عبدالله بن مسكان، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من أتى قبر الحسين عليه السلام كتبه الله في علّيتين».

ترجمه:

﴿ حدیث دهم ﴾

و پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی الكوفي، از عباس بن عامر، از ربيع بن محمد المسلّي، از عبدالله بن مسكان، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، آن حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام برود خداوند متعال او را در اعلی علّیین قرار می دهد.

متن:

۱۱- حدثني محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري، عن أبيه قال: حدثني محمد ابن الحسن بن شمعون البصري قال: حدثني محمد بن سنان، عن بشير الدّهان «قال: كنت أحجّ في كلّ سنة فأبطأت سنة عن الحجّ فلما كان من قابل حججت و دخلت علي أبي عبدالله عليه السلام فقال لي: يا بشير ما أبطأك عن الحجّ في عامنا الماضي؟ قال: قلت: جعلت فداك ما كان لي على الناس خفت ذهابه غير أنّي عرفت عند قبر الحسين عليه السلام، قال: فقال لي: ما فاتك

شیء مما كان فيه أهل الموقف! يا بشير من زار قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه كان كمن زار الله في عرشه».

و عنه، عن أبيه، عن محمد بن الحسن بن شمعون قال: حدثني جعفر بن محمد الخزازي - عن بعض أصحابه - عن جابر، عن أبي عبد الله عليه السلام مثله. حدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع، عن عمه - عن رجل - عن جابر نحوه.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمہ:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش نقل کرده که وی گفت: محمد بن الحسن بن شمعون بصری گفت: محمد بن سنان از بشیر دهان برایم نقل کرد و گفت:

در هر سال به حج مشرف می شدم، یکسال تنبلی کرده و آنرا ترک کردم و سال بعد که به حج رفته و محضر حضرت ابی عبدالله علیه السلام مشرف شدم به من فرمودند: ای بشیر چه چیز تو را در سال گذشته از حج سست و تنبل نمود؟

می گوید: عرض کردم: فدایت شوم مالی داشتم که از مردم می خواستم و خوف داشتم تلف شود لذا به حج نیامده ولی در عوض روز عرفه به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام رفتم.

می گوید، حضرت به من فرمودند:

آنچه نصیب اهل موقف (حاجی ها) شد از تو فوت نگردید، ای بشیر کسی که قبر حسین علیه السلام را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده.

و از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از محمد بن الحسن بن شمعون نقل شده که گفت: جعفر بن محمد خزازعی، از بعضی اصحابش، از جابر،

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل حدیث مذکور را نقل کرده.
 محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از
 عمویش، از مردی، از جابر نظیر این حدیث را نقل کرده است.

متن:

۱۲ - و حدَّثنی اَبی؛ و محمد بن عبدالله - رحمهما الله - عن عبدالله بن
 جعفر الحمیری قال: حدَّثنا عبدالله بن محمد بن خالد الطیالسی عن ربیع
 ابن محمد، عن عبدالله بن مسکان، عن اَبی عبدالله علیه السلام «قال: من اُتی قبر
 الحسین علیه السلام کتبه الله فی علیّین».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن عبدالله علیه السلام رحمه، از عبدالله بن جعفر
 حمیری، وی گفت:

عبدالله بن محمد بن خالد طيالسی، از ربیع بن محمد، از عبدالله بن مسکان، از
 حضرت ابی عبدالله علیه السلام آن حضرت فرمودند:

کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند خداوند متعال او را در علیّین قرار
 می دهد.

﴿ الباب الستون ﴾

﴿ إِنَّ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ وَالْأَئِمَّةِ عليهم السلام تَعْدِلُ زِيَارَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ جَوِيرِيَةَ بْنِ الْعَلَاءِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - قَالَ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَتَهْوَنَ عَلَيْهِ سَكْرَةُ الْمَوْتِ وَهَوْلُ الْمَطْلَعِ فَلْيَكْثِرْ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَإِنَّ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام زِيَارَةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ».

﴿ باب شصتم ﴾

﴿ زِيَارَتِ حَضْرَتِ اِمَامِ حُسَيْنٍ وَ اَئِمَّةِ هُدَى سَلامِ اللَّهِ عَلَيْهِمُ اِجْمَعِينَ ﴾
﴿ معادل با زیارت رسول خدا ﷺ می باشد ﴾

﴿ حديث أول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از جویریة ابن العلاء، از بعضی اصحاب ما وی گفت: آن حضرت فرمودند: کسی که دوست دارد در روز قیامت به حق تعالی نظر کند و سختی جان دادن (که همان هول مطلع باشد) بر او آسان شود زیاد به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود زیرا زیارت حسین علیه السلام همان زیارت رسول خدا می باشد.

متن:

۳- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ. وَ حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ،

عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة، عن زيد الشحام «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما لمن زار أحداً منكم؟ قال: كمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب کلینی از محمد بن یحیی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و پدرم علیه الرحمه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از صالح بن عقبة، از زید شحام، وی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله عليه السلام عرض کردم: ثواب کسی که یکی از شما اهل بیت را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند: مثل این است که رسول خدا صلى الله عليه وآله را زیارت کرده است.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

متن:

۴ - حدثني أبي - رحمه الله - عن الحسن بن متيل، عن سهل بن زياد الأدمي، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن زيد الشحام، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما لمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله و علياً عليه السلام؟ قال: كمن زار الله في عرشه، قال: قلت: فما لمن زار أحداً منكم، قال: كمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله».

حدثني محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن اسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن زيد الشحام عن أبي عبد الله عليه السلام مثله.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه از حسن بن مثیل، از سهل بن زیاد آدمی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از زید شحام، وی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله ع رض کردم: ثواب کسی که رسول خدا ﷺ و حضرت علی ع را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

وی مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده.

راوی گفت: محضرش عرضه داشتم: ثواب کسی که یکی از شما اهل بیت را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

وی مثل کسی است که رسول خدا ﷺ را زیارت کرده.

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از زید شحام، از حضرت ابی عبدالله ع مثل این حدیث را نقل نموده است.

﴿ الباب الحادي والتون ﴾

﴿ ان زیارة الحسین ع تزيد فی العمر و الرزق و ان ترکها تنقصهما ﴾

متن:

۱ - حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله؛ و محمد بن یحیی الطار؛ و عبدالله بن جعفر الحمیری جمیعاً، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن اسماعیل بن بزیع، عن ابی آیوب، عن محمد بن مسلم، عن ابی جعفر ع «قال: مروا شیعتنا بزیارة قبر

الحسين عليه السلام. فَإِنَّ إِيَّاهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَيَمُدُّ فِي الْعُمْرِ، وَيُدْفَعُ مَدَافِعَ السَّوْءِ وَإِيَّاهُ مَفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يَقَرُّ لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

﴿ باب شصت و یکم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام عمر را طولانی و روزی را فراخ نموده ﴾
﴿ و ترک آن عمر را کوتاه و روزی را تنگ می کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتید من از سعد بن عبدالله و محمد ابن یحیی عطار و عبدالله بن جعفر حمیری جملگی، از احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن اسماعیل بن بزيع، از ابی ایوب، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام حضرت فرمودند:

امر کنید شیعیان ما را به زیارت قبر حضرت حسن بن علی علیه السلام چه آنکه زیارت آن حضرت رزق و روزی را زیاد و عمر را طولانی کرده و اموری که بدی و شر را جلب می کنند دفع می نماید.

و زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامت حضرتش از طرف حق تعالی دارد واجب و لازم است.

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيرِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الحميد، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ «قَالَ: سَمِعَنَاهُ يَقُولُ: مَنْ أَتَى عَلَيْهِ حَوْلَ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْقَصَ اللَّهُ مِنْ عَمْرِهِ حَوْلًا، وَلَوْ قُلْتُ: إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَمُوتُ قَبْلَ أَجَلِهِ بِثَلَاثِينَ سَنَةً لَكُنْتُ صَادِقًا،

و ذلك لأنكم تتركون زيارة الحسين عليه السلام، فلا تدعوا زیارته بمَدَّ الله في أعماركم و یزید فی أرزاقکم، و إذا ترکتم زیارته نقص الله من أعمارکم و أرزاقکم فتتأسفوا فی زیارته ولا تدعوا ذلك، فإنَّ الحسين شاهد لكم في ذلك عند الله و عند رسوله و عند فاطمة و عند امیر المؤمنین علیهم السلام».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله حمیری، از پدرش، از محمد بن عبدالحمید، از سیف بن عمیره، از منصور بن حازم، وی می گوید: از آن حضرت شنیدم که می فرمود: کسی که سال بر او بگذرد و به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام نرود خداوند تبارک و تعالی یک سال از عمرش کسر می کند و اگر بگویم پاره ای از شماها سی سال قبل از اجل و عمر طبیعی از دنیا می روند هر آینه صادق می باشم زیرا زیارت حسین علیه السلام را ترک می کنید، بنابراین زیارت آن حضرت را رها نکنید تا حق تعالی عمر شما را زیاد نموده و روزی تان را فراخ فرماید و بدانید هر گاه زیارت آن جناب را ترک کنید زیرا حضرت ابا عبدالله الحسین شاهد شما است در نزد خدا و رسولش و نزد حضرت فاطمه و امیر المؤمنین علیهم السلام.

متن:

۳- حدیثیابی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن اسماعیل، - عن حدیثه - عن عبدالله بن وضاح، عن داود الحمّار، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من لم یزر قبر الحسن عليه السلام فقد حرم خیراً کثیراً و نقص من عمره سنة».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از محمد بن اسماعیل، از کسی که برایش حدیث گفته، از عبدالله بن وضاح، از داود حمّار، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که قبر حسین علیه السلام را زیارت نکند پس از خیر کثیر محروم مانده و از عمرش یکسال کسر می شود.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ محبوب، عَنْ صَبَّاحِ الْحِذَاءِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُ يَقُولُ: زُورُوا الْحُسَيْنَ عليه السلام وَ لَوْ كُلَّ سَنَةٍ، فَإِنَّ كُلَّ مَنْ أَتَاهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ جَاهِدٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَوَضٌ غَيْرُ الْجَنَّةِ، وَ رِزْقٌ رِزْقًا وَاسِعًا، وَ آتَاهُ اللَّهُ مِنْ قَبْلِهِ بِفَرَحٍ - عَاجِلٍ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

حسن بن عبدالله بن محمد، از پدرش، از حسن بن محبوب، از صباح حدّاء، از محمد بن مروان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:

از حضرت شنیدم که می فرمود:

حسین علیه السلام را زیارت کنید اگرچه در هر سال باشد؛ زیرا هر کس به زیارتش رود در حالی که به حق آن حضرت عارف بوده و منکر آن نباشد غیر از بهشت هیچ عوض دیگری ندارد و روزی و رزقش وسعت پیدا می کند و در همین عالم خداوند متعال در ازای زیارتی که کرده به او در دنیا فرح و سرور قابل ملاحظه ای می دهند ... الخ.

متن:

و حَدَّثَنِي جَمَاعَةُ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ
ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ سِوَاءَ.

ترجمه:

جماعتی از اصحاب از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از
حسن بن محبوب به اسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند.

متن:

۵- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَجَمَاعَةُ مَشَائِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ - عَنْ بَعْضِ
أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ
لِي: يَا عَبْدَ الْمَلِكِ لَا تَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَ مُرَّ أَصْحَابَكَ
بَذَلِكَ يَمْدًا اللَّهُ فِي عَمْرِكَ، وَ يَزِيدَ اللَّهُ فِي رِزْقِكَ، وَ يَحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيدًا، وَ
لَا تَمُوتَ إِلَّا سَعِيدًا، وَ يَكْتُبُكَ سَعِيدًا».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمه الله علیهم، از سعد بن
عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن محمد بن ابی نصر، از برخی
اصحاب ما از ابان، از عبدالملک خثعمی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:
حضرت به من فرمودند:

ای عبدالملک زیارت حسین بن علی علیه السلام را ترک مکن و یاران و اصحابت را به
آن امر فرما زیرا حق تعالی بواسطه آن عمر تو را طولانی کرده و روزی و رزق را

واسع می فرماید در حال حیات سعید و سعادت مندت نموده و نخواهی مرد مگر سعید و تو را در زمره سعاداء می نویسد.

﴿ الباب الثاني و الستون ﴾
﴿ ان زیارة الحسین ؑ تحط الذنوب ﴾

متن:

۱ - حدّثنی محمد بن الحسن بن الولید، عن محمد الحسن الصفّار، عن الحسن بن موسی الخشاب - عن بعض رجاله - عن ابي عبد الله ؑ قال: إنّ زائر الحسین جعل ذنوبه جسراً باب داره ثمّ یعبرها، كما یخلف أحدكم الجسر وراه اذا عبر [ه].



مرکز تحقیقات کتب و میراث اسلامی

﴿ باب شصت و دوم ﴾
﴿ زیارت امام حسین ؑ گناهان را محو می کند ﴾

ترجمه:

﴿ حدیث اول ﴾

محمد بن الحسن بن الولید، از محمد بن الحسن الصفار، از حسن بن موسی الخشاب، از برخی رجالش، از حضرت ابي عبد الله ؑ، حضرت فرمودند: زائر حسین ؑ گناهانش را پلی بر درب خانه اش قرار داده که از آن عبور می کند همانطوری که یکی از شما وقتی از پل عبور نمودید آنرا عقب سر می گذارید. یعنی زیارت سید الشهداء سلام الله علیه سبب می شود که گناهان محو و زائل گردند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ يَخْرُجُ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِكُلِّ خُطْوَةٍ مَغْفِرَةٌ مِنْ ذُنُوبِي، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَقْدَسُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَقٌّ يَأْتِيهِ، فَإِذَا أَتَاهُ نَاجَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ: عَبْدِي سَلْنِي أُعْطِكَ، أَدْعُنِي أُجِيبَكَ، اطْلُبْ مِنِّي أُعْطِكَ، سَلْنِي حَاجَتَكَ أَقْضِيهَا لَكَ، قَالَ: وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَحَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعْطِيَ مَا بَدَلَ».

« حَدِيثِ دَوِّم »

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز، از محمد بن الحسین بن الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از بشیر دهان، از ابی عبدالله علیه السلام، حضرت درباره کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می رود فرمودند:

وی هنگامی که از اهلش جدا می شود به هر قدمی که برمی دارد گناهانش آمرزیده می شود و سپس پیوسته به هر قدمی تقدیس و تنزیه شده تا به قبر مطهر می رسد وقتی به آنجا رسید خداوند متعال او را خوانده و می فرماید:

بنده من از من سؤال کن تا به تو اعطاء کنم، من را بخوان تا اجابتت نمایم، از من طلب نما تا به تو بدهم، حاجتت را از من بخواه تا برآورده نمایم.
راوی گفت:

امام علیه السلام فرمودند:

و حق است بر خدا که آنچه بذل نموده را اعطاء فرماید.

متن:

۳- و عنه بهذا الإسناد، عن صالح بن عقبة، عن الحارث بن المغيرة، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إنَّ لله ملائكة موكلين بقبر الحسين عليه السلام فإذا هم الرَّجل بزيارته أعطاهم ذبويه، فإذا خطأ محوها، ثمَّ إذا خطأ ضاعفوا حسناته، فما تزال حسناته تضاعف حتَّى توجب له الجنة، ثمَّ اكتفوه وقدَّ سوه، و ينادون ملائكة السماء أن قدَّسوا زوَّار حبيب حبيب الله، فإذا اغتسلوا ناداهم محمد عليه السلام: يا وفدا لله أبشروا بمرافقتي في الجنة، ثمَّ ناداهم أمير المؤمنين عليه السلام: أنا ضامن لقضاء حوائجكم و دفع البلاء عنكم في الدُّنيا و الآخرة، ثمَّ اكتفوه عن أيمانهم و عن شمالكهم حتَّى ينصرفوا إلى أهاليهم».



مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی
حدیث سوم

ترجمه:

و از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از صالح بن عقبة، از حارث بن مغیره، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام حضرت فرمودند:

خداوند متعال فرشتگانی دارد که موکل قبر مطهر حضرت حسین بن علی عليه السلام می باشند، هنگامی که شخص قصد زیارت آن حضرت را می نماید خداوند گناهان او را به این فرشتگان اعطاء نموده و در اختیار آنها می گذارد وقتی وی قدم گذارد فرشتگان گناهان را محو می کنند سپس وقتی قدم بعدی را برداشت حسنات او را مضاعف می نمایند و پیوسته حسنات او را مضاعف کرده تا جانی که بهشت را برای وی واجب می گردانند سپس اطرافش را گرفته و تقدیس و تنزیهش می نمایند و سپس فرشتگان آسمان را نداء می دهند که زوَّار حبيب حبيب خدا را تقدیس و تنزیه نمائید و وقتی زوَّار غسل زیارت نمودند حضرت

محمد صلی الله علیه و آله ایشان را نداء داده و می‌فرماید:
ای مسافرین خدا بشارت باد شما را که با من در بهشت همراه خواهید بود.
سپس امیرالمؤمنین علیه السلام ایشان را نداء داده و می‌فرماید:
من ضامنم که حوائج شما را برآورده و در دنیا و آخرت بلا و محنت را از شما دور نمایم.
پس از آن فرشتگان دور ایشان حلقه زده و از راست و چپ آنان را دربر گرفته تا به اهل و خویشان و ندان خود بازگردند.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الْجَامُورَانِيِّ الرَّازِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حمزة، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ
مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ «قَالَ: قَالَ
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - فَإِذَا انْقَلَبْتَ مِنْ عِنْدِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام
نَادَاكَ مَنْادٍ لَوْ سَمِعْتَ مَقَالَتَهُ لَأَقَمْتَ عَمْرَكَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَهُوَ
يَقُولُ: طُوبَى لَكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ؛ قَدْ غَنِمْتَ وَ سَلِمْتَ، قَدْ غُفِرَ لَكَ مَا سَلَفَ
فَاسْتَأْنَفِ الْعَمَلَ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوِيلِهِ -».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از ابی عبدالله الجامورانی رازی، از حسن
بن علی بن ابی حمزه، از حسن بن محمد بن عبدالکریم، از مفضل بن عمر، از
جابر جعفی، وی می‌گوید:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام در ضمن حدیث طولانی فرمود:
هنگامی که از نزد قبر مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام برگشتی منادی تو را

می خواند که اگر صدا و گفتارش را می شنیدی تمام عمر خود را حاضر بودی نزد قبر مطهر صرف و طی نمائی.

منادی می گوید: ای بنده خوشا به حال تو، همانا غنیمت بردی و سالم برگشتی، تمام گناهان گذشته ات پاک گردید پس از ابتدا عمل نما.....

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّازِي قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ الْخَيْبَرِيِّ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَمِّي «قَالَ: قَالَ: أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدْنَى مَا يَثَابُ بِهِ زَائِرُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَاطِئِ الْفَرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَحَرَمَتَهُ وَوَلَايَتَهُ أَنْ يَغْفَرَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ».

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس رزازی می گوید:

محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل، از خیبری، از حسین ابن محمد القمی، وی می گوید: حضرت ابوالحسن موسی علیه السلام فرمودند: کمترین ثواب و اجر به کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در کنار فرات زیارت می کند مشروط به اینکه حق و حرمت و ولایت آن جناب را بشناسد می دهند این است که گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزند.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ، عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهَلِيِّ،

عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من أراد أن يكون في كرامة الله يوم القيامة وفي شفاعته محمد صلوات الله عليه وعلى آله فليكن للحسين زائراً ينال من الله أفضل الكرامة وحسن الثواب، ولا يسأله عن ذنب عمله في حياة الدنيا ولو كانت ذنوبه عدد رمل عالج و جبال تهامة و زبد البحر، إنَّ الحسين [بن علي] عليها السلام قتل مظلوماً مضطهداً نفسه، عطشاناً هو و أهل بيته وأصحابه».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از حسین بن الحسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از زکریا المؤمن ابی عبدالله، از عبدالله بن یحیی الکاهلی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که می خواهد روز قیامت در کرامت خداوند متعال باشد و شفاعت حضرت محمد صلوات الله عليه و آله شاملش گردد پس باید حسین علیه السلام را زیارت کند چه آنکه بالاترین کرامت حق تعالی به وی رسیده و ثواب و اجر نیک به او داده می شود و از گناهانی که در زندگانی دنیا مرتکب شده وی را مورد سؤال و بازخواست قرار نمی دهند اگر چه گناهانش به تعداد ریگ های بیابان و به بزرگی کوه های تهامة و به مقدار روی دریاها باشد، حسین بن علی سلام الله علیهما در حالی کشته شد که:

اولاً: مظلوم بود.

ثانیاً: نفس و جسمش مقهور و مورد ستم قرار گرفته بود.

ثالثاً: خود و اهل بیت و اصحابش تشنه بودند.

متن:

۷- حدَّثنی أبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله عن احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن خالد البرقی، عن القاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد، عن جدّه الحسن بن راشد، عن أبی ابراهیم علیه السلام «قال: من خرج من بیته یرید زیارة قبر أبی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام وکلّ الله به ملکاً فوضع أصبعه فی قفاه فلم یزل یکتب ما یمخرج من فیه حتی یرد الحائر، فإذا خرج من باب الحائر وضع کفه وسط ظهره، ثمّ قال له: أمّا ما مضی فقد غفر لك فاستأنف العمل».

و بهذا الإسناد، عن الحسن بن راشد، عن ابراهیم بن أبی البلاد باسناده مثله».



ترجمه: ﴿حدیث هشتم﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن ابن خالد برقی، از قاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد، از جدش حسن بن راشد، از حضرت ابی ابراهیم علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

کسی که از خانه اش خارج شده و قصدش زیارت قبر مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین بن علی سلام الله علیهما باشد خداوند متعال فرشته ای را بر او می گمارد پس آن فرشته انگشتش را در پشت او قرار داده و پیوسته آنچه از دهان این شخص خارج شود می نویسد تا به حائر وارد گردد و وقتی از درب حائر خارج شد کف دستش را وسط پشتش نهاده سپس به او می گوید:

آنچه گذشت تمام مورد غفران و آمرزش واقع شد اینک از ابتداء به عمل پرداز و با همین اسناد، از حسن بن راشد، از ابراهیم بن ابی البلاد به اسنادش حدیثی مثل همین حدیث را نقل نموده.

متن:

۸- حدَّثنی مُحَمَّد بن عبد الله بن جعفر الحمیری، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد الأنصاري، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم، عن عبد الله بن مسكان «قال: شهدت أبا عبد الله عليه السلام وقد أتاه قوم من أهل الخراسان فسألوه عن إتيان قبر الحسين عليه السلام وما فيه من الفضل، قال: حدَّثني أبي، عن جدي أنه كان يقول: من زاره يريد به وجه الله أخرجه الله من ذنوبه كمولود ولدته أمه، وشتيته الملائكة في مسيره فرفرت على رأسه قد صفوا بأجنحتهم عليه حتى يرجع إلى أهله و سألت الملائكة المغفرة له من ربه، و غشيته الرحمة من [أ]عنان السماء، و نادته الملائكة: طبت مطاب من نددت و حفظ في أهله».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی قم

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد انصاری، از عبد الله بن عبد الرحمن اصم، از عبد الله بن مسكان، وی می گوید:

حضور مبارک حضرت ابا عبد الله علیه السلام رسیدم در حالی که گروهی از اهل خراسان خدمت آن جناب مشرف شده بودند، ایشان از آن جناب راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام و ثوابی که در آن است سؤال نمودند؟ حضرت فرمودند:

پدرم از جدم نقل کردند که می فرمودند:

کسیکه آن حضرت را صرفاً برای خدا و به قصد قربت زیارت کند خداوند متعال

از گناهان رهایش نموده و او را همچون نوزادی که مادر زائیده قرار می دهد و در طول سفرش فرشتگان مشایعتش کرده و بالای سرش بال های خود را گشوده و با این حال او را همراهی کرده تا به اهلش باز گردد و نیز فرشتگان از خداوند می خواهند که او را بیا مرزد و از اطراف و اکناف آسمان رحمت و اسعه الهی او را فرا گرفته و فرشتگان نداء کرده و به وی می گویند:

پاک هستی و آن کس که زیارتش نمودی نیز پاک و مطهر است و پیوسته وی را بین اهل و خویشاننش حفظش می نمایند.

﴿ الباب الثالث و الستون ﴾

﴿ إن زيارة الحسين عليه السلام تعدل عمرة ﴾

ترجمه:

۱ - حدّثنی اَبی و علی بن الحسین؛ و محمّد بن یعقوب - رحمهم الله - جميعاً، عن علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر «قال: سأل بعض أصحابنا أبا الحسن الرضا عليه السلام أتى قبر الحسين عليه السلام قال: تعدل عمرة».

﴿ باب شصت و سوم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین عليه السلام معادل یک عمره می باشد ﴾

ترجمه:

﴿ حدیث اول ﴾

پدرم و علی بن الحسین و محمّد بن یعقوب رحمة الله عليهم جملگی، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از احمد بن محمد بن ابی نصر نقل کرده اند که وی

گفت:

برخی از اصحاب ما، از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام سؤال کرد و پرسید:
کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود ثوابش چه مقدار است؟
حضرت فرمودند:

ثوابش معادل ثواب یک عمره می باشد.

متن:

۲- و حدیثی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن الحسن بن علی
ابن ابی عثمان، عن إسماعیل عبّاد، عن الحسن بن علی، عن أبی سعید
الدائنی «قال: دخلت علی أبی عبدالله علیه السلام فقلت جعلت فداک آتی قبر
الحسین؟ قال: نعم با أبا سعید أنت قبر ابن رسول الله صلی الله علیه و آله أطیب
الطّیین و أطهر الطّاهرین و أبرّ الأبرار، فإذا زرتہ کتب لك اثنتان و
عشرون عمره».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد الحسین، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از اسماعیل
ابن عبّاد، از حسن بن علی، از ابی سعید مدائنی وی گفت:
بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام داخل شدم و عرض کردم: فدایت شوم: آیا به زیارت
قبر حضرت حسین علیه السلام بروم؟
حضرت فرمودند:

بلی، ای ابا سعد به زیارت قبر پسر رسول خدا که پاکیزه ترین پاکان
و نیکوکارترین نیکوکاران است برو و بدان هرگاه او را زیارت کردی ثواب
بیست و دو عمره برایت نوشته می شود.

متن:

۳- و عنه، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن سنان «قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: زيارة قبر الحسين عليه السلام تعدل عمرة مبرورة متقبلة».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

و از محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، وی گفت:
از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک عمره مقبول می باشد.

متن:

۴- حدثني أبي - رحمه الله - ومحمد بن الحسن، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد؛ وعبد الله ابني محمد بن عيسى، عن موسى بن القاسم، عن الحسن ابن الجهم «قال: قلت: لأبي الحسن عليه السلام: ما تقول في زيارة قبر الحسين عليه السلام؟ فقال لي: ما تقول أنت فيه؟ فقلت: بعضنا يقول حجة، وبعضنا يقول: عمرة فقال: هو عمرة مقبولة».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن الحسن، از سعد بن عبدالله، از احمد و عبدالله پسران محمد بن عیسی، از موسی بن قاسم، از حسن بن الجهم، وی گفت:
محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: چه می فرمائید درباره زیارت قبر امام حسین علیه السلام؟
حضرت فرمودند:
تو درباره آن چه می گوئی؟

عرض کردم: بعضی از ما معتقدند که ثواب آن به مقدار ثواب یک حج بوده و برخی دیگر می گویند ثوابش به اندازه ثواب یک عمره می باشد.
حضرت فرمودند:
ثوابش به مقدار عمره مقبول می باشد.

متن:

۵ - و حدَّثنی مُحَمَّد بن الحسن، عن مُحَمَّد بن الحسن الصَّفَّار، عن أحمد ابن مُحَمَّد بن عیسی، عن مُحَمَّد بن علی قال: حدَّثنا ابراهیم بن یحیی القطَّان، عن أبيه أبي البلاد «قال: سألت أبا الحسن الرضا علیه السلام عن زیارة قبر الحسين علیه السلام، فقال: ما تقولون أنتم؟ قلت: نقول: حجة و عمره، قال: تعدل عمره مبرورة».

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمّد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن علی، وی می گوید:
ابراهیم بن یحیی قطّان از پدرش ابی البلاد برای ما حدیث گفت و اظهار نمود:
از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام راجع به زیارت قبر مطهر حضرت حسین بن علی علیه السلام پرسیدم؟
حضرت فرمودند:
شما در باره آن چه می گوئید؟
عرض کردم: ما می گوئیم: ثواب آن معادل ثواب حج و عمره است.
حضرت فرمودند:
ثواب آن معادل عمره مقبول می باشد.

متن:

۶- حدَّثني علي بن الحسين، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن احمد بن أشيم، عن صفوان بن يحيى «قال: سألت الرضا عليه السلام عن زيارة قبر الحسين عليه السلام أي شيء فيه من الفضل؟ قال: تعدل عمرة».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن محمد بن عیسی، از علی بن احمد بن اشیم، از صفوان بن یحیی، وی می گوید:
از حضرت رضا علیه السلام راجع به زیارت قبر امام حسین علیه السلام پرسیده و عرضه داشتیم:
چه ثوابی در آن می باشد؟
حضرت فرمودند:
ثواب آن معادل با یک عمره می باشد.

متن:

۷- حدَّثني أبي - رحمه الله - و محمد بن عبدالله جميعاً، عن عبدالله بن جعفر الحميري، عن إبراهيم بن مهزيار، عن أخيه علي بن مهزيار، عن محمد بن سنان «قال: سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول: إن زيارة قبر الحسين عليه السلام تعدل عمرة مبرورة متقبلة».

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن عبدالله جميعاً، از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی بن مهزیار، از محمد بن سنان وی گفت:

از حضرت ابا الحسن علیه السلام شنیدم که می فرمود:
زیارت قبر امام حسین علیه السلام معادل عمره قبول شده می باشد.

متن:

۸ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى،
عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَيَّ شَيْءٍ فِيهِ مِنَ
الْفَضْلِ؟ قَالَ: تَعْدِلُ عُمْرَةً».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از صفوان بن یحیی، از حضرت ابی
الحسن علیه السلام وی گفت:
راجع به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام از آن جناب سؤال کرده
و پرسیدم:

ثواب آن چه مقدار می باشد؟
حضرت فرمودند:
ثواب آن معادل یک عمره می باشد.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي جَمَاعَةُ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ؛ وَ مُحَمَّدَ بْنَ يَحْيَى
الْعَطَّارِ، عَنْ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - عَنْ بَعْضِهِمْ علیه السلام «قَالَ:
أَرْبَعُ عُمَرٍ تَعْدِلُ حَجَّةً، وَ زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام تَعْدِلُ عُمْرَةً».

ترجمه:

﴿ حدیث نهم ﴾

جماعتی از اصحاب ما، از احمد بن ادريس و محمد بن يحيى عطار، از عمرکی ابن علی، از برخی اصحابش، از بعضی از ائمه علیهم السلام که فرمودند: چهار تا عمره معادل یک حج است و زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین معادل یک عمره می باشد.

متن:

۱۰ - و بهذا الإسناد، عن العمرکی البوفکی - عن حدّثه - عن محمد بن الفضیض، عن ابن رثاب «قل: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن زیارة قبر الحسين علیه السلام، قال: نعم تعدل عمرة، ولا ينبغي أن يتخلف عنه أكثر من أربع سنين».



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

ترجمه:

﴿ حدیث دهم ﴾

و با همین اسناد، از عمرکی بوفکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از محمد بن فیض، از ابن رثاب، وی گفت از حضرت ابا عبد الله علیه السلام راجع به زیارت قبر مطهر امام حسین علیه السلام پرسیدم؟ حضرت فرمودند:

بلی، زیارت آن جناب معادل یک عمره است و شایسته و سزاوار نیست که بیشتر از چهار سال از آن تخلف شود.

﴿ الباب الرابع و الستون ﴾

﴿ إن زیارة قبر الحسین علیه السلام تعدل حجة ﴾

متن:

۱- حدَّثنی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن أبیه، عن الحسن بن محبوب، عن جمیل بن درّاج، عن فضیل بن یسار، عن أبی جعفر علیه السلام «قال: زیارة قبر الحسین علیه السلام، و زیارة قبر رسول الله صلی الله علیه و آله، و زیارة قبور الشهداء تعدل حجة مبرورة مع رسول الله صلی الله علیه و آله».

﴿ باب شصت و چهارم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک حج می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از جمیل ابن درّاج، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، آن حضرت فرمودند: زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام و قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبور شهداء معادل یک حج قبول شده است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بجا آورده شده باشد.

متن:

۲- حدَّثنی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن سنان «قال: سمعت أبا الحسن الرضا علیه السلام يقول: من أتى قبر الحسین علیه السلام كتب الله له حجة مبرورة».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، وی می گوید:
از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رود خداوند یک حج قبول شده
برایش می نویسد.

متن:

۳- حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علي بن
عبدالله بن المغيرة، عن عباس بن عامر قال: أخبرني عبدالله بن عبيد
الأنباري «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: جعلت فداك إنه ليس كل سنة يتهيأ
لي ما أخرج به إلى الحج؟ فقال: إذا أردت الحج ولم يتهيأ لك فأت قبر
الحسين عليه السلام فإنها تكتب لك حجة، وإذا أردت العمرة ولم يتهيأ لك
فأت قبر الحسين عليه السلام فإنها تكتب لك عمرة»؟

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از
عباس بن عامر، وی می گوید:
عبدالله بن عبيد انباري به من خبر داد و گفت:
محضر مبارک حضرت ابي عبدالله عليه السلام عرضه داشتم: فدایت شوم هر سال آمادگی
ندارم برای رفتن به حج چه باید کرد؟
حضرت فرمودند:

هرگاه اراده حج نموده ولی آمادگی برای آن را نداشتی به زیارت قبر حضرت
حسین بن علی علیه السلام برو زیرا برای تو یک حج منظور می شود و هر وقت اراده

عمره نمودی و برای انجام آن مهیا نبودی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برو زیرا ثواب یک عمره برایت می نویسند.

متن:

۴ - و حدثني محمد بن الحسن - رحمه الله - عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن الحكم، عن عبد الكريم بن حسان «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما يقال إنَّ زيارة قبر الحسين عليه السلام تعدل حجة و عمرة، قال: فقال: إنما الحجّ و العمرة ههنا و لو أنَّ رجلاً أراد الحجّ و لم يتهيأ له فأتاه كتب الله له حجة، و لو أنَّ رجلاً أراد العمرة و لم يتهيأ له فأتاه كتبت له عمرة».

حدیث چهارم

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عيسى، از پدرش، از ابن ابی عمیر، از هشام بن الحكم، از عبدالكريم بن حسان، وی می گوید:

محضر امام علیه السلام عرض کردم:

این گفتار چیست که می گویند: زیارت قبر امام حسین علیه السلام معادل یک حج و عمره است؟

حضرت فرمودند:

معادل بودن زیارت آن حضرت با حج و عمره تنها در وقتی است که شخص اراده حج کند ولی آمادگی برای آنرا نداشته ولی به زیارت آن جناب بشتابد در اینجا حق تعالی ثواب یک حج برای او می نویسد چنانچه اگر اراده عمره نمود ولی برایش میسر نبود ولی به زیارت امام علیه السلام رفت در اینجا نیز ثواب یک عمره برایش منظور می گردد.

متن:

۵- و عنه، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي بن فضال، عن حريز، عن فضيل بن يسار «قال: قال الله ﷻ: إن زيارة قبر رسول الله ﷺ وزيارة قبور الشهداء وزيارة قبر الحسين ﷺ تعدل حجة مع رسول الله ﷺ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

و از محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن صفار، از احمد بن محمد بن عيسى، از حسن بن علي بن فضال، از حريز، از فضيل بن يسار، وی گفت:
امام ﷻ فرمودند:

زیارت قبر رسول خدا ﷺ و قبور شهداء و قبر حضرت امام حسین ﷻ معادل حجی است که با پیغمبر خدا ﷺ بجا آورده شود.

متن:

حدَّثني محمد بن جعفر بن الحسين، عن صفوان بن يحيى، عن حريز، عن الفضيل بن يسار، عن أبي عبد الله ﷻ مثله.

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسين، از صفوان بن يحيى، از حريز، از فضيل بن يسار، از حضرت ابی عبد الله ﷻ حدیثی مثل حدیث مذکور را نقل کرده است.

متن:

۶- حدَّثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن جميل بن صالح، عن فضيل بن يسار، عن أبي جعفر ﷻ

«قال: زیارة قبر الحسین علیه السلام تعدل حجة مبرورة مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از جمیل ابن صالح، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، حضرت فرمودند: زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام معادل حج مقبولی است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بجا آورده شود.

متن:

۷- حدّثنی محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، عن أبیه، عن علی بن مهزیار، عن الحسن بن سعید، عن صفوان بن یحیی، عن حریر؛ و الحسن بن محبوب، عن جمیل بن صالح، عن فضیل بن یسار، عنهما علیهما السلام «قالا: زیارة قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و زیارة قبور الشهداء و زیارة قبر الحسین علیه السلام تعدل حجة مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی، از حریر و حسن بن محبوب، از جمیل بن صالح، از فضیل بن یسار، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام این دو امام بزرگوار فرمودند: زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و قبور شهداء و قبر حسین بن علی علیهما السلام معادل حجی است که با پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بجا آورده شود.

متن:

۸- حدَّثني مُحَمَّد بن الحسن، عن مُحَمَّد بن الحسن الصفَّار، عن مُحَمَّد ابن عيسى بن عبيد، عن أبي سعيد القمَّاط، عن ابن أبي يعفور «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: لو أنَّ رجلاً أراد الحجَّ ولم يتهيَّأ له ذلك فأُتي قبر الحسين عليه السلام فعَرَف عنده يجرُّه ذلك عن الحجَّ».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن عیسی بن عبید، از ابی سعید قمط، از ابن ابی یعفور، وی گفت:
از حضرت ابا عبد الله عليه السلام شنیدم که می فرمودند:
اگر شخصی اراده حج کند ولی اعاده نباشد و در این حال به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام برود پس در روز عرفه نزد حضرت بوده و آن جناب را زیارت کند این عمل مجزی از حج می باشد یعنی ثواب حج را دریافت نموده بدون اینکه عمل حج انجام داده باشد.

متن:

۹- حدَّثني مُحَمَّد بن جعفر، عن مُحَمَّد بن الحسين، عن مُحَمَّد بن سنان، عن ابراهيم بن عتبة «قال: كتبت إلى العبد الصالح عليه السلام إن رأی سیدنا أن یخبرني بأفضل ما جاء به فی زیارة الحسين عليه السلام و هل تعدل ثواب الحج لمن فاتته، فكتب عليه السلام: تعدل الحج لمن فاتته الحج».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، از ابراهیم بن عقیبة، وی گفت:

نامه‌ای محضر مبارک عبد صالح علیه السلام نوشته و در آن عرض کردم: اگر آقا و سرور ما مصلحت دیدند به ما خبر دهند از افضل و برترین ثوابی که در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام وارد شده است و آیا ثواب آن معادل ثواب حج هست از کسی که نتوانسته عمل حج را بجا آورد؟

امام علیه السلام در جوابش مرقوم فرمودند:

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام معادل ثواب حج است برای کسی که حج از دستش رفته است.



﴿ الباب الخامس و الستون ﴾

﴿ في أن زيارة الحسين علیه السلام تعدل حجة و عمرة ﴾

متن:

۱ - حدَّثني جعفر بن محمد بن إبراهيم بن عبيد الله بن موسى بن جعفر، عن عبد الله بن أحمد بن نهيك، عن محمد بن أبي عمير، عن الحسن الأحسي، عن أم سعيد الأحسية «قالت: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن زيارة قبر الحسين علیه السلام، فقال: تعدل حجة و عمرة، و من الخير هكذا و هكذا - و اوماً بيده -».

﴿ باب شصت و پنجم ﴾

﴿ در بیان اینکه زیارت حضرت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ معادل یک حج و یک عمره می باشند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد ابراهیم بن عیدالله بن موسی بن جعفر، از عبدالله بن احمد بن نهیک، از محمد بن ابی عمیر، از حسن احمسی، از امّ سعید احمسیّه، وی گفت: از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرده و از زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

زیارت آن حضرت معادل با یک حج و یک عمره می باشد و از اعمال خیر و پستدیده معادل و مساوی با چنان و چنان است. سپس با دست اشاره به عدد آن اعمال خیر فرمودند.

متن:

۲- و عنه، عن عبدالله بن نهيك، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن الحكم، عن عبدالكريم بن حسان «قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما يقال: إنَّ زيارة قبر أبي عبدالله الحسين عليه السلام تعدل حجة و عمرة فقال: إنما الحجّ و العمرة ههنا و لو أنَّ رجلاً أراد الحجّ و لم يتهيأ له فأتاه كتب الله له جنة، و لو أنَّ رجلاً أراد العمرة و لم يتهيأ له فأتاه كتب الله له عمرة».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و از جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبید الله بن موسی بن جعفر، از عبدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از هشام بن حکم، از عبدالکریم بن حسان، وی گفت: محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: این کلام چیست که می گویند: زیارت قبر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام معادل یک حج و عمره می باشد؟ حضرت فرمودند:

معادل بودن با حج و عمره تنها در اینجا اینست که شخص اراده حج نموده و برایش میسر نباشد پس بجای آن به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام برود که در این فرض خداوند متعال ثواب یک حج برایش می نویسد و نیز اگر شخص بخواهد عمره رود ولی برایش میسر نباشد پس بجای آن به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود حق تعالی ثواب یک عمره برایش ضبط می کند.

مرکز تحقیقات اسلامی قم

متن:

حدَّثني أبي - رحمه الله - و محمد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد، عن اسحاق بن إبراهيم، عن هارون بن خارجه «قال: سألت رجلاً أبا عبدالله عليه السلام - و أنا عنده - فقال: زار قبر الحسين عليه السلام فقال إنَّ الحسين وَّكَّلَ الله به أربعة آلاف ملك شعناً غبراً يبكونه إلى يوم القيامة فقلت له: بأبي أنت و أمي روى عن أبيك الحجَّ و العمرة، قال: نعم؛ حجة و عمرة - حتى عدَّ عشرة -».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن الحسن، از حسین بن حسن بن أبان، از حسین

ابن سعید، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، وی گفت:

مردی از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرد و من نیز آنجا حاضر بودم، سائل پرسید:

چه اجر و ثوابی است برای کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند؟
حضرت فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشته را به آن حضرت موکل کرده که حملگی زولیده و غبارآلود بوده و تا روز قیامت برای آن حضرت گریه می کنند.

عرض کردم: پدر و مادرم فدایت شوند، از پدر بزرگوارتان نقل شده که فرموده اند:

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام معادل حج و عمره است؟
حضرت فرمودند:

بلی، حج و عمره بعد تعداد حج و عمره را شمرده تا به ده حج و عمره رسید.

متن:

۴- حدیثی أبي - رحمه الله - و علی بن الحسین، عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد عن الحسن بن علی الوشاء، عن احمد بن عائذ، عن أبي خديجة «عن رجل سأل أبا جعفر علیه السلام عن زیارة قبر الحسین علیه السلام فقال انهم [ا] تعدل حجة و عمرة، و قال بيده هكذا من الخیر يقول بجميع يديه هكذا -».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از

حسن بن علی و شاء، از احمد بن عائذ، از ابی خدیجه، از شخصی که از حضرت ابا جعفر علیه السلام راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام سؤال کرده بود: امام علیه السلام فرمودند:

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک حج و عمره است و با دست اشاره کردند که معادل این مقدار از اعمال خیر است (تمام انگشتان دو دست را نشان دادند).

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سَلِيمَانَ النِّسَابُورِيِّ أَبِي سَعِيدٍ «قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيُّ، عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام» قَالَ: زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام حَجَّةٌ، وَمَنْ بَعْدَ الْحَجَّةِ حَجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ - مَنْ بَعْدَ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ - .

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از محمد بن يحيى، از حمدان بن سليمان نیشابوری (ابو سعید) وی گفت: عبدالله بن محمد یمانی، از منیع بن حججاج، از یونس، از هشام بن سالم، از حضرت ابی عبدالله نقل کرد: حضرت فرمودند: زیارت قبر امام حسین علیه السلام یک حج بوده و بعد از یک حج یعنی بعد از حجة الاسلام) یک حج و یک عمره می باشد.

متن:

۶- و باسناده عن یونس، عن الرضا علیه السلام «قال: من زار قبر الحسين علیه السلام فقد حجّ و اعتمر، قال: قلت: يطرح عنه حجة الإسلام؟ قال: لا هي حجة الضعیف حتّى يقوى و يحجّ إلى بیت الله الحرام، أما علمت أنّ البیت يطوف به كل يوم سبعون ألف ملك حتّى إذا أدركهم اللیل سعدوا، و نزل غیرهم فطافوا بالبیت حتّى الصّباح، و أنّ الحسين علیه السلام لأكرم على الله من البیت و أنّه فی وقت كلّ صلواة لينزل علیه سبعون ألف ملك شعث غبر، لا تقع علیهم التوبة إلى يوم القيامة».



حدیث ششم

ترجمه:

و باسناد ابو سعید، از یونس، از حضرت رضا علیه السلام، حضرت فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت بکند پس یک حجّ و یک عمره به جا آورده.

راوی می گوید: عرض کردم یعنی حجة الإسلام از او دیگر ساقط است؟ حضرت فرمودند: خیر مقصود این است که این زیارت حجّ افراد ضعیف محسوب شده تا قوی گردند و به بیت الله الحرام بروند، آیا نمی دانی که هر روز هفتاد هزار فرشته بیت الله را طواف کرده تا شب فرا برسد و پس از آمدن شب به آسمان رفته و فرشتگان دیگر نازل شده و تا صبح بیت را طواف می کنند و اما حضرت امام حسین علیه السلام نزد خدا عزیزتر از بیت بوده و در هر وقت نماز هفتاد هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبارآلود و گرفته هستند نازل شده و قبر مطهر را طواف می کنند و تا روز قیامت به ایشان دیگر نوبت نمی رسد.

متن:

۷- حدّثنی أبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد؛ و محمد بن عبدالحمید، عن یونس بن یعقوب، عن أمّ سعید الأحمسیّة «قالت: قلت لأبی عبدالله علیه السلام: أتى شیء تذكّر فی زیارة قبر الحسین علیه السلام من الفضل؟ قال: نذكر فيه يا أمّ سعید فضل حجّة و عمره، و خیرها کذا - و بسط یدیه و نکس أصابعه -».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد و محمد بن عبدالحمید، از یونس بن یعقوب، از امّ سعید احمسیّه وی گفت: محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه فضیلتی را در زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام ذکر می فرمایید؟ حضرت فرمود:

ای امّ سعید فضیلت یک حجّ و عمره را در آن ذکر می کنیم و بهتر از آن چنین است و همزمان با گفتن این عبارت اخیر دو دستشان را باز کرده و انگشتانشان را برگردانند به طوری که کف دست به طرف روی مبارک و روی دست به طرف مخاطب واقع شد.

متن:

۸- حدّثنی محمد بن احمد بن الولید، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحسین بن سعید، عن القاسم بن محمد، عن حبیب، عن فضیل بن یسار «قال: سمعت أبا عبدالله علیه السلام يقول وکّل

الله بقبر الحسين ﷺ أربعة آلاف ملك شعناً غبراً يبكونه إلى يوم القيامة، وإتيانه يعدل حجة و عمرة و قبور الشهداء».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسين صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد، از حبیب، از فضیل بن یسار، وی می گوید:

از حضرت اباعبدالله ﷺ، شنیدم که می فرمود:

خداوند متعال چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبارآلود و گرفته هستند را بر قبر حضرت امام حسین ﷺ موکل قرار داد و ایشان تا روز قیامت بر آن حضرت گریه می کنند و زیارت آن حضرت معادل یک حج و یک عمره بوده و زیارت قبور شهداء (مقصود شهداء احد می باشد) نیز همین فضیلت را دارد.

متن:

۹- حدثني أبي - رحمه الله - و جماعة مشايخي عن سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علي الكوفي عن العباس بن عامر، عن أبان، عن الحسين بن عطية أبي الناب، عن يثاع السابري «قال: سمعت أبا عبد الله ﷺ و هو يقول من أتى قبر الحسين ﷺ كتب الله له حجة و عمرة، أو عمرة و حجة و - ذكر الحديث -».

ترجمه:

﴿ حدیث نهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از حسن ابن علی کوفی، از عباس بن عامر، از ابان، از حسین بن عطیة «ابی الناب» یثاع

السابری، وی گفت:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رود خداوند یک حج و عمره یا عمره و یک حج برایش می نویسد.

متن:

۱۰ - و یاسناده، عن العباس بن عامر، عن أبان بن عثمان قال: حدّثني أبو خلّان الكندي، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: من أتى قبر الحسين علیه السلام كتب الله له حجة و عمرة».



ترجمه:

و سعد بن عبدالله به اسنادش، از عباس بن عامر، از ابان بن عثمان وی می گوید: ابوخلّان کندی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت حسین علیه السلام رود خداوند یک حج و عمره برایش می نویسد.

متن:

۱۱ - و حدّثني محمّد بن الحسن بن علی، عن أبيه، عن جدّه علی بن مهزیار، عن أبي القاسم، عن القاسم بن محمّد، عن إسحاق بن إبراهيم، عن هارون بن خارجة «قال: سأل رجل أبا عبدالله علیه السلام - في حديث له طويل يقول في آخره: - بأبي أنت و أمي رووا عن أبيك في الحج؟ قال: نعم حجة و عمرة - حتى عدّ عشرة -».

ترجمه:

﴿ حدیث یازدهم ﴾

محمد بن الحسن بن علی، از پدرش، از جدش علی بن مهزیار، از ابی القاسم، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، وی گفت:
مردی در ضمن حدیث طولانی از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرد و در آخر آن محضر مبارک آن جناب عرضه داشت: پدر و مادرم فدایت شوند راویان از پدر بزرگوارتان روایت کرده اند که ثواب زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام معادل یک حج است آیا این مضمون صحیح می باشد؟
حضرت فرمودند:

بلی، بلکه یک حج و عمره و دو حج و دو عمره ... و همین طور بالا رفتند تا ده حج را ذکر نمودند.



متن:

۱۲ - حدیثی ابی و جماعة مشایخ - رحمهم الله - عن محمد بن یحیی العطّار، عن العمرکی - عن حدیثه - عن محمد بن الحسن، عن محمد بن فضیل، عن محمد بن مصادف قال: حدیثی مالک الجهنی، عن ابی جعفر علیه السلام فی زیارة قبر الحسین علیه السلام «قال: من أتاه زائراً له عارفاً بحقه كتب الله له حجة، و لم یزل محفوظاً حتی یرجع، قال: فمات مالک فی تلك السنة و حجت فدخلت علی ابی عبدالله علیه السلام فقلت: إن مالک حدیثی بحديث عن ابی جعفر علیه السلام، فی زیارة قبر الحسین علیه السلام، قال: هاته، فحدیثته فلما فرغت، قال: نعم یا محمد حجة و عمره».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمة الله علیهم، از محمد بن یحیی عطار، از عمرکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از محمد بن الحسن، از محمد بن فضیل، از محمد بن مصادف، وی می گوید:

مالک جهنی از حضرت ابی جعفر برایم نقل کرد که آن حضرت راجع به زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رود در حالیکه عارف و آگاه به حق آن جناب باشد خداوند یک حج برای او می نویسد و پیوسته محفوظ و برقرار هست تا به اهلش مراجعت کند.

راوی می گوید: مالک در همان سال فوت کرد و من به حج رفته و بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام وارد شدم و محضر مبارکش عرض کردم:

مالک حدیثی را از حضرت ابی جعفر علیه السلام راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برایم نقل نمود.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

حدیث را بیان کن.

پس حدیث را نقل کرده و هنگامی که فارغ شدم، حضرت فرمودند:

بلی ثواب زیارت آن حضرت معادل یک حج و عمره می باشد.

متن:

۱۳ - و حَدَّثَنِي أَبِي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن محمد بن يحيى العطار؛ و احمد بن إدريس، عن العمركي - عمن حدّثه - عن حماد بن عيسى، عن الحسين بن المختار «قال: سألت أبا عبدالله علیه السلام عن زيارة قبر الحسين علیه السلام، فقال: فيها حجة و عمرة».

ترجمه:

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی، از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی العطّار؛
و احمد بن ادريس، از عمرکی، از کسی که برای او حدیث گفته، از حماد بن
عیسی، از حسین بن مختار، وی می گوید:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام سؤال
کردم؟

حضرت فرمودند:

اجر این زیارت به مقدار ثواب یک حج و عمره می باشد.

متن:

۱۴ - و حدّثنی ابي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علی
الزیتونی، عن هارون بن مسلم، عن عیسی بن راشد «قال: سألت أبا
عبدالله علیه السلام فقلت: جعلت فداك ما لمن زار قبر الحسين علیه السلام و صَلَّى عنده
ركعتين؟ قال: كتبت له حجة و عمرة قال: قلت له: جعلت فداك و كذلك
كلّ من أتى قبر إمام مفترض طاعته؟ قال: و كذلك كلّ من أتى قبر إمام
مفترض طاعته».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

و پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی زیتونی، از هارون بن
مسلم، از عیسی بن راشد وی می گوید:

از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرده و محضر مبارکش عرضه داشتیم:

فدايت شوم: کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و دو رکعت نماز آنجا
بنخواند ثواب آن چیست؟

حضرت در جواب فرمودند:

برای او یک حج و عمره نوشته می شود.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم و همچنین است ثواب

هر کسی که به زیارت قبر امام مفترض الطاعة برود؟

حضرت فرمودند:

و همین طور است هر کسی که به زیارت قبر امامی که طاعتش فرض و واجب

است رود.

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْقُرَشِيِّ الْكُوفِيُّ الرَّزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقِبَةَ، عَنْ يَزِيدَ ابْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ «قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَرَقَّ قَوْمٌ عَلَى حِمْرٍ، فَقَالَ: أَيْنَ يَرِيدُونَ هَؤُلَاءِ؟ قُلْتُ: قُبُورُ الشَّهَدَاءِ، قَالَ: فَمَا يَمْنَعُهُمْ مِنْ زِيَارَةِ الشَّهِيدِ الْغَرِيبِ؟» قَالَ: فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ: زِيَارَتُهُ وَاجِبَةٌ؟ قَالَ: زِيَارَتُهُ خَيْرٌ مِنْ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ - حَتَّىٰ عِدَّةَ عَشْرِينَ حَجَّةَ عُمْرَةٍ -، ثُمَّ قَالَ: مَبْرُورَاتٌ مُتَقَبَّلَاتٌ، قَالَ: فَوَاللَّهِ مَا قُتْتُ مِنْ عِنْدِهِ حَتَّىٰ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: إِنِّي قَدْ حَجَجْتُ تِسْعَةَ عَشَرَ حَجَّةً، فَادْعَ اللَّهَ لِي أَنْ يَرْزُقَنِي تَمَامَ الْعَشْرِينَ، قَالَ: فَهَلْ زُرْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قَالَ: لَا، قَالَ: إِنَّ زِيَارَتَهُ خَيْرٌ مِنْ عَشْرِينَ حَجَّةً.»

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی کوفی رزاز، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل ابن بزیع، از صالح بن عقبه، از یزید بن عبدالمک و ی می گوید:

در محضر مبارك حضرت ابی عبدالله علیه السلام بودم در این هنگام گروهی که بر درازگوش ها سوار بودند عبور کردند، حضرت فرمودند:
ایشان اراده کجا دارند؟
عرض کردم: زیارت قبور شهداء.
فرمودند:

چه چیز ایشان را بازداشت از زیارت شهید غریب؟!
راوی می گوید: شخصی از اهل عراق به آن حضرت عرض کرد:
آیا زیارت او واجب است؟
حضرت فرمودند:

زیارت آن جناب بهتر از یک حج و یک عمره، از دو حج و دو عمره و پیوسته بر آن می افزودند تا فرمودند: بهتر از بیست حج و بیست عمره می باشد و سپس افزودند:

از بیست حج و عمره مقبول و پذیرفته شده بهتر است.

راوی می گوید: به خدا سوگند از محضر مبارکش برنخاستم تا اینکه شخصی خدمتش مشرف شد و به آن حضرت عرض کرد: من نوزده حج به جا آورده ام تقاضا دارم از خدا بخواهید که یک حج دیگر روزی من کرده تا بیست حج برایم کامل باشد.

حضرت به وی فرمودند:

آیا قبر حضرت حسین علیه السلام را زیارت کرده ای؟
عرض کرد: خیر.
حضرت فرمود:

زیارت آن حضرت از بیست حج بهتر است.

﴿ الباب السادس و الستون ﴾
 ﴿ إن زیارة الحسین علیه السلام تعدل حججاً ﴾

متن:

۱ - حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن سنان، عن الحسین بن مختار، عن زید الشّحام، عن اَبی عبدالله علیه السلام «قال: زیارة الحسین علیه السلام تعدل عشرين حجة، و افضل من عشرين حجة».

و حدّثنی محمد بن یعقوب، عن عدّة من أصحابه، عن احمد بن محمد باسناده مثله.



﴿ باب ثلث و ششم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل چند حج می باشد ﴾

﴿ حدیث اوّل ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد ابن سنان، از حسین بن مختار، از زید شحام، از حضرت اَبی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

زیارت امام حسین علیه السلام:

معادل بیست حج بلکه برتر از بیست حج می باشد.

و محمد بن یعقوب، از عده ای اصحاب، از احمد بن محمد به اسنادش مثل همین حدیث را نقل نموده.

متن:

۲ - حدَّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد ابن محمد بن عيسى، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة، عن أبي سعيد المدائني «قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فقلت: جعلت فداك آتى قبر الحسين عليه السلام؟ قل: نعم يا أبا سعيد أنت قبر الحسين ابن رسول الله صلى الله عليه وآله أطيب الأطيبين، وأطهر الطاهرين، وأبرّ الأبرار، فإنك إذا ذرته كتب الله لك به خمسة وعشرين حجة».

حدَّثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن اسماعيل بإسناده مثله.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن اسماعيل بن بزيع، از صالح بن عقبة، از سعيد مدائني، وی گفت: بر حضرت ابی عبد الله عليه السلام داخل شده عرض کردم: فدایت شوم به زیارت قبر حسین عليه السلام بروم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای ابا سعید به زیارت قبر حضرت حسین بن علی عليه السلام که فرزند رسول خدا صلى الله عليه وآله و پاکیزه ترین پاکان و نیکوکارترین نیکوکاران است برو زیرا وقتی آن حضرت را زیارت کردی خداوند متعال ثواب بیست و پنج حجّ برای تو می نویسد.

محمد بن يعقوب، از محمد بن يحيى، از محمد بن الحسين بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعيل بإسناده مثل همین خبر را نقل نموده.

متن:

۳- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ، عَنْ شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ - أَوْ عَنْ رَجُلٍ - عَنْ شَهَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ سَأَلَنِي فَقَالَ: يَا شَهَابُ كَمْ حَجَجْتَ مِنْ حَجَّةٍ؟ فَقُلْتُ: تِسْعَةَ عَشَرَ حَجَّةً، فَقَالَ لِي: تَمَّهَا عَشْرِينَ حَجَّةً، تَحْسِبُ لَكَ بَزِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام».

﴿ حدیث سَوِّم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از احمد بن نصر، از شهاب بن عبد ربّه یا از مردی، از شهاب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، شهاب می گوید: امام علیه السلام از من سؤال نموده و فرمودند:



ای شهاب چند بار به حج رفته ای؟

عرض کردم: نوزده مرتبه.

فرمودند:

آن را به بیست مرتبه متمیم و تکمیل نما تا برایت آن ها را معادل یک زیارت حضرت امام حسین علیه السلام حساب کنند.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ ابْنِ سَنَانٍ، عَنْ حَذِيفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَمْ حَجَجْتَ؟ قُلْتُ: تِسْعَةَ عَشَرَ، قَالَ: فَقَالَ: أَمَا إِنَّكَ لَوْ أَتَمَمْتَ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ حَجَّةً لَكُنْتَ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنِ عليه السلام».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

ابوالعباس می گوید:

محمد بن الحسین، از ابن سنان، از حذیفه بن منصور نقل کرده، وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

چند مرتبه به حج رفته‌ای؟

عرض کردم: نوزده بار.

فرمودند:

بدان اگر آنرا به بیست و یک بار برسانی مانند کسی هستی که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را نموده است.



متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدْقَةَ، عَنْ صَالِحِ النَّيْلِيِّ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ كَمَنْ حَجَّ مِائَةَ حَجَّةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن سنان، از محمد بن صدقه، از صالح نیلی، وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود در حالی که به حق آن حضرت آگاه و مطلع باشد مثل کسی است که صد مرتبه با رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم حج بجا آورده باشد.

متن:

۶- و عنه، عن سعد، عن محمد بن الحسن، عن محمد بن صدقة، عن مالك بن عطية، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: من زار الحسين عليه السلام كتب الله له ثمانين حجة مبرورة».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

از پدرم، از سعد، از محمد بن الحسن، از محمد بن صدقه، از مالك بن عطية، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام حضرت فرمودند: کسی که حضرت امام حسین عليه السلام را زیارت کند خداوند متعال برایش هشتاد حج مقبول منظور می دارد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۷- حدَّثني أبو العباس الكوفي، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن الخيري، عن موسى بن القاسم الحضرمي قال: قدم أبو عبدالله عليه السلام في أول ولاية أبي جعفر فزل النجف، فقال: يا موسى اذهب إلى الطريق الأعظم فقف على الطريق فانظر فإنه سيأتيك رجل من ناحية القادسية، فإذا دنا منك فقل له ههنا رجل من ولد رسول الله يدعوك، فسيجيء معك، قال: فذهبت حتى قمت على الطريق على الطريق والحر شديد، فلم أزل قائماً حتى كدت أعصى وأنصرف وأدعه، إذ نظرت إلى شيء يقبل شبه رجل على بعير فلم أزل أنظر إليه حتى دنا مني فقلت: يا هذا ههنا رجل من ولد رسول الله عليه السلام يدعوك وقد وصفك لي، قال: اذهب بنا إليه، قال: فجلت به حتى أناخ بعيره ناحية قريباً من الخيعة، فدعا به

فدخل الأعرابي إليه و دنوت أنا فصرت إلى باب الخيمة أسمع الكلام ولا أراهم، فقال أبو عبد الله عليه السلام: من أين قدمت؟ قال: من أقصى اليمن، قال: أنت من موضع كذا و كذا؟ قال: نعم أنا من موضع كذا و كذا، قال: فيها جثت ههنا؟ قال: جثت زائراً للحسين عليه السلام، فقال أبو عبد الله عليه السلام: فجئت من غير حاجة ليس إلا للزيارة؟ قال: جئت من غير حاجة إلا أن أصلي عنده و أزوره فأسلم عليه و أرجع إلى أهلي، فقال أبو عبد الله عليه السلام: و ما ترون في زيارته؟ قال: نرى في زيارته البركة في أنفسنا و أهالينا و أولادنا و أموالنا و معاشنا و قضاء حوائجنا، قال: فقال أبو عبد الله عليه السلام: أفلا أزيدك من فضله فضلاً يا أخا اليماني؟ قال: زدني يا ابن رسول الله، قال: إن زيارة الحسين عليه السلام تعدل حجة مقبولة زاكية مع رسول الله، فتعجب من ذلك، قال: إي والله و حجّتين مبرورتين متقبلتين من زاكيتين مع رسول الله عليه السلام، فتعجب! فلم يزل أبو عبد الله عليه السلام يزيد حتى قال ثلاثين حجة مبرورة متقبلة زاكية مع رسول الله عليه السلام.

﴿ حديث هفتم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس كوفی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از خیبری، از موسی بن قاسم حضرمی وی می گوید:

حضرت ابو عبد الله عليه السلام در ابتداء حکومت ابوجعفر عباسی (منصور دوانیقی) وارد عراق شده و در نجف نزول اجلال فرمودند، به من فرمودند:

ای موسی، برو کنار جاده بزرگ بایست و منتظر باش که عنقریب مردی از طرف قادسیه خواهد آمد، هرگاه نزدیک تو شد به وی بگو: یکی از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را می خواند، او بزودی با تو خواهد آمد.

موسی می گوید: پس من به طرف جاده مزبور رفته و به آنجا رسیدم و کنار آن ایستاده و هوا بسیار گرم بود، پیوسته در آنجا ایستاده بودم بحدی که نزدیک بود مخالفت کرده و برگشته و ملاقات با او را ترک کنم، در این هنگام چشمم به چیزی خورد که به جلو می آید و شبیه مردی است که روی شتری نشسته، پس چشم به آن درخته تا نزدیک به من شد به او گفتم: ای مرد در اینجا یکی از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، و شما را می خواند ایشان شما را به من معرفی کرده و پیام برایت فرستاده اند.

مرد گفت: با هم به خدمتش برویم.

موسی می گوید: او را بردم تا به نزدیک خیمه رسیدیم، وی شترش را خواباند و درب خیمه آستاد منتظر اذن دخول بوده پس حضرت از درون خیمه او را خواندند، اعرابی داخل خیمه شد و من نیز نزدیک شده تا درب خیمه رسیده و سخن ایشان را می شنیدم ولی آنها را نمی دیدم.

حضرت ابو عبدالله علیه السلام به وی فرمودند: از کجا آمدی؟

او گفت: از دورترین نواحی یمن.

حضرت فرمودند: تو از فلان و فلان مکان هستی؟

او عرض کرد: بلی من از فلان موضع می باشم.

حضرت فرمودند: برای چه به این صوب آمدی؟

عرض کرد: به قصد زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام آمدم.

حضرت فرمودند:

تنها برای زیارت آمده و هیچ حاجت دیگری نداشتی؟

عرض کرد: هیچ حاجتی نداشتم مگر آنکه به سر قبر مطهر آن حضرت رفته

و نماز آنجا خوانده و جنابش را زیارت کرده و سپس از حضرتش خدا حافظی

کرده و به اهل و خویشانم برگردم.

حضرت فرمودند: در زیارت آن حضرت چه می بینید؟

عرض کرد: در زیارتش برکت در عمر خود و اهل و اولاد و اموال و معایشمان بوده و حوائج و خواسته‌هایمان بر آورده شده و برطرف می‌گردد.

موسی می‌گوید: امام علیه السلام به وی فرمودند:

ای برادر یعنی آیا از فضیلت زیارت آن حضرت بیشتر از این برایت نگوییم؟
آن مرد عرض کرد: ای پسر رسول خدا زیادتر بفرمائید:

حضرت فرمودند:

زیارت امام حسین علیه السلام معادل یک حج مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام شود.

آن مرد از این گفتار تعجب کرد.

حضرت فرمودند: آری، به خدا سوگند معادل دو حج مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام شود.

آن مرد هر تعجبش افزوده شد پس بدین ترتیب امام علیه السلام بر تعداد حج‌های مقبول می‌افزودند تا اینکه در آخر فرمودند:

زیارت آن حضرت معادل با سی حج مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام گیرد.

متن:

۸- و حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
ابن عيسى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ
عَبْدِ الْمَلِكِ «قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَرَقُومَ عَلِيٍّ حَمْرًا، [فَقَالَ لِي:
أَيْنَ يَرِيدُ هَؤُلَاءِ؟ قُلْتُ: قُبُورَ الشَّهَدَاءِ، قَالَ: فَمَا يَمْنَعُهُمْ مِنْ زِيَارَةِ
الْغَرِيبِ الشَّهِيدِ؟!! فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ: زِيَارَتُهُ وَاجِبَةٌ فَقَالَ
زِيَارَتُهُ خَيْرٌ مِنْ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ حَجَّةٍ - حَتَّى عَدَّ عَشْرِينَ حَجَّةً

و عشرين عمرة - ثم قال: مبرورات متقبّلات، قال: فوالله ما قت حتى أتاه رجل فقال: إني حججت تسعة عشر حجة فادع الله أن يرزقني تمام العشرين، قال: فهل زرت قبر الحسين عليه السلام؟ قال: لا، قال: لزيارته خير من عشرين حجة».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از یزید بن عبدالملک وی می گوید:
محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام بودم پس گروهی که بر درازگوش ها سوار بودند بر ما گذشتند.

حضرت به من فرمودند: اینها قصد کجا را دارند؟

عرض کردم: به زیارت قبور شهیدان می روند.

فرمودند: چه چیز ایشان را از زیارت غریب شهید باز داشت؟!

مردی از اهل عراق محضر مبارکش عرض کرد: آیا زیارت آن حضرت (امام حسین علیه السلام) واجب است؟

حضرت فرمودند: زیارت آن جناب از یک حج و عمره و یک عمره و یک حج بهتر است سپس حضرت تعداد حج و عمره ها را زیاد کرده تا بیست حج و بیست عمره شمردند و بعد فرمودند:

البتّه تمام آنها مقبول و مبرور باشند.

راوی می گوید:

به خدا سوگند از محضرش مرخص نشده بودم که مردی آمد و حضورش رسید و عرض کرد:

من نوزده حج انجام داده ام، از خداوند بخواهید که یک حج دیگر نصیبم شده

و بدین ترتیب تا عدد بیست کامل گردد.
 حضرت فرمودند: آیا قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کرده‌ای؟
 آن مرد عرض کرد: خیر.
 حضرت فرمودند:
 زیارت آن حضرت از بیست حج بهتر می‌باشد.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ - رَحِمَهُمَا اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ،
 عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمَ بْنِ سَعْدَانَ، عَنْ مُسْعِدَةَ بْنِ صَدْقَةَ «قَالَ:
 قُلْتُ: لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قَالَ: تَكْتُبُ لَهُ حِجَّةٌ
 مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ حِجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم؟
 قَالَ: نَعَمْ وَ حِجَّتَانِ، قَالَ: قُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ حِجَّتَانِ؟ قَالَ: نَعَمْ وَ ثَلَاثَ،
 فَمَا زَالَ يَعِدُّ حَتَّى بَلَغَ عَشْرًا قُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ عَشْرَ حَجَجٍ مَعَ رَسُولِ
 اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم؟ قَالَ: نَعَمْ وَ عَشْرُونَ حِجَّةً، قُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ وَ عَشْرُونَ؟ فَمَا
 زَالَ يَعِدُّ حَتَّى بَلَغَ خَمْسِينَ، فَسَكَتَ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین رحمة الله علیهما، از سعد بن عبدالله، از ابی القاسم
 هارون بن مسلم بن سعدان، از مسعدة بن صدقه، وی می‌گوید:
 محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: برای کسی که قبر حضرت
 امام حسین علیه السلام را زیارت کند چه اجر و ثوابی است؟
 حضرت فرمودند:

ثواب یک حجی که با رسول خدا بجا آورند می باشد.
 راوی می گوید: محضرش عرضه داشتم: فدایت شوم، ثواب یک حج با رسول
 خدا صلی الله علیه و آله؟

حضرت فرمودند: بلی بلکه ثواب دو حج.
 راوی می گوید: عرض کردم: فدایت شوم، ثواب دو حج؟
 امام علیه السلام فرمودند: بلی بلکه ثواب سه حج و پیوسته تعداد حج ها را حضرت اضافه
 می کردند تا به ده حج رسیدند.

عرض کردم: فدایت شوم، ثواب ده حج با رسول خدا صلی الله علیه و آله؟
 امام علیه السلام فرمودند: بلی بلکه ثواب بیست حج.
 عرض کردم: فدایت شوم، ثواب بیست حج؟
 پس پیوسته عدد حج ها را بالا می بردند تا به پنجاه تا رسید و دیگر سکوت اختیار
 فرمودند.

مرکز تحقیقات علمی و فرهنگی مسجد اعظم

متن:

۱۰ - و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ
 الصَّقَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ،
 عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا لِمَنْ
 أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَنَكِفٍ؟ قَالَ:
 يَكْتُبُ لَهُ أَلْفُ حَجَّةٍ وَأَلْفُ عَمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ، وَإِنْ كَانَ شَقِيئًا كُتِبَ سَعِيدًا،
 وَلَمْ يَزَلْ يَخْوَضُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

و مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ، از مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ، از أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى،
 از پدرش، از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَغِيرَةِ، از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ قَدَّاحِ، از حضرت

ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید: محضرش عرض کردم:

برای کسی که به زیارت امام حسین علیه السلام رود در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه بوده و هیچ استکبار و استنکافی از زیارتش نداشته باشد چه اجر و ثوابی می باشد؟

حضرت فرمودند:

برای او ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول می نویسند و اگر شقی بوده سعید محسوبش می کنند و پیوسته در رحمت خدا غوطه ور است.

﴿ الباب السابع والستون ﴾

﴿ إنَّ زيارة الحسين عليه السلام تعدل عتق الرقاب ﴾

مرکز تحقیقات کتب و آثار اسلامی

متن:

۱ - حدَّثني محمد بن جعفر الرزاز الكوفي، عن محمد بن الحسين الرِّيات، عن محمد بن سنان، عن محمد بن صدقة، عن صالح النيلي «قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: من أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه كتب الله له أجر من أعتق ألف نسمة، و كمن حمل على ألف فرس في سبيل الله مسرَّجة ملجمة».

حدَّثني أبي - رحمه الله - و محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب بإسناده مثله.

﴿ باب شصت و هفتم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین معادل با آزاد کردن بندگان می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز کوفی، از محمد بن الحسین زیات، از محمد بن سنان، از محمد بن صدقه، از صالح نبلی، وی می گوید:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت حسین علیه السلام رفته در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد حق تعالی اجر و ثواب کسی که هزار بنده آزاد کرده است را به او داده و وی مانند کسی است که هزار اسب را زین نموده و لجام زده و در راه خدا با آنها جهاد کرده باشد.

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب باسنادهش حدیثی نظیر حدیث گذشته را نقل نموده است.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْقُرَشِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جَعَلْتَ فِدَاكَ أَتَى قَبْرَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، يَا أَبَا سَعِيدٍ إِنَّ قَبْرَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ أَطْيَبُ الطَّيِّبِينَ وَأَطْهَرُ الْأَطْهَرِينَ وَابْرَأُ الْإِبْرَارِ فَإِذَا زَرْتَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ عِتْقَ خَمْسَةِ وَعَشْرِينَ رَقَبَةً».

حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ

احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن
أبی سعید المدائنی قال: قلت: لأبی عبد الله عليه السلام ... و ذکر مثله.

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابو العباس قرشی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه،
از ابوسعید مدائنی، وی می گوید:

محضر حضرت ابو عبدالله عليه السلام عرض کردم: فدایت شوم، آیا به زیارت قبر فرزند
رسول خدا صلی الله علیه و آله بروم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای ابوسعید به زیارت قبر فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله که پاکیزه ترین پاکیزه گان
و نیکوکارترین نیکوکاران هست برو و وقتی آن حضرت را زیارت کردی
خداوند متعال برای تو ثواب آزاد کردن بیست و پنج بنده را می نویسد.

پدرم رحمه الله علیه از عده ای اصحاب، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن
عیسی، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابوسعید مدائنی نقل کرده که
وی گفت:

محضر مبارک امام صادق عليه السلام عرض کردم ... و نظیر همین حدیث را نقل کرده.

﴿ الباب الثامن و التسون ﴾

﴿ ان زوار الحسين عليه السلام مشفعون ﴾

متن:

۱ - حدیثی محمد بن الحسین بن متّ الجوهری، عن محمد بن احمد بن
یحیی بن عمران الأشعری، عن موسی بن عمر، عن علی بن النعمان، عن

عبدالله بن مسکان «قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: إِنَّ الله تبارك و تعالی يتجلى لزوّار قبر الحسين علیه السلام قبل أهل عرفات و يقضي حوائجهم، و يغفر ذنوبهم، و يشفعهم في مسائلهم، ثم یشئ بأهل عرفات فيفعل بهم ذلك».

﴿ باب شصت و هشتم ﴾

﴿ زوّار حضرت امام حسین علیه السلام شفاعت دیگران را می کنند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسین بن متّ جوهری، از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری، از موسی بن عمر، از علی بن نعمان، از عبدالله بن مسکان وی می گوید: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: خداوند تبارک و تعالی برای زوّار قبر حضرت امام حسین علیه السلام قبل از اهل عرفات تجلی کرده و حوائج آنها را برآورده و گناهانشان را آمرزیده و در مسائل و خواسته هایشان شفاعتشان را کرده و سپس توجّه به اهل عرفات نموده و آنچه در حق زوّار امام حسین علیه السلام منظور نمود برای ایشان نیز ملحوظ می دارد.

متن:

۲ - حدّثنی اَبی - رحمه الله - و محمد بن الحسن، و علی بن الحسین جمیعاً، عن سعد بن عبد الله، عن محمد عیسی بن عبید، عن صفوان بن یحیی - عن رجل - عن سيف التمار، عن اَبی عبدالله علیه السلام «قال: سمعته یقول: زائر الحسين علیه السلام مشفع یوم القيامة لمائة رجل کلهم قد وجبت لهم النار ممّن کان فی الدنیا من المسرفین».

ترجمه:

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن و علي بن الحسين جملگی، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عيسى بن عبید، از صفوان بن يحيى، از مردی از سيف ثمار، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، وی گفت:

شنیدم حضرت امام صادق عليه السلام می فرمودند:

زائر امام حسين عليه السلام در روز قیامت صد نفر که همگی اهل دوزخ بوده و در دنیا از مسرفین بودند را شفاعت می کند

متن:

۳- حدَّثني أبي - رحمه الله - و محمد بن الحسن؛ و علي بن الحسين؛ و علي بن محمد بن قولويه جميعاً، عن أحمد بن إدريس؛ و محمد بن يحيى، عن العمركي بن عليّ البوفكي قال: حدَّثنا يحيى - و كان في خدمته أبي جعفر الثاني - عن عليّ، عن صفوان الجمال، عن أبي عبدالله عليه السلام - في حديث له طويل - «قلت فما لمن قتل عنده - يعني عند قبر الحسين عليه السلام - جار عليه السلطان فقتله، قال: أول قطرة من دمه يغفر له بها كل خطيئة، و تغسل طينة التي خلق منها الملائكة حتى يخلص كما خصلت الأنبياء المخلصين، و يذهب عنها ما كان خالطها من أدناس طين أهل الكفر و الفساد، و يغسل قلبه و يشرح و يملأ إيماناً، فيلقى الله و هو مخلص من كل ما تخالطه الأبدان و القلوب، و يكتب له شفاعة في أهل بيته و ألف من إخوانه، و تتولى الصلاة عليه الملائكة مع جبرئيل و ملك الموت، و يؤتي بكفنه و حنوطه من الجنة، و يوسع قبره و يوضع له مصابيح في قبره، و يفتح له باب من من الجنة، و تأتيه الملائكة بطرف من الجنة،

و یرفع بعد ثمانية عشر يوماً إلى خطيرة القدس، فلا يزال فيها مع اولياء الله حتى تصيبه النفخة التي لا تبق شيئا. فإذا كانت النفخة الثانية و خرج من قبره كان أول من يصفحه رسول الله صلی الله علیه و آله و أمير المؤمنين و الأوصياء علیهم السلام و يبشرونه و يقولون له: أَلْزَمْنَا وَ يقيمونه على الحوض، فيشرب منه و يسقى من أحب.

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و محمد بن الحسن و علی بن الحسین و علی بن محمد بن قولویه جملگی، از احمد بن ادریس و محمد بن یحیی، از عمرکی بن علی بوفکی، وی می گوید:

یحیی که در خدمت ابو جعفر ثانی (از خلفاء عباسی) بود، از علی، از صفوان جمال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام در ضمن حدیث طولانی نقل کرده.....

مترجم گوید:

این حدیث بطور تمام و مشروح در باب چهل و چهارم ذیل حدیث شماره (۲) نقل و ترجمه شده لذا از ترجمه مکرر خودداری می نمائیم.

متن:

۴- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ، عَنْ ابْنِ مَسْكَانٍ، عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ مِائَةَ أَلْفٍ لَحْظَةً إِلَى الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ شَاءَ مِنْهُ وَ يَعْذِّبُ مَنْ يَشَاءُ مِنْهُ وَ يَغْفِرُ لَزَائِرِي قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام خَاصَّةً وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِمْ وَ لِمَنْ يَشْفَعُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

کائناً من کان و [إن کان رجلاً قد استوجبه النار، قال:] قلت: و إن کان رجلاً قد استوجبه النار؟ قال: و إن کان ما لم یکن ناصبياً».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

پدرم رحمة الله علیه از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از ابی عبدالله مؤمن از ابن مسکان، از سلیمان بن خالد، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:

از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

خداوند عزوجل در هر روز و هر شب صد هزار بار نظر به سکنه زمین می فرماید و در هر نظر هر کس را که بخواند آمرزیده و هر کس را که بخواند عذاب نموده و زائرین قبر حضرت امام حسین علیه السلام را بالخصوص و نیز اهل بیت ایشان و کسانی را که زائرین در روز قیامت شفاعت آنها را می کنند خواهد آمرزید. ناگفته نماند اشخاص شفاعت شده هر کس و هر شخصی که باشد مشمول آمرزش حق تعالی قرار خواهد گرفت اگر چه کسی بوده که مستوجب آتش دوزخ باشد. راوی می گوید: عرض کردم: اگر چه کسی بوده که مستحق آتش دوزخ باشد؟ حضرت فرمودند:

اگر چه این طور باشد مشروط به اینکه ناصبی محسوب نگردد.

متن:

۵ - حدثني الحسن بن عبدالله بن محمد بن عيسى، عن أبيه عبدالله بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن عبدالله بن وضاح، عن عبدالله بن شعيب التيمي، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: ينادي مناد يوم القيامة أين شيعة آل محمد؟ فيقوم عنق من الناس - لا يحصيهم إلا الله

تعالی - فيقومون ناحية من الناس، ثم ينادي مناد: أين زوّار قبر الحسين علیه السلام؟ فيقوم أناس كثير، فقال لهم: خذوا بيد من أحببتهم؛ انطلقوا بهم إلى الجنة، فيأخذ الرجل من أحب حتى أن الرجل من الناس يقول لرجل: يا فلان أما تعرفني أنا الذي قت لك يوم كذا وكذا، فيدخله الجنة، لا يدفع ولا يمنع».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش از عبدالله بن محمد بن عیسی، از حسن بن محبوب، از عبدالله بن وضّاح، از عبدالله بن شعیب تیعی، از حضرت ابا عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

روز قیامت منادی ندا می کند: شیعیان آل محمد در کجا هستند؟

پس از میان مردم گردنهایی کشیده شده و افرادی بپا می خیزند که عدد آنها را غیر از حق تعالی کس دیگر نمی داند. ایشان در قسمتی از مردم بپا خاسته اند، سپس منادی ندا می کند: زوّار قبر حضرت امام حسین علیه السلام در کجا هستند؟ خلق بسیاری به پا می خیزند.

پس به ایشان گفته می شود: دست هر کسی را که دوست دارید بگیرید و آنها را به بهشت ببرید، پس شخصی که جزء زائرین است هر کسی را که بخواهد گرفته و به بهشت می برد حتی بعضی از مردم به برخی دیگر می گویند: ای فلانی من را می شناسی؟ من کسی هستم که در فلان روز در فلان مجلس برای تو ایستاده و احترام از تو نمودم پس من را نیز دریاب، زائر او را نیز گرفته و به بهشت داخل نموده بدون اینکه دافع و مانعی در بین باشد.

﴿ الباب التاسع و الستون ﴾

﴿ إن زیارة الحسین علیه السلام ینفس بها الكرب و تقضى بها الحوائج ﴾

متن:

۱ - حدّثنی أبو القاسم جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبد الله الموسوی العلوی، عن عبید الله بن نهیک، عن ابن أبي عمیر، عن هشام بن الحكم، عن فضیل بن یسار «قال: قال أبو عبد الله علیه السلام: انّ إلى جانبکم قبراً ما أتاه مکروب الا نفس الله کربته، و قضی حاجته».

﴿ باب شصت و نهم ﴾

﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام غم و اندوه را برطرف کرده ﴾
 ﴿ و به واسطه اش حوائج بر آورده می شود ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

أبو القاسم جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبد الله موسوی علوی از عبید الله بن نهیک، از ابن ابی عمیر از هشام بن حکم، از فضیل بن یسار، وی می گوید: حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

در طرف شما قبری است که هیچ حزین و اندوهگینی آن را زیارت نمی کند مگر آنکه حق تعالی حزن و اندوهش را برطرف کرده و حاجتش را روا می سازد.

متن:

۲ - و عنه، عن عبد الله بن نهیک، عن محمد بن أبي عمیر، عن سلمة صاحب السابري، عن أبي الصباح الكناني «قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام

يقول: إِنَّ إِلَى جَانِبِكُمْ قَبْرًا مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كَرْبَتَهُ، وَ قَضَى حَاجَتَهُ، وَ أَنَّ عِنْدَهُ أَرْبَعَةُ آلَافٍ مَلِكٍ مِنْذُ [يَوْمٍ] قَبَضَ شَعَثًا غَيْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ زَارَهُ شَيَّعُوهُ إِلَى مَأْمَنِهِ، وَ مَنْ مَرَضَ عَادُوهُ، وَ مَنْ مَاتَ اتَّبَعُوا جَنَازَتَهُ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و از ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبدالله موسوی علوی از عبدالله بن نهیک، از محمد بن ابی عمیر، از سلمه صاحب سابری، از ابی الصباح کنانی، وی می گوید:

از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:
در طرف شما قبری است که هیچ مکروب و اندوهگینی به زیارت آن نمی رود مگر آنکه خداوند متعال اندوهش را برطرف کرده و حاجتش را روا می سازد و از روزی که آن حضرت شهید شدند چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته هستند اطراف قبر مطهرش بوده و تا روز قیامت بر آن جناب می گریند و کسی که او را زیارت کند فرشتگان تا وطن و مأوایش مشایعتش کرده و اگر مریض و بیمار شود عیادتش کنند و اگر بمبرد جنازه اش را تشییع نمایند.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو الزِّيَّاتِ، عَنْ كَرَامٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ الْحُسَيْنَ عليه السلام قَتَلَ مَكْرُوبًا، وَ حَقِيقَ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا رَدَّهَ اللَّهُ مَسْرُورًا».

ترجمه:

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از محمد ابن عمرو زیات، از کرام، از اسماعیل بن جابر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:

از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

حضرت امام حسین علیه السلام با حالی حزین و اندوه گشته شدند و سزاوار است بر خدا که هیچ حزین و اندوهگینی به زیارت آن جناب نرود مگر آنکه حق تعالی وی را مسرور و شادمان به اهلش برگرداند.

متن:

۴- و حدیثی محمد بن محمد بن الحسن بن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد ابن محمد بن عیسی، عن الحسن بن علی بن فضال، عن مفضل بن صالح، عن محمد بن علی الحلبي، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: إن الله عرض ولايتنا على اهل الأمصار، فلم يقبلها إلا أهل الكوفة؛ وإن إلى جانبها قبراً لا يأتيه مكروب فيصلي عنده أربع ركعات إلا رجع الله مسروراً بقضاء حاجته».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

محمد بن حسن، از محمد بن حسن صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی بن فضال، از مفضل بن صالح، از محمد بن علی حلبي، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

خداوند متعال ولایت ما اهل بیت را بر شهرها عرضه کرد پس تنها اهل کوفه آنرا پذیرفتند و بر جانب این شهر قبری است که هیچ اندوهگینی به زیارت آن نرود

و چهار رکعت نماز نزد آن نخواند مگر آنکه حق تعالی وی را سرور و با حاجت روا به اهلش برگرداند.

متن:

۵- حدّثنی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن أبیه، عن الحسن بن محبوب، عن العلاء بن رزین، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر علیه السلام «قال: إنّ الحسین صاحب کربلا قتل مظلوماً مکروباً عطشاناً لهفاناً، و حقّ علی الله عزّوجلّ أن لا یأتیه لهفان، و لا مکروب و لا مذنّب و لا مغموم و لا عطشان و لا ذو عاهة ثمّ دعا عنده و تقرّب بالحسین علیه السلام الی الله عزّوجلّ إلّا نفس الله کرّبه، و أعطاه مسألته، و غفر ذنوبه و مدّ فی عمره، و بسط فی رزقه، فاعتبروا یا أولی الأبصار!».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، آن حضرت فرمودند: حضرت حسین علیه السلام که صاحب کربلاء است در حالی که مظلوم و اندوهگین و تشنه و غصه‌دار بود شهید شد و غصه‌دار و اندوهگین و گناه‌کار و غمگین و تشنه و صاحب عیب و آفتی به زیارت آن حضرت نیاید و سپس نزد آن حضرت دعا کند و بواسطه آن جناب به خداوند تقرّب جوید مگر آنکه بر خداست که حزن و اندوهش را برطرف کرده و خواسته‌اش را اعطاء نموده و گناهانش را آمرزیده و عمرش را طولانی نموده و روزی و رزقش را فراخ نماید پس ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید.

متن:

۶- حدَّثني أبي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، و محمد بن الحسن، عن محمد بن يحيى؛ و احمد بن إرديس، عن العمرى، عن يحيى - و كان في خدمة أبي جعفر - عن بعض أصحابنا، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إنَّ بظهر الكوفة لقبراً ما أتاه مكروب قطّ إلا فرّج الله كربته - يعني قبر الحسين عليه السلام -».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم و جماعتی از مشایخ و اساتیدم و محمد بن الحسن، از محمد بن یحیی و احمد بن ادریس، از عمری، از یحیی (وی در خدمت ابی جعفر عباسی بود) از برخی اصحاب، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند: در پشت کوفه قبری است که هیچ حزین و غمگینی به زیارت آن نمی رود مگر آنکه حق تعالی حزنش را برطرف می فرماید، مقصود از آن قبر، قبر حضرت حسین بن علی عليه السلام می باشد.

متن:

۷- حدَّثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن ناجية، عن عامر بن كثير، عن أبي الثمير «قال: قال أبو جعفر عليه السلام: إنَّ ولايتنا عرضت على أهل الأمصار فلم يقبلها قبول أهل الكوفة، و ذلك لأنَّ قبر علي عليه السلام فيها، و إنَّ إلى لُزقه لقبراً آخر - يعني قبر الحسين عليه السلام - فما من آتٍ ياتيه فيصلّي عنده ركعتين أو أربعة ثم يسأل الله حاجته إلا قضاها، و إنَّه ليحفّ به كل يوم ألف ملك».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن ناجیه، از عامر بن کثیر، از ابی النمیر، وی گفت:
حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

ولایت ما اهل بیت بر اهل شهرها عرضه شد هیچ کس آنرا مانند اهل کوفه نپذیرفت زیرا در آن قبر علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد و معلوم باشد که در جانب آن، قبر دیگری است (مقصود قبر حضرت امام حسین علیه السلام می باشد) و هیچ زائری آنرا زیارت نکرده و دو یا چهار رکعت نزد آن نماز نخوانده و سپس حاجتش را از خداوند بخواهد مگر آنکه حق تعالی حاجت او را برآورده نموده و باید توجه داشت که در هر روز هزار مرتبه بر آن قبر مطهر احاطه داشته و طوافش می کنند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

متن:

۸- حدیثی ابو العباس الکوفی، عن محمد بن الحسین، عن صفوان، عن الولید بن حسان، عن ابن ابی یعفور «قال: قلت لأبی عبدالله علیه السلام: دعانی الشوق إلیک إن تجشمت إلیک علی مشقة، فقال لی: لا تشک ربک؛ فهلا أتیت من کان أعظم حقاً علیک منی؟! فکان من قوله: «فهلأ أتیت من کان أعظم حقاً علیک منی» أشدّ علی من قوله: «لا تشک ربک»، قلت: و من أعظم علی حقاً منک؟ قال: الحسین بن علی علیه السلام ألا أتیت الحسین علیه السلام فدعوت الله عنده و شکوت إلیه حوائجک؟!».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس کوفی، از محمد بن الحسین، از صفوان، از ولید بن حسان، از ابن

ابی یعفور، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: شوق ملاقات شما من را بر آن داشت که مشقت‌ها و مشکلات را تحمل کرده تا محضر شما برسم.
حضرت به من فرمودند:

به پروردگارت شک مکن، آیا به زیارت کسی که حقش بر تو از من بر تو بیشتر است رفته‌ای؟!

ابن ابی یعفور می‌گوید:

عبارت (آیا به زیارت کسی که حقش بر تو از من) بر من گران‌تر آمد از فرموده دیگر امام علیه السلام که فرمودند (به پروردگارت شک مکن)، لذا محضرش عرضه داشتم:

چه کسی حقش بر من از شما بیشتر است؟



حضرت فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السلام، آیا به زیارت آن حضرت رفته‌ای؟ و خدا را در آنجا خوانده‌ای؟

و حوائج و نیازمندی‌های خود را در آنجا بر خدای متعال عرضه کرده‌ای یا نه؟

متن:

۹ - حدَّثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب، عن ابراهيم بن محمد، عن علي بن المعلی، عن اسحاق بن زياد، «قال: أتى رجل أبا عبد الله عليه السلام فقال: إني قد ضربت على كل شيء لي ذهباً وفضة؛ وبعث ضياعی، فقلت: أنزل مكة، فقال: لا تفعل، فإنَّ أهل مكة يكفرون بالله جهرة، قال: ففی حرم رسول الله صلی الله علیه و آله؟ قال: هم شرُّ منهم، قال فأین أنزل؟ قال: عليك بالعراق الكوفة، فإنَّ البركة منها على اثني عشر ميلاً - هكذا وهكذا - وإلى جانبها قبر ما أتاه مكروب قطّ ولا ملهوف إلا فرج الله عنه».



«حدیث نهم»

ترجمه:

حكيم بن داود بن حكيم، از سلمة بن الخطاب، از ابراهيم بن محمد، از علي ابن معلی، از اسحاق بن زياد (اسحاق بن يزداد بدل) وی می گوید:

شخصی نزد حضرت ابا عبد الله عليه السلام مشرف شد عرض کرد: آنچه طلا و نقره داشتم معامله کرده و املاک خود را نیز فروخته ام و همه را به صورت پول نقد درآورده ام که از شهر خود به جای دیگر بروم آیا کجا ساکن گردم؟

اسحاق می گوید من به وی گفتم: به مکه وارد شو و در آنجا منزل کن.

حضرت به آن مرد فرمودند:

این کار را مکن زیرا اهل مکه کافر به خدا بوده و علناً به وی کفر می ورزند.

آن مرد عرضه داشت: پس به حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله (یعنی مدینه) بروم؟

حضرت فرمودند:

اهل این شهر از اهل مکه شرتتر و بدتر می باشند.

آن مرد عرض کرد: پس کجا منزل کنم؟

حضرت فرمودند:

بر تو باد به عراق و شهر کوفه زیرا برکت از آن شهر ناشی شده و تا شعاع دوازده میلی آن شهر پرتو افکنده و در یک جانب آن شهر قبری است (قبر مطهر حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام) که هیچ اندوهگین و محزونی هرگز به زیارتش نمی رود مگر آنکه حق تعالی حزن و غم او را برطرف می فرماید.

﴿الباب الشَّابِعُونَ﴾

﴿ثواب زیارة الحسین علیه السلام یوم عَرَفَةِ﴾

متن:

۱ - حدَّثنی محمد بن جعفر القرشي الرَّزَّاز الكوفي، عن خاله محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عُقْبَةَ، عن بشير الدَّهَّان «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ربِّما فاتني الحجُّ فأُعرِّفُ عند قبر الحسين عليه السلام، فقال: احسنت يا بشير، أيُّما مؤمن أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحَقِّه في غير يوم عيد كتب الله له عشرين حَجَّةً، و عشرين عُمْرَةً مبرورات متقبَّلات، و عشرين غَزوةً مع نبيٍّ مُرسل أو إمام عدل، و من أتاه في يوم عيد كتب الله له مائة حَجَّةً و مائة عُمْرَةً، و مائة غَزوةً مع نبيٍّ مُرسل أو إمام عدل، و من أتاه يوم عرفة عارفاً بحَقِّه كتب الله له ألف حَجَّةً و ألف عمرة متقبَّلات، و ألف غَزوةً مع نبيٍّ مُرسل

أو إمام عدل، قال: فقلت له: وكيف لي بمثل الموقف، قال: فنظر إلى شبه المغضب، ثم قال: يا بشير إنَّ المؤمن إذا أتى قبر الحسين عليه السلام يوم عرفة و اغتسل في الفرات، ثمَّ توجه إليه كتب الله له بكلِّ خطوة حجةً بمناسكها - ولا أعلمه إلا قال: وغزوة -».

﴿ باب هفتم ﴾

﴿ ثواب زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزاز کوفی، از دانی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقیبه، از بشیر دهان، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم: بسا زیارت حجّ از من فوت شده پس در روز عرفه به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می روم از نظر شما چه طور است؟

حضرت فرمودند:

ای بشیر عمل نیک و پسندیده ای انجام داده ای، هر مؤمن که در غیر روز عید به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام برود در حالی که به حقّ آن حضرت عارف و آگاه باشد خداوند متعال ثواب بیست حجّ و بیست عمره قبول شده و اجر بیست بار جنگ با دشمنان خدا در معیت نبی مرسل یا امام عادل برایش می نویسد. و کسی که در روز عید به زیارت قبر مطهرش برود حقّ تعالی ثواب صد حجّ و صد عمره و صد بار جنگ با دشمنان خدا در رکاب نبی مرسل یا امام عادل برای او منظور می فرماید.

و کسی که در روز عرفة با عرفان به حق آن حضرت به زیارت قبر مطهرش برود خداوند متان ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول و هزار بار جنگ نمودن با دشمنان خدا در رکاب نبی مرسل یا امام عادل به او می دهد.

بشیر می گوید: محضرش عرض کردم: چگونه این اجر و ثواب ها برای من باشد در حالی که موقف را ترک کرده ام؟

بشیر می گوید: پس از ایراد این کلام حضرت نگاهی شبیه شخص غضبناک به من نموده سپس فرمودند:

ای بشیر، هنگامی که مؤمن به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام در روز عرفة می رود و در فرات غسل کرده و سپس به طرف آن حضرت متوجه می شود خداوند متعال به هر قدمی که وی برمی دارد ثواب یک حج با تمام مناسک و اعمال آن را برایش منظور می کند.

بشیر می گوید: بعد از این کلام، سخن دیگری نمی دانم امام علیه السلام فرمودند مگر کلمه «و ثواب غزوة» را.

متن:

۲- و حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدِ الزِّيَّاتِ، عَنْ دَاوُدَ الرَّقِيِّ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عليهما السلام وَ هُمَا يَقُولُونَ: «مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام بِعَرَفَةَ قَلْبُهُ اللَّهُ ثَلَجَ الْفَوَادُ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمه الله عليهم جملگی از سعد ابن عبدالله، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از محمد بن عمرو بن سعید زیّات، از

داود رقی، وی گفت:

از حضرت ابو عبدالله و ابوالحسن موسی بن جعفر و ابوالحسن علی بن موسی علیهم السلام شنیدم که می فرمودند:
کسی که در روز عرفه به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند متعال او را مطمئن القلب می گرداند.

متن:

۳- و عنهم، عن سعد، عن الهيثم بن أبي مسروق النهدي، عن علي بن أسباط - عن بعض أصحابنا - عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إن الله تبارك و تعالى يبدء بالنظر إلى زوار قبر الحسين عليه السلام عشية عرفة، قال: قلت: قبل نظره لأهل الموقف؟ قال: نعم، قلت: كيف ذلك؟ قال: لأن في أولئك أولاد زنا؛ وليس في هؤلاء أولاد زنا».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

و از پدرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن رحمه الله عليهم جملگی از سعد، از هیثم بن ابی مسروق نهدي، از علی بن اسباط، از برخی اصحاب ما از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، آن حضرت فرمودند:
خداوند تبارک و تعالی عصر روز عرفه ابتداء به زوار قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام نظر می کند.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: قبل از نظر نمودن به اهل موقف (حاجی ها)؟ حضرت فرمودند: بلی.

عرض کردم: چرا این طور است؟

حضرت فرمودند: زیرا در بین حاجی ها زنازاده وجود داشته ولی در میان زائرین قبر مطهر آن حضرت ابدأ زنازاده نمی باشد.

متن:

۴- حدّثنی اَبی، عن سعد بن عبد اللّٰه، عن موسی بن عمر، عن علی بن النعمان، عن عبد اللّٰه بن مسکان «قال: قال أبو عبد اللّٰه علیه السلام: إِنَّ اللّٰهَ تبارک و تعالیٰ یتجلی لزوّار قبر الحسین علیه السلام قبل أهل عرفات، و یقضی حوائجهم، و یغفر ذنوبهم، و یشفعهم فی مسائلهم، ثمّ یشی أهل عرفة فیفعل ذلک بهم».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه اش قبلاً در باب شصت و هشت ذیل رقم (۱) با سند دیگر نقل شد.

مرکز تحقیقاتی و پژوهشی اسلامی

متن:

۵- حدّثنی اَبی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن محمد بن یحیی العطار، عن حمدان بن سلیمان النّیسابوری اَبی سعید قال: حدّثنا عبد اللّٰه بن محمد الیمانی، عن منیع بن الحجاج، عن یونس بن یعقوب ابن عمار، عن اَبی عبد اللّٰه علیه السلام «قال: من فاتته عرفة بعرفات فأدركها بقبر الحسین علیه السلام لم یفُته، و إنّ الله تبارک و تعالیٰ لیبدء بأهل قبر الحسین علیه السلام قبل أهل عرفات، ثمّ یخالطهم فی نفسه».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی عطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری اَبی سعید، وی گفت: عبد الله بن محمد

یمانی، از منیع بن حجاج، از یونس بن یعقوب بن عمار، از حضرت اُبی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که در عرفات روز عرفه را درک نکرد ولی آن را کنار قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام درک نماید، عرفه از او فوت نشده است و خداوند متعال ابتداء کسانی را که در کنار قبر آن جناب هستند مورد نظر و التفات قرار داده بعد به اهل عرفات نظر نموده و با ایشان انس می گیرد.

متن:

۶- حدیثی اُبی - رحمه الله - و علی بن الحسین، عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن خالد البرقی، عن القاسم بن یحیی ابن الحسن بن الراشد، عن جدّه الحسن، عن یونس بن ظبیان «قال: قال أبو عبد الله علیه السلام: من زار الحسین علیه السلام ليلة النصف من شعبان و ليلة الفطر و ليلة عرفة في سنة واحدة كتب الله له ألف حجة مبرورة، و ألف عمرة متقبلة، و قضيت له ألف حاجة من حوائج الدنيا و الآخرة».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی، از قاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد، از جدش حسین، از یونس بن ظبیان، وی می گوید:

حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در یکسال زیارت کند خداوند متعال ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول به وی داده و هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرتش را روا می سازد.

متن:

۷- حدَّثني محمد بن الحسن بن الوليد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد البرقي، عن حنان بن سدير، عن أبيه، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إذا كان يوم عَرَفَةَ اطلَّعَ الله تعالى على زوَّار قبر أبي عبد الله الحسين عليه السلام فقال لهم: استأنفوا فقد غفرتُ لكم، ثمَّ يجعل إقامته على أهل عرفات».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن الولید، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی، از حنان بن سدید، از پدرش، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند: زمانی که روز عرفه فرا برسد خداوند متعال به زوَّار قبر حضرت ابی عبد الله الحسين عليه السلام توجه نموده پس به ایشان می فرماید: از ابتداء شروع به عمل نمائید زیرا شما را آمرزیدم سپس با اهل عرفات انس می گیرد.

متن:

۸- حدَّثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين - عمَّن ذكره - عن عمر بن الحسن العرزمي، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: سمعته يقول: إذا كان يوم عرفة نظر الله إلى زوَّار قبر الحسين عليه السلام فيقول: ارجعوا مغفوراً لكم ما مضى؛ ولا يكتب على أحد منهم ذنب سبعين يوماً من يوم ينصرف».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از کسی که نامش را برده، از عمر بن الحسن العزرمی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام وی می گوید: از آن حضرت شنیدم که می فرمودند:

هنگامی که روز عرفه می رسد خداوند متعال به زوار قبر حضرت امام حسین علیه السلام نظر نموده و می فرماید: برگردید آنچه از افعال و گناهان گذشته شما است آمرزیدم و از روزی که مراجعت می کنند تا هفتاد روز هیچ گناهی از ایشان ثبت و ضبط نمی شود.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَجَمَاعَةُ أَصْحَابِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى؛ وَاحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ جَمِيعاً، عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ، عَنِ يَحْيَى - الْخَادِمِ لِأَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ - وَهُوَ نَازِلٌ بِالْحَيْرَةِ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنَ الشَّيْعَةِ - فَأَقْبَلَ إِلَيَّ بِوَجْهِهِ فَقَالَ: يَا بَشِيرُ أَحْبَبْتَ الْعَامَ؟ قُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ لَا؛ وَلَكِنْ عَرَفْتُ بِالْقَبْرِ - قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام - فَقَالَ: يَا بَشِيرُ وَاللَّهِ مَا فَاتَكَ شَيْءٌ مِمَّا كَانَ لِأَصْحَابِ مَكَّةَ بِمَكَّةَ، قُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ فِيهِ عَرَفَاتُ؟ فَسَرَّهُ لِي، فَقَالَ: يَا بَشِيرُ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لِيُغْتَسِلَ عَلَى شَاطِئِ الْفَرَاتِ، ثُمَّ يَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَارِفاً بِحَقِّهِ فَيُعْطِيهِ اللَّهُ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا [أ] وَيَضَعُهَا مِائَةَ حَبَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَمِائَةَ عَمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ، وَمِائَةَ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مَرْسَلٍ إِلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ وَأَعْدَاءِ رَسُولِهِ، يَا بَشِيرُ اسْمَعْ وَأَبْلُغْ مَنْ احْتَمَلَ قَلْبُهُ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عليه السلام يَوْمَ عَرَفَةِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ».

ترجمه:

﴿ حدیث نهم ﴾

پدرم و جماعتی، از اصحاب و یارانم رحمة الله علیهم، از محمد بن یحیی و احمد بن ادریس جعلگی از عمرکی بن علی، از یحیی (یعنی خادم حضرت ابو جعفر ثانی علیه السلام) از محمد بن سنان، از بشیر دهان، وی می گوید:
از حضرت ابو عبدالله علیه السلام (هنگامی که در حیره نزول اجلال فرموده و جماعتی از شیعه محضر مبارکش بودند) گفتاری شنیدم که شرحش چنین است:

حضرت روی مبارکش را به من نموده و فرمودند:

ای بشیر امسال به حج رفتی؟

عرض کردم: فدایت شوم، خیر، ولی در روز عرفه به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام رفتم.



حضرت فرمودند:

ای بشیر به خدا قسم آنچه از اجر و ثواب برای اصحاب مکه (حاجی ها) در مکه می باشد از تو فوت نشده.

عرض کردم: یعنی در این زیارت من اجر و ثواب و قوف به عرفات بوده؟
برایم فرموده خود را تفسیر بفرمائید:

حضرت فرمودند:

ای بشیر وقتی یک نفر از شما کنار فرات غسل نمود و سپس به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفت در حالی که به حق آن حضرت عارف و مطلع باشد البته خداوند متعال به هر قدمی که وی از زمین بلند می کند و سپس آنرا بر زمین می نهد اجر صد حج و صد عمره قبول شده می دهد و اجر صد جنگ که وی در معیت نبی مرسل با دشمنان خدا و رسول او نموده را برایش منظور می فرماید.

ای بشیر: بشنو و به کسانی که قلبشان ظرفیت پذیرش آن را دارد برسان و بگو:

کسی که امام حسین علیه السلام را در روز عرفه زیارت کند مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكَوْفِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ جَعْفَرِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْعَبْدِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَوْمَ عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَجَّةٍ مَعَ الْقَائِمِ، وَ أَلْفَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَتَقَ أَلْفَ أَلْفِ نَسَمَةٍ، وَ حَمَلَانَ أَلْفِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ سَمَّاهُ اللَّهُ عَبْدِي الصَّدِّيقِ آمَنَ بِوَعْدِي، وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: فَلَانُ صَدِّيقٍ؛ زَكَاهُ اللَّهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ، وَ سَمَّى فِي الْأَرْضِ كَرُوباً».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبد المؤمن رحمه الله علیه، از محمد بن یحیی، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد الكوفی، از محمد بن جعفر بن اسماعیل العبدی، از محمد بن عبد الله بن مهران، از محمد بن سنان، از یونس بن ظبیان، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند:

کسی که در روز عرفه قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند خداوند متعال ثواب هزار هزار (یک میلیون) حج که با حضرت قائم علیه السلام بجای آورند را برای وی منظور می فرماید و اجر هزار هزار عمره که با حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله

انجام گیرد را به وی داده و همچنین ثواب آزاد نمودن هزار هزار عبد را به او اعطاء کرده و اجر کسی که هزار هزار دو بار اسب را در راه خدا انفاق کرده است را به وی عنایت می فرماید و حق تعالی از وی به این عبارت نام می برد: عبدي الصديق آمن بوعدي و فرشتگان در باره اش چنین تعبیر می کنند: فلان صديق، زكاه الله من فوق عرشه.

و در زمین گروب نامیده می شود.

متن:

۱۱ - حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن اسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة، عن بشير الدّهان «قال: قال جعفر بن محمد عليه السلام: من زار قبر الحسين عليه السلام يوم عرفة عارفاً بحقه كتب الله له ثواب ألف حجة، و ألف عمرة، و ألف غزوة مع نبي مرسل، و من زار أول يوم من رجب غفر الله له البتة.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن اسماعيل بن بزيع، از صالح بن عقبة، از بشير دهان، وی می گوید: حضرت جعفر بن محمد عليه السلام فرمودند:

کسی که در روز عرفة قبر مطهر حضرت حسين بن علي عليه السلام را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و مطلع باشد خداوند ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جنگی که در معیت نبي مرسلی انجام داده را برایش می نویسد. و کسی که روز اول ماه رجب آن جناب را زیارت کند خداوند مئان البته او را می آمرزد.

متن:

۱۲- حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن عیسی ابن عبید، عن محمد بن سنان، عن اَبی سعید القمّاط، عن بشار، عن اَبی عبد الله علیه السلام «قال: من كان معسراً فلم يتهيأ له حجة الإسلام فليأت قبر الحسين علیه السلام، و ليعرف عنده، فذلك يجزئُه عن حجة الإسلام، أما إني لا أقول يجزئ ذلك عن حجة الإسلام إ للمعسر، فأما الموسر إذا كان قد حجّ حجة الإسلام، فأراد أن يتنقل بالحجّ والعمرة و منعه من ذلك شغل دنيا أو عائق فأتى قبر الحسين علیه السلام في يوم عرفه أجزأه ذلك عن أداء الحجّ أو العمرة و ضاعف الله له ذلك أضعافاً مضاعفة، قال: قلت: كم تعدل حجة و كم تعدل عمرة؟ قال: لا يحصى ذلك، قال: قلت: مائة؟ قال: و من يحصى ذلك؟ قلت: ألف؟ قال: و أكثر، ثم قال: و إن تعدّوا نعمة الله لا تحصوها، إن الله واسعٌ كريم».

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبد الله، از محمد بن عیسی بن عبید، از محمد بن سنان، از اَبی سعید قمّاط، از بشار، از حضرت اَبی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که متمکن و توانا نبوده لذا برای رفتن به حج و انجام حجة الاسلام مهیا نباشد باید به زیارت قبر مطهر حضرت حسین بن علی علیه السلام برود و روز عرفه را در آنجا باشد، چنین زیارتی از حجة الاسلام مجزی است. ناگفته نماند و باید توجه داشت من نمی گویم این زیارت مطلقاً از حجة الاسلام مجزی است بلکه تنها برای شخص غیر متمکن و معسر اجزاء

می باشد اما کسی که موسر و متمکن می باشد:

وی وقتی حجة الاسلام را بجا آورد اگر اراده نمود که حج یا عمره مستحبی انجام دهد و شغل دنیائی یا مانعی دیگر او را از آن باز داشت در صورتی که به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه برود البته خداوند با این زیارت جزاء وی را از اداء حج یا عمره داده بلکه ثواب آن را چندین برابر می نماید.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم:
ثواب آن معادل چند حج و چند عمره می باشد؟
حضرت فرمودند:

قابل شمارش و احصاء نیست.

راوی عرض کرد: آیا ثواب صد حج و صد عمره را به او می دهند؟

حضرت فرمودند: کیست بتواند ثوابش را احصاء نموده باشد.

راوی می گوید: عرضه داشتم: آیا ثواب هزار حج و هزار عمره را دارد؟

حضرت فرمودند: بیش از این است، سپس فرمودند:

اگر نعمتهای باری تعالی را بشمارید نمی توانید از عهده احصاء آنها برآئید

خداوند متعال واسع بوده و بدون عوض می بخشاید.

﴿ الباب الحادی و السبعون ﴾

﴿ ثواب من زار الحسين علیه السلام يوم عاشوراء ﴾

متن:

۱- حدّثنی أبی؛ وأخی؛ و جماعة مشایخی - رحمهم الله - عن محمد بن یحیی، عن محمد بن علی المدائنی قال: أخبرنی محمد بن سعید البجلي، عن قبيصة، عن جابر الجعفی «قال: دخلت علی جعفر بن محمد علیه السلام فی يوم عاشوراء فقال لی: هؤلاء زوّار الله و حقّ علی المזור أن یكرم الزائر، من بات عند قبر الحسين علیه السلام ليلة عاشوراء لقی الله ملطخاً بدمه يوم القيامة كأنما قتل معه فی عرصته، و قال: من زار قبر الحسين علیه السلام لیوم عاشوراء و بات عنده كان کمن استشهد بین یدیه».

﴿ باب هفتاد و یکم ﴾

﴿ ثواب کسی که در روز عاشوراء امام حسین علیه السلام را زیارت کند ﴾

﴿ حدیث اوّل ﴾

ترجمه:

پدرم و برادرم و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمة الله علیهم، از محمد بن یحیی، از محمد بن علی مدائنی نقل کرده اند که وی گفت: محمد بن سعید بجلی، از قبیصة از جابر جعفی برایم نقل کرد که جابر گفت: در روز عاشوراء محضر مبارک حضرت جعفر بن محمد علیه السلام رسیدم، حضرت به من فرمودند:

این گروه (زائرین ابا عبد الله الحسین علیه السلام) زوّار خدا بوده و بر مزور واجب

است که زائر را اکرام نماید، کسی که نزد قبر مطهر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در شب عاشوراء بیتوته کند روز قیامت خدا را ملاقات می‌کند در حالی که به خون خودش آلوده بوده گویا در رکاب حضرت ابا عبدالله علیه السلام در عرصه کربلا شهید گشته است.

و نیز فرمودند:

و کسی که قبر امام حسین علیه السلام را روز عاشوراء زیارت کرده و بالای قبر بیتوته نماید مثل کسی است که در مقابل آن حضرت شهید شده باشد.

متن:

۲- حدیثی ابو علی محمد بن همام قال: حدیثی جعفر بن محمد بن مالک الفزاری قال: حدیثی احمد بن علی بن عبید الجعفی قال: حدیثی حسین بن سلیمان، عن الحسن بن راشد، عن حماد بن عیسی، عن حریر، عن ابي عبدالله علیه السلام «من زار الحسين يوم عاشوراء و جبت له الجنة».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابو علی محمد بن همام می‌گوید:

جعفر بن محمد بن مالک فزاری می‌گوید: احمد بن علی بن عبید جعفی گفت:

حسین بن سلیمان، از حسین بن راشد، از حماد بن عیسی، از حریر، از حضرت ابو عبدالله علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را روز عاشوراء زیارت کند بهشت بر او واجب می‌گردد.

متن:

۳- و حدَّثني مُحَمَّد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن يعقوب بن يزيد الأنباري، عن مُحَمَّد بن أبي عمير، عن زيد الشحام، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من زار قبر الحسين بن علي عليه السلام يوم عاشوراء عارفاً بحقه كان كمن زار الله في عرشه».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمّد بن عبد الله بن جعفر حمیری، از پدرش، از یعقوب بن یزید انباری، از محمّد بن ابی عمیر، از زید شحام، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام آن حضرت فرمودند:

کسی که قبر مطهر حضرت حسین بن علی علیه السلام را در روز عاشوراء زیارت کند در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد مثل کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده است.

متن:

۴- دَثْنِي الْحُسَيْن بن مُحَمَّد بن عامر، عن المعلّى بن مُحَمَّد، عن مُحَمَّد ابن جمهور العمّی - عن ذكره - عنهم عليهم السلام «قال: من زار [قبر] الحسين عليه السلام يوم عاشوراء كان كمن تشحّط بدمه بين يديه عليه السلام».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمّد بن عامر، از معلّی بن محمّد، از محمّد بن جمهور عمّی، از کسی که ذکرش نموده، از ائمه معصومین علیهم السلام فرمودند:

کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در روز عاشوراء زیارت کند، مانند

کسی است که در مقابل آن حضرت به خون خودش آلوده شده باشد.

متن:

۵- و روی محمد بن ابی سیار المدائنی بإسناده «قال: من سقى يوم عاشوراء عند قبر الحسين عليه السلام كان كمن سقى عسكر الحسين عليه السلام و شهيد معه».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

و محمد بن ابی سیار مدائنی به اسنادش روایت کرده که گوینده فرمود: کسی که روز عاشوراء نزد قبر مطهر امام حسین عليه السلام را آب دهد مانند کسی است که لکشریان امام حسین عليه السلام را آب داده و در رکاب حضرت شهید شده باشد.

مرکز تحقیقات علمی و فرهنگی موسسه

متن:

۶- حدثني جعفر بن محمد بن ابراهيم الموسوي، عن عبيد الله بن نهيك، عن ابن أبي عمير، عن زيد الشحام، عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام «قال: من زار الحسين عليه السلام ليلة النصف من شعبان غفر الله له ما تقدم من ذنوبه و ما تأخر، و من زاره يوم عرفة كتب الله له ثواب ألف حجة متقبلة و ألف عمرة مبرورة، و من زاره يوم عاشوراء فكأنما زار الله فوق عرشه».

حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر، عن أبيه عبد الله ابن جعفر الحميري، عن محمد بن الحسين، عن حمدان بن المعافا، عن ابن أبي

عمیر، عن زید الشَّحَام، عن أبي عبد الله علیه السلام - و ذکره مثله.

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عبیدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از زید شحام، از جعفر بن محمد الصادق علیه السلام حضرت فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را شب نیمه شعبان زیارت کند خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد، و کسی که آن حضرت را روز عرفه زیارت نماید خداوند متان ثواب هزار حج و هزار عمره قبول شده را برایش می نویسد، و کسی که آن حضرت را روز عاشوراء زیارت نماید مانند کسی است که حق تعالی را بالای عرشش زیارت کرده باشد.

محمد بن عبدالله بن جعفر، از پدرش، از عبدالله بن جعفر حمیری، از محمد ابن الحسین، از حمدان بن معافا، از ابن ابی عمیر، از زید شحام، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، و حدیثی مثل حدیث مذکور را ذکر نموده است.

متن:

۷ - حدثني حكيم بن داود بن حكيم؛ وغيره، عن محمد بن موسى الهمداني، عن محمد بن خالد الطيالسي، عن سيف بن عميرة، و صالح بن عقبة جميعاً، عن علقمة بن محمد الحضرمي؛ و محمد بن إسماعيل، عن صالح ابن عقبة، عن مالك الجهني، عن أبي جعفر الباقر علیه السلام «قال: من زار الحسين علیه السلام يوم عاشوراء من المحرم حتى يظلّ عنده باكياً لقي الله تعالى يوم القيامة بثواب ألفي [ألف حجة و ألفي] ألف عمرة، و ألفي ألف غزوة، و ثواب كل حجة و عمرة و غزوة كثواب من حج و اعتمر و غزا

مع رسول الله ﷺ و مع الأئمة الراشدين صلوات الله عليهم أجمعين.

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم و غیرش، از محمد بن موسی همدانی، از محمد بن خالد طایلسی، از یوسف بن عمیره و صالح بن عقبه جملگی، از علقمة بن محمد حضرمی و محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از مالک جهنی، از حضرت ابی جعفر الباقر علیه السلام، حضرت فرمودند: کسی در روز عاشوراء یعنی روز دهم محرم الحرام حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند و روز را تا شب با حالتی گریان نزد آن حضرت بماند روز قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که خداوند متعال ثواب دو میلیون حج و دو میلیون عمره و دو میلیون مرتبه جهاد را به وی بدهد. شایان توجه است که ثواب هر حج و عمره و جهادی همچون ثواب کسی است که حج و عمره و جهاد را در معیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه راشدین صلوات الله علیهم اجمعین بجا آورده باشد.

متن:

قال: قلت: جعلت فداك فما لمن كان في بعد البلاد و أقاصيها و لم يمكنه المسير إليه في ذلك اليوم؟ قال: إذا كان ذلك اليوم برز إلى الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً في داره، و أوماً إليه بالسَّلام، و اجتهد على قاتله بالدَّعاء، و صلى بعده ركعتين يفعل ذلك في صدر النهار قبل الزَّوال، ثمَّ ليندب الحسين عليه السلام و يبكيه و يأمر من في داره بالبكاء عليه، و يقيم في داره مصيَّته بإظهار الجزع عليه، و يتلاقون بالبكاء بعضهم بعضاً في البيوت، و ليعزَّ بعضهم بعضاً بمصاب الحسين عليه السلام، فأنا ضامن

لهم إذا فعلوا ذلك على الله عز وجل جميع هذا الثواب، فقلت: جعلت فداك و أنت الضامن لهم إذا فعلوا ذلك و الزعيم به؟ قال: أنا الضامن لهم ذلك و الزعيم لمن فعل ذلك.

﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

عقلمه می گوید: محضر مبارک امام پنجم علیه السلام عرضه داشتم:

فدایت شوم، اجر و ثواب کسی که در شهرهای دوردست و بلاد غریب و بعید بوده به طوری که برایش امکان ندارد در چنین روزی (روز عاشوراء) به زیارت حضرت بشتابد؟

امام علیه السلام فرمودند:

وی در چنین روزی به صحراء رفته یا به پشت بام بلندی در خانه اش برآید و با سلام به حضرت اشاره کرده سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.

البته توجه داشته باشد که این زیارت را در روز قبل از ظهر انجام دهد، سپس برای امام حسین علیه السلام ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگیرند و با اظهار جزع و فزع بر آن جناب در خانه اش اقامه مصیبت نماید و مواظب باشند هرگاه اهل خانه یکدیگر را ملاقات کردند با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام تسلیت دهند و در صورتی که به این دستورهائی که داده شد عمل کنند من ضامن می شوم که حقتعالی تمام ثواب هائی که ذکر شد را به ایشان اعطاء فرماید.

محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم شما برای ایشان ضامن این ثوابها

می شوید؟

حضرت فرمودند:

در صورتی که به دستورهای داده شده عمل کنند البته من ضامن آن می باشم.

متن:

قال: قلت: فكيف يعزى بعضهم بعضاً؟ قال: يقولون: عظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام، و جعلنا و إياكم من الطالبين بشاره مع وليه الإمام المهدي من آل محمد؛ فإن استطعت أن لا تنتشر يومك في حاجة فافعل، فإنه يوم نحس لا تقضى فيه حاجة، وإن قضيت لم يبارك له فيها و لم ير رشداً، و لا تدخرون لمزلك شيئاً، فإنه من ادخر لمزله شيئاً في ذلك اليوم لم يبارك له فيما يدخره و لا يبارك له في أهله، فمن فعل ذلك كتب له ثواب ألف ألف حجة و ألف ألف عمرة، و ألف ألف غزوة كلها مع رسول الله صلى الله عليه و آله و كان له ثواب مصيبة كل نبي و رسول و صديق و شهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا إلى أن تقوم الساعة.

﴿ دنبال حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

علقمه می گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرض کردم: اگر بعضی خواهند برخی دیگر را تسلیت بدهند چگونه و چه بگویند:

حضرت فرمودند:

بگویند:

عظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام، و جعلنا و إياكم من الطالبين بشاره مع وليه الإمام المهدي من آل محمد صلوات الله عليهم (خداوند متعال اجرها و ثواب های عزادار بودن ما را برای امام حسین علیه السلام زیاد گردانده و ما و شما را در

رکاب ظفر قرین ولی آن حضرت، حضرت امام مهدی قائم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین از طلب کنندگان خون آن جناب قرار دهد).

و اگر قدرت و توانائی این را داشتی که آن روز (روز عاشوراء) را بدنبال نیازمندی هایت نروی البته مرو چه آنکه این روز، روز نحسی بوده و حاجت در آن روا نمی گردد و اگر هم حاجت برآورده شود برای شخص حاجت مند مبارک نبوده و وی خیر نخواهد دید.

توجه داشته باشد در آن روز در منزلت آذوقه ای را ذخیره نکنی چه آنکه اگر کسی در آن روز در منزلش چیزی را ذخیره کند برایش میمون و مبارک نبوده و برای اهلش نیز برکت نخواهد داشت.

بنابر این کسی که به این دستورها عمل کند ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که تمامی را در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده باشد برایش نوشته می شود و همچنین خداوند متعال ثواب هر مصیبتی که به انبیاء و رسل و صدیقین و شهدائی که فوت کرده یا کشته شده اند رسیده است را از بدو خلقت دنیا تا انقراض عالم و قیام قیامت به او اعطاء می فرماید.

متن:

قال صالح بن عقبة الجهني و سيف بن عميرة: قال علقمة بن محمد المحضرمي: فقلت لأبي جعفر عليه السلام: علمني دعاء أدعوه به في ذلك اليوم إذا أنا زرت من قريب، و دعاء أدعوه به إذا لم أزره من قريب، و أو مأت إليه من بعد البلاد و من سطح داري بالسَّلام، قال: فقال: يا علقمة إذا أنت صليت ركعتين بعد أن تؤمِّي إليه بالسَّلام و قلت عند الإيماء إليه [و] من بعد الركعتين هذا القول فإنك إذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعوه من زاره من الملائكة، و كتب الله لك بها ألف ألف حسنة و محي عنك ألف

ألف سيئة، و رفع لك مائة ألف ألف درجة، و كنت ممن استشهد مع الحسين بن علي عليه السلام حتى تشاركهم في درجاتهم، و لا تعرف إلا في الشهداء الذين استشهدوا معه، و كتب لك ثواب كل نبي و رسول و زيارة من زار الحسين بن علي عليه السلام منذ يوم قتل،

ترجمه: ﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

صالح بن عقبه جهنی و سیف بن عمیره می گویند:

علقمه بن محمد حضر می گوید:

محضر مبارک ابی جعفر علیه السلام عرض کردم:

دعائی به من تعلیم فرماید که در آن روز وقتی از نزدیک به زیارت آن حضرت رفتم آن را خوانده و دعائی یادم دهید که هرگاه از نزدیک به زیارت آن جناب نرفته بلکه از شهرهای دور و پشت بام به آن حضرت اشاره سلام دادم آن را بخوانم.

حضرت فرمودند:

ای علقمه: بعد از آنکه با اشاره به آن حضرت سلام دادی و پس از آن، دو رکعت نماز خواندی و هنگام اشاره و پس از خواندن دو رکعت اگر این دعاء و زیارت را که شرحش را برایت می گویم خواندی پس به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت دعاء کرده اند تو نیز دعاء نموده ای و خداوند متعال برای تو هزار هزار حسنه نوشته و هزار هزار گناه محو می فرماید و صد هزار هزار درجه مقام و مرتبه تو را بالا برده و تو را از کسانی قرار می دهد که با حضرت حسین بن علی علیه السلام شهید شده اند و بدین ترتیب در درجه ایشان قرار می دهد و شناخته نمی شوی مگر در زمره شهدائی که با آن حضرت شهید شده اند و ثواب تمام انبیاء و رسولان و کسانی که زیارت امام حسین علیه السلام را از زمان شهادتش تا به الآن نموده اند را برایت می نویسد.

متن:

[تقول]: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، [السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ] السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثَرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَدَاً مَا بَقِيََتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتْ [الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ] الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ [وَالْأَرْضِ]، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُتَهْدِينَ لَهُمْ بِالْأَمْنِ مِنْ قِتَالِكُمْ [بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ] وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكَ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شَمْرًا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَالْجَمَتْ وَتَهَيَّأتْ لِقِتَالِكَ.

﴿ دنباله حدیث مہتم ﴾

﴿ و کیفیت خواندن زیارت عاشوراء ﴾

ترجمہ:

حضرت سلام اللہ علیہ بہ علقمہ فرمودند:

در زیارت ابا عبد اللہ الحسین روز عاشوراء بگو:

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند سرور جانشینان، سلام بر تو ای پسر فاطمه که سرور بانوان عالم می باشد، سلام بر تو ای خون خدا (یعنی خدا صاحب خون تو و طلب کننده آن است) و فرزند خون خدا و تنها مانده ای که خونخواهی نشده است، سلام بر تو و بر روح های مطهری که در اطراف تو بوده و در مأوی و مکان تو فرود آمده و اقامت نموده اند، بر شما باد جملگی از طرف من سلام و رحمت خدا برای همیشه و تا مادامی که من باقی بوده و شب و روز باقی هستند، ای ابا عبدالله محققاً عزای شما بزرگ بوده و مصیبت وارده بر شما بر ما و تمام اهل آسمانها و زمین گران می باشد، پس خداوند متعال گروهی را که اساس و پایه های ظلم و ستم بر شما اهل بیت پیغمبر ﷺ را بنانهاده لعنت کند و از رحمتش به دورشان دارد، و گروهی را که شما را از مقام و منزلتتان بازداشتند لعنت فرماید، و همچنین خدا لعنت کند کسانی را که شما را از مرتبه ای که حق شما است و خداوند متعال برای شما ترتیب داده بر کنار نمودند، و لعنت نماید جماعتی را که شما را کشتند و لعنت نماید آنان را که برای قاتلین شما تمهید اسباب کرده و بدینوسیله ایشان را بر کشتن شما متمکن ساختند، بسوی خدا و شما از این گروه و از پیروان و تابعین ایشان بی زاری می جویم، ای ابا عبدالله من یا کسی که با شما در صلح بوده در صلح هستم و با آنکس که با شما در جنگ می باشد تا روز قیامت در جنگ و حرب خواهم بود، پس خدا لعنت کند دودمان زیاد و دودمان مروان را و لعنت کند تمام بنی امیه را و لعنت نماید فرزند مرجانه را و لعنت کند عمر بن سعد را و لعنت نماید شمر را و لعنت کند جماعتی را که اسبها را زین کرده و لجام زده و خود را آماده برای کشتن نمودند.

متن:

يا ابا عبد الله يا ابي انت وأمي لقد عظم مصابي بك، فأسأل الله الذي
أكرم مقامك أن يكرمني بك ويرزقني طلب تارك مع إمام منصور من
آل محمد صلى الله عليه وآله، اللهم اجعلني وجميعاً عندك بالحسين في
الدنيا والآخرة، يا سيدي يا ابا عبد الله إني أتقرب إلى الله [تعالى] وإلى
رسوله وإلى أمير المؤمنين وإلى فاطمة وإلى الحسن وإليك، صلى الله
عليك وسلم، وعليهم بمواليتك يا ابا عبد الله وبالبراءة من أعدائك
ومن قاتلك ونصب لك الحزب، ومن جميع أعدائك، وبالبراءة
ومن أسس الجور وبني عليه بُنيانه وأجرى ظلمه وجوره عليكم وعلى
أشياءكم، برئت إلى الله وإليك منهم، وأتقرب إلى الله ثم إليكم
بموالاتكم وموالاتهم وإليك وبالبراءة من أعدائكم، ومن الناصبين لكم
الحزب والبراءة من أشيائهم وأتباعهم، إني سلم لمن سالمكم، وحزب
لمن حاربكم، وإلى لمن والاكم، وعدو لمن عاداكم فأسأل الله الذي
أكرمني بمعرفتكم ومعرفة أوليائكم ورزقني البراءة من أعدائكم أن
يجعلني معكم في الدنيا والآخرة، وأن يثبت لي عندكم قدم صدق في
الدنيا والآخرة، وأسأله أن يبلغني المقام المحمود لكم عند الله، وأن
يرزقني طلب تارك مع إمام مهدي ناطق لكم، وأسأل الله بحقوقكم
وبالشأن الذي لكم عنده أن يغطي بمصابي بكم أفضل ما أعطى مصاباً
بمصيبتي أقول: «إنا لله وإنا إليه راجعون»، يا لها من مصيبة، ما أعظمها
وأعظم رزيتها في الإسلام! وفي جميع أهل السماوات والأرض.

﴿ دنیاله حدیث هفتم ﴾

﴿ و بقیه زیارت عاشوراء ﴾

ترجمه:

ای ابا عبدالله پدر و مادرم فدایت شوند به خدا قسم مصیبت شما بر من گران و بزرگ است، پس از خدائی که مقام کرامت به تو داده درخواست می‌کنم به واسطه شما من را نیز مورد کرامتش قرار دهد و روزی من نماید که همراه امام کمک شده از آل محمد علیهم‌السلام خون تو را طلب نمایم، بار خدایا به واسطه حسین علیه‌السلام در دنیا و آخرت من را نزد خودت آبرومند قرار بده، ای آقای من، ای ابا عبدالله من به خدای تعالی و به رسولش صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و به امیرالمؤمنین علیه‌السلام و به فاطمه سلام الله علیها و به حسن علیه‌السلام به سوی تو بواسطه دوست داشتن و محبتم به شما و بی‌زاری جستن از دشمنانت و از کسانی که تو را کشتند و جنگ با تو را به پا کردند و به واسطه تبری و بی‌زاری از کسانی که جور و ستم را پایه نهاده و ساختمان ظلم را بر آن بنا نهادند و بدنبالش بر شما و شیعیان شما ظلم و جور نمودند تقرب می‌جویم، از ایشان بسوی خدا و تو تبری می‌جویم و بواسطه دوست داشتنم شما و دوستان شما را به سوی خدا و سپس به سوی شما تقرب می‌جویم و به واسطه بی‌زاری از دشمنان شما و کسانی که جنگ با شما را به پا نمودند و نیز به واسطه بی‌زاری از شیعیان و تابعین اعداء به خدا تقرب می‌جویم، من با کسانی که با شما در صلح هستند در صلح بوده و با آنانکه با شما حرب و جنگ می‌کنند حرب می‌نمایم، کسی که شما را دوست دارد دوستش دارم، و با آنانکه با شما دشمنی دارند دشمن می‌باشم، پس از خدائی که بواسطه معرفت به شما و معرفت به دوست شما من را مورد کرامت قرار داد و بی‌زاری از دشمنانتان را روزی من قرار داد درخواست می‌کنم که در دنیا و آخرت من را همراه شما قرار داده و در هر دو نشئه برای من قدم و گامی صدق نزد شما ثابت نماید، و از او می‌خواهم که من را به مقام محمود و پسندیده‌ای که شما نزد حضرتش دارید برساند و نیز روزی من کند که در رکاب ظفر قرین حضرت امام مهدی (ع) که

ناطق شما است خون شما را مطالبه کنم، و از ذات اقدسش می خواهم که به حقانیت شما و به شأن و مرتبه‌ای که نزد او دارید به واسطه عزاداری من برای شما برترین اجری را که به مصیبت دیدگان می دهد به من اعطاء بفرماید.

در مقام اظهار مصیبت می گویم: انا لله و انا الیه راجعون، وای از این مصیبت، چقدر بزرگ است و چه قدر عزای آن در اسلام و بین جمیع اهل آسمانها و زمین گران و سنگین می باشد.

متن:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ فِيْ مَقَامِيْ هَذَا يَمِّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَرَحْمَةٍ وَمَغْفِرَةٍ،
 اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَمَاتِيْ مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَنَزَّلَتْ فِيْهِ اللّٰغَةُ عَلٰى آلِ
 زِيَادٍ وَآلِ اُمَيَّةٍ وَابْنِ اَكَلَةِ الْاَكْبَادِ، اللّٰعِيْنَ بِنِ اللّٰعِيْنَ، عَلٰى لِسَانِ نَبِيِّكَ،
 فِيْ كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيْهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللّٰهُمَّ اَلْعَنِ
 اَبَا سُفْيَانَ وَمُعَاوِيَةَ، وَعَلِيَّ يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ اللّٰغَةَ اَبَدًا اَلْبَدِيْنَ، اَللّٰهُمَّ
 فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللّٰغَةَ اَبَدًا لِّقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ (ع)، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ
 فِيْ هَذَا الْيَوْمِ فِيْ مَوْقِفِيْ هَذَا وَاَيَّامِ حَيَاتِيْ بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَاللّٰغَةِ عَلَيْهِمْ،
 وَبِالْمَوَالَاةِ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
 اَجْمَعِيْنَ».

﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

﴿ و بقیه زیارت عاشوراء ﴾

ترجمه:

بار خدایا قرار بده من را در این مقام و مرتبه‌ای که دارم از کسانی که می‌رسد به آنان درودها و رحمت و آمرزشی از توبه ایشان، خداوندا زیستن من را همچون زیستن محمد و آل محمد و مردنم را مانند مردن محمد و آل محمد قرار بده، بار خدایا بدرستی که امروز، روزی است که لعنت بر دودمان زیاد و امیه و پسر خورنده جگرها یعنی ملعون بن ملعون بوسيله زبان پیامبرت فرود آمده در هر سرزمین و مکانی که پیامبرت ﷺ در آن وقوف و درنگ داشته باشد، خداوندا ابوسفیان و معاویه و یزید پسر معاویه را برای همیشه مورد لعنت قرار بده، خداوندا لعنت خود را بر ایشان برای ابد چند برابر نما زیرا ایشان حسین را کشتند، بار خدایا بدرستی که من در این روز و در این مکان و در طول مدت زندگانیم بواسطه بی‌زاری از ایشان و درخواست لعنت بر ایشان و به واسطه دوست داشتن پیامبرت یعنی حضرت محمد و دوست داشتن اهل بیت پیامبرت صلی الله علیه و علیهم اجمعین به تو تقرب می‌جویم.

متن:

ثُمَّ تَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ:

«اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ [أَعْدَاءَهُ] عَلَى قَتْلِهِ وَقَتْلِ أَنْصَارِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً».

ثُمَّ قُلْ مِائَةَ مَرَّةٍ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ،

وَأَنَاخْتُ بِرِخْلِكَ، عَلَيْكُمْ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ
وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمْ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ
وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ».

﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

﴿ و بقیه زیارت عاشوراء ﴾

ترجمه:

سپس صد مرتبه بگو:

بار خدایا لعنت نما اولین ستمگری را که با گرفتن حق محمد و آل محمد به
ایشان ستم و ظلم نمود و آخرین کسی که از این ستمگران در گرفتن حق ایشان
تبعیت کرد، خداوندا لعنت نما گروهی را که حسین علیه السلام را انکار کرده و آن جناب
را نپذیرفته و دشمنان حضرت را تبعیت کرده و با آنان بیعت نموده و بر قتل آن
حضرت و کشتن یارانش با ایشان هم قسم شدند، خداوندا همگی آنان را لعنت
نما و از رحمتت دورشان بگردان.

پس از آن صد مرتبه بگو:

سلام بر تو ای ابا عبدالله و بر ارواح طیبه ای که اطرافت را گرفته و در مأوای
و مکان تو فرود آمده و اقامت نموده اند، از جانب من سلام و تحیت و رحمت
خدا همیشه بر شما باد تا مادامی که من باقی بوده و شب و روز مستمر می باشند،
و این زیارت را آخرین زیارت من قرار مده، سلام بر حسین و بر علی بن
الحسین و بر یاران حسین صلوات و رحمت خدا بر ایشان همگی باد.

متن:

ثم تقول مرة واحدة:

«اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِيِّكَ بِاللَّعْنِ، ثُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ وَ أَبَاهُ، وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ، وَ آلَ مَرْوَانَ وَ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

ثم تسجد سجدة تقول فيها:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ عَلَى مُصَابِهِمْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ مُصَابِي وَ رَزَيْتِي فِيهِمْ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَ ثَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ -».

قال علقمة: قال أبو جعفر الباقر عليه السلام: يا علقمة إن استطعت أن تزوره في كل يوم بهذه الزيارة من دهرك فافعل، فلك ثواب جميع ذلك إن شاء الله تعالى».

﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

﴿ و بقیه زیارت عاشوراء ﴾

ترجمه:

سپس یک مرتبه بگو:

بار خدایا تو اختصاص بده به لعن نمودن اولین کسی را که به اهل بیت پیغمبرت ستم کرده سپس لعن نما دشمنان آل محمد را از اولین و آخرین، خدایا یزید و پدرش را لعن فرما و عبیدالله بن زیاد و دودمان مروان و همه بنی امیه را تا روز قیامت لعن بکن.

سپس به سجده برو و در آن بگو:

بار خدایا تو را ستایش می‌کنیم ستایش سپاس گزاران بر مصیبتی که بر آنان وارد می‌شود، حمد و ستایش خدا بر گرانی مصیبت و عزاداری من، خدایا شفاعت امام حسین علیه السلام را در روز ورود به جهان آخرت نصیب نما و قدم راستی را در نزد خودت همراه امام حسین علیه السلام و اصحاب حضرتش برای من ثابت بگردان، آن اصحابی که جانشان را در برابر امام حسین علیه السلام ایثار نمودند، صلوات و رحمت خدا بر همه آنها باد.

علقمه می‌گوید: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام فرمودند: ای علقمه اگر بتوانی هر روز با این زیارت امام حسین علیه السلام را زیارت کنی البته این کار را انجام بده که انشاء الله تمام ثواب‌هایی که ذکر شده برای تو منظور گردد.



﴿ الباب الثانی و السبعون ﴾

﴿ ثواب زیارة الحسین علیه السلام فی النصف من شعبان ﴾

متن:

۱ - حدثني أبي؛ و علي بن الحسين؛ و محمد بن يعقوب - رحمهم الله - جميعاً، عن علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه - عن بعض أصحابه - عن هارون بن خازجة، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إذا كان النصف من شعبان نادى منادٍ من الأفق الأعلى: زائري الحسين أرجعوا مغفوراً لكم، ثوابكم على الله ربكم و محمد نبيكم».

﴿ باب هفتاد و دوم ﴾

﴿ ثواب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین و محمد بن یعقوب رحمة الله علیهم جملگی از علی ابن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از برخی اصحابش، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هنگامی که نیمه شعبان می شود از افق اعلی منادی نداء می کند: ای زائرین حسین علیه السلام به اهل خود برگردید در حالی که آمرزیده شده اید، ثواب و اجر شما پر خدا است که پروردگار شما بوده و بر محمد است که پیغمبر شما می باشد.



متن:

۲- حدیثی ابی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن الحسن بن علی الزیتونی؛ و غیره، عن احمد بن هلال، عن محمد بن ابی عمیر - رحمه الله - عن حماد بن عثمان، عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام، و الحسن بن محبوب، عن ابی حمزة، عن علی بن الحسین علیه السلام «قالا: من أحب أن يضافحه مائة ألف نبی و أربعة و عشرون ألف نبی فليزر قبر ابی عبدالله الحسین بن علی علیه السلام فی النصف من شعبان، فإن ارواح النبیین علیهم السلام يستأذنون الله فی زیارته فیؤذن لهم منهم خمسة أولوالعزم من الرسل، قلنا: من هم؟ قال: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی؛ و محمد صلی الله علیهم أجمعین، قلنا له: ما معنی أولی العزم، قال: بعثوا إلى شرق الأرض و غربها؛ جنّها و إنسها».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی زیتونی و غیرش، از احمد بن هلال، از محمد بن ابی عمیر رحمه الله علیه، از حماد بن عثمان، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام.

و حسن بن محبوب، از ابی حمزة، از حضرت علی بن الحسین علیه السلام.

این دو امام بزرگوار فرمودند:

کسی که دوست دارد صد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کنند باید قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام را در نیمه ماه شعبان زیارت کند چه آنکه ارواح انبیاء علیهم السلام از خدا اذن گرفته تا آن جناب را زیارت کنند پس به ایشان اذن داده

می شود، پنج تن از ایشان اولوا العزم هستند.

عرض کردیم: ایشان چه کسانی هستند؟

امام علیه السلام فرمودند: حضرات نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیهم اجمعین.

محضر مبارکش عرضه داشتیم: معنای اولوا العزم چیست؟

حضرت فرمودند:

یعنی مبعوث شده اند به شرق و غرب زمین، به جن و انس.

مترجم گوید:

از ذیل این حدیث این طور استفاده می شود که پیامبر اولوا العزم یعنی پیامبری که رسالتش محدود و منحصر به گروهی دون گروهی دیگر و سرزمینی دون سرزمین دیگر نبوده بلکه عمومی و گسترده می باشد.

متن:

۳- حدّثنی أبی - رحمه الله - و جماعة مشایخی، عن محمد بن یحیی

العطّار، عن محمد بن الحسن، عن ابراهیم بن هاشم، عن صندل، عن

هارون ابن خارجه، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إذا كان النصف من شعبان نادى مناد من الأفق الأعلى: زائري الحسين أرجعوا مغفوراً لكم، ثوابكم على [الله] ربكم و محمد نبيكم».

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتید من، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن الحسن، از ابراهیم بن هاشم، از صندل، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند:

هنگامی که نیمه شعبان شود از افق اعلی منادی نداء می کند... تا آخر حدیث بشرحی که در حدیث اول گذشت.



متن:

۴ - و رواه صافی البرقی، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من زار أبا عبد الله عليه السلام ثلاث سنين متواليات لا فصل فيها في النصف من شعبان غفر له ذنوبه».

ترجمه: ﴿ حدیث چهارم ﴾

صافی برقی، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام حضرت فرمودند: کسی که حضرت ابا عبد الله عليه السلام را سه سال پشت سرهم که بینشان فاصله نباشد در نیمه شعبان زیارت کند گناهانش آمرزیده می شود.

متن:

۵ - و بإسناده عن داود بن كثير الرقيّ «قال: قال الباقر عليه السلام: زائر الحسين عليه السلام في النصف من شعبان يغفر له ذنوبه، و لن يكتب عليه سيئة

فی سنته حتی یحول علیه الحول، فإن زار فی السنة المقبلة غفر الله له ذنوبه».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

و پدرم به استادش، از داود بن کثیر رقی، وی گفت: حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند:

گناهان کسی که در نیمه شعبان امام حسین علیه السلام را زیارت کند آمرزیده می شود و در آن سال گناه و لغزشی برایش نوشته نمی شود تا سال تمام گردد و اگر در سال آینده حضرت را زیارت کرد گناهانش آمرزیده می گردد.



متن:

۶ - حدیثی جماعة مشایخی، عن محمد بن یحیی العطار، عن الحسين ابن ابی سارة المدائنی، عن یعقوب بن یزید، عن ابن ابی عمیر، عن عبدالرحمن ابن الحجاج - أو غیره اسمه الحسين - قال: «قال أبو عبدالله علیه السلام: من زار قبر الحسين علیه السلام ليلة من ثلاث لیل غفر الله له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخر، قال: قلت: أیّ اللیالی جعلت فداک؟ قال: ليلة الفطر، و ليلة الأضحی، و ليلة النصف من شعبان».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی عطار، از حسین بن ابی سارة المدائنی، از یعقوب بن یزید، از ابن ابی عمیر، از عبدالرحمن بن حجاج یا غیر او که اسمش حسین می باشد، وی گفت حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در یکی از سه شب زیارت کند

خداوند منان گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.
 راوی گفت: عرض کردم: فدایت شوم آن سه شب کدام می باشد:
 حضرت فرمود: شب عید فطر، شب عید قربان، شب نیمه ماه شعبان.

متن:

۷- و حدَّثنی اَبی - رحمه الله - و علی بن الحسین؛ و جماعة مشایخی،
 عن سعد بن عبد الله، عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد،
 عن القاسم بن يحيى، عن جده الحسن بن راشد، عن يونس بن ظبيان
 «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: من زار الحسين عليه السلام ليلة النصف من شعبان، و
 ليلة الفطر، و ليلة عرفة في سنة واحدة كتب الله له ألف حجة مبرورة و
 ألف عمرة متقبلة، و قضيت له ألف حاجة من حوائج الدنيا و الآخرة».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبد الله،
 از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد، از قاسم بن یحیی، از جدش
 حسن بن راشد، از یونس بن ظبیان، وی می گوید:
 حضرت ابو عبد الله عليه السلام فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین عليه السلام را شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب
 عرفة در یکسال زیارت کند خداوند متعال ثواب هزار حج و هزار عمره قبول
 شده برایش می نویسد، و هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرش روا می گردد.

﴿ فصل ما يجب العمل به ليلة النصف من شعبان ﴾

متن:

۸ - سالم بن عبد الرحمن، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من بات ليلة النصف من شعبان بأرض كربلاء فقرأ ألف مرة «قل هو الله أحد» و يستغفر الله ألف مرة و يحمد الله ألف مرة، ثم يقوم فيصلي أربع ركعات يقرأ في كل ركعة ألف مرة آية الكرسي، وكل الله تعالى به ملكين يحفظانه من كل سوء، و من شر كل شيطان و سلطان، و يكتبان له حسناته و لا تكتب عليه سيئة و يستغفران له ما دأب معه».



مرکز تحقیقات اسلامی
﴿ فصل ﴾

﴿ در بیان اعمال نیمه ماه شعبان ﴾

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

سالم بن عبد الرحمن، از حضرت ابا عبد الله عليه السلام، آن حضرت فرمودند: کسی که شب نیمه شعبان به زمین كربلاء رفته و در آنجا هزار مرتبه قل هو الله احد خوانده و هزار مرتبه استغفار نموده و هزار مرتبه الحمد لله بگوید سپس ایستاده و چهار رکعت نماز خوانده و در هر رکعت هزار مرتبه آیه الكرسي قرائت نماید خداوند متعال دو فرشته را بر او موکل کند که وی را از هر سوء و بدی و از شر هر شیطان و سلطانی حفظ کنند و حسنات او را نوشته ولی گناهانش را نمی نویسند و تا زمانی که با وی می باشند برای او طلب آموزش می نمایند.

متن:

۹ - حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن يعقوب ابن يزيد، عن محمد بن أبي عمير، عن زيد الشحام، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: من زار قبر الحسين عليه السلام في النصف من شعبان غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری از پدرش، از یعقوب بن زید از محمد بن ابا عمیر، از زید شحام، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، حضرت فرمودند: کسی که قبر مطهر حضرت امام حسین عليه السلام را در نیمه شعبان زیارت کند حقتعالی گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.

مرکز تحقیقاتی و تبلیغی علوم اسلامی

متن:

۱۰ - حدثني ابو عبد الله محمد بن احمد بن يعقوب بن اسحق بن عمار، عن علي بن الحسن بن علي بن فضال، عن محمد بن الوليد، عن يونس بن يعقوب «قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: يا يونس ليلة النصف من شعبان يغفر الله لكل من زار الحسين عليه السلام من المؤمنين ما تقدم من ذنوبهم و ما تأخر، و قيل لهم: استقبلو العمل، قال: قلت: هذا كله لمن زار الحسين عليه السلام في النصف من شعبان؟ فقال: يا يونس لو اخبرت الناس بما فيها لمن زار الحسين عليه السلام لقامت ذكور الرجال على الخشب».

﴿ فصل ﴾

﴿ در بیان اعمال نیمه ماه شعبان ﴾

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

ابو عبدالله محمد بن احمد بن یعقوب بن اسحاق بن عمار، از علی بن الحسن ابن علی بن فضال، از محمد بن ولید، از یونس بن یعقوب، وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای یونس، در شب نیمه شعبان خداوند متعال گناهان گذشته و آینده هر مؤمنی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در آن شب زیارت کند می‌آمرزد و به ایشان گفته می‌شود:



شروع به انجام عمل کنید.

راوی می‌گوید: محضر مبارکش عرض کردم: این همه عنایت و لطف برای کسی است که امام حسین علیه السلام را در نیمه شعبان زیارت کند؟ حضرت فرمودند:

ای یونس اگر مردم را خبر دهم به فضیلتی که در زیارت این شب است قطعاً مردان بر چوب سوار شده و خود را به سر قبر مطهرش می‌رسانند.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيَكٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: مَنْ زَارَ [قَبْرَ] الْحُسَيْنِ عليه السلام لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ مَنْ زَارَهُ يَوْمَ عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حُجَّةٍ

مقبلة و ألف عمرة مبرورة، و من زاره يوم عاشوراء فكأنما زار الله فوق عرشه».

ترجمه: ﴿ حدیث یازدهم ﴾

جعفر بن محمد بن عبدالله بن موسی، از عبیدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از زید شحام، از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام آن حضرت فرمودند: کسی که در شب نیمه شعبان قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد و کسی که قبر مطهرش را روز عرفة زیارت کند خداوند متان ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول را برایش می نویسد و کسی که در روز عاشوراء آن حضرت را زیارت کند مانند کسی است که حق تعالی را بالای عرشش زیارت کرده است.

مرکز تحقیقات علمی و پژوهشی

﴿ الباب الثالث و السَّبْعُونَ ﴾

﴿ ثواب من زار الحسين علیه السلام فی رجب ﴾

متن:

۱- حدَّثني أبو علي محمد بن همام بن سهيل، عن أبي عبد الله جعفر ابن محمد بن مالك، عن الحسن بن محمد الأبرزاري، عن الحسن بن محبوب، عن احمد بن محمد بن أبي نصر البرزني «قال: سألت أبا الحسن الرضا علیه السلام في أي شهر نزور الحسين علیه السلام؟ قال، في النصف من رجب و النصف من شعبان».

و رواه احمد بن هلال، عن احمد بن محمد بن أبي نصر، عن أبي

الحسن الرضا علیه السلام مثله، غیر آنه قال: «أَيَّ الْأَوْقَاتِ أَفْضَلُ أَنْ تَزُورَ فِيهِ الْحُسَيْنَ علیه السلام».

﴿ باب هفتاد و سوم ﴾

﴿ ثواب کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در رجب زیارت کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

ابو علی محمد بن همام بن سهیل، از ابی عبدالله جعفر بن محمد بن مالک، از حسن بن محمد ابزاری، از حسن بن محبوب، از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، وی می گوید: از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام پرسیدم:

در چه ماهی حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم؟

حضرت فرمودند:

در نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان.

و احمد بن هلال، از احمد بن ابی نصر، از ابی الحسن الرضا علیه السلام مثل همین روایت را نقل کرده است با این تفاوت که سائل در سؤال پرسیده است:

کدام یک از اوقات افضل است به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برویم؟

متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام يَوْمَ عَرَفَةَ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حَجَّةٍ وَأَلْفِ عُمْرَةٍ وَأَلْفِ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مَرْسَلٍ، وَ مَنْ زَارَهُ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ الْبُتَّةُ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل ابن بزیع، از صالح بن عقبه، از بشیر دهقان از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را روز غرّه زیارت کرده در حالی که به حقش عارف باشد خداوند منان ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهادی که در رکاب نبی مرسل نموده را برایش می نویسد و کسی که آن حضرت را روز اول رجب زیارت کند البته حق تعالی او را می آمرزد.

﴿ الباب الرابع والسبعون ﴾

﴿ ثواب من زار الحسين عليه السلام في غير يوم عيد ولا عرفة ﴾

متن:

۱ - حدّثنی محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن محمد بن اسماعيل، عن صالح بن عقبه، عن بشير الدهان «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: أيما مؤمن زار الحسين عليه السلام عارفاً بحقه في غير عيد ولا عرفة كتب الله له عشرين حجة، وعشرين عمرة مبرورات متقبّلات، وعشرين غزوةً مع نبي مرسل أو إمام عدل».

﴿ باب هفتاد و چهارم ﴾

﴿ ثواب کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را در غیر روز عید ﴾

﴿ و عرفه زیارت کند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل،

از صالح بن عقبه، از بشیر دهان، وی گفت:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

هر مؤمنی که امام حسین علیه السلام را در غیر روز عید و عرفه زیارت کند در حالی که

به حق آن حضرت آگاه و مطلع باشد خداوند متعال ثواب بیست حج و بیست

عمره مقبول و بیست جهاد در رکاب نبی صلی الله علیه و آله یا امام عادل برایش می نویسد.

مرکز تحقیقات اسلامی قم

متن:

۲ - و عنه، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن صالح، عن عبدالله

ابن هلال، عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: قلت: جعلت فداك ما أدنى مالزائر

الحسين علیه السلام؟ فقال لي: يا عبدالله إن أدنى ما يكون له أن الله يحفظه في

نفسه و ماله حتى يردّه إلى أهله، فإذا كان يوم القيامة كان الله الحافظ

له».

حدّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن

عيسى، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن صالح - مثل حديثه الأول في

الباب - .

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه‌اش با سند دیگر در باب چهل و نهم ذیل حدیث شماره پنجم قبلاً ذکر شد.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ ابْنِ عِيسَى؛ وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنْ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْبُوفَكِيِّ، عَنْ صَنْدَلٍ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي كُلِّ جُمُعَةٍ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ الْبُتَّةُ، وَلَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا وَ فِي نَفْسِهِ حَسْرَةٌ مِنْهَا، وَ كَانَ مَسْكَنُهُ فِي الْجَنَّةِ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام، ثُمَّ قَالَ: يَا دَاوُدَ مَنْ لَا يُسْرُهُ أَنْ يَكُونَ فِي الْجَنَّةِ جَارَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قُلْتُ: مَنْ لَا أَفْلَحَ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی و از احمد بن ادريس، از عمرکی بن علی البوفکی، از صندل، از داود بن یزید، از حضرت ابی عبدالله عليه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که قبر حضرت امام حسین عليه السلام را در هر جمعه زیارت کند البته حق تعالی او را می‌آمرزد و از دنیا خارج نمی‌شود در حالی که از دنیا حسرتی در خاطر داشته باشد و مکانش در بهشت با حضرت ابا عبدالله الحسین عليه السلام می‌باشد، سپس فرمودند:

ای داود چه کسی است که دوست نداشته باشد در بهشت همسایه حسین عليه السلام

باشد؟

داود می گوید: عرض کردم: کسی که رستگار نباشد.

متن:

۴- و عنه، عن احمد بن إدريس، عن العمرکی، عن صندل، عن داود ابن فرقد «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما لمن زار الحسين عليه السلام في كل شهر من الثواب؟ قال له: [من الثواب] ثواب مائة ألف شهيد مثل شهداء بدر».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

و از پدرم، از احمد بن ادریس، از عمرکی، از صندل، از داود بن فرقد، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم: ثواب کسی که در همراه حسین علیه السلام را زیارت کند چیست؟
حضرت فرمودند:

برای او ثواب صد هزار شهید مانند شهداء بدر می باشد.

متن:

۵- و بإسناده عن صندل، عن أبي الصباح الكناني، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إذا كان ليلة القدر فيها يفرق كل أمر حكيم نادى منادٍ تلك الليلة من بطنان العرش: إنَّ الله قد غفر لمن زار قبر الحسين عليه السلام في هذه الليلة».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم به اسنادش از سندل، از ابی الصباح کنانی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند:

هنگامی که شب قدر فرا برسد یعنی شبی که در آن کارهای مصلحت آمیز عباد توزیع و تفریق می گردد از طرف عرش منادی نداء می کند:

خداوند متعال در این شب گناهان کسی را که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفته می آمرزد.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ ابْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَبِّمَا فَاتَنِي الْحَجَّ فَاعْرِفْ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: أَحْسَنْتَ يَا بَشِيرُ، أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ فِي غَيْرِ يَوْمٍ وَلَا عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرِينَ حَجَّةً، وَ عَشْرِينَ عَمْرَةً مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ، وَ عَشْرِينَ غَزْوَةً مَعَ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ، وَ مِنْ أَتَاهُ فِي يَوْمِ عِيدٍ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ -».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه اش با سند دیگر در باب هفتادم ذیل حدیث شماره یک قبلاً ذکر شد.

﴿ الباب الخامس و السبعون ﴾
 ﴿ من اغتسل فی الفرات و زار الحسین علیه السلام ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى
 الْعَطَّارِ، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ النَّيْسَابُورِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ
 الْيَمَانِيِّ، عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ، عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ اغْتَسَلَ بِمَاءِ الْفَرَاتِ وَ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَانَ
 كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ صَفْرًا مِنْ الذُّنُوبِ وَ لَوْ اقْتَرَفَهَا كِبَائِرُ [وَ كَانُوا] يُحِبُّونَ
 إِذَا زَارَ الرَّجُلُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام اغْتَسَلَ وَ إِذَا وَدَّعَ لَمْ يَغْتَسِلْ وَ مَسَحَ يَدَهُ
 عَلَى وَجْهِهِ إِذَا وَدَّعَ».

مرکز تحقیقات کتب ویراستاری

﴿ باب هفتاد و پنجم ﴾
 ﴿ ثواب کسی که در فرات غسل کرده و به ﴾
 ﴿ زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود ﴾
 ﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی
 عطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبدالله بن محمد یمانی، از منیع بن
 حججاج، از یونس، از صفوان جمال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت
 فرمودند:

کسی که در آب فرات غسل کند و قبر حسین علیه السلام را زیارت نماید مانند روزی
 است که مادر او را خالی از گناهان زائیده اگرچه مرتکب گناهان کبیره هم شده

باشد و ما دوست داریم که شخص وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می رود غسل کرده و هنگام وداع غسل نکند بلکه دستش را بر صورتش بکشد.

متن:

۲ - حدیثی محمد بن جعفر القرشی الرزازی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن إسماعیل بن بزيع، عن صالح بن عقبه، عن بشير الدّهان: قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام في حديث طويل - «قال: ويحك! يا بشير إن المؤمن إذا أتى قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه فاغتسل في الفرات ثم خرج كتب له بكل خطوة حبة و عمرة مبرورات متقبّلات، و غزوة مع نبي مرسل، أو إمام عدل».



ترجمه: **حدیث دوم**

محمد بن جعفر قرشی رزازی، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزيع، از صالح بن عقبه، از بشير دهان، وی گفت:
محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم (در ضمن حدیث طولانی) ...

حضرت فرمودند:

وای بر تو، ای بشیر هرگاه مؤمن به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود و به حق آن جناب آگاه باشد پس در فرات غسل کند و از آن خارج گردد حق تعالی در مقابل هر قدمی که بر می دارد یک حج و یک عمره مقبول برایش می نویسد و نیز ثواب یک جهاد در رکاب نبی مرسل، یا امام عادل برای او منظور می فرماید.

متن:

۳- حدَّثني أبي - رحمه الله - عن محمد بن يحيى؛ و احمد بن إدريس، عن العمرکی بن علی، عن يحيى - وكان في خدمة الإمام أبي جعفر الثاني عليه السلام - عن محمد بن سنان، عن بشير الدَّهَّان «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام و هو نازل بالحيرة و عنده جماعة من الشيعة فأقبل إلى بوجهه فقال: يا بشير حججت العام؟ قلت: جعلت فداك لا، ولكن عرفت بالقبر - قبر الحسين عليه السلام - فقال: يا بشير و الله ما فاتك شيء مما كان لأصحاب مكة بمكة، قلت: جعلت فداك فيه عرفات فسرتي؟ فقال: يا بشير إن الرجل منكم ليغتسل على شاطئ الفرات ثم يأتي قبر الحسين عليه السلام عارفاً بحقه فيعطيه الله بكل قدم يرفعها أو يضعها مائة حجة مقبولة و معها مائة عمرة مبرورة، و مائة غزوة مع نبي صلى الله عليه وآله مرسل إلى أعداء الله و أعداء الرسول - و ذكر الحديث -».

﴿ حدیث سوّم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه اش در باب هفتادم ذیل حدیث شماره نه قبلاً ذکر شد.

متن:

۴- و حدَّثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن علي ابن محمد ابن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصري، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم قال: حدَّثنا هشام بن سالم، عن أبي

عبداللہ ﷺ - فی حدیث له طویل - «قال: أتاه رجل فقال له: هل يُزار والدک؟ فقال: نعم، فقال: ما لمن اغتسل بالفرات ثم؟ أتاه؟ قال: إذا اغتسل من ماء الفرات و هو یريده تساقطت عنه خطایاه کیوم ولدته أمّة - و ذکر الحدیث بطوله -».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمہ:

مترجم می گوید:

این حدیث با ترجمه اش در باب چهل و چهارم ذیل حدیث شماره دو قبلاً ذکر شد.



متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنُ مُوسَى التَّلْعَكَبَرِيُّ، عَنْ أَبِي عَلِيٍّ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ بْنِ سُهَيْلٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مَائِنَدَادٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُعَاوَاةِ التَّغْلِبِيِّ، مِنْ أَهْلِ رَأْسِ الْعَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمَّانِيِّ «قال: سمعت عليّ بن محمد العسكري عليه السلام يقول: من خرج من بيته يريد زيارة الحسين عليه السلام فصار إلى الفرات فاغتسل منه كتب الله [من المفلحين، فإذا سلم عليّ أبي عبد الله كتب من الفائزين، فإذا فرغ من صلاته أتاه ملك فقال له:] إن رسول الله ﷺ يقرؤك السلام و يقول لك: أمّا ذنوبك فقد غفر لك استأنف العمل».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمہ:

ابو محمد هارون بن موسی تلککبری، از ابی علی محمد بن همام بن سهیل، از احمد ابن مائنداد، از احمد بن معاویہ تغلبی که از اهل شهر رأس العین بود، از علی

بن جعفر هَمَّانی، وی می گوید:

از حضرت علی بن محمد العسکری علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
کسی که از خانه اش بیرون بیاید و قصدش زیارت حضرت امام حسین علیه السلام باشد پس به فرات برسد و از آن غسل کند خداوند متعال او را از رستگاران می نویسد و وقتی بر ابی عبدالله الحسین علیه السلام سلام دهد او را از فائزین قلمداد می کند و وقتی از نمازش فارغ شود فرشته ای نزد او آمده و به او می گوید:
رسول خدا صلی الله علیه و آله به تو سلام می رساند و می فرماید:
اما گناهانت تمام آمرزیده شد پس عمل را از ابتداء شروع کن.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي حُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلَوِيَّةِ الْإِسْفَهَانِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ - رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام - «أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ غَسْلِ الزِّيَارَةِ إِذَا فَرَّغَ:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَ طَهُورًا وَ حِرْزًا، وَ كَافِيًا مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ، وَ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ وَ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَ جَوَارِحِي وَ لَحْمِي، وَ دَمِي وَ شَعْرِي، وَ بَشْرِي وَ مَخْيِي وَ عِظَامِي وَ عَصَبِي، وَ مَا أَقْلَتِ الْأَرْضُ مِنِّي فَاجْعَلْهُ لِي شَهِيدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ يَوْمَ حَاجَتِي وَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از احمد بن علویة الاصفهانی، از ابراهیم بن محمد ثقفی بطور مرفوعه از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:
حضرت امام صادق علیه السلام هنگام فراغت از غسل زیارت می فرمودند:
بار خدایا این آب را برایم نور و طهور و حرز و تعویذ و پناهگاهم قرار بده، و

آن را کفایت کننده از هر دردی و عیبی گردان، و آن را شفا دهنده از هر آفت و آسیبی تقدیرنما، و به واسطه آن قلب و اعضاء و گوشت و خون و موی و پوست و مغز و استخوان و رگ من را پاکیزه گردان و آنچه را که زمین از من می کاهد و در خود پنهان می نماید را در روز قیامت یعنی روز حاجت و نیاز و تهی دستی من شاهدم قرار بده.

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ بْنُ سُهَيْلٍ الْإِسْكَافِيُّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ابْنِ - مَالِكِ الْفَزَارِيِّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الرَّوَاسِيِّ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام فَتَوَضَّأَ وَاغْتَسَلَ فِي الْفَرَاتِ لَمْ يَرْفَعْ قَدَمًا وَلَمْ يَضَعْ قَدَمًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَجَّةً وَ عَمْرَةً».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن همام بن سهیل اسکافی، از جعفر بن محمد بن مالک فزاری، از حسن بن عبدالرحمن رواسی، از کسی که برایش حدیث گفته، از بشیر دهان، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت حسین بن علی علیه السلام برود و وضوء گرفته و در فرات غسل نماید قدمی از زمین برنداشته و روی آن قدمی نمی گذارد مگر آنکه حق تعالی ثواب یک حج و یک عمره برایش منظور می فرماید.

متن:

۸- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِيعًا، عَنْ الْحُسَيْنِ ابْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ قُضَائِلَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ

يوسف الكُنَاسِي، عن أبي - عبد الله عليه السلام «قال: إذا أتيت قبرَ الحسين عليه السلام فأتتِ الفُراتَ و اغتَسِلَ بِحِیالِ قبره».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن الحسن جميعاً، از حسين بن الحسن بن ابان، از حسين بن سعيد، از فضالة بن ايوب، از يوسف كناسي، از حضرت ابي عبد الله عليه السلام، حضرت فرمود:

هنگامي كه به زيارت قبر حسين بن علي عليه السلام رفتي پس ابتداء به فرات برو در مقابل قبر آن حضرت غسل نما.



متن:

۹ - حدثني جعفر بن محمد بن ابراهيم بن عبد الله الموسوي، عن عبيد الله بن نهيك، عن محمد الفُراش، عن ابراهيم بن محمد الطَّحَّان، عن بشير الدَّهَّان، عن رِفاعَةَ بن موسى النَّخَّاس، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إِنَّ مَنْ خَرَجَ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَارِفاً بِحَقِّهِ وَ بَلَغَ الْفُرَاتَ وَ اغْتَسَلَ فِيهِ وَ خَرَجَ مِنَ الْمَاءِ كَمَا كَانَ كَمِثْلَ الَّذِي خَرَجَ مِنَ الذُّنُوبِ، فَإِذَا مَشَى إِلَى الْحَائِرِ لَمْ يَرْفَعْ قَدَمًا وَ لَمْ يَضَعْ أُخْرَى إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَى عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهيم بن عبد الله موسوي، از عبد الله بن نهيك، از محمد الفُراش، از ابراهيم بن محمد طحَّان، از بشير دهَّان، از رفاعه بن موسى

نَحَاس، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفته و به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد در صورتی که به فرات رسید و در آن غسل کرد و از آب خارج شد مثل کسی است که از گناهان خارج و پاک شود، و وقتی به طرف حائر قدم بردارد قدمی از زمین برداشته و قدمی بر روی زمین نمی گذارد مگر آنکه حق تعالی ده حسنه برایش نوشته و ده گناه از او محو می فرماید.

﴿الباب السادس السبعون﴾

﴿الرخصة في ترك الفسل لزيارة الحسين عليه السلام﴾

متن:

۱- حدّثنی اُبی؛ وأخی، عن الحسن بن متویه بن السّندی، عن أبیه قال: حدّثنی محمد بن الحسین بن اُبی الخطّاب بالكوفة، عن صفوان بن یحیی، عن العیص بن القاسم البجلی «قال: قلت لأبی عبد الله عليه السلام: مَنْ زارَ الحسین بن علی عليه السلام علیه غُسل؟ قال: فقال: لا».

﴿باب هفتاد و ششم﴾

﴿جواز ترك غسل برای زیارت امام حسین علیه السلام﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدر و برادر، از حسن بن متویه بن السّندی، از پدرش، وی گفت: محمد بن الحسین بن ابی الخطّاب در کوفه برایم حدیث گفت، از صفوان بن یحیی، از عیص بن القاسم البجلی، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: بر کسی که زیارت حسین بن علی علیه السلام می رود غسل واجب است؟
راوی گفت: حضرت فرمودند: خیر.

متن:

وَحَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِثْلَهُ.

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از محمد بن الحسین ابن ابی الخطاب، از صفوان، از عیص بن القاسم، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ الْعِيصِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِثْلَهُ.

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن عبد الجبار، از صفوان، از عیص، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

۲- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ ابْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنْ أَبِي الْيَسَعِ «قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَ أَنَا أَسْمَعُ - عَنِ الْغُسْلِ إِذَا أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَقَالَ: لَا».

حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ؛ وَ غَيْرِهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْيَسَعِ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِنَفْسِهِ -

﴿ حَدِيثِ دَوِّم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عباس بن معروف، از عبدالله بن مغیره، از ابی الیسع، وی گفت: شخصی از حضرت ابو عبدالله علیه السلام سؤال کرد و من نیز می شنیدم، وی پرسید: زائر وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می رود باید غسل کند؟ حضرت فرمودند: خیر.

جماعتی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبدالله، از محمد بن الحسین، از ایوب بن نوح و غیرش از عبدالله بن مغیره نقل کرده، وی گفت: ابوالیسع برای ما حدیثی گفت و همین حدیث را عیناً برای ما نقل کرد.

متن:

وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ؛ وَ غَيْرِهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنْ أَبِي

الْيَسَعَ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَ ذَكَرَهُ مِثْلَهُ - .

ترجمه:

محمد بن احمد بن الحسين، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی، از ایوب بن نوح و غیرش، از عبد الله بن مغیره، از ابی الیسع، وی گفت:
شخصی از حضرت ابا عبد الله علیه السلام سؤال کرد.... و مثل همان سؤال و جواب در حدیث قبل را ذکر نمود.

متن:

۳- حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مَشَائِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي زَاهِرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنِ الْعِصَمِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عليه السلام عَلَيْهِ غُسْلٌ؟ قَالَ: لَا».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی عطّار، از احمد بن ابی زاهر، از محمد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از صفوان بن یحیی، از سیف بن عمیره، از عیص بن قاسم البجلی، وی گفت:
محضر مبارک حضرت ابو عبد الله علیه السلام عرض کردم: آیا بر کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می رود غسل واجب است؟
حضرت فرمودند: خیر.

متن:

۴- حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْكَاطِمِ بْنِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ (عليه السلام)، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيَكٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ السَّابِقِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) «قَالَ: إِذَا كُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا - يَعْنِي الْحُسَيْنَ (عليه السلام) - فَإِنْ أَصَبْتَ غُسْلًا فَاغْتَسِلْ، وَإِلَّا فَتَوَضَّأْ ثُمَّ ائْتِهِ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبیداللہ بن موسیٰ الکاظم بن جعفر الصادق (علیه السلام)، از عبیداللہ بن نهیک، از محمد بن زیاد، از ابوحنیفه سابق (یعنی سعید بن بیان)، از یونس بن عمار، از حضرت ابو عبد الله (علیه السلام)، حضرت فرمودند: وقتی نزدیک آن حضرت (یعنی حضرت امام حسین (علیه السلام)) شدی اگر به آب دست یافتی و خواستی غسل کن و الا وضوء بگیر و سپس به زیارت حضرتش برو.

متن:

۵- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةَ أَبِي نَابٍ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الْغُسْلِ إِذَا أَتَيْتُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)، قَالَ: لَيْسَ عَلَيْكَ غُسْلٌ».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن احمد بن یعقوب، از علی بن الحسن بن فضال، از عباس بن عامر، از حسن بن عطیة ابی ناب، وی می گوید:
از حضرت ابا عبدالله علیه السلام پرسیدم
هنگامی که به زیارت قبر حضرت علیه السلام می روم آیا بر من غسل لازم است؟
حضرت فرمودند: بر تو غسل نمی باشد.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ الزُّبَيْرِ الْقَطَّارِيُّ بِإِسْنَادٍ لَهُ - يَرْفَعُهُ إِلَى الصَّادِقِ علیه السلام - «قَالَ: قُلْتُ: رُبَّمَا أَتَيْنَا قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَيَصْعَبُ عَلَيْنَا الْغَسْلُ لِلزِّيَارَةِ مِنَ الْبَرْدِ أَوْ غَيْرِهِ؟ فَقَالَ علیه السلام: مَنِ اغْتَسَلَ فِي الْفُرَاتِ وَزَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام كُتِبَ لَهُ مِنَ الْفَضْلِ مَا لَا يَحْصَى، فَتَى مَا رَجَعَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي اغْتَسَلَ فِيهِ [و] تَوَضَّأَ وَزَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام كُتِبَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابُ».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

حسن بن زبیرقان الطبری باسنادش به طور مرفوعة امام صادق علیه السلام، وی می گوید:
محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: بسا به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام می رویم و به جهت سرما یا غیر آن غسل زیارت بر ما مشکل می باشد چه کنیم؟
حضرت فرمودند:
کسی که در فرات غسل کرده و حسین علیه السلام را زیارت نماید برایش به اندازه ای

فضيلت منظور می شود که قابل احصاء و شمارش نیست و زمانی که برگردد به آنجائی که غسل کرده و این بار وضوء گرفته و حضرت را زیارت کند همان ثواب و فضيلت برای او نوشته می شود.

﴿ الباب السابع و السبعون ﴾

﴿ اَنْ زَاثَرَى الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِ تَشَيَّعَهُمُ الْمَلَائِكَةُ ﴾
 ﴿ وَ تَسْتَقْبِلُهُمْ وَ تَعُوذُهُمْ إِذَا مَرَضُوا، وَيَشْهَدُونَهُمْ إِذَا مَاتُوا ﴾
 ﴿ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴾



متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي بَرٍّ،
 عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ
 إِبْرَاهِيمَ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ:
 وَكَلَّ اللَّهُ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ شُعْتًا غُيْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ
 الْقِيَامَةِ، فَمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ شَيَّعُوهُ حَتَّى يَبْلُغُوهُ مَأْمَنَهُ، وَإِنْ مَرَضَ
 عَادُوهُ غُدُوَّةً وَ عَشِيَّةً، وَإِنْ مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ
 الْقِيَامَةِ».

﴿ باب هفتاد و هفتم ﴾

﴿ در بیان اینکه ﴾

﴿ زائرین حضرت امام حسین علیه السلام که به حق آن حضرت عارف ﴾

﴿ هستند فرشتگان به مشایعت و استقبالشان رفته و هنگام ﴾

﴿ مرض عیادتشان نموده و در هنگام مرگ بر بالین آنها ﴾

﴿ حاضر شده و برای ایشان تا روز قیامت طلب ﴾

﴿ مغفرت می کنند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد جوهری، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت:

شنیدم که حضرت می فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشته را موکل قبر حضرت امام حسین علیه السلام فرموده که جملگی زولیده و غبارآلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن جناب گریه می کنند، پس کسی که حضرت را زیارت کند و به حق آن حضرت عارف باشد این فرشتگان او را مشایعت کرده تا وی را به منزلش برسانند و اگر بیمار شود صبح و شام عیادتش کرده و اگر فوت کند بر جنازه اش حاضر شده و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش می کنند.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ، عَنْ يَحْيَى بْنِ مُعَمَّرٍ الْعَطَّارِ،

عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: أربعة آلاف ملكٍ شعثٌ غبر
يكون الحسين عليه السلام إلى يوم القيامة فلا يأتيه أحدٌ إلا استقبلوه، ولا يرجع
أحدٌ من عنده إلا شيعوه ولا يمرض أحدٌ إلا عادوه، ولا يموت أحدٌ إلا
شهدوه».

و حدّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد
ابن عيسى، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع بإسناده مثله.
حدّثني أبي - رحمه الله - عن سعد عن محمد بن الحسين، عن موسى بن
سعدان، عن عبد الله بن القاسم، عن عمر بن أبان، عن أبي عبد الله عليه السلام
مثله.



﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از ابی
اسماعیل السّراج، از یحیی بن معمر عطار، از ابی بصیر، از مولانا ابی جعفر عليه السلام،
حضرت فرمودند:

چهار هزار فرشته زولیده و غبار آلود و گرفته بر حضرت امام حسین عليه السلام تا
روز قیامت می‌گیرند پس احدی به زیارت حضرت نمی‌آید مگر آنکه ایشان
استقبالش می‌کنند و احدی از نزد آن جناب بر نمی‌گردد مگر آنکه این فرشتگان
مشایعتش می‌نمایند، و احدی از زوّار آن حضرت بیمار نمی‌شود مگر آنکه این
فرشتگان عیادتش می‌کنند و احدی از زائرین آن مظلوم فوت نمی‌کند مگر آنکه
این فرشته‌ها بر جنازه‌اش حاضر می‌گردند.

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از
محمد بن اسماعیل بن بزيع مثل همین حدیث را نقل کرده است.

پدرم رحمة الله علیه، از سعد، از محمد بن الحسین، از موسی بن سعدان، از عبدالله بن القاسم، از عمر بن ابان از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده است.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيَكٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ سَلَمَةَ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ، عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ إِلَى جَانِبِكُمْ قَبْرًا مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ وَقَضَى حَاجَتَهُ، وَإِنَّ عِنْدَهُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلِكٍ مِنْذُ يَوْمِ قُبُضِ شُعْثَا غُبْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ زَارَهُ شَيْعُوهُ [إِلَى مَأْمِنِهِ]، وَمَنْ مَرَضَ عَادُوهُ، وَمَنْ مَاتَ اتَّبَعُوا جَنَازَتَهُ».

ترجمه: حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:

« حدیث سوم »

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم از عبدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از سلمه صاحب سابری، از ابی الصباح الكنانی وی می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمودند:

در طرف و حوالی شعا قبری است که هیچ غمگینی به زیارتش نرفته مگر خداوند متعال غم او را برطرف کرده و حاجتش را برآورده می کند و در نزد آن قبر چهار هزار فرشته بوده که از زمان شهادت صاحب قبر این فرشتگان به هیتی ژولیده و حالی گرفته و غبارآلود تا روز قیامت بر او می گریند، پس هر کس او را زیارت کند فرشتگان او را مشایعت کرده و اگر مریض شود عیادتش نموده و اگر از دنیا برود جنازه اش را تشییع می کنند.

متن:

۴ - حدَّثني أبي - رحمه الله - و جماعة مشايخي، عن محمد بن يحيى العطار، عن حمدان بن سليمان النسيابوري، عن عبد الله بن محمد اليماني، عن منيع بن الحجاج، عن يونس بن عبد الرحمن، عن صفوان الجمال، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إنَّ الرَّجُلَ إذا خرج من منزله يريد زيارة الحسين عليه السلام شيعته سبعمائه ملكٍ من فوق رأسه و من تحته، و عن يمينه و عن شماله، و من بين يديه و من خلفه حتى يبلغوه مأمّنه، فإذا زار الحسين عليه السلام ناداه مُنادٍ: قد عُفِرَ لك فاستأنف العمل، ثمّ يرجعون معه مشيَّعين له إلى منزله، فإذا صاروا إلى منزله قالوا: «نَسْتُوْدِعُكَ الله»، فلا يزالون يزورونه إلى يوم ممّاته، ثمّ يزورونه قبر الحسين عليه السلام في كلِّ يوم، و ثواب ذلك للرجل».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمد بن یحیی العطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبد الله بن محمد یمانی، از منیع بن حجاج، از یونس عبد الرحمن، از صفوان جمال، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام حضرت فرمودند:

هنگامی که شخص به قصد زیارت حضرت امام حسین عليه السلام از منزلش بیرون می رود هفتصد فرشته از بالای سر و زیر پا و دست راست و طرف چپ و از مقابل و از پشت سر او را مشایعت کرده تا وی را به مقصدش برسانند و وقتی وی آن حضرت را زیارت کرد منادی نداء می دهد: گناهانت آمرزیده شد اعمال را از ابتداء شروع کن، سپس فرشتگان با او مراجعت کرده و وی را همچنان

مشایعت نموده تا او را به منزلش برسانند و وقتی به منزلش رسیدند می گویند:
 ما تو را به خدا می سپاریم.
 پس پیوسته او را زیارت کرده تا روز فوتش فرا برسد، و پس از فوت در هر
 روز قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و ثواب آن برای آن شخص
 منظور می گردد.

متن:

۵- و عنه، عن محمد بن یحیی باسناده إلى منیع، عن زیاد، عن
 عبدالله بن مسکان، عن محمد الحلبي «قال: سمعت أبا عبدالله علیه السلام يقول:
 إن الله وكل بقبر الحسين علیه السلام أربعة آلاف ملكٍ شُعْتاً غُبراً إلى أن تقوم
 الساعة، يشيعون من زارة، يعودونه إذا مرض، و يشهدون جنازته إذا
 مات».

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

از پدرم، از محمد بن یحیی باسنادش تا منیع، از زیاد، از عبدالله بن مسکان، از
 محمد حلبی، وی گفت: شنیدم حضرت ابا عبدالله علیه السلام می فرمودند:
 خداوند متعال چهار هزار فرشته را موکل قبر مطهر حضرت سید الشهداء قرار
 داده که همگی ژولیده و غبارآلود و گرفته هستند و تا قیامت اطراف آن قبر
 می باشند، وقتی کسی حضرت را زیارت کند این فرشتگان مشایعتش کرده و
 هنگامی که زائر بیمار شود او را عیادت نموده و زمانی که از دنیا برود بر سر
 جنازه اش حاضر می گردند.

متن:

٦ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ وَلِيدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّقَّارِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنْ أَبِي حمزة، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ اللَّهَ وَكُلَّ بَقَرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ شُعْثًا غُبْرًا، فَلَمَّ يَزُلْ يَبْكُونَهُ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ، فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ هَبَطَ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ وَصَعِدَ الْأَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ، فَلَمَّ يَزُلْ يَبْكُونَهُ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ، وَيَشْهَدُونَ لِمَنْ زَارَهُ بِالْوَفَاءِ وَيَشْتِعُونَهُ إِلَى أَهْلِهِ، وَيَعُودُونَهُ إِذَا مَرَضَ، وَيُصَلُّونَ عَلَيْهِ إِذَا مَاتَ».



﴿ حَدِيثُ شَشِيمٍ ﴾

ترجمه:

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه اش در باب بیست و هفتم ذیل شماره یازده قبلاً نقل گردید.

متن:

٧ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةُ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ جَدِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام «قَالَ: مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا فَوَضَعَ إصْبَعَهُ فِي قَفَاهُ، فَلَمَّ يَزُلْ يَكْتُبُ مَا يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ حَتَّى يَرُدَّ الْحَاضِرَ، فَإِذَا دَخَلَ مِنْ بَابِ الْحَاضِرِ وَضَعَ كَفَّهُ وَسَطَ ظَهْرِهِ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَمَّا مَا مَضَى فَقَدْ غُفِرَ اللَّهُ لَكَ، فَاسْتَأْنَفِ الْعَمَلَ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه‌اش در باب شصت و دوم ذیل شماره هفتم قبلاً نقل گردید.

متن:

حدَّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن احمد ابن محمد بن عيسى، عن القاسم بن يحيى، عن جدّه الحسن بن راشد، عن أبي إبراهيم عليه السلام قال من خرج من بيته يريد زيارة قبر الحسين عليه السلام - مثله.



ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عيسى، از قاسم بن يحيى، از جدش حسن بن راشد، از حضرت ابی ابراهیم علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که از خانه‌اش بیرون بیاید و قصدش زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام باشد... سپس بقیه حدیث را مثل حدیث گذشته ذکر فرموده.

متن:

۸ - حَدَّثني أبي؛ و محمد بن عبد الله - رحمهما الله - جميعاً، عن عبد الله بن جعفر الحميري، عن إبراهيم بن مهزيار، عن أخيه علي بن مهزيار، عن أبي القاسم، عن القاسم بن محمد، عن إسحاق بن إبراهيم، عن هارون بن خارجة «قال: سألت رجلاً أبا عبد الله عليه السلام - وأنا عند -

فقال: ما لمن زار قبر الحسين عليه السلام؟ قال: إنَّ الحسين عليه السلام لما أُصيب بِكَتْهُ حقَّ البلاد، فوَكَّلَ الله به أربعة آلاف ملكٍ شُعْثاً غُبراً يَبْكُونَهُ إلى يوم القيامة، فمن زارَه عارفاً بِحقِّهِ شيعوه حتى يُبْلغوه مَأْمَنَهُ، وإن مرض عادوه غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً، وإن مات شهدوا جنازته واستغفروا له إلى يوم القيامة».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن عبدالله رحمة الله عليهما جملگی از عبدالله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی بن مهزیار، از ابی القاسم، از قاسم بن محمد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، وی می گوید:
شخصی از حضرت ابو عبدالله عليه السلام سؤال کرد و من نیز در آنجا حاضر بودم، سائل پرسید؟ ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین عليه السلام را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت امام حسین عليه السلام به مصیبت گرفتار شدند موجودات جملگی بر او گریستند حتی شهرها پس حق تعالی چهار هزار فرشته را بر قبر مطهرش موکل ساخت که جملگی زولیده و غبارآلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن جناب می گریند، پس کسی که آن حضرت را زیارت کند و به حقش آگاه و عارف باشد این فرشتگان مشایعتش کرده تا وی را به مقصدش برسانند و اگر بیمار گردد صبح و شام عیادتش کنند و اگر از دنیا رفت بر جنازه اش حاضر شده و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش می کنند.

متن:

۹- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ، عَنْ عَمْرِ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ، عَنْ

أبان بن تغلب «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: هبط أربعة آلاف ملك يريدون القتال مع الحسين، لم يؤذن لهم في القتال فرجعوا في الاستيذان، فهبطوا وقد قُتل الحسين عليه السلام فهم عند قبره شعثٌ غبرٌ يبيكونه إلى يوم القيامة، رئيسهم ملك يقال له: المنصور، فلا يزوره زائرٌ إلا استقبلوه، ولا يُودَّعه مُودِّعٌ إلا شيعوه، ولا يمرض مريضٌ إلا عادوه، ولا يموت إلا صلّوا على جنازته واستغفروا له بعد موته، وكلُّ هؤلاء في الأرض ينتظرون قيام القائم عليه السلام».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمہ:

مترجم گوید:

این حدیث در ضمن حدیث طولانی با ترجمه اش قبلاً در باب چهل و یکم ذیل شماره پنجم نقل شد.

متن:

۱۰ - حدَّثني أبو العباس الرِّزَّاز، عن ابن أبي الخطاب قال: حدَّثني محمد بن الفضيل، عن محمد بن مزارب، عن مالك الجُهَنِّي، عن أبي جعفر عليه السلام «قال: قال: يا مالك إنَّ اللهَ تبارك و تعالى لما قبض الحسين عليه السلام بعث إليه أربعة آلاف ملكٍ شعثاً غبراً يبيكونه إلى يوم القيامة، فمن زاره عارفاً بحقه غفر الله ما تقدَّم من ذنبه و ما تأخَّر، و كتب له حجة، ولم يزل محفوظاً حتَّى يرجع إلى أهله؛ قال: فلما مات مالك - و قبض أبو جعفر عليه السلام - دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فأخبرته بالحديث، فلما انتهيت إلى «حجة» قال: و عُمره يا محمد».

ترجمه:

﴿ حدیث دهم ﴾

ابوالعباس رزّاز، از ابن ابی الخطاب، وی می گوید: محمد بن فضیل، از محمد ابن مضارب، از مالک جهنی، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

ای مالک هنگامی که حق تعالی حضرت امام حسین علیه السلام را قبض روح کرد چهار هزار فرشته بر سر قبرش گسیل داشت که جملگی زولیده و غبارآلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر او می گریند، پس کسی که او را زیارت کند و به حقش معرفت داشته باشد خداوند مَنان گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد و برای او یک حج می نویسد و پیوسته محفوظش داشته تا به اهلش مراجعت کند.



محمد بن مضارب می گوید:

وقتی مالک از دنیا رفت و حضرت ابو جعفر علیه السلام نیز قبض روح شدند بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام داخل شده و حدیث مذکور را محضر مبارکش بازگو کردم و وقتی به کلمه «کتب له حجة» منتهی شدم، حضرت فرمودند: ای محمد حجة و عمرة.

﴿ الباب الثامن والسبعون ﴾

﴿ فیمن ترک زیارة الحسین علیه السلام ﴾

متن:

۱- حدّثنی الحسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، عن أبیه، عن الحسن ابن محبوب، عن عاصم بن حمید الحنّاط، عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر علیه السلام «قال: قال: مَنْ لم یأت قبر الحسین علیه السلام من شیعتنا کان مُستَقْصَص

الإيمان، مُتَقَصِّصُ الدِّينِ، وَإِنْ دَخَلَ الْجَنَّةَ كَانَ دُونَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْجَنَّةِ».

﴿ باب هفتاد و هشتم ﴾

﴿ درباره کسانی که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را ترک می کنند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از عاصم بن حمید حنّاط، از محمد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، محمد بن مسلم می گوید:



حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

هر کس از شیعیان ما که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نرود ایمان و دینش ناقص بوده و اگر داخل بهشت شود در مقامی پائین تر از مؤمنین باشد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ، عَنْ عَنبَسَةَ بْنِ مُضْعَبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام حَتَّى يَمُوتَ كَانَ مُتَقَصِّصُ الدِّينِ، مُتَقَصِّصُ الْإِيمَانِ، وَإِنْ [أ]دَخَلَ الْجَنَّةَ كَانَ دُونَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْجَنَّةِ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصّفّار، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از ابی المغراء، از عنبسة بن مضعب، از

حضرت ابی عبدالله علیه السلام حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام نرود تا از دنیا برود دین و ایمانش ناقص بوده و اگر به بهشت داخل شود در مرتبه پائین تر از مؤمنین می باشد.

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ - عَنْ رَجُلٍ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ هُوَ يَزْعُمُ أَنَّهُ لَنَا شِيعَةٌ حَتَّى يَمُوتَ فَلَيْسَ هُوَ لَنَا شِيعَةً، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَهُوَ مِنْ ضَيْفَانِ أَهْلِ الْجَنَّةِ».



ترجمه: **حدیث سوم**

پدرم رحمه الله عليه و على بن الحسين از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد ابن عيسى، از پدرش، از سيف بن عميرة، از شخصی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نرود و گمانش این باشد که از شیعیان ما است و با این حال فوت کند او شیعه ما نیست و اگر از اهل بهشت هم باشد میهمان بهشتیان محسوب می شود.

متن:

۴- وَ بِإِسْنَادِهِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِي بَكْرِ الْخَضْرَمِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ

فليعرض حُبَّنَا على قلبه، فَإِنْ قَبِلَهُ فهو مؤمن، و مَنْ كَانَ لَنَا مُحِبًّا فَلْيَرْغَبْ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَمَنْ كَانَ لِلْحُسَيْنِ عليه السلام زُورًا أَوْ عَرَفَنَاهُ بِالْحُبِّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحُسَيْنِ زُورًا كَانَ نَاقِصَ الْإِيمَانِ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم به اسنادش از سیف بن عمیره، از ابی بکر حضرمی، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، ابی بکر حضرمی گوید:

شنیدم که حضرت ابو جعفر علیه السلام می فرمودند:

کسی که می خواهد بداند آیا اهل بهشت هست یا نه، پس حبّ و دوستی ما را بر دلش عرضه کند اگر دلش آن را پذیرفت پس او مؤمن است و کسی که محبّ و دوست دار ما است باید در زیارت امام حسین علیه السلام راغب باشد، بنابراین شخصی که زائر امام حسین علیه السلام باشد ما او را محبّ خود می دانیم و از اهل بهشت خواهد بود و کسی که زوار حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام نباشد ناقص الایمان است.

متن:

۵- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، عَنِ الْقَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْبُوفَكِيِّ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ صَنْدَلٍ، عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمَّنْ تَرُكُ الزِّيَارَةَ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ؟ قَالَ: هَذَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ النَّارِ».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

از پدرم رحمه الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از احمد بن ادریس، از عمرکی بن علی بوفکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از صندل، از هارون ابن خارجه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، هارون گوید:
از امام علیه السلام راجع به کسی که بدون علت زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام را ترک می کند سؤال کردم؟ حضرت فرمودند:
چنین کسی از اهل جهنم می باشد.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْكُوفِيُّ الْقُرَشِيُّ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ - عَنْ حَدَّثِهِ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ حَجَّ أَلْفَ حَجَّةٍ ثُمَّ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام لَكَانَ قَدْ تَرَكَ حَقًّا مِنْ حَقِّكَ اللَّهُ تَعَالَى، وَ سُئِلَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: حَقُّ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَفْرُوضٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ».

ترجمه:

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن جعفر رزاز کوفی قرشی، از دانی خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از کسی که برایش حدیث گفته، از علی بن میمون وی گفت: از حضرت ابو عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
اگر یکی از شما هزار مرتبه به حج رود ولی به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام نرود مسلماً حقی از حقوق خداوند تعالی را ترک کرده و قیامت از آن مورد سؤال و بازخواست واقع می شود، سپس حضرت فرمودند: حق امام حسین علیه السلام بر هر مسلمانی واجب و لازم است.

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ: حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - «أَنَّهُ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: هَلْ يُزَارُ وَالِدُكَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَمَا لِمَنْ زَارَهُ؟ قَالَ الْجَنَّةُ إِنْ كَانَ يَأْتُمُّ بِهِ، قَالَ: فَمَا لِمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ؟ قَالَ: الْحَسْرَةُ يَوْمَ الْحَسْرَةِ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ -».

﴿ حَدِيثِ هَفْتَمِ ﴾

ترجمه:

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه اش در باب چهل و چهارم ذیل شماره دوم نقل شد.

﴿ الباب التاسع و السبعون ﴾

﴿ زیارات الحسین بن علی علیه السلام ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْكُوفِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعْرٍ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ الْحَائِرَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَقَامُ كَرَمَتِي بِهِ وَشَرَفَتِي بِهِ، اللَّهُمَّ فَأَعْطِنِي فِيهِ رَغْبَتِي عَلَى حَقِيقَةِ إِيْمَانِي بِكَ وَبِرُسُلِكَ، سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

وَسَلَامٌ مَّلَائِكَتِهِ فِيمَا تَرُوحُ وَتَعْتَدِي بِهِ الرَّائِحَاتِ الطَّاهِرَاتِ [الطَّيِّبَاتِ] لَكَ وَعَلَيْكَ، وَسَلَامٌ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُسْلِمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ، النَّاطِقِينَ لَكَ بِفَضْلِكَ بِالسِّنَّتِهِمْ، أَشْهَدُ أَنَّكَ صَادِقٌ صَدِّيقٌ، صَدَقْتَ فِيمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ، وَصَدَقْتَ فِيمَا أَتَيْتَ بِهِ، وَأَنَّكَ تَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ مِنَ الدَّمِ الَّذِي لَا يُدْرِكُ نَارُهُ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا بِأَوْلِيَائِكَ، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ وَشَهَادَتَهُمْ حَتَّى تُلْحِقَنِي بِهِمْ وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ فَرَطًا وَتَابِعًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»

♦ باب هفتاد و نهم ♦

♦ در نقل زیارات وارده برای حضرت حسین بن علی علیه السلام ♦

♦ زیارت اول ♦

ترجمه:

محمد بن جعفر رزاز کوفی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از عبدالرحمن بن ابی نجران، از یزید بن اسحاق شعر، از حسن بن عطیه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام حضرت فرمودند:

وقتی داخل حائر شدی، بگو:

بار خدایا این مقام و موقعیتی است که به واسطه‌اش من را مورد کرامت و شرافت قرار دادی، خداوندا ببخشای به من و ایجاد کن در من رغبت و میل به این مقام را در حالی که بر حقیقت ایمان به تو و به فرستادگانت ثابت می‌باشم، سلام و درود خدا بر تو ای فرزند رسول خدا، و سلام و درود فرشتگان خوشبو و پاکیزه‌اش در شامگاه و بامداد برای تو و بر تو باد، و سلام و درود بر فرشتگان مقرب خدا، و درود بر کسانی که با دل تو را پذیرفته و تسلیمت شدند، کسانی که

با زبانشان فضل تو را بیان کردند، شهادت می‌دهم که تو راستگو و درست می‌باشی، در آنچه به آن دعوت نمودی راست گفتی، و در آنچه انجام دادی و عمل کردی راست می‌گفتی، تو خون خدا در زمین هستی (یعنی طالب خون تو خدا می‌باشد) خونی که خون‌خواهی و طلب نمی‌شود مگر بوسیله اولیاء و دوستان، خدایا مشاهد و شهادت ایشان را محبوب من نما (یعنی من را نیز شهید گردان همان طوری که ایشان را شهید قراردادی) تا من را به آنها ملحق کرده و در دنیا و آخرت تابعشان قرار دهی.

متن:

ثُمَّ تَمْشِي قَلِيلًا وَ تَكْبَرُ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ، وَ ثُمَّ تَقُومُ بِحِيَالِ الْقَبْرِ وَ تَقُولُ:
 «سُبْحَانَ الَّذِي سَبَّحَ لَهُ الْمَلِكُ وَالْمَلَكُوتُ، وَقَدَّسَتْ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ
 خَلْقِهِ، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، اللَّهُمَّ
 اكْتُبْنِي فِي وَفْدِكَ إِلَى خَيْرِ بَقَائِكَ وَ خَيْرِ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجِبْتِ
 وَالطَّاغُوتِ، وَالْعَنِ أَشْيَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ، اللَّهُمَّ أَشْهِدْنِي مَشَاهِدَ الْخَيْرِ
 كُلِّهَا مَعَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا، وَ اجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ
 الْبَاقِينَ الْوَارِثِينَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ مِنْ عِبَادِكَ
 الصَّالِحِينَ».

﴿ دنباله زیارت اول ﴾

ترجمه:

سپس اندکی راه برو و هفت تکبیر گفته پس از آن در مقابل قبر مطهر بایست

و بگو:

منزه است آن کسی که عالم ماده و عقل او را تسبیح می‌گویند، و پاکیزه‌اند تمام

آفریده‌ها بواسطه اسمائش (مقصود از اسماء عالم خلق و ایجاد است)، منزّه است خداوندی که فرمان‌روای عالم هستی است و از کل نقائص و شئون ماده مبرا بوده و پروردگار فرشتگان و روح می‌باشد، بار خدایا نام من را در زمره کسانی بنویس که به سوی بهترین اماکن زمین و بالاترین مخلوقات سفر می‌کنند، خداوندا هر جبت (کسی که خیری در او نیست) و طاغوتی (هر معبودی که غیر خدا است) را از رحمتت به دور دار، و نیز دنباله‌رو و تابعین آنها را مورد لعن خود قرار بده، خداوندا من را در تمام مشاهد خیر با اهل بیت پیغمبرت حاضر و شاهد بگردان، بار خدایا من را مسلمان از این دنیا ببر، و قدم راست (شاید مراد اعمال خیر باشد) برایم با آنان که زنده‌اند قرار بده، زنده‌هائی که بنده‌گان صالح تو بوده و وارث بهشت بوده و در آن جاودانه خواهند ماند.



متن:

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

ثم کبر خمس تکبیرات، ثم تمشی قليلاً و تقول:

«اللَّهُمَّ إِنِّي بِكَ مُؤْمِنٌ وَبِوَعْدِكَ مُوقِنٌ، اللَّهُمَّ اكْتُبْ لِي إِيمَاناً وَتُبِّئْهُ فِي قَلْبِي، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَقُولُ لِسَانِي حَقِيقَتَهُ فِي قَلْبِي وَشَرِيعَتَهُ فِي عَمَلِي، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَهُ مَعَ الْحُسَيْنِ ۑ قَدَمٌ ثَابِتٌ، وَأُثْبِتْنِي فِيمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَهُ».

﴿ دنباله زیارت اول ﴾

ترجمه:

سپس پنج تکبیر گفته و پس از آن اندکی راه برو و بگو:

بارخدایا من به تو ایمان داشته و به آنچه وعده داده‌ای یقین دارم، خدایا برای من ایمان را بنویس و نصیبم گردان و در قلبم ثابتش نما، بارخدایا آنچه را که با زبانم می‌گویم حقیقتش را در قلبم قرار بده و ظاهرش را در عملم جلوه گر نما، خداوندا من را از کسانی قرار بده که با حضرت امام حسین ۑ ثابت قدم بودند،

و من را در عداد آنانکه با آن حضرت شهید شدند ثبت و ضبط بفرما.

متن:

ثُمَّ كَبَّرَ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ وَ تَرَفَعَ يَدَاكَ حَتَّى تَضَعَهَا عَلَى الْقَبْرِ جَمِيعاً، ثُمَّ

تقول:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهَّرْتَ طَاهِرٌ مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ، طَهَّرْتَ وَطَهَّرْتَ بِكَ الْبِلَادُ، وَطَهَّرْتَ أَرْضَ أَنْتَ بِهَا، وَطَهَّرْتَ حَرَمُكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ، وَدَعَوْتَ إِلَيْهَا، وَأَنَّكَ ثَارَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ حَتَّى يَسْتَشِيرُ لَكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ».

ثُمَّ ضَعَّ خَدَّيْكَ جَمِيعاً عَلَى الْقَبْرِ، ثُمَّ تَجَلَّسَ وَ تَذَكَّرَ اللَّهَ بِمَا شِئْتَ وَ تَوَجَّهَ إِلَى اللَّهِ فِيمَا شِئْتَ أَنْ تَتَوَجَّهَ، ثُمَّ تَعَوَّدَ وَ تَضَعُ يَدَاكَ عِنْدَ رِجْلَيْهِ، ثُمَّ تَقُولُ:

«صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَى رُوحِكَ وَعَلَى بَدَنِكَ، صَدَقْتَ وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمَصْدَقُ، وَقَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ».

ثُمَّ تَقْبَلُ إِلَى عَلِيِّ ابْنِهِ فَتَقُولُ مَا أَحْبَبْتَ،

﴿ دنباله زیارت اول ﴾

ترجمه:

سپس سه تکبیر بگو و دو دست را بلند کن به طوری که تمام دو دست را روی قبر بگذاری، پس از آن بگو:

شهادت می‌دهم که تو نفس پاکیزگی پاک بوده و از نفس پاکیزگی پاک ناشی شده‌ای، پاک هستی و بواسطه تو بلاد و شهرها پاک گشته‌اند، و پاک است سرزمینی که تو در آن می‌باشی، و پاک است حرم تو، شهادت می‌دهم که به میانه

روی و عدالت امر فرمودی، و به سوی ایندو دیگران را خواندی، و شهادت می‌دهم که تو خون خدا در روی زمین می‌باشی حتی حضرت باری تعالی از جمیع خلقتش (یعنی کسانی که در خون تو دست داشته و یا به آن راضی بوده‌اند) خون خواهی می‌کند.

سپس دو طرف صورت را بر قبر بگذار و پس از آن بنشین و هر ذکری که خواستی بگو و متوجه به خدا بشو پس از آن بگرد و دو دست را پائین پا بگذار و بگو:

صلوات و رحمت خدا بر جان و جسمت باد، راست گفتی و تو راست‌گو و مورد تصدیق می‌باشی، و خدا بکشد آنان را که با دست و زبان تو را کشتند.

سپس رو به علی اکبر فرزند آن حضرت کن و آنچه خواستی بگو: (یعنی طالب خون تو خدا می‌باشد) خونی که خونخواهی و طلب نمی‌شود مگر به وسیله اولیاء و دوستان، خدایا محبوب من گردان مشاهد و شهادت ایشان را (یعنی شهادت را محبوب من گردان) تا من را به ایشان ملحق گردانی و نیز من را در دنیا و آخرت تابع ایشان نمائی.

متن:

ثُمَّ تَقُومُ قَائِمًا فَتَسْتَقْبِلُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فَتَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، أَبَشِّرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ، اللَّهُ مُدْرِكُ لَكُمْ وَتَرْكُمُ وَمُدْرِكُ بِكُمْ فِي الْأَرْضِ عَدُوَّةً، أَنْتُمْ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

ثُمَّ تَجْعَلُ الْقَبْرَ بَيْنَ يَدَيْكَ، ثُمَّ تَصَلِّي مَا بَدَا لَكَ ثُمَّ تَقُولُ:

«جِئْتُ وَإِفْدَاءً إِلَيْكَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ بِكَ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، بِكَ يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ فِي حَوَائِجِهِمْ، وَبِكَ

يُذَرِكُ عِنْدَ اللَّهِ أَهْلُ الثَّرَاثِ طَلِبَتُهُمْ».

ثُمَّ تَكْبَرُ إِحْدَى عَشْرَ تَكْبِيرَةً مُتَابِعَةً وَلَا تَجْعَلُ فِيهَا، ثُمَّ تَمْشِي قَلِيلًا
فَتَقُومُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ فَتَقُولُ:

ترجمه: ﴿دنیاله زیارت اول﴾

سپس راست بایست و قبور شهداء را قبله خود قرار بده و بگو:
سلام بر شما ای شهداء، شما جلو و ما به دنبال شما می‌باشیم، بشارت باد بر
شما به وعده خدا که در آن تخلف نیست، خدا خون‌خواه شما خواهد بود،
و بواسطه شما از دشمنانش انتقام خواهد گرفت، شما در دنیا و آخرت سروران
شهداء می‌باشید.

سپس قبر را جلو خود قرار بده سپس هر نمازی که خواستی بخوان پس از آن
بگو:

آمدم در حالی که به سوی تو کوچ کردم، در تمام حوائج و خواسته‌هایم از امور
دنیا و اخروی به واسطه تو به خدا متوسل می‌شوم، بواسطه تو تمام متوسلین
به خدا در حوائج و نیازمندی‌هایشان توسل می‌جویند، و اهل میراث بواسطه تو
نزد خدا حقشان را مطالبه می‌کنند.

سپس یازده تکبیر پشت سر هم بگو بدون اینکه در گفتن آنها عجله و شتاب
کنی و پس از آن اندکی راه برو پس رو به قبله بایست و بگو:

متن:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْمُتَوَحِّدِ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، خَلَقَ الْخَلْقَ فَلَمْ يَغِبْ شَيْءٌ
مِنْ أُمُورِهِمْ عَنْ عِلْمِهِ، فَعِلْمُهُ بِقُدْرَتِهِ، ضَمِنَتْ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا دَمَكَ
وَتَأْرَكَ، يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، أَشْهَدُ أَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ

مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالْفَتْحِ، وَأَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ الْوَعْدَ الصَّادِقَ فِي هَلَاكِ
أَعْدَائِكَ وَتَمَامِ مَوْعِدِ اللَّهِ إِيَّاكَ، أَشْهَدُ أَنَّ مَنْ تَبِعَكَ الصَّادِقُونَ، الَّذِينَ
قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِمْ: «أُولَئِكَ هُمُ الصُّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ
رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ».

ترجمه: ﴿دنباله زیارت اول﴾

سپاس مختص ذات واحدی است که در تمام امور متفرّد و یکتا است،
مخلوقات را آفرید پس هیچ امری از امور آنها مخفی از علم او نیست، پس با
قدرت کامله اش آنرا می داند، زمین و کسانی که بر روی آن هستند خون تو را به
عهده گرفته اند، ای فرزند رسول خدا صلوات و رحمت خدا بر تو باد، شهادت
می دهم نصرت و فیروزی را که حق تعالی به تو وعده داده بود برای تو منجز و ثابت
است، و برای تو است وعده راستی را که خداوند متعال به تو داده و ملتزم شده
و دشمنانت را هلاک بکند، شهادت می دهم که تابعین تو صادقان و راستگویان
هستند، آنان که حق تبارک و تعالی درباره ایشان فرموده:
اولئک هم الصّدیقون و الشّهداء عند ربهم لهم اجرهم و نورهم.

متن:

ثُمَّ كَبَّرَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ ثُمَّ تَمَشَّى قَلِيلًا، ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ الْقَبْرَ وَتَقُولُ:
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ،
وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ دَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ،
وَوَفَّيْتَ لِلَّهِ بَعْدَهُ، وَقُتِّ لِلَّهِ بِكَلِمَاتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ
الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ [وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ]، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

خَذَلْتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَدَعَتْكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ بِالْوِلَايَةِ لِمَنْ
وَالَيْتَ، وَوَالْتَهُ رُسُلُكَ، وَأَشْهَدُ بِالْبَرَاءَةِ لِمَنْ بَرِئْتَ مِنْهُ وَبَرِئْتَ مِنْهُ
رُسُلُكَ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَبُوا رُسُلَكَ، وَهَدَمُوا كُتُبَكَ، وَحَرَّفُوا
كِتَابَكَ، وَسَفَكُوا دِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَفْسَدُوا فِي بِلَادِكَ وَاسْتَذَلُّوا
عِبَادَكَ، اللَّهُمَّ ضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ فِيمَا جَرَى مِنْ سُلُوكِ وَبَرَكْ
وَبَحِّرْكَ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي مُنْتَسِرِ السَّرَائِرِ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ فِي أَرْضِكَ
وَسَمَائِكَ»»».

و کَلِمَا دَخَلَتْ الْحَاضِرَ فَسَلِّمْ وَضَعْ يَدَكَ عَلَى الْقَبْرِ.

﴿ دُنْبَالَه زِيَارَتِ اَوَّل ﴾

ترجمه:

سپس هفت تکبیر بگو و پس از آن اندکی جلو برو و بعد رو به قبر کن و بگو:
سپاس مختص ذاتی است که فرزند نگرش و برایش شریکی در سلطنت
نمی باشد، و آفرید هر چیزی را پس مقدر و معین نمود آنرا، شهادت می دهم که
تو مردم را به سوی خدا و رسولش دعوت نمودی و به عهدهی که با خدا نموده
بودی وفاء کردی، و همراه با کلمات و مخلوقاتش برای خدا قیام نمودی، و در
راه او جهاد کرده تا مرگ تو را دریافت، خدا لعنت کند گروهی که تو را کشتند
و لعنت کند جماعتی را که به تو ستم نمودند، و خدا لعنت کند آنانکه تو را خوار
کردند، و خدا لعنت کند امتی را که با تو حيله نمودند، خدایا تو را شاهد قرار
می دهم که ولی کسی است که تو او را ولی قرار دادی، و رسولانت او را ولی
دانسته اند، و شهادت می دهم که از هر کس که تو و رسولانت بی زار هستید من نیز
بی زارم، بار خدایا کسانی که رسولانت را تکذیب کردند لعن نما، و لعنت کن
آنانکه کعبه تو را منهدم و خراب کردند، و کتابت را سوزانند، و خونهای اهل
پیغمبرت را ریختند، و در شهرهای تو فساد کرده و بندگان را ذلیل نمودند،

خداوندا عذابت را بر ایشان در خشکی و دریا چند برابر نما، بارخدايا ایشان را در خفايا و علن و در زمين و آسمانت مورد لعن قرار بده.
و هرگاه در حائر داخل شدي سلام کن و دست را روی قبر قرار بده.

﴿ زیارة أخرى ﴾

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

متن:

۲ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ -
جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ
يَحْيَى، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوِيرِ بْنِ أَبِي فَاخِتَةَ «قَالَ:
كُنْتُ أَنَا وَ يُونُسُ بْنُ ظَبْيَانَ وَ الْمُفْضِلُ بْنُ عُمَرَ وَ أَبُو سَلَمَةَ الشَّرَّاجُ جُلُوساً
عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ كَانَ الْمُتَكَلِّمُ يُونُسُ - وَ كَانَ أَكْبَرَنَا سِنّاً - فَقَالَ لَهُ:
جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي أَحْضَرُ مَجْلِسَ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ - يَعْنِي وَلَدَ الْعَبَّاسِ - فَمَا
أَقُولُ؟ فَقَالَ: إِذَا حَضَرْتَهُمْ فَذَكَرْتَنَا فَقُلْ: «اللَّهُمَّ ارِنَا الرَّخَاءَ وَ الشُّرُورَ،
فَإِنَّكَ تَأْتِي عَلَى مَا تُرِيدُ»، فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي كَثِيراً مَّا أَذْكَرُ
الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَأَيُّ شَيْءٍ أَقُولُ؟ فَقَالَ: قُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» -
تَعِيدُ ذَلِكَ ثَلَاثاً - فَإِنَّ السَّلَامَ يَصِلُ إِلَيْهِ مِنْ قَرِيبٍ وَ مِنْ بَعِيدٍ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَمَّا قَضَى بَكَتْ عَلَيْهِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَ مَا
فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَ النَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبَّنَا، وَ مَا يُرَى
وَ مَا لَا يُرَى يَبْكِي عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ لَمْ تَبْكِ
عَلَيْهِ، قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا هَذِهِ الثَّلَاثَةُ الْأَشْيَاءُ؟ قَالَ: لَمْ تَبْكِ عَلَيْهِ

البصرة ولا دِمَشقُ ولا آلَ عِثانَ فقلت له: جعلت فداك إني أريد أن أزوره فكيف أقول وكيف أصنع؟ قال: إذا أتيت أبا عبد الله (ع) فاغتسل على شاطئ الفرات ثم البس ثيابك الطاهرة، ثم امش حافياً، فإنك في حرم من حُرِّم الله وحرم رسوله و عليك بالتكبير والتَّهليل والتَّمجيد والتَّعظيم لله كثيراً، والصلاة على محمدٍ وأهل بيته، حتى تصير إلى باب الحائر.

﴿ زیارت دوم ﴾

﴿ بنام خداوند بخشنده مهربان ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین رحمة الله عليهم جملگی از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از قاسم بن یحیی، از حسن بن راشد، از حسین بن ثویر بن ابی فاخته، وی گفت:

من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمر و ابو سلمة سراج محضر حضرت ابو عبد الله (ع) نشسته بودیم و متکلم و سخنگو یونس که از همه ما عمر بیشتری داشت بود، یونس محضر مبارک امام (ع) عرض کرد: فدایت شوم من در مجلس این جماعت یعنی بنی عباس حاضر می شوم چه بگویم؟

حضرت فرمودند:

وقتی در مجلس ایشان حاضر شدی و آنها ما را یاد کردند تو بگو: بار خدایا فراخی و سرور و شادی را به ما بنمایان، چه آنکه تو آنچه اراده بکنی را می دهی.

عرض کردم: فدایت شوم: بسیار می شود که من نام حضرت امام حسین (ع) را می برم، در ارتباط به آن حضرت چه بگویم؟

حضرت فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله (این درود را سه بار بگو) چه آنکه درود به آن حضرت خواهد رسید چه از نزدیک بوده و چه از راه دور باشد.

سپس حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت ابا عبدالله علیه السلام از این عالم ارتحال نمودند آسمانهای هفت گانه و هفت طبقه زمین و آنچه در آنها و بینشان بود بر آن حضرت گریستند چنانکه کل موجودات در بهشت و جهنم مرئی ها و نامرئی ها بر آن جناب گریه کردند مگر سه چیز که گریه نکردند.

عرض کردم: فدایت شوم آن سه چیز کدامند؟

حضرت فرمودند:

بصره و دمشق و آل عثمان بر آن حضرت گریه نکردند.

محضرش عرض کردم: فدایت شوم: قصد دارم آن حضرت را زیارت کنم، در زیارتش چه بگویم و چه کار بکنم؟

حضرت فرمودند: وقتی به زیارت ابا عبدالله الحسین علیه السلام رفتی، اول کنار فرات غسل کن، سپس لباسهای پاک خود را بپوش بعد پای برهنه بطرف قبر مطهرش حرکت کن زیرا در آن مسافت داخل در حرمی از حرم های خدا و حرم رسولش می باشی و بر تو است که تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) و تمجید و تعظیم خدا را زیاد بنمائی و نیز صلوات بر محمد و اهل بیتش بفرستی تا به درب حائر برسی.

متن:

ثمّ تقول:

«السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَأَبْنَ حُجَّتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَزُوَّارَ قَبْرِ أَبِي نَبِيِّ اللَّهِ»؛

ثُمَّ اخْطُ عَشْرَ خُطًى ثُمَّ قِفْ فَكْبُرْ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً، ثُمَّ امْشِ إِلَيْهِ حَتَّى تَأْتِيَهُ مِنْ قَبْلِ وَجْهِهِ، وَاسْتَقْبِلْ بَوَجهَكَ وَجْهَهُ، وَتَجْعَلِ الْقِبْلَةَ بَيْنَ كِتْفِكَ، ثُمَّ تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَابْنَ قَتِيلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَثَرَ اللَّهِ الْمَوْتُورَ، فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ، وَاقْشَعَرَّتْ لَهُ أَظْلَةُ الْعَرْشِ وَبَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ، وَبَكَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَمَنْ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبَّنَا، مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَابْنُ قَتِيلِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ نَارُ اللَّهِ وَابْنُ نَارِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَثَرُ اللَّهِ الْمَوْتُورِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَنَصَحْتَ، وَوَفَيْتَ وَوَفَيْتَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَمُسْتَشْهِداً وَشَهِيداً وَمَشْهُوداً، وَأَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ وَفِي طَاعَتِكَ، وَالْوَافِدُ إِلَيْكَ، أَلْتِمَسُ كَمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ، وَثَبَاتَ الْقَدَمِ فِي الْهَبْجَةِ إِلَيْكَ، وَالسَّبِيلَ الَّذِي لَا يُخْتَلَجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كَفَالَتِكَ الَّتِي أُمِرْتُ بِهَا.

﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس بگو:

سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا، سلام بر شما ای فرشتگان

خدا و زائرین قبر فرزند پیغمبر خدا، سپس ده قدم بردار و پس از آن بایست و سی تکبیر بگو و بعد از آن بطرف قبر حرکت کن تا به آن برسی و آنگاه رو به قبر بایست و قبله را بین دو کتف خود قرار بده و بگو:

سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام و درود بر تو ای کشته شده در راه خدا و فرزند کشته شده در راه خدا، سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، سلام بر تو ای کسی که در آسمانها و زمین خدا طلب می کند، شهادت می دهم که خون تو در بهشت ساکن و آرام گشت و موجودات فوق عرش را لرزاند و تمام خلایق بر آن گریستند، و آسمانهای هفت گانه و طبقات هفت گانه زمین و آنچه از موجودات در آنها و بین آنها هستند بر آن گریستند، و تمام مخلوقات پروردگار که در بهشت و جهنم قرار دارند بر آن گریه کردند، آنچه از موجودات دیده شده و آنچه دیده نمی شود بر آن اشک ریختند، شهادت می دهم که تو حجت خدا و فرزند حجتش می باشی، شهادت می دهم که تو کشته شده در راه خدا و فرزند کشته شده در راه خدا می باشی، و شهادت می دهم که تو خون خدا و فرزند خون خدا هستی، و شهادت می دهم که تو در آسمانها و زمین کسی هستی که خدا طلب خون تو را می کند و شهادت می دهم که رسالت خود را ابلاغ کرده و مصلحت بندگان را بیان نموده و به عهد خود وفاء کرده و برای اعلاء کلمه حق در مقابل گروه مخالف و منکر از خود ایستادگی نشان دادی و در راه پروردگارت جهاد نمودی، و شهادت می دهم که تو گذشتی و عبور نمودی در طریق حق در حالی که عاقبت امر تو به شهادت منجر شد و خود به آن آگاه و عالم بودی و نیز شاهد آنچه از این امت صادر شد بوده و خدا و رسولش و فرشتگان و اهل ایمان شهادت می دهند که تو بر حق و طریق مستقیم بودی، و من بنده خدا و عبد تو و در اطاعت بوده و به سوی تو کوچ و سفر نموده ام، و بواسطه این هجرت بسوی تو از خدا التماس دارم که نزد خودش به من کمال منزلت و ثبات

قدم را عنایت فرماید و نیز بواسطه هجرت مزبور از خدا درخواست دارم که
طریقی را که نزد تو اضطراب و لغزش نداشته باشد را به من عنایت کند زیرا من
در کفالت تو داخل شده‌ام آن کفالتی که به آن امر شده‌ای قبولش نعمانی.

متن:

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِكُمْ، [مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِكُمْ، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِكُمْ]،
بِكُمْ يُبَيِّنُ اللَّهُ الْكَذِبَ، وَبِكُمْ يُبَاعِدُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ، وَبِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ
يَخْتِمُ، وَبِكُمْ يَمْخُو مَا يَشَاءُ وَبِكُمْ يُثَبِّتُ، وَبِكُمْ يَفْكُ الذُّلَّ مِنْ رِقَابِنَا،
وَبِكُمْ يُذَرِّكُ اللَّهُ تِرَةً كُلِّ مُؤْمِنٍ يُطَلِّبُ، وَبِكُمْ تُثَبِّتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا،
وَبِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا، وَبِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَرِزْقَهَا،
وَبِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ، وَبِكُمْ يُنْزِلُ اللَّهُ الْغَيْثَ، وَبِكُمْ تُسَيِّخُ الْأَرْضُ
الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ، وَتُسْتَقَرُّ جِبَاهُهَا عَلَى مَرَاسِيهَا، إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ
أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ، وَتُضْطَرُّ مِنْ بَيُوتِكُمْ، وَالصَّادِرُ عَمَّا فَضَّلَ مِنْ أَحْكَامِ
الْعِبَادِ، لُعِنَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ، وَأُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ، وَأُمَّةٌ جَحَدَتْ وَلَا يَتَّكُمُ، وَأُمَّةٌ
ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَأُمَّةٌ شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهَدْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ
مَأْوَاهُمْ، وَبِشَسْ وَرَدُ الْوَارِدِينَ وَبِشَسْ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ.

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین ﴾

ترجمه:

کسی که اراده کند خدا را، به شما آغاز می‌کند، کسی که اراده کند خدا را به شما آغاز می‌کند، کسی که اراده کند خدا را به شما آغاز می‌کند، بواسطه شما خداوند غیر واقع‌ها را برطرف می‌کند، و به توسط شما شدائد و سختی‌ها را خدا دور می‌نماید، بواسطه شما خداوند می‌گشاید و افتتاح می‌کند، و ختم و تمام می‌نماید، و بواسطه شما آنچه را که بخواهد محو کرده و ثابت می‌نماید، بواسطه شما ذلت و خواری را از ما برمی‌دارد، بواسطه شما خداوند متعال خون‌خواهی هر خون مؤمنی را می‌کند که استحقاق خون‌خواهی را داشته باشد، بواسطه شما زمین درختانش را می‌رویاند، بواسطه شما درختان میوه می‌دهند، بواسطه شما آسمان باران می‌بارد، بواسطه شما غم و اندوه را خداوند برطرف می‌کند، بواسطه شما خداوند باران رحمتش را می‌بارد، بواسطه شما زمینی که ابدان شما را در خود دارد مستقر می‌باشد، و بواسطه شما کوه‌ها بر پایه‌های خود مستقر و مستحکم هستند، اراده حق تعالی در تقدیر امور بر شما فرود می‌آید، و از بیوت شما صادر می‌گردد، تفاصیل احکام عباد از بیوت شما صادر می‌گردد، امت و گروهی که شما را کشتند ملعون هستند، و امتی که با شما مخالفت نمودند از رحمت واسع‌ه الهی به دور هستند، و امتی که ولایت شما را انکار کردند مورد لعن قرار گرفتند، و امتی که علیه شما تظاهر نمودند به لعن الهی گرفتار شدند و امتی که در معرکه قتال شما حاضر شده ولی شما را کمک نکرده و حاضر به شهادت در راه شما نشدند ملعون شدند، حمد سزاوار خداوندی است که آتش را (دوزخ) مأوی و مسکن این امتها قرار داد، و آن بدجایگاهی است برای ایشان، حمد و سپاس مر خداوندی را است که پروردگار عالمیان می‌باشد.

متن:

و تقول ثلاثاً: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ وَأَنَا إِلَى اللَّهِ بِمَنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ - ثلاثاً -»، ثُمَّ تقوم فتأتي ابنه علياً عليه السلام وهو عند رجله و تقول: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ - ثلاثاً - لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ - ثلاثاً - أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ - ثلاثاً -».

ثُمَّ تقوم فتؤمِّي بيدك إلى الشَّهَادَةِ و تقول: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ - ثلاثاً - فُرِزْتُمْ وَاللَّهِ، - ثلاثاً - فَلَيْتَ أَنِي مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً»، ثُمَّ تدور فتجعل قبر أبي عبد الله، - ثلاثاً - بين يديك و أمامك، فتصلي سِتَّ رَكَعَاتٍ، و قد قمتَ زيارتك فَإِنْ شِئْتَ أَقِمْ وَإِنْ شِئْتَ فَانصرف.

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

و سه مرتبه بگو: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ وَأَنَا إِلَى اللَّهِ بِمَنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ.

یعنی درود و رحمت خدا بر تو ای ابا عبدالله و من به سوی خدا بی‌زاری می‌جویم از کسانی که با تو مخالفت کردند. سپس بایست و نزد فرزند حضرت یعنی علی بن الحسین علیه السلام که پانین پای حضرت دفن است برو و بگو:

سلام و درود خدا بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند امام حسن و امام حسین، سلام بر تو ای فرزند

خدیجه کبری و فاطمه زهراء، رحمت خدا بر تو باد (سه مرتبه).
 خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت (سه مرتبه) من بسوی خداوند از ایشان
 بی زاری می جویم (سه مرتبه).

سپس بایست پس با دستت به شهداء اشاره کن و بگو:
 سلام علیکم (سه مرتبه) رستگار شدید بخدا سوگند (سه مرتبه) کاش من نیز
 با شما می بودم پس می رسیدم به این رستگاری عظیم سپس دور بزن و قبر
 حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را مقابل و جلو خود قرار بده و شش رکعت نماز
 بخوان و زیارت در اینجا به اتمام می رسد حال اگر خواستی بایست و اگر
 خواستی برگرد.



﴿ زیارت آخری ﴾ ﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ،
 عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ نُعَيْمِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ
 يَوْسُفَ [بْنِ] الْكُنَاسِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ
 فَائْتِ الْفُرَاتَ وَ اغْتَسِلْ بِحِيَالِ قَبْرِهِ وَ تَوَجَّهْ إِلَيْهِ، وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ
 وَ الْوَقَارُ حَتَّى تَدْخُلَ الْحَائِثَ مِنْ جَانِبِهِ الشَّرْقِيِّ، وَقُلْ حِينَ تَدْخُلُهُ:

«السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ
 الْمُتَزَلِّينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُزْدِفِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ
 الْمُسَوِّمِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هَذَا الْحَائِثِ بِإِذْنِ اللَّهِ

مُقِیْمُونَ».

فَإِذَا اسْتَقْبَلْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ فَقُلْ:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى رُسُلِهِ،
وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ
كُلِّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

﴿ زیارت سَوم ﴾

﴿ بنام خداوند بخشنده مهربان علیه السلام ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن حسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از
فضالة بن ایوب، از نعیم بن الولید از یوسف بن کناسی، از حضرت ابی
عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

وقتی به زیارت قبر مطهر امام حسین علیه السلام می روی، ابتداء به فرات برو و در
مقابل قبر آن حضرت غسل کن و سپس متوجه قبر بشو و بر تو لازم است که آرام
و باوقار حرکت کنی تا از جانب شرقی داخل حائر گردی و وقت داخل شدن
بگو:

درود بر فرشتگان مقرب خدا، درود بر فرشتگان خدا که از آسمان به زمین
نازل می گردند، درود بر فرشتگان خدا که در ردیف هم به زمین نزول می کنند،
درود بر فرشتگان زیبا منظر خدا، درود بر فرشتگان خدا که به اذن حق تعالی در
این حائر اقامه کرده اند.

و هنگامی که مقابل قبر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام قرار گرفتی بگو:
درود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله، رحمت خدا بر محمد که امین خدای رسولان و امور

لازمه او از قبیل احکام واجبه و محرمه می باشد خاتمه دهنده انبیاء گذشته و بازکننده و گشاینده اوصیاء بعد از خود می باشند و شاهد و گواه است بر تمام اینها و درود بر او و رحمت و برکات خدا بر آن جناب باد.

متن:

ثمّ تقول: «السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ، دَيَّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُتَّهِمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَابْنِ رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ..... - إلى آخر ما صَلَّيْتَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ -. ثمّ تسلم على الحسين و سائر الأئمة كما صَلَّيْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، ثمّ تأتي قبر الحسين عليه السلام فتقول:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا أَمَرَكَ بِهِ، وَلَمْ تَحْشَ أَحَدًا غَيْرَهُ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ، وَعَبَدْتَهُ صَادِقًا مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَلِمَةُ الشَّقْوَى، وَبَابُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى مَنْ يَبْقَى، وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، أَشْهَدُ أَنَّ ذَلِكَ لَكُمْ سَابِقٌ فِيمَا مَضَى، وَذَلِكَ لَكُمْ فَاتِحٌ فِيمَا بَقِيَ، أَشْهَدُ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَطَيِّبَتَكُمْ طَيِّبَةٌ طَيِّبَةٌ، طَابَتْ وَطَهَّرَتْ هِيَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ مَتًّا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ رَحْمَتِهِ، فَأُشْهِدُ اللَّهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ

مُوقِنٌ وَ لَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي وَ شَرَائِعِ دِينِي وَ خَاتِمَةِ عَمَلِي وَ مُنْقَلَبِي وَ
 مَثْوَايَ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يَتِمَّ لِي ذَلِكَ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَغْتُمْ
 عَنِ اللَّهِ مَا أَمَرَكُمْ بِهِ حَقِّي لَمْ تَحْشَوْا أَحَدًا غَيْرَهُ، وَ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ وَ
 عَبَدْتُمُوهُ حَقِّي أَتَاكُمْ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكُمْ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَمَرَ بِهِ، وَ
 لَعَنَ اللَّهُ مَنْ يَلْعَنُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ انْتَهَكُوا حُرْمَتَكَ وَ
 سَفَكُوا دَمَكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ».

﴿ دنباله زارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس بگو:

درود بر امیرمؤمنان بنده تو و برادر رسولت، کسی که تو به علم خودت او را
 برگزیدی و برای هر کس از مخلوقات که خواستی هادی و راهنما قرار دادی،
 و نیز او را دلیل بر کسی که تو او را به رسالات خودت برانگیختی قرارش داده‌ای،
 سلام بر کسی که در دین با عدالت تو حکم می‌کند، و سلام بر کسی که از حکم تو
 بین خلایق به عنوان فیصله دهنده منازعات و جدا کردن حق از باطل استفاده
 می‌کند، و سلام بر کسی که گواه و شاهد بر تمام اینها است، سلام و رحمت و
 برکات خدا بر او باد، بار خدایا رحمتت را بر حسین بن علی که بنده تو و فرزند
 رسول تو بوده و کسی است که تو با علم خودت او را برگزیدی... تا آخر
 مضامینی که در سلام و تحیت بر امیرالمؤمنین علیه السلام عنقریب گذشت.

سپس بر حضرت امام حسین و سائر ائمه علیهم السلام سلام داده و درود بفرست
 همان طوری که بر حسن بن علی علیه السلام سلام داده و درود فرستادی سپس به نزد
 قبر مطهر امام حسین علیه السلام برو و بگو:

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، ای ابا عبدالله خدا

رحمتش را بر تو بفرستد، ای ابا عبدالله خدا تو را رحمت کند، شهادت می‌دهم که تو آنچه را که از جانب حق تعالی مأمور به ابلاغ نمودی، و از احدی غیر خود وحشت و ترس نداشتی و در راهش مجاهدت نمودی، و او را صادقانه و مخلصانه عبادت کردی تا هنگامی که اجل تو را دریافت، شهادت می‌دهم که کلمه تقوی تو هستی، و باب هدایت مردم تو می‌باشی و دستگیره محکم تویی، و حجت بر تمام موجودات هستی و حجت بر تمام موجودات تحت زمین می‌باشی، شهادت می‌دهم که این صفات و خصوصیات و فضائل برای ائمه قبل نیز حاصل و ثابت بوده، و آن سبب است برای گشودن ابواب در مابین ائمه باقی، شهادت می‌دهم که ارواح و حقیقت شما حقیقتی پاک می‌باشد، حقیقت و خمیره شما پاک و پاکیزه بوده بعضی از برخی ایجاد شده و این متنی است از جانب حق تعالی و ناشی از رحمت و اسعاهش می‌باشد، خدا و شما را شاهد می‌گیرم که به شما ایمان داشته و به رجعت شما یقین دارم و پیرو شما می‌باشم در اموری که متعلق به نفسم و شرایع دینم و پایان کارم و بازگشتم به خدا و اقامتم در قبر می‌باشد، پس از خدای نیک رفتار و مهربان می‌خواهم که این امور را برایم حاصل کند، و شهادت می‌دهم که شما آنچه را خدا امرتان نمود به دیگران رساندید و از احدی غیر او خوف و هراس نداشتید، و در راهش مجاهدت کرده و او را پرستیدید تا هنگامی که اجل شما را دریافت، پس خدا لعنت کند کسانی را که شما را کشتند و لعنت کند کسانی را که فرمان به قتل شما را دادند، و خدا لعنت کند کسانی را که وقتی خبر کشتن شما را شنیدند راضی به آن شدند، شهادت می‌دهم آنهایی که هتک حرمت شما نموده و خون شما را ریختند در زبان پیامبر امی صلی الله علیه و آله مورد لعن قرار گرفته‌اند.

متن:

ثُمَّ تَقُولُ: «اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ، وَخَالَفُوا مِلَّتَكَ، وَرَغِبُوا عَنْ أَمْرِكَ، وَاتَّبَعُوا رَسُولَكَ، وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِكَ، اللَّهُمَّ اخْشُ قُبُورَهُمْ نَاراً، وَأَجْوَافَهُمْ نَاراً، وَخَشُرَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقاً، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ لَعْناً يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ، وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، وَكُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ امْتَحَنَتْ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي مُسْتَسِرِّ السَّرِّ وَظَاهِرِ الْعِلَانِيَةِ، اللَّهُمَّ الْعَنِ جَوَائِثَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَطَوَائِعِيَّتَهَا، وَالْعَنِ فَرَاغِيَّتَهَا، وَالْعَنِ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْعَنِ قَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَذِّبَهُمْ عَذَاباً أَلِيماً لَا تُعَذِّبُ بِهِ أَحَداً مِنَ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تُنْصِرُهُ وَتَنْصِرُ بِهِ، وَتَمُنُّ عَلَيْهِ بِنَصْرِكَ لِدِينِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

مرکز تحقیق کتب پیرامون مهدی
 ﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله ﴾

ترجمه:

سپس بگو:

خدایا لعنت کن کسانی را که نعمت تو را تبدیل نمودند، و با ملت و گروه طرفدار تو مخالفت کردند، و از امر و دستور تو روی بتافتند، و رسول تو را مورد اتهام قرار دادند و راه به سوی تو را بستند، خدایا قبور ایشان را پر از آتش کن، و در بطون و دل‌هایشان آتش بریز، و ایشان و تابعین آنها را محشور کن و به جهنم ببر در حالی که کور و نابینا هستند، خدایا ایشان را لعنت کن آنچنان لعنتی که هر فرشته مقرب تو آنان را لعنت می‌کند، و هر نبی فرستاده شده زبان به لعنشان می‌گشاید و هر بنده با ایمانی که تو دلش را برای قبول ایمان آزموده‌ای، خداوند ایشان را در پنهان‌ترین پنهانها و ظاهرترین ظاهرها لعنت نما، خداوندا

ستمگران این امت و باطلهای آنرا لعنت کن و فرعونها را از رحمتت به دوردار،
خدایا کشتندگان امیرالمؤمنین و کشتندگان حسن و حسین را لعنت نما و آنها را به
عذاب دردناکی که احدی از عالمیان را تا به حال به آن عذاب نکرده ای معذب
گردان، خدایا ما را از کسانی قرار بده که تو ایشان را یاری کرده و از آنها طلب
یاری کرده ای و بر آنها منت گذارده و برای دینت در دنیا و آخرت آنان را کمک
کرده ای.

متن:

ثم اجلس عند رأسه صلوات الله عليه فقل:

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَأَمِينُهُ، بَلَغْتَ نَاصِحًا، وَأَدَّيْتَ
أَمِينًا، وَقَتَلْتَ صِدِّيقًا، وَمَضَيْتَ عَلَى يَقِينٍ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمَى عَلَى هُدًى، وَلَمْ
تَقُلْ مِنْ حَقٍّ إِلَى بَاطِلٍ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ،
وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ، وَتَلَوْتَ
الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ
الْحَسَنَةِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلَى بَيِّنَةٍ
مِنْ رَبِّكَ، قَدْ بَلَغْتَ مَا أُمِرْتَ بِهِ، وَقُمْتَ بِحَقِّهِ وَصَدَّقْتَ مَنْ قَبْلَكَ، غَيْرَ
وَاهِنٍ وَلَا مُوهِنٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا، فَجَزَاكَ اللَّهُ مِنْ
صِدِّيقٍ خَيْرًا عَنِ رَعِيَّتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ، وَأَنَّ الْحَقَّ
مَعَكَ وَإِلَيْكَ، وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ أَهْلِ
بَيْتِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ صِدِّيقٌ عِنْدَ اللَّهِ، وَحُجَّتُهُ عَلَى خَلْقِهِ،
أَشْهَدُ أَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ، وَكُلُّ دَاعٍ مَنصُوبٍ غَيْرِكَ فَهُوَ بَاطِلٌ مَذْهُوضٌ،
وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس نزد سر مبارک آن حضرت صلوات الله علیه بنشین و بگو:

درود و رحمت خدا بر تو، شهادت می‌دهم که تو بنده خدا و امین او هستی،
مأموریت خود را ابلاغ کرده در حالی که ناصح و مصلحت اندیش بودی،
وامانتی را که نزد تو بود اداء نمودی، کشته شدی در حالی که بسیار بسیار
راستگو بودی و از این دنیا گذشتی در حالی که بریقین بودی، انتخاب نکردی
کوری را بر هدایت، از حق به باطل میل ننمودی، شهادت می‌دهم که تو نماز را
به پا داشتی و زکات را اداء نمودی، و به معروف امر کرده و از منکر و زشتی نهی
کردی، و از رسول پیروی نمودی، و آن طور که باید و شاید قرآن را تلاوت
کردی، و به راه پروردگارت دیگران را از طریق مصلحت و موعظه حسنه دعوت
نمودی، درود خدا بر تو و تحیت او بسیار بر تو باد، شهادت می‌دهم که تو حجت
آشکار پروردگارت هستی، آنچه را مأمور به ابلاغش بودی ابلاغ نمودی، و به
حق پروردگارت قیام نمودی، و تمام حج و بیئات پیش از خود را تصدیق کردی،
در این مضممار نه سستی از خود نشان داده و نه ایجاد سستی کردی، درود خدا بر
تو و تحیت او بسیار بر تو باد، پس خداوند پاداش نیک از طرف رعیتش به تو
عطاء فرماید، و شهادت می‌دهم که جهاد در همراه و در رکاب تو جهادی است
عظیم و حق با تو و به سوی تو می‌باشد، و تو اهل حق و مرکز آن هستی، میراث
نبوت نزد تو و اهل بیت تو (علیهم السلام) می‌باشد، شهادت می‌دهم که تو نزد خدا بسیار
بسیار راستگو بوده، و حجتش بر مخلوقات می‌باشی، شهادت می‌دهم که دعوت
مردم را حق و صواب بوده، و هر دعوت کننده نصب شده‌ای که غیر از تو باشد
باطل و فاسد می‌باشد، و شهادت می‌دهم که خدا حق و آشکار می‌باشد.

متن:

ثُمَّ تَحَوَّلَ عِنْدَ رَجُلِيهِ وَ تَخَيَّرَ مِنَ الدَّعَاءِ وَ تَدَعَوَ لِنَفْسِكَ، ثُمَّ تَحَوَّلَ
عِنْدَ رَأْسِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ تَقُولُ:
«سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، عَلَيْكَ
يَا مَوْلَايَ وَابْنِ مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ
بَيْتِكَ وَعَلَى عِتْرَةِ آبَائِكَ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرُّجْسَ
وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبد الله عليه السلام ﴾

ترجمه:

سپس به پائین پا برو و هر دعائی را که خواستی بخوان و برای خود نیز دعاء
کن، سپس به بالا سر حضرت علی بن الحسین علیه السلام برو و بگو:
درود خدا و درود فرشتگان مقربین خدا و درود انبیاء فرستاده شده خدا بر تو
ای سرور من و فرزند سرور من و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، تحیت خدا بر
تو و بر اهل بیت تو و بر دودمان نیک و خوب پدرت آن کسانی که خداوند متعال
پلیدی را از آنها به دور داشت و پاک و منزّه داشت ایشان را.

متن:

ثُمَّ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ وَ تَسَلِّمُ عَلَيْهِمْ وَ تَقُولُ:
«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرِّبَانِيُّونَ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ سَلَفٌ، وَ نَحْنُ أَتْبَاعُ
وَ أَنْصَارُ، أَشْهَدُ أَنْكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ:
«وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا»، فَمَا وَهَنْتُمْ وَمَا ضَعُفْتُمْ وَمَا اسْتَكَنْتُمْ حَتَّى لَقِيتُمُ اللَّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ، وَنُصْرَةِ كَلِمَةِ اللَّهِ التَّامَّةِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَزْوَاجِكُمْ وَأَبْدَانِكُمْ وَسَلَّم تَسْلِيمًا، أَنْبَشِرُوا بِمَوَاعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ إِنَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ، اللَّهُ مُدْرِكُ لَكُمْ ثَأْرَ مَا وَعَدَكُمْ، أَنْتُمْ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَنْتُمْ السَّابِقُونَ وَالْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَقَاتَلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنِ رَسُولِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَكُمْ وَعَدَهُ، وَأَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ».

ثُمَّ تَقُولُ: «أَتَيْتُكَ يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَ رَسُولِهِ، وَإِنِّي لَكَ عَارِفٌ، وَبِحَقِّكَ مُقِرٌّ، وَبِفَضْلِكَ مُسْتَبْصِرٌ، وَبِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ مُوقِنٌ، عَارِفٌ بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَصَلِّي عَلَيْكَ كَمَا صَلَّيْتَ أَنْتَ عَلَيْهِ وَرُسُلِكَ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، صَلَاةً مُتَابِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً، يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا، لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا أَمَدَ وَلَا أَبَدَ وَلَا أَجَلَ فِي مَحْضَرِنَا هَذَا وَإِذَا غَبْنَا وَشَهِدْنَا، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین ﴾

ترجمه:

سپس به نزد قبور شهداء برو و سلام بر ایشان بده و بگو:

درود بر شما ای راسخین در علم و دین، شما مقدم و سابق بر ما هستید و ما

پیرو و یاور شما می‌باشیم، شهادت می‌دهم که شما یاوران خدا هستید همان

طوری که حق تبارک و تعالی در کتابش فرموده:

«وَكَايُنَ مِنْ نَبِيٍّ قَاتِلٍ مَعَهُ رُبِّيونَ كَثِيرٌ...»

یعنی بسا اتفاق افتاده که گروهی از پیروان و یاران پیامبری که از راسخین در علم و دین هستند در جنگ کشته شده و با این حال اهل ایمان سستی از خود نشان نداده و با سختی‌هایی که در راه خدا به آنها رسیده مقاومت کرده و هرگز ضعفی در آنها دیده نشده و در مقابل دشمن سر عجز فرود نیاورده‌اند.

پس شما نیز سست نشده و ضعف و ناتوانی در شما راه نیافت و هرگز در مقابل دشمن زیون و خوار سر تسلیم فرود نیاوردید تا خدا را در راه و هدف حقّی که داشتید ملاقات کردید و در طریق نصرت کلمه تامّه خدا یعنی حجت کامله باری تعالی (وجود مقدّس حضرت سید الشهداء سلام الله تعالی علیه) جان سپردید، درود خدا بر ارواح طاهره و اجسام مطهر شما و تحیت خدا بر شما باد، بشارت باد شما را به وعده‌های پسنشده حق تعالی که خلافتی در آنها نیست چه آنکه خدا وعده‌هایی که داده مخالفت نخواهد نمود، خطاوند متعال طلب می‌کند برای شما خونی را که وعده‌اش را داده است، شما سرور شهداء هستید در دنیا و آخرت، شما سابقون و مهاجرون و انصار می‌باشید، شهادت می‌دهم که شما در راه خدا مجاهدت نمودید، و بر طریق رسول خدا و فرزندان آن حضرت مقاتله و منازعه نمودید، حمد و سپاس برای خدائی است که وعده‌اش را در حق شما صادق قرار داد و آنچه شما دوست دارید را به شما نشان داد.

سپس بگو:

به زیارتت آمدم ای دوست و محبوب رسول خدا و ای فرزند رسول خدا، من عارف هستم به شما، و به حق شما مقرّ می‌باشم، و به فضل شما بینا و مستبصر هستم، و به گمراهی کسی که با شما مخالفت نموده یقین دارم، به هدایت کسی که بر طریق شما است آگاهم، پدر و مادر و خودم فدای تو شویم، بار خدایا من بر او درود می‌فرستم همان طوری که تو و رسولانت و امیرالمؤمنین علیه السلام بر او درود می‌فرستید، درودهایی پشت سرهم و متصل و ردیف هم، برخی تابع و به دنبال بعضی دیگر می‌باشند، این درودها انقطاع و ابتداء و انتها و زمان نداشته، در

مجلس و محضر ما بوده و زمانی که غائب شویم نیز بوده چنانچه بعد از غیبت ما و حاضر شدنمان هم می‌باشند، سلام و درود بر او و رحمت و برکات حق تعالی بر او باد.

﴿ زیارة أخرى ﴾

متن:

۴ - حَدَّثَنِي أَبِي: وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ فَضْلِ ابْنِ عَثْمَانَ الصَّائِغِ، عَنْ معاوية بن عمار «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما أقول إذا أتيت قبر الحسين عليه السلام؟ قال: قل: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ بَرِيءٌ»».

﴿ زیارت چهارم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبد الله الحسين عليه السلام ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن عبدالله، از عبدالله بن جعفر حمیری، از عبدالله بن محمد ابن خالد طیالسی، از حسن بن علی، از پدرش، از فضل بن عثمان صائغ، از معاویه بن عمار، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کرد: هرگاه به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام رفتم در زیارت آن حضرت چه بگویم؟
امام صادق علیه السلام فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، خدا درود بر تو فرستد ای ابا عبدالله، خدا رحمت فرستد بر تو ای ابا عبدالله، خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند، و لعنت کند آنان را که در خون تو شریک شدند و لعنت کند آنهایی را که خبر قتل تو را شنیدند و به آن راضی شدند، من به سوی خدا از این امر بی‌زاری می‌جویم.

﴿ زیارة أخرى ﴾

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حمزة، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ أَبِي عَلِيٍّ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ لِلْمُفَضَّلِ: كَمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ﷺ؟ قَالَ: قُلْتُ: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَوْمَ وَبَعْضَ يَوْمٍ آخِرٍ، قَالَ: فَتَزُورُهُ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: فَقَالَ: أَلَا أُبَشِّرُكَ؟ أَلَا أَفْرَحُكَ بِبَعْضِ ثَوَابِهِ؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: فَقَالَ لِي: إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لِيَأْخُذَ فِي جِهَازِهِ وَيَتَهَيَّأَ لَزِيَارَتِهِ فَيَتَبَاشَرُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ، فَإِذَا خَرَجَ مِنْ بَابِ مَنْزِلِهِ رَاكِباً أَوْ مَاشِياً وَكُلَّ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يُوَافِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ﷺ، يَا مُفَضَّلُ إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ ﷺ فَقِفْ بِالْبَابِ وَقُلْ هَذِهِ الْكَلِمَاتُ، فَإِنَّ لَكَ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كِفْلاً مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، فَقُلْتُ: مَا هِيَ جَعَلْتُ فِدَاكَ؟ قَالَ: تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيٍّ وَصِيِّ
رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الرَّضِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَارِثَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصَّدِيقُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَارُّ الثَّقِيُّ، [السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ
حُجَّتِهِ]، السَّلَامُ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَأَسَاخَتْ بِرَحْلِكَ،
السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ
آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ
مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

ثمَّ تَسْعَى فَلَكَ بِكُلِّ قَدَمٍ رَفَعْتَهَا وَوَضَعْتَهَا كَثَوَابِ الْمَتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا سَلَّمْتَ عَلَى الْقَبْرِ قَالَتْ يَدُكَ وَقُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
حُجَّةَ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ»

ترجمه: «تسعی کن به هر قدمی که برافزای و بگذاری در راه خدا، تا آنکه بر آن قبر سلام دهی و بگویی: «السلام بر تو ای حجت خدا در آسمان و زمین»

﴿ زیارت پنجم ﴾

ترجمه: ﴿ بنام خداوند بخشنده مهربان ﴾

پدرم از سعد بن عبدالله، از ابی عبدالله رازی، از حسن بن علی بن ابی حمزه
از حسن بن محمد بن عبدالکریم ابی علی از مفضل بن عمر، از جابر جعفی، وی
گفت:

حضرت ابو عبدالله (علیه السلام)، به مفضل فرمودند:

فاصله بین شما تا قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) چه مقدار است؟

وی عرض کرد: پدر و مادرم فدایت شوند یک روز و مقداری از یک روز.

حضرت فرمودند:

آیا قبر آن حضرت را زیارت می کنی؟

عرض کردم: بلی.

فرمودند:

آیا بشارت بدهم تو را؟ آیا شاد و مسرور بنمایم تو را به واسطه پاره‌ای از ثواب‌های آن؟

عرض کردم: بلی فدایت شوم.

مفضل گفت: حضرت به من فرمودند:

هرگاه یک نفر از شما اثاثیه سفرش را بر می‌داد و آماده می‌شود برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام اهل آسمان به او بشارت می‌دهند و وقتی از درب خانه‌اش بیرون رفت چه سواره و چه پیاده خداوند منان چهار هزار فرشته را بر او موکل می‌فرماید که بر وی تحیت و درود فرستند تا به قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام برسد.

ای مفضل: هنگامی که به قبر امام امام حسین علیه السلام رسیدی، درب حرمش بایست و این کلمات را بگو، زیرا در مقابل هر یک کلمه‌ای که می‌گوئی نصیب و بهره‌ای از رحمت عائدت می‌شود.

عرض کردم: آن کلمات چیست؟

حضرت فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای وارث آدم که برگزیده خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث نوح که پیامبر خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث ابراهیم که خلیل خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث موسی که کلیم خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث عیسی که روح خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث علی علیه السلام که محمد صلی الله علیه و آله که حبیب خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث حسن علیه السلام که رضی جانشین رسول خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث حسن علیه السلام که رضی و پسندیده است، سلام و درود بر تو ای وارث فاطمه علیه السلام که دختر رسول خدا است، سلام و درود بر تو ای شهیدی که بسیار بسیار راستگو بودی، سلام بر تو

ای وصی و جانشین پیغمبر که نیکوکار و پرهیزکار می باشی، سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام بر ارواحی که گرداگرد تو فرود آمده و در مسکن و مکان تو قرار و آرام گرفته اند، سلام بر فرشتگان خدا که اطراف تو را گرفته اند، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را اداء کردی و به معروف و اعمال پسندیده امر کردی و از افعال زشت و ناپسند نهی نمودی، و خدا را مخلصاً پرستیدی تا اجل تو را دریافت، سلام بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

سپس از درب حرم حرکت کن و به طرف قبر برو که برای هر قدمی که از زمین برداشته و بر روی آن می گذاری ثوابی همچون ثواب کسی که در راه خدا به خون خود آغشته شده می باشد و وقتی بر قبر سلام دادی دست خود را به آن بکش و بگو:

سلام بر تو ای حجت خدا در آسمان و زمین.

متن:

ثُمَّ تَمْضِي إِلَى صَلَاتِكَ، وَلِكِ بِكُلِّ رَكْعَةٍ رَكْعَتَهَا عِنْدَهُ كَثُوبٌ مِّنْ حِجٍّ وَ اعْتَمَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ أَعْتَقَ أَلْفَ رَقَبَةٍ، وَ كَأَنَّمَا وَقَفَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَلْفَ مَرَّةٍ مَعَ نَبِيِّ مُّرْسَلٍ، فَإِذَا انْقَلَبْتَ مِنْ عِنْدِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام نَادَاكَ مُنَادٍ - لَوْ سَمِعْتَ مَقَالَته لَا قَتَ عُمرُكَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام - وَ هُوَ يَقُولُ: «طُوبَى لَكَ أَتَيْهَا الْعَبْدُ! قَدْ غَنِمْتَ وَ سَلِمْتَ، قَدْ غُفِرَ لَكَ مَا سَلَفَ، فَاسْتَأْنَفِ الْعَمَلَ»، فَإِنْ هُوَ مَاتَ مِنْ عَامَّةٍ أَوْ فِي لَيْلَتِهِ أَوْ يَوْمِهِ لَمْ يَلِ قَبْضَ رُوحِهِ إِلَّا اللَّهُ، وَ تَقْبَلُ الْمَلَائِكَةُ مَعَهُ [و] يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ، وَ يَصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يُوَافِيَ مَنَزَلَهُ، وَ تَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ هَذَا عَبْدُكَ وَ قَدْ وَافَى قَبْرَ ابْنِ

نَبِيَّكَ ﷺ و قد وافى منزله، فأين نذهب؟ فيأتيهم النداء من السماء: يا ملائكتي قفوا بباب عبدي؛ فسبحوا و قدسوا و اكتبوا ذلك في حسناته إلى يوم يتوفى، قال: فلا يزالون ببابه إلى يوم يتوفى يسبحون الله و يقدسونه، و يكتبون ذلك في حسناته، فإذا توفي شهدوا جنازته و كفنه و غسله و الصلاة عليه، و يقولون: ربنا و كلتنا بباب عبدك و قد توفي فأين نذهب؟ فيناديهم: يا ملائكتي قفوا بقبر عبدي فسبحوا و قدسوا و اكتبوا ذلك في حسناته إلى يوم القيامة».

حدَّثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب، عن أبي عبد الله الرّازي الجاموراني، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة بإسناده مثله.



﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾
﴿ ابا عبدالله الحسین ﷺ ﴾

ترجمه:

سپس به نماز بایست چه آنکه هر رکعتی از نماز نزد قبر آن حضرت ثواب هزار حج و عمره و هزار بنده‌ای که آزاد نموده باشند را داشته و گویا نمازگذار هزار مرتبه با پیغمبر فرستاده شده در راه خدا جهاد کرده است، به هر صورت وقتی از زیارت قبر برگشتی منادی تو را نداء می‌کند به طوری که اگر مقاله و سخن او را می‌شنیدی تمام عمرت را نزد قبر آن حضرت می‌ماندی، منادی می‌گوید:

ای بنده خوشا به حال تو! غنیمت بردی و سلام دادی، تمام گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد، پس عمل را از ابتداء شروع کن، پس اگر وی در همان سال یا همان

شب یا همان روز زیارت فوت کند احدی قبض روحش را به عهده نگرفته مگر خداوند متعال، و فرشتگان با او پیش آمده و طلب آمرزش برایش می کنند و رحمت بر او می کنند تا وی به منزلش برسد، و فرشتگان می گویند:

ای پروردگار این بنده تو است و به زیارت فرزند پیغمبرت صلی الله علیه و آله آمده و اکنون برگشته و به منزلش رسیده حال ما به کجا برویم؟

پس از آسمان نداء آید:

ای فرشتگان من درب منزل بنده من بایستید و تسبیح و تقدیس نموده و آن را در نامه حسنات وی بنویسید تا زمانی که فوت کند.

امام علیه السلام فرمودند:

پیوسته فرشتگان درب منزل او بوده تا روزی که وی فوت کند، طول این مدت ایشان به تسبیح خداوند و تقدیس مشغول بوده و تمام این تسبیحات و تقدیسات را در زمره حسنات وی قرار می دهند و وقتی وی فوت کند بر جنازه و مراسم تکفین و تغسیل و خواندن نماز بر او حاضر شده و می گویند:

پروردگارا ما را موکل نمودی که بر درب منزل بنده ات بایستیم، اکنون او فوت کرده حال کجا برویم؟

حق تعالی نداء داده و می فرماید:

ای فرشتگان من بایستید بر سر قبر بنده ام، پس تسبیح و تقدیس نمائید من را و آن را در زمره حسنات او تا روز قیامت ثبت و ضبط کنید.

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمة بن الخطاب، از ابی عبدالله رازی جامورانی از حسن بن علی بن ابی حمزه به اسنادش مثل حدیث مزبور را نقل کرده اند.

﴿ زیارة أخرى ﴾

متن:

۶ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ فَقَالَ لِي: مَا تَقُولُونَ أَنْتُمْ فِيهِ؟ فَقُلْتُ: بَعْضُنَا يَقُولُ حُجَّةً وَبَعْضُنَا يَقُولُ عَمْرَةً، قَالَ: فَأَيُّ شَيْءٍ تَقُولُ إِذَا أَتَيْتَ؟ فَقُلْتُ: أَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ سَفَكُوا دَمَكَ وَاسْتَحَلُّوا حُرْمَتَكَ مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ»».

﴿ زیارت ششم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبد الله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از جدش محمد بن عیسی ابن عبد الله، از ابراهیم بن ابی البلاد، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السلام (امام هفتم علیه السلام) عرض کردم: در زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام چه می فرمائید؟

حضرت به من فرمودند:

شما درباره زیارت آن حضرت چه می گوئید؟

عرضه داشتم: برخی از ما معتقدیم که زیارت آن جناب به منزله حج بوده

و بعضی دیگر می گوئیم ثواب عمره را دارد.

حضرت فرمودند:

در وقت زیارت آن حضرت چه می گوئید؟

عرض کردم: می گوئیم:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، سلام و درود بر تو ای پسر رسول خدا،
شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را اداء نمودی، و به کار خیر امر
و از عمل زشت نهی فرمودی، و با بیانی مشتمل بر حکمت و با موعظه ای
پسندیده مردم را به راه پروردگارت دعوت نمودی، و شهادت می دهم کسانی که
خون تو را ریختند و هتک حرمت تو را حلال دانستند با زبان حضرت داود
و عیسی بن مریم (علیهم السلام) مورد لعن و عذاب الهی واقع شده اند، و این به خاطر
عصیان و تجاوز آن ها می باشد.



مرکز تحقیقات و پژوهش در مورد اهل بیت (علیهم السلام)

متن:

۷- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْبَغْدَادِيِّ - عَمَّنْ حَدَّثَهُ - عَنْ إِبْرَاهِيمَ
ابْنِ أَبِي الْبَلَادِ «قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ (ع): كَيْفَ السَّلَامُ عَلَى أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ (ع)؟ قَالَ: قُلْتُ: أَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ،
وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ
بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ سَفَكُوا دَمَكَ وَاسْتَحَلُّوا
حُرْمَتَكَ مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، ذَلِكَ بِمَا
عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ»، قَالَ: نَعَمْ هُوَ هَكَذَا».

﴿ زیارت هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم از موسی بن جعفر بغدادی از کسی که برایش حدیث گفته، از ابراهیم ابن ابی البلاد، وی گفت:

حضرت ابوالحسن علیه السلام (امام هفتم علیه السلام) به من فرمودند:

چگونه بر حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام سلام می دهی؟

وی می گوید: عرضه داشتم: می گویم:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا...

مترجم گوید:

فقرات این زیارت عیناً همان زیارت ششم است با این فرق که پس از عرضه

داشتن راوی امام علیه السلام در این زیارت نامه فرموده اند:

بلی سلام بر آن حضرت چنین می باشد.

﴿ زیارة اخرى ﴾

متن:

۸- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ -

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَفْصِ الْمَرْوَزِيِّ - عَنْ الرَّجُلِ -

«قَالَ: تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُتَّضِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ

بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ

الْيَقِينُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَ مَيِّتًا».

ثُمَّ ضَعَّ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَقُلْ: «أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّكَ، جِشْتِكَ مُقَرَّأً بِالذُّنُوبِ، إِشْفَعُ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ». ثُمَّ اذْكُرِ الْأُمَّةَ وَاحِدًا وَاحِدًا وَقُلْ: «أَشْهَدُ أَنَّهُمْ حُجَّجُ اللَّهِ». ثُمَّ قُلْ: «أَكْتُبْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا وَمِيثَاقًا بَأَنِّي أَتَيْتُكَ مُجَدِّدًا الْمِيثَاقَ فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ».

﴿ زیارت هشتم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود، از سلمه بن الخطاب، از علی بن محمد، از برخی اصحابش، از سلیمان بن حفص مروزی، از آن مرد بزرگ، آن جناب فرمودند:

در نزد قبر حضرت امام حسین (ع) بگو:

سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، سلام و درود بر تو ای حجت خدا در زمین، و سلام بر تو ای شاهد خدا بر خلق او، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام و درود بر تو ای فرزند فاطمه زهراء، شهادت می‌دهم که نماز را به پا داشته و زکات را اداء کرده‌ای، و به کار خیر امر و از عمل زشت نهی فرموده‌ای، و در راه خدا جهاد کردی تا مرگ تو را دریافت، و درود و رحمت خدا بر تو باد چه در حال حیات و چه در حال ممات.

سپس طرف راست صورت را بر قبر بگذار و بگو:

شهادت می‌دهم که تو حجت آشکار پروردگارت می‌باشی، به نزد تو آمده‌ام در حالی که به گناهانم اقرار دارم، نزد پروردگارت شفاعت من را بنما ای فرزند رسول خدا.

سپس ائمه (ع) را یکی یکی یاد کن و بگو:

شهادت می‌دهم که شما حجت‌های خدا هستید.

سپس بگو:

بنویس برای من که نزد شما میثاق و عهدي داشته و آمدم به محضر ت در حالی که آن میثاق را تجدید می کنم پس شاهد من باش نزد پروردگارت که تو شاهد می باشی.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ زَكَرِيَّا، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْمَرْوَزِيِّ، عَنْ الْمُبَارَكِ «قَالَ: تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَ مَيِّتًا. ثُمَّ ضَعَّ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَ قُل: «أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيْتِنَا مِنْ رَبِّكَ، جِئْتَكَ مُقَرَّأً بِالذُّنُوبِ لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ».

ثُمَّ اذْكُرِ الْأَنْمَةَ بِأَسْمَائِهِمْ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، وَ قُل: «أَشْهَدُ أَنَّهُمْ حُجَجُ اللَّهِ»، ثُمَّ قُل: «اكْتُبْ لِي عِنْدَكَ مِيثَاقًا وَ عَهْدًا أَنِّي أَتِيْتُكَ مُجَدِّدًا الْمِيثَاقَ، فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ».

﴿ زیارت نهم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه بن الخطاب، از حسین بن زکریا، از سلیمان ابن حفص مروزی، از مبارک، وی گفت:

در زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می‌گوئی:
 سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش، و شاهد او بر
 خلقش، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی،
 سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهراء، شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی،
 و زکات را اداء نمودی، و به کارهای نیک امر و از اعمال و افعال زشت نهی
 نمودی، و در راه خدا سخت کوشیدی تا اجل تو را دریافت، پس رحمت خدا بر
 تو باد در زنده و مرده بودن.

سپس طرف راست صورت را بر قبر بگذار و مضامین در زیارت قبل (زیارت
 هشتم) را که با ترجمه‌اش گذشت بگو.



﴿ زیارة أخرى ﴾

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
 الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي
 نُجْرَانَ، عَنْ عَامِرِ بْنِ جُذَاعَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ
 الْحُسَيْنَ عليه السلام فَقُلْ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
 وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ
 قَتَلَكَ، وَمَنْ شَارَكَ فِي دَمِكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ
 بَرِيٌّ ثَلَاثًا.»

ترجمه:

﴿ زیارت دهم ﴾

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن بن الصّفا، از محمد ابن عبد الجبار، از عبد الرحمن بن ابی نجران، از عامر بن جذاغه، از حضرت ابی عبد الله (علیه السلام)، حضرت فرمودند:

هرگاه به زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) رفتی بگو:

سپاس و حمد برای خدا است و درود و تحیت خدا بر محمد که نبی او است و بر آل و دودمانش، و سلام بر او و بر آلش و رحمت و برکات الهی بر این ذوات باد، درود خدا بر تو ای ابا عبد الله، خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند، و کسانی را که در خون تو شرکت نمودند، و کسانی را که وقتی خبر کشته شدن تو به ایشان رسید راضی به آن شدند، من از ایشان به سوی خدا بی زاری می جویم، این عبارت را سه بار بگوید:

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ عَامِرِ بْنِ جُذَاغَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) «قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ الْحَائِرَ فَقُلْ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَمَنْ شَارَكَ فِي دَمِكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيٌّ»».

﴿ زیارت یازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از عبدالرحمن
ابن ابی نجران، از محمد بن ابی عمیر، از عامر بن جذاعة از حضرت
ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
هرگاه به حائر رفتی پس بگو:
حمد و سپاس برای خداست و درود و تحیت خدا بر محمد و اهل بیت او...
تا آخر مضامین زیارت قبل که با ترجمه ذکر شد.

﴿ زیارةُ آخری ﴾



متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ قُضَّالٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ
سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ، عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ، عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام « قَالَ: تَقُولُ إِذَا أَتَيْتَ إِلَى قَبْرِهِ:
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ
شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رِضَاهُ مِنْ
رِضَا الرَّحْمَنِ، وَ سَخَطُهُ مِنْ سَخَطِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ
وَ حُجَّتَهُ وَ بَابَ اللَّهِ، وَ الدَّلِيلَ عَلَى اللَّهِ، وَ الدَّاعِيَ إِلَى اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ
حَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ، وَ حَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ، وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ،
وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ

بِالْحَكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَمَنْ قُتِلَ مَعَكَ شُهَدَاءُ
أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ قَاتِلِيكَ فِي النَّارِ، أَدِينُ اللَّهَ
بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ، وَمِمَّنْ قَتَلَكَ وَشَايَعَ عَلَيْكَ، وَمِمَّنْ جَمَعَ
عَلَيْكَ، وَمِمَّنْ سَمِعَ صَوْتَكَ وَلَمْ يُجِبْكَ، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ
فَوْزاً عَظِيماً».

۱۳ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ،
عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَا أَحْبَبْتَ».



﴿ زیارت دوازدهم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه، از سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد
ابن الحسن بن علی بن فضال، از عمرو بن سعید مدائنی، از مصدق بن صدقه، از
عمار بن موسی ساباطی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:
هرگاه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رفتی بگو:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین، سلام بر
تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای سرور جوانان اهل بهشت و رحمت خدا
و برکاتش بر تو باد، سلام بر تو ای کسی که رضایت رضایت خدا است،
و غضب و نارضایت غضب و نارضایتی خدا می باشد، سلام بر تو ای امین
و حجت و باب خدا و راهنما و نشان دهنده خدا و دعوت کننده بسوی خدا،
شهادت می دهم که تو حلال خدا را بیان کرده و حرامش را روشن نموده و نماز

را به پا داشتی و زکات را پرداختی و به کارهای نیک امر و از اعمال زشت و قبیح نهی فرمودی، و با بیان مصلحت و پند و اندرز نیک دیگران را به راه خدا دعوت نمودی، و شهادت می‌دهم که تو و آنانکه در رکاب ظفر قرینت شهید شده‌اید شهیدانی بوده که نزد خدا زنده بوده و روزی می‌خورید، و شهادت می‌دهم که کشته تو در آتش جهنم است، به واسطه بی‌زاری از کسانی که با تو محاربه نموده و آنانکه تو را کشته و علیه تو با یکدیگر هم داستان شدند، و بی‌زاری می‌جویم از کسانی که قصد سوء علیه تو نمودند و برائت و بی‌زاری می‌جویم از آنانکه صدای تو را شنیده ولی اجابت نکردند، کاش با تو بودم پس به رستگاری عظیمی نائل می‌شدم.

﴿ زیارت سیزدهم ﴾

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابی نجران، از یزید بن اسحاق، از حسن بن عطیه، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

نزد قبر امام حسین علیه السلام هر چه را که دوست داشتی می‌توانی به عنوان زیارت بخوانی.

﴿ زیارة اُخری ﴾

متن:

۱۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ آتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام، قَالَ: نَعَمْ يَا أَبَا سَعِيدٍ إِنَّتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَطِيبِ الطَّيِّبِينَ وَأَطْهَرَ الطَّاهِرِينَ وَأَبْرَّ

الأبرار، وإذا زُرْتَه يا أبا سعيد فسُجَّ عندَ رأسه تسبيح
 أمير المؤمنين عليه السلام ألف مرَّة، و سُبَّحَ عندَ رجله تسبيح فاطمة الزَّهراء عليها السلام
 ألف مرَّة، ثم صَلَّ عندَه ركعتين تقرأ فيهما: «يس» و «الرَّحْمَن»، فإذا
 فعلت ذلك كتب الله لك ثوابَ ذلك إن شاء الله تعالى، قال: قلت:
 جعلت فداك علِّمني تسبيح عليٍّ و فاطمة عليهما السلام، قال: نَعَمْ يا أبا سعيد:
 تسبيح عليٍّ عليه السلام: «سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَبِيدُ
 مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَفْنَى مَا عِنْدَهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يُشْرِكُ أَحَدًا فِي
 حُكْمِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَقْطَاعَ لِمُدَّتِهِ،
 سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ»

و تسبيح فاطمة عليها السلام: «سُبْحَانَ ذِي الْحَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي
 الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ ذِي
 الْبَهْجَةِ وَالْجَمَالِ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالثَّوْرِ وَ الْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى
 أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا، وَ وَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ».

﴿ زیارت چهاردهم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین عليه السلام ﴾

ترجمہ:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از صالح بن
 عقبه، از ابی سعید مدائنی، وی می گوید محضر مبارک حضرت ابی عبدالله عليه السلام
 مشرف شده عرض کردم: فدایت شوم به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام
 بروم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای اباسعید به زیارت قبر حسین علیه السلام برو و به زیارت پاکیزه‌ترین پاکیزه‌ها و پاک‌ترین پاکان و نیک‌ترین نیکان.

ای اباسعید هنگامی که آن حضرت را زیارت کردی بالای سر آن جناب تسبیح امیرالمؤمنین علیه السلام را هزار مرتبه بگو و پائین پای آن حضرت تسبیح حضرت زهراء علیه السلام را هزار مرتبه بگو، سپس نزد قبر مطهرش دو رکعت نماز بخوان و در آن دو رکعت سوره یس و الرحمن را قرائت کن.

و وقتی چنین نمودی خداوند متعال ثواب زیارت حضرت را برای تو خواهد نوشت.

راوی می‌گوید: محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم تسبیح امیرالمؤمنین علی علیه السلام و تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها را آیا به من تعلیم می‌فرمائید؟

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

حضرت فرمودند:

بلی یا ابا سعید، تسبیح امیرالمؤمنین علیه السلام عبارت است از ذکر این اذکار:
منزه است کسی که خزاننش تمام شدنی نیست، منزه است کسی که نشانه‌هایش کهنه و فرسوده نمی‌شوند،
منزه است کسی که آنچه نزد او است فانی نمی‌گردد، منزه است کسی که احدی در حکم با او شریک نیست،
منزه است کسی که زوالی برای فخر و بزرگی او نمی‌باشد، منزه است کسی که بر انقطاع و فنائی برای زمان سلطتش نمی‌باشد، منزه است کسی که معبودی غیر از او وجود ندارد.

و تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها عبارتست از:

منزه است صاحب جلالی که متکبر و بزرگ می‌باشد، منزه است صاحب عزتی که بلند مرتبه و مرتفع‌الشان می‌باشد، منزه است صاحب سلطنتی که دارای

فخر و قدمت می باشد، منزّه است صاحب حسن و جمال، منزّه است کسی که به نور و سنگینی و وقار آراسته است، منزّه است کسی که اثر و نشانه های پای مورچه را روی سنگ صاف و شفاف دیده و افتادن طیور و پرندگان را روی درختان و لانه ها می نگرد.

﴿ زیارة أُخری ﴾

متن:

۱۵ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَغَيْرِ وَاحِدٍ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُوسَى الْوَرَّاقِ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ عَامِرِ بْنِ جُذَاعَةَ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ».

﴿ زیارت پانزدهم ﴾

ترجمه: ﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین عليه السلام ﴾

پدرم و گروهی دیگر، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عباس بن موسی و راق، از یونس، از عامر بن جذاعة، وی می گوید: شنیدم حضرت ابو عبدالله عليه السلام می فرمودند:

وقتی به زیارت قبر امام حسین عليه السلام رفتی بگو:

سلام و درود بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام و درود بر تو ای ابا عبدالله، خدا لعنت کند کسانی که تو را کشتند و خدا لعنت کند کسانی را که وقتی خبر

شهادت تو را شنیدند خوشنود و راضی شدند؛ من به سوی خدا از ایشان بی‌زاری می‌جویم.

﴿ زیارة أخرى ﴾

۱۶ - حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدَانُ بْنُ مُسْلِمٍ، [عَنْ قَائِدِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا بَعْضُ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام] «قَالَ: إِذْ آتَيْتَ الْقَبْرَ بَدَأَتْ فَائْتِيَتْ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَصَلَّيْتَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَاجْتَهَدْتَ فِي ذَلِكَ [إِنْ شَاءَ اللَّهُ] ثُمَّ تَقُولُ:

«سَلَامُ اللَّهِ عليه السلام وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ فِيمَا تَرْوُحُ وَتَغْدُو، الزَّكِيَّاتُ الطَّاهِرَاتُ لَكَ وَعَلَيْكَ، وَسَلَامُ اللَّهِ عَلَى وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْمُسْلِمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ، وَالنَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ وَالشُّهَدَاءِ عَلَى أَنَّكَ صَادِقُ صَدِيقٍ، صَدَقْتَ وَنَصَحْتَ فِيمَا أَتَيْتَ بِهِ، وَأَنَّكَ تَأْرُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ، وَالْدَّمُ الَّذِي لَا يُذْرِكُ نَارُهُ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَلَا يُذْرِكُهُ إِلَّا اللَّهُ وَخَدُّهُ، جِشَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَافِدًا إِلَيْكَ، [وَأَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ بِكَ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَبِكَ يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ فِي حَوَائِجِهِمْ، وَبِكَ يُذْرِكُ أَهْلُ التُّرَاتِ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ طَلِبَتَهُمْ].»

﴿ زیارت شانزدهم ﴾

ترجمه: ﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

حسین بن محمد بن عامر، از احمد بن اسحاق بن سعد، وی می‌گوید:
سعدان بن مسلم، از قائد ابی بصیر نقل نموده که وی گفت:

برخی از اصحاب ما از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام رفتی ابتداء بر خداوند عزوجل ثناء بگو و سپس بر پیامبر اکرم صلوات الله علیه صلوات و درود بفرست و در فرستادن صلوات بر آن حضرت کوشش و مبالغه نما و پس از آن بگو:

درود خدا و درود فرشتگان در هر شام و بامداد برای تو و بر تو باد آن درودهایی که پاک و پاکیزه می‌باشند، و درود خدا و درود فرشتگان مقرب و ملائکه‌ای که قلباً تسلیم تو هستند بر تو باد، درود فرشتگانی که فضل تو را بازگو می‌کنند بر تو باد، درود آنانکه شهادت می‌دهند بر اینکه تو راستگو و راست هستی بر تو باد، در آنچه خبر دادی و بازگو نمودی راست گفתי و مردم را نصیحت کردی، تو خون خدا در زمین هستی، تو خونی هستی که احدی از اهل زمین نمی‌تواند آنرا تقاص کند و کسی غیر از خداوند متعال قادر بر خونخواهی آن نیست، ای پسر رسول خدا به نزد تو آمده‌ام در حالی که از سرزمین خود به سوی تو کوچ کرده‌ام، و به واسطه تو در تمام نیازمندی‌هایم چه امور دنیائی و چه امور اخروی به خدا متوسل می‌شوم، و به واسطه تو تمام نیازمندان در نیازهایشان به خداوند منان متوسل می‌شوند، و به توسط تو اولیاء دماء از بندگان خدا طلب خود را می‌گیرند.

متن:

ثُمَّ امْشِ قَلِيلاً ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ الْقَبْرَ - وَالْقَبْلَةَ بَيْنَ كَتْفَيْكَ - فَقُلْ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ [الْأَحَدِ] الْمَتَوَحِّدِ بِالْأُمُورِ كُلِّهَا، خَالِقِ الْخَلْقِ فَلَمْ يَغْزُبْ عَنْهُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَعَالِمِ كُلِّ شَيْءٍ بِلاَ تَغْلِيمٍ؛ ضَمَّنَ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا دَمَكَ وَتَأْرَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ مَا وَعَدَكَ

مِنَ النَّصْرِ وَالْفَتْحِ، وَأَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ الْوَعْدُ الْحَقُّ فِي هَلَاكِ عَدُوِّكَ
وَتَمَامِ مَوْعِدِهِ إِيَّاكَ، أَشْهَدُ أَنَّهُ قَاتِلَ مَعَكَ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ كَمَا قَالَ اللَّهُ
تَعَالَى: «وَكَايُنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتِلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس اندکی قدم بردار و پس از آن قبر را مقابل خود و قبله را بین دو کتف
قرار داده و بگو:

حمد و سپاس برای خداوند واحدی است که در تمام امور مستقل می باشد،
آفریننده مخلوقات بوده پس هیچ امری از امور خلایق از او مخفی و پنهان
نمی باشد، بدون اینکه تعلیم گرفته باشد به تمام اشیاء عالم و دانا است، ای فرزند
رسول الله خداوند منان زمین و تمام موجودات روی آن را تاوان خون تو قرار
داده است، شهادت می دهم نصرت و فتحنی را که خدا به تو وعده داده برایت
منتجز و فراهم فرموده، و نیز شهادت می دهم وعده راست و حقی را که خدا در
ارتباط با هلاک نمودن دشمن تو داده و نیز تمام وعده هایش به تو به وقوع
پیوسته است، شهادت می دهم که همراه تو جماعت بسیاری مقاتله و کارزار
کردند چنانچه حق تعالی در قرآن فرموده:

و چه بسا پیامبر که گروه زیادی از پیروانش همراه او کارزار کرده و کشته
شدند ولی هیچ سستی و رخنه ای از این رهگذر در آنها پیدا نشد.

متن:

ثُمَّ كَبَّرَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ، ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا وَاسْتَقْبِلِ الْقَبْرَ، ثُمَّ قُلْ:
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي

الْمَلِكِ، خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا أَمَرْتَ بِهِ وَوَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَتَمَّتْ بِكَ كَلِمَاتُهُ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأُمَّةً خَذَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَذَلَتْ عَنْكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ بِالْوِلَايَةِ لِمَنْ وَالَيْتَ وَوَالَتْ رُسُلُكَ، وَأَشْهَدُ بِالْبَرَاءَةِ لِمَنْ بَرِئْتَ مِنْهُ وَبَرِئْتَ مِنْهُ رُسُلُكَ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ، وَهَدَمُوا كَعْبَتَكَ، وَحَرَقُوا كِتَابَكَ، وَسَفَكُوا دِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَفْسَدُوا عِبَادَكَ وَاسْتَذَلُّوهُمْ، اللَّهُمَّ ضَاعِفْ لَهُمُ اللَّعْنَةَ فِيمَا جَرَتْ بِهِ سُنَّتِكَ فِي بَرِّكَ وَبَحْرِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ، اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ، حَقِّ تَلْحِقْنِي بِهِمْ، وَتَجْعَلْهُمْ لِي قَرَطًا وَتَجْعَلْنِي لَهُمْ تَبَعًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ﴾

﴿ ابا عبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمه:

سپس هفت تا تکبیر بگو و پس از آن اندکی جلو برو و قبر را روبروی خود قرار داده و بگو:

حمد و سپاس مرخدائی را سزد که همراه و فرزند برای خود نگرفت و در سلطنت و پادشاهی برایش شریکی نمی باشد، تمام اشیاء را آفرید پس آنها را متناسب و معین نمود، شهادت می دهم که تو آنچه را مأمور به ابلاغ نمودی ابلاغ نمودی و بعهدی که با خدا نموده بودی وفاء کردی، و به واسطه تو کلمات خدا و نعمت هایش تمامیت و کمال پیدا می کنند، و شهادت می دهم که در راه او مجاهدت و کوشش نموده تا اجل تو را دریافت، خدا لعنت کند جماعتی را که تو را کشتند و گروهی را که یاری تو را نمودند، و خدا لعنت کند آن دسته از مردمی

را که دیگران را به ترک یاری تو واداشتند، خدایا من شهادت می‌دهم آنان را که تو و رسولانت را دوست دارند من دوست دارم، و شهادت می‌دهم که بی‌زارم از کسانی را که تو و رسولانت از آنها بی‌زار می‌باشید، بار خدایا لعنت کن کسانی را که پیغمبرت را تکذیب کرده، و کعبه تو را منهدم و خراب نموده، و کتابت را سوزانده، و خونهای اهل بیت پیغمبرت را ریخته، و بنده گانت را فاسد کرده و خوار نمودند، خداوندا لعنت ایشان را مضاعف و دو چندان نما در آنچه سنت تو بر آن جاری شده در خشکی و دریا، خداوندا ایشان را در آسمان و زمین لعنت نما، بار خدایا قرار بده برای من زبانی راست در دوستان و محبوب من نما مشاهد ایشان را، تا به آنها ملحقم نعمانی، و قرار بده ایشان را رهبران من و من را در دنیا و آخرت تابع ایشان.



متن:

ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا، فَكَبِّرْ سَبْعًا، وَهَلِّلْ سَبْعًا، وَاحْمِدِ اللَّهَ سَبْعًا، وَسَبِّحِ اللَّهَ تَعَالَى سَبْعًا، وَأَجِبْهُ سَبْعًا [و] تَقُولُ:

«لَيْتَكَ دَاعِيَ اللَّهِ [لَيْتَكَ دَاعِيَ اللَّهِ]، إِنْ كَانَ لَمْ يَجِبَكَ بَدَنِي فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَشَفَرِي وَبَشَرِي وَرَأْيِي وَهَوَايَ عَلَى التَّسْلِيمِ لِحَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ، وَالسُّبُطِ الْمُتَجَبِّ، وَالِدَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْأَمِينِ الْمُسْتَحْزَنِ، وَالْمَرْضِيِّ الْبَلِغِ وَالْمُظْلُومِ الْمُهْتَظَمِ، جِئْتُ إِنْطِعَاعًا إِلَيْكَ وَإِلَى وَلَدِكَ وَوَلَدِ وَلَدِكَ، الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِكَ عَلَى بَرَكَاتِهِ الْحَقِّ، فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَأَمْرِي لَكُمْ مُسَبِّحٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ لِدِينِي وَيَنْقَضَ لَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِرَجْعَتِكُمْ، لَا تُكِرُّ لِلَّهِ قُدْرَةٌ وَلَا أَكْذَبُ لَهُ مَشِيَّةٌ، وَلَا أَزْعَمُ أَنْ مَا شَاءَ لَا يَكُونُ».

﴿ دنباله زیارت نامه ﴾

ترجمه: ﴿ حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

سپس اندکی جلو برو و هفت مرتبه تکبیر و هفت مرتبه لا اله الا الله گفته و هفت بار حمد خدا را نموده و هفت مرتبه حق تعالی را تسبیح کرده و هفت مرتبه حق تعالی را اجابت نموده (یعنی بگو: لیبک) و بعداً بگو: اجابت می‌کنم تو را ای خواننده خدا، اجابت می‌کنم تو را ای خواننده خدا، اگر بدنم تو را اجابت نکند پس قطعاً قلب و موی و پوست و فکر و خواست نفسم بر تسلیم شدن و اطاعت نمودن از فرزند نبی مرسل اجابت می‌کنند، و نیز اجابت دختر زاده پیامبر که برگزیده و راهنما و آگاه می‌باشد را می‌نمایند، و همچنین اجابت می‌کنند امین و خزینه‌دار و پسندیده و بلیغ و مظلوم و ستم کشیده را، آمدم به سوی تو و فرزند تو و فرزند فرزندت که بعد از تو جانشین تو می‌باشد، پس دلم تسلیم شما است و امر و کارم تابع شما بوده، و نصرت و یاری من آماده برای شما است، یا خدا حکم کند در حالی که او بهترین حکم کنندگان برای دین من بوده و شما را بر می‌انگیزد، پس کسی که با شما باشد با شما است نه با دشمن شما، من از کسانی هستم که به رجعت شما ایمان و اعتقاد دارم، نه قدرت خدا و نه مشیت او را انکار می‌کنم، و گمان ندارم که آنچه را خدا بخواهد وجود پیدا نکند.

متن:

ثم امش حتى تنتهي إلى القبر و قل - و أنت قائم -:

«سُبْحَانَ اللَّهِ، يُسَبِّحُ لِلَّهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَيُقَدِّسُ بِأَسْمَائِهِ
جَمِيعُ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، رَبَّنَا وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ،
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي وَفْدِكَ إِلَى خَيْرِ بَقَائِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَبْنَ

وَالطَّاغُوتَ».

ثُمَّ ارْفَعْ يَدَيْكَ حَتَّى تَضَعَهَا مَمْدُودَتَيْنِ عَلَى الْقَبْرِ، ثُمَّ تَقُولُ:
«أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهُرٌ طَاهِرٌ مِنْ طُحْرٍ طَاهِرٍ، قَدْ طَهَّرْتَ بِكَ الْبِلَادُ
وَطَهَّرْتَ أَرْضَ أَنْتَ فِيهَا، إِنَّكَ ثَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ حَقٌّ تَسْتَنْثِرُ لَكَ مِنْ
جَمِيعِ خَلْقِهِ».

ثُمَّ ضَعْ خَدَّيْكَ وَ يَدَيْكَ جَمِيعاً عَلَى الْقَبْرِ، ثُمَّ اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِهِ وَادْكُرِ
اللَّهَ بِمَا أَحْبَبْتَ وَتَوَجَّهْ إِلَيْهِ وَاسْأَلْ حَوَائِجَكَ، ثُمَّ ضَعْ يَدَيْكَ وَخَدَّيْكَ
عِنْدَ رِجْلَيْهِ وَقُلْ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، فَلَقَدْ
صَدَقْتَ وَصَبَرْتَ، وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدِّقُ، قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي
وَالْأَلْسُنِ».

ثُمَّ تَقُومُ إِلَى قَبْرِ وَلَدِهِ وَتُثْنِي عَلَيْهِمْ بِمَا أَحْبَبْتَ وَتَسْأَلُ رَبَّكَ حَوَائِجَكَ
وَمَا بَدَا لَكَ، ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ قَائِماً فَتَقُولُ:
«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرِّبَّانِيُّونَ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ وَأَنْصَارُ،
أُبَشِّرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ، وَأَنَّ اللَّهَ مُدْرِكُكُمْ تَارِكُكُمْ، وَأَنْتُمْ
سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

ثُمَّ اجْعَلِ الْقَبْرَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ صِلْ مَا بَدَا لَكَ، وَكَلِّمَا دَخَلْتَ الْحَائِرَ
فَسَلِّمْ ثُمَّ امْشِ حَتَّى تَضَعَ يَدَيْكَ وَخَدَّيْكَ جَمِيعاً عَلَى الْقَبْرِ، فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ
تَخْرُجَ فَاصْنَعْ مِثْلَ ذَلِكَ، وَلَا تَقْصُرْ عِنْدَهُ مِنَ الصَّلَاةِ مَا أَقَمْتَ، وَإِذَا
انْصَرَفْتَ مِنْ عِنْدِهِ فَوَدِّعْهُ وَقُلْ: «سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ
وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادَةِ الصَّالِحِينَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَعَلَى
رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، وَذُرِّيَّتِكَ وَمَنْ حَضَرَكَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ».

﴿ دنباله زیارت نامه ﴾

ترجمه: ﴿ حضرت اباعبدالله حسین علیه السلام ﴾

سپس به جلو برو تا به قبر منتهی شوی و پس از آن در حالی که ایستاده‌ای بگو:

منزه است خدا، تمام مخلوقات و آفریده‌گان تسبیح خدا را می‌گویند آن خدائی که دارای ملک (عالم ماده) ملکوت (عالم معنا) می‌باشد و نیز تمام مخلوقات او را با اسمائش تقدیس می‌نمایند، منزه است خدائی که فرمان فرما و بسیار منزه است، او پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح الامین می‌باشد، خداوند من را در میان مسافران قرار بده بطرف بهترین سرزمین‌هایت و به سوی بهترین مخلوقات، خداوند اجبت (باطل) و طاغوت (ستم‌کار) را لعنت نما.

سپس دو دست را بلند کن تا به حالت کشیده آنها را روی قبر بگذاری و سپس بگو:

شهادت می‌دهم که تو عین پاکی و پاک بوده و از عین پاکی و پاک متولد شده‌ای، شهرها و سرزمین‌ها بواسطه تو پاکیزه شده‌اند و شهادت می‌دهم زمینی که تو در آن هستی پاکیزه می‌باشد، شهادت می‌دهم که تو خون خدا در زمین می‌باشی تا حق تعالی برای تو از تمام مخلوقاتش خونخواهی نماید، سپس صورت و دست‌هایت را روی قبر بگذار و پس از آن بالای سر نشسته و هر ذکری که خواستی بگو و به آن حضرت توجه نما و حوائج خود را سؤال نما.

سپس دو دست و صورت را پائین پای قبر بگذار و بگو:

خدا بر تو و بر جان و بدنت درود بفرستد، پس همانا راست گفته و صبر نمودی، و تو راست‌گو و تصدیق شده می‌باشی، خدا بکشد کسانی را که تو را با دست‌ها و زبان‌هایشان کشتند. سپس بالای قبر فرزندان آن حضرت بایست و بر ایشان ثناء گفته و هر چه خواستی بگو و بعداً از خداوند حوائج خود و آنچه

می خواهی را طلب نما سپس در حالی که ایستاده ای رو به قبور شهدا کن و بگو:
سلام بر شما ای اهل الله، شما رهبران ما و ما تابعین و یاران شما هستیم،
بشارت باد شما را به وعده هائی که حق تعالی راجع به شما داده و تخلقی در آنها
نمی باشد، و خداوند متعال خون خواهی شما را خواهد نمود، شما سروران
شهداء هستید در دنیا و آخرت.

سپس قبر آن حضرت را در مقابل قرار داده و هر دعائی که خواستی بخوان.
و هرگاه داخل حائر شدی ابتداء سلام کن و سپس بطرف قبر به قدری حرکت
کن که دو دست و دو گونه های خود را جمیعاً بر روی قبر بتوانی گذارد و وقتی
خواستی خارج شوی باز همین عمل را انجام بده (یعنی دو دست و دو طرف
صورت خود را روی قبر بگذار) و از خواندن نماز نزد قبر تا زمانی که آنجا
هستی کوتاهی مکن، و وقتی از محضر امام علیه السلام مرخص شدی پس آن جناب را
وداع کرده و بگو:

درود خدا و درود فرشتگان مقربش و درود انبیاء مرسلش و درود بندگان
صالحش بر تو ای فرزند رسول خدا و بر جان و جسمت و بر اولاد تو و بر تو
و دوستانت که با تو حاضر گردیدند.

متن:

۱۷ - حَدَّثَنِي بِهَذِهِ الزِّيَارَةِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ سَهْلٍ، عَنْ
أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ قَالَ:
حَدَّثَنَا أُمَيَّةُ بْنُ عَلِيٍّ الْقَيْسِيُّ الشَّامِيُّ، عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ - عَنْ رَجُلٍ - عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَثَلَهُ، وَزَادَ فِي آخِرِهِ مِنْ بَعْدِ «مَنْ حَضَرَكَ مِنْ
أَوْلِيَائِكَ»: فَإِذَا بَلَغْتَ الرُّوْحَ فَقُلْ هَذَا الْكَلَامُ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ، كَمَا قُلْتَ

حين دخلت الحائر، فإذا دخلت منزلك فقل: «الحمد لله الذي سلمني و سلم مني، الحمد لله في الأمور كلها وعلى كل حال، الحمد لله رب العالمين»، ثم كبر إحدى وعشرين تكبيرة متتابعة، و سهل و لا تعجل فيها إن شاء الله تعالى - والباقي مثله -.

﴿ زیارت هفدهم ﴾

ترجمه: ﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) ﴾

احمد بن محمد بن الحسن بن سهل همين زیارت را برای من از پدرش و او از جد وی و او از موسی بن الحسن بن عامر و او از احمد بن هلال نقل نمود، وی گفت:

امیه بن علی قیسی شامی، از سعدان بن مسلم و او از شخصی و او از حضرت ابی عبد الله (علیه السلام) مثل همين زیارت نامه را نقل نمود منتهی در آخر آن بعد از «من حضرک من اولائک» این عبارت را اضافه کرده:

پس هنگامی که شب فرا رسید این کلام را از ابتداء تا آخر همان طوری که در وقت دخول حائر خواندی بخوان و وقتی به منزلت رسیده و وارد آن شدی بگو: حمد و سپاس خدائی را که من را از آزار دیگران بر حذر داشت و دیگران را نیز از شر من محفوظ نمود، حمد در تمام امور و در هر حالی برای خدا است، حمد برای پروردگار عالمیان است، سپس بیست و یکبار پشت سر هم تکبیر بگو و با تائی و آهسته آنها را گفته و ان شاء الله در آن عجله نمی کنی، و باقی الفاظ این زیارت مثل همان زیارت مذکور می باشد.

﴿ زیارة أخرى ﴾

متن:

حدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علي بن عبد الله بن المغيرة، عن العباس بن عامر، عن أبان، عن الحسن ابن عطية أبي ناب، عن يثاع السابري «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام وهو يقول: مَنْ أَقَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَجَّةً وَ عُمْرَةً - أَوْ عُمْرَةً وَ حَجَّةً - قَالَ: جَعَلْتُ فِدَاكَ فَمَا أَقُولُ إِذَا أَتَيْتَهُ؟ قَالَ: تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَوْمَ وَلِدْتَ وَيَوْمَ قُوتُ وَيَوْمَ تُبْعَثُ حَيًّا، أَشْهَدُ أَنَّكَ حَيٌّ شَهِيدٌ، تُرْزَقُ عِنْدَ رَبِّكَ، وَأَتَوَالِي وَلِيِّكَ، وَأَبْرَأُ مِنْ عَدُوِّكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوكَ وَانْتَهَكُوا حُرْمَتَكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، أَسْأَلُ اللَّهَ وَلِيِّكَ وَوَلِيَّائِنَا أَنْ يَجْعَلَ مُحَقِّقَنَا مِنْ زِيَارَتِكَ الصَّلَاةَ عَلَى نَبِيِّنَا، وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِنَا، اشْفَعْ لِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عِنْدَ رَبِّكَ».

متن:

۱۹ - حدَّثني علي بن الحسين، عن سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علي ابن عبد الله بن المغيرة، عن العباس بن عامر، عن جابر المكفوف، عن أبي الصّامت، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: سمعته يقول: مَنْ أَقَى

الحسین علیه السلام ما شیأ کتب الله له بكل خطوة ألف حسنة، ومحى عنه ألف سيئة، ورفع له ألف درجة فإذا أتيت الفرات فاغتسل وعلق بعلبك و امش حافياً، و امش [ب]مشي العبد الذليل، فإذا أتيت باب الحائر فكبر الله أربعاً وصلَّ عنده واسأل حاجتك».

﴿ زیارت هیجدهم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله علیه از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از عباس بن عامر، از ابان، از حسن بن عطیه ابی ناب، از بیاع ساهری (عمر ابن یزید)، وی گفت: *بر کتبت که میفرمودم* از حضرت ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

کسی که به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام برود خداوند برایش ثواب یک حج و یک عمره (یا ثواب یک عمره و یک حج) منظور می کند. راوی می گوید: محضر مبارکش عرضه داشتم: فدایت شوم وقتی به زیارتش رفتم در زیارت آن حضرت چه بگویم؟ حضرت فرمودند: بگو:

درود بر تو ای ابا عبدالله، درود بر تو ای فرزند رسول خدا، درود بر تو در روزی که متولد شدی و روزی که از این دنیا رحلت نمودی و روزی که زنده برانگیخته می شوی شهادت می دهم که تو زنده و شهید می باشی، نزد پروردگارت روزی می خوری، من دوستدار شما را دوست دارم، و از دشمنانت بی زاری می جویم، و شهادت می دهم آنان که با تو کارزار کرده و حرمت تو را

هتک نمودند به زیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ملعون می‌باشند، و شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را پرداختی، و به کار خیر امر و از عمل زشت و قبیح نهی فرمودی، و در راه خدا با بیان حکمت و دادن پند و موعظه پسنندیده مجاهدت نمودی، از خدا که ولی تو و ولی ما است می‌خواهم که حفظ ما را از زیارت تو درود بر پیامبر و آمرزش گناهان ما قرار دهد، ای پسر رسول خدا شفاعت من را نزد پروردگارت بنما.

﴿ زیارت نوزدهم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از عباس بن عامر، از جابر مکفوف، از ابی الصامت، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، راوی گفت: شنیدم امام علیه السلام می‌فرمودند:

کسی که پیاده به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود در مقابل هر قدمی که برمی‌دارد خدا اجر هزار حسنه برایش نوشته و هزار گناه از نامه عملش محو کرده و هزار درجه مقامش را بالا می‌برد.

و هرگاه به فرات رسیدی، غسل کن و کفش‌هایت را بدست گیر و پای برهنه همچون بنده ذلیل و خوار حرکت کن و وقتی به درب حائر رسیدی چهار مرتبه تکبیر بگو و صلوات بفرست و سپس حاجتت را از خدا بخواه.

﴿ زیارۃ خفیفہ ﴾

متن:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - أَوْ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْهُ - «قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام؟ قَالَ: تَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ عَلَيْكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيٌّ».

﴿ زیارۃ خفیفہ ﴾

وِبِإِسْنَادِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُثْمَانَ؛ وَ عَنْ أَبِي هَمَّامٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ، وَأَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيٌّ».

﴿ زیارت مختصر دیگر ﴾

﴿ زیارت نامہ نوزدہم حضرت ابا عبد اللہ الحسین علیہ السلام ﴾

ترجمہ:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، أَوْ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، أَوْ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، أَوْ حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ، أَوْ صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى، أَوْ أَبِي الصَّبَّاحِ، أَوْ حَضْرَتِ أَبِي

عبدالله علیه السلام، از ابو بصیر از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، راوی گفت: محضر امام علیه السلام عرض کردم: سلام بر حسین بن علی علیه السلام چگونه است؟
حضرت فرمودند:
بگو:

درود بر تو ای ابا عبدالله، درود بر تو ای پسر رسول خدا، خدا لعنت کند کسی که تو را کشت، و لعنت کند کسی را که دشمنانت را بر علیه تو کمک کرد، و کسی را که وقتی خبر قتل تو به او رسید راضی گشت، من به سوی خدا از ایشان بی زاری می جویم.

﴿ زیارت مختصر دیگر ﴾

﴿ زیارت نامه بیستم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن به اسنادش، از احمد بن محمد، از محمد بن اسماعیل، از ابان بن عثمان و از ابی همام، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام حضرت فرمودند:
هرگاه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رفتی بگو:
درود بر تو ای ابا عبدالله، خدا کسی را که تو را کشت لعنت کند، و کسی که در خون تو شریک گردید را لعنت نماید، و کسی که خبر قتل تو به او رسید و راضی گشت را لعنت کند و من بسوی خدا از ایشان بی زاری می جویم.

﴿ زيارَةُ أُخْرَى ﴾

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

متن:

حدَّثني أبو عبد الرحمن محمد بن أحمد بن الحسين العسكري؛ و
محمد بن الحسن جميعاً، عن الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه علي بن
مهزيار، عن محمد بن أبي عمير، عن محمد بن مروان، عن أبي حمزة
الثمالي.

«قال: قال الصادق عليه السلام: إذا أردت المسير إلى قبر الحسين عليه السلام فصم
يوم الأربعاء والخميس والجمعة، فإذا أردت الخروج فاجمع أهلك و
ولدك، وادع بدعاء السفر و اغتسل قبل خروجك و قل حين تغتسل:
«اللَّهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ قلبي، وَاشْرَحْ لي صَدْرِي، وَاجْزَعْ عَنِّي لِسَانِي ذِكْرَكَ
وَمِدْحَتَكَ، وَالثَّناءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِوامَ دِينِي
التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ، وَالْأَتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَالشَّهادَةُ عَلَى أَنْبيائِكَ
وَرُسُلِكَ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً وَطَهُوراً، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ
دَاءٍ وَسُقْمٍ وَآفَةٍ وَعَاهَةٍ، وَحِزْزاً مِنْ شَرِّ ما أَخافُ وَأَخْذَرُ».

فإذا خرجت فقل: «اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ قَوَّضْتُ
أَمْرِي، وَإِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي، وَإِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، لَا
مُلْجَأَ وَلَا مُنْجَأَ إِلَّا إِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ.»

﴿ زیارت دیگر ﴾

﴿ زیارت نامه بیست و یکم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد بن الحسین العسکری، و محمد بن الحسن
 جمیعاً، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار، از محمد بن ابی
 عمیر، از محمد بن مروان، از ابی حمزة ثمالی، وی گفت:
 امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامی که خواستی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام بروی روز چهار
 شنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر سپس هنگام خروج همسر و فرزندان را
 جمع کن و دعاء سفر را بخوان و پیش از خارج شدن غسل کن و در وقت غسل
 بگو:

خدا یا من را پاکیزه گردان، قلب و دلم را طاهر نما، سینه‌ام را بگشا، ذکر خود
 و ثنات را بر زبانم جاری کن، ثناء و دعاء بر تو باد، زیرا هیچ قوه و نیروئی وجود
 ندارد مگر بواسطه تو است، همانا دانستم که استحکام دینم به این است که تسلیم
 امر تو بوده، و از سنت پیامبرت پیروی نموده، و شهادت دهم بر پیامبران و
 رسولانت بسوی تمام خلایق خداوند اقرار بده آن را (غسل را) نور و ظهور (پاک
 و پاک کننده) و شفاء دهنده هر درد و مرض و بلا و عیبی و نگهدارنده از شر
 آنچه از آن خوف داشته و بر حذر می‌باشم.

و هرگاه از منزلت خارج شدی بگو:

بار خدایا من روی خود را بطرف تو متوجه ساختم، و کارهایم را به تو
 واگذار نموده‌ام، و خود را به تو تسلیم کرده‌ام، و پشت و پناهم را تو قرار داده‌ام، و
 بر تو توکل کرده‌ام، هیچ پناهگاه و امید نجاتی نیست مگر توجه به تو، منزّه و بلند
 مرتبه‌ای، تضرع و زاری برای تو کم و ثناء و ستودنت بسیار می‌باشد.

متن:

ثم قل: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنِي فِي سَفَرِي، وَاخْلُقْنِي فِي أَهْلِي بِأَحْسَنِ الْخَلْقِ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَإِلَيْكَ خَرَجْتُ، وَإِلَيْكَ وَقَدْتُ، وَلِخَيْرِكَ تَعَرَّضْتُ، وَبِزِيَارَةِ حَبِيبِ حَبِيبِكَ تَقَرَّبْتُ، اللَّهُمَّ لَا تَنْغِي خَيْرَ مَا عِنْدَكَ بِشَرِّ مَا عِنْدِي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَكُفِّرْ عَنِّي سَيِّئَاتِي، وَحُطِّ عَنِّي خَطَايَايَ، وَاقْبَلْ مِنِّي حَسَنَاتِي.»

و تقول: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دَرَجَةِ الْحَصِينَةِ، الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْخَوَلِ وَالْقَوَّةِ - ثلاث مرات -»، و أقراء «فاتحة الكتاب» و «المعوذتين» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و «آية الكرسي» و «يس» و آخر الحشر:

«لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ، مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.»

ولا تدَّهن ولا تكحل حتى تأتى الفرات، وأقل الكلام والمزاح، وأكثر من ذكر الله تعالى، وإياك والمراح والخصومة، فاذا كنت راكباً أو ماشياً

فَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِ الثَّكَالِ وَعَوَاقِبِ الْوَبَالِ، وَفِتْنَةِ الضَّلَالِ، وَمِنْ أَنْ تَلْقَانِي بِمَكْرُوهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمُنْبِسِ وَاللَّبْسِ، وَمِنْ وَسْوَسةِ الشَّيْطَانِ، وَطَوَارِقِ الشَّوْءِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَنْصِبُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ الْعُدَاوَةَ، وَمِنْ أَنْ يَفْرُطُوا عَلَيَّ وَأَنْ يَطْفَؤُوا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عُيُونِ الظُّلَمَةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَمِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَمَنْ يَرُدُّ عَنِ الْخَيْرِ بِاللِّسَانِ وَالْيَدِ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس بگو:

ابتداء می‌کنم به اسم خدا و ذات او، و از او کمک خواسته و به سوی او توجه نموده و در راه او گام بر می‌دارم، و بر شریعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌باشم، بر خدا توکل داشته و بسویش باز می‌گردم، خدائی که آفریننده آسمانهای هفت‌گانه و طبقات هفت‌گانه زمین و پروردگار عرش عظیم می‌باشد، خداوند درود بر محمد و آل محمد بفرست، و من را در این سفر حفظ نما، و در بین اهل و فرزندانم بهترین جانشین من باش، خداوند به سوی تو توجه داشته، و بسوی تو از خانه‌ام خارج گشته، و به سوی تو کوچ کرده‌ام و متعرض خیر تو شده‌ام، و به واسطه زیارت حبیب حبیب به تو تقرب می‌جویم، بار خدایا خیری که نزد تو هست را به واسطه بدی آنچه نزد من است از من منع مکن، خداوند گناهانم را بپامرز و لغزش‌ها و بدی‌هایم را ببخش و جبران نما، و خطاهایم را محو بفرما، و خوبی‌ها و نیکی‌هایم را از من قبول نما.

و بگو:

خداوند من را در آن پوششی که از هر بلا و آفتی حفظ می‌کند و هر کسی را

که بخواهی در آن قرار می دهی قرار بده، خداوندا بسوی تو بی زاری می جویم از هر حول و قوه ای مگر حول و قوه تو (این فقره را سه مرتبه بخوان)، بعد سوره فاتحه الكتاب و معوذتین (قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق) و سوره قل هو الله احد و سوره انا انزلناه و آیه الكرسي و سوره يس و این چند آیه آخر سوره حشر یعنی:

«لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعاً متصدعاً من خشية الله و تلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب و الشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له، ما في السماوات و الارض و هو العزيز الحكيم را قرائت کن و روغن به خود نکال و سرمه مکش تا به فرات وارد شوی و سخن اندک بگو و مزاح و شوخی کمتر کن و ذکر خدای تعالی زیاد بگو و الحذر از جدال و خصومت.

و هنگامی که سواره یا پیاده بودی بگو:

خدایا به تو پناه می برم از قهر و صولت عقوبت هایت، و از عواقب اعمالی که منتهی به وبال و عذاب می شوند، و از فتنه گمراهی، و از اینکه من را ملاقات کنی در حالی ناپسند و زشت، و به تو پناه می برم از حبس و اشتباه، و از وسوسه شیطان، و از اتفاقات سوء و بد، و از شر هر صاحب شری، و از شر شیاطین جنی و انسی و از شر کسی که عداوت و دشمنی با دوستان می ورزند و از شر آنانکه در بدی و بر من اسراف کرده و طغیان و تجاوز می نمایند، و به تو پناه می برم از شر ستمکاران و از شر هر صاحب شری و از وسوسه ابلیس و شر کسی که با زبان و دست دیگران را از کار خیر باز می دارد.

متن:

فاذا خفت شيئاً فقل: «لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، بِهِ اخْتَجَبْتُ وَبِهِ
اِعْتَصَمْتُ، اللَّهُمَّ اغْصِنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ فَإِنَّمَا أَنَا بِكَ وَأَنَا عَبْدُكَ».
فاذا اتيت الفرات فقل قبل ان تعبره: «اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَقَدَ إِلَيْهِ
الرَّجَالُ، وَأَنْتَ يَا سَيِّدِي أَكْرَمُ مَا تَنِي وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زَائِرٍ
كَرَامَةً وَلِكُلِّ وَافِدٍ مُنْقِصَةً، وَقَدْ أَتَيْتُكَ زَائِرًا قَبْرَ ابْنِ نَبِيِّكَ صَلَّوْا تُكَ عَلَيْهِ،
فَاَجْعَلْ تُحَنُّنَكَ إِتَائِي فَكَأَكْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي، وَاشْكُرْ
سَفْيِي، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ بِغَيْرِ مَنْ مِنِّي، بَلْ لَكَ الْمُنُّ عَلَيَّ إِذْ جَعَلْتَ لِي
السَّبِيلَ إِلَى زِيَارَتِهِ، وَعَرَّفْتَنِي فَضْلَهُ، وَحَفَظْتَنِي حَتَّى بَلَغْتَنِي قَبْرَ ابْنِ وَلِيِّكَ،
وَقَدْ رَجَوْتُكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي، وَقَدْ
أَتَيْتُكَ فَلَا تُحَيِّبْ أَمَلِي، وَاجْعَلْ هَذَا كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهُ مِنْ ذُنُوبِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ
أَنْصَارِهِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

ثمَّ اعبر الفرات و قل: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ
سَفْيِي مَشْكُورًا وَذَنْبِي مَغْفُورًا، وَعَمَلِي مَقْبُولًا وَاعْصِلْنِي مِنَ الْخَطَايَا
وَالذُّنُوبِ، وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمَحُّقُ دِينِي، أَوْ تَبْطِلُ عَمَلِي يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ».

ثمَّ تأتِي النِّينَوِي فتضع رحلك بها، و لا تدهن و لا تكتحل و لا تأكل
اللحم مادمت مقيماً بها، ثمَّ تأتِي الشط بحذاء نخل القبر فاغتسل و عليك
المئزر و قل - و انت تغتسل -: «اللَّهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي
صَدْرِي، وَاجِرِّ عَلَى لِسَانِي مَحَبَّتَكَ وَمِدْحَتَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِوَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ،

وَالشَّهَادَةُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ بِالْأُلْفَةِ بَيْنَهُمْ أَشْهَدُ أَنَّهُمْ
 أَنْبِيَائُكَ وَرُسُلُكَ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً وَطَهُوراً وَحِزْزاً
 وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ سُقْمٍ وَدَاءٍ، وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاهَةِ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ
 وَاخْذَرُ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَجَوَارِحِي، وَعِظَامِي وَلَحْمِي وَدَمِي، وَشَعْرِي
 وَبَشْرِي، وَمُخِّي وَعَصْبِي، وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَاجْعَلْهُ لِي شَاهِداً يَوْمَ
 فَتْرِي وَفَاتِي».

ثمّ البس أطهر ثيابك، فاذا لبستها فقل «اللَّهُ أَكْبَرُ» - ثلاثين مرّة - و
 تقول: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ قَصَدْتُ فَبَلَّغَنِي، وَإِيَّاهُ أَرَدْتُ فَاقْبَلْنِي وَلَمْ
 يَقْطَعْ بِي، وَرَحْمَتُهُ ابْتَغَيْتُ فَسَلَّمَنِي، اللَّهُمَّ أَنْتَ حِضْنِي وَكَهْفِي، وَحِزْزِي وَ
 رَجَائِي وَأَمَلِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

پس هرگاه از چیزی خوف و هراس داشتی بگو: لا حول ولا قوّة الا بالله، به
 واسطه این ذکر خود را مستور و پوشیده نموده و به توسط آن از گناه خود را کناره
 می گیرم، خداوندا من را از شرّ مخلوقات حفظ نما، من به تو متوسل شده و بنده
 تو می باشم.

و وقتی به فرات وارد شدی پیش از آنکه از آن عبور کنی بگو:

خدایا تو بهترین کسی هستی که مردان بسویش کوچ می کنند، و ای سرور من
 تو کریم ترین افرادی هستی که دیگران بر او وارد شده و زیارتش می نمایند، تو
 خود را برای هر زیارت کننده ای کرامتی و برای هر کوچ کننده ای تحفه ای قرار
 داده ای، من به نزد تو آمده ام در حالی که قبر مطهر فرزند پیغمبرت که رحمت تو

بر او باد را زیارت می‌کنم، خدایا تحفه‌ای که به من می‌دهی این را قرار بده که من را از آتش دوزخ برهان، و عمل من را از من قبول فرما، و سعی و کوشش من را قبول کن و بپذیر، و این سیر و سفرم به سوی خودت را مورد ترحم و تلافی قرار بده بدون اینکه از ناحیه من متنی باشد، بلکه تو بر من منت‌داری زیرا این راه را طریق برای زیارت آن حضرت قرار دادی، و فضیلت آن را به من شناساندی، و من را محفوظ نگاه داشتی تا به قبر فرزند ولی خودت رساندی من را، و من امیدوار به تو هستم پس درود بفرست بر محمد و آل محمد، و امید من را قطع مکن، همانا نزد تو آمده‌ام پس آرزوی من را به ناامیدی مبدل مکن، و این زیارت را کفاره و جبران گناهانی که قبلاً مرتکب شده‌ام قرار بده، و من را از یاران آن حضرت قرار بده ای ارحم الراحمین.



سپس از فرات عبور کن و بگو:

خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست، و سعی و کوشش من را مقبول و گناهم را آمرزیده و عملم را پذیرفته قرار بده، و پاک کن من را از لغزشها و گناهان، و دل من را از هر آفت و بلائی که دینم را زائل کرده یا عملم را باطل نموده پاک گردان ای ارحم الراحمین.

سپس به نینوی برو و ائاثیه و اسباب را در آنجا بگذار، روغن به خود نمال و سرمه نکش و تا زمانی که در آنجا مقیم هستی گوشت نخور، سپس به شط که در مقابل محل قبر است برو در حالی که لنگی به کمر بسته‌ای در آن غسل کن و در حال غسل بگو:

خدوندا من را پاک گردان و دل و قلبم را پاکیزه نما و سینه‌ام را بگشا، و بر زبانم محبت و مدح و ثناء خود را جاری گردان؛ هیچ جنبش و نیروئی نمی‌باشد مگر بواسطه تو، همانا می‌دانم که قوام و پابرجائی دینم در سایه تسلیم امر تو و شهادت دادن بر جمیع انبیاء و فرستادگانت به وجود الفت بینشان می‌باشد، شهادت می‌دهم که ایشان انبیاء و فرستادگان تو به سوی تمام مخلوقات

می‌باشند. خدایا این غسل را نور و مطهر و حفظ کننده و شفاء از هر مرض و درد و آفت و بلا قرار بده، و نیز آن را حافظ از هر بدی که نسبت به آن خوف داشته و در حذر می‌باشم قرار بده، بار خدایا به واسطه آن قلب و اعضاء و استخوان و گوشت و خون و موی و پوست و مغز و رگ و آنچه که زمین از من حمل می‌کند را پاک و طاهر قرار بده و آنرا شاهد برای من در روز فقر و تهی دستیم قرار بده، سپس پاکیزه‌ترین لباسهایت را بپوش و وقتی آنرا پوشیدی بگو:

اللَّهُ اکبر (سی مرتبه) و بعد بگو:

حمد سزاوار خداوندی است که بسویش قصد نمودم، پس من را رساند، و او را اراده کردم پس من را پذیرفت و درمانده‌ام نگذاشت، در رحمتش را طلب کردم پس به من تسلیم نمود، خداوند! تو قلعه و پناهگاه و حافظ و امید و آرزوی من هستی، نیست معبودی غیر از تو ای پروردگار عالمیان.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

متن:

فَإِذَا ارَدْتَ الْمَشْيَ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَرَدْتُكَ فَأَرِذْنِي، وَإِنِّي أَقْبَلْتُ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ فَلَا تُغْرِضْ بِوَجْهِكَ عَنِّي، فَإِنْ كُنْتُ عَلَى سَاطِئٍ فَثَبِّتْ عَلَيَّ، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَى ابْنِ حَبِيبِكَ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ رِضَاكَ عَنِّي فَارْضَ عَنِّي، وَلَا تُخَيِّبْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

ثمَّ امشِ حَافِياً وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ بِالتَّكْبِيرِ وَالتَّهْلِيلِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّحْمِيدُ لِلَّهِ وَالتَّعْظِيمُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ ﷺ، وَقُلْ أَيْضاً:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْمُتَوَحِّدِ بِالْأُمُورِ كُلِّهَا، خَالِقِ الْخَلْقِ وَ لَمْ يَغْرُبْ عَنْهُ شَيْءٌ مِنْ أُمُورِهِمْ، وَعَالِمِ كُلِّ شَيْءٍ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَى الْمَلَأَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَانْبِيَاءِهِ الْمُرْسَلِينَ وَرُسُلِهِ أَجْمَعِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ

بِسْمِهِ الْاَوْصِيَاءَ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَنْعَمَ عَلَيَّ وَعَرَّفَنِي فَضْلَ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ.

ثم امش قليلاً وقصر خطاك، فاذا وقفت على التل فاستقبلت القبر
فقف وقل: «اللَّهُ أَكْبَرُ» ثلاثين مرة - و تقول:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي عِلْمِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ فِي عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ فِي
عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ مَعَ
عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَحَقُّ لَهٗ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سُورُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَنُورُ الْأَرْضِينَ
السَّبْعِ، وَنُورُ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَرُؤَاةَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ
اللَّهِ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمه:

و وقتی خواستی حرکت کنی بگو:

خدایا من تو را اراده کرده‌ام پس تو نیز من را اراده نما، و من به تو روی
آورده‌ام پس رو از من مگردان، پس اگر بر من غضبناکی توبه‌ام را بپذیر، و این
سیر و سفرم به سوی فرزند حبیب را مورد ترحم و تلافیف قرار بده، یا این
زیارت می‌خواهم که از من بخشود شوی پس راضی شو از من و نا امیدم مکن

ای کسی که ارحم الراحمین هستی.

سپس پای برهنه حرکت کن در حالی که باوقار و آرامش می باشی و در اینحال تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) و تمجید (خدا را با مجد و بزرگی یاد کردن نظیر گفتن لاحول ولا قوه الا بالله گفتن) و تحمید (الحمد لله) گفته و نیز عباراتی که بر تعظیم حق تعالی و رسول گرامیش ﷺ دلالت دارند را بکار ببر و نیز بگو: حمد سزاوار خداوند واحدی است که تمام امور مختص به او بوده و او در جمیع آنها مستقل است، آفریننده مخلوقات بوده و هیچ چیزی از او پنهان نیست، به تمام اشیاء آگاه و عالم بوده بدون اینکه تعلیم گرفته باشد، درود و رحمت خدا و درود فرشتگان مقرب و انبیاء مرسلش و تحیت تمام فرستادگانش بر محمد و اهل بیت آن حضرت که جانشینانش می باشند، حمد و سپاس خدائی را که بر من نعمت داد و برتری و فضیلت محمد و اهل بیتش ﷺ را به من شناساند.

سپس اندکی حرکت کن و قدم هایت را کوتاه بردار و وقتی به تل و تپه رسیدی و قبر در مقابلت قرار گرفت بایست و بگو:

الله اکبر (سی مرتبه) و سپس بگو:

نیست معبودی مگر خداوند متعال آن طوری که خودش می داند، و نیست معبودی مگر خداوند متعال و این تهلیل در حالی است که حق تعالی می داند از من صادر شده و نهایت و انتهائی ندارد، و نیست معبودی مگر حق تعالی و این تهلیل مقرون با علم او است ازلاً و ابداً و نهایت و انتهائی ندارد، و حمد و سپاس مختص به خداوند است آن طوری که خودش می داند و نهایت و انتهائی ندارد، و حمد و سپاس مختص به خداوند است و این تحمید در حالی است که حق تعالی می داند از من صادر شده و نهایت و انتهائی ندارد، و حمد و سپاس مختص به خداوند است و این تمجید مقرون با علم او است ازلاً و ابداً و نهایت و انتهائی ندارد.

و منزّه است خداوند متعال آن طوری که خودش می داند و نهایت و انتهائی ندارد، و منزّه است خداوند متعال و این تنزیه در حالی است که حق تعالی می داند از من صادر شده و انتهائی ندارد، و منزّه است خداوند متعال و این تنزیه مقرون با علم او است ازلاً و ابداً و نهایت و انتهائی ندارد، و حمد و سپاس مختص به حق تعالی است با تمام ستایشها در مقابل جمیع نعمتهایش، و نیست معبودی غیر از حق تعالی و او بزرگتر از هر چیزی است، و این مقام حق او است، نیست معبودی غیر از حق تعالی که بلند مرتبه و بزرگ می باشد، نیست معبودی غیر از حق تعالی که نور آسمانهای هفت گانه و نور طبقات هفتگانه زمین و نور عرش بزرگ می باشد، و حمد و سپاس مختص به پروردگار عالمیان است، درود بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، درود بر شما ای فرشتگان خدا و زائران قبر مطهر فرزند نبی و پیغمبر خدا.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

متن:

ثُمَّ امشْ عَشْرَ خَطَوَاتٍ، وَ كَبِّرْ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً وَ قُلْ - وَ اَنْتَ تَمَشِي - : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ وَاحِدٍ، وَ بَعْدَ كُلِّ وَاحِدٍ وَ مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ وَ عَدَدَ كُلِّ وَاحِدٍ، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحًا لَا يَحْصِيهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ وَاحِدٍ وَ بَعْدَ كُلِّ وَاحِدٍ، وَ مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، قَبْلَ كُلِّ وَاحِدٍ، وَ بَعْدَ كُلِّ وَاحِدٍ، وَ مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ، وَ عَدَدَ كُلِّ وَاحِدٍ أَبَدًا أَبَدًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا فَأَشْهَدُ لِي [إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ حَقٌّ وَ أَنَّ رَسُولَكَ حَقٌّ، وَ أَنَّ قَوْلَكَ حَقٌّ، وَ أَنَّ قَضَاءَكَ حَقٌّ، وَ أَنَّ قَدْرَكَ حَقٌّ، وَ أَنَّ فِعْلَكَ حَقٌّ، وَ أَنَّ جَنَّتَكَ

حَقٌّ، وَأَنْتَ مُمِيتُ الْأَحْيَاءِ، وَأَنْتَ وَمُحْيِي الْمَوْتَى، وَأَنْتَ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنْتَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ، وَأَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَيَا زُوَارَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

ثم امش قليلاً و عليك السكينة والوقار بالتكبير و التهليل و التمجيد و التحميد و التعظيم لله و لِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، و قصر خطاك فاذا، اتيت الباب الذي يلي المشرق فقف على الباب و قل: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَ أَمِينُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، سَلَامٌ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا قَبْرُ ابْنِ حَبِيبِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَنَّهُ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ، أَكْرَمَتِهِ بِكِتَابِكَ، وَخَصَصْتَهُ وَاسْتَمْتَنَّهُ عَلَى وَحْيِكَ، وَأَعْظَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ، فَأَعْذَرَ فِي الدَّعْوَةِ، وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ، لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلَالَةِ، وَالْجَهَالَةِ وَالْعَمَى، وَالشُّكِّ وَالْإِتْيَابِ إِلَى بَابِ الْهُدَى مِنَ الرَّدَى، وَأَنْتَ تَرَى وَلَا تُرَى، وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، حَقٌّ ثَارَ عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِكَ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ الْآخِرَةَ بِالْثَمَنِ الْأَوْكَسِ [الأذنى]، وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ رَسُولَكَ، وَأَطَاعَ مِنْ عِبِيدِكَ مِنْ أَهْلِ [الشقاق و] النِّفَاقِ، وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ مَنْ اسْتَوْجَبَ النَّارَ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِي وَلِدِ رَسُولِكَ وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس ده قدم بردار و سی مرتبه تکبیر گفته و در حالی که راه می روی بگو:
نیست معبودی مگر حق تعالی تهلیل می گویم تهلیلی که غیر از او احدی
نمی تواند آن را بشمارد، او پیش از هر کسی و بعد از هر کسی و با هر کسی و عدد
تمام کسان می باشد، و منزّه است خدا و حمد برای خدا است و نیست معبودی
مگر خدا و خدا بزرگتر از هر چیز بوده، پیش از هر کسی و بعد از هر کسی و با هر
کسی و عدد تمام کسان است برای همیشه، برای همیشه، برای همیشه، خداوندا
من تو را شاهد می گیرم و تو برای شاهد بودن کافی هستی پس شهادت بده برای
من که شهادت می دهم تو حق بودی و رسولت حق بوده و گفتارت حق،
و حکمی که می کنی حق بوده و تقدیرت حق و فعلت حق و بهشت حق
می باشد، و شهادت می دهم که تو زنده ها را می میرانی و مردگان را زنده می کنی
و مرده های در قبور را مبعوث می فرمائی، و شهادت می دهم که تو مردم را در
روزی که شکی در آن نیست جمع می نمائی، و شهادت می دهم که وعده ای را که
که داده ای مخالفت نمی کنی، درود بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا،
درود بر شما ای فرشتگان خدا و ای زائرین قبر ابی عبدالله علیه السلام.

سپس اندکی حرکت کن، در حالی که با آرامش و سنگینی راه می روی تکبیر
و تهلیل گفته و حق تعالی را به مجد و بزرگی یاد نما و به تحمید و تعظیم حق
تعالی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرداز و قدم هایت را کوچک بردار و وقتی به درب
شرقی حرم رسیدی بایست و بگو:

شهادت می دهم که معبودی غیر از خداوند متعال نبوده در حالی که تنها است
و شریکی برای او نمی باشد، و شهادت می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او
و امین خدا بر مخلوقاتش می باشد، و شهادت می دهم که او سرور اولین

و آخرین (گذشتگان و آیندگان) است، و شهادت می‌دهم که آن حضرت آقای انبیاء و فرستادگان حق تعالی است؛ درود بر رسول خدا، حمد و سپاس خدائی را که ما را به این امر هدایت نمود و اگر او ما را هدایت نمی‌کرد هرگز به آن راه نمی‌یافتیم، همانا فرستادگان پروردگار ما حق را آورده‌اند، خداوندا من شهادت می‌دهم که این قبر فرزند حبیب و فرزند اختیار شده از مخلوقات می‌باشد، و او است که به کرامت تو رسیده، تو او را بواسطه کتابت (قرآن) مورد اکرام خود قرار داده‌ای، و اختصاصش داده و بر وحی خود امینش نموده‌ای، و مواریث انبیاء را به او اعطاء فرموده‌ای و بر خلائق حجّت کرده‌ای، پس در دعوت خلائق به تو مبالغه نمود و جانش را در راه تو بذل و ایثار کرد تا بندگان را از گمراهی و نادانی و تاریکی و شک و شبهه نجات داده و به طرف هدایت و رهائی از هلاکت بکشاند در حالی که تو می‌بینی در عین اینکه دیده نمی‌شوی و در حالی که در دیدگاهی بلند و مرتفع بوده و بر تمام اعمال و حرکات خلائق مشرف هستی بهر صورت آن حضرت برای نجات بشر قیام نمود ولی کسانی که مغرور دنیا واقع شده و آخرت را به بهاء اندکی فروختند بر آن جناب هجوم آورده و بدین ترتیب تو و رسالت را به غضب آورده و بندگان را که اهل شقاق و نفاق و حاملین وزر و وبال و مستوجب و مستحق دوزخ هستند را اطاعت و پیروی کردند، خدا لعنت کند کشتندگان فرزندان رسالت را و عذاب دردناک را بر ایشان مضاعف و دو چندان کند.

متن:

ثُمَّ تَدْنُو قَلِيلًا وَقُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

عِيسَى رُوحَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَأَلِهِ وَسَلَّمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَصِيِّ
رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ الصَّدِيقَةِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا أَهْمَهَا الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الرَّضِيُّ الْبَارِئُ النَّقِيُّ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَفِيُّ النَّقِيُّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ
الرَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى
أَتَاكَ الْيَقِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي خَلَّتْ بِفَنَائِكَ وَأَنَاخَتْ بِرَخْلِكَ،
السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُحْدِقِينَ بِكَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَرُؤَاةِ
قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللَّهِ».

مرکز تحقیق و پژوهش میراث فرهنگی

ثم ادخل الحائر و قل حين تدخل: «السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ
الْمُقَرَّبِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُتَزَلِّينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ
الْمُسَوِّمِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ مُقِيمُونَ فِي هَذَا الْحَاوِ
بِإِذْنِ رَبِّهِمْ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هَذَا الْحَاوِ يَعْمَلُونَ
وَلِأَمْرِ اللَّهِ مُسَلِّمُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا ابْنَ أَمِينِ اللَّهِ،
وَابْنَ خَالِصَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ،
مَا أَعْظَمَ مُصِيبَتَكَ عِنْدَ جَدِّكَ، رَسُولِ اللَّهِ إِصْلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَلِهِ وَمَا
أَعْظَمَ مُصِيبَتَكَ عِنْدَ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَجَلَّ مُصِيبَتَكَ عِنْدَ الْمَلَأِ
الْأَعْلَى، وَعِنْدَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، وَعِنْدَ رُسُلِ اللَّهِ، السَّلَامُ مِنِّي إِلَيْكَ وَالتَّحِيَّةُ مَعَ
عَظِيمِ الرِّزْيَةِ عَلَيْكَ، كُنْتُ نُوراً فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ، وَنُوراً فِي

ظلمات الأرض، وَتُوراً فِي الْهَوَاءِ، وَتُوراً فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى، كُنْتَ فِيهَا
نُوراً ساطِعاً لَا يُطْفِئُ، وَأَنْتَ الْنَّاطِقُ بِأَهْدَى.

﴿ نبأله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس اندکی نزدیک شو و بگو:

درود بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث
حضرت نوح پیغمبر خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم خلیل خدا،
سلام بر تو ای وارث حضرت موسی، کلیم خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت
عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) حبیب خدا، سلام بر
تو ای وارث حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) وصی و جانشین رسول
خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت حسن بن علی پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای
وارث حضرت فاطمه زهرا سرور زنان عالمیان و صدیقه طاهره، سلام بر تو ای
راستگو و ای شهید، سلام بر تو ای جانشین پیامبر که پسندیده و نیکوکار و
پرهیزکار می باشی، درود بر تو ای وفاء کننده به عهد و پاکیزه، شهادت می دهم که
تو نماز را به پا داشته و زکات را پرداخته و به کار نیک امر، از عمل زشت نهی
فرمودی و عبادت خدا را مخلصاً انجام داده تا وقتی که مرگ تو را دریافت، سلام
بر تو ای ابا عبدالله و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، سلام بر تو و ارواحی که در
اطراف فرود آمده، و رحل اقامت افکنده اند، درود بر فرشتگان خدا که اطراف تو
را گرفته اند، درود بر فرشتگان خدا و زائرین قبر مطهر فرزندان پیغمبر خدا.

سپس داخل حائر بشو و در وقت داخل شدن بگو:

درود بر فرشتگان مقرب خدا، درود بر فرشتگان خدا که از آسمان به زمین
نازل می شوند، درود بر فرشتگان معلوم و معین خدا، درود بر فرشتگان خدا،

آنانکه به اذن پروردگارشان در این حائر مقیم شده‌اند، درود بر فرشتگان خدا آنانکه در این حائر به عمل مشغول بوده و تسلیم امر خدا می‌باشند، درود بر تو ای فرزند رسول خدا و ای فرزند امین خدا و فرزند اختیار و برگزیده خدا، درود بر تو ای اباعبدالله ما از آن خدا بوده و به سویش بر می‌گردیم، چه قدر مصیبت شما نزد جدّتان رسول خدا صلی الله علیه و آله بزرگ است، و چه قدر مصیبت شما نزد کسی که خدا را می‌شناسند عظیم می‌باشد، و چه قدر مصیبت شما در ملاء اعلیٰ با عظمت است، و چه قدر مصیبت شما نزد انبیاء خدا و فرستادگان او بزرگ می‌باشد، درود من به تو و تحیت و تهنیت من در حالی که مصیبت شما عظیم است بر شما، شما نوری بودی در صلب‌های عالی مقام، و نور بودی در تاریکی‌های زمین و هوا، و نور بودی در آسمانهای مرتفع، شما در آسمانها نور درخشانی بودی که خاموش شدنی نبود و شما به هدایت و رشد مردم سخن می‌گویند.

مرکز تحقیقات کیهان‌پژوهی و نجوم اسلامی

متن:

ثُمَّ امش قليلاً وقل: «اللَّهُ أَكْبَرُ» - سَبْعَ مَرَّاتٍ - وَهَلِّلَهُ سَبْعاً، واحمدہ سَبْعاً، و سَبِّحْهُ سَبْعاً و قل: «لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ» سَبْعاً، و قل: «إِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بِدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ، وَلِسَانِي عِنْدَ اسْتِئْصَارِكَ، فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي، وَسَمْعِي وَبَصَرِي، وَرَأْيِي وَهَوَايَ عَلَى التَّسْلِيمِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ، وَالسُّبُطِ الْمُسْتَجَبِ، وَالذَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْأَمِينِ الْمُسْتَحْزَنِ، وَالْمُؤَدِّي الْمُبْلَغِ، وَالْمَظْلُومِ الْمُضْطَهَّدِ، جِشْكَ يَا مَوْلَايَ انْقِطَاعاً إِلَيْكَ، وَإِلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ، وَوَلَدِكَ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِكَ، فَقَلْبِي لَكَ مُسَلِّمٌ، وَرَأْيِي لَكَ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكَ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بِدِينِهِ وَيَبْعَثَكُمْ، وَأَشْهَدُ

اللَّهُ أَنْكُمُ الْحُجَّةُ، وَبِكُمْ تُرْجَى الرَّحْمَةُ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي بِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، لَا أَنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَلَا أَكْذِبُ مِنْهُ بِمَشِئَةٍ».

ثم امش وقصر خطاك حتى تستقبل القبر، واجعل القبلة بين كتفك واستقبل بوجهك وجهة وقل:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اللَّهُ، وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى رُسُلِهِ وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ صَاحِبِ مِيثَاقِكَ، وَخَاتَمِ رُسُلِكَ، وَسَيِّدِ عِبَادِكَ، وَآمِينَكَ فِي بِلَادِكَ، وَخَيْرِ بَرِيَّتِكَ كَمَا تَلَا كِتَابَكَ، وَجَاهِدَ عَدُوَّكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ، وَأَخِي رَسُولِكَ الَّذِي اسْتَجَبْتُهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتُهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتُهُ بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ أَثِمِ بِهِ كَلِمَاتِكَ، وَأَنْجِزْ بِهِ وَعْدَكَ وَأَهْلِكَ بِهِ عَدُوَّكَ، وَاكْتُبْنَا فِي أَوْلِيَائِهِ وَأَحِبَّائِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا لَهُ شِيعَةً وَأَنْصَارًا وَأَعْوَانًا عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَمَا وَكَّلْتَهُ بِهِ، وَاسْتَخْلَفْتَهُ عَلَيْهِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَسِيِّكَ، وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ، وَأُمِّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ، الصَّدِيقَةِ الزَّكِيَّةِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، صَلَوةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ، وَابْنِ أَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي اسْتَجَبْتُهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتُهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتُهُ بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَضْلَ

قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُحْسِنِينَ بِنِ عَلَى عَبْدِكَ، وَابْنِ أَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي
 اتَّجَبَتْهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْ
 بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ، وَذَيَّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ،
 وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، [وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ] وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

سپس اندکی حرکت کن و بعد هر کدام از:

تکبیر و تهلیل و تسبیح و ذکر «لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ»، را هفت مرتبه گفته و بعد بگو:
 اگر در هنگام استغاثه و طلب پناه، بدن و جسم تو را اجابت و زیانم هنگام
 طلب نصرت تو را یاری نکرده است پس همانا قلب و گوش و چشمم تو را
 اجابت می نمایند، و فکر و هوای من فرمان بردار و تسلیم فرزند نبی مرسل
 و سبط پیامبر برگزیده و مطیع راهنمای آگاه و امین نگاهدار و اداء کننده رساننده
 و مظلوم مقهور می باشد، ای آقای من به نزد تو آمدم در حالی که از همه قطع و به
 تو و جد و پدر و فرزندان که جانشینان بعد از تو هستند خود را وصل نموده ام،
 پس قلبم تسلیم تو و رأی و فکرم تابع تو، و کمکم برای تو آماده بوده تا زمانی که
 خدا حکم برای دینش نموده و شما را برانگیزد، و خدا را شاهد می گیرم که شما
 حجت او هستید، و به سبب شما امید رحمت می باشد، پس کسی که با شما است
 با شما بوده نه با دشمنان، همانا من از کسانی هستم که به شما ایمان دارم،
 قدرت خدا را انکار نداشته و مشیتش را تکذیب نمی کنم، سپس حرکت کن
 و قدم هایت را کوچک بردار، مقابل قبر بررسی و قبله را بین دو شانه ات قرار بده
 و صورتت را مقابل و روبروی قبر نما و بگو:

درود از طرف خدا بر تو، درود خدا بر حضرت محمد که امین او بر
 فرستادگان و بر احکام شریعتش بوده و پایان بخش انبیاء و گشاینده آیندگان

(اوصیاء) می باشد، فرمان روا است بر تمام، و درود و رحمت خدا و برکاتش بر تو، خدایا درود فرست بر محمد که صاحب پیمان تو بوده و خاتمه بخش فرستادگان و سرور بندگان می باشد، امین تو است در شهرها، و بهترین مردمان بوده زیرا از کتاب تو پیروی نمود، و با دشمنانت مبارزه نمود تا هنگامی که مرگ او را دریافت، بار خدایا درود بفرست بر امیر مؤمنان که بنده تو و برادر رسالت بوده و تو او را به علم خود برگزیدی، و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که به رسالت خود او را برانگیختی قرارش دادی وی را حاکمی قرار دادی که به عدالت حکم می نمود، و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می داد، سیاستمدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد، خداوند! وعده هانی را که در یاری نمودن دینت داده ای بواسطه آن حضرت عملی نما و به دست پرتوانش آنها را منجز فرما، و دشمنانت را به وسیله آن حضرت هلاک نما و ما را در زمره دوست داران او محسوب نما، خدایا ما را شیعه و ناصر و مددکارش قرار بده تا در راه طاعت تو و رسالت و آنچه به او واگذارده ای و کسانی را که جانشینانش نموده ای گام برداریم ای پروردگار عالمیان، خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت، و همسر ولایت، و مادر دو سبط رسول گرامی حضرت امام حسن و امام حسین، او که پاک و پاکیزه، بسیار راستگو و لایق و شایسته، سرور تمام زنان اهل بهشت است، درودی که غیر از تو کسی قادر بر احصاء و شمارش آن نباشد، خدایا درود فرست بر حسن بن علی بنده ات و فرزند برادر رسالت، که به علم خویش انتخابش نمودی، و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که به رسالت خود او را برانگیختی قرار دادی، و او را حاکمی قرار دادی که به عدالت حکم می نمود، و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می داد، سیاستمدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد، خداوند! درود بر حسین بن علی که بنده تو و فرزند برادر رسالت که با علم

خودت او را انتخاب نموده بوده و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که برسالت خود او را برانگیختی قرار دادی و او را حاکمی نصب کردی که به عدالت حکم می نمود و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می داد، و سیاست مدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد.

متن:

و تَصَلَّى عَلَى الْأَئِمَّةِ كُلِّهِمْ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ (علیهم السلام)

و تقول:

«اللَّهُمَّ أَتَمِّمْ بِهِمْ كَلِمَاتِكَ، وَأَنْجِزْ بِهِمْ وَعْدَكَ، وَأَهْلِكْ بِهِمْ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ اجْزِهِمْ عَنَّا خَيْرَ مَا جَازَيْتَ نَذِيرًا عَنْ قَوْمِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا لَهُمْ شِيعَةً وَأَنْصَارًا وَأَعْوَانًا، عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَتَّبِعُ النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُمْ، وَأَخِينَا مَحْيَاهُمْ، وَأَمِثْنَا مَمَاتَهُمْ، وَأَشْهَدْنَا مَشَاهِدَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَقَامُ أَكْرَمَتِي بِهِ، وَشَرَفَتِي بِهِ، وَأَعْظَمَتِي فِيهِ رَغْبَتِي عَلَى حَقِيقَةِ إِيْمَانِي بِكَ وَبِرَسُولِكَ».

ثم تدنو قليلاً و تقول

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَسَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، كُلُّمَا تَرَوْحُ الرِّاحَاتُ الطَّاهِرَاتُ لَكَ، وَعَلَيْكَ سَلَامُ الْمُؤْمِنِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ، النَّشَاطِقِينَ لَكَ بِفَضْلِكَ، بِالسَّنَنِتِهِمْ، أَشْهَدُ أَنَّكَ صَادِقُ صَدِيقٌ، صَدَقْتَ فِيمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ، وَصَدَقْتَ فِيمَا أَتَيْتَ بِهِ، وَأَنَّكَ تَارُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي فِي

أُولِيَايَكَ، وَحَبَّبَ إِلَى شَهَادَتِهِمْ وَمَشَاهِدِهِمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و تقول: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلَمَ الثَّقَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَثَرَ اللَّهِ وَابْنَ وَثَرِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا، وَأَنَّ قَاتِلَكَ فِي النَّارِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، لَمْ تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَا يَمُ، وَأَنَّكَ عَبْدُكَ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَلِمَةُ الثَّقَوَى، وَبَابُ الْهُدَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى خَلْقِهِ، أَشْهَدُ أَنَّ ذَلِكَ لَكُمْ سَابِقٌ فِيمَا مَضَى، وَفَاتِحٌ فِيمَا بَقِيَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَطِينَتَكُمْ طَيِّبَةٌ، طَيِّبَةُ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ مِنَ اللَّهِ وَمِنْ رَحْمَتِهِ فَأَشْهَدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكَفَى بِهِ شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ كُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَلَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي، وَشَرَائِعَ دِينِي وَخَاتِمَةَ عَمَلِي وَمُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يُنَيِّمَ ذَلِكَ لِي، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ، وَصَبَرْتُمْ وَقُتِلْتُمْ، وَغُصِبْتُمْ وَأُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَصَبَرْتُمْ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَالَفَتْكُمْ، وَأُمَّةً جَحَدَتْ وَلَا يَسْتَكْفِي، وَأُمَّةً تَظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَأُمَّةً شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهِدْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ، وَبِشَسِ الْوَرْدِ الْمُرْوَدُ، وَبِشَسِ الرَّفْدِ الْمُرْفُودُ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

و سپس بر تمام آنمه علیهم السلام درود بفرست به همان طوری که بر حضرت امام حسن و امام حسین علیهم السلام درود فرستادی و بعد از آن بگو:

بار خدایا وعده‌هائی را که در یاری نمودن دینت داده‌ای به واسطه این حضرات علیهم السلام عملی نما و به دست پرتویشان آنها را منجز فرما، و دشمنان جنّی و انسی خود و ایشان را جملگی به واسطه این حضرات هلاک فرما، بار خدایا ایشان را از طرف ما جزاء بده، جزاء و پاداش نیکوئی که به ترساننده از طرف قومش می‌دهی، خدایا ما را شیعه و ناصر و مددکار ایشان قرار بده تا در راه طاعت تو و رسالت گام برداریم، خدایا ما را از کسانی قرار بده که از نوری که با ایشان قرار داده‌ای تبعیت کنیم، و حیاتی به ما ببخش همچون حیات ایشان، و معاتی نصیبمان گردان مانند ممات ایشان و در دنیا و آخرت ما را در مشاهد ایشان حاضر گردان، خدایا این مقام و مرتبه‌ای است که من را با آن مورد کرامت قرار داده، و شرافتم به آن داده‌ای و بواسطه‌اش در من به حقیقت ایمان به تو و به رسالت میل و رغبت ایجاد نموده‌ای.

سپس اندکی نزدیک به قبر شو و بگو:

سلام و درود بر تو ای فرزند رسول خدا، و درود خدا و درود فرشتگان مقرب و انبیاء مرسلش بر تو باد هر زمانی که نسیم‌های پاک و خوش می‌وزند، و درود قلبی مؤمنان بر تو، آنانکه زبانشان به فضل تو گویا است، شهادت می‌دهم که تو راستگو و بسیار درستکار بوده و در آنچه مردم را به آن دعوت نمودی راست می‌گفتی، و در آنچه انجام داده‌ای درستکار بوده‌ای، و شهادت می‌دهم که تو خون خدا در زمین هستی، بار خدایا من را در زمره دوستان قرار بده، و در دنیا و آخرت شهادت و مشاهدشان را محبوب من گردان، همانا تو بر هر چیز

قادر هستی.

و بگو: +

درود بر تو ای ابا عبدالله، خدا رحمت کند تو را ای ابا عبدالله، درود خدا بر تو ای ابا عبدالله، درود بر تو ای پیشوای هدایت، درود بر تو ای نشانه تقوی و پرهیزکاری، درود بر تو ای حجت خدا بر اهل دنیا، درود بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، درود بر تو ای پیغمبر خدا، درود بر تو ای خون خدا و پسر خون خدا، درود بر تو ای خون تنها مانده خدا و پسر خون تنها مانده خدا، شهادت می‌دهم که تو مظلوم کشته شدی، و قاتل تو در دوزخ خواهد بود، و شهادت می‌دهم که تو در راه خدا آن‌طوری که شایسته است جهاد نمودی، و در راه خدا سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای متوجه تو نگردیده، و محققاً خدا را پرستیدی تا وقتی که مرگ تو را دریافت، شهادت می‌دهم که شما اهل بیت مظهر پرهیزکاری و باب هدایت مردم، و حجت بر مخلوقات می‌باشید، شهادت می‌دهم که این مقام برای شما در گذشته سابقه داشته است، و در آینده گشاینده خواهد بود، و شهادت می‌دهم که ارواح و حقیقت شما پاک می‌باشد، پاک بوده و پاک می‌باشد در حالی که بعضی از برخی دیگر بوده ناشی از ذات اقدس الهی و از رحمت و اسعاهش می‌باشد، شاهد می‌گیرم حق تبارک و تعالی را بر این گفتارم و او برای شاهد بودن کافی است، و شما را شاهد می‌گیرم که ایمان به شما داشته و در حقیقت نفس و احکام دینم و پایان کارها و حرکات و منزل آخرم تابع و پیرو شما می‌باشم، پس از خداوند نیک رفتار و مهربان درخواست می‌کنم که این معنا را برایم فراهم و میسر فرماید، شهادت می‌دهم که شما تبلیغ رسالت‌های خود را نموده و زبان به خیرخواهی مردم گشوده و در مشکلات صبر نموده و در پایان امر در راه خدا کشته شده‌اید، حقوق شما غصب شد، اذیت‌ها و بدی‌ها متوجه شما گردید ولی تحمل نمودید، خدا لعنت کند گروهی را که با شما مخالفت نمودند و جمعی را که ولایت شما را انکار کردند، و دسته‌ای را که

بر علیه شما تظاهر نمودند، و قومی را که در جنگ با شما حاضر شده و نخواستند که در راه شما شهید شوند، حمد و ستایش خدائی را که جهنم را جایگاه ایشان قرار داد و آن بد جایگاه و بد عطائی است که به ایشان اعطاء می گردد.

متن:

و تقول: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَى رَوْحِكَ وَبَدَنِكَ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ سَالِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ خَاذِلِيكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَايَعَ عَلَى قَتْلِكَ، وَمَنْ أَمَرَ بِقَتْلِكَ، وَشَارَكَ فِي دَمِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ أَوْ سَلَّمَ إِلَيْهِ، أَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ وَلَايَتِهِمْ، وَأَتَوَلَّى اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَآلَ رَسُولِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ انْتَهَكُوا حُرْمَتَكَ وَسَفَكُوا دَمَكَ مَلْعُونُونَ، عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَبُوا رُسُلَكَ، وَسَفَكُوا دِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، اللَّهُمَّ الْعَنِ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَضَاعِفِ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ، اللَّهُمَّ الْعَنِ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَقَتْلَةَ أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَأَصْلَهُمْ حَرَّ نَارِكَ، وَذُقْهُمْ بِأَسْكَ، وَضَاعِفِ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ، وَالْعَنَّهُمْ لَغْنًا وَبِيلًا، اللَّهُمَّ اخْلُصْ بِهِمْ نِقْمَتَكَ، وَآتِهِمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ، وَخُذْهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ، وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا نُكْرًا، وَالْعَنِ أَعْدَاءَ نَبِيِّكَ وَ[أَعْدَاءَ] آلِ نَبِيِّكَ لَغْنًا وَبِيلًا، اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَبَتَ وَالطَّاغُوتَ وَالْفَرَاعِنَةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و تقول: یا ابی ابا عبد الله، الیک کانت رحلتی مع بغد شقی، ولک فاضت عبرتی، وعلیک کان أسفی و تحبیبی، و صراخی و زفرتی

وَشَهِيقٍ، وَإِلَيْكَ كَانَ مَجِيئِي وَبِكَ أَشْتَرُ مِنْ عَظِيمِ جُزْمِي، أَتَيْتُكَ [زائراً]
 وَافِداً قَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، يَا سَيِّدِي بِكَئِثُكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ
 وَابْنَ خَيْرَتِهِ، وَحَقُّ لِي أَنْ أَبْكِيكَ، وَقَدْ بَكَتَكَ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ
 وَالْجِبَالُ وَالْبَحَارُ، فَاغْذُرِي إِنْ لَمْ أَبْكِكَ، وَقَدْ بَكَكَ حَبِيبُ رَبِّي، وَبَكَتَكَ
 الْأَيُّمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، وَبَكَكَ مَنْ دُونَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى إِلَى الثَّرَى
 جَزَعاً عَلَيْكَ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

و سه مرتبه بگو:

درود و رحمت فرستد خدا بر تو ای ابا عبدالله.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

بعد بگو:

و بر جان و بدنت، خدا کشتندگان تو را لعنت کند، خدا لعنت کند آنانکه جامه
 از بدنت بیرون آوردند، خدا لعنت کند کوبندگان تو را، خدا لعنت کند کسانی را
 که پی گیر کشتن تو بودند، و کسی که فرمان به کشتن تو داد، و در خونت شرکت
 کرد، و خدا لعنت کند کسی را که وقتی خبر کشتن تو را شنید راضی به آن شد یا
 در مقابلش تسلیم گشت و گردن نهاد، ما به سوی خدا پناه می بریم از دوست
 داشتن این جماعات و دوست داریم خدا و رسول و آل رسولش را، و شهادت
 می دهیم آنانکه حرمت تو را هتک کرده و خونت را ریختند ملعون و از رحمت
 واسعه حق به دور می باشند، و این لعنت بر زبان پیامبر امی (علیه السلام) در حق ایشان
 جاری شده است، خدایا کشتندگان امیرالمؤمنین (علیه السلام) را لعنت کن، و عذاب دردناک
 را بر ایشان چندان نما، خدایا کشتندگان حسین بن علی (علیه السلام) را لعنت کن، و نیز
 کشتندگان یاران حسین بن علی (علیه السلام) را مورد لعن خود قرار بده، و حرارت آتش

جهنم خود را به ایشان برسان، و عذابت را به آنها بچشان، و عذاب دردناک را بر آنها چندان نما، و لعنت کن ایشان را لعنتی سخت و شدید، خدایا نعمت و عقوبت را بر ایشان فرود آور، و از جایی که گمان ندارند عقابت را نصیبشان گردان، و از جایی که شعور و درک آن را نمی‌کنند مورد مآخذ قرارشان بده، و ایشان را عذابی سخت بنما، و لعنت کن دشمنان پیغمبرت را، و دشمنان آل پیغمبرت را لعنتی سخت و شدید، خدایا جبت (باطل) و طاغوت (یاعی و سرکش) و متکبران را لعنت نما، تو بر هر چیزی قدرت داری.

و بگو:

ای ابا عبدالله پدر و مادرم فدایت شوند، با اینکه طی طریق بطرف شما بسیار دور است معذلتک مرکب من به سوی تو در حرکت است، و اشکهایم برای تو ریزان می‌باشند، و تأسف و گریه شدید من بر تو است، فریاد و جیق و بغض نمودنم بخاطر تو می‌باشد، آمدنم به سوی تو است، به واسطه تو خواهان پوشیده شدن گناهان بزرگم می‌باشم، آمدم نزد تو در حالی که زیارت کننده تو بوده و مسافری هستم که از بار گران سفر پشتم خمیده گشته، پدر و مادرم فدای تو، ای آقای من گریستم بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده حق، و بر من است که بر تو بگریم، همانا آسمانها و زمینها و کوهها و دریاها بر تو گریسته‌اند، پس اگر بر تو گریه نکنم هیچ عذری ندارم، و حبیب پروردگارم بر تو گریه کرده و ائمه هدی که درود خداوند بر ایشان باد نیز بر تو گریسته‌اند، و تمام موجوداتی که در طبقه بین سدرۃ المنتهی و کره خاک می‌باشند بر تو گریسته و جزع و ناله نموده‌اند.

متن:

ثم استلم القبر و قل:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَأَمِينُهُ
بَلَغْتَ نَاصِحاً وَأَدَّيْتَ أَمِيناً، وَقُلْتَ صَادِقاً، وَقُتِلْتَ صَدِيقاً، فَضَيِّتَ
شَهِيداً عَلَى يَقِينٍ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمَى عَلَى هُدًى، وَلَمْ تَقِلْ مِنْ حَقِّ إِلَى بَاطِلٍ، وَلَمْ
تُحِبَّ إِلَّا اللَّهَ وَخَدَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، بَلَغْتَ مَا
أَمَرْتَ بِهِ، وَقُتِلْتَ بِحَقِّهِ، وَصَدَّقْتَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ غَيْرَ وَاهِنٍ وَلَا مُوْهِنٍ،
فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّم تَسْلِيماً، جَزَاكَ اللَّهُ مِنْ صَدِيقٍ خَيْراً، أَشْهَدُ أَنَّ
الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادُهُ وَأَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَإِلَيْكَ وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ
وَمِيرَاثُ النَّبُوَّةِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ
وَنَصَحْتَ، وَوَفَيْتَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَمُسْتَشْهِداً وَمَشْهُوداً، فَصَلَّى اللَّهُ
عَلَيْكَ وَسَلَّم تَسْلِيماً، أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهَّرَ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ
مُطَهَّرٍ، طَهَّرْتَ وَطَهَّرْتَ أَرْضَ أَنْتَ بِهَا، وَطَهَّرَ حَرَمُكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ
أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ، وَدَعَوْتَ إِلَيْهِمَا، وَأَشْهَدُ أَنَّ أُمَّةً قَتَلَتْكَ أَشْرَارُ
خَلْقِ اللَّهِ وَكَفَرْتُهُ، وَإِنِّي أَسْتَغْفِرُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي مِنْ جَمِيعِ
ذُنُوبِي، وَأَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي وَرَغْبَتِي، فِي أَمْرِ آخِرَتِي
وَدُنْيَايَ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس دست به قبر بکش و بگو:

درود بر تو ای ابا عبدالله، ای حسین بن علی، ای پسر رسول خدا، درود بر تو ای حجت خدا و پسر حجت خدا، شهادت می‌دهم که تو بنده خدا و امین او هستی، تبلیغ کردی در حالی که به دیگران اندرز دادی و اداء کردی در حالی که امین بودی، مطالب را گفتی در حالی که راست گو بودی، و کشته شدی در حالی که بسیار راست گو بودی، پس از این جهان عبور کردی و شهید گشتی، در حالی که صاحب یقین بودی، نابینائی را بر هدایت اختیار نکردی، از حق به باطل میل نکردی، اجابت نکردی مگر خداوند را به تنهائی، و شهادت می‌دهم که تو بر حجتی از پروردگارت بودی، آنچه که مأمور به رساندنش شدی را تبلیغ فرمودی، و به حق آن قیام نمودی، و حجت‌های پیش از خود را تصدیق نمودی در حالی که هیچ سستی از خود نشان نداده و ابدأ آنها را توهین ننمودی، پس رحمت فرستاد خدا بر تو و سلام داد سلام دادنی، پاداش خیر دهد خدا به تو، شهادت می‌دهم که جهاد همراه تو جهاد می‌باشد، و حق با تو و به سوی تو می‌باشد، و تو اهل و مرکز آن می‌باشی، و میراث نبوت نزد تو و اهل بیت تو می‌باشد، و شهادت می‌دهم که تو تبلیغ نموده و نصیحت کردی، و به عهدت و فاء نمودی و در راه خدا با بیان حکمت و موعظه حسنه‌ای که نمودی جهاد کردی، و شهادت می‌دهم که تو گذشتی و عبور نمودی بر آن طریق حقی که داشتی در حالی که شاهد آنچه از این امت صادر شده بوده و خدا و رسول و فرشتگان شهادت می‌دهند که تو بر حق و طریق مستقیم بودی.

پس رحمت فرستاد خدا بر تو و سلام داد سلام دادنی، شهادت می‌دهم که تو نفس پاکی و پاک و پاکیزه شده‌ای، از نفس پاکی و پاک و پاکیزه شده می‌باشی،

پاک می باشی و زمینی که تو در آن هستی نیز پاک می باشد، و حرم تو نیز پاک است، شهادت می دهم که تو به عدل و میانه روی امر نموده و مردم را به این دو دعوت کردی، و شهادت می دهم گروهی که تو را کشتند بدترین مخلوقات خدا و از کافرین می باشد، و من جهت آمرزش تمام گناهانم تو را نزد خدایت و خدای خودم شفیع قرار می دهم، و به واسطه تو در تمام نیازمندی ها و خواسته هایم در ارتباط به امر دنیا و آخرت به طرف خدا روی می نمایم.

متن:

ثُمَّ ضَعَّ خَدَّكَ الْأَمِينَ عَلَى الْقَبْرِ وَ قُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْقَبْرِ وَمَنْ فِيهِ وَبِحَقِّ هَذِهِ الْقُبُورِ وَمَنْ أَسْكَنْتَهَا، أَنْ تَكْتُبَ إِسْمِي عِنْدَكَ فِي أَسمَائِهِمْ حَتَّى تُورِدَنِي مَوَارِدَهُمْ، وَتُضِدِرَنِي مَصَادِرَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

مرا تحت کعبه پیر منم

و تقول: «رَبِّ أَفْحَمْنِي ذُنُوبِي وَقَطَعْتَ مَقَالَتِي، فَلَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ لِي، فَإِنَّا الْمَقْرُ بِذَنْبِي، الْأَسِيرُ بِبَلِيَّتِي، الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِي، الْمَتَجَلِّدُ فِي خَطِيئَتِي، الْمُتَحَيِّرُ عَنْ قَضَى، الْمُنْقَطِعُ بِي، قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِي يَا رَبِّ مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْأَذِلَاءِ الْمَذْبُوبِينَ، الْمُجْتَرِّينَ عَلَيْكَ الْمُسْتَخِفِّينَ بِوَعِيدِكَ، يَا سُبْحَانَكَ! أَيُّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ، وَأَيُّ تَغْرِيرٍ غَرَرْتُ بِنَفْسِي، وَأَيُّ سَكْرَةٍ أَوْ بَقْتَنِي، وَأَيُّ غَفْلَةٍ أَغْطَبْتَنِي، مَا كَانَ أَقْبَحَ سُوءٍ نَظَرِي، وَأَوْحَشَ فِعْلِي، يَا سَيِّدِي فَارْحَمْ كِبَنَاتِي لِحُرِّ وَجْهِ، وَزَلَّةَ قَدَمِي، وَتَغْفِيرِي فِي التُّرَابِ خَدْي، وَنِدَامَتِي عَلَى مَا فَرَطَ مِنِّي، وَأَقْلَنِي عَثْرَتِي، وَارْحَمْ صُرْخَتِي وَعَبْرَتِي، وَأَقْبَلْ مَعْدِرَتِي، وَعُذِّ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي، وَبِإِحْسَانِكَ عَلَى خَطِيئَاتِي، وَبِعَفْوِكَ عَلَى رَبِّ أَشْكُو إِلَيْكَ قَسَاوَةَ قَلْبِي، وَضَعْفَ عَمَلِي، فَاْمْنَحْ بِمَسْأَلَتِي، فَإِنَّا الْمَقْرُ بِذَنْبِي،

الْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي، وَ هَذِهِ يَدِي وَ نَاصِيَتِي، أَشْتَكِينُ لَكَ بِالْقَوْدِ مِنْ نَفْسِي،
فَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَ نَفْسُ كُرْبَتِي، وَ اَرْحَمْ خُشُوعِي وَ خُضُوعِي وَ انْقِطَاعِي إِلَيْكَ
سَيِّدِي! وَ اَسْنِي عَلَى مَا كَانَ مِنِّي وَ تَمَرُّغِي وَ تَغْفِيرِي فِي تُرَابِ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّكَ
بَيْنَ يَدَيْكَ، فَأَنْتَ رَجَائِي وَ ظَهْرِي وَ عُدَّتِي وَ مُعْتَمَدِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.»

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس گونه راست خود را روی قبر گذار و بگو:
خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق این قبر و کسی که در آن است و به حق
این قبور و کسانی که در آنها ساکنشان کردی، اینکه نام من را نزد خودت در
اسماء ایشان ثبت و ضبط کرده تا واردم کنی به محل ورودشان و خارجم نمائی از
محل خروجشان، همانا تو بر هر چیز قادر و توانائی.
و بگو:

بار خدایا من را در مقابل گناهانم مفهم و بلاجواب قرار داده و گفتارم را قطع
کرده در نتیجه هیچ حجتی و عذری برای من نبوده و به گناهانم اقرار دارم، به
واسطه بلیه‌ای که خود فراهم کرده‌ام اسیر بوده و در گرو عمل و کردار خویش
می‌باشم، نهایت سعی و کوشش خود را گناهان و لغزش‌های خود نموده‌ام، از
مقصود و طریق مستقیم و امانده و متحیر می‌باشم، درمانده و راه به رویم بسته
شده، پروردگارا خود را در جای اشقیاء گمراه و خطاکار قرار داده‌ام، آنانکه بر تو
جرئت کرده و عصیان را کرده، و به وعیدهای تو اعتناء نکرده و آنها را سبک
تلقی کرده‌اند، سبحان الله! چه جرئتی بر تو از خود نشان داده، و چه ضرری به
نفس خویش وارد کرده، و چه مستی من را هلاک نمود و چه غفلت و بی‌خبری
من را نابود نمود، چقدر کریه و زشت است بد نظری من و چقدر وحشت ناک

است کردار من، ای آقای من به خاطر رخسارم بر به روی افتادتم، و بر لغزش قدمم، و بر مالیدن صورتم را بر خاک و بر پشیمانیم بر آنچه از من صادر شده، رحم فرما، و از گناهم درگذر، و بفریاد و اشکهای گردان در چشمم ترحم نما، و عذر من را بپذیر، و در مقابل جهل و نادانی من به حلم و بردباری خود برگرد، و در قبال خطاء و اشتباهاتم به احسانت عمل نما، و به عفو و بخششت با من رفتار کن، پروردگارا از سنگ دلی و ضعف کردارم به تو شکایت می کنم پس در مقابل سوال و درخواستم عطاء نما، من به گناهم اقرار دارم، به خطاء خویش معترفم، این دست من و پیشانی من است که در اختیار تو گذارده تا از من قصاص نمائی، پس توبه من را بپذیر و حزن و اندوهم را برطرف کن، ای آقای من به خشوع و خضوع و جدا شدنم از غیر و وصل شدنم به تو ترحم نما، ای آسف و افسوس بر آنچه از من صادر شده و در تربت قبر پسر پیغمبرت در مقابل تو خود را غلطانده و به خاک آلوده نموده ام، تو امید و پشت و پناه و تکیه گاه من می باشی، نیست خدائی غیر از تو.

متن:

ثُمَّ كَبَّرَ خَمْسَةً وَ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً، ثُمَّ تَرَفَّعَ يَدَيْكَ وَ تَقُولُ:
 «إِلَيْكَ يَا رَبُّ صَعَدْتُ مِنْ أَرْضِي، وَإِلَى ابْنِ نَبِيِّكَ قَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءً
 لِلْمَغْفِرَةِ، فَكُنْ لِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ سَكَنًا وَ شَفِيعًا، وَ كُنْ بِي رَحِيمًا، وَ كُنْ لِي مَنجَاً
 يَوْمَ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ [عِنْدَهُ] إِلَّا لِمَنْ أَرَضَى، يَوْمَ لَا تَنْفَعُ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ،
 وَ يَوْمَ يَقُولُ أَهْلُ الضَّلَالَةِ: «مَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ» * وَلَا صَدِيقَ حَمِيمٍ،
 فَكُنْ يَوْمَئِذٍ فِي مَقَامِي بَيْنَ يَدَي رَبِّي لِي مُنْقِذًا، فَقَدْ عَظُمَ جُزْؤِي إِذَا أَرْتَعَدْتُ
 قَرَائِصِي، وَ أَخَذَ بِسَمْعِي، وَ أَنَا مُتَكَسِّرٌ رَأْسِي بِمَا قَدَّمْتُ مِنْ سُوءٍ عَلَيَّ، وَ أَنَا

عَارِكَمَا وَلَدْتَنِي أُمِّي، وَرَبِّي يَسْتَلْنِي فَكُنْ لِي يَوْمَئِذٍ شَافِعًا وَمُنْقِذًا، فَقَدْ أَغْدَدُ
تُكَ لِيَوْمٍ حَاجَتِي وَيَوْمٍ فَقْرِي وَفَاقَتِي».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس سی و پنج مرتبه تکبیر گفته و پس از آن دو دست را بلند کرده و بگو:
ای پروردگارم، از سرزمین خود بسوی تو قصد نمودم، و به سوی پسر
پیغمبرت شهرها را پیمودم به امید اینکه گناهانم را بیامرزی، پس ای ولی خدا
تکیه گاه و شفیع من بوده، و نسبت به من مهربان و در روزی که نزد حق تعالی
شفاعت کسی غیر از پسندیدگان در دربارش پذیرفته نمی شود همان روزی که
خود در قرآن به آن اشاره کرده و فرمود: یَوْمَ لَا تَنْفَعُ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ، و همان
روز که اهل ضلال و گمراهی می گویند: مَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ و لا صَدِيقٍ حَمِيمٍ،
نجات گاه و شفاعت کننده من باش، پس در این روز در مقابل پروردگارم برای
من نجات دهنده باش چه آنکه وقتی گوشت های بدنم بلرزند و گوشتم گرفته
شود و بواسطه اعمال زشت که از من صادر شده سرافکنده باشم و جرم و گناه
خود را بسیار بزرگ ببینم و در آن حال همچون روزی که مادر مرا زائیده لخت
و برهنه باشم و پروردگارم من را طرف سؤال و عتاب قرار دهد تو در آن وقت
شافع و نجات دهنده من باش، من تو را برای روز احتیاج و هنگام تهی دستی
و نیازم برای خود ذخیره کرده ام.

متن:

ثُمَّ ضَعْ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْقَبْرِ وَ تَقُولُ:
«اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَضَرُّعِي فِي تُرَابِ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّكَ، فَإِنِّي فِي مَوْضِعٍ رَحْمَةٍ

یَارَبِّ».

و تقول: «بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَاتِلِكَ وَمِنْ سَالِبِكَ، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكَ، فَأَفُوزُ فَوْزاً عَظِيماً، وَأُبْذَلُ مُهْجَتِي فِيكَ، وَأَقِيكَ بِنَفْسِي، وَكُنْتُ فِيمَنْ أَقَامَ بَيْنَ يَدَيْكَ حَتَّى يُسْفِكَ دَمِي مَعَكَ فَأَظْفِرَ مَعَكَ، بِالسَّعَادَةِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ».

و تقول: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ رَمَاكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ طَعَنَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ اجْتَرَأَ رَأْسَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَمَلَ رَأْسَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ نَكَتَ بِسَقْصِيهِ بَيْنَ ثَنَائِيكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَبْكَى نِسَائِكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَيْتَمَ أَوْلَادَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ عَلَيْكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَارَ إِلَيْكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ مَاءَ الْفُرَاتِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَشَّكَ وَخَلَكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ صَوْتَكَ فَلَمْ يُجِيبَكَ لَعَنَ اللَّهُ ابْنَ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَهُ وَأَعْوَانَهُ وَأَتْبَاعَهُ وَأَنْصَارَهُ ابْنَ سُمَيَّةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ جَمِيعَ قَاتِلِيكَ وَقَاتِلِي أَبِيكَ وَمَنْ أَعَانَ عَلَى قَتْلِكُمْ، وَحَسَا اللَّهُ أَجْوَاهَهُمْ وَبُطُونَهُمْ وَقُبُورَهُمْ نَاراً، وَعَذُوبَهُمْ عَذَاباً أَلِيماً».

﴿ دُنْبَالِه زیارت نامہ حضرت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمہ:

سپس گونہ چپ را روی قبر گزارده و بگو:

خدایا به تضرع من در خاک قبر پسر پیغمبرت رحم فرما چه آنکه من درجای

رحمت تو قرار گرفته‌ام ای پروردگار من.

و بعد بگو:

پدر و مادرم فدای تو ای پسر رسول خدا، من از کشتنده تو و کسی که جامه از

بدنت بدر آورده به سوی خدا بی زاری می جویم، کاش با تو می بودم پس به رستگاری عظیمی نائل می شدم و خون قلبم را در راه تو اِثَار می کردم و با بذل نفس تو را نگه می داشتم و کاش در میان کسانی بودم که در مقابل تو به جهاد برخاسته و از تو حمایت نمودند تا خونم با تو به زمین می ریخت و بدین ترتیب با تو به سعادت و رسیدن به بهشت دست می یافتم.

و بگو:

خدا لعنت کند کسی که به تو تیرانداخت، خدا لعنت کند کسی را که به تو نیزه زده، خدا لعنت کند کسی را که سر تو را برید، خدا لعنت کند کسی که سر تو را با خود حمل نمود، خدا لعنت کند کسی را که با چوب به وسط دندان های ثنایای تو زد، خدا لعنت کند کسی را که زنان تو را گریاند، خدا لعنت کند کسی را که فرزندان را یتیم نمود، خدا لعنت کند کسی را که دشمنان تو را کمک کرد، خدا لعنت کند کسی را که به منظور جنگ با تو سیر و سفر نمود، خدا لعنت کند کسی را که تو را از آب فرات منع کرد، خدا لعنت کند کسی را که به تو خیانت نمود و تنهایت گذارد، خدا لعنت کند کسی را که صدای تو را شنید و جوابت را نداد، خدا لعنت کند پسر خورنده جگرها را، و خدا لعنت کند فرزند و یاران و تابعین و مددکارانش و فرزند سمیه را، و خدا لعنت کند تمام کشتندگان تو و آنان که بر کشتنت کمک کردند، و خدا درون و دل ها و قبرهای ایشان را پر از آتش کند، و ایشان را عذابی دردناک نماید.

متن:

ثُمَّ تَسْبِيحٌ عِنْدَ رَأْسِهِ الْفَ تَسْبِيحَةٌ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَإِنْ أَحْبَبْتَ تَحَوَّلَتْ إِلَى عِنْدِ رَجُلَيْهِ وَ تَدْعُو بِمَا قَدْ فَسَّرْتَ لَكَ ثُمَّ تَدُورُ مِنْ عِنْدِ رَجُلَيْهِ إِلَى عِنْدِ رَأْسِهِ فَإِذَا فَرَّغْتَ مِنَ الصَّلَاةِ سَبَّحْتَ وَ التَّسْبِيحَ

تقول:

«سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْقُذُ مَا عِنْدَهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلالَ لِفَخْرِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَاوِرُ أَحَدًا فِي أَمْرِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ».

ثم تحوّل عند رجليه وَضَعَ يَدَكَ عَلَى الْقَبْرِ وَ قُلْ:

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، - ثَلَاثًا - صَبَرْتَ وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدِّقُ قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَم بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسِنِ».

وتقول: اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْبَابِ، صَرِيحَ الْأَخْيَارِ إِنِّي عُدْتُ مَعَاذًا، فَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، جَشَّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَافِدًا إِلَيْكَ، أَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ، وَبِكَ يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِهِمْ، وَبِكَ يُدْرِكُ أَهْلُ الثَّوَابِ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ طَلِبَتَهُمْ، أَسْأَلُ وَلِيَّكَ وَوَلِيَّنَا أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكَ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْصُرُهُ وَتَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

ثم تضع خذك عليه و تقول:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! اشفِ صدرَ الحسين، اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! اطلبْ بدم الحسين، اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! انتقمِ ممن رضى بقتل الحسين! اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! انتقمِ ممن خالف الحسين، اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ! انتقمِ ممن فرح بقتل الحسين»، وتبتهل الى الله في اللعنة على قاتل الحسين و امير المؤمنين عليه السلام و تسبّح عند رجليه ألف تسبيحة من تسبيح فاطمة الزهراء صلى الله عليها فان لم تقدر فائة تسبيحة

و تقول:

«سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْفَاخِرِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَالْجَمَالُ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى آثَرَ الثَّلِثِ فِي الصَّفا، وَخَفَقَانَ الطَّيْرِ فِي الْمَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس نزدیک سر مبارک آن جناب هزار مرتبه تسبیح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را بگو، و اگر خواستی تسبیح حضرت را نگو تا پائین پاهای مبارک برسی و دعاء کن به آنچه بعداً برایت شرح خواهم داد (و محتمل است مراد دعاهائی باشد که قبلاً حضرت برای ابو حمزه ثمالی بیان فرمودند) بهر صورت پس از رسیدن به پائین پا و خواندن دعا دور بزن و خود را به نزدیک سر مبارک برسان و پس از فراغت از نماز تسبیح بگو و مراد از تسبیح، تسبیح امیرالمؤمنین علیه السلام است که به آن اشاره شد و آن اینست که بگوئی: منزّه است کسی که معالم و نشانه‌های دالّه بر او کهنه شدنی نیست، منزّه است کسی که خزاننش کم شدنی نیست، منزّه است کسی که دوران سلطنتش منقرض شدنی نیست، منزّه است کسی که آنچه نزدش هست تمام شدنی نیست، منزّه است کسی که فخر و بزرگی او زائل شدنی نیست، منزّه است کسی که در کارهایش با کسی مشورت نمی‌کند، منزّه است کسی که معبودی غیر از او نمی‌باشد.

سپس به پائین پاهای مبارک منتقل شو و دست بر قبر بگذار و بگو:

درود و رحمت فرستد خدا بر تو ای اباعبدالله (سه مرتبه) صبر کردی و تو

راستگو و تصدیق شده‌ای، خدا بکشد کسانی را که تو را با دست‌ها و زبان‌هایشان کشتند.

و بعد بگو:

خداوندا ای صاحب صاحب‌ها، و ای پناه دهنده خوب‌ها، من پناه می‌آورم پناه آوردنی، پس من را از آتش دوزخ برهان، آمدم نزد تو ای فرزند رسول خدا در حالی که به سویت سفر نمودم، در تمام نیازمندی‌هایم چه امور اخروی بوده و چه دنیوی به خدا متوسل می‌شوم، و تمام متوسلین به خدا در جمیع نیازمندی‌هایشان تو را واسطه و وسیله قرار می‌دهند، و به واسطه تو بندگان که اهل پاداش و اجر هستند مطلوب خود را درک می‌کنند، از ولی تو و ولی خود درخواست می‌کنم که بهره من از زیارت تو را صلوات بر محمد و آل محمد و آمرزش گناهان من قرار دهد، خداوندا، ما را از کسانی قرار بده که تو آنها را یاری می‌کنی و بواسطه ایشان دینت را در دنیا و آخرت مدد می‌نمائی.

سپس صورت بر قبر بگذار و بگو:

خداوندا، ای پروردگار حسین، شفا بده سینه حسین را، خدایا، ای پروردگار حسین! خون خواهی خون حسین نما، خداوندا ای پروردگار حسین! از کسی که به قتل حسین راضی شد انتقام بکش، خداوندا ای پروردگار حسین! از کسی که مخالفت حسین را نمود انتقام بگیر، خداوندا، ای پروردگار حسین از کسی که کشته شدن حسین او را شاد و مسرور نمود انتقام بگیر، و در لعن نمودن بر قاتلین امام حسین و امیرالمؤمنین علیه السلام به خدا التماس و تضرع نما و در پائین پا هزار مرتبه تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلی الله علیها را بگو اگر نتوانستی آن را صد مرتبه بگو و آن تسبیح عبارتست از اینکه بگویی:

منزه است خدائی که صاحب عزت بوده و مقامش رفیع و عالی است، و منزه است خداوندی که صاحب جلال و بزرگی عظیم می‌باشد، منزه است خداوندی که صاحب سلطنت عظیم و قدیم می‌باشد، منزه است خداوندی که صاحب

پادشاهی و بزرگی می باشد، منزّه است کسی که لباس عزّت و زیبایی پوشیده، منزّه است کسی که با نور و وقار و بردباری آراسته و مزین گردیده، منزّه است کسی که اثر پای مور روی سنگ صاف را می بیند، منزّه است کسی که بال زدن پرندگان را در هوا می بیند، منزّه است کسی که او اینچنین بوده ولی غیرش چنین نمی باشد.

متن:

ثُمَّ صِرَ إِلَى قَبْرِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ - فَهُوَ عِنْدَ رَجُلٍ الْحُسَيْنِ (ع) فَإِذَا وَقَفْتُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَابْنَ خَلِيفَةِ رَسُولِ اللَّهِ، وَابْنَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ مُضَاعَفَةً، كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي مِنْ مَذْبُوحٍ وَمَقْتُولٍ مِنْ غَيْرِ جُزْمٍ، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي دَمُكَ الْمَرْتَقَى بِهِ إِلَى حَبِيبِ اللَّهِ، يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي مِنْ مُقَدَّمِ بَيْنِ يَدَيَّ أَيْبِكَ يَحْتَسِبُكَ وَيَتَنَكَّى عَلَيْكَ، مُخْتَرِقًا عَلَيْكَ قَلْبُهُ، يَرْفَعُ دَمُكَ بِكَفِّهِ إِلَى أَغْنَانِ السَّمَاءِ لَا تَرْجِعُ مِنْهُ قَطْرَةٌ، وَلَا تَسْكُنُ عَلَيْكَ مِنْ أَيْبِكَ زَفْرَةٌ، وَدَعَاكَ لِلْفِرَاقِ، فَمَكَانُكُمَا عِنْدَ اللَّهِ مَعَ آبَائِكَ الْمَاضِينَ وَمَعَ أُمَّهَاتِكَ فِي الْجَنَانِ مُنْعَمِينَ، أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَتْلِكَ وَذَبَحِكَ».

ثم انكب على القبر و وضع يديك عليه و قل:

«سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى عِثْرَتِكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ وَأَبَائِكَ وَبُنَائِكَ وَأُمَّهَاتِكَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرُّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ الْحُسَيْنِ
ابْنِ عَلِيٍّ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ اسْتَخَفَّ
بِحَقِّكَمُ وَقَتْلِكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَقِيَ مِنْهُمْ وَمَنْ مَضَى نَفْسِي فِدَاؤُكُمْ وَلَمْضَجِعِكُمْ،
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَسَلَّم تَسْلِيمًا كَثِيرًا».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس به طرف قبر علی بن الحسین بگرد، آن جناب پائین امام حسین (علیه السلام)
می باشد پس وقتی مقابل قبرش ایستادی بگو:
درود بر تو ای فرزند رسول خدا و رحمت و برکات خدا بر تو باد، درود بر تو
ای جانشین رسول خدا و پسر دختر رسول خدا، و رحمت و برکات خدا چند
برابر بر تو باد، مادامی که خورشید طلوع کرده یا غروب می نماید درود بر تو و بر
روان و بدن تو باد، پدر و مادرم فدای سر بریده و کشته ای باد که بدون گناهی او را
کشتند، پدر و مادرم فدایت، خون تو بالا رفت و به نظر حبیب خدا رسید، پدر
و مادرم فدای تو که در مقابل پدر شهید شده و پدرت تسلیم رضای خدا گشت
و بر تو گریست، در حالی که قلب او بر تو آتش گرفت، خونت را به کف گرفت
و به آسمان پاشید و قطره ای از آن به زمین برنگشت، و ناله و افغان در سوک تو از
پدرت قطع نشد و آن حضرت آنی آرام نگشت، به منظور جدائی با تو وداع
نمود، پس جایگاه شما دو نفر نزد خدا با پدران و گذشتگانان می باشد، و نیز
همراه مادرانتان در بهشت به خوشگذرانی مشغولید، به سوی خدا بی زاری
می جویم از کسی که تو را کشت و سر برید.

سپس تکیه بر قبر داده و دو دست را بر آن بگذار و بگو:

درود خدا و فرشتگان مقرب و انبیاء فرستاده و بندگان صالح بر تو ای سرور

من و فرزند سرور من، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، رحمت فرستد خدا بر تو و بر دودمان و خاندان و پدران و فرزندان و مادران نیک و خوب تو، آنان که خداوند رجس و آلودگی را از ایشان برکنار داشت و پاکشان نمود پاک نمودنی، درود بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند امیرالمؤمنین و فرزند حسین بن علی، و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، خدا لعنت کند کشنده تو را، و خدا لعنت کند کسی که حق شما و کشتن شما را سبک شمرد، خدا لعنت کند باقی مانده و گذشتگان ایشان را، جانم فدای شما و فدای قبر شما باد، رحمت خدا و درود فراوانش بر شما باد.

متن:

ثُمَّ ضَعَّ خَدَّكَ عَلَى الْقَبْرِ وَقُلْ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ - ثَلَاثًا - بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَاقِدًا عَانِدًا مِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي وَاخْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي، أَسْأَلُ اللَّهَ وَلِيِّكَ وَوَلِيَّيَ أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكَ عِشْقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ - وَتَدْعُو بِمَا أَحْبَبْتَ -».

ثُمَّ تَدُورُ مِنْ خَلْفِ الْحُسَيْنِ (ع) إِلَى عِنْدِ رَأْسِهِ وَصَلِّ عِنْدَ رَأْسِهِ رَكَعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى «الْحَمْدُ» وَ «يَس» وَ فِي الثَّانِيَةِ «الْحَمْدُ» وَ «الرَّحْمَنُ»، وَ إِنْ شِئْتَ صَلَّيْتَ خَلْفَ الْقَبْرِ، وَ عِنْدَ رَأْسِهِ أَفْضَلَ. فَإِذَا فَرَغْتَ فَصَلِّ مَا أَحْبَبْتَ إِلَّا أَنْ رَكَعَتِي الزِّيَارَةِ لَا بَدَّ مِنْهَا عِنْدَ كُلِّ قَبْرِ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الصَّلَاةِ فَارْقَعْ يَدَيْكَ وَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنَّا أَتَيْنَاهُ مُؤْمِنِينَ بِهِ، مُسْلِمِينَ لَهُ، مُغْتَصِمِينَ بِحَبْلِهِ عَارِفِينَ بِحَقِّهِ، مُقَرَّبِينَ بِفَضْلِهِ، مُسْتَبْصِرِينَ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَهُ، عَارِفِينَ بِالْهُدَى الَّذِي هُوَ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ مَنْ خَضَرَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، أَنِّي بِهِمْ مُؤْمِنٌ، وَأَنِّي بِمَنْ قَتَلَهُمْ كَافِرٌ،

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِّمَا اَقُوْلُ بِلِسَانِي حَقِيْقَةً فِي قَلْبِي، وَشَرِيْعَةً فِي عَمَلِي، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَهُ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَدَمٌ ثَابِتٌ، وَاثْبَتْنِي فِيمَنْ اُسْتَشْهِدُ مَعَهُ، اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الَّذِيْنَ بَدَّلُوْا نِعْمَتَكَ كُفْرًا، سُبْحَانَكَ يَا حَلِيْمٌ عَمَّا يَفْعَلُ الظَّالِمُوْنَ فِي الْاَرْضِ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ يَا عَظِيْمٌ، تَرَى عَظِيْمَ الْجُزْمِ مِنْ عِبَادِكَ فَلَا تُعَجِّلُ عَلَيْهِمْ تَعَالَيْتَ يَا كَرِيْمٌ، اَنْتَ شَاهِدٌ غَيْرُ غَائِبٍ، وَعَالَمٌ بِمَا اُوْتِيَ اِلَى اَهْلِ صَفْوَتِكَ وَاجِبَاتِكَ مِنَ الْاَمْرِ الَّذِي لَا تَحْمِلُهُ سَمَاءٌ وَلَا اَرْضٌ وَلَوْ شِئْتَ لَاتَّقَمْتَ مِنْهُمْ، وَلَا كَيْفَ ذُوْ اَنَاةٍ، وَقَدْ اَمْهَلْتَ الَّذِيْنَ اجْتَرَوْا عَلَيْنِكَ وَعَلَى رَسُوْلِكَ وَحَبِيْبِكَ، فَاَشْكَنْتَهُمْ اَرْضَكَ وَعَذَوْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، اِلَى اَجَلٍ هُمْ بِالْعُوْءِ، وَوَقْتُ هُمْ صَائِرُوْنَ اِلَيْهِ، لِيَسْتَكْمِلُوْا الْعَمَلَ الَّذِي قَدَّرْتَ، وَالْاَجَلَ الَّذِيْ اَجَّلْتَ، لِتُخَلِّدَهُمْ فِي مَحَطٍّ وَوَثَاقٍ وَنَارٍ [جَهَنَّمَ] وَحَمِيْمٍ وَغَسَاقٍ، وَالضَّرِيْعَ وَالْاِخْرَاقِ، وَالْاَعْلَالَ وَالْاَوْثَاقِ، وَغَسْلِيْنٍ وَزُقُوْمٍ وَصَدِيْدٍ، مَعَ طُوْلِ الْمَقَامِ فِيْ اَيَّامٍ لَّظَى وَفِي سَقَرٍ اَلَّتِي لَا تُبْقَى وَلَا تَذَرُ، وَفِي الْحَمِيْمِ وَالْجَحِيْمِ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس صورت بر قبر بگذار و بگو:

خدا تو را رحمت کند ای ابا الحسن (سه مرتبه) پدر و مادرم فدایت، نزد تو آمدم در حالی که زائر و مسافر تو بوده و از جنایات و ستم‌هایی که بر خود کرده‌ام و پشتم را سنگین نموده‌ام به تو پناهنده شده‌ام، از خدا که ولی تو و ولی من است درخواست دارم که بهره من از زیارتت را آزادی من از آتش دوزخ قرار دهد.

بعد هر دعائی که خواستی بکن و سپس از پشت قبر حضرت امام حسین (علیه السلام)

دور بزن و خود را به نزدیک سر مبارک آن حضرت برسان و دو رکعت نماز بالای سر خوانده، در رکعت اول حمد و یس و در رکعت دوم حمد و الرَّحْمَن قرائت کن و اگر خواستی نماز را پشت قبر بجای آور متهی بالای سر افضل و بهتر است و پس از تمام شدن نماز هر نماز دیگری خواستی بخوان متهی دو رکعت نماز زیارت را باید نزد هر قبری بخوانی و وقتی از خواندن نماز فارغ شدی دو دست را بلند کن و بگو:

خداوندا ما به نزد آن حضرت رسیدیم در حالی که به آن جناب ایمان داشته و تسلیمش هستیم، به ریسمان او چنگ زده ایم، و به حقش آگاهیم، به فضلش اقرار داریم، به گمراه بودن آنانکه مخالفش را کردند اطلاع داریم، به طریق هدایتی که او بر آن است علم داریم، خداوندا تو و فرشتگان حاضرت را شاهد می گیرم که من به ایشان ایمان دارم، و به قاتلین ایشان کفر ورزیده و انکارشان می کنم، خداوندا برای آنچه به زبان می رانم در دلم حقیقت و واقعیتی، و در عملم شریعتی قرار بده و ضبط کن من را در زمره آنانکه با آن حضرت شهید شدند، خداوندا کسانی را که نعمت ایمان را به کفر تبدیل کردند لعنت کن، منزهی تو ای حلیم و بردبار از آنچه ستمکاران در زمین مرتکب می شوند، با برکت و بلند مرتبه ای ای بزرگ، بزرگی گناه را از بندگانت می بینی ولی در تأدیشان شتاب نمی کنی، بلند مرتبه ای ای با کرامت، تو شاهدهی غیر غائب، و آگاهی به آنچه نسبت به برگزیدگان و دوستان انجام شده اعمال و افعالی که لطافات و صدقات ناشی از آنها را نه آسمان و نه زمین نمی توانند تحمل کنند، و اگر بخواهی از ایشان (فاعلین و عاملین ظلم) انتقام خواهی گرفت، ولی تو مهلت دهنده ای، به کسانی که بر تو و بر رسول و حبیب جبرئت نموده و ستم کرده اند مهلت داده ای، ایشان را در زمین خود ساکن گردانیده ای و بواسطه نعمت های پرورششان داده ای، و این مهلت هست تا زمانی که ایشان به آن رسیده، و تا هنگامی که به آن مستقل شده، تا بدین وسیله عملی را که تقدیر نموده ای کاملاً انجام داده و زمانی

را که معین کرده‌ای فرا برسند، آن گاه ایشان را در طبقات پائین و در زیر زنجیرهای آتشی در آتش دوزخ مخلد نمائی، و نیز آنها را در آب داغ و مایعی متعفن که از حرک و عرق اهل دوزخ جاری است غرقشان کنی، و نیز آنها در مکانی که ضریح (گیاهی است که دارای تیغ‌های بسیار بلند است) در آن روئیده و همراه آن دائم زبانه آتش شعله‌ور است گرفتار نمائی، و در زیر زنجیرها و ریسمانهای آتش محبوس کرده، و از عرق و زرد آبی که از گوشت بدن اهل دوزخ جریان دارد و نیز از زقوم جهنم به آنها بخورانی، در حالی که اقامتشان در دوزخ طولانی و همراه با شعله‌ور بودن آتش سخت جهنم می‌باشد، در جهنمی که شراره‌های آن از دوزخیان هیچ باقی نگذاشته و تمام را سوزانده و محو نماید، و در آبی داغ و جهنمی سوزان جایشان دهی.



متن:

ثُمَّ تَنْكَبْ عَلَى الْقَبْرِ وَ تَقُولَ: «يَا سَيِّدِي أَتَيْتُكَ زَائِرًا مُوقِرًا مِنَ الذُّنُوبِ، أَتَقَرَّبُ إِلَى رَبِّي بِوُفُودِي إِلَيْكَ، وَبُكَائِي عَلَيْكَ، وَعَوِيلِي وَحَسْرَتِي وَأَسْفَى وَبُكَائِي وَمَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي رَجَاءً أَنْ تَكُونَ لِي جِجَابًا وَ سَنْدًا وَ كَهْفًا وَ حِرْزًا وَ شَافِعًا وَ وَقَايَةً مِنَ النَّارِ غَدًا، وَأَنَا مِنْ مَسْأَلِيكُمْ الَّذِينَ أُعَادَى عَدُوُّكُمْ وَأُوَالِي وَلِيِّكُمْ، عَلَى ذَلِكَ أَحْيَا وَ عَلَيْهِ أَمُوتُ، وَ عَلَيْهِ أُبْعَثُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَقَدْ أَشْخَصْتُ بَدَنِي وَوَدَّعْتُ أَهْلِي وَبَعْدَتُ شُقَّتِي، وَأَوْمِلُ فِي قُرْبِكُمُ النَّجَاةَ، وَأَرْجُو فِي إِيْتَانِكُمُ الْكَرَّةَ، وَأَطْمَعُ فِي السَّظَرِ إِلَيْكُمْ وَإِلَى مَكَانِكُمْ غَدًا فِي جَنَّاتِ رَبِّي مَعَ آبَائِكُمُ الْمَاضِينَ».

و تقول: «یا ابا عبدالله یا حسین، ابن رسول الله، جشک مستشفعا بک الی الله، اللهم انی استشفع الیک بولد حبیبک، و بالملائکة الذین

يَضْجُونَ عَلَيْهِ وَيَبْكُونَ وَيَضْرَحُونَ، لَا يَفْتَرُونَ وَلَا يَسْأُمُونَ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِكَ مُشْفِقُونَ، وَمِنْ عَذَابِكَ حَذِرُونَ، لَا تُغَيِّرُهُمُ الْأَيَّامُ، وَلَا يَنْهَزُمُونَ مِنْ نَوَاحِي الْخَيْرِ يَشْهَقُونَ، وَسَيِّدُهُمْ يَرَى مَا يَصْنَعُونَ، وَمَا فِيهِ يَتَقَلَّبُونَ، قَدِ انْهَمَلَتْ مِنْهُمْ الْعُيُونُ فَلَا تَرَقُّ، وَاشْتَدَّ مِنْهُمْ الْحُزْنُ بِحُرْقَةٍ لَا تُطْفَأُ.

ثم ترفع يديك و تقول:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْئَلَةَ الْمُسْكِينِ، الْمُسْتَكِينِ الْعَلِيلِ الذَّلِيلِ الَّذِي لَمْ يُرِدْ بِمَسْئَلَتِهِ غَيْرَكَ، فَإِنْ لَمْ تُذَرِكْهُ رَحْمَتَكَ عَطِبَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُدَارِكَنِي بِلُطْفٍ مِنْكَ وَأَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ سَائِلَكَ، وَتُغْطِي الْمُغْفِرَةَ وَتَغْفِرُ الذُّنُوبَ، فَلَا أَكُونُ أَهْوَنَ خَلْقِكَ، وَلَا أَكُونُ أَهْوَنَ مَنْ وَقَدَ إِلَيْكَ بِابْنِ حَبِيبِكَ، فَإِنِّي أَمَلْتُ وَرَجَوْتُ، وَطَمَعْتُ وَرَزْتُ وَاعْتَرَبْتُ، رَجَاءً لَكَ أَنْ تُكَافِيَنِي إِذَا أَخْرَجْتَنِي مِنْ رَحْلِي، فَأَذِنْتَ لِي بِالْمَسِيرِ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ رَحْمَةً مِنْكَ، وَتَفَضُّلاً مِنْكَ، يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام ﴾

ترجمه:

سپس تکیه بر قبر داده و بگو:

ای سرور من به نزد تو آمدم در حالی که زائر تو هستم و پشته باری از گناه را می‌کشم، سفر خود به سوی تو را وسیله قرار دادم که به پروردگارم نزدیک شوم، و نیز به واسطه گریستن بر تو و با صدای بلند زاری نمودن و حسرت و تأسف خوردن و گریه کردن بر حال خویش به خدا تقرب می‌جویم، بر خود خوف و هراسی نداشته زیرا امیدوارم که تو برای من حجاب و تکیه گاه و پناهگاه،

و جایگاه امن و نگاه دارنده از آتش دورخ بوده و در فردای قیامت حافظ من از جهنم باشی، و من از دوستان شما هستم آنان که با دشمنانتان دشمن و با دوستانتان دوست هستند، بر این طریق زنده بوده و بر آن خواهم مُرد، و انشاء الله بر آن مبعوث شده و پس از مردن زنده خواهم شد، همانا بدن و جسم خویش را به تعب انداخته و با اهل خود وداع نموده و سفرم به درازا کشیده، و در قرب و جوار شما آرزوی نجات دارم، و در آمدن به محضر شما امیدوارم که در زمان رجعت باز گردم و در نظر کردن بر شما و به مکانتان طمع دارم که در فردای قیامت با پدران و سلف گذشته شما در بهشت باشم.

و سپس بگو:

ای ابا عبدالله، ای حسین فرزند رسول خدا، نزد تو آمدم در حالی که شما را شفیع بین خود و خدا قرار دادم، بار خدایا من فرزند حبیب را شفیع خود بسوی تو قرار دادم، و فرشتگان را نیز شفیع خویش نمودم، فرشتگانی که: بر آن حضرت ضجه زده و ناله نموده و گریسته و فریاد می کنند، و از زاری و گریستن سستی به آنها راه نیافته و از آن بدحال نشده و از ترس تو بیمناک و هراسان هستند، و از عذاب تو بر حذر می باشند، گذشت ایام آنها را تغییر نداده، و در حالی که پیوسته جیق می زنند از اطراف حَیْر (حرم سید الشهداء علیه السلام) دور نمی شوند، و سرور و آقای ایشان عمل و حرکت آنها را می بیند، لاینقطع چشمهایشان اشک ریخته و خشک نمی گردد حزن ایشان شدت پیدا کرده و سوزش و گرمی آن افزون شده و هرگز آرام و خاموش نمی شود.

سپس دو دست خود را بلند کن و بگو:

خدایا از تو درخواست می کنم درخواست شخص بی چیز و ذلیل را، درخواست شخص علیل و خواری را که با درخواستش غیر تو را قصد نمی کند، پس اگر رحمت تو شامل حالش نشود هلاک می گردد، از تو درخواست می کنم که لطف خود را شامل حالم بنمائی، تو کسی هستی که مسائل را ناامید نمی کنی،

مغفرت را شامل بندگان کرده و از گناهان می‌گذری، ای سرور من نیستم
صبورترین و نرم‌ترین خلق تو بر تو، و نیستم نرم‌ترین کسی که پسر حبیبیت را به
درگاهت واسطه آورده باشم، من آروز و امید دارم، طمع داشته و به زیارت آمده
و وطن را ترک کرده‌ام، امید به تو دارم که در مقابل جبران می‌کنی زیرا من را از
منزل بیرون آورده، پس اذن دادی که به این مکان بیایم و این رحمتی است از تو،
و تفضلی است از جانب تو به من ای بخشنده مهربان.

متن:

وَاجْتَهِدْ فِي الدَّعَاءِ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ، وَ أَكْثَرْ مِنْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ تَخْرُجُ
مِنَ السَّقِيفَةِ وَ تَقِفُ بِحِذَاءِ قُبُورِ الشَّهَدَاءِ وَ تُوَمِّي إِلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ تَقُولُ:
«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ
مِنْ أَهْلِ دِيَارِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ،
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَأَنْصَارَ
رَسُولِهِ، وَأَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْصَارَ ابْنِ رَسُولِهِ وَأَنْصَارَ دِينِهِ،
أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ
رَبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا
وَمَا اسْتَكَانُوا»، فَمَا ضَعُفْتُمْ وَمَا اسْتَكَنْتُمْ حَتَّى لَقِيتُمُ اللَّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ،
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَزْوَاجِكُمْ وَأَبْدَانِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، أَنْبَشِرُوا بِمَوْعِدِ
اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ وَلَا تَبْدِيلَ، إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ وَعْدَهُ، وَاللَّهُ مُدْرِكُ
بِكُمْ تَارَ مَا وَعَدَكُمْ، أَنْتُمْ خَاصَّةُ اللَّهِ اخْتَصَّكُمْ اللَّهُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنْتُمْ
الشَّهَدَاءُ، وَأَنْتُمْ السُّعَدَاءُ سَعِدْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَفَزْتُمْ بِالذَّرَجَاتِ مِنْ جَنَّاتٍ
لَا يَطْعُنُ أَهْلُهَا وَلَا يُهْرَمُونَ، وَرَضُوا بِالْمَقَامِ فِي دَارِ السَّلَامِ، مَعَ مَنْ

نَصَرْتُمْ، جَزَاكُمُ اللَّهُ خَيْرًا مِنْ أَغْوَانٍ جَزَاءَ مَنْ صَبَرَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَنْجَزَ اللَّهُ مَا وَعَدَكُمْ مِنَ الْكَرَامَةِ فِي جَوَارِهِ وَدَارِهِ مَعَ
 النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَائِدِ الْفِرِّ الْمُحَجَّلِينَ، أَسْأَلُ اللَّهَ
 الَّذِي حَمَلَنِي إِلَيْكُمْ حَتَّى أَرَانِي مَصَارِعَكُمْ أَنْ يُرِيَنِيكُمْ عَلَى الْخَوْضِ رَوَاءَ
 مَرْوِيِّينَ، وَيُرِيَنِي أَعْدَاءَكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، فَإِنَّهُمْ قَتَلُوكُمْ
 ظُلْمًا وَأَرَادُوا إِمَاءَةَ الْحَقِّ، وَسَلَبُوكُمْ لِابْنِ سُمَيَّةَ وَابْنَ أَكِلَةَ الْأَكْبَادِ،
 فَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِيَنِيهِمْ ظِمَاءَ مُظْمَئِينَ مُسَلْسَلِينَ مُغْلَلِينَ يُسَاقُونَ إِلَى
 الْجَحِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَأَنْصَارَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ مِنْى مَا
 بَقِيَتْ [وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ]، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَائِمًا إِذَا قُنِيتُ وَبُلِيتُ، هَلَفُ
 عَلَيْكُمْ أَيُّ مُصِيبَةٍ أَصَابَتْ كُلَّ مَوْلَى لِلْمُحَمَّدِ وَآلِ مُحَمَّدٍ، لَقَدْ عَظُمَتْ
 وَخُصَّتْ وَجَلَّتْ وَعَمَتْ مُصِيبَتُكُمْ، أَنَا بِكُمْ لَجَزَعٌ، وَأَنَا بِكُمْ لَمُوجِعٌ
 مَحْزُونٌ، وَأَنَا بِكُمْ لِمُصَابٍ مَلْهُوفٌ، هَنِيئًا لَكُمْ مَا أُعْطِيتُمْ، وَهَنِيئًا لَكُمْ مَا
 بِهِ حُيِّيتُمْ، فَلَقَدْ بَكَتْكُمْ الْمَلَائِكَةُ وَحَفَّتْكُمْ وَسَكَنَتْ مُعْشَرَكُمْ، وَحَلَّتْ
 مَصَارِعَكُمْ، وَقَدَّسَتْ وَصَفَتْ بِأَجْنَحَتِهَا عَلَيْكُمْ، لَيْسَ لَهَا عَنْكُمْ فِرَاقٌ إِلَى
 يَوْمِ التَّلَاقِ، وَيَوْمَ الْمُحْشَرِ وَيَوْمَ الْمُنْشَرِ طَافَتْ عَلَيْكُمْ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ،
 وَبَلَّغَتْكُمْ بِهَا شَرَفَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَتَيْتُكُمْ شَوْقًا، وَزُرْتُكُمْ خَوْفًا، أَسْأَلُ
 اللَّهَ أَنْ يُرِيَنِيَكُمْ عَلَى الْخَوْضِ وَفِي الْجَنَانِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ،
 وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) ﴾

ترجمه:

و در خواندن دعاء بقدری که قدرت داری سعی کن و زیاد بخوان سپس از آن محوطه سر پوشیده بیرون بیا و در مقابل قبور شهداء بایست و در حالی که به تمامشان اشاره می کنی بگو:

درود بر شما و رحمت خدا و برکاتش بر شما، درود بر شما ای اهل گورها که از دیار اهل ایمان می باشید، درود بر شما بواسطه صبر و بردباری که نمودید پس خوشا به پایان زندگی دنیای شما، درود بر شما ای دوستان خدا، درود بر شما ای یاران خدا و یاران رسول خدا و یاران امیر المؤمنین، و یاران فرزند رسول خدا و یاران دین خدا، شهادت می دهم که شما یاران خدا هستید همان طوری که خداوند عزوجل فرمود:

وَكَايُنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتِلْ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا، پس شما ضعیف و ناتوان نشدید، تا خدا را بطریق حق که داشتید ملاقات نمودید، رحمت فرستد خدا بر شما و بر روان و بر بدن و جدهای شما، بشارت باد شما را به وعده ای که خدا داده و تخلف و تبدیل در آن نمی باشد، چه آنکه حقتعالی خُلف وعده نخواهد نمود، و خدا به سبب شما تقاص خونی را که وعده داده خواهد نمود، شما برگزیده های خدا هستید، که اختصاصستان داد به حضرت ابی عبدالله (ع)، شما شهیدان و سعادت مندانی هستید که نزد خدا به سعادت نائل شدید و رسیدید به درجات عالی بهشت «که اهل آن هرگز از آن کوچ نکرده و پیر و فرسوده نمی شوند، و خشنودند به اقامه نمودن در دار السَّلام» در حالی که با کسی هستید که نصرتش نمودید، خدا به شما یاران و اعوان پاداش خیر دهد پاداش کسانی را که با رسول خدا (ص) صبر نمودند، خداوند وفا کرد به آنچه وعده به شما نمود و کرامت در جوارش و سکونت در

خانه‌اش با انبیاء و مرسلین و امیرالمؤمنین علیه السلام را که رهبر گروه و امتی است که دست و پا و رویشان سفید و درخشان می‌باشد نصیب نمود، درخواست می‌کنم از خدائی که من را بسوی شما واداشت و رهسپار نمود و مصارع و مقتل شما را به من نشان داد اینکه نشان دهد به من شما را بر حوض کوثر در حالی که سیراب می‌باشید، و نشان دهد دشمنان شما را در پائین‌ترین درکات جهنم، زیرا ایشان شما را ظالمانه کشتند و قصدشان از این فعل شنیع از بین بردن حق بود، و جامه‌های شما را از تن درآورده و برای فرزند سمیه و پسر خورنده جگرها بردند، پس از خدا درخواست می‌کنم اینکه ایشان را بمن نشان بدهد در حالی که سخت تشنه بوده و به زنجیر و غل کشیده شده باشند، و بطرف جهنم آنها را بکشانند، درود بر شما دائماً هنگامی که فانی و پوسیده شده باشم، حسرت و افسوس می‌خورم بر شما، چه مصیبتی بر هر یک از نزدیکان و خویشان محمد و آل محمد وارد شد!

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

هرآینه بزرگ و اختصاص و گسترده می‌باشد مصیبت شما، من برای شما جزع و ناله می‌کنم، و بخاطر شما دردمند و محزونم، و بواسطه مصیبت‌های وارده بر شما مصیبت زده و در حیرتم، گوارا باد شما را آنچه داده شده‌اید، و گوارا باد بر شما آنچه به آن تحیت گفته شده‌اید، همانا فرشتگان بر شما گریسته و اطراف شما را گرفته و در لشکرگاه شما سکونت اختیار کرده، و در قتلگاه شما فرود آمده، و تقدیستان نموده و بالهایشان را بر شما گسترده‌اند، ایشان تا روز قیامت از شما جدا نخواهند شد، و در روز حشر و نشر بر گرد شما طواف کرده و دور می‌زنند و این رحمتی است از جانب حق تعالی، و شما به واسطه این رحمت به شرف دنیا و آخرت رسیده‌اید، نزد شما آدمم با شوق و زیارت‌تان کردم با خوف و هراس، از خدا می‌خواهم که شما را در حوض کوثر به من نشان دهد و در بهشت با انبیاء و مرسلین و شهداء و صالحین باشید، و نیک رفیقانی هستند ایشان.

متن:

ثم دُر في الحائر وانت تقول:

«يا من اليه وقّدتُ، وإليه خرّجتُ، وبِهِ استجرتُ، وإليه قصّدتُ،
 وإليه بإبنِ نبيّهِ تَقَرّيتُ، صلّ على آلِ مُحَمَّدٍ مُحَمَّدٍ، ومَنْ عَلَى الْجَنَّةِ،
 وفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ ارحم غُرْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي، وارحم مسيري
 إِلَيْكَ وَإِلَى ابْنِ حَبِيبِكَ وَأَقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِهاً قَدْ قَبِلْتَ مَعْدِرَتِي وَخُضُوعِي
 وَخُشُوعِي عِنْدَ إِمَامِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، وارحم صرّختي وبُكَائي وَهَمِّي
 وَجَزَعِي وَخُشُوعِي وَحُزْنِي، وَمَا قَدْ بَاشَرَ قَلْبِي مِنَ الْجَزَعِ عَلَيْهِ، فَبِنِعْمَتِكَ عَلَى
 وَبِلُطْفِكَ لِي خَرَجْتُ إِلَيْهِ، وَبِتَقْوِيكَ إِيَّايَ، وَصَرَفِكَ الْمُحْذُورَ عَنِّي
 وَكَلَامِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لِي، وَبِحِفْظِكَ وَكَرَامَتِكَ إِيَّايَ، وَكُلُّ بَحْرِ قَطَعْتُهُ
 وَكُلُّ وادٍ وَفَلَاةٍ وَسَلَكْتُهَا، وَكُلُّ مَازِلٍ نَزَلْتُهُ، فَأَنْتَ حَمَلْتَنِي فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ،
 وَأَنْتَ الَّذِي بَلَّغْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي وَكَفَيْتَنِي، وَبِفَضْلِكَ مِنْكَ وَوِقَايَةِ بَلَّغْتَنِي، وَكَانَتْ
 الْمِنَّةُ لَكَ عَلَى فِي ذَلِكَ كُلِّهِ، وَأَثَرِي مَكْتُوبٌ عِنْدَكَ وَإِسْمِي وَشَخْصِي،
 فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَبْلَيْتَنِي وَاضْطَنْغْتَ عِنْدِي، اللَّهُمَّ فَا رَحِمَ فَرَقِي مِنْكَ،
 وَمَقَامِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَمَلَّقْ وَأَقْبَلْ مِنِّي تَوَسَّلِي إِلَيْكَ بِابْنِ حَبِيبِكَ،
 وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَتَوَجَّهِي إِلَيْكَ، وَأَقْلِبْ عَثْرَتِي، وَأَقْبَلْ
 عَظِيمَ مَاسَلَفٍ مِنِّي، وَلَا يَمْنَعَكَ مَاسَلَفُ مِنِّي مِنَ الْعُيُوبِ وَالذُّنُوبِ
 وَالْإِسْرَافِ عَلَى نَفْسِي، وَإِنْ كُنْتُ لِي مَا تَأْفَاضَ عَنِّي، وَإِنْ كُنْتُ عَلَى سَاطِئٍ
 فَتُبَّ عَلَى إِيَّاكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا
 رَبَّيَانِي صَغِيرًا وَاجْزِهِمَا عَنِّي خَيْرًا، اللَّهُمَّ اجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا
 وَبِالسَّيِّئَاتِ عُفْرَانًا، اللَّهُمَّ ادْخِلْهُمَا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَحَرِّمْ وَجُوهَهُمَا عَنْ

عَذَابِكَ، وَبَرِّدْ عَلَيْهَا مَضَاجِعَهُمَا، وَافْسَحْ لَهَا فِي قَبْرِهَا، وَعَرِّفْنِيهَا
فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَجَوَارِحِيكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلِّمْ».

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

سپس به دور حائر بگرد در حالی که می‌گویی:

ای کسی که به سویش سفر کرده‌ام و به جانبش از شهر خود خارج گشته‌ام
و به او پناه آورده‌ام و به طرفش عزم نموده‌ام، و به سویش به واسطه پسر پیامبرش
تقرّب جسته‌ام، درود بفرست بر محمد و آل محمد با داخل نمودن من به بهشت
منت بر من بگذار و از آتش جهنم رهایم نما، بار خدایا به غربت و دور بودن
منزلم ترخّم فرما، و به واسطه سیر و سفر کردنم به سوی تو و پسر حبیبیت من را
مورد مهربانی و ترخّم خویش قرار بده، من را رستگار و سعادتمند بگردان، عذر
من را پذیرفتی و تواضع و فروتنی من نزد امام و سرور و آقایم را مورد قبول قرار
بده، به فریاد و گریه و حزن و افغان و تضرّع و اندوهم رحم کن، و نیز به جزع
و بی‌تابی قلبم ترخّم فرما، من به واسطه نعمتی که نصیبم نموده و لطفی که در
حقم رواداشتی به سوی تو از منزلت خارج شده‌ام، و نیز سفرم به سوی تو مرهون
تقویتی است که تو من را نموده و به من قدرت داده‌ای، و موانع و مشکلات را از
من دور کرده‌ای و در شب و روز حفظم کرده‌ای و مورد کرامت قرارم داده‌ای،
و هر دیاری را که طی کرده و هر بیابان و خشکی را که پیمودم و هر منزلی را که
فرود آمده‌ام به واسطه عنایت و لطف تو بوده، تو من را در خشکی و بیابان و آب
و دریا رهبری کردی، و تو من را به مقصد رسانده و توفیق داده و اسباب را در
اختیارم نهادی و کفایتم کردی و به واسطه فضل تو و حفاظت از من به مقصد

خود رسیدم و در تمام این عنایات و الطاف منت تو بر من ثابت است و فعل
 و اسم و شخص من نزد تو مکتوب و مضبوط می باشد، پس حمد و سپاس تو
 را است بر نعمتهائی که به من داده و بدین ترتیب من را آزمودی و مورد احسان
 و کرامت قرار دادی، بار خدایا به دوری من از تو و مرتبه ام نزدت و چرب زبانیم
 رحم فرما، متوسل شدنم را به خود به واسطه فرزند حبیب و اختیار شده
 و برگزیده ات از خلق بپذیر، خداوندا روی نمودن و توجهم به خودت را قبول
 نما، خدایا لغزش هایم را عفو نما، گناهان بزرگ را که در گذشته از من سرزده
 ببخش، و عیوب و گناهان و ستم هائی که به خود کرده ام و تو از آنها آگاهی مانع
 آمرزش تو نشوند، و اگر از قبایح من در غضب هستی از من راضی شو، و اگر بر
 من خشمگین هستی توبه ام را قبول کن و از من درگذر، همانا تو بر هر چیز قادر
 هستی، خداوندا من و پدر و مادرم را بیامرز، و به ایشان ترحم فرما همانطوری که
 ایشان در طفولیت و کودکی به من ترحم کرده و تربیت نمودند و از طرف من به
 ایشان پاداش نیک عطاء فرما، خداوندا بواسطه احسانشان به من، تو نیز به ایشان
 پاداش بده و به آنها احسان نما در مقابل بدی هایشان آنها را بیامرز، خداوندا به
 واسطه رحمت و اسمعات ایشان را به بهشت داخل کن و صورتشان را از مقابل
 شدن با عذابت بر حذر دار و خنک و خوش نما خوابگاهشان را و در قبرشان
 وسعت بده و به من نشان بده که ایشان را در رحمت مستقر فرموده ای و در
 جوار حبیبیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله قرار داده ای.

﴿ الباب الثمانون ﴾

﴿ كيف الصلاة عند قبر الحسين عليه السلام ﴾

متن:

۱- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ. وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ نَاجِيَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «قَالَ: صَلَّى عِنْدَ رَأْسِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام».



﴿ باب هشتادم ﴾

﴿ کیفیت خواندن نماز نزد یک قبر حضرت امام حسین علیہ السلام ﴾

ترجمہ:

﴿ حدیث اول ﴾

پدرم رحمۃ اللہ علیہ و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبد اللہ، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن خالد برقی و محمد بن عبد اللہ، از پدرش عبد اللہ بن جعفر حمیری، از ابی عبد اللہ برقی، از جعفر بن ناجیہ، از حضرت ابی عبد اللہ علیہ السلام، حضرت فرمودند:

نزد سر قبر حضرت امام حسین علیہ السلام نماز بگذار.

متن:

۲- وَحَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرٍ؛ وَآيُوبَ بْنِ نُوحٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

المغیره، عن ابی الیسع «قال: سأل رجلُ ابا عبد الله علیه السلام - و أنا أسمع - قال: إذا أتیت قبر الحسین علیه السلام أجعله قبله إذا صلیت؟ قال: تَنَحَّ هکذا ناحية».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسن، و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از موسی بن عمر و ایوب بن نوح از عبدالله بن مغیره، از ابی الیسع، وی می گوید:

شخصی از حضرت ابا عبدالله علیه السلام سؤال کرد و من می شنیدم، وی عرض کرد: هرگاه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام رفتم هنگام نماز آیا قبر را قبله و مقابل خود قرار بدهم؟

حضرت فرمودند:

از قبر فاصله بگیر و دور شو.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قال: إذا فرغت من التسليم على الشهداء أتت قبر الحسين علیه السلام، ثم تجعله بين يديك ثم تصلي ما بدالك».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین رحمه الله علیه، از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن ابی نجران، از یزید بن اسحاق، از حسن بن عطیة، از ابی عبدالله علیه السلام، حضرت

فرمودند:

هرگاه از سلام دادن به شهداء فارغ شدی به نزد قبر حضرت امام حسین علیه السلام برو و آن را در مقابل خود قرار بده سپس هرچه خواستی نماز بخوان.

متن:

۴- و عنه، عن علی بن ابراهیم، عن ایبه، عن ابن فضال، عن علی بن عقبه، عن عبیدالله بن علی الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام، «قال: قلت: أُنَا نَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَكَيْفَ نُصَلِّيْ عَنْده؟ قال: تَقُومُ خَلْفَهُ عَنْهُ كَتْفِيهِ، ثُمَّ تَصَلِّيْ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ تَصَلِّيْ عَلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام».

«حدیث چهارم»

ترجمه:

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن فضال، از علی بن عقبه، از عبیدالله بن علی حلبي، از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، و می گوید: محضر امام عليه السلام عرض کردم:

ما به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام می رویم چگونه در آنجا نماز بخوانیم؟

حضرت فرمودند:

پشت قبر نزد دو کتف و شانه های آن حضرت بایست سپس بر پیامبر صلى الله عليه وآله و امام حسین عليه السلام نماز بگذار.

متن:

۵- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ غَيْرِهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْيَسَعِ «قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ

أبا عبد الله عليه السلام - وَ أَنَا أَسْمَعُ - عَنِ الْفُضْلِ إِذَا أُتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: اجْعَلْهُ قِبْلَةً إِذَا صَلَّيْتَ؟ قَالَ: تَتَعَ هَكَذَا نَاحِيَةً، قَالَ: أَخْذُ مِنْ طِينِ قَبْرِهِ وَ يَكُونُ عِنْدِي أَطْلُبُ بَرَكَتَهُ؟ قَالَ: نَعَمْ - أَوْ قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ -».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از ایوب بن نوح، و غیرش از عبدالله بن مغیره، وی گفت:

ابوالیسع برای ما نقل نمود و گفت:

من می شنیدم که شخصی از حضرت ابا عبدالله علیه السلام راجع به غسل زیارت

حضرت ابا عبدالله علیه السلام پرسید و بعد عرضه داشت:

وقتی نماز می گذارم آیا قبر آن حضرت را قبله قرار بدهم؟

حضرت فرمودند:

از قبر دور شو و در ناحیه دیگر نماز بخوان.

عرض کرد: از گِلِ قبر بردارم و به عنوان برکت نگه دارم؟

حضرت فرمودند:

بلی یا فرمودند: اشکالی ندارد.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ

سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ

بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام

«أَنَّهُ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ يُزَارُّ وَالِدُكَ؟ قَالَ: فَقَالَ:

نعم، و یصلی عنده، و قال: یصلی خلفه و لا یتقدم».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم وی گفت: هشام بن سالم برایم نقل کرد که شخصی محضر مبارک امام صادق علیه السلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد:

ای پسر رسول خدا آیا پدر شما زیارت شود؟
حضرت فرمودند:



بلی و نزد قبرش نماز نیز خوانده شود.
و حضرت افزودند:
نماز پشت قبر خوانده شود و نباید بر آن تقدم جویند.
مترجم گوید:

مقصود اینست که جلو قبر و مقدم بر امام علیه السلام نباید نماز خواند.

﴿ الباب الحادی و الثمانون ﴾

﴿ التَّقْصِيرُ فِي الْفَرِيضَةِ وَالرَّخْصَةِ وَالتَّطَوُّعِ ﴾

﴿ عِنْدَهُ وَجَمِيعِ الْمَشَاهِدِ ﴾

متن:

۱ - حدیثی ابی؛ و محمد بن الحسن، عن الحسين بن الحسن بن ابان، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد الجوهري، عن علي بن ابي حمزة «قال: سألت العبد الصالح، عن زيارة قبر الحسين بن علي عليه السلام،

فقال: ما أحب لك تركه، قلت: ما ترى في الصلاة عنده وانا مقصر؟ قال: صل في المسجد الحرام ما شئت تطوعاً، و في مسجد الرسول ما شئت تطوعاً، و عند قبر الحسين [عليه السلام]، فأنى أحب ذلك، قال: و سألته عن الصلاة بالنهار عند قبر الحسين [عليه السلام] تطوعاً، فقال: نعم».

﴿ باب هشتاد و یکم ﴾

﴿ قصر شدن نماز واجب و رخصت در خواندن نماز مستحبی ﴾

﴿ در حائر و تمام مشاهد مشرفه ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد جوهری، از علی بن ابی حمزة نقل کرده که وی گفت: راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی [علیه السلام] از عبد صالح [علیه السلام] پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

دوست ندارم آن را ترک کنی.

عرض کردم: چه می فرمائید راجع به نماز خواندنم در آنجا و حال آنکه نمازم

شکسته و قصر می باشد؟

حضرت فرمودند:

در مسجد الحرام و در مسجد الرسول و نزد قبر حضرت امام حسین [علیه السلام] آنچه

نماز مستحبی خواستی بخوان و من آن را دوست می دارم.

وی می گوید: از آن حضرت پرسیدم: آیا نزد قبر حضرت امام حسین [علیه السلام] در

روز نماز مستحبی بخوانم؟

حضرت فرمودند: بلی.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمَوْسَوِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيَكٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَبِمَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ وَأَنَا مُقَصِّرٌ، قَالَ: تَطَوُّعٌ عِنْدَهُ وَأَنْتَ مُقَصِّرٌ مَا شِئْتَ، وَفِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَفِي الْمَسْجِدِ الرَّسُولِ وَفِي مَشَاهِدِ النَّبِيِّ عليه السلام فَإِنَّهُ خَيْرٌ».

﴿ حَدِيثِ دَوِّم ﴾

متن:

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عبیدالله بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از حضرت ابی الحسن علیه السلام، وی می گویند: از آن جناب پرسیدم: در وقتی که مسافر بوده و نمازهایم را شکسته می خوانم آیا در جوار قبر امام حسین علیه السلام و مکه و مدینه می توانم نماز مستحبی بخوانم؟ حضرت فرمودند:

در جوار قبر امام حسین علیه السلام و در مسجد الحرام و مسجد الرسول و در مشاهد النبی علیه السلام آنچه نماز مستحبی خواستی بخوان زیرا آن عمل خیر و پسندیده ای می باشد.

متن:

حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ابْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ؛ وَابْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ جَمِيعاً، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام مِثْلَهُ.

حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ -، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخُشَّابِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ حَكِيمِ الْخُثْعَمِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ

عبد الحمید، عن ابی الحسن علیه السلام مثله.

ترجمه:

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابن ابی عمیر و ابراهیم بن عبد الحمید جملگی از حضرت ابی الحسن علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده اند.

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از حسن بن موسی الخشاب، از جعفر بن محمد بن حکیم خثعمی، از ابراهیم بن عبد الحمید، از حضرت ابی الحسن علیه السلام مثل همین حدیث را روایت کرده اند.



متن:

۳ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَسَائِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْحَائِرِ، قَالَ: لَيْسَ الصَّلَاةُ إِلَّا الْفَرَضُ بِالتَّقْصِيرِ، وَ لَا تَصَلِّيَ التَّوَافِلَ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

علی بن محمد بن یعقوب کسائی می گوید:

علی بن الحسن بن فضال، از عمرو بن سعید، از مصدق بن صدقه، از عمار بن موسی ساباطی نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابا عبدالله علیه السلام راجع به خواندن نماز در حائر سؤال کردم؟

حضرت فرمودند:

نماز فریضه را باید صرفاً در آنجا شکسته بخوانی و نوافل را هم بجا نیآوری.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
 بْنِ عِيسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ
 عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ
 مُشَاهِدَةِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله، وَ الْحَرَمَيْنِ، وَ التَّطَوُّعِ فِيهِنَّ بِالصَّلَاةِ وَ نَحْنُ مُقْصِرُونَ،
 قَالَ نَعَمْ تَطَوُّعٌ مَا قَدَّرْتَ عَلَيْهِ، هُوَ خَيْرٌ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى، از علي
 بن اسماعيل، از صفوان بن يحيى، از اسحاق بن عمار، از حضرت ابي
 الحسن عليه السلام، نقل کرده، وی گفت:
 از امام عليه السلام راجع به خواندن نماز مستحبی کنار قبر حضرت امام حسين
 و مشاهدۀ نبی صلى الله عليه وآله و حرمين در حالی که مسافر بوده و نمازهای واجب را
 شکسته می خوانيم! سؤال کردم؟
 حضرت فرمودند:

بلى، نماز مستحبی آنچه قدرت داری بخوان زیرا آن عمل نیک و پسندیده
 می باشد.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي
 الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ
 يَحْيَى، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام جُعِلَتْ فِدَاكَ

أَتَنْفِلُ فِي الْحَرَمَيْنِ وَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا أَقْصِرُ؟ قَالَ: نَعَمْ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ».

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصفار، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از صفوان بن یحیی، از اسحاق بن عمار نقل کرده که گفت:

محضر ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم در وقتی که مسافر بوده و نماز را شکسته می خوانم آیا می توانم در حرمین (مسجد الحرام و مسجد النبی) و در کنار قبر حضرت امام حسین علیه السلام نماز نافله بخوانم؟ حضرت فرمودند:

بلی، تا آنجا که قدرت داری نافله بخوان.

متن:

۶- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ ابْنَانَ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ مَشَاهِدِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم وَ الْحَرَمَيْنِ فِي الصَّلَاةِ وَ نَحْنُ نَقْصِرُهُ. قَالَ: نَعَمْ تَطَوُّعٌ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن الحسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمد جوهری، از علی بن ابی حمزه از حضرت

ابی ابراهیم علیه السلام نقل کرده، وی می گوید:

از حضرت پرسیدم: در وقتی که مسافر بوده و نمازهایمان را شکسته می خوانیم آیا می توانیم در کنار قبر امام حسین و مشاهد النبی صلی الله علیه و آله و حرمین (مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله) نماز مستحبی بخوانیم؟
حضرت فرمودند:

بلی، نماز مستحبی بخوان تا آنجا که قدرت داری.

متن:

۷- حدیثی ابی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله قال: سألت أيوب بن نوح عن تقصير الصلاة في هذه المشاهد: مكة والمدينة والكوفة وقبر الحسين عليه السلام الأربعة، والذي روي فيها، فقال: أنا أقصر، وكان صفوان يقصر، وابن أبي عمير وجميع أصحابنا يقصرون.

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله نقل کرده که وی گفت:

از ایوب بن نوح پرسیدم، آیا در این مشاهد چهار گانه: مکه و مدینه و کوفه و قبر حضرت امام حسین علیه السلام نماز قصر می شود؟ و روایتی که در آن وارد شده چیست؟

وی گفت: من و صفوان و ابن ابی عمیر و تمام اصحاب نمازهایمان را قصر می خوانیم.

﴿الباب الثانی وَالثمانون﴾

﴿التمام عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَجَمِيعِ الْمَشَاهِدِ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَتَّيْلٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ الْأَدْمِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ أَبِي شَيْبَةَ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قَالَ: زُرْ الطَّيِّبَ، وَ أَتِمَّ الصَّلَاةَ عِنْدَهُ، قَالَ: أَتِمُّ الصَّلَاةَ عِنْدَهُ؟ قَالَ: أَتِمَّ، قُلْتُ: فَإِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا يَرَوِي التَّقْصِيرَ، قَالَ: إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ الضَّعْفَةَ.



﴿بَابُ هِشْتَادِ وَدُومِ﴾

﴿تمام خواندن نماز کنار قبر حضرت امام حسین علیه السلام﴾

﴿و تمام مشاهد مشرفه﴾

﴿حدیث اول﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن، از حسن بن متیل، از سهل بن زیاد آدمی، از محمد ابن عبدالله، از صالح بن عقبه، از ابی شیبہ، وی گفت: محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا به زیارت قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام بروم؟ حضرت فرمودند:

زیارت کن قبر پاک و طیب را و نمازت را آنجا تمام بخوان.

وی عرض کرد: آیا نمازم را آنجا تمام بخوانم؟

حضرت فرمودند: تمام بخوان.

وی می گوید: عرضه داشتم: برخی از اصحاب ما روایت کرده اند که نماز را باید شکسته خواند؟

حضرت فرمودند:

ضعفاء نمازشان را شکسته می خوانند.

مترجم گوید:

مقصود از «ضعفاء» شاید کسانی باشند که قادر بر تمام خواندن نبوده یا این فعل بر آنها مشقت داشته باشد و محتمل است مقصود از آنان، جاهلین به احکام شرع باشد.



متن:

حدَّثني محمد بن يعقوب - رحمه الله - عن جماعة مشايخه، عن سهل بن زياد بأسناده مثله سواء.

ترجمه:

محمد بن يعقوب رحمه الله عليه از جماعتی از اساتیدش، از سهل بن زياد باسنادش مثل همین روایت را نقل کرده است.

متن:

۲ - حدَّثني أبو عبد الرحمن محمد بن أحمد العسكري، عن الحسن بن عليّ ابن مهزيار، عن أبيه عليّ، عن الحسن بن سعيد، عن إبراهيم بن أبي البلاد، عن رجل من اصحابنا يقال له: الحسين، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «تتم الصلاة في ثلاثة مواطن: في مسجد الحرام و مسجد

الرَّسُولُ صلی الله علیه و آله و عند قبر الحسين علیه السلام .

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

ابو عبدالرحمن محمد بن احمد عسکری، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی، از حسین بن سعید، از ابراهیم بن ابی البلاد، از شخصی از اصحابمان که به او حسین گفته می‌شد، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

در سه مکان نماز تمام خوانده می‌شود:

مسجد الحرام، مسجد الرسول صلی الله علیه و آله و کنار قبر حضرت امام حسین علیه السلام.



متن:

۳- حدیثی ابی - رحمه الله - و اخي؛ و علی بن الحُسین، عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن عبد الملك القمي، عن اسماعيل بن جابر، عن عبد الحميد - خادم اسماعيل بن جعفر - عن أبي عبدالله علیه السلام «قال: تَمَّ الصَّلَاةُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله وَ مَسْجِدِ الْكَوْفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَيْنِ علیه السلام».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه و برادرم و علی بن الحُسین، از سعد بن عبدالله، از احمد ابن محمد بن عيسى، از حسین بن سعید، از عبد الملك قمي از اسماعيل بن جابر، از عبد الحميد خادم اسماعيل بن جعفر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

در چهار مکان نماز تمام خوانده می شود:
مسجد الحرام، مسجد الرسول ﷺ، مسجد الکوفة و حرم حضرت امام
حسین علیهما السلام.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ
بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا -
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ أَمَرَ الْمَذْخُورَ أَتِمَامَ الصَّلَاةِ فِي أَرْبَعَةِ
مَوَاطِنَ: بِمَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ وَمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَالْحَائِرِ».
قال ابن قولويه: و زاده الحسين بن أحمد بن المغيرة عقب هذا
الحديث في هذا الباب بما أخبره به حيدر بن محمد بن نعيم السمرقندي
بإجازته بخطه باجتيازه للحج.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش از احمد بن ابی عبدالله برقی، از
پدرش از حماد بن عیسی، از برخی از اصحاب ما، از حضرت ابی عبدالله علیهما السلام،
حضرت فرمودند:

این امر از اسرار و امور نهانی است که، نماز را در چهار مکان تمام بخوانند:
در مکه، مدینه، مسجد کوفه، و حائر حسینی علیهما السلام.
ابن قولویه گوید:

حسین بن أحمد بن مغیره بدنبال این حدیث در این باب مضمونی را افزوده
که حیدر بن محمد بن نعییم سمرقندی از طریق اجازه به خط خودش به وی خبر
داده و گفته:

در مکه زمانی نماز را تمام می‌توان خواند که عبور از آن برای حج باشد.

متن:

۵ - عن أبي النضر محمد بن مسعود العياشي، عن علي بن محمد قال: حدثني محمد بن أحمد، عن الحسين بن علي بن النعمان، عن أبي عبد الله البرقي؛ وعلي بن مهزيار و أبي علي بن راشد جميعاً، عن حماد بن عيسى، عن أبي عبد الله عليه السلام «أنه قال: من محزون علم الله الأتمام في أربعة مواطن: حرم الله و حرم رسوله و حرم أمير المؤمنين و حرم الحسين صلوات الله عليهم أجمعين».



ترجمه:

از ابی النضر محمد بن مسعود عیاشی، از علی بن محمد، وی گفت: محمد بن احمد از حسین بن علی بن النعمان، از ابی عبد الله برقی؛ و علی بن مهزیار؛ و ابی علی بن راشد، جملگی، از حماد بن عیسی، از ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند: از علوم نهانی حق تعالی و اسرار مخفی است که در چهار مکان نماز را تمام می‌خوانند:

حرم خدا (مسجد الحرام) حرم رسول خدا (مسجد النبی ﷺ) و حرم امیرالمؤمنین علیه السلام و حرم حضرت امام حسین صلوات الله عليهم اجمعين.

متن:

۶ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ هَامٍ بْنُ سُهَيْلٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ

الفزاری، قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَمْدَانَ الْمَدَائِنِيُّ، عَنْ زِيَادِ الْقَنْدِيِّ،
«قال: قال: أبو الحسن موسى عليه السلام أحبُّ لك ما أحبَّ لنفسي، وأكرهُ لك ما أكرهُ
لنفسي، أتمُّ الصَّلَاةَ فِي الْحَرَمَيْنِ وَبِالْكُوفَةِ وَعِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام».

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن همام بن سهیل، از جعفر بن محمد بن مالک فزاری، وی گفت:
محمد بن حمدان مدائنی، از زیاد قندی نقل کرد که وی گفت:
دوست دارم برای تو آنچه را که برای خودم دوست دارم و کراهت دارم برای
تو آنچه را که برای خودم کراهت دارم نمازت را در حرمین (حرم خدا و حرم
رسول خدا ﷺ) و کوفه و کنار قبر امام حسین علیه السلام تمام بخوان.

متن:

۷ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ الْقَزْوِينِيُّ قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الْأَسَدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافُ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عَثْمَانَ،
عَنْ عَمْرِو بْنِ مَرْزُوقٍ «قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عن الصَّلَاةِ فِي
الْحَرَمَيْنِ وَفِي الْكُوفَةِ وَعِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قال: أتم الصَّلَاةَ فِيهِمْ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

علی بن حاتم قزوینی گفت:

محمد بن ابی عبدالله اسدی به ما خبر داد و گفت: قاسم بن ربیع صحاف از
عمرو بن عثمان، از عمرو بن مرزوق نقل نمود که وی گفت: از حضرت
ابا الحسن علیه السلام راجع به خواندن نماز در حرمین (حرم الله و حرم رسول خدا ﷺ)
و در کوفه کنار قبر حضرت امام حسین علیه السلام پرسیدم؟ حضرت فرمودند:
نماز را در این اماکن تمام بخوان.

متن:

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ؛ وَجَمَاعَةُ مَشَائِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
الْعَطَّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ، عَنْ حَذِيفَةَ بْنِ
مَنْصُورٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «تَمَّ الصَّلَاةُ فِي
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَيْنِ عليه السلام».

﴿ حدیث هشتم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب و جماعتی از اساتیدم رحمة الله عليهم، از محمد بن یحیی
عطّار، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان از حذیفه بن منصور، وی گفت:
کسی که حدیث را از حضرت ابا عبد الله علیه السلام شنیده برایم نقل کرد که آن
حضرت فرمودند: نماز را در مسجد الحرام و مسجد الرسول صلی الله علیه و آله و مسجد کوفه
و حرم حضرت امام حسین علیه السلام تمام بخوان.

متن:

۹- وَ مِنْ زِيَادَةِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْمَغِيرَةِ مَا فِي حَدِيثِ أَحْمَدَ بْنِ
ادْرِيسَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ زَكَرِيَّا الْقَمِّيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنْ
عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ فَائِدِ الْحَنَاطِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ
الْمَاضِي عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ، عَنْ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ، فَقَالَ: تَمَّ وَلَوْ مَرَرْتَ بِهِ
مَرَّةً».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

مضمونی را حسین بن احمد بن مغیر در حدیث احمد بن ادريس بن احمد
بن زکریا القمی اضافه کرده و گفته است: محمد بن عبد الجبار، از علی بن

اسماعیل، از محمد بن عمرو، از قائد حناط، از حضرت ابی الحسن ماضی علیه السلام
(حضرت امام موسی کاظم علیه السلام)، وی می گوید:

از آن حضرت پرسیدم: نماز را در حرمین (حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم)
چگونه بخوانم؟

حضرت فرمودند:

نماز را تمام بخوان اگرچه از حرم مرور و عبور کرده و در آن اقامت نکنی.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي زَاهِرٍ، عَنْ
مُحَمَّدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الزَّيَّاتِ، عَنْ حَسَنِ بْنِ عِمْرَانَ «قَالَ: قُلْتُ
لَأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: أَقْصِرُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ أَتِمُّ؟ قَالَ: إِنْ قَصَرْتَ فَلَكَ،
وَإِنْ أَتَمَمْتَ فَهُوَ خَيْرٌ، وَزِيَادَةٌ فِي الْخَيْرِ خَيْرٌ».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

احمد بن ادريس می گوید:

احمد بن ابی زاهر، از محمد بن حسین زیات، از حسین بن عمران، از عمران
نقل کرده وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السلام عرض کردم: در
مسجد الحرام نماز را قصر خوانده یا تمام بجا آورم؟

حضرت فرمودند:

اگر قصر خواندی می توانی و اگر تمام هم به جا آوردی خیر است و زیاد
نمودن در خیر، خیر می باشد.

مترجم گوید:

مقصود آن است که نماز خیر بوده و نماز قصر را تمام خواندن زیاد نمودن

خير محسوب شده از اينرو نفس اين زيادى نيز عملى نيك و كارى پسنديده به حساب مى آيد.

﴿ الباب الثالث و الثمانون ﴾

﴿ اِنَّ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ عِنْدَهُ تَعْدِلُ حَجَّةً، وَ النَافِلَةَ عُمْرَةً ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمَوْسَوِيُّ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ نَهْيَكٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ - عَنْ رَجُلٍ - عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام «قَالَ: قَالَ لِرَجُلٍ: يَا فُلَانُ مَا يَمْنَعُكَ إِذَا عَرَضْتَ لَكَ حَاجَةٌ أَنْ تَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَتُصَلِّيَ عِنْدَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ فَإِنَّ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ عِنْدَهُ تَعْدِلُ حَجَّةً، وَ النَافِلَةَ تَعْدِلُ عُمْرَةً».

﴿ باب هشتاد و سوم ﴾

﴿ نماز فريضة در حرم امام حسين عليه السلام معادل حج و نماز نافله ﴾

﴿ معادل عمره محسوب مى شود ﴾

﴿ حديث اول ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهيم موسوى، از عبيد الله بن نهيك، از ابن ابى عمير، از شخصى از حضرت ابى الحسن عليه السلام، راوى گفت: حضرت به مردى فرمودند: فلانى چه تو را باز مى دارد از اينكه وقتى حاجتى دارى به سر قبر مبارك حضرت حسين عليه السلام بروى و چهار ركعت نماز بجا آورده سپس حاجت خود را از خدا بخواهى؟ نماز فريضة در کنار قبر آن حضرت معادل حج و نافله مساوى با عمره مى باشد.

متن:

۲- حدَّثنی اَبی؛ و جماعة مشایخی، عن سعد بن عبدالله، عن ابي عبدالله الجامورانی الرّازی، عن الحسن بن علی بن ابي حمزة، عن الحسن بن محمد بن عبدالکریم ابي علی، عن المفضل بن عمر، عن جابر الجعفی «قال: قال ابو عبدالله علیه السلام المفضل - فی حدیث طویل - فی زیارة قبر الحسین علیه السلام: ثمّ تمضی الی صلاتک و لك بكلّ رکعة رکعتها عنده کثواب من حجّ الف حجة و اعتمر الف عمره و اعتق الف رقبة، و کأنما وقف فی سبیل الله الف مرّة مع نبی مرسل - و ذکر الحدیث -».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

پدرم و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از ابي عبدالله جامورانی رازی، از حسن بن علی بن ابي حمزة از حسن بن محمد بن عبدالکریم ابي علی، از مفضل بن عمر، از جابر جعفی، وی می گوید:
حضرت ابو عبدالله علیه السلام به مفضل در ضمن حدیث طولانی راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند:

سپس به سراغ نماز برو آن را بخوان که در مقابل هر رکعتی که کنار قبر آن حضرت بجا آوردی گویا ثواب کسی را که هزار حج و هزار عمره انجام داده و هزار بنده آزاد کرده برده ای و مانند کسی هستی که هزار مرتبه با نبی مرسل در راه خدا قیام کرده ای ...

متن:

۳- حدَّثنی علی بن الحسین، عن محمد بن یحیی العطار، عن محمد بن

احمد؛ و حدَّثنی محمد بن الحسین بن متّ الجوهری، عن محمد بن احمد، عن هارون ابن مسلم، عن ابی علی الحرّانی «قال: قلت: لأبی عبد الله علیه السلام ما لمن زار قبر الحسين علیه السلام؟ قال: من اتاه و زاره و صلی عنده رکعتین أو أربع رکعات کتب الله له حجّة و عمره، قال: قلت: جُعِلَتْ فداک و کذلک لکلّ من أتى قبر إمام مفترض طاعته؟ قال: و کذلک لکلّ من أتى قبر إمام مفترض طاعته».

ترجمه: ﴿ حدیث سوم ﴾

علی بن الحسین، از محمد بن یحیی عطار، از محمد بن احمد، و محمد بن حسین بن متّ الجوهری، از محمد بن احمد، از هارون بن مسلم، از ابی علی حرّانی، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی عبد الله علیه السلام عرض کردم: ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند:

کسی که به نزد قبر آن حضرت رفته و زیارتش کرده و دو یا چهار رکعت نماز آنجا بخواند خداوند متعال برای او یک حج و عمره می نویسد. راوی می گوید: عرضه داشتیم: فدایت شوم: هر کسی که به زیارت قبر هر امام مفترض الطاعة برود این اجر و ثواب را دارد؟ حضرت فرمودند:

همچنین است هر کسی که به زیارت قبر هر امام که اطاعتش واجب است برود.

متن:

حدَّثنی أبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أبی القاسم، عن أبی

علی الخزاعی «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام - و ذکر مثله -.

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از سعد بن عبدالله، از ابی القاسم، از ابی علی خزاعی نقل کرده که وی گفت: محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرضه داشتم و مثل همین حدیث را ذکر نموده.

متن:

۴- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ محبوب، عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ، عَنْ شُعَيْبِ الْعَقْرِ قُوفِيٍّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قال: قلت له: من أتى قبر الحسين عليه السلام ماله من الثَّوَابِ و الأجر جعلت فداك؟ قال: يا شعيب ما صلى عنده أحدُ الصَّلَاةِ الا قبلها الله منه، و لا دعا عنده أحدُ دعوة الا استجيب له عاجلةً و آجلةً، فقلت: جعلت فداك زدني فيه، قال: يا شعيب أيسرُ ما يقال لزائر الحسين بن علي عليه السلام: قد غفر [الله] لك يا عبد الله فاستأنف [اليوم] عملاً جديداً».

ترجمه:

﴿ حدیث چهارم ﴾

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از شعیب عقر قوفی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت: محضر مبارک آن حضرت عرضه داشتم: فدایت شوم ثواب و اجر کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام برود چیست؟ حضرت فرمودند:

ای شعیب احدی کنار قبر آن حضرت نمازی نمی خواند مگر آنکه حق تعالی

از او می‌پذیرد، و احدی در آنجا دعاء نمی‌کند مگر آنکه خداوند متعال
خواستش را در دنیا و آخرت برآورده می‌نماید.
عرض کردم: فدایت شوم: بیشتر بفرمائید.
حضرت فرمودند:

ای شعیب کمترین چیزی که در باره زائر حسین بن علی علیه السلام گفته می‌شود این
است که به وی خطاب کرده و می‌گویند:
ای بنده خدا، حق تعالی تو را آمرزیده، پس امروز عمل جدید تازه‌ای را آغاز
نما.

﴿ الباب الرابع و الثمانون ﴾

﴿ وداع قبر الحسين بن علی علیه السلام ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ،
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ. وَ حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ
الْحُسَيْنِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ
بْنِ سَعِيدٍ. وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ
نُعَيْمِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ يَوْسُفَ الْكُنَّاسِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ
أَنْ تُودَعَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام فَقُلْ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ
وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهِ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ، فَاصْبِرْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ

لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا وَمِنْهُ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَتَّقِنَا بِحُبِّهِ، اللَّهُمَّ
 ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْصُرُ بِهِ دِينَكَ وَتَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ، وَتَبِيرُ بِهِ مَنْ
 نَصَبَ حَرْباً لآلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّكَ وَعْدَتُهُ ذَلِكَ وَأَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ،
 وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ شُهَدَاءُ نَجَبَاءَ،
 جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَاتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 وَسَلَّمْ تَسْلِيماً، أَنْتُمْ السَّابِقُونَ وَالْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ
 اللَّهِ وَأَنْصَارُ رَسُولِهِ، فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَّقَكُمْ وَعَدَهُ وَأَرَاكُمْ مَا
 تُحِبُّونَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ لَا
 تَشْغَلْنِي فِي الدُّنْيَا عَنْ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ، لَا يَكْثُرُ تُلْهِيَنِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهَا،
 وَتَفْتِنُنِي زَهْرَاتُ زِينَتِهَا، وَلَا يَافِلَالُ يَضُرُّ بِعَمَلِي كَدُّهُ، وَيَمْلَأُ صَدْرِي هُمُّهُ،
 أَغْطِنِي مِنْ ذَلِكَ غِنًى عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَبَلَاغاً أُنَالُ بِهِ رِضَاكَ، يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ
 الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

﴿ باب هشتاد و چهارم ﴾

﴿ وداع با قبر حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهما ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید.
 و پدرم و علی بن الحسن و محمد بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن
 محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، و محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن
 الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از فضالة بن ایوب، از

نعمیم بن ولید، از یوسف کُناسی، از حضرت ابی عبداللہ علیه السلام، حضرت فرمودند:

هرگاه خواستی با حضرت حسین بن علی علیه السلام وداع کنی بگو:

درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو، تو را به خدا می سپارم، و می گویم:
 خدا حافظ، به خدا و رسولش و به آنچه تو آورده و بر آن دلالت کردی ایمان
 آوردم، و از رسول تبعیت و پیروی کردم، پس ما را با شاهدین بنویس، خدایا
 قرار مده این زیارت را آخرین عهد و پیمان، با او، خدایا از تو می خواهیم که
 بواسطه حب و دوستی او به ما نفع دهی، خدایا او را به مقام پسندیده گسیل دار
 و بواسطه اش دین خود را یاری فرما، و به سبب او دشمنان را نابود نما، و به
 سببش کسانی را که طرح جنگ با آل محمد را طراحی کردند هلاک فرما، زیرا
 خودت چنین وعده‌ای داده‌ای و هرگز خلف وعده نمی کنی، درود بر تو
 و رحمت و برکات خدا بر تو، شهادت می دهم که شما شهداء و نیک نژادان
 می باشید، در راه خدا جهاد کرده و بر طریق رسول خدا صلی الله علیه و آله مقاتله نمودید، شما
 پیشی گیرندگان و هجرت کنندگان و یاری نمایندگان هستید، شهادت می دهم که
 شما یاران خدا و یاران رسولش می باشید، پس حمد و سپاس خدائی را که به
 شما وعده راست داد و نشان داد به شما آنچه را که دوست می دارید و درود
 و رحمت و برکات خدا بر محمد و آل محمد، خداوند من را در دنیا از یاد
 نعمتهایت غافل منعم البتہ نه آنکه مشغولم کنی به نعمت‌های زیادی که
 شگفتی‌های خوبی و زیبایی آنها من را از تو باز داشته و جلا و درخشندگی
 زینت آنها مفتونم نماید، و نه اینکه مبتلایم کنی به قلت و کمی نعمتها که رنج
 و تعب کم بود آنها مضر به عملم بوده و حزن ناشی از آن سینه‌ام را پر نماید، از
 نعمت‌های آن قدر به من اعطاء فرما که از مخلوقات بی نیاز و از بدی آنها در امان
 باشم، خداوند من را به مقدار کفاف به من اعطاء نما تا بواسطه آن به رضایت
 و خشنودی تو دست یابم، آی مهربان‌تر از هر مهربانی، و خدا درود و رحمت

فرستد بر رسولش حضرت محمد بن عبدالله و بر اهل بیت پاکش که جملگی نیکان و خوبان می باشند.

متن:

٢ - حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيُّ -
 «بِعَشْكَرٍ مَكْرَمٍ» - عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ
 بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ الْوَدَاعَ بَعْدَ فِرَاقِكَ مِنَ الزِّيَارَاتِ فَأَكْثَرُ مِنْهَا
 مَا اسْتَطَعْتَ، وَلِيَكُنْ مَقَامُكَ بِالنِّسْوَةِ أَوْ الْغَاضِرِيَّةِ، وَمَتَى أَرَدْتَ الزِّيَارَةَ
 فَاغْتَسِلْ وَزُرْ زُرَّةَ الْوَدَاعِ، فَإِذَا قَرَعْتَ مِنْ زِيَارَتِكَ فَاسْتَقْبِلْ بِوَجْهِكَ
 وَجْهَهُ وَالتَّمْسِ الْقَبْرَ وَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَنْتَ لِي جُنَّةٌ
 مِنَ الْعَذَابِ، وَهَذَا أَوْ أَنْ أَنْصِرَا فِي عَنَّا؛ غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا مُسْتَبْدِلٍ
 بِكَ سِوَاكَ، وَلَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكَ غَيْرَكَ وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكَ، جُدْتُ بِنَفْسِي
 لِلْحَدَثَانِ، وَتَرَكْتُ الْأَهْلَ وَالْأَوْطَانَ، فَكُنْ لِي يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي،
 يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنِّي وَالِدِي وَلَا وَلَدِي، وَلَا حَمِيمِي وَلَا قَرِيبِي، أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي
 قَدَّرَ وَخَلَقَ أَنْ يُنْفَسَ بِكَ كَرْبِي وَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي قَدَّرَ عَلَيَّ فِرَاقُ مَكَانِكَ
 أَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي وَمِنْ رَجَعْتُ وَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَبْكَى عَلَيْكَ عَيْنِي
 أَنْ يَجْعَلَهُ سَنَدًا لِي، وَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي نَقَلَنِي إِلَيْكَ مِنْ رَحْلي وَأَهْلِي أَنْ
 يَجْعَلَهُ دُخْرًا لِي، وَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَرَانِي مَكَانَكَ وَهَدَانِي لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ
 وَلِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَنْ يُورِدَنِي حَوْضَكُمْ، وَبِزُرَّتِي مُرَافَقَتَكُمْ فِي الْجَنَانِ مَعَ

أَبَائِكَ الصَّالِحِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ
[وَابْنِ صَفْوَتِهِ]، أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، حَبِيبِ
اللَّهِ وَصَفْوَتِهِ، وَأَمِينِهِ وَرَسُولِهِ، وَسَيِّدِ النَّبِيِّينَ، أَلَسَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمَحْجَلِينَ، أَلَسَّلَامُ عَلَى الْأَنْمَةِ
الرَّاشِدِينَ الْمُهْدِيِّينَ، أَلَسَّلَامُ عَلَى مَنْ فِي الْحَاوِثِ مِنْكُمْ، إِنْ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ
بَرَكَاتُهُ] أَلَسَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْبَاقِينَ الْمُقِيمِينَ، الَّذِينَ هُمْ بِأَمْرِ رَبِّهِمْ
قَائِمُونَ، أَلَسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

أبو عبدالرحمان محمد بن أحمد بن الحسين العسكري در شهر عسکر مکرم
از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از محمد بن ابی عمیر، از محمد بن
مروان، از ابی حمزة الثمالی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام حضرت فرمودند:
هرگاه خواستی بعد از فراغت از زیارات وداع نعمانی آنچه در قدرت تو است
از زیارات را بجا آور، البته مقام و مکان در نبوی و غاضریه باشد و از آنجا به
زیارت برو، وقتی قصد زیارت کردی غسل کن و سپس زیارت وداع نما و وقتی
از زیارت فارغ شدی رو به صورت قبر کن و از قبر خواهش نموده و بگو:
سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای ابا عبدالله، تو برای من سپری از عذاب
می باشی، این زمان هنگام وداع من با شما و مراجعتم از خدمت شما بوده، در
حالی که روگردان از شما نبوده، و بجای شما به دیگری رو نمی نمایم، و غیر شما
را بر شما اختیار نخواهم نمود، و بی رغبت نیستم از قرب و در جوار شما بودن،
نفس و جانم را در معرض خطر حوادث قرار داده، و اهل و وطن خود را ترک
نمودم، پس در روز حاجت و نیاز و احتیاجم کمک می باشی، در آن روزی که پدر

و فرزند و خویشاوندان و نزدیکانم نفی به حالم ندارند، از خدائی که تقدیر و خلق نموده می‌خواهم که بواسطه شما حزن و اندوه من را برطرف کند، و از خدائی که فراق و جدا شدن از مکان تو را مقدر من ساخته درخواست می‌نمایم که این را زیارت آخر من قرار ندهد، و از خدائی که چشم من را بر تو گریاند می‌خواهم که این اشک را سند و تکیه گاه من قرار دهد و از خدائی که من را از خانه و اهل من دور می‌آورد می‌خواهم که این زیارت را ذخیره آخرتم قرار دهد، و از خدائی که مکان تو را به من نشان داد و هدایت من نمود که تسلیم و فرمانبردار تو بوده و زیارت کنم تو را درخواست می‌کنم که من را بر حوض شما وارد نماید، و رفاقت با شما در بهشت را همراه با آب و پدران صالح و نیکوکار شما صلی الله علیهم اجمعین روزی من فرماید، درود بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش، درود بر رسول خدا حضرت محمد بن عبدالله، حبیب و برگزیده خدا، و امین و فرستاده او، و سرور انبیاء، درود بر امیرالمؤمنان و وصی رسول پروردگار عالمیان، و رهبر دست و روی سفیدان، درود بر ائمه راشدین و مهدیین، درود بر کسی که از شما در حائر می‌باشد، درود بر فرشتگان خدا که کنار قبر باقی مانده و اقامه گزیده‌اند، آنان که به امر پروردگارشان قیام کرده‌اند، درود بر ما و بر بندگان نیکوکار خدا، و حمد و سپاس مرخدائی را که پروردگار عالمیان می‌باشد.

متن:

وَتَقُولُ:

«سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أُنْسِيَّائِهِ الْمُرْسَلِينَ؛ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَى

ذُرِّيَّتِكَ وَمَنْ حَضَرَكَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، أَسْتَودِعُكَ اللَّهُ وَاسْتَرْعِيكَ
وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ،
اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ».

و تقول:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي
ابْنَ رَسُولِكَ، وَارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، اللَّهُمَّ وَانْفَعْنِي بِحُبِّهِ يَا رَبَّ
الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ لَا
تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ يَا رَبُّ فَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ
آبَائِهِ وَأَوْلِيَائِهِ، وَإِنْ أَبْقَيْتَنِي يَا رَبُّ فَارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهِ ثُمَّ الْعَوْدَ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ
مَشَاهِدَهُمْ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ ذِكْرِكَ
بِإِكْثَارِ عَلَى مِنَ الدُّنْيَا تُلْهِقِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهَا وَتُفَتِّي زَهْرَاتُ زِينَتِهَا، وَلَا
بِإِقْلَالٍ يَضُرُّنِي بِعَمَلِي كَدُّهُ، وَيَمْلَأُ صَدْرِي هُمُّهُ، وَأَعْطِنِي بِذَلِكَ غِنًى عَنْ
شِرَارِ خَلْقِكَ، وَبَلَاغًا أَنَالُ بِهِ رِضَاكَ يَا رَحْمَنُ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا
مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَزُوَارَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)»

ثمَّ ضَعَّ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ مَرَّةً ثُمَّ الْأَيْسَرَ مَرَّةً، وَالْحُجَّ فِي الدَّعَاءِ وَ
الْمَسْأَلَةِ، فَإِذَا خَرَجْتَ فَلَا تُؤَلِّ وَجْهَكَ عَلَى الْقَبْرِ حَتَّى تَخْرُجَ».

﴿ دنباله زیارت وداع حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ﴾

ترجمه:

و می گوئی:

درود خدا و فرشتگان مقرب و انبیاء مرسل، و بندگان نیکوکارش بر تو ای پسر رسول خدا و بر جان و جسم تو و بر فرزندان و بر کسانی که از اولیاء تو بوده و نزدت حاضر شدند، با تو وداع کرده و تو را به خدا می سپارم و درود و خدا حافظی با تو می گویم، به خدا و به رسولش به آنچه از نزد خدا رسولش آورده ایمان دارم، خداوندا ما را شاهدین و کسانی که در رکاب فرزند رسول خدا حاضر شدند بنویس و نام ما را در ظهور ایشان ثبت و ضبط بفرما.

و بگو:

خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست و این زیارت را آخرین زیارت من از پسر رسول خودت قرار مده، خداوندا زیارت او را برای همیشه تا مادامی که من زنده هستم نصیبم فرما، خداوندا بواسطه حب و دوستی او من را مستفع گردان ای پروردگار عالمیان، خداوندا او را به مقامی پسندیده مبعوث گردان، تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی، خداوندا من بعد از نماز و سلام از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد رحمت را فرستاده و آن را شامل ایشان گردانی و نیز این زیارت را آخرین زیارت من نسبت به فرزند رسول قرار ندهی و اگر آخرین زیارتم مقدر کرده ای پس ای پروردگار من را به او و آباء و دوستانش محشور فرما و اگر من را باقی گذارده و عمرم را طولانی نمودی پس روزی کن دوباره به زیارتش عود کرده و بعد از آن دوباره به زیارتش برگردم به رحمت و اسعادت ای مهربان تر از هر مهربانی امیدوار می باشم، خداوندا برای من زبانی راست را میان دوستانت قرار بده و مشاهد و اماکنی که ایشان حیاً و میتاً حضور دارند را محسوب من نما، خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت

بفرست، خداوندا بواسطه نعمتهای زیادی دنیا که شگفتیهای خوبی و زیبایی آنها من را از تو باز داشته و جلاء و درخشندگی زینت آنها مفتونم می نماید من را از یاد خودت غافل مکن و نیز من را به قلت و کمی امکانات دنیوی که رنج و تعب کم بود آنها مضرّ به عملم بوده و حزن ناشی از آن سینهام را پر می نماید مبتلا نفرما از دنیا آن قدر به من اعطاء فرما که از مخلوقات بی نیاز و از بدی آنها در امان باشم، خداوندا به مقدار کفاف از دنیا به من اعطاء نما تا بواسطه آن به رضایت و خشنودی تو دست یابم ای خالق مهربان، و درود بر شما ای فرشتگان خدا و ای زائرین قبر حضرت ابی عبدالله (ع). سپس طرف راست صورت خود را یکبار و جانب چپ را بار دیگر بر قبر مطهرش بگذار و در دعاء و درخواست حاجتت مبالغه کن و هنگامی که از حرم خارج می شوی روی خود را از قبر برگردان بلکه همچنان مواجه با آن باش تا از آنجا بیرون روی.

﴿ الباب الخامس و الثمانون ﴾

﴿ زيارة قبر العباس بن علي عليه السلام ﴾

متن:

١ - حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيُّ
بِالْعَسْكَرِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ أَبِي حمزة الثمالي «قال:
قال الصادق عليه السلام: إذا أردت زيارة قبر العباس بن علي عليه السلام - وهو على
شطّ الفرات بحذاء الحائر - فقف على باب السقيفة وقل:

«سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِهِ
الصَّالِحِينَ وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَالطَّائِفِينَ، وَالزُّكَايَا الطَّيِّبَاتُ فِيمَا
تَعْتَدِي وَتَرُوحُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ - أمير المؤمنين - أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ
وَالْتَّضَدِيقِ وَالْوَفَاءِ وَالتَّصِيحَةِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ، وَالسَّبْطِ الْمُسْتَجَبِ،
وَالدَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ، وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَظَمِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ
رَسُولِهِ وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَاخْتَسَبْتَ، وَأَعْنَتْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ
مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ، وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ
مَنْ حَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَاءِ الْفُرَاتِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا، وَأَنَّ اللَّهَ
مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ، جِشَّكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَافِدًا إِلَيْكُمْ، وَقَلْبِي
مُسَلَّمٌ لَكُمْ، وَأَنَا لَكُمْ تَابِعٌ، وَنُضْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ
الْحَاكِمِينَ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي بِكُمْ وَبِأَيَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ،
وَبِمَنْ خَالَفَكُمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ، قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالْأَيْدِي
وَالْأَلْسُنِ».

﴿ باب هشتاد و پنجم ﴾

﴿ زیارت قبر حضرت عباس بن علی علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسکری در عسکر از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار از محمد بن ابی عمیر از محمد بن مروان، از ابی حمزه ثمالی، وی می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه خواستی زیارت کنی قبر حضرت عباس بن علی علیه السلام را که در کنار شط فرات و در مقابل جابر قرار دارد پس بر در سقیفه بایست و بگو: درود خدا و درود فرشتگان مقرب و انبیاء مرسلش و درود بندگان صالح و نیکوکارش و درود تمام شهداء و صدیقین و پاکان و پاکیزگان در صبح و شام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین، شهادت می دهم که تو تسلیم فرزند نبی صلی الله علیه و آله و سبط برگزیده پیامبر و راهنما و عالم و جانشین مبلّغ و مظلوم ستم دیده بوده و او را تصدیق داشته و در مقام وفاء و خیر خواهی او بودی پس خدا از طرف رسولش و امیرالمؤمنین و حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین بالاترین پاداش ها را به تو داده و به واسطه صبر و بردباری که در این راه نمودی و آزمایش و امتحانی که دادی و رنج و مشقتی را که متحمل شدی عالی ترین اجرها را نصیب تو نماید پس خوشا به زندگانی آخرت تو، خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت، و لعنت کند کسی را که به حق تو جاهل و ناآگاه بود و لعنت نماید کسی را که حرمت تو را نگاه نداشت و در مقام استخفاف تو بر آمد و خدا لعنت کند کسی را که بین تو و بین آب فرات فاصله شد، شهادت می دهم که تو مظلوم کشته شدی و شهادت می دهم که خدا آنچه به شما وعده کرده است را عملی می سازد ای پسر امیرالمؤمنین به نزدت آمده ام در حالی که از سفر آمده ام، دلم تسلیم شما است، و خودم تابع و پیرو شما

بوده، آماده‌ام برای یاری شما تا خدا حکم کند و او بهترین حکم‌کنندگان است، پس آن کس که با شما است حتماً با شما بوده نه با دشمنانتان، من به شما و رجعت شما ایمان دارم و به کسی که مخالفتان را می‌نماید و شما را کشته است کافر هستم، خدا بکشد گروهی را که با دست‌ها، و زبان‌هایشان شما را کشتند.

متن:

ثم ادخل وانكب على القبر و قل:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمَطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ، وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، وَأَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ الْبَذَرِيُّونَ، الْمَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمَنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ، الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ، الَّذِينَ عَنِ اجْتِنَائِهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَأَكْثَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَى الْجَزَاءِ، وَأَوْفَى جَزَاءِ أَحَدٍ يَمُنُّ وَفِي بَيِّنَتِهِ، وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَأَطَاعَ وَلاةَ أَمْرِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالَغْتَ فِي النَّصِيحَةِ، وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ، فَبَعَثَكَ اللَّهُ فِي الشُّهَدَاءِ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَزْوَاجِ الشُّهَدَاءِ، وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ أَفْسَحَهَا مَنَزَلاً، وَأَفْضَلَهَا عُرْفاً، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عِلِّيِّينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ، وَالصُّدُوقِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقاً، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ، وَأَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، مُقْتَدِياً بِالصَّالِحِينَ وَمُتَّبِعاً لِلنَّبِيِّينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ، وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَأَوْلِيَائِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُخْتَبِينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ».

ترجمه: ﴿دنباله زیارت نامه حضرت عباس بن علی علیه السلام﴾

سپس داخل شو و بر قبر تکیه داده و بگو:

درود بر تو ای بنده نیکوکار، بنده ای که فرمان بردار خدا و رسولش و امیرالمؤمنین و حسن و حسین علیهما السلام بودی، درود و رحمت و برکات و بهشت خدا برای تو باد، و بر جان و جسد تو باشد، و خدا را شاهد می گیرم که تو همان راهی را رفتی که اصحاب بدر رفتند همان کسانی که در راه خدا جهاد کرده، و در جهاد با دشمنان خدا زیان به پند و نصیحت گشوده و خالص آنرا بجا آوردند، در نصرت دوستان خدا سعی بلیغ نموده، و از دوستان و محبین حق تعالی دشمنان را دفع کردند، پس خدا برترین و با فضیلت ترین و بیشترین جزاءها و پاداشها را به تو عطاء فرماید، و نیز وافر و وافرترین پاداش کسی که به بیعتش وفاء نموده و خدا دعایش را مستجاب کرده و همچنین نیک ترین پاداش کسی که از والیان امر اطاعت نموده است را به تو عنایت فرماید، شهادت می دهم که تو در نصیحت و خیر خواهی مبالغه کرده و نهایت کوشش و جهد خود را نمودی، پس خدا تو را در شهداء بر انگیزد، و روح را با ارواح شهداء قرین گرداند، و از بهشتش وسیع ترین منزل و با فضیلت ترین غرفه را اعطاء نماید، و ذکر تو را در علین بالا ببرد، و با انبیاء و صدیقین و شهداء و صلحاء محشور کند، و ایشان نیکو رفتائی هستند، شهادت می دهم که تو از خود مستی نشان نداده و عقب گرد نکردی، و نیز شهادت می دهم که تو بر بصیرت مشی نموده و به صالحین اقتداء کرده و از انبیاء پیروی نمودی، پس حق تعالی بین ما و بین شما و بین رسول و اولیائش در منازل اشخاص متواضع و فروتن جمع کند زیرا او ارحم الرحمین می باشد.

﴿ الباب السادس و الثمانون ﴾
 ﴿ وداع قبر العباس بن علي عليه السلام ﴾

متن:

۱ - حدَّثني أبو عبد الرحمن محمد بن أحمد بن الحسين العسكري
 بالعسكر، عن الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه علي بن مهزيار، عن
 محمد بن أبي عمير، عن محمد بن مروان، عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي
 عبد الله عليه السلام: «قال: إذا ودَّعتَ العباسَ فأتِه وقل: «أَسْتَودِعُكَ اللَّهُ
 وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِكِتَابِهِ وَبِمَا
 جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ
 الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ ابْنِ أَخِي نَبِيِّكَ، وَارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي،
 وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبَائِهِ فِي الْجَنَّةِ»، وَعَرَّفَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ رَسُولِكَ
 وَأَوْلِيائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَفَّنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ
 وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْأُئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ،
 وَالْبَرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ، فَإِنِّي رَضِيْتُ بِذَلِكَ يَا رَبَّ».

و تدعو لنفسك ولوالديك والمؤمنين والمسلمين و تخير من
 الدعاء».

﴿ باب هشتاد و ششم ﴾
 ﴿ وداع با قبر حضرت عباس بن علي عليه السلام ﴾

﴿ حديث اول ﴾

ترجمه:

ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسكري در عسكر از حسن بن
 علي بن مهزيار، از پدرش علي بن مهزيار، از محمد بن ابی عمير، از محمد بن

مروان، از ابی حمزة الثمالی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند: هر گاه خواستی با حضرت عباس علیه السلام وداع کنی پس به نزدش برو و بگو:

تو را به خدا می سپارم و از او می خواهم که از تو نگاهبانی نماید و سلام خدا حافظی به تو می دهم، به خدا و رسول و کتابش و به آنچه رسولش از جانب خدا آورده ایمان آورده ایم، خدایا ما را با شاهدین بنویس، خدایا این زیارت را آخرین زیارت ما نسبت به قبر پسر برادر پیغمبرت قرار مده، و تا مادامی که من زنده هستم زیارتش را نصیب نما، و من را با او و با آباء گرامش در بهشت محشور نما، و بین من و بین او و رسول و دوستانت آشنائی بیانداز، خدایا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و من را در حالی که به تو ایمان داشته و رسالت را تصدیق کرده، و علی بن ابی طالب و انمه بعد از آن حضرت که جملگی فرزندان او هستند را دوست داشته و از دشمنانشان بی زاری می جویم بمیران و از این دنیا ببر، زیرا پروردگار، من به این معنا راضی و خشنود می باشم. و سپس برای خود و پدر و مادرت و مؤمنین و مسلمین دعاء کن و هر دعائی را که خواستی اختیار نما.

﴿الباب السابع والثمانون﴾

﴿وداع قبور الشهداء علیهم السلام﴾

متن:

تقول: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُمْ، وَأَشْرِكْنِي مَعَهُمْ فِي صَالِحِ مَا أُعْطِيَتْهُمْ عَلَى نَصْرِهِمْ إِبْنِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَجِهَادِهِمْ مَعَهُ فِي سَبِيلِكَ، اللَّهُمَّ اجْمَعْنَا وَإِيَّاهُمْ فِي جَنَّتِكَ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا، أَسْتَوْدِعُكَمُ اللَّهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْقَوَدَ إِلَيْهِمْ، وَاخْشُرْنِي مَعَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

﴿ باب هشتاد و هفتم ﴾
 ﴿ وداع با قبور شهداء عجله ﴾

ترجمه:

بگو:

خدایا این زیارت را آخرین زیارت من نسبت به شهداء قرار مده، و من را با ایشان در آنچه به آنها در قبال باری پسر دختر پیغمبرت و جهادشان با حجّت تو بر خلق اعطاء فرموده‌ای شریک گردان، خدایا، ما و ایشان را در بهشت خود با شهداء و صالحین جمع فرما، ایشان نیکو رفقانی هستند، شما را به خدا می‌سپارم و سلام خدا حافظی به شما می‌دهم، خدایا روزی من کن که دوباره به ایشان برگردم و من را با ایشان محشور فرمائی مهربان‌تر از هر مهربانی.

مرکز تحقیقاتی و فرهنگی مهدی

﴿ الباب الثامن والثمانون ﴾
 ﴿ فضل کربلاء و زیارة الحسین عجله ﴾

متن:

۱ - [للحسین بن أحمد بن المغيرة فيه حديث رواه شيخه أبو القاسم - رحمه الله - مصنف هذا الكتاب نقل عنه وهو عن زائدة، عن مولانا علي بن الحسين عجله، ذهب علي شيخنا - رحمه الله - أن يضعه كتابه هذا وهو مما يليق بهذا الباب و يشتمل أيضاً على معانٍ شتى حسن تامّ الألفاظ، أحببت إدخاله وجعلته أوّل الباب، وجميع أحاديث هذا الباب وغيرها مما يجري مجراها يستدل بها على صحة قبر مولانا الحسين عجله بكربلاء، لأن كثيراً من المخالفين ينكرون أن قبره بكربلاء كما ينكرون أن قبره

مولانا امیر المؤمنین علیه السلام بالغری بظهر نجف الکوفة وقد كنت استفتدت هذا الحديث بمصر عن شیخی ابي القاسم علی بن محمد بن - عبیدوس الکوفی - رحمه الله - مما نقله عن مزاجم بن عبد الوارث البصری بإسناده عن قدامة بن زائدة، عن أبيه زائدة، عن علی بن الحسین علیه السلام، و قد ذاکرت شیخنا ابن قولویه بهذا الحديث بعد فراغه من تصنیف هذا الكتاب لیدخله فيه فاقضى ذلك و عاجلته منیته - رضي الله عنه - و ألحقه بموالیه علیه السلام

﴿ باب هشتاد و هشتم ﴾

﴿ فضیلت کربلاء و زیارت امام حسین علیه السلام ﴾

مرکز تحقیقات کربلا و مدینه

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حسین بن احمد بن مغیره دربارہ فضل کربلاء و زیارت امام حسین علیه السلام حدیثی دارد، این حدیث را استادش ابوالقاسم علیہ الرحمہ مصنف این کتاب روایت کرده و حسین بن احمد از او و وی از زائده و او از مولانا علی بن الحسین علیه السلام نقل نموده.

استاد ما رحمة الله علیه فراموش کرد که این حدیث را به کتابش ضمیمه کند در حالی که سزاوار بود در این باب نقل شود، حدیث مزبور چون بر معانی پسندیده و بسیاری مشتمل بوده و الفاظش تام و زیباست دوست داشتم آن را در این باب بگنجانم.

قابل ذکر است که تمام احادیث این باب و احادیث دیگر که با اینها در مضمون مشترک هستند به آنها بر بودن قبر امام حسین علیه السلام در کربلا استدلال

شده است زیرا بسیاری از مخالفین انکار دارند که قبر آن حضرت در کربلاء است چنانچه وجود قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را در نجف منکر می‌باشند.

این حدیث را در مصر از استاد ابی القاسم علی بن محمد بن عبدوسی کوفی رحمة الله علیه استفاده کرده‌ام، و وی آن را از مزاحم بن عبدالوراث بصری، به اسنادش از قدامة بن زائده، از پدرش زائده، از علی بن الحسین علیه السلام نقل کرده. پس از آنکه استاد ما ابن قولویه از تصنیف این کتاب (کامل الزیارة) فارغ گردید باوی راجع به این حدیث مذاکره کرده و به ایشان پیشنهاد نمودم آنرا در این کتاب داخل نماید ولی پیش از آنکه ایشان به این کار مبادرت ورزند اجل او را دریافت و او را به موالی او علیه السلام ملحق کرد خدا از او خوشنود و راضی باشد.

متن:

و هذا الحديث داخل فيها أجاز لي شيخي - رحمه الله - و قد جمعت بين الروایتين بالألفاظ الزائدة و النقصان و التقديم و التأخير فيها حتى صَحَّ بجميعه عَمَّنْ حَدَّثَنِي بِهِ أَوْلَاثِمُ الْآنَ، و ذلك أَنِي مَا قَرَأْتُهُ عَلَى شَيْخِي - رحمه الله - وَلَا قَرَأَهُ عَلَيَّ، غَيْرَ أَنِي أُرْوِيهِ عَمَّنْ حَدَّثَنِي بِهِ عَنْهُ، وَ هُوَ:

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ عِيَّاشٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ قَوْلُوَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عِيسَى عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ هِلَالِ الطَّائِيُّ الْبَصْرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَثْمَانَ سَعِيدُ بْنُ مُحَمَّدَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَامَ بْنِ يَسَارٍ، الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدَ الْوَاسِطِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي عِيسَى بْنُ أَبِي شَيْبَةَ الْقَاضِي قَالَ: حَدَّثَنِي نُوحُ بْنُ دُرَّاجٍ قَالَ: حَدَّثَنِي قُدَامَةُ بْنُ زَائِدَةَ، عَنْ أَبِيهِ «قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: بَلِّغْنِي يَا زَائِدَةُ أَنَّكَ تَزُورُ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَحْيَانًا؟ فَقُلْتُ: إِنَّ

ذَلِكَ لَكُمْ بَلْفَك، فَقَالَ لِي: فَلِمَ تَفْعَلُ ذَلِكَ وَلَكَ مَكَانٌ عِنْدَ
سُلْطَانِكَ الَّذِي لَا يَحْتَمِلُ أَحَدًا عَلَى مَحَبَّتِنَا وَ تَفْضِيلِنَا وَ ذِكْرِ فَضَائِلِنَا
وَالْوَاجِبِ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ حَقِّنَا؟ فَقُلْتُ: وَاللَّهِ مَا أُرِيدُ بِذَلِكَ إِلَّا اللَّهَ وَ
رَسُولَهُ، وَلَا أَخْفِلُ بِسَخَطِ مَنْ سَخَطَ، وَلَا يَكْبُرُ فِي صَدْرِي مَكْرُوهُ يَنَالُنِي
بِسَبَبِهِ، فَقَالَ: وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ، فَقُلْتُ: وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ،
يَقُولُهَا - ثَلَاثًا - وَ أَقُولُهَا - ثَلَاثًا - فَقَالَ: أَبْشِرْ ثُمَّ أَبْشِرْ ثُمَّ أَبْشِرْ
فَلَا تُخْبِرَنَّكَ بِخَبَرِ كَانَ عِنْدِي فِي النَّخْبِ الْمُخْزُونَةِ، فَإِنَّهُ لَمَّا أَصَابَنَا
بِالطَّفِّ مَا أَصَابَنَا وَ قُتِلَ أَبِي ﷺ وَ قُتِلَ مَنْ كَانَ مَعَهُ مِنْ وَلَدِهِ وَ إِخْوَتِهِ وَ
سَائِرِ أَهْلِهِ وَ حَمَلَتْ حُرْمُهُ وَ نَسَاوُهُ عَلَى الْأَقْتَابِ يَرَادُّ بِنَا الْكَوْفَةَ، فَجَعَلْتُ
أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ صَرَعِي وَلَمْ يُوَارُوا فَعَظُمَ ذَلِكَ فِي صَدْرِي وَ اشْتَدَّ لَمَّا أَرَى
مِنْهُمْ قَلْقًا، فَكَادَتْ نَفْسِي تَخْرُجُ وَ تَبَيَّتْ ذَلِكَ مِنِّي عَمَّتِي زَيْنَبُ الْكُبْرَى بِنْتُ
عَلِيٍّ ﷺ فَقَالَتْ: مَا لِي أَرَاكَ تَجُودُ بِنَفْسِكَ يَا بَقِيَّةَ جَدِّي وَ أَبِي وَ إِخْوَتِي؟!
فَقُلْتُ: وَكَيْفَ لَا أَجْزَعُ وَ أَهْلَعُ وَ قَدْ أَرَى سَيِّدِي وَ إِخْوَتِي وَ عُمُومَتِي وَ وَلَدَ
عَمَّتِي وَ أَهْلِي مُضْرَعِينَ بِدِمَائِهِمْ، مُرْمَلِينَ بِالْعَرَى، مُسْلَبِينَ، لَا يُكْفَتُونَ وَ لَا
يُوَارُونَ، وَ لَا يُعْرَجُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ، وَ لَا يَقْرُبُهُمْ بَشَرٌ، كَأَنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ
الدَّيْلَمِ وَ الْحَزَرِّ؟! فَقَالَتْ: لَا يُجْزَعَنَّكَ مَا تَرَى، فَوَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَعَهْدٌ
مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى جَدِّكَ وَ أَبِيكَ وَ عَمِّكَ، وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ
أَنَاسٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا تَعْرِفُهُمْ قَرَاعِنَةُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ هُمْ مَعْرُوفُونَ فِي أَهْلِ
السَّمَاوَاتِ أَنَّهُمْ يَجْمَعُونَ هَذِهِ الْأَعْضَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ فَيُوَارُونَهَا وَ هَذِهِ
الْجُسُومَ الْمُضَرَّجَةَ، وَ يَنْصُبُونَ لِهَذَا الطَّفِّ عَلَمًا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ
لَا يَدْرُسُ أَثَرُهُ وَ لَا يَغْفُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ، وَ لِيَجْتَهِدَنَّ

أئمة الكفر و أشياع الضلالة في محوهِ و تَطْمِيسِه فلا يزداد أثره إلا ظهوراً و أمره إلا علوّاً، فقلت: وما هذا العهد و ما هذا الخبر؟!

﴿ دنباله حدیث اول ﴾

﴿ مشتمل بر فضیلت کربلاء و زیارت امام حسین (ع) ﴾

ترجمه:

این حدیث در آنچه استادم رحمة الله علیه به من اجازه آن‌ها را داده است داخل بوده منتهی در مقام نقل بین دو روایت را جمع کرده، برخی الفاظ را اضافه و بعضی را حذف نموده، پاره‌ای را مقدم و شطری را مؤخر کرده‌ام و بدین ترتیب صحیح است بگویم:

این حدیث را باتمام الفاظ و عباراتش از کسی نقل می‌کنم که وی آن را برایم اولاً و سپس الان حدیث نموده چه آنکه نه من آن را بر استادم رحمة الله علیه قرائت کرده و نه او بر من قرائت نموده است فقط من آن را از کسی که برایم نقل کرده حکایت می‌کنم و آن حدیث چنین است: ابو عبدالله احمد بن محمد بن عیاش می‌گوید:

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه برایم نقل کرد و گفت: ابو عیسی عبیدالله بن فضل بن محمد بن هلال الطائی البصری برایم نقل نمود و گفت: ابو عثمان سعید بن محمد برایم نقل کرد و گفت: محمد بن سلام بن یسار کوفی برای ما نقل کرد و گفت: احمد بن محمد واسطی برایم نقل نمود و گفت: عیسی بن ابی شیبۀ القاضی برایم نقل کرد و گفت: نوح بن دراج برایم نقل کرد و گفت: قدامة بن زائده برایم حدیث کرد و از پدرش نقل کرد، پدرش گفت:

حضرت علی بن الحسین (ع) فرمودند:

ای زائده خبر به من رسیده که گاهی به زیارت قبر ابی عبدالله الحسین (ع)

می‌روی؟

عرض کردم: همان طور است که خبر به سمع شما رسیده.
حضرت فرمودند:

برای چه مبادرت به چنین فعلی می ورزی در حالی که تو نزد سلطان مکانت و منزلتی داشته و وی کسی است که توان این را ندارد ببیند شخصی به ما محبت داشته و ما را بر دیگران برتری می دهد و فضائل ما را ذکر می کند و حقّی که از ما بر این امت واجب است را رعایت می نماید؟

محضر مبارکش عرض کردم: به خدا سوگند قصدم از این فعل فقط رضایت خدا و رسول خدا بوده و از غضب و منخط کسی که بر من غضب نماید ترس و وحشتی ندارم و امر مکروهی که از ناحیه این فعل به من برسد هرگز در سینه ام گران و سنگین نیست و بر من قابل تحمل می باشد.

حضرت فرمودند:

تو را به خدا سوگند امر چنین است؟
عرض کردم: به خدا سوگند امر چنین است.

حضرت سؤالشان را سه بار تکرار فرموده و من نیز جوابم را سه بار بازگو نمودم.

سپس حضرت فرمودند:

بشارت باد ترا، بشارت باد ترا، بشارت باد تو را، لازم شد خبر دهم تو را به حدیثی که نزد من بوده و از احادیث نخبه و برگزیده ای است که جزء اسرار مخزونه می باشد و آن این است: زمانی که در طف (کربلا) آن مصیبت به ما وارد گشت و پدرم علیه السلام و تمام فرزندان و برادران و جمیع اهلس که با او بودند کشته شدند و حرم و زنان آن حضرت را بر روی شتران بی جهاز نشانده و ما را به کوفه برگرداندند پس به قتلگاه ایشان چشم دوختم و ابدان طاهره ایشان را برهنه و عریان دیدم که روی خاک افتاده و دفن نشده اند، این معنا بر من گران آمد و در سینه ام اثرش را یافته و هنگامی که از ایشان چنین منظره ای را مشاهده کردم

اضطراب و بی آرامی در من شدت یافت به حدی که نزدیک بود^۱ روح از کالبدم خارج شود، این هئیت و حالت را وقتی عمه‌ام زینب کبری دختر علی بن ابی طالب (علیها السلام) از من مشاهده نمود فرمود:

این چه حالی است از تو می‌بینم، ای یادگار جد و پدر و برادرم چرا با جان خود بازی می‌کنی؟!۱

من گفتم:

چگونه جزع و بی تابی نکنم در حالی که می‌بینم سرور و برادران و عموها و پسر عموها و اهل خود را در خون خویش طپیده، عریان و برهنه بوده، جامه‌هایشان را از بدن بیرون آورده‌اند، بدون اینکه کفن شده یا دفن گردیده باشند، احدی بالای سرشان نبوده و بشوری نزدیکشان نمی‌شود گویا ایشان از خاندان دیلم و خزر می‌باشند؟!۲



عمه‌ام فرمود:

آنچه می‌بینی تو را به جزع نیاورد، به خدا سوگند این عهد و پیمانی بوده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با جد (امیرالمؤمنین علیه السلام) و پدر (سیدالشهداء علیه السلام) و عمویت (حضرت مجتبی علیه السلام) نموده و خداوند متعال نیز از گروهی از این امت که در عداد ستمکاران و سرکشان نمی‌باشند پیمان گرفته‌است ایشان در بین اهل آسمان‌ها معروف و مشهورند که این اعضاء قلم شده را جمع کرده و دفن نموده و این ابدان و اجسام خون آلود را به خاک سپرده و در این سرزمین برای قبر پدرت سیدالشهداء نشانه‌ای نصب کرده که اثرش هیچ گاه کهنه و مندرس نشده و گذشت شب و روز آن را محو نمی‌کند، و بسیاری از رهبران کفر و الحاد و ابناء ضلالت و گمراهی سعی در نابود کردن آن می‌نمایند ولی به جای اینکه رسم و نشانه آن از بین رود ظاهرتر و آشکارتر می‌گردد.

من پرسیدم:

این چه عهد و میثاقی بوده و این چه حدیث و خبری می‌باشد؟

متن:

فَقَالَتْ: نَعَمْ، حَدَّثَنِي أُمُّ أَيْمَنُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ زَارَ مَنْزِلَ فَاطِمَةَ ؓ فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ فَعَمِلَتْ لَهُ خَرِيرَةً، وَآتَاهُ عَلِيٌّ ؓ بِطَبْقٍ فِيهِ تَمْرٌ، ثُمَّ قَالَتْ أُمُّ أَيْمَنُ: فَأَتَيْتَهُمْ بِخُسْفٍ فِيهِ لَبَنٌ وَزُبْدٌ، فَأَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ عَلِيٌّ ؓ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ؓ مِنْ تِلْكَ الْخَرِيرَةِ، وَ شَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ شَرَبُوا مِنْ ذَلِكَ اللَّبَنِ، ثُمَّ أَكَلَ وَ أَكَلُوا مِنْ ذَلِكَ التَّمْرِ وَ الزُّبْدِ، ثُمَّ غَسَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَدَهُ وَ عَلِيٌّ يَصُبُّ عَلَيْهِ الْمَاءَ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ غَسْلِ يَدِهِ مَسَحَ وَجْهَهُ، ثُمَّ نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ نَظْرًا عَرَفْنَا بِهِ السَّرُورَ فِي وَجْهِهِ ثُمَّ رَمَقَ بِطَرْفِهِ نَحْوَ السَّمَاءِ مَلِيًّا، ثُمَّ [أَنَّهُ] وَجَّهَ وَجْهَهُ نَحْوَ الْقِبْلَةِ وَ بَسَطَ يَدَيْهِ وَ دَعَا ثُمَّ خَرَّ سَاجِدًا وَ هُوَ يَنْشِجُ فَأَطَالَ التَّشْوِجَ (كَذَا) وَ عَلَانِيَةً وَ جَرَتْ دُمُوعُهُ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ أَطْرَقَ إِلَى الْأَرْضِ وَ دُمُوعُهُ تَقْطُرُ كَأَنَّهَُا صَوْبُ الْمَطَرِ، فَحَزَنَتْ فَاطِمَةُ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ؓ وَ حَزَنْتُ مَعَهُمْ لَمَّا رَأَيْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ هَبْتَاهُ أَنْ نَسْأَلَهُ حَتَّى إِذَا طَالَ ذَلِكَ قَالَ لَهُ عَلِيٌّ: وَقَالَتْ لَهُ فَاطِمَةُ: مَا يُبْكِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَا أَبْكِي اللَّهُ عَيْنِيكَ فَقَدْ أَقْرَحَ قُلُوبُنَا مَا نَرَى مِنْ حَالِكَ؟!

فَقَالَ: يَا أَخِي سَرَرْتُ بِكُمْ - وَ قَالَ مُزَاجِمُ بْنُ عَبْدِ الْوَارِثِ فِي حَدِيثِهِ هُنَا: - فَقَالَ: يَا حَبِيبِي إِنِّي سَرَرْتُ بِكُمْ سُرُورًا مَا سَرَرْتُ مِثْلَهُ قَطُّ وَ إِنِّي لَا أَنْظُرُ إِلَيْكُمْ وَ أَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى نِعْمَتِهِ عَلَيَّ فَيُكْمِ إِذْهَبْتُ عَلَيَّ جِبْرِئِيلُ ؓ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَطَّلَعَ عَلَى مَا فِي نَفْسِكَ وَ عَرَفَ سُرُورَكَ بِأَخِيكَ وَ ابْتِغَاكَ وَ سَبَّطِيكَ فَأَكْمَلَ لَكَ النِّعْمَةَ وَ هُنَاكَ الْعَطِيَّةُ

بأن جعلهم و ذُرِّيَّاتهم و محبَّيهم و شيعتهم مَعَكَ في الجنة لا يفرق
بينك و بينهم يحبون كما نحبي و يُعطون كما تعطى حتى ترضى و فوق الرضا
على بلوى كثيرة تنالهم في الدنيا و مكاره تصيبهم بأيدي أناس يَنتحلون
مِلَّتَكَ و يزعمون أنهم من أُمَّتِكَ بُرَاء من الله و منك خَبَطاً خَبَطاً و قَتلاً
قَتلاً، شَتَّى مَصَارِعُهُمْ، ناثية قبورهم، خيرة من الله لهم و لك فيهم،
فاحمد الله عزَّوجلَّ على خيرته و ارض بقضائه.
فحمدتُ الله و رَضيت بقضائه بما اختاره لكم،

﴿ نقل حدیث ام ایمن به روایت علیا مخدّره ﴾

﴿ حضرت زینب کبری بنت امیرالمؤمنین ﴾

مرکز تحقیقات کربلا و مدینه

ترجمه:

پس عمه ام فرمود:

بلی، ام ایمن برایم نقل نمود که رسول خدا ﷺ روزی از روزها به منزل
حضرت فاطمه ﷺ نزول اجلال فرمود و حضرت فاطمه ﷺ برای آن جناب
حریره درست کردند و حضرت علی ﷺ طبقی نزد حضرت آوردند که در آن
خرما بود، سپس ام ایمن گفت:

من نیز قدحی که در آن شیر و سر شیر بود را خدمتشان آوردم، رسول
خدا ﷺ و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسین ﷺ از آن حریره میل کرده و سپس
همگی آن شیر را آشامیدند و پس از آن رسول خدا ﷺ و به دنبال آن حضرت
ایشان از آن خرما و سرشیر تناول نمودند و بعد رسول خدا ﷺ دست‌های
مبارکشان را شستند در حالی که امیرالمؤمنین ﷺ آب به روی دست‌های آن
حضرت می‌ریختند و پس از آنکه آن جناب از شستن دست‌ها فارغ شدند دست

به پیشانی کشیده آنگاه به طرف علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نظری که حاکی از سرور و نشاط بود نموده سپس با گوشه چشم به جانب آسمان نگرست بعد صورت مبارک به طرف قبله کرده و دست‌ها را گشاد و دعا نمود و پس از آن به حال گریه به سجده رفته و با صدای بلند می‌گریستند و اشک‌هایشان جاری بود.

سپس سر از سجده برداشته و به راه افتادند در حالی که اشک‌های آن حضرت قطره قطره می‌ریخت گویا باران در حال باریدن بود، از این صحنه حضرت فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام محزون شده و من نیز متأثر گشته و اندوهگین شدم ولی همگی از سؤال نمودن پرهیز کرده و از آن حضرت نه پرسیدیم که سبب این گریه چیست تا گریستن آن جناب به درازا کشید در این هنگام علی و فاطمه علیها السلام پرسیدند:

چه چیز شما را گریانده یا رسول الله خدا هرگز چشمان شما را نگریاند قلب ما از این حال شما جریحه دار گردیده؟

حضرت فرمودند:

ای برادر من، بواسطه شما سرور گشتم...

مزاحم بن عبدالوارث در حدیث خود به اینجا که می‌رسد می‌گوید:

نقل است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

ای حبیب من به واسطه شما چنان سرور و شادمان شدم که تاکنون این طور خوشحال نشده بودم و به شما نگرستم و خدا را بر نعمت شما که به من داده حمد و سپاس نمودم، در این هنگام جبرئیل علیه السلام بر من فرود آمد و گفت:

ای محمد صلی الله علیه و آله خداوند متعال بر آنچه در نهان تو است اطلاع داشته و می‌داند که سرور و شادی تو به واسطه برادر و دختر و دو سبط تو می‌باشد پس نعمتش را بر تو کامل کرده و عطیه‌اش را بر تو گوارا نمود یعنی ایشان و ذریه آنها و دوستان و شیعیان‌شان را در بهشت با تو همسایه نمود، بین تو و ایشان تفرقه

و جدائی نمی اندازد، ایشان از عطاء بدون منت او منتفع شده همان طوری که تو از آن بهره مند می شوی و به آنها اعطاء می شود همان طوری که به تو اعطاء می گردد تا آنجائی که راضی و خشنود شده بلکه فوق رضایت ایشان و تو حق تعالی عنایت می فرماید و این لطف و عنایت در مقابل آزمایش و ابتلائات بسیاری است که در دنیا متوجه ایشان شده و ناملایماتی که وسیله مردم و آنهایی که از ملت و کیش تو می باشند و خود را از امت تو پنداشته در حالی که از خدا و از تو بسیار دور هستند به ایشان می رسد، گاهی ضربه های شدید و غیر قابل تحمل از ناحیه این گروه متوجه ایشان شده و زمانی با قتل و کشتار ایشان مواجه می گردند.

قتلگاه ها ایشان مختلف و پراکنده و قبورشان از یکدیگر دور می باشد، خبر جوئی نما از خدا برای ایشان و برای خودت، حمد و سپاس خدای عزوجل و آنها بر خیرش و راضی شوی به فضایی او پس حمد خدای بجا آورده و راضی شدم به قضایش به آنچه برای شما اختیار فرموده.

متن:

ثُمَّ قَالَ لِي جَبْرِئِيلُ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ أَخَاكَ مُضْطَهَدٌ بَعْدَكَ مَغْلُوبٌ عَلَى أُمَّتِكَ مَتْعُوبٌ مِنْ أَعْدَائِكَ، ثُمَّ مَقْتُولٌ بَعْدَكَ يَقْتُلُهُ أَشْرُّ الْخَلْقِ وَالْخَلِيقَةِ، وَأَشَقُّ الْبَرِيَّةِ، يَكُنْ نَظِيرَ عَاقِرِ النَّاقَةِ بَبِلَدٍ تَكُونُ إِلَيْهِ هِجْرَتُهُ وَهُوَ مَغْرَسٌ شِيعَتُهُ وَشِيعَةُ وَلَدِهِ، وَفِيهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ يَكْثُرُ بَلَوَاهُمْ وَيَعْظُمُ مُصَابِهِمْ، وَإِنَّ سَبْطَكَ هَذَا - وَأَوْ مَا بَيْدَهُ إِلَى الْحُسَيْنِ (ع) - مَقْتُولٌ فِي عِصَابَةِ مَنْ ذُرِّيَّتِكَ وَأَهْلَ بَيْتِكَ وَأَخْيَارِ مَنْ أُمَّتِكَ بِضِقَّةِ الْفِرَاتِ بِأَرْضٍ يُقَالُ لَهَا: كَرْبَلَاءُ، مِنْ أَجْلِهَا يَكْثُرُ الْكَرْبُ وَالْبَلَاءُ عَلَى أَعْدَائِكَ وَ

أعداء ذريتك في اليوم الذي لا ينقضي كربُه، ولا تنفى خسرته، وهي أطيب بقاع الأرض، وأعظمها حرمةً، يُقتل فيها سبطك وأهلُه، وأنها من بطحاء الجنة، فإذا كان ذلك اليوم الذي يُقتل فيه سبطك وأهلُه، وأحاطت به كُتائبُ أهل الكفر واللَّعنة، تَزَعَرَتِ الأرضُ من أقطارها ومادتِ الجبالُ وكثُرَ اضطرابها واضطَّقتِ البحارُ بأمواجها، وماجتِ السماواتُ بأهلها غضباً لك يا محمد ولِذُرِّيَّتِكَ، واستظاماً لما يُشْتَهَكُ مِنْ حُرْمَتِكَ، ولشَرِّ ما تكافى به في ذُرِّيَّتِكَ وعِترِكَ، ولا يبقِ شيءٌ من ذلك إلا استأذن الله عزَّ وجلَّ في نُصرةِ أهلك المستضعفين المظلومين الذين هم حُجَّةُ الله على خلقه بعدك فيوحي الله إلى السماوات والأرض والجبال والبحار ومن فيهنَّ: أَنِّي أَنَا اللهُ؛ الْمَلِكُ الْقَادِرُ الَّذِي لَا يَفْوُتُهُ هَارِبٌ وَلَا يَعْجزُهُ مَمْتَنِعٌ وَأَنَا أَقْدِرُ فِيهِ عَلَى الْإِنْتِصَارِ وَالْإِنْتِقَامِ، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا تُعْذِبُنَّ مَنْ وَتَرَسُولِي وَصَفِيَّتِي؛ وَانْتَهَكَ حُرْمَتَهُ وَقَتَلَ عِثْرَتَهُ وَنَبَذَ عَهْدَهُ وَظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِهِ عَذَاباً لَا أُعْذِبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، فعند ذلك يَصْيحُ كُلُّ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ بِلَعْنِ مَنْ ظَلَمَ عِثْرَتَكَ وَاسْتَحْلَّ حُرْمَتَكَ، فَإِذَا بَرَزَتْ تِلْكَ الْعِصَابَةُ إِلَى مُضَاجِعِهَا تَوَلَّى اللهُ عِزَّوَجَلَّ قَبْضَ أَرْوَاحِهَا بِيَدِهِ وَهَبَطَ إِلَى الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ مِنَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مَعَهُمْ آيَةُ مِنَ الْيَاقُوتِ وَالزُّمُرُودِ مَمْلُوءَةٌ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ وَحُلُّلٌ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ وَطِيبٌ مِنْ طِيبِ الْجَنَّةِ، فَعَسَلُوا جَنَّتَهُمْ بِذَلِكَ الْمَاءِ وَأَبَسَوْهَا الْحُلُلَ وَحَنَطُوهَا بِذَلِكَ الطَّيِّبِ، وَصَلَّتِ الْمَلَائِكَةُ صَفًّا صَفًّا عَلَيْهِمْ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللهُ قَوْمًا مِنْ أُمَّتِكَ لَا يَعْرِفُهُمُ الْكُفَّارُ لَمْ يَشْرِكُوا فِي تِلْكَ الدِّمَاءِ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ وَلَا نِيَّةٍ، فَيَوَارُونَ

أَجْسَامَهُمْ وَ يَقِيمُونَ رَسْمًا لِقَبْرِ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ بِتِلْكَ الْبَطْحَاءِ يَكُونُ عَلَمًا
لَأَهْلِ الْحَقِّ، وَ سَبَبًا لِلْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْفَوْزِ وَ تَحَقُّهُ مَلَائِكَةٌ مِنْ كُلِّ سَمَاءٍ مِائَةٌ
أَلْفَ مَلَكٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ، وَ يَصَلُّونَ عَلَيْهِ وَ يَطُوفُونَ عَلَيْهِ وَ يَسْتَبْحُونَ
اللَّهَ عِنْدَهُ وَ يَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لِمَنْ زَارَهُ وَ يَكْتُبُونَ أَسْمَاءَ مَنْ يَأْتِيهِ زَائِرًا
مِنْ أُمَّتِكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِلَيْكَ بِذَلِكَ، وَ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ وَ
عَشَائِرِهِمْ وَ بُلْدَانِهِمْ، وَ يُوسِّمُونَ فِي وَجُوهِهِمْ بِمِيسَمِ نَوْرِ عَرْشِ اللَّهِ:
«هَذَا زَائِرُ قَبْرِ خَيْرِ الشُّهَدَاءِ وَ ابْنِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ»، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ
سَطَعَ فِي وَجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ ذَلِكَ الْمِيسَمِ نَوْرٌ تَغْشَى مِنْهُ الْأَبْصَارُ يَدُلُّ عَلَيْهِمْ
وَ يَعْرِفُونَ بِهِ، وَ كَأَنِّي بِكَ يَا مُحَمَّدُ بَيْنِي وَ بَيْنَ مِيكَائِيلَ، وَ عَلَيَّ أَمَامَنَا
وَ مَعَنَا مِنْ مَلَائِكَةِ اللَّهِ مَا لَا يُحْصَى عَدَدُهُمْ، وَ نَحْنُ نَلْتَقِطُ مِنْ ذَلِكَ
الْمِيسَمِ فِي وَجْهِهِ مِنْ بَيْنِ الْخَلَائِقِ حَتَّى يَنْجِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ هَوْلِ ذَلِكَ الْيَوْمِ
وَ شِدَائِهِ، وَ ذَلِكَ حَكَمَ اللَّهُ وَ عَطَاؤُهُ لِمَنْ زَارَ قَبْرَكَ يَا مُحَمَّدُ أَوْ قَبْرَ
أَخِيكَ أَوْ قَبْرَ سِبْطِيكَ لَا يَرِيدُ بِهِ غَيْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ سَيَجْتَهِدُ أَنْسَاسُ
مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَةُ مِنَ اللَّهِ وَ السَّخَطُ أَنْ يَعْفُوا رَسْمَ ذَلِكَ الْقَبْرِ
وَ يَمْحُوا أَثَرَهُ فَلَا يَجْعَلُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ سَبِيلًا. ثُمَّ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَهَذَا أَبْكَانِي وَ أَخَزَّنِي،

﴿ دُنْبَالَهُ حَدِيثِ شَرِيفِ امِّ آيَمِنْ ﴾

ترجمه:

سپس جبرئیل به من گفت:

ای محمد برادرت پس از تو منکوب و مغلوب امتت قرار گرفته و از
دشمنانت در تعب و رنج واقع می شود، و بعد از تو او رابدترین مخلوقات

و شقی ترین مردم می کشد، قاتل آن حضرت نظیر پی کننده ناقه صالح است، وی به منظور انجام این کار به شهری هجرت می کند که آن شهر محل نشو و نمای تبعه و پیروان آن حضرت و فرزندش می باشد، در آن شهر ابتلائات ایشان (اهل بیت علیهم السلام) بسیار مصیبت به ایشان عظیم می باشد، و این سبط شما (جبرئیل با دست اشاره به حضرت حسین علیه السلام نمود) با جماعتی از فرزندان و اهل بیت شما و نیکانی از امت در کنار فرات واقع در سرزمینی که به آن «کربلاء» می گویند کشته می شود.

کربلاء را از این جهت کربلاء گویند که حزن و بلاهانی که از دشمنان شما و دشمنان فرزندان شما در روزی که حزن و اندوهش تمام شدنی نبوده و حسرت آن زوال پذیر نیست به عمل می آید بسیار زیاد می باشد.

این زمین پاکیزه ترین اماکن واقع روی زمین بوده و احترامش از تمام بقاع بیشتر است، در آن سبط تو و اهل بیتش کشته می شوند.

کربلاء از زمین های بهشت است، هرگاه روزی که در آن سبط تو و اهل بیتش کشته می شوند فرا برسد و لشکر اهل کفر و لعنت او را احاطه نمایند به جهت غضب به خاطر تو و فرزندان ای محمد و به منظور بزرگ شمردن هتک حرمت و تقبیح نمودن کرداری که نسبت به ذریه و عترت انجام شده زمین بلرزد و کوهها کشیده و اضطراب و جنبششان زیاد شود و امواج دریاها متلاطم گردد و آسمانها اهلشان را به هم بریزند، و از زمین و کوهها و دریاها و آسمانها چیزی باقی نمی ماند مگر آنکه از حق تعالی اذن می خواهند که اهل تو را که مستضعفین و مظلومین بوده و حجت های خدا بعد از تو بر خلائق هستند را نصرت و یاری کنند پس خداوند به آنها و موجودات در آنها وحی کرده و می گوید:

منم خداوند متعال، سلطانی که قادر است و کسی نتواند از او بگریزد در توان هیچ خصم و دشمنی نیست که او را عاجز و ناتوان کند، من بر یاری کردن

دوستانم قادر و بر انتقام گرفتن از دشمنان متمکن هستم، به عزت و جلال خود قسم آنان را که رسولم را تنها گذارده و برگزیده‌ام را رها کرده و حرمتش را هتک نموده و فرزندانش را کشته و عهدش را نقض و زیر پای نهاده و به اهل بیتش ستم کرده‌اند عذابی کنم که احدی از عالمیان را چنین عذابی نکرده باشم. در این هنگام تمام موجودات سماوی و ارضی به ضجه در آمده و آنانکه به عنرت ستم کرده و هتک حرمت را روا داشته‌اند را لعن و نفرین می‌کنند. و هنگامی که آن جماعت (فرزندان و اهل بیت و نیکان از امت) به طرف گورها و قبرهایشان نمایان می‌شوند حق تعالی خودش متولی قبض ارواح آنها به ید قدرتش شده و فرشتگان را از آسمان هفتم به زمین فرو فرستاده در حالی که با ایشان:

۱ - ظروفی از یاقوت و زمرد بوده که مملو از آب حیات می‌باشند.

۲ - حله‌هایی از حله‌های بهشتی.

۳ - عطری از عطرهای بهشتی.

می‌باشد، پس فرشتگان بدن‌های ایشان را با آن آبها شستشو داده و حله‌ها را به تن آنها کرده و با آن عطرها حنوطشان نموده و دسته‌دسته بر ایشان نماز می‌خواند و پس از اتمام نماز حق تعالی گروهی از امت را که کفار ایشان را نمی‌شناسند و در خون شهداء نه با گفتار و نه با کردار و نه با قصد شرکت کرده‌اند را گسیل داشته تا اجسام و ابدان آنها را دفن کنند و برای قبر سیدالشهداء در آن سرزمین اثری نصب کرده تا برای اهل حق نشانه‌ای بوده و برای اهل ایمان سببی برای رستگاری باشد و در هر روز و شب از هر آسمانی صد هزار فرشته گرداگرد آن طواف کرده و بر آن حضرت صلوات فرستاده و نزد قبرش تسبیح خدا گفته و برای زائرین آن جناب طلب آمرزش کرده و اسامی زائرین از امت را که قربه‌الی الله آن حضرت را زیارت می‌کنند و نیز اسماء پدران و خویشاوندان و شهرهای ایشان را می‌نویسند و در صورتهای ایشان بامدادی که از نور عرش

الهی است این عبارت را نقش می‌بندند:

این شخص زائر قبر بهترین شهداء و زائر قبر فرزندان بهترین انبیاء می‌باشد.
در روز قیامت از اثر این مداد نوری ساطع شده که از پرتویش چشم‌ها تار
می‌گردد و با این نور ایشان شناخته می‌شوند، و گویا تو ای محمد بین من
و میکائیل قرار گرفته و علی جلو ما بوده و همراهمان فرشتگانی حرکت می‌کند
که از کثرت عدد ایشان معلوم نیست و بوسیله همین نوری که در صورت‌های
ایشان هست، آنها را از بین خلایق دریافته و جدا می‌کنیم و بدین ترتیب حق
تعالی ایشان را از هول و وحشت آن روز و سختی‌های آن نجات می‌دهد و این
حکم خدا است در حق کسانی که قبر تو را ای محمد یا قبر برادرت یا قبر دو
سبط تو را زیارت کرده و قصدی غیر از خدای عزوجل را نداشته باشند و البته
گروهی از مردم که مستحق لعنت و سخط و غضب الهی هستند خواهند آمد که
در محو کردن رسم و نشانه این قبر سعی کرده و می‌کوشند آن را از بین ببرند ولی
خداوند قادر به ایشان چنین توانی را نخواهد داد.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

این خبر من را گریاند و اندوهگین نمود.

متن:

قالت زينب: فلما ضرب ابن ملجم - لعنه الله - أبي عليه السلام و
 رأيت عليه أثر الموت منه قلت له: يا أبة حدثني أم أيمن بكذا وكذا، و
 قد أحببت أن أسمعه منك، فقال: يا بنية الحديث كما حدثتك أم أيمن،
 وكأني بك وبنات أهليك سبايا بهذا البلد أذلاء خاشعين تخافون أن
 يتخطفكم الناس؛ فصبراً صبراً، فوالذي فلق الحبة وبرء النسمة ما لي لله
 على ظهر الأرض يومئذ ولي غيركم وغير محبتكم وشيعتكم، ولقد قال
 لنا رسول الله ﷺ حين أخبرنا بهذا الخبر: أن إبليس - لعنه الله - في
 ذلك اليوم يطير فرحاً فيجول الأرض كلها بشياطينه و عفاريتها فيقول:
 يا معاشر الشياطين قد أدركنا من ذرية آدم الطلبة وبلغنا في هلاكهم
 الغاية وورثناهم النار إلا من اعتصم بهذه العصاة، فاجعلوا شغلكم
 بتشكيك الناس فيهم و حملهم على عداوتهم، وإغرائهم بهم و
 أوليائهم حتى تستحكم [وا] ضلالة الخلق وكفرهم، ولا ينجو منهم ناج،
 ولقد صدق عليهم إبليس وهو كذوب، أنه لا ينفع مع عداوتكم عمل
 صالح ولا يضر مع محبتكم وموالاتكم ذنب غير الكبائر؛

قال زائدة: ثم قال علي بن الحسين عليه السلام بعد أن حدثني بهذا الحديث:
 خذه إليك، أما لو ضربت في طلبه إباط الإبل حولا لكان قليلاً

﴿ دنباله حدیث به نقل علیا مخدّره حضرت ﴾

﴿ زینب کبری بنت امیرالمؤمنین علیه السلام ﴾

ترجمه:

حضرت زینب سلام الله علیها فرمود:

زمانی که ابن ملجم لعنه الله علیه پدرم را ضربت زد و من اثر مرگ را در آن حضرت مشاهده کردم محضرش عرضه داشتم:
ای پدر امّ ایمن برایم حدیثی چنین و چنان نقل نمود، دوست دارم حدیث را از شما بشنوم.

پدرم فرمودند:

دخترم، حدیث همان طوری است که امّ ایمن نقل کرده، گویا می بینم که تو و دختران اهل تو در این شهر به صورت اسیران در آمده، خوار و منکوب می گردید، هر لحظه هراس دارید که شما را مردم بربایند، بر شما باد به صبر و شکیبائی، سوگند به کسی که حبه را شکافته و انسان را آفریده روی زمین کسی غیر از شما و غیر از دوستان و پیروانتان نیست که ولی خدا باشد و هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله این خبر را برای ما نقل می نمودند و فرمودند.

ابلیس لعنه الله علیه در آن روز از خوشحالی به پرواز درمی آید پس در تمام نقاط دستیاران و عفریت هایش را فرا خوانده و به آنها می گوید:

ای جماعت شیاطین! طلب و تقاص خود را از فرزند آدم گرفته و در هلاکت ایشان به نهایت آرزوی خود رسیده و آتش دوزخ را نصیب ایشان نمودیم مگر کسانی که به این جماعت مقصود اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله پیوندند از این رو سعی کنید نسبت به ایشان در مردم تشکیک ایجاد کرده و آنها را بر دشمنی ایشان و دارید تا بدین وسیله گمراهی مردم و کفرشان مسلّم و محقق شده و نجات دهنده ای بر ایشان بهم نرسد، ابلیس با اینکه بسیار دروغ گو و کاذب است این

کلام را به ایشان راست گفتم، وی به آنها اطلاع داد.

اگر کسی با این جماعت (اهل بیت علیهم السلام) عداوت داشته باشد هیچ عمل صالحی برایش نافع نیست چنانچه اگر با ایشان محبت داشته باشد هیچ گناهی غیر از معاصی کبیره ضرری به او نمی رساند.

زائده می گوید: سپس حضرت علی بن الحسین علیه السلام پس از نقل این حدیث برایم فرمودند:

این حدیث را بگیر و ضبط کن، اگر در طلب آن یک سال شتر می دواندی و در کوه و کمر به دنبال آن تفحص می کردی محققاً کم و اندک بود.

متن:

[رَجَعْنَا إِلَى الْأَصْلِ]

۱- أخبرنا أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القميّ الفقيه - رحمه الله - قال: حدثني أبي؛ و علي بن الحسين؛ و جماعة مشايخي - رحمهم الله - عن سعد ابن عبد الله بن أبي خلف، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن سنان، عن أبي سعيد القمّاط قال: حدثني عبد الله بن أبي يعفور «قال: سمعتُ أبا عبد الله عليه السلام يقول لرجل من موالیه: يا فلان أتزور قبر أبي عبد الله الحسين بن علي عليه السلام؟ قال: نعم إني أزوره بين ثلاث سنين أو سنتين مرّة، قال له - وهو مصفرّ الوجه -: أما والله الذي لا إله إلا هو لو زرتَه لكان أفضل لك مما أنت فيه! فقال له: جعلتُ فداك أكلُ هذا الفضل؟ فقال: نعم والله، لو إني حدّثتكم بفضل زیارته و بفضل قبره لتركتم الحجّ رأساً و ما حجّ منكم أحدٌ، و يحكّ أما تعلم أنّ الله اتّخذ [بفضل قبره] كربلاء حرماً آمناً مباركاً قبل أن يتّخذ مکه حرماً؟ قال ابن

أبي - يعفور: فقلت له: قد فرض الله على الناس حج البيت ولم يذكر زيارة قبر الحسين عليه السلام فقال وإن كان كذلك فإن هذا شيء جعله الله هكذا، أما سمعت قول أبي أمير المؤمنين عليه السلام حيث يقول: إنَّ باطن القدم أحقُّ بالمسح من ظاهر القدم ولكنَّ الله فرض هذا على العباد؟! أو ما علمت أنَّ الموقف لو كان في الحرم كان أفضل لأجل الحرم ولكنَّ الله صنع ذلك في غير الحرم؟!».

ترجمه:

مترجم گوید:

روایتی که قبلاً نقل شد از اصل این کتاب نبوده و آنرا برخی از شاگردان مصنف در آن گنجانده‌اند لذا پس از نقل این حدیث به اصل کتاب رجوع می‌کنیم

﴿ رجوع به اصل کتاب ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه القمی رحمه الله علیه به ما خبر داد و گفت:

پدرم، و علی بن الحسین و جماعتی از اساتیدم رحمه الله علیهم از سعد بن عبدالله بن ابی خلف، از احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن سنان، از ابی سعید قماط، وی می‌گوید:

عبدالله ابی یعفور گفت: از حضرت اباعبدالله علیه السلام شنیدم که به شخصی از دوستانش فرمودند.

فلانی به زیارت قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام می‌روی؟

آن شخص گفت: بلی من هر سه سال یا دو سال یک مرتبه به زیارتش می‌روم. حضرت در حالی که صورتشان زرد شده بود فرمودند: به خدائی که معبودی غیر از او نیست، اگر او را زیارت کنی برتر است برای تو از آنچه در آن هستی!

آن شخص عرض کرد: فدایت شوم آیا تمام این فضل برای من هست؟ حضرت فرمودند:

بلی به خدا سوگند، اگر من فضیلت زیارت آن حضرت و فضیلت قبرش را برای شما بازگو کنم به طوری کلی حج را ترک کرده و احدی از شما دیگر به حج نمی‌رود، وای بر تو آیا نمی‌دانی خداوند متعال بواسطه فضیلت قبر آن حضرت کربلا را حرم امن و مبارک قرار داد پیش از آنکه مکه را حرم امن نماید؟

ابن ابی الیغور می‌گوید: محضرش عرض داشت: خداوند متعال حج و زیارت بیت الله را بر مردم واجب کرده ولی زیارت قبر امام حسین علیه السلام را بر مردم واجب نکرده است پس چگونه شما چنین می‌فرمائید؟

حضرت فرمودند:

اگرچه همین طور است ولی در عین حال خداوند متعال فضیلت زیارت آن حضرت را این گونه قرار داده است.

مگر نشنیده‌ای کلام امیرالمؤمنین علیه السلام را که فرمودند:

کف پا سزاوارتر است به مسح نمودن از ظاهر و روی پا ولی در عین حال حق

تعالی مسح روی پا را بر بندگان واجب کرده است؟!

و نیز مگر نمی‌دانی اگر حق تعالی موقف (محل محرم شدن) به خاطر شرافتی

که در حرم هست افضل و برتر بود ولی خداوند متعال آن را در غیر حرم قرار داده است.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ الرَّزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَاطِ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ بَيْتَاعِ السَّابِرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: إِنَّ أَرْضَ كَعْبَةَ قَالَتْ: مَنْ مِثْلِي؛ وَقَدْ بَنَى اللَّهُ بَيْتَهُ عَلَى ظَهْرِي وَيَأْتِينِي النَّاسُ مِنْ كُلِّ فِجٍّ عَمِيقٍ، وَجُعِلَتْ حَرَمُ اللَّهِ وَأَمْنُهُ؟! فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا أَنْ كُنِّيَ وَقَرِّي؛ فَوَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا فَضَّلَ مَا فَضَّلْتَ بِهِ فِيمَا أُعْطِيتَ بِهِ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْإِبْرَةِ غَمَسَتْ فِي الْبَحْرِ فَحَمَلَتْ مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ، وَ لَوْ لَا تُرْبَةُ كَرْبَلَاءَ مَا فَضَّلْتَكَ؛ وَ لَوْ لَا مَا تَضَمَّنَتْهُ أَرْضُ كَرْبَلَاءَ لَمَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْبَيْتَ الَّذِي افْتَخَرْتَ بِهِ؛ فَقَرِّي وَ اسْتَقَرِّي وَ كُونِي دَنِيًّا مُتَوَاضِعًا ذَلِيلًا مَهِينًا غَيْرَ مُسْتَكْبِفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ لِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ وَ إِلَّا سُخِّتُ بِكَ وَ هَوِّنْتُ بِكَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزاز، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، از ابی سعید قماط، از عمر بن یزید بیتاع سابری از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

زمین کعبه در مقام مفاخرت گفت: کدام زمین مثل من است، و حال آنکه خداوند خانه‌اش را بر پشت من بنا کرده و مردم از هر راه دوری متوجه من می‌شوند، و حرم خدا و مأمن قرار داده شده‌ام؟! خداوند متعال به سویش وحی کرد و فرمود:

بس کن و آرام بگیر، به عزت و جلال خودم قسم آنچه را که تو برای خود فضیلت می‌دانی در قیاس با فضیلتی که به زمین کربلاء اعطاء نموده‌ام همچون

قطره‌ای است نسبت به آب دریا که سوزنی را در آن فرو برند و آن قطره را با خود بر دارد، و اساساً اگر خاک کربلاء نبود این فضیلت برای تو نبود و نیز اگر نبود آنچه که این خاک آن را در بر دارد تو را نمی‌آفریدم و بیتی را که تو به آن افتخار می‌کنی خلق نمی‌کردم بنابراین آرام بگیر و ساکت باش و متواضع و خوار و نرم باش و نسبت به زمین کربلا استنکاف و استکبار و طغیانی از خود نشان مده و الا تو را فرو برده و در آتش جهنم قرار می‌دهم.

متن:

و حدثني أبي و علي بن الحسين عن علي بن ابراهيم بن هاشم عن ابيه
عن محمد بن علي قال:

حدثنا عباد ابو سعيد العصفري، عن عمر بن يزيد بن عبيد السابري عن
جعفر ابن محمد عليه السلام و ذكر مثله.

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از محمد بن علی نقل کرده‌اند که وی گفت: عباد ابو سعید عصفری، از عمر بن یزید که فروشنده جامه‌های سابری بود از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام نقل کرده و حدیثی مثل حدیث مذکور را روایت نموده است.

متن:

۳- حدثني أبو العباس الكوفي، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب،
عن أبي سعيد العصفري، عن عمر بن ثابت، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام
«قال: خلق الله تبارك و تعالى أرض كربلاء قبل أن يخلق الكعبة بأربعة

و عشرين ألف عام، وقدَّسها و بارَك عليها، فما زالت قبل خلق الله
الخلق مقدَّسة مباركة، ولا تزال كذلك حتى يجعلها الله أفضل أرض في
الجنة و أفضل منزل و مسكن يسكن الله فيه أوليائه في الجنة».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمہ:

ابوالعباس کوفی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از ابی سعید عصفری،
از عمرو بن ثابت، از پدرش، از حضرت ابو جعفر علیه السلام، حضرت فرمودند:
خداوند تبارک و تعالی بیست و چهار هزار سال پیش از خلقت کعبه زمین
کربلاء را آفرید و آنرا مقدس و مبارک قرار داد و پیوسته قبل از خلقت مخلوقات
مقدس و مبارک بود تا آن را برترین زمین در بهشت نمود و برترین منزل
و مسکنی قرارش داد که اولیاء و دوستانش در بهشت در آن سکنا می‌گزینند.

مرکز تحقیقات کربلا و مدینه

متن:

٤ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ الرَّزَّازُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ
أَبِي - الْخَطَّابِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ - عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ - عَنْ أَبِي الْجَارُودِ «قَالَ:
قَالَ عَلِيُّ بْنُ - الْحُسَيْنِ عليه السلام: اتَّخَذَ اللَّهُ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ حَرَمًا آمِنًا مَبَارَكًا قَبْلَ
أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ أَرْضَ الْكَعْبَةِ وَيَتَّخِذَهَا حَرَمًا بِأَرْبَعَةِ وَعَشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ، وَ
أَنَّهُ إِذَا زَلَزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْأَرْضَ وَسَيَّرَهَا رَفَعَتْ كَمَا هِيَ بِتَرْبَتِهَا
نُورَانِيَّةً صَافِيَةً، فَجَعَلَتْ فِي أَفْضَلِ رَوْضَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَ أَفْضَلِ
مَسْكَنِ فِي الْجَنَّةِ، لَا يَسْكُنُهَا إِلَّا التَّيُّبُونَ وَ الْمُرْسَلُونَ - أَوْ قَالَ أُولُوا الْعِزْمِ
مِنْ الرُّسُلِ - وَ أَنَّهَا لَتَزْهَرُ بَيْنَ رِيَاضِ الْجَنَّةِ كَمَا يَزْهَرُ الْكَوْكَبُ الدُّرِّيُّ
بَيْنَ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ يَغْشَى نُورُهَا أَبْصَارَ أَهْلِ الْجَنَّةِ جَمِيعًا، وَ هِيَ

تنادی: أنا أرض الله المقدسة الطيبة المباركة التي تضمنت سيد الشهداء و سيد شباب أهل الجنة».

حدَّثني أبي - رحمه الله - و علي بن الحسين؛ و جماعة مشايخي، عن علي ابن - إبراهيم، عن أبيه، عن محمد بن علي، عن عباد أبي سعيد القُصُفُريّ - عن رجل - عن أبي الجارود قال: قال علي بن الحسين عليه السلام - و ذكر مثله -.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر قرشی رزّاز، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب، از ابو سعید، از برخی رجالش، از ابی الجارود می گوید: حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال بیست و چهار هزار سال قبل از اینکه زمین کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد زمین کربلاء را آفرید و آن را حرم امن و مبارک گرداند، و هر گاه حق تعالی بخواهد کره زمین را لرزانده و حرکتش دهد (شاید کنایه از قیامت باشد) زمین کربلاء را همراه تربتش در حالی که نورانی و شفاف هست بالا برده و آن را در برترین باغ های بهشت قرار داده و بهترین مسکن در آنجا می گردانش و ساکن نمی شود در آن مگر انبیاء و مرسلین (یا بجای این فقره فرمودند: و ساکن نمی شود در آن مگر رسولان اولوالعزم) این زمین بین باغ های بهشت می درخشد همان طوری که ستاره درخشنده بین ستارگان نورفشانی می نماید، نور این زمین چشم های اهل بهشت را تار می کند و با صدائی بلند می گوید:

من زمین مقدس و طیب و پاکیزه و مبارکی هستم که سیدالشهداء و سرور جوانان اهل بهشت را در خود دارم.

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از علی

بن ابراهیم، از پدرش، از محمد بن علی از عباد ابی سعید عصفری، از شخصی از ابی الجارود نقل کرده که وی گفت: علی بن الحسین علیه السلام فرمودند: و حدیثی مثل حدیث مذکور را ذکر نمودند.

متن:

۵- و روي «قال أبو جعفر علیه السلام: الغاضرية هي البقعة التي كلم الله فيها موسى بن عمران علیه السلام، و ناجى نوحاً فيها، وهي أكرم أرض الله عليه، و لولا ذلك ما استودع الله فيها أولياءه و أنبياءه، فزوروا قبورنا بالغازية».

۶- و قال أبو عبد الله علیه السلام: «الغازية تربة من بيت المقدس».

۷- و عنها بهذا الإسناد عن أبي سعيد القضري، عن حماد بن أيوب، عن أبي عبد الله، عن آبائه، عن أمير المؤمنين علیه السلام «قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: يقبر ابني بأرض يقال لها: كربلاء، هي البقعة التي كانت فيها قبة الإسلام، التي نجا الله عليها المؤمنين الذين آمنوا مع نوح في الطوفان».

۸- و بإسناده عن ابن ميثم التمار، عن الباقر علیه السلام «قال: من بات ليلة عرفة في كربلاء و أقام بها حتى يعيد و ينصرف و قاه الله شر سنته».

۹- و بهذا الإسناد عن علي بن حرب، عن الفضل بن يحيى، عن أبيه، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: زوروا كربلاء و لا تقطعوه، فإن خير أولاد الأنبياء ضمته، ألا و إن الملائكة زارت كربلاء ألف عام من قبل أن يسكنه جدِّي الحسين علیه السلام، و ما من ليلة تمضي إلا و جبرئيل و ميكايل يزورانها، فاجتهد يا يحيى أن لا تفقد من ذلك الموطن».

ترجمه:

﴿ حدیث پنجم ﴾

در روایتی آمده است که حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:
 غاصریه مکانی است که خداوند متعال در آنجا با موسی بن عمران علیه السلام تکلم نمود و با حضرت نوح مناجات کرد، این زمین کریم ترین و شریف ترین بقاع روی زمین بوده و اگر این معنا نبود هرگز خداوند متعال اولیاء و انبیانش را در آن به ودیعه نمی گذارد، پس بر شما است که قبور ما را در غاصریه زیارت کنید.

﴿ حدیث ششم ﴾

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

غاصریه تربتی است از بیت المقدس



﴿ حدیث هفتم ﴾

از پدرم و علی بن الحسین بن بابویه با همان اسناد (اسناد حدیث قبل از شماره (۵)، از ابی سعید عصفری از حماد بن ایوب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، از پدران گرامش، از امیرالمؤمنین علیه السلام):

حضرت فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

فرزندم در زمینی دفن می شود که به آن «کربلاء» می گویند:

کربلاء بقعه و مکانی است که در آن قبة الاسلام (مراد بصره است) بوده و این همان مکانی است که حق تعالی در طوفان نوح مؤمنینی را که به آن حضرت ایمان داشتند همراه، آن جناب نجات داد و از آن مهلکه رهایی داد.

﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم به اسنادش از ابن میثم تمّار، از حضرت باقر علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمود:

کسی که شب عرفه در کربلاء بیتوته کرده و آن شب را به عبادت بپا دارد تا وقتی که مراجعت کند خداوند منّان او را از شرّ آن سال حفظ می نماید.

حدیث نهم

پدرم با همین سند از علی بن حرب از فضل بن یحیی از پدرش از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

کربلاء را زیارت کنید و آن را ترک نکنید زیرا این سرزمین بهترین فرزندان آدم علیه السلام را در خود گرفته، بدانید و آگاه باشید هزار سال قبل از اینکه جدّم حسین علیه السلام در آن ساکن گردد فرشتگان این سرزمین را زیارت کرده اند و شبی منقضی نمی شود مگر آنکه جبرئیل و میکائیل این مکان را زیارت می کنند، بنابراین این ای یحیی (مقصود «یحیی» پدر «فضل» می باشد)

سعی کن این مکان از تو فوت نشود و از دستت نرود.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ - مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام «قَالَ: مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام بِكَرْبَلَاءَ فِي أَنْاسٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَلَمَّا مَرَّ بِهَا اغْرَوْزَقَتْ عَيْنَاهُ بِالْبُكَاءِ، ثُمَّ قَالَ: هَذَا مَنَاخُ رِكَابِهِمْ وَ هَذَا مُلْقَى رِحَالِهِمْ، وَ هُنَا تُهْرَقُ دِمَاؤُهُمْ، طَوْبِي لَكَ مِنْ تَرَبَةِ عَلِيكَ تُهْرَقُ دِمَاءُ الْأَحِبَّةِ».

ترجمه:

﴿ حدیث دهم ﴾

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمة الله علیهم، از سعید بن عبدالله، از احمد ابن محمد بن عیسی، از جعفر بن محمد بن عبدالله، از عبدالله میمون قداح، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام آن حضرت فرمودند:

وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام در بین گروهی از اصحابشان به کربلاء عبور نمودند چشمهای مبارکشان غرق در اشک شد و سخت گریستند سپس فرمودند: اینجا محل خواباندن مرکب‌هایشان بوده، و اینجا محل گذاردن اثاثشان می‌باشد و اینجا خون‌هایشان می‌ریزد، سپس به زمین خطاب کرده و فرمودند: خوشا به حالت ای زمین که بر روی تو خون‌های دوستان خدا می‌ریزد.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَثِيلٍ، عَنْ سَهْلِ ابْنِ - زِيَادٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ - عَنْ حَدِّثِهِ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عليه السلام يَسِيرُ بِالنَّاسِ حَتَّى إِذَا كَانَ مِنْ كَرْبَلَاءَ عَلَى مَسِيرَةِ مِيلٍ أَوْ مِيلَيْنِ تَقَدَّمَ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ حَتَّى صَارَ بِمَصَارِعِ الشُّهَدَاءِ، ثُمَّ قَالَ: قَبِضْ فِيهَا مَائَتًا نَبِيًّا وَمَائَتًا وَصِيًّا وَمَائَتًا سَبِطًا، كُلُّهُمْ شُهَدَاءُ بِاتِّبَاعِهِمْ. فَطَافَ بِهَا عَلَى بَغْلَتِهِ خَارِجًا رِجْلَهُ مِنَ الرِّكَابِ فَأَنشَأَ يَقُولُ: مَنَاخَ رِكَابٍ وَ مَصَارِعَ الشُّهَدَاءِ، لَا يَسْبِقُهُمْ مِنْ كَانَ قَبْلَهُمْ وَلَا يَلْحَقُهُمْ مِنْ أَتَى بَعْدَهُمْ».

ترجمه:

﴿ حدیث یازدهم ﴾

پدرم و محمد بن الحسن، از حسن بن مثیل، از سهیل بن زیاد، از علی بن اسباط، از محمد بن سنان از کسی که برایش نقل نموده، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام،

آن حضرت فرمودند:

امیرالمؤمنین علی علیه السلام با جماعتی از مردم از شهر خارج شده تا به یک یا دو میلی کربلاء و به محل افتادن شهداء رسیدند سپس فرمودند:

در این مکان دو یست پیغمبر و دو یست وصی پیغمبر و دو یست سبط پیغمبر قبض روح شده که تمام آنها شهید هستند، پس از این کلام پای مبارک از رکاب بیرون آورده و در حالی که روی قاطر بودند آن مکان را طواف کرده و در حین طواف می فرمودند:

محل خواباندن مرکبها، و محل افتادن شهداء، شهداء قبل از ایشان بر آنها سبقت نگرفته اند و کسانی هم که بعد از آنها خواهند آمد به ایشان ملحق نخواهند شد.



مترجم گوید:

این عبارت کنایه است از اینکه از بدو خلقت تا انقراض عالم هیچ یک از شهداء مقام و منزلت شهداء کربلاء را ندارند.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبِي وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الطَّائِرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَابَتٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى كَرْبَلَاءَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْكَعْبَةَ بِأَرْبَعَةِ وَعَشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ، وَقَدَّسَهَا وَبَارَكَ عَلَيْهَا، فَازَالَتْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ الْخَلْقَ مُقَدَّسَةً مَبَارَكَةً، وَلَا تَزَالُ كَذَلِكَ، وَيَجْعَلُهَا أَفْضَلَ أَرْضٍ فِي الْجَنَّةِ».

۱۳ - وَرَوَى هَذَا الْحَدِيثَ جَمَاعَةٌ مَشَايِخُنَا - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - : أَبِي؛ وَ

أخي؛ و غيرهم، عن أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن علي، عن أبي سعيد الغضفري، عن عمرو بن ثابت أبي المقدام، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام مثله، و زاد فيه: «و أفضل منزل و مسكن يسكن الله فيه أولياءه في الجنة».

حدّثني أبي؛ و أخي؛ و علي بن الحسين، عن علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن محمد بن علي قال، حدّثنا عباد أبو سعيد الغضفري، عن عمرو بن - ثابت أبي المقدام، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام - و ذكر مثله مع الزيادة -.

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمة الله عليهم، از محمد بن یحیی العطّار، از محمد بن الحسین، از محمد بن سنان، از عمرو بن ثابت از پدرش از حضرت ابی جعفر عليه السلام، آن حضرت فرمودند:

خداوند متعال کربلاء را بیست و چهار هزار سال قبل از کعبه آفرید و آن را مقدس و مبارک قرار داد و پیوسته قبل از خلقت مخلوقات مقدس و مبارک بود و بعد از آفرینش آنها نیز چنین می باشد.

حق تبارک و تعالی آن را با فضیلت ترین زمین های در بهشت قرار داده است.

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

این حدیث را گروهی از اساتید ما رحمة الله عليهم نقل کرده اند، ایشان پدرم و برادرم و غیر آنها بوده که از احمد بن ادريس و او از محمد بن احمد و او از محمد بن الحسین و او از محمد بن علی و او از ابوسعید عصفري و او از عمرو بن ثابت ابی المقدام و او از پدرش و او از حضرت ابی جعفر عليه السلام مثل آن را نقل

کرده متهی فقره ذیل را به آن افزوده است:

و برترین منزل و مسکنی است که خداوند متعال دوستانش را در بهشت در آن اسکان می دهد.

پدرم و برادرم و علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش محمد بن علی، وی می گوید: عباد ابوسعید عصفری برایم از عمرو بن ثابت ابی المقداد و او از پدرش و او از حضرت ابو جعفر علیه السلام نقل کرده و مثل حدیث گذشته (حدیث دوازدهم) را با زیادی (یعنی همان فقره زائد که بعداً نقل کردیم) ذکر نموده است.

متن:

۱۴ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنَا عِبَادُ ابْنِ سَعِيدٍ الْعُصْفَرِيُّ، عَنْ صَفْوَانَ الْجَهْمَالِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ الْأَرْضِينَ وَالْمِيَاهَ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ، فَمِنْهَا مَا تَفَاخَرَتْ وَمِنْهَا مَا بَغَتْ، فَمِنْ مَاءٍ وَلَا أَرْضٍ إِلَّا عَوِيقَتْ لِرُكْحَتِهَا التَّوَاضُعَ لِلَّهِ حَتَّى سَلَطَ اللَّهُ الْمَشْرِكِينَ عَلَى الْكَعْبَةِ، وَارْسَلَ إِلَى زَمْزَمَ مَاءً مَالِحاً حَتَّى أَفْسَدَ طَعْمَهُ، وَإِنَّ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ وَمَاءَ الْفُرَاتِ أَوَّلُ أَرْضٍ وَأَوَّلُ مَاءٍ قَدَّسَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، فَبَارَكَ اللَّهُ عَلَيْهَا فَقَالَ لَهَا: تَكَلَّمِي بِمَا فَضَّلَكَ اللَّهُ تَعَالَى فَقَدْ تَفَاخَرَتِ الْأَرْضُونَ وَالْمِيَاهُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ؟! قَالَتْ: أَنَا أَرْضُ اللَّهِ الْمُقَدَّسَةِ الْمُبَارَكَةِ؛ الشِّفَاءُ فِي تُرْبَتِي وَمَائِي، وَلَا فَخْرَ، بَلْ خَاضِعَةٌ ذَلِيلَةٌ لِمَنْ فَعَلَ بِي ذَلِكَ، وَلَا فَخْرَ عَلَى مَنْ دُونِي، بَلْ شُكْرُ اللَّهِ. فَأَكْرَمَهَا وَزَادَ فِي تَوَاضُعِهَا وَشُكْرِهَا اللَّهُ بِالْحُسَيْنِ عليه السلام وَأَصْحَابِهِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى.»

ترجمه: ﴿ حدیث چهاردهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش از محمد بن علی، وی می گوید: عباد ابوسعید عصفری از صفوان جمال برای ما نقل کرد که او گفت:

شنیدم حضرت اباعبدالله علیه السلام می فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی برخی از زمین، و آب ها را بر بعضی دیگر تفضیل و برتری داد، پاره ای تفاخر و تکبر نموده و تعدادی از آنها ستم و تعدی نمودند از اینرو آب و زمین نماند مگر آنکه مورد عقاب الهی قرار گرفت زیرا تواضع و فروتنی در مقابل خدا را ترک کردند حتی خداوند متعال مشرکین را بر کعبه مسلط کرد و به زمزم آبی شور وارد نمود تا طعمش فاسد گردید.

ولی زمین کربلاء و آب فرات اولین زمین و اولین آبی هستند که خداوند متعال مقدس و پاکیزه شان نمود و برکت به آنها داد و سپس به آن زمین فرمود: سخن گو به آنچه خدا تو را به آن فضیلت داده مگر نبوده که زمین ها و آب ها بعضی بر برخی دیگر تفاخر و تکبر نمودند؟!

زمین کربلاء عرضه داشت: من زمین خدا بوده که من را مقدس و مبارک آفرید، شفاء را در تربت و آب من قرار داد، هیچ فخری نکرده بلکه در مقابل آن کس که این فضیلت را به من داده فروتن و ذلیل می باشم، چنانچه بر زمین های دون خود نیز فخر نمی کنم بلکه خدا را شکر و سپاس می کنم پس خداوند متعال بواسطه حسین علیه السلام و اصحابش آن سرزمین را مورد اکرام قرار داد و در تواضع و فروتنی و شکرش افزود سپس حضرت ابوعبدالله علیه السلام فرمودند:

کسی که برای خدا تواضع و فروتنی کند حق تعالی او را بلند کند و کسی که تکبر نماید وی را پست و ذلیل خواهد نمود.

﴿ الباب التاسع والثمانون ﴾

﴿ فضل الحائر و حرّمته ﴾

متن:

۱- حدّثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن أبيه عبد الله بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن إسحاق بن عمار «قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: موضع قبر الحسين بن علي عليه السلام منذ يوم دُفِنَ فيه رَوْضَةٌ من رياض الجنة، و قال: موضع قبر الحسين عليه السلام تُرْعَةُ من تُرْع الجنة».

۲- حدّثني أبي؛ و جماعة مشايخي، عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى بن عبيد اليقطيني، عن محمد بن إسماعيل البصري - عمّن رواه - عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: حُرْمَةُ قبر الحسين فرسخ في فرسخ من أربعة جَوَانِبِهِ».

۳- حدّثني حكيم بن داود بن حكيم - رحمه الله - عن سلّمة بن الخطاب، عن منصور بن العباس - يرفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام - «قال: حَرِيم قبر الحسين عليه السلام خمس فراسخ من أربعة جَوَانِبِ القبر».

﴿ باب هشتاد و نهم ﴾

﴿ فضیلت حائر حسینی ﷺ و حرمت آن ﴾

﴿ حديث أول ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله بن محمد بن عيسى، از پدرش عبدالله بن محمد بن عيسى، از حسن بن محبوب، از اسحاق بن عمار وی گفت: شنیدم حضرت ابو عبدالله عليه السلام

می فرمودند:

محل قبر حسین بن علی علیه السلام روزی که در آن دفن شدند باغی بود از باغ های بهشت و فرمود:

موضع قبر حسین علیه السلام باغی مرتفع بود از باغ های مرتفع بهشت.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی بن عبید یقطینی، از محمد بن اسماعیل بصری، از کسی که برایش روایت نموده، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

حرم قبر حسین علیه السلام یک فرسخ در یک فرسخ از چهار طرف می باشد.

﴿ حدیث سوم ﴾

حکیم بن داود بن حکیم رحمه الله علیه، از سلمه بن خطاب، از منصور بن عباس حدیث را تا حضرت ابی عبدالله علیه السلام مرفوعه نقل کرده و گفته است: حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند:

حریم قبر حسین علیه السلام پنج فرسخ از چهار جانب قبر می باشد.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبٍ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ لِمَوْضِعِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام حَرَمَةً مَعْلُومَةً، مَنْ عَرَفَهَا وَاسْتَجَارَ بِهَا أُجِيرَ، قُلْتُ: فَصِفْ لِي مَوْضِعَهَا جُعِلَتْ فِدَاكَ، قَالَ: امْسَحْ مِنْ مَوْضِعِ قَبْرِهِ الْيَوْمَ، فَاَمْسَحْ خَمْسَةَ وَ عَشْرِينَ ذِرَاعاً مِنْ

ناحیه رِجلیّه و خمسة و عشرين ذراعاً ممّا يلي وَجْهَهُ، و خمسة و عشرين ذراعاً مِنْ خَلْفِهِ، و خمسة و عشرين ذراعاً مِنْ ناحیه رَأْسِهِ، و موضع قبره مُنْذَ يوم دُفِنَ رَوْضَةُ مِنْ رياض الجنة، و منه معراج يعرج فيه بأعمال زوّاره إلى السماء، فليس ملكٌ ولا نبيٌّ في السماوات إِلَّا وَهُمْ يسألون - الله أن يأذن لهم في زيارة قبر الحسين ﷺ، فَقَوْجٌ ينزل و قَوْجٌ يعرج».

۵- حدّثني أبي؛ و جماعة مشايخي - رحمهم الله - عن سعد بن عبد الله، عن هارون بن مسلم، عن عبد الرحمن الأشعث، عن عبد الله بن حمّاد الأنصاري، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله ﷺ «قال: سمعته يقول: قبر الحسين ﷺ عشرون ذراعاً في عشرين ذراعاً مُكْتَرَأَ رَوْضَةُ مِنْ رياض الجنة - و ذكر الحديث».

و عنه، عن سعد، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن عليّ الوشاء، عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبد الله ﷺ - مثله.

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن الحسین بن الخطّاب، از حسن بن محبوب، از اسحق بن عمار، وی می گویند:

از حضرت اباعبدالله ﷺ شنیدم که می فرمودند:

برای جای قبر حسین بن علی ﷺ حریم معلومی می باشد، کسی که آن را بداند و پناهنده به آن شود پناه داده می شود.

محضرش عرضه داشتم: فدایت شوم مکان حریم قبر را برای من بیان فرمائید:

حضرت فرمودند:

از مکانی که امروز قبر آن است این طور ارزیابی کن:
از هر یک جوانب چهارگانه یعنی: جانب پا و جلو و پشت و سربست و پنج
ذراع اندازه بگیر و مساحتی که از ملاحظه آن بدست می آید حریم قبر می باشد.
و مکان قبر روزی که حضرت در آن دفن شدند باغی از باغهای بهشت بوده،
و در همان جا نردبانی نصب شده و اعمال زوَّار آن جناب را بوسیله آن به آسمان
می برند و هیچ فرشته و پیامبری در آسمان نیست مگر از خدا در خواست می کند
که به او اذن زیارت قبر حسین علیه السلام داده شود پس دسته ای برای زیارت به پائین
آمده و گروهی پس از زیارت به بالا می روند.

﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمه الله علیهم، از سعد بن عبدالله، از هارون بن
مسلم، از عبدالرحمن اشعث از عبدالله بن حماد انصاری، از عبدالله بن سنان، از
حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی گفت: شنیدم که حضرت می فرمودند:
قبر حسین علیه السلام به مساحت بیست ذراع در بیست ذراع باغی است از باغهای
بهشت و به دنبال آن همان حدیث گذشته را ذکر فرمودند.
و از پدرم، از سعد، از احمد بن محمد، از حسن بن علی و شاء از اسحق بن
عمار، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مثل همان حدیث مذکور نقل شده است.

﴿ الباب التسعون ﴾

﴿ إِنَّ الْحَائِرَ مِنَ الْمَوَاضِعِ الَّتِي يَحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُدْعَى فِيهَا ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مَيْلٍ، عَنْ سَهْلِ
بْنِ - زِيَادٍ، عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ « قَالَ: بَعَثَ إِلَى أَبِي الْوَالِحِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فِي

مرضه؛ و إلى محمد بن حمزة، فسبقني إليه محمد بن حمزة فأخبرني أنه ما زال يقول: ابعثوا إلى الحائر [ابعثوا إلى الحائر]، فقلت لمحمد: ألا قلت: أنا أذهب إلى الحائر؟!.

ثم دخلت عليه فقلت له: جعلت فداك أنا أذهب إلى الحائر، فقال: انظروا في ذلك، ثم قال: إنَّ محمدًا ليس له سرٌّ من زيد بن عليٍّ، وأنا أكره أن يسمع ذلك، قال: فذكرت ذلك لعلِّي بن بلال، فقال: ما كان يصنع بالحائر وهو الحائر!

فقدمت العسكری فدخلت عليه، فقال لي: أجلس - حين أردت القيام - فلما رأيته أنس بي ذكرت قول علي بن بلال، فقال لي: ألا قلت له: إنَّ رسول - الله صلی الله علیه و آله كان يطوف بالبيت و يقتل الحجر، و حرمة النبي صلی الله علیه و آله و المؤمن أعظم من حرمة البيت، و أمره الله أن يقف بعرفة، إنما هي مواطن يحبُّ الله أن يذكر فيها، فأنا أحبُّ أن يدعى لي حيث يحبُّ الله أن يدعى فيها، و الحائر من تلك المواضع.

﴿ باب نود ﴾

﴿ حائِرِ حَسینی علیه السلام از مواضعی است که ﴾

﴿ دعاء در آن محبوب خدا می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم و محمد بن الحسن، از حسن بن متیل، از سهل بن زیاد، از ابی هاشم جعفری، وی می گوید: حضرت ابوالحسن علیه السلام در حال بیماری، من و محمد بن حمزه را فرا خواندند، محمد بن حمزه بر من سبقت گرفت و زودتر از من به

خدمتش شتافت و بعداً به من خبر داد که آن جناب پیوسته می فرمودند:

شخصی را به حائر حسینی فرستید تا برای من دعاء کند.

من به محمد گفتم: آیا محضرش عرض نکردی، من به حائر می روم؟

سپس بر آن حضرت وارد شده و عرضه داشتم: فدایت شوم من به حائر

می روم.

حضرت فرمودند:

در این عمل دقت و احتیاط کنید کسی مطلع نشود، سپس فرمودند:

محمد (ابن حمزه) سر زید بن علی را نگاه نداشت بلکه فاش کرد در حالی که

من کراحت داشتم به سمع دیگران برسد.

ابو هاشم جعفری می گوید: این فرموده امام علیه السلام را به علی بن بلال گفتم و به

وی رساندم که حضرت می فرمودند کسی را به حائر فرستاده تا برای من دعاء

کند.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

علی بن بلال گفت: حضرت چه کاری با حائر داشتند، خودشان حائر هستند!

من به عسکر رفته و بر آن جناب داخل گشته و مقداری که خدمتش بودم

خواستم بلند شده و بروم. حضرت به من فرمودند:

بنشین، پس چون عنایت و لطف حضرت را به خود دیدم نشسته و کلام علی

بن بلال را محضرش باز گو نمودم

حضرت فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در اطراف خانه خدا طواف می کردند و حجر الاسود را

می بوسیدند در حالیکه حرمت پیامبر و مؤمن بالاتر از حرمت بیت الله می باشد نیز

خداوند متعال به حضرتش امر فرمود در عرفه وقوف کنند با اینکه حرمت پیامبر

از عرفه بیشتر و بالاتر است و سر آن این است که:

این گونه مواضع، مواطن و اماکنی هستند که خدا دوست دارد در آنها یاد

شود، پس من نیز دوست دارم برای من در جایی دعا شود که خدا دعا در آنجا را

دوست دارد و حائِرِ حَسینی علیه السلام نیز از همین گونه مواضع می باشد.

متن:

۲ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَجَمَاعَةٌ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ - عَيْسَى، عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ «قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ مُحَمَّدُ بْنُ حَمْزَةَ عَلَيْهِ نَعُودُهُ وَ هُوَ عَلِيلٌ، فَقَالَ لَنَا: وَ جَهُوا قَوْمًا إِلَى الْحَائِرِ مِنْ مَالِي، فَلَمَّا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِهِ قَالَ لِي مُحَمَّدُ بْنُ حَمْزَةَ: الْمَشِيرُ يُوَجِّهُنَا إِلَى الْحَائِرِ وَ هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ فِي الْحَائِرِ، قَالَ: فَعَدْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتَهُ، فَقَالَ لِي: لَيْسَ هُوَ هَكَذَا، إِنَّ لِلَّهِ مَوَاضِعَ يُحِبُّ أَنْ يَعْبُدَ فِيهَا، وَ حَائِرُ الْحُسَيْنِ عليه السلام مِنْ تِلْكَ الْمَوَاضِعِ».

۳ - قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمَغِيرَةِ: وَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ ابْنِ - عَلِيٍّ الرَّازِيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْوُهْرَدِيِّ بَنِيْسَابُورٍ بِهَذَا الْمَحْدِثِ، وَ ذَكَرَ فِي آخِرِهِ غَيْرَ مَا مَضَى فِي الْحَدِيثَيْنِ الْأَوَّلَيْنِ، أَحَبِّتُ شَرْحَهُ فِي هَذَا الْبَابِ لِأَنَّهُ مِنْهُ:

قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْوُهْرَدِيُّ: حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَتَامٍ - رَحِمَهُ اللَّهُ - قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ الْحَمِيرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيُّ «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي - الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ هُوَ مَحْمُومٌ عَلِيلٌ، فَقَالَ لِي: يَا أَبَا هَاشِمٍ ابْعَثْ رَجُلًا مِنْ مَوَالِينَا إِلَى الْحَائِرِ يَدْعُوا لِلَّهِ لِي، فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ فَاسْتَقْبَلَنِي عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ فَأَعْلَمْتُهُ مَا قَالَ لِي، وَ سَأَلْتُهُ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ الَّذِي يَخْرُجُ، فَقَالَ: السَّمْعُ وَ الطَّاعَةُ وَلَكِنِّي أَقُولُ: أَنَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الْحَائِرِ إِذَا كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ فِي الْحَائِرِ، وَ دَعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ أَفْضَلُ مِنْ دَعَائِي لَهُ بِالْحَائِرِ!

فَاعْلَمْتَهُ مَا قَالَ: فَقَالَ لِي: قُلْ لَهُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَفْضَلُ مِنَ الْبَيْتِ وَالْحَجَرِ، وَكَانَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَيَسْتَلِمُ الْحَجَرَ، وَإِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى بِقَاعًا يَحِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا فَيَسْتَجِيبَ لِمَنْ دَعَاهُ، وَالْحَائِثُ مِنْهَا».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین و جماعتی از سعد بن عبداللہ، از محمد بن عیسی، از ابی هاشم جعفری، وی می گوید:

من و محمد بن حمزه بر حضرت عسکری علیه السلام وارد شده و عیادتش کردیم در حالی که آن حضرت بیمار بودند، حضرت به ما فرمودند:

از مال من گروهی را به حائر گسیل دارید.

ما وقتی از خدمتش مرخص شده و بیرون آمدیم، محمد بن حمزه به من گفت:

حضرت ما را به حائر سوق دادند در حالی که خود ایشان به منزله همان کسی است که در حائر می باشد (یعنی حضرت سیدالشهداء).

ابو هاشم می گوید: دوباره نزد حضرتش رفته مقاله محمد بن حمزه را محضرش گفتم، حضرت فرمودند.

این طور نیست که او می گوید، خداوند متعال مواضعی دارد که می خواهد در آنها عبادت شود و حائر حسینی از آنها است.

﴿ حدیث سوم ﴾

حسین بن احمد بن مغیره می گوید:

ابو محمد حسن بن احمد بن علی رازی معروف به «و هوردی» در نیشابور

این حدیث را برایم نقل کرد و در پایان آن فقره ای غیر از آنچه در دو حدیث اول

و دوم گذشت را ذکر نموده که دوست داشتم در این باب شرحش دهم زیرا جزء این باب و توضیح آن چنین است:

ابو محمد و هوردی می گوید:

ابو علی محمد بن همام رحمه الله علیه گفت: محمد حمیری برایم نقل کرد که ابوهاشم جعفری گفت: بر حضرت ابی الحسن علی بن محمد سلام الله علیهما وارد شدم در حال که حضرت تب دار و بیمار بودند به من فرمودند:

ای ابوهاشم شخصی از دوستان ما را به حائر بفرست تا برایم دعاء کند، از نزد آن حضرت بیرون آمدم در این هنگام با علی بن بلال مواجه شدم فرموده حضرت را برایش بازگو نموده و از وی راجع به شخصی که حضرت فرموده اند درخواست کرده و جویا شدم.

علی بن بلال گفت: شنیدم و اطاعت می کنم ولی می گویم: حضرت خودشان از حائر افضل و برتر هستند زیرا ایشان به منزله کسی است که در حائر می باشد (یعنی حضرت سیدالشهداء) و دعاء آن جناب برای خودشان افضل و برتر است از دعاء من برای ایشان در حائر.

من محضر امام علیه السلام مشرف شده و مقاله علی بن بلال را خدمتش عرض کردم، حضرت به من فرمودند: به او بگو: رسول خدا از بیت و حجر الاسود افضل بودند ولی در عین حال دور بیت طواف می کرده و حجر را استلام می فرمودند، خداوند متعال بقاع و مواضعی دارد که می خواهد در آن جاها خوانده شود تا دعاء، دعا کننده را مستجاب فرماید و حائر از جمله این مواضع می باشد.

﴿ الباب الحادي و التسعون ﴾

﴿ ما يستحب من طين قبر الحسين عليه السلام و أنه شفاء ﴾

متن:

۱ - حدَّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن - محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي بن فضال، عن كرام، عن ابن أبي يعفور «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: يأخذ الإنسان من طين قبر الحسين عليه السلام فينتفع به و يأخذ غيره فلا ينتفع به؟ فقال: لا؛ والله الذي لا إله إلا هو ما يأخذه أحدٌ وهو يرى أن الله ينفعه به إلا نفعه الله به».



﴿ باب تودد و يكلم ﴾

﴿ شفاء بودن تربت قبر حضرت امام حسين عليه السلام ﴾

﴿ و مقدار مستحب بودن آن ﴾

ترجمه:

﴿ حديث اول ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عيسى، از حسن بن علي بن فضال، از كرام، از ابن أبي يعفور، وی می گوید: محضر حضرت ابی عبد الله عليه السلام عرضه داشتم:

آیا این طور است که شخص تربت قبر امام حسين عليه السلام را وقتی اخذ نمود از آن انتفاع برده ولی تربت غیر آن حضرت را وقتی اخذ کرد نمی تواند از آن نفع ببرد؟

حضرت فرمودند:

نه این طور نیست که مجرد اخذ نمودن تربت این اثر را داشته باشد، به خدائی که معبودی غیر از او وجود ندارد اخذ نمی کند احدی تربت قبر آن حضرت را در حالی که معتقد است خداوند با آن نفع به او می رساند مگر آنکه حتماً از آن متفع می شود.

مترجم گوید:

آنچه از این حدیث استفاده می شود آن است که اثر تربت زمانی است که شخص معتقد به آن باشد و الا صرف اخذ تربت بدون اعتقاد تاثیر البتة مؤثر نمی باشد.



متن:

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - «قَالَ: دَفَعْتُ إِلَى امْرَأَةٍ غَزْلاً فَقَالَتْ: ادْفَعِهِ إِلَى حُجْبَةٍ مَكَّةَ لِيَخَاطَ بِهِ كِسْوَةُ الْكَعْبَةِ، قَالَ: فَكْرَهْتُ أَنْ أَدْفَعَهُ إِلَى الْحُجْبَةِ وَأَنَا أَعْرِفُهُمْ، فَلَمَّا أَنْ صِرْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ امْرَأَةً أُعْطِيتِي غَزْلاً فَقَالَتْ: ادْفَعِهِ بِمَكَّةَ لِيَخَاطَ بِهِ كِسْوَةُ الْكَعْبَةِ؛ فَكْرَهْتُ أَنْ أَدْفَعَهُ إِلَى الْحُجْبَةِ، فَقَالَ: اشْتَرِ بِهِ عَسَلًا وَزَعْفَرَانًا وَخُذْ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَاغْجِنِهِ بِمَاءِ السَّمَاءِ وَاجْعَلْ فِيهِ مِنَ الْعَسَلِ وَالزَّعْفَرَانِ وَفَرِّقْهُ عَلَى الشَّيْعَةِ لِيَدَاوُوا بِهِ مَرْضَاهُمْ».

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله، از پدرش از ابی عبدالله برقی، از برخی اصحاب، وی گفت:

زنی پشم ریسیده‌ای را به من داد و گفت آن را به پرده داران کعبه بده تا با آن برای کعبه پرده درست نمایند، وی گفت: چون پرده داران را می‌شناختم کراهِت داشتم آن را به ایشان بدهم پس وقتی به مدینه رسیدم محضر مبارک حضرت ابی جعفر علیه السلام رسید به ایشان عرض کردم: فدایت شوم زنی پشمی ریسیده به من داده و گفته که آن را به پرده داران کعبه بدهم تا پرده‌ای از آن برای کعبه درست کنند، من از دادن پشم به ایشان کراهِت دارم تکلیف چیست؟
حضرت فرمودند:

با آن عسل و زعفران خریده و از قبر حسین علیه السلام مقداری تربت بردار و آن را با آب باران عجین نما و در آن عسل و زعفران را بریز و سپس معجون بدست آمده را بین شیعیان تقسیم نما تا با آن مریض‌های خود را مداوا کنند.



متن:

۳- حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَصْرِيِّ، وَ لَقَبَهُ فَهْدٌ - عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ».

۴- وَ عَنْهُ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ الْبَصْرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: فِي طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام الشِّفَاءُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَهُوَ الدَّوَاءُ الْأَكْبَرُ».

۵- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ - عَنْ شَيْخٍ مِنْ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِيهِ شِفَاءٌ وَإِنْ أَخَذَ عَلَى رَأْسِ مِيلٍ».

۶- وَ رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَنْ أَصَابَتْهُ عِلَّةٌ فَبَدَّءَ بِطِينِ قَبْرِ

الحسین علیه السلام شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ تِلْكَ الْعِلَّةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ عِلَّةَ السَّامِ».

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

پدرم از سعد بن عبدالله، از محمد بن عیسی، از محمد بن اسماعیل بصری که لقبش فهد می باشد از برخی رجالش از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام شفاء هر دردی می باشد.

﴿ حدیث چهارم ﴾

و از پدرم، سعد بن عبدالله، از احمد بن الحسین بن سعید، از پدرش، از محمد بن سلیمان بصری، از پدرش، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند: در تربت قبر امام حسین علیه السلام شفاء هر دردی بوده و آن دواء اکبر می باشد.

﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از بزرگی از اصحاب ما، از ابی الصباح کنائی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

تربت قبر امام حسین علیه السلام در آن شفاء بوده اگر چه به قدر سر میل (میلی که با آن سر مه می کشند) باشد.

﴿ حدیث ششم ﴾

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مروی است که فرمودند:

کسی که مرض و بیماری بر او عارض شده اگر قبل از خوردن هر داروئی تربت قبر امام حسین علیه السلام را بخورد خداوند مئان او را از آن مرض شفا می دهد مگر از مرگ.

متن:

٧- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُذَلِّجٌ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ «قَالَ: خَرَجْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ وَأَنَا وَجِعٌ، فَقِيلَ لَهُ: مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَجِعٌ فَأَرْسَلْ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام شَرْباً مَعَ غُلَامٍ مَغْطًى بِمِنْدِيلٍ، فَنَاولْنِيهِ الْغُلَامُ وَقَالَ لِي: اشْرِبْهُ فَإِنَّهُ قَدْ أَمَرَنِي أَنْ لَا أَبْرَحَ حَتَّى تَشْرِبَهُ، فَتَنَاوَلْتَهُ فَإِذَا رَائِحَةُ الْمَسْكِ مِنْهُ، وَإِذَا بِشَرَابٍ طَيِّبٍ الطَّعْمُ بَارِدٌ، فَلَمَّا شَرِبْتُهُ قَالَ لِي الْغُلَامُ: يَقُولُ لَكَ مَوْلَاكَ: إِذَا شَرِبْتَهُ فَتَعَالَ.

فَفَكَّرْتُ فِيمَا قَالَ لِي وَمَا أَقْدَرُ عَلَى النَّهْوِضِ قَبْلَ ذَلِكَ عَلَى رَجُلِي، فَلَمَّا اسْتَقَرَّ الشَّرَابُ فِي جَوْفِي فَكَأَنَّمَا نَشِطْتُ مِنْ عِقَالٍ، فَأَتَيْتُ بَابَهُ فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَصَوَّتَ بِي: صَحَّ الْجَسْمُ أَدْخُلْ! فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ وَأَنَا بَاكِ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَقَبَلْتُ يَدَهُ وَرَأْسَهُ؛

فَقَالَ لِي: وَمَا يُبْكِيكَ يَا مُحَمَّدٌ؟! قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَبْكِي عَلَى اغْتِرَابِي وَبُعْدِ الشُّقَّةِ وَقِلَّةِ الْقُدْرَةِ عَلَى الْمَقَامِ عِنْدَكَ أَنْظِرْ إِلَيْكَ؛

فَقَالَ لِي: أَمَّا قِلَّةُ الْقُدْرَةِ فَكَذَلِكَ جَعَلَ اللَّهُ أَوْلِيَاءَنَا وَأَهْلَ مَوَدَّتِنَا، وَجَعَلَ الْبَلَاءَ إِلَيْهِمْ سَرِيعاً، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنَ الْغُرْبَةِ، وَفَإِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غَرِيبٌ وَفِي هَذَا الْخَلْقِ الْمُنْكَوسِ، حَتَّى يُخْرَجَ مِنْ هَذِهِ الدَّارِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ بُعْدِ الشُّقَّةِ فَلَكَ بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أُسْوَةٌ بِأَرْضِ نَائِيَةٍ عَنَّا بِالْفُرَاتِ، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ حُبِّكَ قُرْبَنَا وَالنَّظَرَ إِلَيْنَا؛ وَأَنْتَ لَا تَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ، فَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قَلْبِكَ وَجَزَاؤُكَ عَلَيْهِ؛

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری، از عبدالله بن عبدالرحمن الاصم، وی گفت:

مدلج برای ما از محمد بن مسلم حدیثی نقل کرد که وی گفت: من به مدینه رفتم در حالی که دردمند بودم محضر امام رساندند که محمد بن مسلم دردمند است، حضرت ابوجعفر علیه السلام شربتی برایم فرستادند آورنده غلامی بود که دستاری به سر بسته بود، بهر صورت غلام شربت را به من داد و گفت: این را بیاشام زیرا حضرت به من امر فرموده‌اند تا تو این را نیاشامیده‌ای من از نزدت بروم، پس شربت را گرفتم، بوی مشک از آن می‌آمد، شربتی پاکیزه، طعمی خنک داشت وقتی آن را نوشیدم، غلام به من گفت:

آقایتم فرموده: وقتی شربت را خوردی به نزدش حاضر شو.

من در این گفتار می‌اندیشدم که پیش از نوشیدن شربت قادر نبودم روی پاهایم بایستم حال چطور حرکت کرده و به محضرش بروم، بهر صورت وقتی شربت در جوف من قرار گرفت گویا از بند رها شدم پس درب منزل حضرت آمده از آن جناب اذن خواستم، حضرت با صدای بلند فرمودند:

جسمت بهبودی یافت داخل شوا

پس داخل شده در حالی که می‌گریستم، سلام بر آن حضرت کرده و دست و سر آن سرور را می‌بوسیدم.

حضرت به من فرمودند:

ای محمد، چرا گریه می‌کنی؟

عرض کردم: فدایت شوم

گریه‌ام بخاطر این چند چیز است:

الف: غریبم.

ب: از شما دور هستم.

ج: قدرتم کم و ضعیف می باشم

د: قادر نیستم نزد شما رحل اقامت انداخته و به شما بنگرم.

حضرت فرمودند:

اما کم بودن قدرت، البته همین طور است، خداوند دوستان ما را این چنین قرار داده و سریعاً بلا را بر ایشان نازل می کند.

و اما اینکه گفتی: غریب هستی، مؤمن در دنیا و بین این خلق نگون سار غریب می باشد تا از این داز فانی به رحمت باری منتقل شود.

و اما اینکه گفتی مکانت دور است و از ما فاصله داری، بر تو باد به پیروی نمودن از ابی عبدالله علیه السلام (منظور از ابی عبدالله خود آن حضرت می باشد) زیرا ما نیز از زمینی که محبوب و مطلوب همان است (مراد کربلاء می باشد) دور بوده و بواسطه فرات بین ما و آن زمین فاصله افتاده است.

و اما اینکه گفتی دوست داری نزدیک ما بوده و بما نظر افکشی و بر این معنا قادر نیستی، خداوند متعال بر آنچه در قلب تو است آگاه بوده و تو را بر همان پاداش و جزا می دهد.

متن:

ثُمَّ قَالَ لِي: هَلْ تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قُلْتُ: نَعَمْ؛ عَلَى خَوْفٍ وَ وَجَلٍ، فَقَالَ: مَا كَانَ فِي هَذَا أَشَدُّ فَالْثَوَابُ فِيهِ عَلَى قَدْرِ الْخَوْفِ، وَمَنْ خَافَ فِي إِيَّانِهِ أَمِنْ اللَّهِ رَوْعَتَهُ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ، وَأَنْصَرَفَ بِالْمَغْفِرَةِ، وَ سَلَّمَ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَ رَأَى النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله وَ مَا يَصْنَعُ، وَ دَعَا لَهُ: وَ انْقَلَبَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسَّهُ سُوءٌ وَ اتَّبَعَ رِضْوَانُ اللَّهِ؛ ثُمَّ قَالَ لِي: كَيْفَ وَجَدْتَ الشَّرَابَ؟ فَقُلْتُ: أَشْهَدُ أَنْكُمْ أَهْلُ بَيْتِ

الرَّحْمَةُ وَأَنْتَ وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ، وَلَقَدْ أَتَانِي الْغَلَامُ بِمَا بَعَثْتَهُ وَمَا أَقْدَرُ عَلَى أَنْ أُسْتَقِلَّ عَلَى قَدَمِي، وَلَقَدْ كُنْتُ آيِسًا مِنْ نَفْسِي، فَنَالَني الشَّرَابُ فَشَرِبْتُهُ فَمَا وَجَدْتُ مِثْلَ رِيحِهِ وَلَا أَطْيَبَ مِنْ ذَوْقِهِ وَلَا طَعْمَهُ وَلَا أَبْرَدَ مِنْهُ، فَلَمَّا شَرِبْتُهُ قَالَ لِي الْغَلَامُ: إِنَّهُ أَمَرَنِي أَنْ أَقُولَ لَكَ: إِذَا شَرِبْتَهُ فَأَقْبِلْ إِلَيَّ؛ وَقَدْ عَلِمْتُ شِدَّةَ مَا بِي، فَقُلْتُ: لَا ذَهَبَ إِلَيْهِ وَلَوْ ذَهَبَتْ نَفْسِي، فَأَقْبَلْتُ إِلَيْكَ فَكَأَنِّي أَنْشَطْتُ مِنْ عَقَالٍ، فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ رَحْمَةً لِشَيْعَتِكُمْ [وَرَحْمَةً عَلَيَّ]؛

فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ الشَّرَابَ الَّذِي شَرِبْتَهُ فِيهِ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهُوَ أَفْضَلُ مَا اسْتَشْفِي بِهِ، فَلَا تَعْدِلْ بِهِ، فَإِنَّا نَسْقِيهِ صَبِيَانَنَا وَنِسَاءَنَا فَتَرَى فِيهِ كُلَّ خَيْرٍ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّا لَنَأْخُذُ مِنْهُ وَنَسْتَشْفِي بِهِ؟ فَقَالَ: يَأْخُذُهُ الرَّجُلُ فَيُخْرِجُهُ مِنَ الْحَائِزِ وَقَدْ أَظْهَرَهُ فَلَا يَمُرُّ بِأَحَدٍ مِنَ الْجَنِّ بِهِ عَاهَةً، وَلَا دَابَّةٍ وَلَا شَيْءٍ فِيهِ آفَةٌ إِلَّا شَمَمَهُ فَتَذْهَبَ بَرَكَتُهُ فَيَصِيرُ بَرَكَتُهُ لغيره، وَهَذَا الَّذِي نَتَّعَالَجُ بِهِ لَيْسَ هَكَذَا، وَلَوْ لَا مَا ذَكَرْتُ لَكَ مَا يَمْسَحُ بِهِ شَيْءٌ وَلَا شَرِبَ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا أَفَاقَ مِنْ سَاعَتِهِ، وَمَا هُوَ إِلَّا كَحَجَرِ الْأَسْوَدِ أَتَاهُ صَاحِبُ الْعَاهَاتِ وَالْكَفْرِ وَالْجَاهِلِيَّةِ، وَكَانَ يَتَمَسَّحُ بِهِ أَخَذًا إِلَّا أَفَاقَ، وَكَانَ كَأَبْيَضِ يَاقُوَةِ فَأَسْوَدَ حَتَّى صَارَ إِلَى مَا رَأَيْتَ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَكَيْفَ أَصْنَعُ بِهِ؟ فَقَالَ: تَصْنَعُ بِهِ مَعَ إِظْهَارِكَ إِيَّاهُ مَا يَصْنَعُ غَيْرُكَ تَسْتَخَفُّ بِهِ فَتَطْرَحُهُ فِي خُرْجِكَ وَفِي أَشْيَاءَ دَنَسَةٍ فَيَذْهَبُ مَا فِيهِ مِمَّا تَرِيدُهُ لَهُ، فَقُلْتُ: صَدَقْتَ جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: لَيْسَ يَأْخُذُهُ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ جَاهِلٌ يَأْخُذُهُ وَلَا يَكَادُ يَسْلَمُ بِالنَّاسِ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَكَيْفَ لِي أَنْ آخُذَهُ كَمَا تَأْخُذُ [ه]؟ فَقَالَ لِي: أُعْطِيكَ مِنْهُ شَيْئًا؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ:

إذا أخذته فكيف تصنع به؟ فقلت: أذهب به معي، فقال: في أي شيء تجعله؟ فقلت: في ثيابي قال: فقد رجعت إلى ما كنت تصنع، اشرب عندنا منه حاجتك ولا تحمله، فإنه لا يسلم لك، فسقاني منه مرتين، فما أعلم أنني وجدت شيئاً مما كنت أجد حتى انصرفت».

ترجمه: ﴿ دنباله حدیث هفتم ﴾

سپس حضرت به من فرمودند:

آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می روی؟

عرض کردم: بلی، منتهی با خوف و هراس.

حضرت فرمودند:

هر چه در این زیارت شدت و سختی به بینی و خوف و هراس تو بیشتر باشد، ثواب و اجرت بهمان قدر افزون می گردد، و کسی که در زیارت آن حضرت خوف داشته و با این حال آن جناب را زیارت کند حق تعالی او را از وحشت روزی که مردم برای حساب در مقابل پروردگار عالمیان می ایستند (یعنی روز قیامت) در امان نگه می دارد و این شخص از زیارت بر می گردد در حالی که حق تعالی گناهانش را آمرزیده و فرشتگان بر او درود و سلام می دهند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او و آنچه را بجا آورده دیده و برایش دعاء می فرمایند، و وی به نعمت و فضل خدا روی آورده و هیچ رنج و تعب به او متوجه نشده و رضایت و خشنودی خدا را پی گیری می نماید.

سپس حضرت به من فرمودند:

شربت را چگونه یافتی؟

عرض کردم: شهادت می دهم شما اهل بیت رحمت بوده و شما جانشین جانشینان پیامبر هستید غلامی نزد من آمد و آنچه عنایت کرده بودید به من

رساند، قبل از آن قادر نبودم مستقلاً روی پا خود بایستم و از خود مایوس شده بودم، وی شربت را که به من داد و من آن را نوشیدم بوئی به آن خوشی تا بحال استشمام نکرده و مزه‌ای تا بحال به آن پاکیزگی نچشیده و طعمی به آن مطبوعی تاکنون حس ننموده و بگواراتر از آن هرگز بر نخورده‌بودم، و هنگامی که آن را نوشیدم، غلام به من گفت:

حضرت به من امر فرموده‌اند به تو بگویم: وقتی نوشیدی نزد من بیا. من به وخامت حال و شدت درد خود واقف بودم، لذا حدیث نفس نموده و به خود گفتم.

حتماً خدمتش مشرف خواهم شد اگر چه جانم را از دست بدهم، پس به سوی شما روی آوردم ولی گویا از بند رها گشتم، پس حمد و سپاس خدائی را که شما را رحمت برای شیعیان‌تان و رحمت برای من نیز قرار داده‌است.

حضرت فرمودند:

ای محمد، شربتی که نوشیدی در آن تربت قبر حسین علیه السلام بود و آن بهترین داروئی است که به منظور استشفاء مصرف می‌کنند و با آن هیچ دوائی را برابر و مساوی ندان، ما به اطفال و زنان خود آن را می‌خورانیم و در آن هر خیر و خوبی را دیده‌ایم.

خدمتش عرضه داشتم: فدایت شوم از آن برداشته و استشفاء به آن بجوئیم؟

حضرت فرمودند:

بسا شخصی آنها را اخذ کرده و با خود از حائر بیرون می‌برد و بر دیگران اظهار نموده و مخفی نمی‌کند پس مرور به جنى می‌کند که در او مرض و بیماری بوده یا به حیوان و موجودی که دارای آفت است می‌گذرد پس آن را می‌بویند و برکتش زائل گشته و بدین ترتیب برکت آن برای غیر مصرف می‌شود اما تربتی را که ما با آن دردها را معالجه می‌کنیم این طور نیست، و اگر دیگران نیز رعایت کنند و آنچه را که برایت گفتم منظور داشته و تربت مأخوذ را از مرآی و منظر دیگران بر حذر

داشته و در معرض قرار ندهند مسلماً با هیچ شینی تماس پیدا نکرده و هیچ کسی از آن تناول ننموده مگر در همان ساعت از مرض و بیماری که دارد آفاقه پیدا می کند، و سرگذشت این تربت نظیر سرگذشت حجرالاسود است که صاحب آفات و امراض و کفر و جاهلیت با آن تماس پیدا می کردند و پس از تماس مرض و عیب و نقصی که داشتند برطرف می شد.

این سنگ در بدو امر همچون یاقوت سفید و شفاف بود که پس از این تماس ها و اصابت این اشیاء آلوده با آن رفته رفته رنگش تیره و سیاه شد و به این صورتی که اکنون می بینی درآمد.

این تربت نیز به واسطه تماس با اشیاء آلوده و افراد ناصالح خاصیت و اثرش زائل گردیده و آن تأثیری را که باید داشته باشد ندارد لذا تو نمی توانی اثر مطلوب را از آن بهره برداری کنی.

محضر مبارکش عرض کردم: مگر بآن چه می کنم؟
حضرت فرمودند:

وقتی آن را اظهار کرده و در معرض قرار دادی با آن همان عملی را کرده که دیگران می کنند، یعنی آن را مورد استخفاف قرار داده و سبک می شماری از این رو بسا آن را در خورجین انداخته و در بین اشیاء آلوده می گذاری در نتیجه اثری را که از آن انتظار داری نخواهی دید و آن از تربت زائل گردیده. خدمتش عرضه داشتم: فدایت شوم واقع امر همین است و صحیح می فرمائید.

پس حضرت فرمودند: احدی آن را اخذ نکرده مگر آنکه جاهل است به کیفیت اخذ و رعایت آداب آن لذا بر ایشان سالم نمی ماند.

محضرش عرض کردم: فدایت شوم چگونه آن را بردارم تا اخذ من نظیر اخذ شما باشد؟

حضرت فرمودند:

آیا مقداری از آن را به تو بدهم؟

عرض کردم: بلی.

فرمودند:

وقتی از من گرفتی با آن چه می کنی؟

عرض کردم: با خود می برم.

فرمودند:

در چه چیز آن را قرار می دهی؟

عرض کردم: در لباس های خود آن را می گذارم.

حضرت فرمودند:

باز این عمل مثل عمل سابق شد و به آنچه قبلاً رفتاری کردی برگشتی، این کار را مکن بلکه، وقتی آن را از من گرفتی تا نزد من هستی تناولش کن که حاجت روا می شود و هرگز با خودت حمل مکن زیرا در این صورت اثری نداشته و برایت سالم نمی ماند.

بسم الله الرحمن الرحيم

سپس محمد بن مسلم می گوید:

حضرت از آن دوبار به من خورانیدند و پس از آن درد و الم و بیماری که داشتم در خود نیافته و به کلی برایم بهبودی حاصل شد و پس از آن به وطن خویش برگشتم.

متن:

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي وَلَّادٍ، عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: لَوْ أَنَّ مَرِيضًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ يَعْرِفُ حَقَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ حُرْمَتَهُ وَ وِلَايَتَهُ أَخَذَ مِنْ طِينِ قَبْرِهِ مِثْلَ رَأْسِ أُمَّةٍ كَانَ لَهُ دَوَاءٌ».

ترجمه:

﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن الحسین بن مت الجوهری از محمد بن احمد بن یحیی، از محمد ابن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از خیبری، از ابی ولاد از ابی بکر حضرمی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

اگر مریضی از اهل ایمان که به حق حضرت ابی عبدالله (حضرت سیدالشهداء علیه السلام) سلام الله علیه آگاه و عارف است و به حرمت و ولایت آن جناب آشنا است از تربت قبرش به مقدار سر بند انگشت بردارد همان برای او دواء می باشد.

﴿ الباب الثاني و التسعون ﴾

﴿ إِنَّ طِينَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام شِفَاءٌ وَأَمَانٌ ﴾

مراحمات کعبه پر طین است

متن:

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَجَمَاعَةٌ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى - عَنْ رَجُلٍ - «قَالَ: بَعَثَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام مِنْ خِرَاسَانَ ثِيَابَ رِزْمٍ وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ طِينٌ، فَقُلْتُ لِلرَّسُولِ: مَا هَذَا؟ قَالَ: طِينُ قَبْرِ - الْحُسَيْنِ علیه السلام؛ مَا كَانَ يُوْجِّهُ شَيْئاً مِنَ الثِّيَابِ وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا وَ يَجْعَلُ فِيهِ الطِّينَ، وَكَانَ يَقُولُ: هُوَ أَمَانٌ بِإِذْنِ اللَّهِ».

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْقَلَاءِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: حَنَكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتَرَبَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَإِنَّهُ أَمَانٌ».

۳- حدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أيوب بن نوح، عن عبد الله بن المغيرة قال: حدَّثنا أبو اليسع «قال: سأَل رجلُ أبا عبد الله عليه السلام - و أنا أسمع - قال: آخُذُ مِن طِينِ قَبْرِ الحُسَيْنِ وَ يَكُونُ عِنْدِي أَطْلَبُ بَرَكَتِهِ؟ قال: لا بأسَ بِذلك».

﴿ باب نود و دوم ﴾

﴿ تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام شفاء و امان می باشند ﴾

ترجمه: ﴿ حدیث اول ﴾

پدرم و جماعتی رحمة الله عليهم، از سعد بن عبد الله، از محمد بن عیسی، از شخصی نقل کرده اند که وی گفت: حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام از خراسان بقچه ای برایم فرستادند که در بین آن تربتی بود، به آورنده بقچه گفتم این تربت چیست؟

گفت: تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام است، حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام جامه یا غیر آن را وقتی به جانی می فرستند حتماً همراه آن تربت سید الشهداء علیه السلام را قرار داده و می فرمایند: این تربت به اذن خدا امان و موجب حفظ مال می باشد.

﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از موسی بن سعدان، از عبد الله بن القاسم، از حسین بن ابی العلاء، وی می گوید:
از حضرت ابی عبد الله علیه السلام شنیدم که می فرمودند:
فرزندانتان را با تربت حسین علیه السلام تحفیک کنید (یعنی تربت را به سقف دهانشان بمالید) زیرا تربت موجب امان و حفظ آنها است.

﴿ حدیث سَوْم ﴾

پدرم رحمه الله علیه از سعد بن عبدالله، از ایوب بن نوح، از عبدالله بن مغیره نقل کرده که وی گفت: ابوالسیع برای ما، حدیثی نقل کرد و گفت:
 شخصی از حضرت اباعبدالله علیه السلام سؤال کرد و من می شنیدم، وی پرسید: آیا از تربت قبر امام حسین علیه السلام بردارم و با آن طلب برکت کنم؟
 حضرت فرمودند: هیچ باکی نیست.

متن:

۴- و عنه، عن سعد، عن أحمد بن عيسى، عن العباس بن موسى الوراق، عن يونس، عن عيسى بن سليمان، عن محمد بن زياد، عن عمته «قالت: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: إنَّ في طين الحائر الذي فيه الحسين عليه السلام شفاءً من كلِّ داءٍ، و أماناً من كلِّ خوفٍ».

۵- حدَّثني أبي - رحمه الله - عن أحمد بن إدريس؛ و محمد بن يحيى، عن العَمْرَكي بن عليّ البوفكي، عن يحيى - وكان في خدمة أبي جعفر الثاني - عن عيسى بن سليمان، عن محمد بن مارد، عن عمته «قالت: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: إنَّ في طين الحائر الذي فيه الحسين عليه السلام شفاءً من كلِّ داءٍ و أماناً من كلِّ خوفٍ».

۶- حدَّثني محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن الخبيري، عن أبي ولّاد، عن أبي بكر الحضرمي، عن أبي عبدالله عليه السلام «قال: لو أنَّ مريضاً من المؤمنين يَعْرِفُ حقَّ أبي عبدالله عليه السلام و حُرْمَتَهُ و ولايته أخذ له من طين قبره على رأس ميل كان له دواءٌ و شفاءٌ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

از پدرم، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از عباس بن موسی و راق، از یونس، از عیسی بن سلیمان از محمد بن زیاد، از عمه اش منقول است که وی گفت:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند: تربت حائری که حضرت امام حسین علیه السلام در آن هستند شفاء از هر دردی بوده و امان است از هر خوف و هراسی.

﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از احمد بن ادریس، و محمد بن یحیی، از عمرکی بن علی بوفکی، از یحیی که در خدمت ابی جعفر ثانی بود، از عیسی بن سلیمان، از محمد بن مارد، از عمه اش وی گفت:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام شنیدم که می فرمودند: بطور قطع و حتم در تربت حائری که در آن حضرت امام حسین علیه السلام می باشد شفاء است از هر دردی و امان است از هر خوف و هراسی.

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از خیبری، از ابی ولاد، از ابی بکر حضرمی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند: اگر مریضی از اهل ایمان که به حق حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام عارف و آگاه بوده و با حرمت و ولایتش آشنا است.

از تربت قبر حضرتش به مقدار سرمیل (میل کحالی یا میل جراحی) بردارد و همان برایش دواء و شفاء می باشد.

﴿ الباب الثالث و التسعون ﴾

﴿ من أين يؤخذ طين قبر الحسين عليه السلام وكيف يؤخذ ﴾

متن:

١ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ يُونُسَ بْنِ رَبِيعٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام لَتَرْبَةِ حَمْرَاءَ فِيهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ، قَالَ: فَاتَيْنَ الْقَبْرَ بَعْدَ مَا سَمِعْنَا هَذَا الْحَدِيثَ فَاحْتَفَرْنَا عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ، فَلَمَّا حَفَرْنَا قَدَرَ ذِرَاعٍ انْخَدَرَتْ عَلَيْنَا مِنْ رَأْسِ الْقَبْرِ مِثْلُ السَّهْلَةِ حَمْرَاءَ قَدَرِ دِرْهَمٍ فَحَمَلْنَاهُ إِلَى الْكَوْفَةِ فَزَجْنَاهُ وَخَبَبْتَنَاهُ، فَأَقْبَلْنَا نَعْطِي النَّاسَ يَتَدَاوُونَ بِهِ».

٢ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ عَنْ سَعْدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ رِزْقِ اللَّهِ بْنِ الْعَلَاءِ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرٍ وَ السَّرَّاجِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يُوْخَذُ طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام مِنْ عِنْدِ الْقَبْرِ عَلَى قَدَرِ سَبْعِينَ بَاعاً».

٣ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ النَّهْأَوَنْدِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا تَنَاوَلَ أَحَدُكُمْ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ فَلْيَقُلْ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي تَنَاوَلَهُ، وَ الرَّسُولِ الَّذِي بَوَّأَهُ، وَ الْوَصِيِّ الَّذِي ضَمَّنَ فِيهِ، أَنْ تَجْعَلَهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ (- كَذَا وَ كَذَا -)» وَ يَسْمَى ذَلِكَ الدَّاءُ».

﴿ باب نود و سوم ﴾

﴿ مکان و کیفیت اخذ تربت قبر حضرت امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید، از حسن بن علی، از یونس بن ربیع، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

نزد سر مبارک حسین بن علی علیه السلام تربت قرمزی است که در آن شفاء هر دردی غیر از مرگ می باشد یونس بن ربیع می گوید: بعد از اینکه، این حدیث را شنیدم نزد قبر حاضر شده و طرف سر قبر را حفر کردیم و چون به قدر یک ذراع کندیدم از راس قبر خاک هانی مثل ریگ های ریزی که آب آنها را با خود می آورد بر ما ریخت، رنگ آنها قرمز و اندازه شان قدر یک درهم بود، آنها را با خود به کوفه آورده پس ممزوج و عججشان کرده و پنهان شان نمودیم و بعد به تدریج از آن به مردم می داده تا با آن مریض های خود را مداوا کنند.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم و محمد بن الحسن و علی بن الحسین، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از رزق الله بن علاء، از سلیمان بن عمرو سراج، از برخی اصحابمان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

تربت قبر حسین علیه السلام را از نزدیک قبر تا فاصله هفتاد باع اخذ می کنند.

مترجم گوید:

«باع» عبارت است از فاصله بین سر انگشت دست راست و سر انگشت دست چپ زمانی که دو دست را افقی به طرفین باز کنند.

﴿ حدیث سوم ﴾

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم، از ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، از عبدالله بن حماد انصاری، از عبدالله بن منان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، آن حضرت فرمودند:

هر گاه کسی از شما تربت قبر حسین علیه السلام را تناول کرد بگوید:
بار خدایا از تو سؤال می‌کنم به حق فرشته‌ای که آن را اخذ نموده و رسولی که
آن را جای داده و وصی که در آن پنهان شده آن را شفاء از هر دردی قرار بده (نام
دردهای مورد نظر را ببرند).

متن:

- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلَمَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرِّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ،
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَسَدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُصْقَلَةَ، عَنْ عَمِّهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرِ
الْمُوصِلِيِّ «أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِذَا أَخَذْتَ طِينَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ فَقُلْ:
«اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الْمُوَكَّلِ بِهَا، وَالْمَلِكِ الَّذِي
كَرَّبَهَا، وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ
هَذَا الطِّينَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ».

فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ حَتْمًا شِفَاءً [لَهُ] مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ
خَوْفٍ».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود، از سلمه، از علی بن ریّان بن صلت، از حسین بن اسد، از
احمد بن مصقله، از عمویش، از ابی جعفر موصلی، وی گفت:

حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

هرگاه تربت قبر حسین علیه السلام را اخذ کردی بگو:

خدایا به حق این تربت و بحق فرشته‌ای که موکل بر آن است، و به حق فرشته‌ای که آن را حفر نموده و به حق وصی که در درون آن است، درود بفرست بر محمد و آل محمد و قرار بده این تربت را شفاء از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی.

سپس حضرت فرمودند:

اگر شخصی چنین کند جتماً تربت شفاء از هر دردی خواهد بود و از هر خوفی امان برایش می‌باشد.



متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو وَشَيْخٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، عَنْ أَبِي هَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: كُنْتُ بِمَكَّةَ - وَذَكَرَ فِي حَدِيثِهِ - قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي رَأَيْتُ أَصْحَابَنَا يَأْخُذُونَ مِنْ طِينِ الْحَائِرِ لِيَسْتَشْفَوْا بِهِ؛ هَلْ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مِمَّا يَقُولُونَ مِنَ الشِّفَاءِ؟ قَالَ: قَالَ: يُسْتَشْفَى بِمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْقَبْرِ عَلَى رَأْسِ أَرْبَعَةِ أَمْيَالٍ، وَكَذَلِكَ قَبْرُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، وَكَذَلِكَ طِينُ قَبْرِ الْحَسَنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ، فَخُذْ مِنْهَا فَإِنَّهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ، وَجُنَّةٌ مِمَّا يُخَافُ، وَلَا يَعْدِلُهَا شَيْءٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ الَّتِي يَسْتَشْفَى بِهَا إِلَّا الدُّعَاءُ، وَإِنَّمَا يَفْسِدُهَا مَا يَخَالِطُهَا مِنْ أَوْعِيَّتِهَا وَ قَلَّةِ الْيَقِينِ لِمَنْ يُعَالِجُ بِهَا، فَأَمَّا مَنْ أَيْقَنَ أَنَّهَا لَهُ شِفَاءٌ إِذَا يُعَالِجُ بِهَا كَفَّتْهُ بِإِذْنِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِهَا مِمَّا يَتَعَالَجُ بِهِ، وَ

یفسدها الشیاطین و الجنُّ من أهل الکفر من هم يتمسحون بها، و ما تمزُّ بشئٍ إلا شتمها، و أمّا الشیاطین و کفار الجنِّ فإنهم یحسدون بنی آدم علیها فیتمسحون بها فیذهب عامّة طیبها، و لا یُخرج الطّین من الحائر إلا و قد استعدّ له ما لا یحصی منهم و أنه لني يد صاحبها، و هم يتمسحون بها، و لا یقدرون مع الملائکة أن یدخلوا الحائر و لو کان من التّربة شئٌ یسلم ما عولج به أحدٌ إلا برئ من ساعته، فإذا أخذتها فاکتُمها، و أكثر علیها من ذکر الله تعالی، و قد بلغنی أنّ بعض من یأخذ من التّربة شیئاً یتخفّ به حتّى أنّ بعضهم لیطرحها فی مخلاة الإبل و البغل و الحمار أو فی وعاء الطّعام و ما یمسح به الأیدی من الطّعام، و الخرج و الجوالق! فکیف یتشفي به من هذا حاله عنده؟! و لكنّ القلب الَّذی لیس فیهِ [ال]یقین من المُستخفّ بما فیهِ صلاحه یفسد علیه عمله».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدّش علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از عبدالله بن عبدالرحمن اضم، وی می گوید:
ابوعمر و که شیخی از اهل کوفه بود برای ما حدیث گفت، وی از ابو حمزه ثمالی و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت: من در مکه بودم (... در اثناء حدیثش گفت):

فدايت شوم می بینم اصحابمان را که تربت حائر را برای استشفاء اخذ می کنند، آیا اینکه می گویند در این تربت شفاء هست درست است؟
وی گفت: امام علیه السلام فرمودند:

استشفاء می جویند به تربتی که از قبر تارأس چهار میلی قرار گرفته و شفاء

حاصل می شود و همچنین است قبر جذم رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز همینطور است تربت قبر حضرات امام حسن و علی بن الحسین و محمد بن علی علیهم السلام، پس از تربت این قبور مطهره اخذ کن که شفاء است برای هر دردی و حافظ است از آنچه خوف و هراسی داری و هیچ داروئی معادل آن نبوده مگر دعاء. و باید توجه داشت اگر فسادى در این تربت دیده می شود و احیاناً تأثیری ندارد این فساد ناشی از سه چیز است:

الف: آنچه با آنها مخلوط می گردد (مراد ظروفی است که تربت ها را در آنها می ریزند)

ب: کسانی که با این تربت استشفاء می جویند اعتقاد و یقینشان به حصول شفاء اندک می باشد.

ولی آنانکه یقین کامل دارند که در صورت معالجه با آن شفاء بر ایشان حاصل می شود و آنرا بکار بردند به اذن خدا معالجه شده و این تربت آنها را از داروهای دیگر مستغنی می نماید.

ج: شیاطین و جن هائی هستند از اهل کفر که تربت را مسح نموده و بدین ترتیب آن را فاسد می کنند این موجودات به چیزی مرور نکرده مگر آنکه آن را می بویند و بواسطه استشمام اثر تربت را می برند.

شیاطین و جن های اهل کفر بر بنی آدم حسد برده و این تربت را مسح نموده و بوی آن را از بین می برند و اساساً تربت از حائر خارج نمی شود مگر آنکه جماعتی از این شیاطین و جن ها که تعدادشان قابل احصاء نیست آماده اند برای اینکه تربت را اگر چه در دست صاحبش هست مسح نموده و اثرش را زائل کنند و اینکه بیرون حائر هستند و نمی توانند به درون آن نفوذ کنند بخاطر وجود فرشتگان در حائر می باشد.

و اگر تربتی سالم بوده و از تماس شیاطین و جن ها در امان مانده باشد مسلماً احدی با آن معالجه نکرده مگر آنکه در ساعت بهبودی برایش حاصل می شود،

بنابر این اگر می‌خواهی تربت سالم بماند وقتی اخذش نمودی پنهانش کن و زیاد اسم خداوند متعال را بر آن بخوان و بدم.

خبر رسیده که برخی از کسانی که تربت را اخذ نموده‌اند آنرا مورد استحفاف قرار داده حتی پاره‌ای از ایشان آنرا در توبره و علف دان شتر و قاطر و دراز گوش یا در ظرف طعام انداخته و یا با دست‌های آلوده به طعام و غذا آنرا مسح نموده و یا آن را در خورجین می‌نهند و با این حال چگونه با آن شفاء حاصل شود؟ چنانچه قلبی که در آن یقین و اعتقاد به تأثیر تربت نیست و صاحبش به آنچه مصلحت و صلاح خودش در آن است استحفاف می‌ورزد اثر و عمل تربت را قطعاً فاسد می‌نماید.



متن:

۶- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّقَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ - مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ رَزَقِ اللَّهِ بْنِ الْعَلَاءِ، عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ عَمْرٍو السَّرَّاجِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: يُوْخَذُ طِينُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام مِنْ عِنْدِ الْقَبْرِ عَلَى سَبْعِينَ بَاعاً فِي سَبْعِينَ بَاعاً».

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ - رَفَعَهُ - «قَالَ: قَالَ: الْحَقَمُ عَلَى طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَنْ يَقْرَأَ عَلَيْهِ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»».

۸- وَ رَوِيَ إِذَا أَخَذْتَهُ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الطَّاهِرَةِ، وَبِحَقِّ الْبُقْعَةِ الطَّيِّبَةِ، وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي تُوَارِيهِ، وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَأَبِيهِ، وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ، وَالْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ يُحْفُونَ بِهِ، وَالْمَلَائِكَةِ الْعُكُوفِ عَلَى قَبْرِ وَلِيِّكَ، يَنْتَظِرُونَ نَصْرَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَجْعَلْ لِي فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَ

أَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَغِنًى مِنْ كُلِّ فَقْرٍ، وَعِزًّا مِنْ كُلِّ ذُلٍّ، وَأَوْسَعَ بِهِ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، وَأَصَحَّ بِهِ جِسْمِي».

ترجمه: ﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از رزق الله بن العلاء، از سلیمان بن عمرو سراج از برخی اصحابمان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند: تربت قبر حسین علیه السلام را از اطراف قبر به مساحت هفتاد باع در هفتاد باع می توان اخذ نمود.

﴿ حدیث هفتم ﴾

محمد بن یعقوب، از علی بن محمد، وی حدیث را بطور مرفوعه نقل کرده و گفته است:

ختم بر تربت قبر حسین علیه السلام و متمم فائده آن این است که سوره انا انزلناه فی لیلۃ القدر را بر آن خوانده و به آن بدمند.

﴿ حدیث هشتم ﴾

مروی است هرگاه تربت را اخذ نمودید بگویند:

خدایا، بحق این تربت پاک و به حق این بقعه پاکیزه و به حق وصی که این تربت پنهانش نموده و به حق جد و پدرش، و مادر و برادرش، و فرشتگانی که دورش طواف می کنند و به حق فرشتگانی که بر سر قبر ولی تو درنگ و توقف نموده و انتظار کمکش را می کشند صلوات الله علیهم اجمعین.

برای من در این تربت شفاء از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی و بی نیازی از هر فقری و عزت از هر ذلتی را قرار بده و به واسطه اش روزی را بر من فراخ و واسع نما، و جسمم را به سببش صحیح و سالم گردان.

متن:

۹- حدَّثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري، عن أبيه، عن علي بن محمد بن سالم، عن محمد بن خالد، عن عبد الله بن حماد البصري، عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم - عن رجل من أهل الكوفة - «قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: حريم قبر الحسين عليه السلام فرسخ في فرسخ في فرسخ في فرسخ».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه

محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبد الله بن حماد بصری از عبد الله بن عبد الرحمن اصم، از مردی از اهل کوفه، وی گفت: حضرت ابو عبد الله عليه السلام فرمودند: حريم قبر حسين عليه السلام از چهار جانب محوطه ای است به مساحت یک فرسخ در یک فرسخ یعنی مربعی که هر ضلعش یک فرسخ می باشد.

متن:

۱۰- حدَّثني جعفر بن محمد بن إبراهيم الموسوي، عن عبيد الله بن نهيك، عن سعد بن صالح، عن الحسن بن علي بن أبي المغيرة، - عن بعض أصحابنا - «قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إني رجل كثير العِلل و الأمراض، و ما ترك دواء إلا و قد تداويت به؟ فقال لي: فأين أنت عن تربة الحسين عليه السلام فإن فيها الشفاء من كل داء، و الأمن من كل خوف، و قل - إذا أخذته -:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الطَّيْنَةِ، وَ بِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي أَخَذَهَا،

وَبِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي قَبَضَهَا، وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حُلَّ فِيهَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَاجْعَلْ لِي فِيهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَأَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ».

قال: ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْمَلِكَ الَّذِي أَخَذَهَا جَبْرِئِيلُ وَ أَرَاهَا النَّبِيُّ عليه السلام فَقَالَ: هَذِهِ تَرَبَّةُ ابْنِكَ هَذَا، تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ، وَ النَّبِيُّ الَّذِي قَبَضَهَا فَهُوَ مُحَمَّدٌ عليه السلام، وَأَمَّا الْوَصِيُّ الَّذِي حُلَّ فِيهَا فَهُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ، قُلْتُ: قَدْ عَرَفْتُ الشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، فَكَيْفَ الْأَمَانُ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ؟ قَالَ: إِذَا خِفْتَ سُلْطَاناً أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا تَخْرُجْ مِنْ مِزْلِكَ إِلَّا وَ مَعَكَ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، وَ قُلْ إِذَا أَخَذَتْهُ: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ طِينَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، اتَّخَذْتُهَا جِزْزاً لِمَا أَخَافُ وَلِمَا لَا أَخَافُ» فَإِنَّهُ قَدْ يَرُدُّ عَلَيْكَ مَا لَا تَخَافُ؛

قال الرَّجُلُ: فَأَخَذْتُهَا مَا قَالَ فَصَبَّخْتُ وَاللَّهِ بَدَنِي، وَكَانَ لِي أَمَاناً مِنْ كُلِّ مَا خِفْتُ وَمَا لَمْ أَخَفْ كَمَا قَالَ، فَمَا رَأَيْتُ بِحَمْدِ اللَّهِ بَعْدَهَا مَكْرَهاً».

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمہ

جعفر بن محمد بن ابراہیم موسوی، از عبید اللہ بن نہیک، از سعد بن صالح، از حسن بن علی بن ابی المغیرہ، از برخی اصحابمان، وی گفت: محضر مبارک ابی عبد اللہ علیہ السلام عرضه داشتیم:

من مردی هستم مبتلا به بیماری های فراوان و هیچ دوائی نیست مگر آن را مصرف کرده و به منظور مداوا خورده ام ولی بهبودی برایم حاصل نشده چه باید بکنم؟

حضرت به من فرمودند:

کجائی، و چرا از تربت حسین علیہ السلام غافل هستی، در آن شفاء از هر دردی بوده

و امن است از هر خوف و هراسی، البته وقتی آنرا اخذ می‌کنی بگو:
 خدایا از تو می‌خواهم به حق این تربت و به حق فرشته‌ای که آنرا اخذ نموده
 و به حق پیامبری که آن را قبض کرده و به حق وصی که در آن حلول نموده، درود
 فرست بر محمد و اهل بیتش و قرار بده برای من در آن شفاء از هر دردی و امان
 از هر خوف و هراسی.

راوی می‌گوید: سپس حضرت فرمودند:

فرشته‌ای که تربت را اخذ کرد جبرئیل علیه السلام بود و آن را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 نشان داده و گفت:

این تربت فرزندان حسین است، بعد از تو امت او را می‌کشند.

و پیامبری که آن را قبض نمود وجود مبارک حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد.
 و اما وصی که در آن حلول کرده عبارت است از حضرت حسین بن علی
علیه السلام که سرور و آقای شهداء است.

محضر مبارکش عرض کردم: شفاء از هر درد را دانستم اما چگونه امان از هر
 خوف و هراسی است؟
 حضرت فرمودند:

هرگاه از سلطانی خوف داشتی یا خوفی دیگر در تو پیدا شد از منزلت بیرون
 می‌آید مگر آنکه با تو از تربت قبر حسین علیه السلام باشد و هنگامی که می‌خواهی آن را
 اخذ کرده و برداری بگو:

خدایا این تربت قبر حسین ولی و فرزند ولی تو است، آن را به منظور حفظ از
 آنچه خوف و از آنچه خوف ندارم برداشته‌ام.

البته این فقره یعنی «از آنچه خوف ندارم» را نیز بگو زیرا گاهی ابتلائات و
 حوادثی برای تو پیش می‌آید که از آنها خوف و هراسی نداشتی و احتمال پیش
 آمدنش را نمی‌دادی.

راوی می‌گوید: پس تربت را به همان طوری که حضرت دستور فرموده بودند

برداشتیم، بخدا سوگند بدنم صحت و بهبودی یافت و برایم امان شد از تمام خوفها و هراسها به او از آنچه خوف و هراسش را نداشتیم عیناً همان طوری که حضرت فرمودند و پس از آن به حمدلله هیچ امر مکروه و ناگواری برایم پیش نیامد.

متن:

۱۱ - أخبرني حكيم بن داود بن حكيم، عن سَلَمَةَ، عن أحمد بن إسحاق القزويني، عن أبي بَكَّارٍ «قال: أخذتُ مِنَ التُّرْبَةِ الَّتِي عِنْدَ رَأْسِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ - عَلِيٍّ عليه السلام، فَإِنَّهَا طَيِّبَةٌ حَمْرَاءُ، فَدَخَلْتُ عَلَى الرَّضَاءِ عليه السلام فَعَرَضْتُهَا عَلَيْهِ فَأَخَذَهَا فِي كَفِّهِ، ثُمَّ شَمَّهَا ثُمَّ بَكَى حَتَّى جَرَتْ دُمُوعُهُ، ثُمَّ قَالَ: هَذِهِ تَرَبَّةٌ جَدِّي».

۱۲ - حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِيُّ بِالْعَسْكَرِ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ «قال: قال الصادق عليه السلام: إِذَا أُرِدْتَ حَمْلَ الطِّينِ مِنْ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَاقْرَأْ «فَاتِحَةَ الْكِتَابِ» وَ «الْمُعَوِّذَتَيْنِ» وَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» وَ «يَسَّ» وَ «آيَةَ الْكُرْسِيِّ» وَ تَقُولُ:

«اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ، وَبِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِكَ أَخِي رَسُولِكَ، وَبِحَقِّ فاطمة بنتِ نبيِّكَ وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَبِحَقِّ الْأئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ، وَبِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الْمُؤَكَّلِ بِهَا، وَبِحَقِّ

الْوَصِيِّ الَّذِي حُلَّ فِيهَا، وَبِحَقِّ الْجَسَدِ الَّذِي تَضَعَنْتَ وَبِحَقِّ السُّبْطِ الَّذِي ضَمَنْتَ، وَبِحَقِّ جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي هَذَا الطِّينَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَلِمَنْ يَسْتَشْفِي بِهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ، وَأَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَرِزْقاً وَاسِعاً، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ وَآفَةٍ وَعَاهَةِ وَجَمِيعِ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و تقول: «اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمِسْمُونَةِ، وَالْمَلِكِ الَّذِي هَبْطَ بِهَا، وَالْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ، وَانْقِصِ بِهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».



﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه، از احمد بن اسحق قزوینی، از ابی بکار، وی گفت:

از تربتی که بالای سر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام بود مقداری برداشتم، این تربت سرخ رنگ بود، پس بر حضرت رضا علیه السلام وارد شده و آن را به حضرت عرضه داشتم.

آن جناب تربت را در کف دستشان نهاده و بوئیدند، سپس چنان گریستند که اشک‌های مبارک‌شان جاری شد، سپس فرمودند: این تربت جدم می‌باشد.

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسکری در عسکر گفت:

حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از محمد بن ابی عمیر، از محمد بن مروان، از ابی حمزه ثمالی نقل کرده که وی گفت: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه خواستی تربت از قبر حسین علیه السلام برداری و با خود ببری ابتداء فاتحه الكتاب و معوذتین (قل اعوذ برب الفلق، و قل اعوذ برب الناس) و قل هو الله احد و انا انزلناه فی ليلة القدر و یس و آیه الكرسی را بخوان و سپس بگو: بار خدایا به حق محمد که بنده و رسول و حبیب و نبی و امین توست و به حق امیرالمومنین علی بن ابی طالب که بنده و برادر رسول تو است و به حق فاطمه که دختر نبی و همسر ولی تو است و به حق حسن و حسین و به حق پیشوایان که هادیان و راهنمایان هستند و به حق این تربت و به حق فرشته‌ای که موکل بر آن است و به حق وصی که در آن حلول کرده و به حق جسم و کالبدی که این تربت آن را در خود گرفته و به حق سبط پیامبر که درون این تربت است و به حق تمام فرشتگان و انبیاء و فرستادگان، درود فرست بر محمد و آل محمد، و این تربت را برای من و برای هر کس که با آن استشفاء می‌جوید شفاء از هر درد و مرض و امان از هر خوف و هراسی قرار بده، خدایا، به حق محمد و اهل بیتش آنرا شاخصی نافع و رزقی واسع و شفاء از هر درد و مرض و آفت و عیب و سبب بهبودی تمام دردها قرار بده، به درستی که تو بر هر چیزی قادر و توانا می‌باشی. و بعد بگو:

خدایا ای پروردگار این تربت مبارک و میمون و ای پروردگار فرشته‌ای که آن را فرود آورده و ای پروردگار وصی که در آن می‌باشد، درود فرست بر محمد و آل محمد و من را بوسیله آن متفع گردان، تو بر هر چیزی قادر و توانا می‌باشی.

﴿ الباب الرابع و التسعون ﴾

﴿ ما يقول الرجل إذا أكل من تربة قبر الحسين عليه السلام ﴾

متن:

١- حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن محمد بن عيسى ابن - عبيد، عن محمد بن إسماعيل البصري - عن بعض رجاله - عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: طين قبر الحسين عليه السلام شفاء من كل داء، وإذا أكلته فقل: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً وَاسِعاً، وَعِلْماً نَافِعاً وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»».

٢- قال و روى لي بعض أصحابنا - يعني محمد بن عيسى - قال: نسيت إسناده «قال: إذا أكلته تقول: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ، وَرَبِّ هَذَا الْوَصِيِّ الَّذِي وَارَثَهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً، وَرِزْقاً وَاسِعاً، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ»».

٣- حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن أبيه، عن الحسن ابن - محبوب، عن مالك بن عطية، عن أبيه، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: إذا أخذت من تربة المظلوم ووضعتها في فيك فقل:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي قَبَضَهَا، وَالنَّبِيِّ الَّذِي حَصَّنَهَا، وَالْإِمَامِ الَّذِي حُلَّ فِيهَا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي فِيهَا شِفَاءً نَافِعاً، وَرِزْقاً وَاسِعاً، وَأَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَدَاءٍ».

فإنه إذا قال ذلك وَهَبَ اللَّهُ لَهُ الْعَافِيَةَ وَ شَفَاهُ».

﴿ باب نود و چهارم ﴾

﴿ آنچه شخص هنگام تناول نمودن تربت می‌گوید ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله از محمد بن عیسی بن عبید، از محمد بن اسماعیل بصری، از برخی رجالش، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

تربت قبر حسین علیه السلام شفاء هر دردی است و هرگاه آن را تناول می‌کنی بگو: به نام خدا و به کمک او، خدایا آن را روزی فراخ و شاخصی نافع و شفاء هر دردی قرار بده همانا تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی.

﴿ حدیث دوم ﴾

سعد بن عبدالله می‌گوید: برخی از اصحاب، که مراد محمد بن عیسی است برایم روایت نمود و گفت:

اسناد این حدیث را فراموش نموده‌ام، حضرت فرمودند:

هرگاه تربت را تناول می‌کنی بگو:

خدایا ای پروردگار این تربت مبارک، و ای پروردگار این وصی که تربت او را پنهان نموده، درورد فرست بر محمد و آل محمد، و قرار بده این تربت را شاخصی نافع و روزی فراخ و شفاء از هر دردی.

﴿ حدیث سوم ﴾

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از مالک بن عطیه، از پدرش، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هرگاه از تربت آن مظلوم برداشتی و در دهانت نهادی بگو:
 خدایا از تو سوال می‌کنم به حق این تربت، و به حق فرشته‌ای که آن را قبض
 نموده، و به حق پیامبری که آنرا حفظ و محکم کرده و به حق امامی که در آن
 حلول نموده، درود فرست بر محمد و آل محمد و قراب بده برای من در آن
 شفائی نافع و روزی فراخ و امان از هر خوف و هراس و درد.
 هرگاه شخص این فقرات را بگوید خداوند متعال عافیت و شفا را به وی
 ارزانی می‌دارد.

﴿الباب الخامس و التسعون﴾

﴿إِنَّ الطَّيْنَ كُلَّهُ حَرَامٌ إِلَّا طَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ﴾

متن:

۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ؛ وَجَمَاعَةٌ مُشَايخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى،
 عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ - عَنْ رَجُلٍ - عَنْ أَبِي
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: الطَّيْنُ كُلُّهُ حَرَامٌ، كُلُّهُمُ الْخِنْزِيرُ، وَمَنْ أَكَلَهُ ثُمَّ مَاتَ
 مِنْهُ لَمْ أَصِلْ عَلَيْهِ، إِلَّا طَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَ
 مَنْ أَكَلَهُ بِشَهْوَةٍ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شِفَاءً».

۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنْ عَبَّادِ
 بْنِ - سَلِيمَانَ، عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحُسَيْنِ عليه السلام عَنْ الطَّيْنِ،
 قَالَ: فَقَالَ: أَكَلَ الطَّيْنِ حَرَامٌ مِثْلُ الْمَيْتَةِ وَالدَّمِّ وَلَحْمِ الْخِنْزِيرِ إِلَّا طَيْنَ قَبْرِ
 الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَآمِنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ».

۳ - حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ

الحسن بن - عَلِيُّ بْنُ قُضَّالٍ، عَنْ أَبِيهِ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام «قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ آدَمَ عليه السلام مِنْ طِينٍ، فَحَرَّمَ الطِّينَ عَلَى وَلَدِهِ، قَالَ: فَقُلْتُ: مَا تَقُولُ فِي طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ: يَحْرُمُ عَلَى النَّاسِ أَكْلُ لَحْمِهِمْ، وَيَحِلُّ عَلَيْهِمْ أَكْلُ لَحْمِنَا، وَلَكِنْ الشَّيْءُ الْيَسِيرُ مِنْهُ مِثْلُ الْحِصَّةِ».

۴ - وَرَوَى سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: كُلُّ طِينٍ حَرَامٌ عَلَى بَنِي آدَمَ مَا خَلَّاطِينَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، مَنْ أَكَلَهُ مِنْ وَجَعِ شَفَاهِ اللَّهِ تَعَالَى».

۵ - وَوَجَدْتُ فِي حَدِيثِ الْحُسَيْنِ بْنِ مِهْرَانَ الْفَارِسِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ - يَرْفَعُ الْحَدِيثَ إِلَى الصَّادِقِ عليه السلام - «قَالَ: مَنْ بَاعَ طِينَ قَبْرِ - الْحُسَيْنِ عليه السلام فَإِنَّهُ يَبِيعُ لَحْمَ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ يَشْتَرِيهِ».

﴿ باب نود و پنجم ﴾

﴿ حرمت خوردن تمام تربت‌ها مگر تربت قبر امام حسین علیه السلام ﴾

﴿ زیرا شفاء هر دردی می‌باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب، و جماعتی از اساتیدم، از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابی یحیی واسطی از مردی، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند:

خوردن تمام تربت‌ها حرام است همچون خوردن گوشت خوک و کسی که آن را بخورد و سپس از ناحیه آن بمیرد من بر او نماز نمی‌خوانم مگر تربت قبر

حسین علیه السلام چه آنکه در آن شفاء از هر دردی است و کسی که آنرا با میل بخورد نه به عنوان استشفاء البتّه در آن شفاء نمی باشد.

﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفّار، از عباد بن سلیمان، از سعد ابن سعد، وی گفت: از حضرت ابی الحسن علیه السلام راجع به خوردن تربت پرسیدم؟ حضرت فرمودند:

خوردن تربت حرام است همان طوری که خوردن میته و خون و گوشت خوک حرام است مگر تربت قبر امام حسین علیه السلام زیرا در آن شفاء از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی است.



﴿ حدیث سوم ﴾

ابو عبدالله محمد بن احمد بن یعقوب، از علی بن الحسن بن علی بن فضال، از پدرش، از برخی اصحاب، از احمد الصادقین علیهم السلام، حضرت فرمودند: خداوند تبارک و تعالی آدم علیه السلام از تربت آفریده پس خوردن تربت را بر فرزندان آدم حرام فرمود.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: چه می فرمائید راجع به تربت قبر امام حسین علیه السلام؟ حضرت فرمودند:

بر مردم خوردن گوشت های خودشان حرام است ولی خوردن گوشت ما بر ایشان حلال است منتهی قدر کمی اندازه نخورد.

﴿ حدیث چهارم ﴾

سماعه بن مهران روایت کرده از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که آن جناب

فرمودند:

خوردن تمام تربت‌ها بر بنی آدم حرام است مگر تربت قبر امام حسین علیه السلام، زیرا کسی که درد دارد اگر آن را بخورد خداوند متعال او را شفاء می‌دهد.

﴿ حدیث پنجم ﴾

در حدیث حسین بن مهران فارسی یافتیم از محمد بن سیار، از یعقوب بن یزید که حدیث را بطور مرفوعه از حضرت صادق نقل کرده، حضرت فرمودند: کسی که تربت قبر امام حسین علیه السلام را بفروشد پس گوشت آن حضرت را فروخته و خریده است.



﴿ الباب السادس والتسعون ﴾

﴿ مَنْ نَأَتْ دَارُهُ وَبَعُدَتْ شُقَّتُهُ كَيْفَ يَزُورُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ ﴾

متن:

- ۱- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدٍ؛ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ - عَمَّنْ رَوَاهُ - «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِذَا بَعُدَتْ بِأَحَدِكُمُ الشُّقَّةُ وَ نَأَتْ بِهِ الدَّارُ فَلْيَعْلِ أَعْلَى مَنْزِلٍ لَهُ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ وَ لِيَوْمٍ بِالسَّلَامِ إِلَى قُبُورِنَا، فَإِنَّ ذَلِكَ يَصِيرُ إِلَيْنَا».
- ۲- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قُلُوبِهِ جَمِيعاً، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سَلْيَانَ النَّيْسَابُورِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيِّ، عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ حَنَانَ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - «قَالَ:

قال أبو عبد الله عليه السلام: يا سديرُ وما عليك أن تزور قبر الحسين عليه السلام في كلِّ جمعة خمس مرّات؛ وفي كلِّ يوم مرّة؟ قلت: جعلتُ فداك إنَّ بيننا وبينه فراسخ كثيرة، فقال: تصعد فوق سطحك، ثمَّ تلتفتُ يميناً و يسرة، ثمَّ ترفع رأسك إلى السماء، ثمَّ تتحوّل نحو قبر الحسين، ثمَّ تقول: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»، يكتب لك زورة، و الزورة حَبَّةٌ و عُمرة، قال سديرُ: فربما فعلته في النَّهار أكثر من عشرين مرّةً».

﴿ باب نود و ششم ﴾

﴿ کیفیت زیارت نمودن کسی که منزل و وطنش از ﴾

﴿ قبر حضرت سیدالشهداء دور می باشد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه از سعد، و محمد بن یحیی، از احمد بن محمد بن عیسی، از محمد بن ابی عمیر، از کسی که روایت نموده، وی می گوید:
حضرت ابو عبد الله عليه السلام فرمودند:

هر گاه منزل و وطن یکی از شما به ما دور بود بالاترین مکان منزل را انتخاب کند و در آنجا دو رکعت نماز خوانده و با اشاره به قبور ما سلام دهد، سلام وی حتماً به ما خواهد رسید.

﴿ حدیث دوم ﴾

علی بن الحسین و علی بن محمد بن قولویه جمیعاً، از محمد بن یحیی عطار،

از حمزان بن سلیمان نیشابوری، از عبدالله بن محمد یمانی از منیع ابن حجاج، از یونس بن عبدالرحمن از حنان بن سدير، از پدرش در ضمن حدیث طویل می گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای سدير، این حق بر تو نیست که قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه پنج مرتبه و در هر روز یک بار زیارت کنی عرض کردم: فدایت شوم بین ما و بین آن حضرت فرسخ های بسیار فاصله است.

حضرت فرمودند:

بر بام منزل برو سپس بطرف راست و جانب چپ خود توجه کن بعد سر به آسمان بلند کن، سپس سر را بطرف قبر امام حسین علیه السلام برگردان و بعد بگو:
درود بر تو ای ابا عبدالله، درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو.
هر گاه چنین نمودی ثواب یک زوره برای تو منظور می شود.
زوره یعنی یک حج و یک عمره.

سدير می گوید: بسی روزها بیش از بیست مرتبه حضرت را این طور زیارت می کردم

متن:

۳- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ [عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ]، عَنْ مَنِيعٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: يَا سَدِيرُ تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فِي كُلِّ يَوْمٍ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا، قَالَ: مَا أَجْفَاكُمْ! أَتَزُورُهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قُلْتُ: يَكُونُ ذَلِكَ، قَالَ: يَا سَدِيرُ مَا أَجْفَاكُمْ بِالْحُسَيْنِ علیه السلام أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ أَلْفَ

ألف مَلِك شُغْثاً غُبْرًا يَبْكُونُ وَيَزُورُونَ لَا يَفْتَرُونَ؟ وَمَا عَلَيْكَ يَا سَدِيرُ أَنْ تَزُورَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (ع) فِي كُلِّ جُمُعَةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ؟ - وَذَكَرَ مِثْلَ الْحَدِيثِ الْأَوَّلِ -.

۴- وروی سلیمان بن عیسی، عن أبیه «قال: قلت لأبي عبد الله (ع): کیف أزورك إذا لم أقدر علی ذلك؟ قال: قال لی: یا عیسی إذا لم تقدر علی المجئ، فإذا کان یوم الجمعة فاغتسل أو توضأ واضعاً إلی سَطْحِک، وَصَلْ رَکْعَتَینِ وَتَوَجَّهْ نَحْوی، فَإِنَّهُ مَنْ زَارَنِي فِي حَیَاتِي فَقَدْ زَارَنِي فِي مَمَاتِي، وَ مَنْ زَارَنِي فِي مَمَاتِي فَقَدْ زَارَنِي فِي حَیَاتِي».

﴿ حَدِيثُ سَوْم ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود، از سلمة بن خطاب، از عبدالله بن محمد سنان، از منیع، از یونس بن عبدالرحمن از حنان بن سدید، از پدرش، وی گفت:
حضرت ابو عبدالله (ع) فرمودند:

ای سدید آیا در هر روز قبر امام حسین (ع) را زیارت می کنی:
عرض کردم: فدایت شوم، خیر
حضرت فرمودند:

چقدر جفا می کنی! آیا در هر ماه زیارت می کنی:
عرض کردم: خیر.
فرمودند:

آیا در هر سال زیارت می کنی:
عرض کردم: این طور است.
حضرت فرمودند:

ای سدید چقدر به حسین (ع) جفا می کنید، آیا نمی دانی خداوند متعال یک

میلیون فرشته دارد که جملگی ژولیده و غبار آلود و گریان هستند و با این حال و هئیت حضرت سیدالشهداء را زیارت کرده و از آن خسته و مست نمی شوند: ای سدید این حق بر تو نیست که قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه پنج بار زیارت کنی، و مانند فقرات حدیث اول را ذکر فرمودند.

﴿ حدیث چهارم ﴾

سلیمان بن عیسی از پدرش روایت کرده، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله علیه السلام عرض کردم: وقتی قادر بر زیارت شما نباشم چگونه زیارتتان کنم: حضرت به من فرمودند:

ای عیسی، وقتی بر آمدن نزد ما قادر نبودی صبر کن تا روز جمعه شود پس غسل کن یا وضوء بگیر و سپس به پشت بام برو و دو رکعت نماز بخوان و سپس به طرف من توجه کن، کسی که من را در حیاتم زیارت کند محققاً در ممات من نیز زیارتم کرده و کسی که در مماتم زیارتم کند محققاً در حیاتم من را زیارت کرده.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الدَّهْقَانِ، عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحِجَّاجِ، عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ «قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: يَا سَدِيرُ تَكْثُرُ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ؟ قُلْتُ: إِنَّهُ مِنَ الشَّغْلِ، فَقَالَ: أَلَا أَعْلَمُكَ شَيْئاً إِذَا أَنْتَ فَعَلْتَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِذَلِكَ الزَّيَارَةَ؟ فَقُلْتُ: بَلَى جُعِلَتْ فِدَاكَ، فَقَالَ لِي: اغْتَسِلْ فِي مِزْلِكَ وَاصْعَدْ إِلَى سَطْحِ دَارِكَ وَاشْرُ إِلَيْهِ

بالسَّلام، تكتب لك بذلك الزيارة».

۶ - حدَّثني مُحَمَّد بن الحسن، عن مُحَمَّد بن الحسن الصَّفَّار، عن أحمد بن - مُحَمَّد بن عيسى، عن إسماعيل بن سهل، عن أبي أحمد - عَمَّن رواه - «قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: إِذَا بَعُدَتْ عَلَيْكَ الشُّقَّةُ وَنَأَتْ بِكَ الدَّارُ فَلْتَعْلِ عَلَى أَعْلَى مَنْزِلِكَ وَلْتُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، فَلْتَوُِّمَّ بِالسَّلامِ إِلَى قُبُورِنَا فَإِنَّ ذَلِكَ يَصِلُ إِلَيْنَا».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزازی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از عبدالله بن محمد الدهقان، از منیع بن الحجاج، از حنان بن سدير، از پدرش، وی گفت:
حضرت ابو عبدالله عليه السلام به من فرمودند:

ای سدير، آیا زیاد به زیارت قبر ابی عبدالله الحسین عليه السلام می روی؟

مراد این است که چرا زیاد به زیارت آن حضرت نمی روی؟

محضر مبارکش عرض کردم: این زیاد به زیارت نرفتن ناشی از اشتغالات و گرفتاری هایم می باشد.

حضرت فرمودند:

آیا چیزی به تو تعلیم بکنم که وقتی انجامش دادی خدا بواسطه آن ثواب زیارت را به تو بدهد؟

عرض کردم: فدایت شوم آری.

حضرت فرمودند:

در منزلت غسل کن و به پشت بام برو و با اشاره به آن حضرت سلام کن، با همین عمل خداوند متعال ثواب زیارت به تو خواهد داد.

﴿ حدیث ششم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن حسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از اسماعیل بن سهل، از ابو احمد (محمد بن ابی عمیر) از کسی که این حدیث را نقل نموده می گوید:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی که خانه و منزلت دور بود بر بالای بام منزل برو دو رکعت نماز بگذار و با اشاره به قبور و مزار ما سلام بده که سلام تو به ما خواهد رسید.

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي - عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ - رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - قَالَ: دَخَلَ حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ الصَّرِيفِيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ - فَقَالَ: يَا حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ تَزُورُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي كُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فِي كُلِّ شَهْرَيْنِ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: مَا أَجْفَاكُمْ لِسَيِّدِكُمْ! فَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ قَلَّةُ الزَّادِ وَبُعْدُ الْمَسَافَةِ، قَالَ: أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى زِيَارَةِ مَقْبُولَةٍ وَإِنْ بَعْدَ النَّأْيِ؟ قَالَ: فَكَيْفَ أَزُورُهُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: اغْتَسِلْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوْ أَيَّ يَوْمٍ شِئْتَ، وَالْبَسْ أَطْهَرَ ثِيَابِكَ وَاضْعُدْ إِلَى أَعْلَى مَوْضِعٍ فِي دَارِكَ أَوِ الصَّحَرَاءِ، فَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ أَنَّ الْقَبْرَ هُنَا لَكَ، يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «أَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ». ثُمَّ قُلْ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنِ مَوْلَايَ، وَسَيِّدِي وَابْنِ سَيِّدِي،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ الشَّهِيدَ بْنَ الشَّهِيدِ، وَالْقَتِيلَ بْنَ الْقَتِيلِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَنَا زَائِرُكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِقَلْبِي وَلِسَانِي
وَجَوَارِحِي، وَإِنْ لَمْ أَزُورْكَ بِنَفْسِي مُشَاهِدَةً لِقَيْتِكَ، فَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا
وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، وَوَارِثَ نُوحٍ نَبِيَّ اللَّهِ، وَوَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ،
وَوَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، وَوَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، وَوَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ
اللَّهِ وَنَبِيِّهِ وَرَسُولِهِ، وَوَارِثَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ،
وَوَارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَيْكَ، وَجَدَّدَ
عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، أَنَا يَا سَيِّدِي مُتَقَرِّبٌ إِلَى
اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، وَإِلَى جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ، وَإِلَى أَبِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِلَى
أَخِيكَ الْحَسَنِ، وَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، فَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ، بِزِيَارَتِي لَكَ بِقَلْبِي وَلِسَانِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي، فَكُنْ لِي يَا سَيِّدِي
شَفِيعِي لِقَبُولِ ذَلِكَ مِنِّي، وَأَنَا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَانِكَ وَاللَّغْنَةِ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ
أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ، فَعَلَيْكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَرِضْوَانُهُ
وَرَحْمَتُهُ».

ثمَّ تتحوَّل على يسارك قليلاً و تحوَّل وجهك إلى قبر علي بن
الحسين عليه السلام، و هو عند رجل أبيه، و تسلم عليه مثل ذلك، ثم ادعُ الله
بما أحببت من أمر دينك و دُنْيَاكَ، ثم تصلي أربع ركعات فإن صلاة
الزيارة ثمان أو ست أو أربع أو ركعتان، و أفضلها ثمان، ثم تستقبل
نحو قبر أبي عبد الله عليه السلام و تقول:

«أَنَا مُودِّعُكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنِ مَوْلَايَ، وَيَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي،

وَمُودُّعُكَ يَا سَيِّدِي وَبْنُ سَيِّدِي يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَمُودُّعُكُمْ يَا
سَادَاتِي، يَا مَعَاشِرَ الشُّهَدَاءِ، فَعَلَيْنَكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَرِضْوَانُهُ
وَبَرَكَاتُهُ».

﴿ حدیث هفتم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش حدیث را مرفوعاً از حضرت
ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

حنان بن سدید صیرفی بر ابی عبدالله علیه السلام داخل شد در حالی که گروهی از
اصحاب آن حضرت محضرش بودند، حضرت فرمودند:

ای حنان بن سدید، آیا ماهی یک مرتبه به زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام
می روی؟

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

وی عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

آیا در هر دو ماه یک بار آن حضرت را زیارت می کنی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

آیا در هر سال یک بار به زیارت آن جناب می روی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند: چقدر به سرور خود جفا می کنید.

عرض کرد: ای پسر رسول خدا هم توشه ام کم و اندک است و هم مسافت

دور می باشد.

حضرت فرمودند:

آیا شما را راهنمایی بکنم بر زیارت مقبولی اگر چه فاصله شما با آن حضرت

خیلی زیاد باشد؟

✱ عرض کرد: ای پسر رسول خدا چگونه آن حضرت را زیارت کنم؟
حضرت فرمودند:

روز جمعه یا هر روزی که خواستی غسل کن و پاکیزه ترین لباسهایت را بپوش و به مرتفع ترین مواضع خانهات یا به صحراء برو، پس رو به قبله کن به شرطی احراز کنی قبر مطهر، آن طرف می باشد، خداوند تبارک در قرآن می فرماید: **اینها تولوا فثم وجه الله**. سپس بگو:

درود بر تو ای آقای من و ای فرزند آقام و ای سید و سرور من و فرزند سرورم، درود بر تو ای مولای من که شهید و فرزند شهید می باشی، مقتول و فرزند مقتول می باشی، درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد، ای فرزند رسول خدا من با قلب و زبان و جوارحم تو را زیارت می کنم اگر چه خودم نزدت نبوده تا قبر و بارگاہت را مشاهده کنم، پس درود بر تو ای وارث حضرت آدم که برگزیده خداست، و ای وارث حضرت نوح که پیامبر خداست، و ای وارث ابراهیم که خلیل خداست، و ای وارث حضرت موسی که کلیم خداست، و ای وارث حضرت عیسی که روح خداست، و ای وارث حضرت محمد ﷺ که حبیب و پیامبر و فرستاده خداست، و ای وارث حضرت علی ﷺ که امیر مؤمنان و جانشین رسول و خلیفه خداست و ای وارث حضرت حسن بن علی ﷺ که جانشین امیرالمؤمنین است، خدا قاتلین تو را لعنت کرده و عذاب را بر ایشان در این ساعت، و در هر ساعتی تجدید کرده و نوبه نو نماید، ای سرورم من به سوی خداوند عزوجل، و به جدت رسول خدا و به پدرت امیرمؤمنان و به برادرت حضرت امام حسن و به سوی تو ای آقای من با این زیارتم که با قلب و زبان و جمیع جوارحم انجام می دهم تقرب می جویم پس بر تو باد درود و رحمت و برکات، خدا و ای مولای من شفیعم باش تا حق تعالی زیارت را از

من قبول کند، من از دشمنان تو بی زاری جسته و با این بی زاری و درخواست لعنت بر ایشان به خدا و شما جملگی تقرب می جویم، پس بر تو باد صلوات خدا و رضوان و رحمتش.

سپس اندکی به طرف چپ برگرد و صورت را به جانب قبر علی بن الحسین علیه السلام که پائین پای مبارک واقع شده بگردان و بر او سلام بده بهمان نحوی که بر پدر بزرگوارش سلام دادی سپس برای آنچه از امر دنیا و آخرت که محبوب و مطلوبیت هست دعا کن و از خدا درخواست نما، پس از آن چهار رکعت نماز بخوان چه آنکه نماز زیارت یا هشت و یا شش و یا چهار و یا دو رکعت است منتهی افضل آنها هشت رکعت می باشد و پس از فارغ شدن از نماز رو به جانب قبر ابی عبد الله علیه السلام کن و بگو:

من با تو وداع می کنم ای مولای من و پسر مولایم، و ای سید و سرور من و پسر سید و سرورم، و با تو نیز ای سرور من و فرزند سرورم ای علی بن الحسین، وداع می نمایم، و با شما نیز ای سادات و سرورانم ای گروه شهداء وداع مینمایم، پس بر شما باد درود خدا و رحمت و رضوان و برکاتش.

﴿ الباب السابع والتسعون ﴾

﴿ ما یکره من الجفاء لزيارة قبر الحسين علیه السلام ﴾

متن:

۱- حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم - عن بعض أصحابه - عن اَبی جعفر علیه السلام «قال: کم بینکم و بین قبر الحسین؟ قلت: سیّة عشر فرسخاً، قال: أو ما تأتونه؟ قلت: لا، قال: ما أجفاکم!».

۲- و عنه، عن سعد، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن موسى بن -
الفضل، [عن علي بن الحكم] - عن حدثه - عن حنان بن سدير، عن أبي
- عبد الله عليه السلام «قال: قلت له: ما تقول في زيارة قبر الحسين عليه السلام؟ فقال: رُزّه
ولا تحفه، فإنه سيّد الشهداء و سيّد شباب أهل الجنّة، و شبيه يحيى بن
زكريّا، و عليهما بكت السماء و الأرض».

۳- و حدثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن
أحمد بن - محمد بن عيسى، عن أحمد بن أبي داود، عن سعد بن أبي عمر
[و] الجلاب، عن الحارث الأعور «قال: قال علي عليه السلام : بأبي و أمي
الحسين المقتول بظهر الكوفة، و الله لكأنّي أنظر إلى الوحش مائة أعناقها
على قبره من أنواع الوحش يبيّونه و يزوّنه ليلاً حتّى الصّباح، فإذا كان
ذلك فإياكم و الجفاء». *مرکز تحقیق کتب و آثار اسلامی*

﴿ باب نود و هفتم ﴾

﴿ مکروه بودن جفاء نسبت به زیارت قبر حضرت ﴾

﴿ امام حسین عليه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عيسى، از علي
بن الحكم، از برخی اصحابش از حضرت ابی جعفر عليه السلام، نقل کرده که آن حضرت
فرمودند:

بین شما و بین قبر حضرت امام حسین عليه السلام چه قدر مسافت است؟
راوی می گوید: عرض کردم: شانزده فرسخ.

حضرت فرمودند:

آیا به زیارت آن حضرت نمی‌روی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

چه قدر جفا می‌کنید!

﴿ حدیث دوم ﴾

از پدرم، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از موسی بن فضل، از علی بن الحکم، از کسی که برایش حدیث گفته، از حنان بن سدید، از حضرت ابی عبدالله (ع) راوی می‌گوید:

محضر مبارکش عرض کردم: در باره زیارت قبر حضرت امام حسین (ع) چه

می‌فرمائید؟

حضرت فرمودند:

زیارتش کن و به آن حضرت جفا مکن، زیرا آن وجود مبارک سرور شهداء و سید جوانان اهل بهشت و شبیه حضرت یحیی بن زکریا بوده و بر این دو (امام حسین و حضرت یحیی (ع)) آسمان و زمین گریسته‌اند.

﴿ حدیث سوم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن ابی داود، از سعد بن ابی عمرو الجلاب، از حارث اعور نقل کرده که وی گفت:

حضرت علی (ع) فرمودند:

پدر و مادرم فدای حسین که در پشت کوفه کشته می‌شود، به خدا سوگند گویا می‌بینم حیوانات وحشی را که گردن به طرف قبرش کشیده و گریه می‌کنند و شب

تا صبح برایش مرثیه می خوانند و وقتی حال چنين است پس از جفا حذر كنيد و زيارت آن حضرت را ترك مكنيد.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ أَخِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعِطَّارِ، عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سَلِيمَانَ التَّيْسَابُورِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيِّ، عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ حَنَانَ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ سَدِيرٍ «قَالَ: قَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: يَا سَدِيرُ تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ﷺ فِي كُلِّ يَوْمٍ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: مَا أَجْفاكُم، قَالَ: أَتَزُورُهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ، قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قُلْتُ: قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ، قَالَ: يَا سَدِيرُ مَا أَجْفاكُم بِالْحُسَيْنِ ﷺ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ أَلْفَ مَلِكٍ شُعْثًا غُبْرًا يَبْكُونَهُ وَ يَرْتُوثَنَهُ، لَا يَفْتَرُونَ زُورًا لِقَبْرِ الْحُسَيْنِ، وَ ثَوَابُهُمْ لِمَنْ زَارَهُ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

۵ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى، [عَنْ أَبِيهِ] عَنْ الْحَسَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ حَنَانَ بْنِ سَدِيرٍ «قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَ جَلَسَ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: مِنْ أَيِّ الْبُلْدَانِ أَنْتَ؟ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: أَنَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، وَ أَنَا مُحِبٌّ لَكَ؛ مُوَالٍ، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: أَفَتَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ﷺ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فِي كُلِّ شَهْرٍ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فِي كُلِّ سَنَةٍ؟ قَالَ: لَا، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: إِنَّكَ لَمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

۶- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بِشِيرٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ رَبِيعٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا أَجْفاكُمْ يَا فَضِيلُ؛ لَا تَزُورُونَ الْحُسَيْنَ عليه السلام، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلِكٍ شُعْثًا غُبْرًا يَبْكُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؟!».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدر و برادرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن، از ابن یحیی العطار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبدالله بن محمد یمانی، از منیع بن حجاج، از یونس بن عبدالرحمن، از حنان بن سدير، از پدرش سدير، نقل کرده‌اند که وی گفت:



حضرت ابو عبدالله عليه السلام فرمودند:

ای سدير آیا قبر حسین عليه السلام را هر روز زیارت می‌کنی؟

عرض کردم: خیر.

فرمودند: چه قدر جفا می‌کنید!

حضرت فرمودند:

آیا در هر جمعه زیارتش می‌کنی؟

عرض کردم: تخیر.

حضرت فرمودند:

پس در هر ماه زیارتش می‌کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

پس در هر سال زیارتش می‌کنی؟

عرض کردم: گاهی این طور است.

حضرت فرمودند:

ای سدید چه قدر به حسین علیه السلام جفا می کنید! آیا نمی دانی که هزار فرشته برای خداست که جملگی ژولیده و غبارآلود هستند و برای آن حضرت گریه کرده و مرثیه می خوانند و از زیارت قبر امام حسین علیه السلام خسته و سست نمی شوند و ثواب زیارتشان برای زائرین می باشد...

﴿ حدیث پنجم ﴾

حسن بن عبدالرحمن بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از حنان بن سدید، وی می گوید:

خدمت حضرت ابی جعفر علیه السلام بودم که شخصی وارد شد و سلام کرد و نشست، حضرت ابو جعفر فرمودند از کدام شهر هستی؟

عرض کرد: مردی از اهل کوفه بوده، دوست دار شما می باشم.
حضرت فرمودند:

آیا قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه زیارت می کنی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر ماه چطور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر سال چطور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

تو از خیر محروم هستی، و حدیث را ذکر فرمود (مقصود حدیث شماره ۱۲

از باب هشتم می باشد).

﴿ حدیث ششم ﴾

محمد بن جعفر می گوید:

محمد بن الحسین، از جعفر بن بشیر، از حماد بن عیسی، از ربیع بن عبدالله، از فضل بن یسار وی می گوید: حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند: ای فضیل چه قدر جفاکار هستید، حسین علیه السلام را زیارت نمی کنید، آیا نمی دانی چهار هزار فرشته که جملگی زولیده و غبارآلود هستند تا روز قیامت بر آن حضرت گریه می کنند؟!

متن:

۷- و عنه، عن محمد بن الحسین، عن جعفر بن بشیر، عن حماد، عن محمد ابن مسلم، عن زُرارة، عن أبي جعفر علیه السلام «قال: کم بینکم و بین قبر الحسین علیه السلام؟ قال: قلت: سِتَّةَ عَشَرَ فَرَسَخاً، أَوْ سَبْعَةَ عَشَرَ فَرَسَخاً، قال: أما تأتونہ؟ قلت: لا، قال: ما أجفاکم».

۸- حدَّثني أبي - رحمه الله - عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن محمد ابن أورمة، عن أبي عبدالله المؤمن، عن ابن مُسكان، عن سليمان بن خالد «قال: سمعت أبا عبدالله علیه السلام يقول: عجباً لأقوام يزعمون أنهم شيعة لنا ويقال: إنَّ أحدهم يمرُّ به دَهرُه و لا يأتي قبر الحسين علیه السلام، جَفاءً منه و تَهاوناً و عَجْزاً و كَسَلاً، أما والله لو يعلم ما فيه من الفضل ما تَهاون و لا كَسَلَ، قلت: جَعَلْتُ فِداك و ما فيه من الفضل؟ قال: فضل و خير كثير، أما أوَّل ما يُصيبه أن يغفر له ما مضى من ذنوبه، ويقال له: استأنفِ العمل».

۹- حدَّثني حكيم بن داود بن حكيم، عن سلمة بن الخطاب، عن

عبداللہ ابن الخطاب، عن عبداللہ بن محمد بن سنان، عن منیع بن الحجاج، عن یونس بن عبدالرحمن، عن حنان، عن أبیہ «قال: قال أبو عبداللہ ﷺ یا سدید تزور، قبر الحسین ﷺ فی کلّ یوم؟ قلت: جعلت فداک لا، قال: ما أجفاکم! فتزوره فی کلّ جمعة؟ قلت: لا قال: فتزوره فی کلّ شهر؟ قلت: لا، قال: فتزوره فی کلّ سنّة، قال: قد یكون ذلک، قال: یا سدید ما أجفاکم بالحسین ﷺ - و ذکر الحدیث -».

﴿ حدیث ہفتم ﴾

ترجمہ:

از محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین، از جعفر بن بشیر، از حماد، از محمد بن مسلم، از زراره، از حضرت ابی جعفر ﷺ.

حضرت فرمودند:

بین شما و بین قبر حسین ﷺ چہ قدر مسافت است؟

راوی می گوید: عرض کردم: شانزدہ یا ہفدہ فرسخ.

حضرت فرمودند:

آیا بہ زیارتش می روی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

چہ قدر جفا کار ہستی.

﴿ حدیث ہشتم ﴾

پدرم رحمۃ اللہ علیہ، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمہ، از ابی عبداللہ مؤمن، از ابن مسکان، از سلیمان بن خالد، وی می گوید:
از حضرت اباعبداللہ ﷺ شنیدم کہ می فرمودند:

تعجب است از گروهی که می‌پندارند شیعه هستند ولی گفته می‌شود روزگار بر ایشان می‌گذرد و احدی از ایشان به زیارت قبر حسین علیه السلام نمی‌روند، چه از روی جفا بوده و چه تنبلی و سستی کرده و چه عاجز و ناتوان باشند و چه کسلی و بی‌حالی منشأ آن باشند، به خدا سوگند اگر می‌دانستند در زیارت آن حضرت چیست هرگز تنبلی و کسلی را به خود راه نمی‌دادند.

عرض کردم: فدایت شوم: چه فضیلتی در آن می‌باشد؟
حضرت فرمودند:

فضل و خیر بسیاری در آن می‌باشد، اولین خیری که به زائر می‌رسد آن است که گناهان گذشته‌اش را خداوند آمرزیده و به او خطاب می‌شود: از ابتداء شروع به عمل بکن.



« حدیث نهم »

حکیم بن داود بن حکیم، از سلعة بن خطاب، از عبدالله بن خطاب، از عبدالله بن محمد بن سنان، از منیع بن حجاج، از یونس بن عبدالرحمن، از حنان، از پدرش، وی می‌گوید:

حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

ای سدید، در هر روز قبر حسین علیه السلام را زیارت می‌کنی؟

عرض کردم: فدایت شوم: خیر.

حضرت فرمودند:

چه قدر جفاکار هستید! پس در هر جمعه زیارتش می‌کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر ماه آیا زیارتش می‌کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر سال آیا به زیارتش می‌روی؟

عرض کردم: گاهی این طور است.

حضرت فرمودند:

ای سدید چه قدر به حسین علیه السلام جفا کرده‌اید و حدیث را ذکر فرمودند
(مقصود حدیث شماره (۳) از باب نود و ششم می‌باشد).

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةُ مَشَايِخِي، عَنْ سَعْدٍ، عَنْ مُحَمَّدٍ
ابن - عِيسَى بن عُبَيْدٍ، عَنْ مُحَمَّدٍ بن نَاجِيَةَ، عَنْ مُحَمَّدٍ بن عَلِيٍّ، عَنْ عَامِرِ بن
كَثِيرٍ السَّرَّاجِ النَّهْدِيِّ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام «قَالَ: قَالَ لِي:
كَمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟ قُلْتُ: يَوْمَ لِلرَّاكِبِ وَ يَوْمَ وَ بَعْضُ يَوْمٍ
لِلْمَاشِي، قَالَ: أَفْتَاتِيهِ كُلَّ جُمُعَةٍ؟ قُلْتُ: لَا مَا آتِيهِ إِلَّا فِي حِينٍ، قَالَ: مَا
أَجْفَاكُمْ! أَمَا لَوْ كَانَ قَرِيباً مِنَّا لَأَتَّخَذْنَاهُ هَجْرَةً - أَيَّ نَهَاجِرٍ إِلَيْهِ -».

حَدَّثَنِي جَمَاعَةُ مَشَايِخِي، عَنْ أَحْمَدَ بنِ إِدْرِيسَ، عَنْ مُحَمَّدٍ بنِ أَحْمَدَ،
عَنْ مُحَمَّدٍ بنِ نَاجِيَةَ، عَنْ مُحَمَّدٍ بنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَامِرِ بنِ كَثِيرٍ النَّهْدِيِّ
السَّرَّاجِ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام - مِثْلَهُ.

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از اساتیدم، از سعد، از محمد بن عیسی بن
عبید، از محمد بن ناجیه، از محمد بن علی، از عامر بن کثیر النهدی، از
ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السلام، وی می‌گوید:

حضرت به من فرمودند:

بین شما و قبر حضرت امام حسین علیه السلام چه قدر مسافت است؟
عرض کردم: اگر کسی سواره رود یک روز و در صورتی که پیاده رود یک روز و مقداری از روز.

فرمودند:

آیا هر جمعه به زیارتش می روی؟
عرض کردم: خیر، به زیارتش گاهی می روم.
حضرت فرمودند:

چه قدر جفاء کرده اید! اگر قبر آن حضرت نزدیک ما می بود حتماً به سایش هجرت می کردیم.

جماعتی از اساتیدم، از احمد بن ادریس، از محمد بن احمد، از محمد بن ناجیه، از محمد بن علی، از عامر بن کثیر النهدی السراج، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السلام مثل همین حدیث را نقل کرده اند.

﴿الباب الثامن و التسمون﴾

﴿أقل ما يزار فيه الحسين عليه السلام﴾

﴿و أكثر ما يجوز تأخير زيارته للغني و الفقير﴾

متن:

۱- حدَّثني جعفر بن محمد بن إبراهيم بن عبد الله الموسوي، عن عبيد الله ابن نهيك، عن محمد بن أبي عمير، عن أبي أيوب، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: حقُّ على الغني أن يأتي قبر الحسين عليه السلام في السنة مرَّتين، و حقُّ على الفقير أن يأتيه في السنة مرَّةً».

۲- حدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، عن عامر بن عُمير؛ وسعيد الأعرج، عن أبي - عبد الله عليه السلام: «قال: اتوا قبر الحسين عليه السلام في كل سنة مرة».

۳- حدَّثني أبو العباس، عن محمد بن الحسين، عن جعفر بن بشير، عن مسلم، عن عامر بن عُمير؛ وسعيد الأعرج جميعاً، عن أبي عبد الله عليه السلام: «قال: اتوا قبر الحسين عليه السلام في كل سنة مرة».

۴- حدَّثني جعفر بن محمد بن عبد الله الموسوي، عن عبيد الله بن نَهِيك، عن ابن أبي عُمير، عن حماد، عن الحلبي: «قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن زيارة قبر الحسين صلوات الله عليه، قال: في السنة مرة، لأنني أكره الشهرة».



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

﴿ باب نود و هشتم ﴾

﴿ کمترین مدتی که در آن حضرت امام حسین علیه السلام را می باید ﴾

﴿ زیارت کرد و حد اکثری که زیارت آن جناب را غنی ﴾

﴿ و فقیر می توانند تاخیر بیاورند ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

جعفر بن محمد بن ابراهیم بن عبد الله الموسوي، از عبيد الله بن نهيك، از محمد بن ابی عمير، از ابو ایوب از حضرت ابی عبد الله عليه السلام، آن حضرت فرمودند: بر عهده غنی است که در سال دو مرتبه و بر فقیر است که در سال یک مرتبه به زیارت قبر حضرت امام حسین عليه السلام بروند.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از عامر بن عمیر، و سعید اعرج، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام: حضرت فرمودند:

در هر سال یک مرتبه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروید.

﴿ حدیث سوم ﴾

ابوالعباس، از محمد بن الحسین، از جعفر بن بشیر، از مسلم، از عامر بن عمیر، و سعید اعرج، جملگی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:

در هر سال یک مرتبه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروید.

﴿ حدیث چهارم ﴾

جعفر بن محمد بن عبدالله الموسوی، از عبیدالله نهیک، از ابن ابی عمیر، از حماد، از حلبی، وی می گوید: از حضرت ابی عبدالله علیه السلام راجع به زیارت قبر حسین صلوات الله علیه پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

در سال یک مرتبه، زیرا از مشهور شدن کراهت دارم.

مترجم گوید:

شاید مراد این باشد که اگر بیش از یک مرتبه در سال به زیارت آن حضرت روند این امر موجب اشتهاار شخص به این عمل می شود و آن مکروه است.

متن:

٥ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا - عَنْ ابْنِ رِثَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: حَقٌّ عَلَى الْفَقِيرِ أَنْ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ فِي السَّنَةِ مَرَّةً، وَحَقٌّ عَلَى الْغَنِيِّ أَنْ يَأْتِيَهُ فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ».

٦ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبَانَ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ الْحَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: فِي السَّنَةِ مَرَّةً، إِنِّي أَكْرَهُ الشُّهُرَةَ».

٧ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ - عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حمزة، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام «قَالَ: لَا تَجْفُوهُ، يَأْتِيهِ الْمَوْسِرُ فِي كُلِّ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ، وَالْمَعِيرُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا، قَالَ الْعَبَّاسُ: لَا أَدْرِي قَالَ هَذَا لِمَنْ؟» أَوْ لِمَنْ؟ «أَبِي نَابٍ».

٨ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ - مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ الْحَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: فِي السَّنَةِ مَرَّةً، إِنِّي أَخَافُ الشُّهُرَةَ».

٩ - حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ، عَنْ الزِّيَّاتِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بِشِيرٍ، عَنْ حَمَّادٍ، عَنْ ابْنِ مُسْلَمٍ، عَنْ عَامِرِ بْنِ عُمَيْرٍ، وَ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: آتُوا قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً».

۱۰- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ الْعِصْصِ بْنِ الْقَاسِمِ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ لَزِيَارَةِ الْقَبْرِ صَلَاةٌ مَفْرُوضَةٌ؟ قَالَ: لَيْسَ لَهُ صَلَاةٌ مَفْرُوضَةٌ، قَالَ: وَسَأَلْتُهُ فِي كَمْ يَوْمٍ يَزَارُ؟ قَالَ: مَا شِئْتُ».

ترجمه: ﴿ حدیث پنجم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید، از ابن ابی عمیر، از برخی اصحاب، از ابن رثاب، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

این حق بر عهده فقیر است که سالی یک مرتبه و بر غنی است که سالی دو مرتبه به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بروند.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن الحسن، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از ابن ابی عمیر، از حماد بن عثمان، از حلبی، نقل کرده اند، که وی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام راجع به زیارت قبر امام حسین علیه السلام روایت کرده که آن جناب فرمودند:

در سال یک مرتبه قبر آن حضرت زیارت شود زیرا از شهرت کراهت دارم.

﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از حسن بن علی بن عبدالله مغیره، از عباس بن عامر نقل کرده که وی گفت:

علی بن حمزه گفت: حضرت ابوالحسن علیه السلام فرمودند:

جفاء به آن حضرت نکنید، شخص موسر و غنی هر چهار ماه یک بار به زیارتش رود و فقیر را حق تعالی مکلف نکرده مگر به قدر توان و قدرتش. عباس می گوید: نمی دانم حضرت ابن کلام و مقاله را برای علی (علی بن ابی حمزه) فرمودند یا ابی ناب (حسن بن عطیه).

﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن سعید، از ابن ابی عمیر، از حماد بن عثمان، از حلبی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید:

راجع به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام از آن حضرت پرسیدم؟
حضرت فرمودند:

سالی یک مرتبه به زیارتش روند زیرا، در بیشتر از آن خوف شهرت دارم.

﴿ حدیث نهم ﴾

ابوالعباس، از زیات، از جعفر بن بشیر، از حماد، از ابن مسلم، از عامر بن عمیر، و سعید الاعرج از حضرت ابی عبدالله علیه السلام آن حضرت فرمودند:
در سال یک مرتبه به زیارت قبر حسین علیه السلام بروید.

﴿ حدیث دهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از صفوان بن یحیی، از عیص بن قاسم، وی می گوید: از حضرت ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم:
آیا برای زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام نماز واجبی هست؟
حضرت فرمودند:
برای آن نماز واجب و معینی نمی باشد.

راوی می گوید: پرسیدم: در هر چند روز باید به زیارتش رفت؟
حضرت فرمودند: هر چه خواستی.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ بِإِسْنَادِهِ -
رَفَعَهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونٍ الصَّائِغِ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يَا عَلِيُّ بَلِّغْنِي
أَنْ قَوْمًا مِنْ شِيعَتِنَا يَمُرُّ بِأَحَدِهِمُ السَّنَةُ وَالسَّنَتَانِ لَا يَزُورُونَ الْحُسَيْنَ عليه السلام،
قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَعْرِفُ أَنَا كَثِيرَةً بِهَذِهِ الصُّفَّةِ، قَالَ: أَمَّا وَاللَّهِ
لِحَظِّهِمْ أَخْطَلُوا، وَ عَنْ ثَوَابِ اللَّهِ زَاغُوا، وَ عَنْ جِوَارِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله
تَبَاعَدُوا، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي كَمِ الزِّيَارَةِ؟ قَالَ: يَا عَلِيُّ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ
تَزُورَهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ فَافْعَلْ، قُلْتُ: لَا أَصِلُ إِلَى ذَلِكَ، لِأَنِّي أَعْمَلُ بِيَدِي وَ
أُمُورَ النَّاسِ بِيَدِي، وَلَا أَقْدِرُ أَنْ أَغْتِيبَ وَجْهِي عَنْ مَكَانٍ يَوْمًا وَاحِدًا، قَالَ:
أَنْتَ فِي عُذْرٍ وَمَنْ كَانَ يَعْمَلُ بِيَدِهِ، وَ إِنَّمَا عَنَيْتُ مَنْ لَا يَعْمَلُ بِيَدِهِ مِمَّنْ
إِنْ خَرَجَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ هَانَ ذَلِكَ عَلَيْهِ، أَمَّا إِنَّهُ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عُذْرٍ وَلَا
عِنْدَ رَسُولِهِ مِنْ عُذْرٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، قُلْتُ: فَإِنْ أَخْرَجَ عَنْهُ رَجُلًا فَيَجُوزُ
ذَلِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ وَ خُرُوجَهُ بِنَفْسِهِ أَعْظَمُ أَجْرًا وَ خَيْرًا لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ، يَرَاهُ
رَبُّهُ سَاهِرَ اللَّيْلِ، لَهُ تَعَبُ النَّهَارِ، يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ نَظْرَةً تَوْجِبُ لَهُ الْفَرْدُوسَ
الْأَعْلَى مَعَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، فَتَنَافَسُوا فِي ذَلِكَ وَ كُونُوا مِنْ أَهْلِهِ».

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله عليه، از عبدالله بن جعفر حمیری به اسنادش که تا علی بن
میمون الصائغ مرفوعه است از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت

فرمودند:

ای علی خبر به من رسیده که یکسال یا دو سال بر جماعتی از شیعیان ما می‌گذرد و ایشان به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نمی‌روند؟
عرض کردم: فدایت شوم: مردم زیادی را سراغ دارم که این صفت دارند.
حضرت فرمودند:

به خدا سوگند از حفظ و بهره‌شان بر کنار و از ثواب و اجر خدا محروم و از جوار حضرت محمد صلی الله علیه و آله به دور مانده‌اند.
محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم: در چه فاصله‌ای از مدت به زیارت آن حضرت برویم؟
حضرت فرمودند:

ای علی اگر قدرت داری که آن جناب را در هر ماه زیارت کنی، پس این کار را بکن.

عرض کردم: نمی‌توانم به این امر دست یابم زیرا با دست‌هایم کار کرده و امور مردم نیز در دست من است و اساساً قادر نیستم یک روز از محل کارم غیبت نمایم.
حضرت فرمودند:

تو معذور هستی و کسانی هم که مثل تو کار دستی دارند در عذر می‌باشند و مراد من کسانی هستند که این‌گونه اشتغال نداشته بطوری که اگر در هر جمعه از منزل خارج شده و به زیارت بروند بر ایشان سهل و آسان باشد چه آنکه ایشان در روز قیامت نزد خدا و رسولش عذری ندارند.

محضرش عرض کردم: حال اگر این شخص خود به زیارت نرود ولی کسی را از طرف خود به آنجا بفرستد آیا جایز است؟
حضرت فرمودند:

بلی، جائز است ولی اگر خودش برود اجرش عظیم‌تر بوده و نزد

پروردگارش بهتر و مطلوب تر است چه آنکه وقتی حق تعالی ببیند که او شبها را به بیداری و روزها را به تعب و رنج بسر می برد به او نظر نموده آنچنان نظری که برایش فردوس اعلی و بهشت جاودان را نصیب کرده و او را با محمد و اهل بیتش صلوات الله علیهم اجمعین همراه و هم جوار و قرین می گرداند پس تمایل نشان دهید در این امر و از اهل آن گردید.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ الْحَسَنِ ابْنِ محبوب، عَنْ صَبَّاحِ الْحِذَاءِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: زُورُوا قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام، وَ لَوْ كُلَّ سَنَةٍ مَرَّةً - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ -».

۱۳ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ؛ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْبُوفَكِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى - وَ كَانَ فِي خِدْمَةِ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي - عَنْ عَلِيٍّ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجُمَّالِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - «قُلْتُ لَهُ: مَنْ يَأْتِيهِ زَائِرٌ ثُمَّ يَنْصَرِفُ مَتَى يَعُودُ إِلَيْهِ؟ وَ فِي كَمْ [يَوْم] يُؤْتِي؟ وَ كَمْ يَسْعُ النَّاسُ تَرْكَهُ؟ قَالَ: لَا يَسْعُ أَكْثَرُ مِنْ شَهْرٍ وَ أَمَّا بَعِيدُ الدَّارِ فِي كُلِّ ثَلَاثِ سِنِينَ، فَمَا جَازَ ثَلَاثَ سِنِينَ فَلَمْ يَأْتِهِ فَقَدْ عَقَّ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه وَ قَطَعَ حَرَمَتَهُ، إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ».

۱۴ - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ابْنِ - هَاشِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ فَضَالٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الْحُلَيْيِّ، عَنْ أَبِي عُبَيْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ: إِنَّا نَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي السَّنَةِ مَرَّةً، قُلْتُ: كَيْفَ أَصْلِي عَلَيْهِ؟ قَالَ: تَقُومُ خَلْفَهُ عِنْدَ كُتْفَيْهِ، ثُمَّ

تصليٰ علی النبی ﷺ و تصليٰ علی الحسین ﷺ.

ترجمه: ﴿ حدیث دوازدهم ﴾

حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از صباح الحداد، از محمد بن مروان، از حضرت ابی عبدالله ﷺ، وی گفت: از آن حضرت شنیدم که می فرمودند:

قبر حضرت امام حسین ﷺ را زیارت کنید اگر چه سالی یک بار باشد

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از احمد بن ادريس و محمد بن یحیی، از عمرکی بن علی بوفکی، وی گفت: یحیی که از خادمین ابوجعفر ثانی بود برای ما نقل کرد از علی و او از صفوان بن مهران جمال و او از حضرت ابی عبدالله ﷺ در ضمن حدیثی طولانی چنین نقل کرده:

محضر مبارکش عرض کردم: کسی که به زیارت حضرت سیدالشهداء برود و سپس برگردد چند وقت بعد دو مرتبه به زیارت عود کند؟ و در چند روز دیگر به زیارت رود و مردم تا چه مدت می توانند زیارت حضرت را ترک کنند؟

حضرت فرمودند:

بیش از یک ماه نمی توانند آن را ترک کنند و اما کسانی که منزلشان دور است در هر سه سال یک مرتبه باید به زیارتش بروند و اگر سه سال تجاوز نمود و به زیارت آن حضرت نروند عاق رسول خدا ﷺ واقع شده و حرمت آن جناب را قطع و هتک نموده مگر علت و سببی داشته باشد.

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

علی بن الحسین بن موسی رحمه الله علیه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از

پدرش، از ابن فضال، از علی بن عقبه از عبیدالله الحلبي، از ابی عبدالله علیه السلام وی می گوید:

محضرش عرض کردم: ما در سال دو یا سه مرتبه قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت می کنیم آیا این عمل چطور است؟
حضرت فرمودند:

من کراحت دارم زیاد آن قبر مطهر را قصد کنید، در سال یک مرتبه به زیارت آن بروید.

عرض کردم: چگونه صلوات بر آن حضرت بفرستم؟
حضرت فرمودند:

پشت قبر در جنب کتفین و شانه های آن حضرت بایست، سپس صلوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بفرست و بعد از آن بر حسین علیه السلام صلوات و رحمت بفرست.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

متن:

۱۵- و قال العَمَرُکي بإسناده «قال: قال أبو عبد الله علیه السلام: إِنَّهُ يَصَلِّي عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ، ثُمَّ يَصَدُّونَ، وَيَنْزِلُ مِثْلُهُمْ فَيَصَلُّونَ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ، فَلَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَتَخَلَّفَ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِهِ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِ سَنِينَ».

۱۶- و بإسناده عن محمد بن الفضل، عن أبي ناب، عن أبي عبد الله علیه السلام «قال: سألته عن زيارة قبر الحسين صلوات الله عليه، قال نَعَمْ تَعْدِلُ عُمْرَةً، وَلَا يَنْبَغِي التَّخَلُّفُ عَنْهُ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِ سَنِينَ».

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

ترجمه:

عمرکی به اسنادش نقل کرده و می گوید: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند:

چهار هزار فرشته از طلوع صبح تا غروب آفتاب نزدیک قبر حضرت امام حسین علیه السلام دعاء و طلب رحمت کرده و سپس بالا رفته و چهار هزار فرشته دیگر بجای ایشان قرار گرفته و تا طلوع صبح دعاء و طلب رحمت می کنند.

پس بر مسلمان سزاوار نیست که بیش از چهار سال به زیارت قبر آن حضرت نرفته و از آن تخلف کند.

﴿ حدیث شانزدهم ﴾

عمرکی به اسنادش از محمد بن فضل، از ابی نابی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، وی می گوید: راجع به زیارت قبر امام حسین صلوات الله علیه از آن حضرت پرسیدم؟



حضرت فرمودند:

بلی، زیارت آن جناب معادل و مساوی با یک عمره است و شایسته نیست بیش از چهار سال به زیارت قبر آن حضرت نرفته و از آن تخلف کنند.

متن:

۱۷ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَنَحْنُ فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ نُرِيدُ مَكَّةَ - فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لِي أَرَاكَ كَثِيْبًا حَزِيْنًا مُنْكَسِرًا؟ فَقَالَ لِي: لَوْ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ لَشَغَلَكَ عَن مَسَائِلِي، قُلْتُ: فَمَا الَّذِي تَسْمَعُ؟ قَالَ: ابْتِهَالُ الْمَلَائِكَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى قَتْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، وَ نَوْحِ الْجَنِّ وَ

بُكَاءِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ حَوْلَهُ: وَشِدَّةَ حُزْنِهِمْ فَمَنْ يَتَهَنَّأُ مَعَ هَذَا بِسَطْعَامٍ أَوْ بِشَرَابٍ أَوْ نَوْمٍ؟! قُلْتُ لَهُ: فَمَنْ يَأْتِيهِ زَائِرًا ثُمَّ يَنْصَرِفُ فَمَتَى يَعُودُ إِلَيْهِ؟ وَفِي كَمْ [يَوْمٍ] يُؤْتَى وَفِي كَمْ يَسْعَى النَّاسُ تَرْكُهُ؟ قَالَ: أَمَّا الْقَرِيبُ فَلَا أَقْلَّ مِنْ شَهْرٍ، وَأَمَّا بَعِيدُ الدَّارِ فِي كُلِّ ثَلَاثِ سَنِينَ، فَمَا جازِ الثَّلَاثِ سَنِينَ فَقَدْ عَقَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَقَطَعَ رَحْمَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ، وَ لَوْ يَعْلَمُ زَائِرُ الْحُسَيْنِ ﷺ مَا يَدْخُلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ مَا يَصِلُ إِلَيْهِ مِنَ الْفَرَحِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ الْأَنْثَمَةَ وَ الشَّهَدَاءِ مَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ مِنْ دَعَائِهِمْ لَهُ؛ وَ مَا لَهُ فِي ذَلِكَ مِنَ الثَّوَابِ فِي الْعَاجِلِ وَ الْآجِلِ وَ الْمَذْخُورِ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ لِأَحَبِّ أَنْ يَكُونَ مَا تَمَّ دَارُهُ مَا بَقِيَ.

وَ إِنَّ زَائِرَهُ لِيُخْرِجُ مِنْ رَحْلِهِ فَمَا يَقَعُ فِيهِ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا دَعَا لَهُ، فَبِإِذَا وَقَعَتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ أَكَلَتْ ذَنْبَهُ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ، وَ مَا تُبْقِي الشَّمْسُ عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبِهِ شَيْئًا، فَيَنْصَرِفُ وَ مَا عَلَيْهِ ذَنْبٌ وَ قَدْ رَفَعَ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مَا لَا يَنَالُهُ الْمُتَشَحِّطُ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ يُوَكَّلُ بِهِ مَلِكٌ يَقُومُ مَقَامَهُ وَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى الزِّيَارَةِ أَوْ يَمُوتُ ثَلَاثَ سَنِينَ أَوْ يَمُوتَ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ - .

حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ؛ وَ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى جَمِيعًا، عَنْ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْبُوفَكِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى - وَ كَانَ فِي خِدْمَةِ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي - عَنْ عَلِيٍّ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَسَّالِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: سَأَلْتُهُ فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوْلِهِ - .

ترجمه:

﴿ حدیث هفدهم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن الاصبم، از صفوان جمال، وی گفت: در راه مدینه قصد مکه داشتیم.

از حضرت اباعبدالله علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا چیست که شما را اندوهگین و محزون و شکسته خاطر می بینم؟

حضرت فرمودند:

آنچه را من می شنوم اگر تو می شنیدی این سؤال را از من نمی کردی.

عرض کردم: چه چیز می شنوید؟

حضرت فرمودند:

زاری کردن فرشتگان به درگاه خداوند عزوجل و اظهار بغض نمودن از کشتگان امیرالمؤمنین و حضرت امام حسین علیه السلام و توجه نمودن جن و گریستن فرشتگانی که در اطراف قبر آن حضرت هستند و شدت حزن ایشان، پس بر چه کسی با این حال طعام یا شراب یا خواب گوارا خواهد بود؟!۱۱

عرضه داشتم: کسی که به زیارت آن حضرت بیاید و بعد برگردد چه زمانی باز برای زیارت برگردد؟ و ظرف چند روز بعد دوباره محضر امام علیه السلام برگردد و اساساً مردم تا چند وقت می توانند زیارت حضرتش را ترک کنند؟

حضرت فرمودند:

اما کسانی که قریب و نزدیک قبر مطهر هستند لااقل ماهی یک بار به زیارت روند و آنانکه دور می باشند در هر سه سال یک مرتبه و اگر سه سال گذشت و به زیارت آن جناب نرفتند عاق رسول خدا صلی الله علیه و آله شده و قطع رحم آن حضرت را نموده اند مگر علت و سببی داشته باشد.

و اساساً زائر حسین علیه السلام اگر بداند که با زیارتش چه سرور و فرحی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها و ائمه علیهم السلام و شهداء از ما

اهل بیت وارد شده و او نیز مطلع باشد که از ناحیه دعاء ایشان برایش چه حاصل شده و همچنین واقف باشد از اجر و ثواب دنیوی و اخروی و آنچه برای وی نزد خدا ذخیره گشته هرآینه دوست می دارد که منزلش نزد آنجناب بوده و از آنجا هیچ گاه مفارقت نکرده و پیوسته در حال زیارت حضرتش باشد.

و زائر حسین علیه السلام وقتی به قصد زیارت از خانه اش خارج شد سایه اش به چیزی نمی افتد مگر آن چیز برایش دعا می نماید، و هنگامی که آفتاب بر او تابید گناهانش را می خورد همانطوریکه آتش هیزم را می خورد، و آفتاب هیچ گناهی را بر او باقی نمی گذارد، بنابراین از زیارت بر می گردد در حالی که هیچ گناهی بر او نیست و حق تعالی درجه اش را آن قدر مرتفع و عالی می گرداند که آنان که در راه خدا به خون خویش آغشته شده اند به آن دسترسی نداشته و مقام و منزلتشان در حد او نمی باشد و خداوند متان فرشته ای را قائم مقام وی نموده که تا بار دیگر وی به زیارت حضرت می آید برایش طلب آمرزش کند یا سه سال از این زیارت بگذرد یا فوت شود.

پدرم رحمه الله علیه، از احمد بن ادریس و محمد بن یحیی جمیعاً از عمرکی بن علی بوفکی، وی می گوید:

یحیی که در خدمت ابی جعفر ثانی بود از علی و او از صفوان بن مهران جمال و او از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده، وی گفت:

در طریق مدینه از حضرت سؤال کردم ... و حدیث را با طول و تفصیل نقل نموده.

﴿ الباب التاسع و التسعون ﴾

﴿ ثواب زيارة قبر أبي الحسن موسى بن جعفر ﴾

﴿ و محمد بن علي الجواد عليه السلام ببغداد ﴾

متن:

١- حدثني علي بن الحسين بن موسى بن بابويه - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن علي الوشاء «قال: سألت الرضا عليه السلام عن زيارة قبر أبي الحسن عليه السلام أمثل زيارة قبر الحسين عليه السلام؟ قال: نعم».

و حدثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، بأسناده مثله.

٢- حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن أبي علي، عن الحسين بن بشار الواسطي «قال: قلت للرضا عليه السلام: أزور قبر أبي الحسن عليه السلام ببغداد؟ فقال: إن كان لا بد منه فمن وراء الحجاب».

٣- حدثني علي بن الحسين، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن الحسن بن علي الوشاء «قال: قلت للرضا عليه السلام: ما لمن زار قبر أبيك أبي الحسن عليه السلام؟ فقال: زُرّه، قال: فقلت: فأني شيء فيه من الفضل؟ قال: له مثل من زار قبر الحسين عليه السلام».

٤- حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر، عن أبيه، عن هارون بن مسلم، عن علي بن حسان الواسطي - عن بعض أصحابنا - عن الرضا عليه السلام

«فی إتیان قبر أبی الحسن علیه السلام قال: صلّوا فی المساجد حوله».

﴿ باب نود و نهم ﴾

﴿ ثواب زیارت قبر حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر ﴾

﴿ و محمد بن علی الجواد علیه السلام در بغداد ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی الوشاء وی گفت: از حضرت رضا علیه السلام راجع به زیارت قبر ابا الحسن (موسی بن جعفر) علیه السلام سؤال کرده و عرض کردم: آیا مثل زیارت قبر حسین علیه السلام است؟

حضرت فرمودند: بلی.

و محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد بن عیسی به اسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده است.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابی علی، از حسین بن بشّار واسطی نقل کرده وی گفت:

محضر مبارک حضرت رضا علیه السلام، عرض کردم: آیا قبر حضرت ابی الحسن در بغداد را زیارت بکنم؟

حضرت فرمودند:

اگر چاره‌ای از آن نداشتی پس از پشت حجاب زیارتش بکن.

مترجم گوید:

مرحوم مجلسی در بحار فرموده: امر به زیارت از پشت حجاب بخاطر تقیه از مخالفین می باشد.

﴿ حدیث سوم ﴾

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن ابی عبدالله البرقی، از حسن بن علی الوشاء نقل کرده، وی گفت: محضر مبارک حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: ثواب کسی که قبر پدر بزرگوارتان حضرت ابی الحسن علیه السلام را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند:

آن را زیارت کن.

عرض کردم: فضیلت آن چه قدر است؟

حضرت فرمودند:

ثواب و فضیلت کسی که او را زیارت کند مثل ثواب کسی است که قبر حسین علیه السلام را زیارت نماید.

﴿ حدیث چهارم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر، از پدرش، از هارون بن مسلم، از علی بن حسان واسطی، از برخی اصحاب ما، از حضرت رضا علیه السلام راجع به رفتن و زیارت کردن قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

در مساجدی که اطراف آن قبر مطهر است نماز بگذارید.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ

الواسطی «قال: سألت أبا الحسن الرضا عليه السلام ما لمن زار قبر أبيك صلوات الله عليه؟ قال: فقال: زوروه، قال: قلت: فأني شيء فيه من الفضل؟ قال: فقال: فيه من الفضل كفضل من زار والده - يعني رسول الله صلى الله عليه وآله - قلت: فإن خفت ولم يمكن لي الدخول داخلًا؟ قال: سلم من وراء الجدار».

٦ - حدثني أبو العباس محمد بن جعفر القرشي، عن محمد بن الحسين بن - أبي الخطاب، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن الخبير، عن الحسين ابن محمد الأشعري القمي «قال: قال لي الرضا عليه السلام: من زار قبر أبي ببغداد كان كمن زار رسول الله صلى الله عليه وآله وقبر أمير المؤمنين عليه السلام إلا أن رسول الله وأمر المؤمنين فضلهما».

و حدثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين بإسناده مثله.

٧ - حدثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن - عيسى، عن عبد الرحمن بن أبي نجران «قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن من زار رسول الله صلى الله عليه وآله قاصداً، قال: له الجنة، ومن زار قبر أبي الحسن عليه السلام فله الجنة».

٨ - حدثني محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن علي الوشاء، عن الرضا عليه السلام «قال: زيارة قبر أبي مثل زيارة قبر الحسين عليه السلام».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم و علی بن الحسین، و محمد بن الحسن رحمۃ الله علیهم جملگی از سعد بن عبدالله، از یعقوب بن یزید، از حسین بشار واسطی، نقل کرده‌اند که وی گفت:

از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام پرسیدند: ثواب کسی که قبر پدر بزرگوارتان را زیارت کند چیست؟

راوی گفت: حضرت فرمودند:

به زیارت ایشان بروید.

عرض کردم: چه فضیلتی در آن می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

فضیلت زیارت او همچون فضیلت زیارت پدرش یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد.

عرض کردم: اگر خوف و هراسی داشته و برایم ممکن نبود که داخل شوم چه کار بکنم؟

حضرت فرمودند:

از پشت حجاب سلام بده.

﴿ حدیث ششم ﴾

ابوالعباس محمد بن جعفر قرشی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از خیبری، از حسین بن محمد اشعری قمی نقل کرده که وی گفت:

حضرت رضا علیه السلام به من فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در بغداد زیارت کند مثل کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کرده متهی زیارت رسول خدا و امیرالمؤمنین

سلام الله علیهما افضل می باشند.

محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از محمد بن الحسین به اسنادش متن همین حدیث را نقل کرده اند.

﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از عبدالرحمن بن ابی نجران نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابو جعفر علیه السلام راجع به کسی که رسول خدا را زیارت کند پرسیدم؟ حضرت فرمودند:

بهشت برای او است و کسی که قبر ابی الحسن علیه السلام (امام کاظم علیه السلام) را زیارت کند بهشت برای او می باشد.



﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن الحسن بن احمد ولید، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد، از حسن بن علی الوشاء، از حضرت رضا علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

زیارت قبر پدرم مثل زیارت قبر حسین علیه السلام می باشد.

متن:

۹- و عنه، عن سعد، عن أحمد بن محمد، عن أحمد بن عبدوس الخننجي، عن أبيه رحيم «قال: قلت للرضا علیه السلام: جعلت فداك إن زیارة قبر أبي الحسن عليه السلام ببغداد علينا فيها مشقة، وإنما نأته فنسلم عليه من وراء الحيطان، فما لمن زاره من الثواب؟ قال: فقال له: والله مثل ما لمن أتى قبر رسول الله صلی الله علیه و آله».

۱۰ - و حدَّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد ابن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم، عن رَحِيم «قال: قلت للرُّضاه: جعلت فداك إنَّ زيارة قبر أبي الحسن عليه السلام ببغداد علينا فيها مَشَقَّة، فما لِمَن زارَه؟ فقال: له مثل ما لِمَن أتى قبر الحسين عليه السلام من الثَّواب، قال: و دخل رجلُ فسَلَّم عليه و جلس و ذكر ببغداد و رداة أهلها و ما يتوقَّع أن ينزل بهم من الخسف و الصَّحبة و الصَّواعق - و عدَّ من ذلك أشياء - قال: فقامت لأُخرج فسمعت أبا الحسن عليه السلام و هو يقول: أمَّا أبو الحسن فلا».

۱۱ - حدَّثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن القلانسي، عن علي بن محمد الحُضيني، عن علي بن عبد الله بن مروان، عن إبراهيم ابن - عَقْبَة «قال: كُتِبَ إلى أبي الحسن الثالث عليه السلام أسأله عن زيارة قبر أبي عبد الله، و عن زيارة قبر أبي الحسن و أبي جعفر عليه السلام، فكتب إليَّ: أبو عبد الله المقدَّم، و هذا أجمع و أعظم أجراً».

۱۲ - حدَّثني علي بن الحسين عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد ابن - عيسى، عن عبد الرحمن بن أبي نجران «قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عمَّن زار النَّبيَّ صلى الله عليه وآله قاصداً؟ قال: له الجنَّة، و من زار قبر أبي الحسن عليه السلام فله الجنَّة».

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمہ:

از محمد بن الحسن، از سعد، از احمد بن محمد، از احمد بن عدوس خلنجی، از پدرش رحیم، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت رضا علیه السلام عرض کردم:
 فدایت شوم زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام در بغداد، بر ما مشقت دارد
 لذا خدمتش رفته و از پشت دیوارها به او سلام می‌دهیم، ثواب کسی که او را
 زیارت کند چیست؟
 حضرت به او فرمودند:
 به خدا سوگند ثواب او مثل ثواب کسی است که رسول خدا را زیارت کرده
 است.

﴿ حدیث دهم ﴾

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی،
 از علی بن الحکم از رحیم، وی گفت: محضر امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت
 شوم زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام در بغداد بر ما مشقت دارد، ثواب کسی
 که ایشان را زیارت کند چیست؟
 حضرت فرمودند:
 ثوابش مثل ثواب کسی است که قبر حسین علیه السلام را زیارت کند.
 راوی می‌گوید:

شخصی داخل شد و به آن حضرت سلام داد و نشست و متذکر بغداد و پست
 بودن مردم آن شد و خاطر نشان کرد که امید می‌رود عذاب خسف (فرو رفتن در
 زمین) و صیحه آسمانی و صاعقه ... و نام چند عذاب دیگر را برد ...، ایشان را
 بگیرد.

سپس می‌گوید: وقتی بلند شدم از محضرش مرخص شوم شنید که آن جناب
 فرمودند:
 اما ابوالحسن این طور نیست.

مترجم گوید:

طبق فرموده مرحوم مجلسی مقصود این است که: اما ابوالحسن علیه السلام: دعاء
مکن به اهل بغداد این عذاب‌ها، نازل شود زیرا ایشان بواسطه وجود قبر مطهر
حضرت ابوالحسن علیه السلام از آن محفوظ و مصمون می‌باشند.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی، از حمدان قلاتسی، از علی بن محمد
الحضینی، از علی بن عبدالله بن مروان از ابراهیم بن عقبه، وی گفت:
محضر ابی الحسن الثالث علیه السلام نامه‌ای نوشته و در آن از زیارت قبر ابی
عبدالله و قبر ابی الحسن و قبر ابی جعفر علیهم السلام پرسیدم؟
حضرت در جواب فرمودند:
زیارت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را مقدم بجا آور و بعد زیارت این دو امام همام
علیهم السلام را به آن ضمیمه کن که زیارتت جامع تر و اجرت عظیم تر خواهد بود.

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

علی بن الحسین، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از
عبدالرحمن بن ابی نجران، وی گفت:
از حضرت ابی جعفر علیه السلام راجع به زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدم؟
حضرت فرمودند:
بهشت برای او می‌باشد و کسی که قبر ابی الحسن علیه السلام را نیز زیارت کند بهشت
برای او خواهد بود.

﴿ الباب المائة ﴾

﴿ زیارة ابی الحسن موسی بن جعفر وأبی ﴾

﴿ جعفر محمّد بن علی الجواد علیهما السلام ﴾

متن:

١ - حدّثني محمّد بن جعفر الرّزّاز الکوفي، عن محمّد بن عیسی بن عبید

- عمّن ذکره - عن أبي الحسن علیهما السلام «قال: تقول ببغداد:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَدَأَ لِلَّهِ فِي

شَأْنِهِ، أَتَيْتُكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ

يَا مَوْلَايَ»، قال: وَادْعُ اللَّهَ وَاسْأَلْ حاجتك، قال: وَسَلِّمْ بهذا على أبي

جعفر محمّد بن علی علیهما السلام.

و قال: إذا أردت زیارة موسی بن جعفر؛ و محمّد بن علی علیهما السلام فاغتسل و

تنظّف و البس ثوبیک الطّاهرين، و زُرْ قبر أبي الحسن موسی بن جعفر و

محمّد بن علی بن موسی الرضا علیهما السلام، و قل حين تصیر عند قبر موسی بن

جعفر علیهما السلام:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَدَأَ لِلَّهِ فِي

شَأْنِهِ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا، عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيائِكَ،

فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ».

﴿ باب صدم ﴾

﴿ در بیان زیارت نامه حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر ﴾

﴿ و ابی جعفر حضرت محمد بن علی الجواد علیهما السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن جعفر رزّاز کوفی، از محمد بن عیسی بن عبید از کسی که ذکرش نموده، از حضرت ابی الحسن علیهما السلام، حضرت فرمودند:

در زیارت نامه حضرت ابی الحسن علیهما السلام در بغداد می گوئی:

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی های زمین، سلام بر تو ای کسی که در شانش بدا برای حق تعالی حاصل شده، به زیارت آمده ام در حالی که عارف به حقت بوده، دشمن دشمنانت هستم، پس ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش سپس حضرت فرمودند:

خدا را بخوان و از او حاجت را در خواست نما.

حضرت فرمودند:

و با همین عبارات بر حضرت ابی جعفر محمد بن علی علیهما السلام، سلام بده.
و فرمودند:

هر گاه اراده زیارت حضرت موسی بن جعفر و محمد بن علی علیهما السلام را نمودی، غسل کن و خود را نظیف و پاکیزه کن و دو جامه طاهر و پاک خود را بپوش و قبر ابی الحسن موسی بن جعفر و محمد بن علی بن موسی الرضا علیهما السلام را زیارت کرده و هنگامی که نزدیک قبر موسی بن جعفر علیهما السلام رسیدی بگو:
سلام بر تو ای ولی خدا، سلام و درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای

نور خدا در تاریکی های زمین، سلام بر تو ای کسی که در شأنش بدا برای حق تعالی حاصل شده، آمدم به نزدت در حالی که زائر تو هستم عارف به حق تو و دشمن دشمنانت و دوست دار دوستانت می باشم، ای مولای من نرد پروردگارت شفیع من باش.

متن:

ثُمَّ سَلِّ حَاجَتَكَ، ثُمَّ سَلِّمْ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ عليه السلام بِهذه الأحرف، و ابدء بالغسل و قل:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْإِمَامِ الْبَرِّ التَّقِيِّ الرَّضِيِّ، وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِينَ، وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، صَلَاةً كَثِيرَةً تَامَّةً زَاكِیَّةً مُبَارَكَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّينَ وَسُلَالَهَ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا مَوْلَايَ».

ثُمَّ سَلِّ حَاجَتَكَ فَإِنَّهَا تَقْضَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

قال: و تقول عند قبر أبي الحسن عليه السلام ببغداد، و يحزىء في المواطن كلها.

أن تقول: «السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمَنَاءِ اللَّهِ وَأَجَبَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ،

السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَظَاهِيرِ أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقَرِّينَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، الْأَدِلَاءِ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنَ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَمَنَ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَمَنَ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ وَمَنَ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهُ. وَمَنَ اغْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اغْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنَ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي مُسْلِمٌ لَكُمْ، سَلَامٌ لِمَنَ سَالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنَ حَارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

و هذا يجرى في المشاهد كلها، و تكثر من الصلاة على محمد و آله، و تسمي واحداً واحداً بأسمائهم، و تبرء من أعدائهم، و تخير لنفسك من الدعاء و للمؤمنين و للمؤمنات.

﴿ دنباله زیارت نامه حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر ﴾

﴿ و ابی جعفر حضرت محمد بن علی الجواد ؑ ﴾

ترجمه:

سپس حاجت را از خدا بخواه و بعد بر حضرت ابی جعفر محمد بن علی الجواد ؑ سلام بده و با همین عبارات به محضرش درود و تهنیت بفرست. و ابتداء کن به غسل و بعد بگو:

خدایا درود و رحمت بفرست بر محمد بن علی که پیشوایی است پرهیزکار، پاکیزه، راضی و خشنود، پسندیده، حجت تو است بر آنچه روی و زیر زمین می باشند، درود و رحمت هائی فراوان و تمام و پاک و مبارک و متصل و دنبال

وردیف هم، همچون برترین رحمت‌هایی که بر یکی از اولیاء و دوستان
فرستادی، سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای نور خدا، سلام بر تو ای
حجت خدا، سلام بر تو ای پیشوای اهل ایمان، سلام بر تو ای جانشین انبیاء
و فرزندان اوصیاء، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، آمدم نزدت در
حالی که زائر تو و عارف به حقت و دشمن دشمنانت و دوست دار دوستان
می‌باشم، پس ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش.
پس از آن حاجت را از خدا بخواه که ان شاء الله بر آورده خواهد شد.
حضرت فرمودند:

و در مقابل قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام در بغداد و همچنین در تمام مواطن
بگو:

درود بر اولیاء خدا و برگزیدگانش، درود بر امین‌های خدا و محبوبانش، درود
بر یاران خدا و جانشینانش درود بر محل‌ها و مراکز خداشناسی، درود بر
مسکن‌های ذکر و یاد خدا، درود بر مظاهر و نمونه‌های امر و نهی خدا، درود بر
داعیان و دعوت‌کنندگان به سوی خدا، درود بر آرام‌گیرندگان در امور پسندیده
شده خدا، درود بر کسانی که اخلاص دارند در مقام طاعت خدا، درود بر دلالت
کنندگان بر خدا، درود بر آنانکه هر کس ایشان را دوست بدارد خدا را دوست
دارد و آنکس که ایشان را دشمن بدارد خدا را دشمن دارد، و هر کس ایشان را
بشناسد خدا را شناخته و کسی که ایشان را نشناسد خدا را نشناخته و هر کس
چنگ به ایشان زده و متوسل به آنان شود به خدا چنگ زده و به او متوسل گردیده
و هر کس از ایشان کناره گیرد از خدا کناره گرفته است، خدا را شاهد می‌گیرم که
من تسلیم شما هستم، صلح دارم با کسی که با شما صلح دارد و ستیز می‌کنم با
کسی که با شما ستیز می‌کند، به سر و امر نهانی و آشکار شما ایمان و اعتقاد دارم،
تمام امور را به شما تفویض و واگذار می‌کنم، خدا لعنت کند دشمنان دودمان آل
محمد را چه از جن و چه از انس، و به سوی خدا بی زاری از ایشان می‌جویم

و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل محمد.
 این فقره از زیارت را در تمام مشاهد مشرفه می توان خواند و سعی کنند
 صلوات بر محمد و آل محمد زیاد بفرستند.
 و نام یک یک از ذوات مقدسه ائمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين را ببرند
 و از دشمنانشان تبری و بی زاری بگویند و برای خود و مؤمنین و مؤمنات دعاء
 خیر کنند.



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

﴿ الباب الحادی و المائة ﴾

﴿ ثواب زیارة أبی الحسن علی بن موسی الرضا ؑ بطوس ﴾

متن:

۱- حدَّثني جماعة مشايخي، عن سعد، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن داود الصَّرمي، عن أبي جعفر الثاني ؑ «قال: سمعته يقول: مَنْ زارَ قبرَ أبي فله الجنة».

۲- حدَّثني الحسن بن عبد الله، عن أبيه عبد الله بن محمد بن عيسى، عن داود الصَّرمي، عن أبي جعفر الثاني ؑ «قال: سمعته يقول: مَنْ زارَ قبرَ أبي فَلَهُ الجنة».

۳- حدَّثني أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله قال: حدَّثني عليُّ بن - إبراهيم الجعفري، عن حمدان الديواني «قال: دخلت على أبي جعفر الثاني ؑ فقلت: ما لي من زارَ أباك بطوس؟ فقال: «مَنْ زارَ قبرَ أبي بطوس غفرَ الله له ما تقدَّم من ذنبه و ما تأخَّر، قال حمدان: فلقيتُ بعد ذلك أيوبَ ابنَ نوح بن دُرَّاج فقلت له: يا أبا الحسين إني سمعت مولاي أبا جعفر ؑ يقول: مَنْ زارَ قبرَ أبي بطوس غَفَرَ اللهُ له ما تقدَّم من ذنبه و ما تأخَّر، فقال أيوب: و أزيدك فيه؟ قلت: نَعَمْ، قال: سمعته يقول: ذلك - يعني أبا جعفر - و أنه إذا كان يوم القيامة نصب له منبرٌ بحذاءِ منبرِ رسول الله ﷺ حتى يفرغ الناس من الحساب».

۴- و قال أبي - رحمه الله - : قال سعد: حدَّثني عليُّ بن الحسين النيسابوري الدِّقاق قال: حدَّثني أبو صالح شعيب بن عيسى قال: حدَّثني

صالح بن محمد الهمدانی قال: حدّثني إبراهيم بن إسحاق النّهاوندي
 «قال: أبو الحسن الرّضا عليه السلام من زارني على بُعد داري و شطون مّزاري،
 أتيتّه يوم القيامة في ثلاث مواطن حتّى أُخلّصه من أهوالها: إذا تطايرت
 الكُتُبُ يميناً و شمالاً، و عند الصّراط، و عند الميزان». قال سعد: و
 سمعته بعد ذلك من صالح بن محمد الهمداني.

﴿ باب صد و یکم ﴾

﴿ ثواب زیارت حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا عليه السلام ﴾

﴿ در طوس ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

جماعتی از مشایخ و اصحاب، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از داود
 الصرمی، از حضرت ابی جعفر ثانی عليه السلام، وی گفت:
 از آن حضرت شنیدم که می فرمود:
 کسی که قبر پدرم را زیارت کند بهشت مال او است.

﴿ حدیث دوم ﴾

حسن بن عبدالله، از پدرش عبدالله بن محمد بن عیسی، از داود الصرمی، از
 حضرت ابی جعفر ثانی عليه السلام، وی گفت:
 از آن حضرت شنیدم که می فرمود:
 کسی که قبر پدرم را زیارت کند بهشت از آن او است.

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله نقل کرده که وی گفت:
 علی بن ابراهیم الجعفری، از حمدان دیوانی نقل نموده که وی گفت:
 داخل شدم بر حضرت ابو جعفر ثانی علیه السلام و محضرش عرض کردم: اجر کسی
 که پدر شما را در طوس زیارت کند چیست؟
 حضرت فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند گناهان سابق و لاحقش را
 بیامرزد.

حمدان می گوید: پس از آن با ایوب بن نوح بن دراج ملاقات کردم و به او
 گفتم:

ای ابا حسین من از مولای خود حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود:
 کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند گناهان سابق و لاحقش را
 می آمرزد.

ایوب گفت: می خواهم اضافه تر از این را برایت بگویم؟
 گفتم: آری.

ایوب گفت: شنیدم از آن حضرت که این فقره را می فرمودند و اضافه کرده
 و می گفتند: هنگامی که روز قیامت شود منبری برای او (زائر پدرم) در مقابل منبر
 رسول الله صلی الله علیه و آله نصب می شود تا مردم از حساب فارغ شوند.

﴿ حدیث چهارم ﴾

پدرم رحمه الله علیه گفت:
 سعد گفت: علی بن الحسین النیشابوری دقاق گفت:
 ابو صالح شعیب بن عیسی برایم حدیث گفت و نقل کرد که صالح بن محمد
 همدانی گفت:

ابراهیم بن اسحق نهاوندی گفت که حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام فرمودند: کسی که من را زیارت کند در حالی که خانه‌ام دور و مزارم بعید است من روز قیامت در سه موطن به نزدش آمده تا او را از ترس‌ها و هولهای قیامت برهانم: الف: هنگامی که کتاب‌ها (نامه‌های اعمال) به دست‌های راست و چپ داده می‌شوند.

ب: در هنگام عبور از صراط.

ج: در وقت نهادن اعمال را در میزان.

سعد می‌گوید: این حدیث را بعداً از صالح بن محمد همدانی شنیدم.

متن:

۵ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ زَيْدَانَ قَالَ: حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قُطْرُبٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام «قَالَ: مَرَّ بِهِ ابْنُهُ وَهُوَ شَابٌّ حَدَّثْتُ، وَبَنُوهُ مُجْتَمِعُونَ عِنْدَهُ، فَقَالَ: إِنَّ ابْنِي هَذَا يَمُوتُ فِي أَرْضٍ غُرْبَةٍ، فَمَنْ زَارَهُ مُسَلِّماً لِأَمْرِهِ عَارِفاً بِحَقِّهِ، كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَشَهِدًا بِدَرٍّ».

۶ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ مُحَمَّدَانَ بْنِ إِسْحَاقَ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام؛ أَوْ حَكِي لِي عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - الشَّكُّ مِنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ - «قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، فَحَجَّجْتُ بَعْدَ الزِّيَارَةِ، فَلَقِيتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ، فَقَالَ لِي: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام [الثَّانِي] عليه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ بَنَى لَهُ مِنْبَرًا بِحِذَاءِ مَنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا حَتَّى يَفْرَغَ اللَّهُ مِنْ

حساب الخلائق. فرأیت أیوب بن نوح بعد ذلك و قد زار، فقال: جئت أطلب المنبر!».

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه، از سعد، از ابراهیم بن ریّان، وی گفت: یحیی بن حسن حسینی گفت: علی بن عبدالله بن قطرب برایم حدیث گفت از حضرت ابی الحسن موسی علیه السلام وی گفت: فرزند آن حضرت در حالی که جوان و کم سن بود به آن جناب مرور کرد و تمام فرزندانش نزدش جمع بودند، آن حضرت فرمودند:

این پسر (یعنی حضرت رضا علیه السلام) در سرزمینی به حالت غربت از دنیا می رود پس کسی که او را زیارت کند و تسلیم امرش بوده و به حقش عارف و آگاه باشد نزد خدا مقامش همچون مقام شهداء بدر باشد.

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، و محمد بن یعقوب، از علی بن ابراهیم، از حمدان بن اسحاق، وی گفت:

از حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم یا برایم از شخصی و او از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل نمود (تردید از علی بن ابراهیم می باشد) به هر صورت وی گفت: حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند متعال گناهان سابق و لاحقش را می آمرزد، پس بعد از زیارت به حج رفته و ایوب بن نوع را ملاقات کردم و به من گفت: حضرت ابو جعفر ثانی فرمودند: کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند، خداوند گناهان سابق و لاحقش را بیامرزد و برایش منبری در

مقابل منبر رسول خدا و حضرت علی علیه السلام بنا می شود تا خلالتی از حساب فارغ شوند.

بعد از آن ایوب بن نوح را دیدم که آن حضرت را زیارت می کرد و می گفت:
آمده ام به طلب منبر!

متن:

٧ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ؛ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمِ الْجَبَلِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ فَدَخَلَ مَتَمَتَّعاً بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، فَأَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى حَبْطِهِ وَ عَلَى عُمْرَتِهِ، ثُمَّ أَتَى الْمَدِينَةَ فَسَلَّمَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ثُمَّ أَتَاكَ عَارِفاً بِحَقِّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ حَجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ بَابَهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ فَسَلَّمَ عَلَيْكَ، ثُمَّ أَتَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، ثُمَّ أَتَى بَغْدَادَ فَسَلَّمَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام، ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَى بِلَادِهِ، فَلَمَّا كَانَ وَقْتُ الْحَجِّ رَزَقَهُ اللَّهُ مَا يَحْجُجُ بِهِ فَأَتِيَهُمَا أَفْضَلُ؟ هَذَا الَّذِي قَدْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ يَرْجِعُ وَ يَحْجُجُ أَيْضاً أَوْ يُخْرَجُ إِلَى خِرَاسَانَ إِلَى أَبِيكَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عليه السلام فَلَيْسَلَّمَ عَلَيْهِ؟ قَالَ: بَلْ يَأْتِي خِرَاسَانَ فَلَيْسَلَّمَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ أَفْضَلُ، وَ لِيَكُنْ ذَلِكَ فِي رَجَبٍ، وَلَكِنْ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَفْعَلُوا هَذَا الْيَوْمَ، فَإِنَّ عَلَيْنَا وَ عَلَيْكُمْ خَوْفاً مِنَ السَّلْطَانِ وَ شُنْعَةً».

٨ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ،

عن العباس بن معروف، عن علی بن مهزیار «قال: قلت لأبی جعفر علیه السلام: ما لمن زار قبر الرضا علیه السلام؟ قال: [فله] الجنة والله».

ترجمه: ﴿ حدیث هفتم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن الحسن و علی بن الحسین جملگی از سعد ابن عبدالله بن ابی خلف، از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، از حسین بن سیف بن عمیره، از محمد بن اسلم الجبلی، از محمد بن سلیمان، وی می گوید: از حضرت ابا جعفر علیه السلام راجع به مردی که حجة الاسلام بجا می آورد پرسیدم: وی برای انجام حج تمتع داخل مکه شد و خداوند بر انجام حج و عمره کمکش کرد، سپس به مدینه رفت و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام داد و آن جناب را زیارت کرد پس از آن به زیارت شما آمد در حالی که به حق شما عارف بوده و می داند که شما حجت خدا بر خلائق هستید.

و توجه دارد که شما همان بابی هستید که شخص برای توجه الی الله باید از آن باب وارد شود و به شما سلام داده و زیارتتان می کند، سپس به زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین سلام الله علیه رفته و به آن حضرت سلام می دهد آن گاه به بغداد رفته و بر حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام سلام می دهد و بعد به شهر خودش مراجعت می کند، و پس از رسیدن موسم حج خداوند متعال حج را روزی او می کند حال بفرمائید کدامیک از این دو افضل و برتر هستند؟

حجة الاسلامی که بجا آورد و برگشت و دوباره حج روزی او شده یا به خراسان رود و پذیرگوارتان حضرت علی بن موسی علیه السلام را سلام داده و زیارت کند؟

حضرت در جواب فرمودند:

بلکه افضل آن است که به خراسان رود و بر پدرم حضرت ابی الحسن سلام داده و آن جناب را زیارت کند و شایسته است که این زیارت را در رجب انجام دهد ولی در این روز به آن مبادرت نکند زیرا هم بر ما و هم بر شما از ناحیه سلطان خوف بوده و ممکن است در معرض تشنیع و بدگونی واقع شویم.

﴿ حدیث هشتم ﴾

محمد بن الحسن بن احمد، از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف، از علی بن مهزیار، وی گفت:

محضر حضرت ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: اجر کسی که قبر حضرت رضا را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

به خدا سوگند بهشت برای او است.



متن:

۹ - حدَّثني محمد بن الحسن، عن محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن - محمد بن عيسى، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البرنطي «قال: قرأت في كتاب أبي الحسن الرضا عليه السلام: أبلغ شيعتي أن زیارتي تعدل عند الله ألف حجة، قال: فقلت لأبي جعفر عليه السلام: ألف حجة؟! قال: إي والله؛ و ألف ألف حجة لمن زاره عارفاً بحقه».

۱۰ - حدَّثني أبي - رحمه الله - و علي بن الحسين؛ و علي بن محمد بن قلوويه، عن علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن زيد النرسي، عن أبي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام «قال: من زار ابني هذا و أو

ما إلى الحسن الرضا - فله الجنة.

۱۱ - حدّثني محمد بن يعقوب؛ و علي بن الحسين؛ و غيرها، عن علي ابن ابراهيم، عن أبيه، عن علي بن مهزيار «قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: جعلتُ فداك زيارة الرضا أفضل أم زيارة أبي عبد الله حسين بن علي عليه السلام؟ قال: زيارة أبي أفضل، وذلك أنّ أبا عبد الله عليه السلام يزوره كلُّ الناس، و أبي لا يزوره إلاّ الخوَص من الشيعة».

و عنهم - رحمهم الله - عن علي بن ابراهيم، عن حمدان بن إسحاق «قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام؛ أو حكى لي رجل عن أبي جعفر عليه السلام - الشك من علي يقول: و ذكر مثل حديث أيوب بن نوح، حديث المنبر.

« حدیث نهم »

ترجمه:

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی وی گفت:
در کتاب حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام خواندم که آن حضرت مرقوم فرموده بودند: برسان به شیعیانم که زیارت من نزد خدا معادل با هزار حج است.
می گوید: به حضرت ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: معادل با هزار حج است؟
حضرت فرمودند:

بلی به خدا قسم بلکه کسی که ایشان را زیارت کند در حالی که عارف به حقش باشد ثواب یک میلیون حج به او داده می شود.

« حدیث دهم »

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین و علی بن محمد بن قولویه، از علی

ابن ابراهیم بن هاشم، از پدرش از ابن ابی عمیر، از زید النرسی، از حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام آن حضرت فرمودند: کسی که این فرزندانم (اشاره به حضرت رضا کردند) علیه السلام را زیارت کند بهشت از آن او است.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

محمد بن یعقوب و علی بن الحسین، و غیر این دو از علی بن ابراهیم، از پدرش، از علی بن مهزیار وی گفت: محضر ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: قدايت شوم زیارت حضرت رضا علیه السلام افضل است یا زیارت ابی عبدالله حسین بن علی علیه السلام؟



حضرت فرمودند:

زیارت پدرم افضل است زیرا حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام را هر گروهی از مردم زیارت می کنند ولی پدرم را زیارت نمی کند مگر شیعیان خاص و خالص ما.

و از محمد بن یعقوب و علی بن الحسین و غیر این دو رحمة الله علیهم از علی بن ابراهیم، از حمدان بن اسحق نقل شده که وی گفت: از حضرت ابو جعفر علیه السلام شنیدم یا شخصی از حضرت ابی جعفر علیه السلام برایم نقل کرد (شک و تردید از علی بن ابراهیم است) که آن حضرت فرمودند:

.... و حدیثی مانند حدیث ایوب بن نوح که به حدیث منبر مشهور است را ذکر فرمود.

متن:

۱۲ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ، عَنْ عَلِيٍّ
ابن الحسين التيسابوري، عن إبراهيم بن محمد، عن عبد الرحمن بن
سعيد المكي، عن يحيى بن سليمان المازني، عن أبي الحسن موسى بن
جعفر عليه السلام «قال: مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِي كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ سَبْعُونَ حَجَّةً
مَبْرُورَةً، قال: قلت: سبعين حجة؟! قال: نَعَمْ؛ و سبعمائة حجة، قلت:
سبعمائة حجة؟ قال: نَعَمْ؛ و سبعين ألف حجة، قلت: و سبعين ألف حجة،
قال: نَعَمْ؛ و رُبَّ حَجَّةٍ لَا تُقْبَلُ، مَنْ زَارَهُ وَ بَاتَ عِنْدَهُ لَيْلَةً كَانَ كَمَنْ زَارَ
اللَّهَ فِي عَرْشِهِ، قلت: كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ؟! قال: نَعَمْ إِذَا كَانَ يَوْمُ
الْقِيَامَةِ كَانَ عَلَى عَرْشِ اللَّهِ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ، أَمَّا
الأربعة الذين هم مِنَ الْأَوَّلِينَ فَنُوحٌ وَ إِبْرَاهِيمُ وَ مُوسَى وَ عِيسَى عليه السلام، وَ أَمَّا
الأربعة الذين هم مِنَ الْآخِرِينَ فَحَمَدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، ثُمَّ يَمْدُ الْمِضْمَارُ فَيَقْعُدُ مَعَنَا مَنْ زَارَ قُبُورَ
الْأَنْمَةِ؛ أَلَا إِنَّ أَعْلَاهُمْ دَرَجَةً وَ أَقْرَبَهُمْ حَبُوءَةً مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِي
عَلِيٍّ عليه السلام».

حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ
الحسين التيسابوري [قال: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ رِثَابٍ] بِهَذَا الْإِسْنَادِ مِثْلَهُ.

ترجمه: ﴿ حدیث دوازدهم ﴾

محمد بن یعقوب، از محمد بن یحیی العطار، از علی بن حسین نیشابوری، از ابراهیم بن محمد، از عبدالرحمن بن سعید المکی، از یحیی بن سلیمان مازنی، از ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام، حضرت فرمودند:

کسی که قبر فرزندان را زیارت کند برای او نزد خدا ثواب هفتاد حج مقبول می باشد.

راوی می گوید: محضرش عرضه داشتم: ثواب هفتاد حج ۱۹ حضرت فرمودند:

بلی، بلکه ثواب هفتصد حج ۱۹

عرض کردم: هفتصد حج ۱۹

فرمودند: بلی، بلکه ثواب هفتاد هزار حج.

عرض کردم: هفتاد هزار حج ۱۹

فرمودند: بلی، از این گذشته بسا حج مقبول واقع نمی شود، کسی که آن حضرت را زیارت کند و شب را نزد آن جناب بیتوته کند مثل کسی که است که خدا را در عرش زیارت کرده.

عرض کردم: مثل کسی که خدا را در عرش زیارت کرده ۱۹ حضرت فرمودند:

بلی، هنگامی که قیامت به پا شود چهار تن از اولین و چهار تن از آخرین روی عرش خدا هستند.

اما چهار تن از اولین عبارتند از:

حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام.

و اما چهار تن از متأخرین عبارتند از:

حضرت محمد و علی و حسن و حسین صلوات الله علیهم اجمعین.

سپس مجلس کشیده شده و در آن توسعه داده می شود و کسانی که قبور ائمه را زیارت کرده اند با ما روی عرش می نشینند.

توجه داشته باش کسی که قبر فرزندان علی علیه السلام را زیارت کرده باشد درجه اش از دیگران اعلی و عطیه اهدائی او بهتر از سایرین می باشد.

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله نقل کرده که وی گفت:

علی بن الحسین النیشابوری گفت: ابراهیم بن رثاب حدیثی مثل این حدیث را با همین اسناد نقل نموده است.



مرکز تحقیقات تاریخ و فرهنگ اسلامی

﴿ الباب الثاني و المائة ﴾

﴿ زيارة قبر أبي الحسن الرضا عليه السلام ﴾

متن:

١ - حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ هِشَامٍ - عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا - «قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ الرَّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى، الْإِمَامِ الثَّقِيِّ النَّقِيِّ، وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، الصَّدِّيقِ الشَّهِيدِ، صَلَاةً كَثِيرَةً نَامِيَةً زَاكِئَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ».

و روي عن بعضهم قال: إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا بِطُوسَ فَاغْتَسَلْ عِنْدَ خُرُوجِكَ مِنْ مَنَزْلِكَ وَ قُلْ حِينَ تَغْتَسَلُ: «اللَّهُمَّ طَهِّرْني، وَ طَهِّرْ قَلْبِي، وَ اشْرَحْ لي صَدْرِي، وَ أَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي مَدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَ شِفَاءً [و نوراً]».

و تقول حين تخرج:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ، وَ إِلَى ابْنِ رَسُولِهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَ إِلَيْكَ قَصَدْتُ، وَ مَا عِنْدَكَ أَرَدْتُ».

فإذا خرجت فقف على باب دارك و قل:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَ عَلَيْكَ خَلَّفْتُ أَهْلِي وَ مَالِي وَ مَا حَوَّلْتَنِي،

وَبِكَ، وَثِقْتُ فَلَا تَخَيِّبْنِي يَا مَنْ لَا يَخِيبُ مَنْ أَرَادَهُ، وَلَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظَهُ
صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ، فَإِنَّهُ لَا يَضِيعُ مَنْ
حَفِظْتَ».

فاذا وافيت سالماً ان شاء الله فاغتسل و قل حين تغتسل:
«اللَّهُمَّ طَهِّرْني، وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَاشْرَحْ لي صَدْرِي، وَأَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي
مَذْحَتَكَ وَمَحَبَّتَكَ، وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ
قُوَّةَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ وَالْإِتْبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَالشَّهَادَةُ عَلَى جَمِيعِ
خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَنُوراً، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».



﴿ باب صد و دوم ﴾

﴿ زیارت قبر حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه بن خطاب، از عبدالله بن احمد، از بکر بن
صالح، از عمرو بن هاشم، از شخصی از اصحاب ما، وی گفت: هر گاه به زیارت
علی بن موسی الرضا علیه السلام رفتی بگو:

خدایا درود و رحمت فرست بر علی بن موسی الرضا که:

پسندیده و پیشوائی پرهیزکار و پاک بوده، حجت تو است بر آنچه فوق و
تحت زمین هستند، بسیار راستگو و شهید می باشد، درود و رحمت های بسیار و
عظیم و پاکیزه و متصل و دنبال و ردیف هم همچون برترین رحمت هائی که بر
یکی از اولیاء و دوستان فرستادی.

و از بعضی روایت شده که فرموده:

هر گاه به زیارت قبر علی بن موسی الرضا در طوس رفتی هنگام خروج از منزلت غسل کن و در وقت غسل بگو: خدایا من را پاک و دلم را پاکیزه نما، سینه‌ام را فراخ کن، و مدح و ستایش خودت را بر زبانم جاری کن، زیرا هیچ قوه و نیروئی وجود ندارد مگر به واسطه تو، خدایا این غسل را برای من پاک کننده و شفاء و نور قرار بده.

و در هنگام خروج از منزل بگو:

به کمک اسم «الله» و به کمک «الله» و به سوی «الله» و به سوی فرزند رسول خدا، کفایت می‌کند من را خدا، توکل می‌کنم بر خدا، خدایا به سوی تو توجه نمودم و تو را قصد کرده‌ام و آنچه را نزد تو است اراده نموده‌ام.

و هنگامی که از منزل خارج شکی بجنب درب بایست و بگو:

خدایا صورتم را به سوی تو متوجه نمودم، و اهل و مال و آنچه را که به من عطاء کردی پیش تو گذاردم و به تو اطمینان کرده پس من را ناامید مکن ای کسی که هر که را تو اراده کنی او ناامید نمی‌شود و آنکس را که حفظ کنی ضایع نمی‌گردد، درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد، حفظ کن من را به حفظ خودت زیرا شخصی را که تو حفظ کردی ضایع نمی‌شود.

و هنگامی که به مقصود سالماً رسیدی غسل کن و در وقت غسل بگو:

خدایا من را پاک نما، و دلم را پاکیزه کن، سینه‌ام را فراخ کرده و مدح و محبت خودت را بر زبانم جاری گردان، زیرا هیچ نیروئی وجود ندارد مگر به واسطه تو، و محققاً دانسته‌ام که قوت دینم به این است که تسلیم امر تو بوده و از سنت و شریعت پیغمبرت پیروی کنم و بر جمیع خلق تو شاهد و ناظر باشم، خدایا این غسل را برایم شفاء و نور قرار بده، تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی.

متن:

ثُمَّ الْبَسْ ثِيَابَكَ، وَ امْشِ حَافِئاً، وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ، بِالتَّكْبِيرِ

و التَّهْلِيلُ وَ التَّسْبِيحُ وَ التَّحْمِيدُ وَ التَّمْجِيدُ، وَ قَصْرُ خُطَاكَ وَ قُلْ حِينَ تَدْخُلُ:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ.»
ثُمَّ أَشِرْ إِلَى قَبْرِهِ، وَاسْتَقْبِلْ وَجْهَهُ بِوَجْهِكَ، وَاجْعَلِ الْقَبْلَةَ بَيْنَ كَتِفِكَ وَ قُلْ:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَ سَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِخْصَائِهَا غَيْرُكَ.»



ترجمه: ﴿ دُنْبَالَهُ زِيَارَتِ نَامِهِ حَضْرَتِ ابُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ﴾

سپس جامهات را بپوش و پای برهنه در حالی که با وقار و آرامش حرکت می کنی گام بردار و در حال حرکت تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) و تسبیح (سبحان الله) و تحمید (الحمد لله) گفته و خدا را به مجد و بزرگی یاد کن. سعی کن قدم هایت را کوتاه برداری و در موقع داخل شدن به روضه منوره آن حضرت بگو:

کمک می جویم به نام خدا و ذات اقدسش و شهادت می دهم که بر شریعت و ملت رسول خدا، هستم، شهادت می دهم که معبودی غیر از خدا نبوده، تنها است و شریک و انبازی ندارد، و شهادت می دهم که محمد بنده و فرستاده اش می باشد و شهادت می دهم که علی ولی خدا است.

سپس به طرف قبر مطهرش اشاره کن و رو به صورت قبر کن و قبله را پشت

سربگیر و بگو:

شهادت می‌دهم که معبودی غیر از خدا نبوده و او تنها است و انبازی ندارد، و شهادت می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده‌اش بوده و سرور اولین و آخرین است، شهادت می‌دهم که او آقای انبیاء و فرستاده شدگان است، خدایا رحمتت را بر محمد که بنده و رسول و نبی تو و سرور تمام خلایق می‌باشد بفرست، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین اندازه‌اش قادر نیست.

متن:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ طَالِبٍ عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ
الَّذِي انْتَجَبْتَهُ لِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَ عَلَى
مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَّانٍ يَوْمَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ
خَلْقِكَ، وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلَامَ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ؛ وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ، وَأُمِّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الطَّهْرَةِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ، النَّقِيَّةِ
الرَّضِيَّةِ الزَّكِيَّةِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَسَيِّدَةِ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ
أَجْمَعِينَ، صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ سَبْطَيِ نَبِيِّكَ وَسَيِّدَيِّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْقَائِمِينَ فِي خَلْقِكَ،
وَالدَّالِّينَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَّانِي الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَضْلِي
قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ [سَيِّدِ الْعَابِدِينَ]
عَبْدِكَ، الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ
بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَّانِي الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَضْلِي قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، بِأَقْرِ

عِلْمِ النَّبِيِّينَ، الْقَائِمِ بِعَذْلِكَ وَالِدَّاعِي إِلَى دِينِكَ وَدِينِ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ،
 صَلَاةً لَا يَتَقَوَّى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
 الصَّادِقِ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ الصَّادِقِ
 الْبَارِّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَاسِمِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ، وَلِسَانِكَ فِي
 خَلْقِكَ، النَّاطِقِ بِعِلْمِكَ، وَالْجُجَّةِ عَلَى بَرِيَّتِكَ، صَلَاةً لَا يَتَقَوَّى عَلَى
 إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا الرِّضِيِّ الْمُتَّضَى،
 عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، الْقَائِمِ بِعَذْلِكَ، وَالِدَّاعِي إِلَى دِينِكَ، وَدِينِ آبَائِهِ
 الصَّادِقِينَ، صَلَاةً لَا يَتَقَدَّرُ عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ
 عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، الْقَائِمَيْنِ بِأَمْرِكَ وَالْمُؤَدِّيَيْنِ عَنْكَ وَشَاهِدَيْكَ عَلَى
 خَلْقِكَ وَدَعَائِمِ دِينِكَ وَالْقَوَامِ عَلَى ذَلِكَ، صَلَاةً لَا يَتَقَوَّى عَلَى إِحْصَائِهَا
 غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، الْعَامِلِ بِأَمْرِكَ، وَالْقَائِمِ فِي
 خَلْقِكَ، وَحُجَّتِكَ الْمُؤَدِّي عَنْ نَبِيِّكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى خَلْقِكَ، الْخُصُوصِ
 بِكَرَامَتِكَ، الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ
 أَجْمَعِينَ، صَلَاةً لَا يَتَقَوَّى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ،
 وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، صَلَاةً نَامِيَةً بَاقِيَةً، تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَتَنْصُرُهُ
 [بِهَا]، وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِزِيَارَتِهِمْ
 وَمَحَبَّتِهِمْ، وَأُوَالِي وَلِيِّهِمْ، وَأُعَادِي عَدُوَّهُمْ، فَأَرْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ، وَاضْرِفْ عَنِّي نَفْسِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَهْوَالَ يَوْمِ
 الْقِيَامَةِ.

ترجمه:

خدایا رحمتت را بر امیرمؤمنان علی بن ابی طالب که بنده و برادر رسولت بوده و کسی است که او را برگزیدی و راهنما برای هر کس از مخلوقات که بخواهی و دلیل و نشانه بر کسی که او را به رسالت برانگیخته‌ای قرارش دادی بفرست، او در روز قیامت به عدل تو حکم کرده و منازعات بین مخلوقات را فیصله می‌دهد، نگاهبان بر تمام امور است، و درود و رحمت و برکات خدا بر او باد.

خدایا رحمتت را بر فاطمه که دختر پیغمبر و همسر ولی تو و مادر دو سبط پیامبرت یعنی حسن و حسین که دو سرور جوانان اهل بهشت هستند می‌باشد بفرست، خدایا رحمتت را بر فاطمه که نفس پاکی و پاک و پاکیزه و غیر آلوده به آلودگیها است، پسندیده خدا و تزکیه شده و بانوی بانوان عالم و سرور زنان اهل بهشت است بفرست، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نیست.

ترجمه: ﴿دنباله زیارت نامه حضرت ابو الحسن الرضا علیه السلام﴾

خدایا رحمتت را بر حسن و حسین که دو سبط پیغمبرت بوده و دو سرور جوانان اهل بهشت هستند بفرست ایشان به پا خاسته‌اند بین خلق تو، نشانه و دلیل هستند بر کسی که او را به رسالت و پیغمبری برانگیخته‌ای به عدل تو در روز قیامت حکم می‌کنند، و منازعات بین مردم را فیصله می‌دهند.

خدایا رحمتت را بر علی بن الحسین که سرور عابدین و بنده تو بوده بفرست، بین خلق تو به پا خاسته و جانشین تو بر خلق است، نشانه و دلیل است بر کسی که او را به رسالت و پیغمبری برانگیخته‌ای به عدل تو در روز قیامت حکم می‌کند، و منازعات بین مردم را فیصله می‌دهد.

خدایا رحمتت را بر محمد بن علی که بنده و ولی دینت و جانشین تو در

زمین هست بفرست، شکافنده و تشریع کننده علم انبیاء است، عدل تو را به پا نموده، و به دینت و دین پدران صادق و راستگویش مردم را دعوت کرده است، خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر جعفر بن محمد که صادق و عبد و ولی دین و حجت تو بر تمام خلایق است بفرست، راستگو و نیکوکار می باشد.

خدایا رحمتت را بر موسی بن جعفر که کاظم (مسلط بر خشم) و بنده نیکوکار تو است بفرست زبان تو در بین مخلوقات بوده، به علم تو سخن گفته و حجت تو بر مردمان است خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر علی بن موسی که رضا و خشنود و پسندیده تو است بفرست، بنده تو و ولی دینت می باشد، عدل تو را به پا کرده و مردم را به دین تو و دین پدران صادق و راستگویش دعوت کرده خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر محمد بن علی و علی بن محمد که به امر تو به پا خاسته و از طرف تو اداء وظیفه نمودند بفرست، آن دو شاهد و ناظر بر خلق بوده و ستونهای دین و قوام بخش آن هستند خدایا رحمتی بر آنها بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر حسن بن علی که به امر تو عمل نمود و در بین خلق توبه پا خاست بفرست حجت تو است و از طرف پیغمبرت اداء وظیفه نمود و شاهد و ناظر تو است بر خلایق، به کرامت تو اختصاص داده شده و به طاعت تو و طاعت رسالت مردم را دعوت نموده.

خدایا رحمت خود را بر تمام ایشان شامل گردان، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر حجت و ولی خود که قائم در بین مردم است بفرست،
رحمتی فراوان و غیر قابل زوال، خدایا در فرج حجت شتاب کن و او را یاری
فرما، خدایا در دنیا و آخرت ما را با او قرار بده.

خدایا به واسطه زیارت و محبت ایشان به تو تقرب می جویم، دوستداران ایشان
را دوست و دشمنان ایشان را دشمن دارم، خیر دنیا و آخرت را بواسطه ایشان
نصیب من گردان، در دنیا و آخرت غم و اندوهم را به واسطه ایشان برطرف فرما،
به واسطه ایشان هول و وحشت های قیامت را از من برکنار بدار.

متن:

ثم تجلس عند رأسه و تقول:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، «السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ،
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ
نَبِيِّ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَارِثَ مُوسَى كُلِّمِ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، «السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَلِيِّ اللَّهِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ
عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
الصَّادِقِ الْبَارِئِ النَّقِيِّ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاظِمِ،
«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَارِئُ

الَّتِي، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَقَّ اتَاكَ الْيَقِينُ، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

ترجمه: ﴿دنباله زیارت نامه حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام﴾

سپس بالای سر مبارک بنشین و بگو:

درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای ولی خدا، درود بر تو ای نور خدا در تاریکی های زمین، درود بر تو ای ستون دین، درود بر تو ای وارث آدم برگزیده، درود بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا، درود بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، درود بر تو ای وارث موسی کلیم و سخن گوی با خدا درود بر تو ای وارث عیسی خدا، درود بر تو ای وارث حضرت محمد ﷺ محبوب خدا، درود بر تو ای وارث حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ ولی خدا، درود بر تو ای وارث حضرت امام حسن و امام حسین ﷺ دو سرور جوانان اهل بهشت، درود بر تو ای وارث حضرت علی بن الحسین ﷺ سرور عابدین، درود بر تو ای وارث حضرت محمد بن علی ﷺ شکافنده و تشریح کننده علوم اولین و آخرین، درود بر تو ای وارث حضرت جعفر بن محمد ﷺ صادق و نیکوکار و پرهیزکار و پاکیزه، درود بر تو ای وارث حضرت موسی بن جعفر ﷺ مسلط بر خشم و غضب خود، درود بر تو ای راستگو و ای شهید، درود بر تو ای وصی و نیکوکار و پرهیزکار، شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را داده و به معروف امر و از منکر و قبیح نهی فرمودی و خدا را مخلصاً پرستیدی تا وقتی که اجل تو را دریافت.

درود بر تو ای ابا الحسن و رحمت و برکات خدا نیز بر تو باد، خدا پسندیده

و بزرگ می باشد.

متن:

ثم تنكب على القبر و تقول:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَعَدْتُ مِنْ أَرْضِي، وَقَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبْنِي وَلَا تُرُدَّنِي بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَوَائِجِي، وَارْحَمْ تَقْلُبِي عَلَى قَبْرِ ابْنِ أَخِي نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ زَائِراً وَافِداً عَائِداً مِمَّا جَنَيْتُ بِهِ عَلَى نَفْسِي، وَاخْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي، فَكُنْ لِي شَفِيعاً إِلَى رَبِّكَ يَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَحْمُوداً، وَأَنْتَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛

ثم ترفع يدك اليمنى و تبسط المرى على القبر و تقول: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَبِعَوَالَتِهِمْ، وَأَتَوَلَّى آخِرَهُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَهُمْ، وَأُبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَلِيَّةٍ دُونَهُمْ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِفَتَكَ، وَاتَّهَمُوا نَبِيَّكَ، وَجَحَدُوا آيَاتِكَ، وَسَخَرُوا بِإِمَامِكَ، وَحَمَلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْتَابِ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللُّغَةِ عَلَيْهِمُ وَالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ»؛

ثم تحوّل عند رجليه و تقول:

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أبا الْحَسَنِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، صَبَرْتَ وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ، قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ».

ثم ابتهل باللُّغَةِ على قاتل أمير المؤمنين، و باللُّعْنَةِ على قتلة الحسين و على جميع قتلة أهل بيت رسول الله صَلَّى الله عليه و آله، ثم تحوّل نحو رأسه من خلفه و صلّ ركعتين، تقرأ في إحداهما «يس»، و في

الْأُخْرَى «الرَّحْمَنُ»، وَتَجْتَهِدُ فِي الدُّعَاءِ لِنَفْسِكَ وَالتَّضَرُّعِ، وَ أَكْثَرُ مِنَ الدُّعَاءِ لِوَالِدَيْكَ وَلِإِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَقِمْ عِنْدَهُ مَا شِئْتَ، وَ لِيَكُنْ صَلَاتُكَ عِنْدَ الْقَبْرِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

﴿ دُنْبَالِه زیارت نامه حضرت ابا الحسن الرضا ﴾

﴿ صلوات الله و سلامه علیه ﴾

سپس تکیه بر قبر کن و بگو:

خدایا از سرزمین خود که حرکت کردم تو را قصد نموده و شهرها را که طی کرده و پشت سر نهاده‌ام به نیت تو حرکت کرده‌ام به امید اینکه رحمتت شامل حالم شود پس من را ناامید مکن و بدون اینکه حاجتم را روا کنی به وطنم برمگردان، خدایا به غلطیدن و آمدنم بر قبر پسر برادر پیامبر و رسولت صلی الله علیه و آله رحم نما و من را مورد عنایت قرار بده ای علی بن موسی الرضا پدر و مادرم فدایت به نزدت آمده در حالی که زائر و مسافر بوده و از جنایت‌هایی که بر نفس خویش کرده و بار سنگینی که به پشت گرفته‌ام به تو پناهانده شده‌ام پس در روز حاجت و نیازمندیم شفیع من نزد پروردگار باش چه آنکه تو نزد خدا مقامی پسندیده داشته و در دنیا و آخرت پیش حق تعالی وجیه و آبرومند می‌باشی.

سپس دست راست را بلند و دست چپ را بر روی قبر پهن کن و بگو:

بار خدایا من بواسطه حبّ و دوستی ایشان به تو تقرب می‌جویم، خدایا من آخرین نفر ایشان را دوست دارم همان طوری که اولین نفرشان را دوست دار هستم، و بی‌زاری می‌جویم از هر بیگانه‌ای نسبت به آنها، خدایا آنانکه نعمت تو را تبدیل کرده و پیامبرت را مورد اتهام قرار داده و آیات تو را انکار نموده و امام و پیشوایت را مورد استهزاء و سخریه قرار داده و مردم را بر شانه‌های آل محمد سوار کرده و آنها را بر این ذوات مقدسه مسلط کرده‌اند لعنت نما، خدایا من به

واسطه لعنت بر ایشان و بی‌زاری از آنها در دنیا و آخرت به تو تقرّب می‌جویم
ای مهربان و ای صاحب رحم.

سپس به پائین پای مبارک برو و بگو:

یا اباالحسن رحمت خدا بر تو، رحمت خدا بر تو و بر روح و بر جسم تو،
صبر نموده و در مشکلات و ناملایمات شکیبایی بودی، تو راستگو و مورد تصدیق
می‌باشی، خدا بکشد کسانی را که تو را با دست‌ها و زبان‌ها کشتند.

سپس در لعنت بر قاتلان امیرالمؤمنین و امام حسین سلام الله علیهما و تمام
قاتلین اهل بیت رسول خدا ﷺ مبالغه نما.

سپس از پشت قبر به بالا سر برگرد و در آنجا دو رکعت نماز به این کیفیت
بخوان:

در رکعت اول سوره حمد و پس و در رکعت دوم بعد از حمد سوره الرحمن
را قرائت کن.

و پس از فراغت از آن برای خود بسیار دعاء کن و در تضرع و زاری مبالغه نما
و برای پدر و مادر و برادران ایمانی خود تا می‌توانی دعاء کن و هر مقداری که
خواستی در آنجا اقامت کن.

قابل توجه آنکه دو رکعت نماز را نزدیک قبر مطهر بجا بیاور.

﴿ الباب الثالث و المائة ﴾

﴿ زيارة أبي الحسن علي بن محمد الهادي ﴾

﴿ و أبي محمد الحسن بن علي العسكري عليه السلام ﴾ «سُرَّ مَنْ رَأَى» ﴿

متن:

١ - روي عن بعضهم عليهم السلام أنه قال: «إذا أردت زيارة أبي الحسن الثالث علي بن محمد و أبي محمد الحسن بن علي عليه السلام تقول بعد الغسل إن وصلت إلى قبريهما؛ و إلا أو مات بالسَّلام من عند الباب الذي على الشارع الشباك تقول:

«السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا حُجَّتِي اللَّه، السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا نُورِي اللَّه فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْض، السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا مَنْ بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَأْنِكُمَا، السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا حَبِيبِي اللَّه، السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا إِمَامِي الْهُدَى، أَتَيْتُكُمَا عَارِفًا بِحَقِّكُمَا، مُغَادِيًا لِأَعْدَائِكُمَا، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكُمَا، مُؤْمِنًا بِمَا آمَنْتُمَا بِهِ، كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُمَا بِهِ، مُحَقِّقًا لِمَا حَقَّقْتُمَا، مُبْطِلًا لِمَا أَنْبَطَلْتُمَا، أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمَا أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زيارَتِكُمَا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي مُرَافَقَتِكُمَا فِي الْجَنَانِ مَعَ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُغْفِرَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَيَرْزُقَنِي شَفَاعَتِكُمَا وَ مُصَاحِبَتِكُمَا، وَيُعَرِّفَ بَيْنِي وَبَيْنَتِكُمَا، وَيَخْشَرَنِي مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمَا وَ تَوْفَّقْنِي عَلَى مِلَّتِهِمَا، اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ وَ انْتَقِمْ مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ الْعَنْ الْأَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ، وَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ، وَابْلُغْ بِهِمُ

وَبِأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَمُحِبِّهِمْ وَمُتَّبِعِيهِمْ، أَشْفَلَ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛

و تَجْتَهِدُ فِي الدُّعَاءِ لِنَفْسِكَ وَ لَوَالِدَيْكَ وَ تَخَيَّرَ مِنَ الدُّعَاءِ، فَإِنْ وَصَلْتَ إِلَيْهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا فَصَلِّ عِنْدَ قَبْرِهَا رَكَعَتَيْنِ، وَ إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَصَلَّيْتَ دَعْوَتَ اللَّهِ بِمَا أَحْبَبْتَ، إِنَّهُ قَرِيبٌ مَحْيَبٌ، وَ هَذَا الْمَسْجِدَ إِلَى جَانِبِ الدَّارِ وَ فِيهِ كَانَ يَصَلِّيَانِ - عَلَيْهَا الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ -

﴿ باب صد و سَوم ﴾

﴿ زیارت نامه حضرت ابی الحسن علی بن محمد الهادی ﴾

﴿ و حضرت ابی محمد الحسن بن علی العسکری (علیه السلام) ﴾

﴿ در سامراء ﴾

ترجمه:

از بعضی ائمه (علیهم السلام) مروی است که فرمودند:

هرگاه خواستی حضرت ابی الحسن الثالث علی بن محمد الحسن بن علی (علیه السلام) را زیارت کنی ابتداء غسل کن و بعد اگر توانستی به نزدیک قبر ایشان رفته و به آن دو برسی^(۱) و در غیر این صورت مقابل پنجره‌ای که باز می‌شود بسوی قبر با اشاره سلام بده و بگو:

درود بر شما ای دو ولی خدا، درود بر شما ای دو حجت خدا، درود بر شما

۱ - مترجم گوید: این دو امام همام و بزرگوار در خانه خود دفن شدند و آن درسی داشت که گاهی باز می‌کرده و دوستانشان داخل می‌شدند و در نزد قبر و نزدیک آن زیارت می‌کردند و گاهی که بسته بود از بیرون مقابل پنجره‌ای که در دیوار مقابل قبر مطهر بود زیارت می‌کردند.

ای دو نور خدا در تاریکی های زمین، درود بر شما ای کسانی که خدا در باره شما اراده اش را ظاهر ساخت، درود بر شما ای دو محبوب خدا، درود بر شما ای دو پیشوای هدایت، به زیارتشان آمده ام در حالی که به حق شما عارف بوده و دشمن دشمنانتان و دوست دار دوستانتان می باشم، ایمان دارم به آنچه شما ایمان به آن داشته و منکر هستم آنچه را که شما آن را انکار دارید حق می دانم آنچه را که شما حق می دانید، و باطل می دانم آنچه را که شما باطل می دانید، از خدا که پروردگار من و پروردگار شما است می خواهم که بهره من از زیارت شما را رحمت بر محمد و آل محمد و نیز رفاقت با شما در بهشت همراه آباء نیکوکاران قرار دهد، و از او می خواهم که من را از آتش دوزخ برهاند و شفاعت شما و مصاحبتتان را نصیبم نماید و نیز از حضرتش می خواهم که بین من و شما آشنائی برقرار کند، و از من نگیرد دوستی شما و دوستی پدران نیکوکار شما را و همچنین از حضرتش می خواهم که این عهد و آشنائی را آخرین بار زیارت شما برایم قرار ندهد، و نیز از او می خواهم که به واسطه رحمت و اسعه اش من را با شما در بهشت محشور گرداند.

خداوندا، حبّ این دو امام همام را روزی من گردان و من را بر کیش و آئین ایشان از دنیا ببر، خداوندا، ستم کنندگان به آل محمد و آنانکه حق ایشان را ندادند لعنت فرما و از آنها انتقام بگیر، خداوندا، اولین و آخرین این گروه ستمگر را لعنت نما و عذابشان را مضاعف کن و برسان ایشان و شیعیان و پیروان و دوستان و تبعیت کنندگان را به پائین ترین درک (ته) از آتش دوزخ، تو بر هر چیز قادر و توانائی، خداوندا، در فرج و بر پا کردن حکومت ولی خود و فرزند ولی خویش شتاب نما، و قرار بده فرج و توسعه ما را با فرج و فراخی ایشان ای با رحم تر از هر صاحب رحمی.

و پس از آن در دعاء برای خود و پدر و مادر خویش جدّ و جهد نما و هر دعائی که خواستی بکن.

و در صورتی که توانستی به نزد قبر ایشان روی و دست‌رسی به آن پیدا کردی نزد قبر ایشان دو رکعت نماز بخوان.

و هر گاه داخل مسجد شدی (مسجد مزبور پهلوی خانه ایشان بوده و این دو امام همام در آن نماز می‌خواندند) و نماز گذاردی هر دعائی که دوست داشتی بکن که انشاءالله خداوند متعال عنقریب اجابت فرماید.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

﴿ الباب الرابع والمائة ﴾
 ﴿ زيارة لجميع الأئمة ﴾
 ﴿ صلوات الله عليهم أجمعين ﴾

متن:

حدثني محمد بن الحسين بن مثنى الجوهري، عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران، عن هارون بن مسلم، عن علي بن حسان «قال: سئل الرضا عليه السلام في إتيان قبر أبي الحسن عليه السلام فقال: صلّوا في المساجد حوله و يجزئ في المواضع كلّها أن تقول:

«السّلامُ على أوليائِ اللهِ، وأَصْفِيائِهِ، السّلامُ على أَمَناءِ اللهِ وأَحِبَّائِهِ، السّلامُ على أنصارِ اللهِ وخُلَفَائِهِ، السّلامُ على مَحالِّ مَعْرِقَةِ اللهِ، السّلامُ على مَساكينِ ذِكْرِ اللهِ، السّلامُ على مَظَاهِرِ أَمْرِ اللهِ ونَهْيِهِ، السّلامُ على الدُّعَاةِ إلى اللهِ، السّلامُ على المُسْتَقَرِّينَ في مَرْضاتِ اللهِ، السّلامُ على المُحَصِّنِ في طاعةِ اللهِ، السّلامُ على الَّذِينَ مَنَ والاهُم فَقَدْ والى اللهُ، وَ مَنَ عَادَاهُم فَقَدْ عَادَى اللهُ وَ مَنَ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللهُ وَ مَنَ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللهُ وَ مَنَ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللهِ، وَ مَنَ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنْ اللهِ، أَشْهَدُ اللهُ أَنِّي سَلِمُ لِمَنَ مَالِكُكُمْ وَحَزْبُ لِمَنَ حَارَبَكُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، مَفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

هذا يجزئ في الزيارات كلّها، و تكثر من الصلاة على محمد وآله، و تستي واحداً واحداً بأسمائهم، و تبراء من أعدائهم و تخير لنفسك من الدُّعاء و للمؤمنين و المؤمنات».

﴿ باب صد و چهارم ﴾
 ﴿ زیارت نامه جمیع ائمه علیهم السلام ﴾
 ﴿ زیارت جامعه ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسین بن مثنی الجوهری، از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران،
 از هارون بن مسلم از علی بن حسان، وی گفت:
 از حضرت امام رضا علیه السلام راجع به زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السلام (حضرت
 موسی بن جعفر سلام الله علیها) سؤال شد:
 حضرت فرمودند:

ابتداء در مساجد نزدیک آن نماز خوانده و در تمام اماکن مجزی است بگوئید
 (یعنی در زیارت تمام حضرات ائمه معصومین علیهم السلام می توان این زیارت را
 خواند):

درود بر اولیاء خدا و برگزیدگانش، درود بر امین های او و محبوبانش، درود
 بر یاران خدا و جانشینانش، درود بر محل های شناخت خدا و مراکز آن، درود بر
 مواضع ذکر و یاد خدا، درود بر نمونه های امر و نهی خدا، درود بر دعوت
 کنندگان بسوی خدا، درود بر قرار گیرندگان در مواضع و امور مورد رضای خدا،
 درود بر کسانی که اطاعت خدا را خالصانه انجام می دهند، درود بر آنان که هر
 کس ایشان را دوست داشته باشد خدا را دوست داشته و کسی که با آنان دشمنی
 کند با خدا دشمنی کرده است، درود بر آنان که هر کس ایشان را شناخت خدا را
 شناخته و کسی که ایشان را نشناسد پس خدا را نشناخته، درود بر کسانی که هر
 کس به دامن ایشان چنگ زند به خدا چنگ زده و به او متوسل شده و هر کس از
 ایشان کناره گیرد از خدا کناره گیری کرده است، خدا را شاهد می گیرم که من در

صلح هستیم با هر کس که با شما در صلح بوده و نزاع و حرب دلم با هر کس که با شما حرب دارد، خطا را شاهد می گیرم که من به باطن و ظاهر شما ایمان و اعتقاد دارم تمام امور را به شما واگذار می کنم، خدا لعنت کند دشمنان آل محمد را چه از جن و چه از انس، و به سوی خدا بی زاری می جویم از تمام دشمنان ایشان، و خطا رحمت فرستد بر محمد و دودمان محمد صلوات الله علیهم اجمعین.

این زیارت نامه را در تمام زیارات حضرات معصومین علیهم السلام می توان خواند.

و حتی الامکان صلوات بر محمد و آل محمد زیاد بفرست و نام هر یک از ائمه علیهم السلام را یک یک برده و از دشمنانشان بی زاری بجوی و برای خود و مؤمنین و مؤمنات هر دعائی را که خواستی بکن.



متن:

۲- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَجَمَاعَةٌ مَشَايِخِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى
الطَّائِرِ. وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ جَمِيعاً، عَنْ مُحَمَّدِ
ابْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ، عَنْ عُرْوَةَ بْنِ إِسْحَاقَ
ابْنِ أَخِي شُعَيْبِ الْقُرْقُوفِيِّ - عَمَّنْ ذَكَرَهُ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: تَقُولُ
إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَيَجْزُئُكَ عِنْدَ قَبْرِ كُلِّ إِمَامٍ عليه السلام.
«السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَمِينِ اللَّهِ
عَلَيْ وَحْيِهِ وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتَمِ لِمَا سَبَقَ وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ
شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَغَيْتَهُ بِرِسَالَتِكَ وَكُتُبِكَ، وَذِيْلَانَ
الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَقَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَالْمُهَيِّمَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَ
السَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

و تقول في زيارة أمير المؤمنين عليه السلام: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ - إِلَى آخِرِهِ -».

و في زيارة فاطمة عليها السلام: «أَمَّتِكَ وَبِئْتِ رَسُولَكَ - إِلَى آخِرِهِ -».

ترجمه: ﴿ زیارت جامعه دوم ﴾

پدرم رحمة الله عليه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از محمد بن یحیی العطار و محمد بن الحسین بن متّ الجوهري جمیعاً، از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران، از علی بن حنّان از عروة بن اسحق (پسر برادر شعیب عرقوفی) از کسی که ذکرش نموده، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هرگاه به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام رفتی این زیارت را بخوان، البته در زیارت قبر هر امامی می توان آن را خواند:

درود از خدا بر تو، درود بر محمد بن عبدالله که امین خدا بر وحی او و وسیله حتمی امر او است خاتم انبیاء گذشته و گشاینده سرفصل اوصیاء آینده می باشد، خدایا درود فرست بر محمد که بنده و رسولت هست او را با علم خودت نجیب و راهنمای هر کسی که بخواهی قرار دادی، دلیل و نشان بر کسی قرارش دادی که با پیام ها و کتابهای او را برانگیختی، او را سیاستمدار دین و حکم کننده به عدلت نمودی، فیصله دهنده منازعات بین مخلوقات می باشد، او را مسلط بر تمام امور نمودی درود و رحمت و برکات خدا بر او باد.

و در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام بگو:

خدایا رحمتت را بر امیرالمؤمنین که بنده و برادر رسولت هست بفرست...

سپس بقیه زیارت را بهمان نحوی که ذکر شد بخوان.

و اگر حضرت فاطمه علیها السلام را زیارت می کنی در زیارت آنحضرت نیز همان

فقرات مذکور را بخوان منتهی بجای «عبدک و رسولک» بگو:

اللهم صل على فاطمة امك و بنت رسولك الى آخره.

متن:

و في زيارة سائر الأئمة: أبناء رسولك، على ما قلت في النبي أول مرة حتى تنتهي إلى صاحبك، ثم تقول:

«أشهد أنكم كلمة التقوى، وباب الهدى، والعروة الوثقى، والحجة البالغة على من فيها ومن تحت الثرى، وأشهد أن أزواجكم وطينتكم من طينة واحدة، طابت وطهرت من نور الله ومن رحمته، وأشهد الله وأشهدكم أني لكم تبع بذات نفسي وشرائع ديني وخواتيم عملي، اللهم فأنم لي ذلك برحمتك يا أرحم الراحمين، السلام عليك يا أبا عبد الله، أشهد أنك قد بلغت عن الله ما أمرت به، وقمت بحقه غير واهن ولا مؤهن، فجزاك الله من صديق خيراً عن رعييتك، أشهد أن الجهاد معك جهاد، وأن الحق معك ولك، وأنت مغدنة، وميراث النبوة عندك وعند أهل بيتك، أشهد أنك قد أقت الصلاة، وآتيت الزكاة، وأمرت بالمعروف، ونهيت عن المنكر، ودعوت إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة، وعبدت ربك حتى أتاك اليقين».

ثم تقول: «السلام على ملائكة الله المؤمنين، السلام على ملائكة الله المنزلين، السلام على ملائكة الله المزدفين، السلام على ملائكة الله الذين هم في هذا الحرم بإذن الله مقيمون».

ثم تقول: «اللهم العن اللذين بدلا نعمتك، وخالفا كتابك، وجحد آياتك، وأتتهما رسولك، أخش قبورها وأجوافها ناراً وأعد لها

عَذَاباً أَلِيماً، وَاخْشُرْهَا وَأَشْيَاعَهَا وَاتَّبَاعَهَا إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقاً،
وَاخْشُرْهَا وَأَشْيَاعَهَا وَاتَّبَاعَهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وُجُوهِهِمْ غُصّاً وَبُكْماً
وَصُغّاً، مَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ كُلُّهَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعيراً، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ
الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّكَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ
وَتَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ، فَإِنَّكَ وَعَدْتَهُ ذَلِكَ وَأَنْتَ الرَّبُّ الَّذِي لَا تُخْلِفُ
الْمِيعَادَ».

و كذلك تقول عند قبور كل الأئمة (عليهم السلام)،

ترجمه: ﴿دنباله زیارت جامعه دوم﴾

و در زیارت سائر ائمه (علیهم السلام) بجای «رسولک» که در زیارت پیامبر اکرم
می گفتی و به جای «اخى رسولک» که در زیارت امیرالمؤمنین و عوض «بشت
رسولک» که در زیارت حضرت فاطمه (علیها السلام) می آوردی بگو: ابناء رسولک.
مترجم گوید:

یعنی در زیارت هر یک از ائمه (علیهم السلام) عین همان زیارت پیغمبر اکرم را بخوان
منتهی بجای: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، بگو اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى ... نام امام مورد
زیارت را بگو و بعد بجای عبدک و رسولک بگو عبدک و ابن رسولک.
پس در زیارت یک یک ائمه (علیهم السلام) بهمین کیفیت زیارت کن تا در آخر منتهی
شوی به وجود حضرت صاحب العصر عجّل الله فرجه الشریف و آن
حضرت را نیز بهمین کیفیت زیارت کن و پس از اتمام زیارت جامعه به کیفیتى
که ذکر شد بگو:

شهادت می دهم که شما کلمه و نمونه تقوی و باب هدایت و ریسمان محکم
خدا و حجت بالغه او بر آنچه روی و زیر زمین قرار گرفته می باشید، و خدا و شما
را شاهد می گیرم که به ذات خود و در عمل به شرایع دین و فرجام کار پیرو و تابع

شما هستیم، خدایا بواسطه رحمتت برایم آن را حاصل گردان ای مهربان‌تر از هر مهربانی، درود بر تو ای ابا عبدالله، شهادت می‌دهم که تو آنچه را که مأمور بوده از طرف خدا تبلیغش کردی و حقش را اقامه کردی بدون اینکه خسته شده یا اظهار خستگی نمائی، پس خدا از طرف رعیتت جزاء خیر به تو دهد، شهادت می‌دهم که جهاد در معیت شما جهادی است عظیم و حق با تو و برای تو است و تو معدن و مرکز آن هستی، و شهادت می‌دهم که میراث نبوت نزد تو و نزد اهل بیت تو است، شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را اداء کرده و به معروف امر و از منکر نهی کرده‌ای، و با حکمت و پند دادن نیکو، مردم را به راه پروردگارت دعوت نموده‌ای، و پروردگارت را پرستیدی تا وقتی که مرگ تو را دریافت.



سپس بگو:

درود بر فرشتگان معین و مشخص حق تعالی، درود بر فرشتگانی که بر زمین نازل شدند درود بر ملائکه و فرشتگان خدا که ردیف هم قرار دارند، درود بر فرشتگان خدا که در این حرم به اذن خدا اقامت کرده‌اند.

سپس بگو:

خدایا لعنت کن آن دو نفری را که نعمتت را تبدیل و با کثابت مخالفت و آیات را انکار نموده و رسالت را متهم ساختند، خدایا گور ایشان و باطنشان را از آتش پر نما و آماده کن برای ایشان عذابی دردناک و ایشان و دوستان و پیروانشان را در دوزخ محصور نما و ایشان و دوستان و پیروانشان را روز قیامت کور و کر و لال محصور کن.

مسکنشان را دوزخ قرار بده دوزخی که هرگاه آتش خاموش شود باز آن را شدیدتر سوزان و شعله‌ور می‌نمائی، خدایا این زیارت را آخرین عهد و زیارت من نسبت به قبر پسر پیغمبرت قرار مده، خدایا او را مقامی محمود و شایسته عنایت بفرما که به واسطه اش دینت را یاری کرده و به توسطش دشمنانت را نابود

نمائی چه آنکه خودت این وعده را داده‌ای و تو خدائی هستی که خلف وعده نمی‌نمائی.

و در زیارت قبور هر یک از ائمه علیهم‌السلام همین زیارت نامه را می‌توانی بخوانی.

متن:

و تقول عند كلِّ إمامٍ زُرْتَهُ إن شاء الله تعالى:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَسُلَالَةَ الْوَصِيِّينَ، وَالشَّهِيدَ يَوْمَ الدِّينِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ وَآبَاءُكَ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِكَ، وَأَهْلَاءُكَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِكَ مَوَالِيٌّ وَأَوْلِيَانِي وَأَمَّتِي، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَصْفِيَاءُ اللَّهِ وَخَزَنَتُهُ وَحُجَّتُهُ، الْبَالِغَةُ، اسْتَجَبَكُمْ بِعِلْمِهِ أَنْصَاراً لِدِينِهِ، وَقُوَاماً بِأَمْرِهِ، وَخَزَاناً لِعِلْمِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَتَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ، وَمَعْدِناً لِكَلِمَاتِهِ، وَأَرْكَاناً لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهُوداً عَلَى عِبَادِهِ، وَاسْتَوْدَعَكُمْ خَلْقَهُ، وَأَوْزَنَكُمْ كِتَابَهُ، وَخَصَّكُمْ بِكَرَامِ التَّنْزِيلِ، وَأَعْطَاكُمْ التَّأْوِيلَ، جَعَلَكُمْ تَابُوتَ حِكْمَتِهِ وَمَنَاراً فِي بِلَادِهِ، وَضَرَبَ لَكُمْ مَثَلاً مِنْ نُورِهِ، وَأَجْرَى فِيكُمْ مِنْ عِلْمِهِ، وَعَصَمَكُمْ مِنَ الزَّلَلِ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرُّجْسَ، وَبَيَّضَ لَكُمْ الْبَيْضَ، وَاجْتَمَعَتْ الْفُرْقَةُ، وَتَشَلَّفَتِ الْكَلِمَةُ، وَلَزِمَتِ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةَ، وَالْمُودَّةُ الْوَاجِبَةَ، فَأَنْتُمْ أَوْلِيَاؤُهُ الثُّجَبَاءُ، وَعِبَادُهُ الْمَكْرُمُونَ، أَتَيْتُكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفاً بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ، مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِياً لِأَوْلِيَائِكَ، يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً، أَتَيْتُ، وَافِداً زائِراً عَائِداً

مُسْتَجِيرًا مِمَّا جَنِّتُ عَلَى نَفْسِي، وَاحْتِطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي، فَكُنْ لِي شَفِيعًا، إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا، وَأَنْتَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهٌ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا، وَأَتَوَلَّى آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ، وَأَبْرَهُ مِنْ كُلِّ وَلِيَجَةِ دُونَكُمْ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبَّتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى».

﴿ دنباله زیارت جامعه دوم ﴾

ترجمه:

و به زیارت هر یک از ائمه علیهم السلام که رفته باشی بخوان:

درود بر تو ای ولی خدا، درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای نور خدا در تاریکی های زمین، درود بر تو ای امام اهل ایمان و وارث علم انبیاء و فرزندان اوصیاء و شهید و حاضر روز قیامت، شهادت می دهم که تو و پدرانت که پیش از تو بوده و فرزندان تو که بعد از تو هستند سروران و اولیاء و پیشوایان من هستید، شهادت می دهم که شما برگزیدگان خدا و نگهبانان او و حجت های بالغه او بوده که با علمش شما را یاوران دین خود قرار داد، به امر او قائم هستید و نگهبانان علم او می باشید و حافظ اسرارش بوده و بازگو کننده وحی او و معدن و مرکز کلمات و ارکان و ستون های توحیدش و شاهدا بر بندگانش می باشید، خداوند مخلوقاتش را به شما سپرده و کتابش را به میراث به شما داده، و اختصاص داد شما را به آیات کریمه و تأویل آنها را به شما اعطاء فرمود، قرار داد شما را صندوق حکمتش و علامت هدایت در شهرهای خودش، برای نورش مثل به شما زده، از علمش در شما جاری نموده، شما را از هر لغزشی باز داشت و از هر آلودگی پاک نمود، رجس و پلیدی را از شما برکنار داشت، بواسطه شما نعمت های خود را تحقق داد، بواسطه شما جدائی ها را به صورت اجتماع در آورد و به توسط شما بین کلمات تألیف و جمع نمود، و به وساطت شما طاعت واجب لازم شده و مودت و محبت لازم تحقیق یافته، پس شما اولیاء و

برگزیدگان او و بندگان با کرمش می‌باشید، ای پسر رسول خدا به زیارت آمده‌ام در حالی که به حَقّت عارف و به شأن و مقامت مستبهر هستم، دشمنانتان را دشمن داشته و دوستانتان را دوست می‌دارم، پدر و مادرم قدایت باد، رحمت خدا و درودش بر تو باد، به نزدت آمده‌ام در حالی که مسافر و زائریم، از جنایت‌هایی که بخود کرده و کوله‌بار سنگینی که برای خویش فراهم نموده‌ام به تو پناه آورده‌ام پس شافع من باش زیرا تو نزد خدا مقامی معلوم و مشخص داری و تو نزد خدا وجیه و آبرومند هستی، به خدا و به آنچه نازل بر شما شده ایمان دارم، آخرین نفر شما را دوست دارم همان طوری که اولین نفرتان را دوست می‌دارم و بی‌زاری می‌جویم از هر برگزیده‌ای که غیر شما باشد و به هر باطل و بیهوده و لات و عزّی کفر ورزیده و آنها را انکار دارم.



مرکز تحقیقات تاریخ و فرهنگ اسلامی

﴿ الباب الخامس و المائة ﴾

﴿ فضل زيارة المؤمنين و كيف يُزارون ﴾

متن:

١- حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْقُرَشِيُّ الْكُوفِيُّ، عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عَثْمَانَ الرَّازِيِّ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَزُورَنَا فَلْيَزُرْ صَالِحِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا، وَ مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى صَلَاتِنَا فَلْيَصِلْ صَالِحِينَ مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ صَلَاتِنَا».

٢- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَثِيلٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عَثْمَانَ «قَالَ: سَمِعْتُ الرُّضَا عليه السلام يَقُولُ: مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى صَلَاتِنَا فَلْيَصِلْ عَلَى صَالِحِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ صَلَاتِنَا، وَ مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا فَلْيَزُرْ صَالِحِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا».

٣- حَدَّثَنِي أَبِي، وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي - رَحِمَهُمُ اللَّهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى «قَالَ: كُنْتُ بِقَيْدِ فَشِيَتْ مَعَ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ قَالَ: فَقَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ: قَالَ لِي صَاحِبُ هَذَا الْقَبْرِ عَنْ الرُّضَا عليه السلام: مَنْ أَتَى قَبْرَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى الْقَبْرِ وَ قَرَأَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» سَبْعَ مَرَّاتٍ، أَمِنَ يَوْمَ الْقَزَعِ الْأَكْبَرِ».

﴿ باب صد و پنجم ﴾
﴿ فضیلت زیارت مؤمنین و کیفیت آن ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

ابوالعباس بن محمد بن جعفر رزّاز قرشی کوفی، از دانی خود محمد بن
الحسین بن ابی الخطاب، از عمرو بن عثمان الرّازی وی گفت: از ابالحسن الاول
ﷺ شنیدم که می فرمودند:

کسی که نمی تواند ما را زیارت کند پس دوستان صالح و شایسته ما را زیارت
کند که ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود و کسی که بر احسان به ما قادر
نباشد پس به دوستان شایسته و صالح ما احسان کند که ثواب احسان به ما برایش
نوشته می شود

﴿ حدیث دوم ﴾

محمد بن الحسن بن احمد بن الولید، از حسن بن متیل، از محمد بن عبدالله
بن مهران، از عمرو بن عثمان، وی می گوید: از حضرت رضا ﷺ شنیدم که
می فرمودند:

کسی که بر احسان به ما قادر نیست پس به دوستان شایسته و صالح ما احسان
کند که ثواب احسان به ما برایش نوشته می شود و کسی که بر زیارت ما قادر
نیست، دوستان صالح و شایسته ما را زیارت کند که ثواب زیارت ما برایش
نوشته می شود.

﴿ حدیث سوم ﴾

پدرم، و محمد بن یعقوب، و جماعتی از اساتیدم رحمه الله علیهم از محمد بن

یحیی، از محمد بن احمد بن یحیی نقل کرده‌اند که وی گفت: من در «قید» (شهرکی است بین کوفه و مکه) بودم پس با علی بن بلال به طرف قبر محمد بن اسماعیل بن بزیع می‌رفتیم، علی بن بلال به من گفت: صاحب این قبر از حضرت رضا علیه السلام برایم نقل کرد که آن جناب فرمودند: کسی که بالای قبر برادر مؤمنش رفته و دست روی آن گذارده و سوره «اَنَا أَنْزَلْنَاهُ» را هفت مرتبه بخواند از روز قزع اکبر در امان می‌باشد.

متن:

۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ ابْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ «قَالَ: كُنْتُ بِقَيْدٍ فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بِلَالٍ: مُرَّ بِنَا إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ، فَذَهَبْنَا إِلَى عِنْدِ قَبْرِهُ فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ: حَدَّثَنِي صَاحِبُ هَذَا الْقَبْرِ عَنْ الرَّضَا عليه السلام أَنَّهُ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى الْقَبْرِ وَقَرَأَ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ أَمِنَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ».

۵ - وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَتَّى الْجَوْهَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَفْوٍ، عَنْ أَبَانَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَيْفَ أَضَعُ يَدِي عَلَى قُبُورِ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَرْضِ فَوَضَعَهَا عَلَيْهَا وَهُوَ مُقَابِلَ الْقِبْلَةِ».

۶ - وَعَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرِو [إِنْ]، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَبَّالِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يُخْرِجُ فِي مَلَأَ مِنَ النَّاسِ مِنْ أَصْحَابِهِ كُلِّ عَشِيَّةٍ خَمِيسٍ إِلَى بَقِيعِ

الْمَدَنِيِّينَ فَيَقُولُ - ثَلَاثًا - : «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ» - وَثَلَاثًا - «رَحِمَكُمُ اللَّهُ»، ثُمَّ يَلْتَفِتُ إِلَى أَصْحَابِهِ وَيَقُولُ: هَؤُلَاءِ خَيْرٌ مِنْكُمْ، فَيَقُولُونَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلِمَ؟ آمَنُوا وَآمَنَّا، وَجَاهَدُوا وَجَاهَدْنَا؟ فَيَقُولُ: إِنَّ هَؤُلَاءِ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبَسُوا إِيمَانَهُمْ بظُلْمٍ، وَمَضَوْا عَلَى ذَلِكَ وَأَنَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ شَهِيدٌ، وَأَنْتُمْ تَبْقَوْنَ بَعْدِي، وَلَا أَدْرِي مَا تُحْدِثُونَ بَعْدِي».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسین بن متّ الجوهری، از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران، وی گفت:

من در «قید» بودم، محمد بن علی بن بلال گفت: ما را به طرف قبر محمد بن اسماعیل بن بزیع مرور دادند پس به قبر رسیدیم، محمد بن علی گفت: صاحب این قبر از حضرت رضا علیه السلام پرانیم نقل کرده که آن جناب فرمودند:

کسی که قبر برادر مؤمنش را زیارت کند پس رو به قبله کرده و دستش را روی قبر گذارد و سوره «انا انزلناه فی لیلة القدر» را هفت مرتبه بخواند از فرع اکبر سالم بماند.

﴿ حدیث پنجم ﴾

محمد بن الحسین بن متّ الجوهری، از محمد بن احمد، از علی بن اسماعیل، از محمد بن عمرو، از ابان، از عبدالرحمن بن ابی عبداللّٰه، وی می گوید: از حضرت ابی عبداللّٰه پرسیدم:

چگونه دستم را بر قبور مؤمنین بگذارم؟

حضرت با دست مبارکشان به زمین اشاره کرده پس آن را بر زمین نهادند در حالی که مقابل قبله قرار داشتند.

﴿ حدیث ششم ﴾

از محمد بن الحسین، از محمد بن احمد، از موسی بن عمران، از عبدالله الحجاج، از صفوان الجمال، وی می گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر شب جمعه با گروهی از اصحابشان به قبرستان بقیع در مدینه تشریف می بردند و در آنجا سه مرتبه می فرمودند:

السَّلامَ عَلَیْکُمْ یا اهل الدِّیَارِ (سلام و درود بر شما ای اهل شهرها).

و سه مرتبه می فرمودند: رَحِمَکُمُ اللهُ (خدا شما را رحمت کند).

سپس به اصحابشان توجّه نموده و می فرمودند:

این اهل قبور از شما بهتر هستند.

اصحاب عرض می کردند: ای رسول خدا برای چه؟ ایشان ایمان آورده، ما نیز

ایمان آورده ایم، ایشان جهاد کرده اند، ما نیز جهاد کرده ایم؟

حضرت می فرمودند:

ایشان ایمان آورده ولی ایمانشان را به ظلم و ستم آلوده نکردند و با همین

حال از دنیا رفتند و من بر این امر شهادت می دهم و شما پس از من در این دنیا

باقی می مانید و نمی دایم پس از من چه خواهید کرد.

مترجم گوید:

این کلام حضرت اشاره است به ارتداد و ستم های اصحاب پس از رحلت آن

وجود مبارک پس کلمه «لا ادری» نه به معنای نفی علم باشد بلکه کنایه است از

حوادث واقعه بعد از آن جناب چنانچه در عرف این نحو تعبیر معمول می باشد.

متن:

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ هَارُونَ

ابن مسلم، عن مسعدة بن زياد، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه
 ؑ قال : دخل على أمير المؤمنين مقبرة - و معه أصحابه - فنادى :
 « يا أهل التربة و يا أهل الغربة، و يا أهل الخمود، و يا أهل الهمود، أما
 أخبار ما عندنا: فأما أموالكم قد قُسمت، و نساؤكم قد نُكِحت، و دُوركم
 قد سُكِنت، فما خبر ما عندكم؟! »، ثم التفت إلى أصحابه و قال: أما
 والله لو يؤذن لهم في الكلام لقالوا: لم يتزود مثل التقوى زاد [خير الزاد
 التقوى] .

٨ - حدثني أبي - رحمه الله - و محمد بن الحسن، عن الحسن بن
 مئيل، عن سهل بن زياد، عن محمد بن سنان، عن إسحاق بن عمار، عن
 أبي الحسن ؑ قال: قلت له: المؤمن يعلم بمن يزور قبره؟ قال: نعم؛
 و لا يزال مستأنساً به ما زال عنده، فإذا قام و انصرف من قبره دخله من
 انصرافه عن قبره و خشة .

٩ - حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى، عن أبيه عن جده،
 عن عبد الله بن المغيرة، عن عبد الله بن سنان ؑ قال: قلت لأبي
 عبد الله ؑ: كيف أسلم على أهل القبور؟ قال: نعم؛ «السلام على أهل
 الديار من المؤمنين و المسلمين، أنتم لنا فرط و نحن إن شاء الله بكم لأ
 حقون» .

حدثني أبي - رحمه الله - عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن محمد
 ابن أورمة، عن عبد الله بن سنان قال: قلت لأبي عبد الله ؑ - و ذكره
 مثله -

ترجمه:

﴿ حدیث هفتم ﴾

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از پدرش از هارون بن مسلم از مسعدة بن زیاد از حضرت جعفر بن محمد از پدران بزرگوارشان علیهم السلام حضرت فرمودند: حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حالی که اصحابشان همراه بودند وارد قبرستانی شده و با صدای بلند فرمودند: ای اهل خاک، و ای اهل غربت و ای اهل خموشی، و ای مردگان، اما خبرهائی که نزد ما است عبارتند از: اموال شما قسمت شد، زنانتان ازدواج کردند، خانه‌هایتان را دیگران ساکن شدند.

حال بگوئید اخبار نزد شما چیست؟! سپس به اصحابشان توجه نموده و فرمودند: به خدا سوگند اگر اذن به ایشان داده شود که سخن بگویند خواهند گفت: هیچ توشه‌ای برای این جا مثل تقوی و پرهیزکاری نیست (بهترین توشه تقوا است).

﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و محمد بن الحسن، از حسن بن مثیل، از سهل بن زیاد، از محمد بن سنان، از اسحق بن عمار، از حضرت ابی الحسن علیه السلام، اسحق می‌گوید: محضر مبارکش عرضه داشتم.

آیا مؤمن آگاه است از کسی که قبر او را زیارت می‌کند؟ حضرت فرمودند:

بلی، پیوسته تا مادامی که زائر بر سر قبرش هست با او مانوس می‌باشد و وقتی زائر بلند شده و از سر قبر او برمی‌گردد از برگشتن وی وحشتی در مؤمن میّت پیدا می‌شود.

﴿ حدیث نهم ﴾

حسن بن عبداللہ بن محمد بن عیسیٰ، از پدرش، از جدش، از عبداللہ بن مغیرہ، از عبداللہ بن سنان، وی می گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبداللہ علیہ السلام عرض کردم: بر اهل قبور چگونه سلام دهم؟

حضرت فرمودند:

آری، بگو:

السَّلامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ (درود بر مؤمنین و مسلمین که اهل شهرها می باشند).

انتم لنا فرط (شما بر ما سبقت گرفتید)

و نحن ان شاء الله بكم لاحقون (ما نیز ان شاء الله پشت سر شما خواهیم آمد).

پدرم رحمه الله علیه، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از عبداللہ بن سنان نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبداللہ علیہ السلام عرض کردم... عین حدیث گذشته را ذکر نموده است.

متن:

۱۰ - حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ محبوبٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ، عَنْ أَبِيهِ «قَالَ: مَرَرْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ علیہ السلام: بِالْبَقِيعِ فَمَرَرْنَا بِقَبْرِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ مِنَ الشَّيْعَةِ، فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیہ السلام: جُعِلَتْ فِدَاكَ هَذَا قَبْرُ رَجُلٍ مِنَ الشَّيْعَةِ، قَالَ: تَوَقَّفْ عَلَيْهِ وَقَالَ: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ، وَصِلْ وَحْدَتَهُ، وَأَنْسِ وَخَشَتَهُ، آمِنْ رَوْعَتَهُ، وَأَسْكِنْ إِلَيْهِ

مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَعْفِي بِهَا عَنْ رَحْمَةٍ مِنْ سِوَاكَ، وَالْحَقُّهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ».

۱۱ - حدَّثني أبي - رحمه الله - عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن القاسم بن سليمان، عن جراح المدائني قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام: كيف التسليم على أهل القبور؟ قال: تقول: «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، رَحِمَ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَالْمُسْتَأَخِرِينَ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ».

ورواه البرقي، عن أبيه عن النضر بن سويد، عن القاسم بن سليمان، عن جراح المدائني قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام - وذكره مثله -

۱۲ - وجدت في بعض الكتب: محمد بن سنان، عن المفضل قال: قال: مَنْ قَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عند قبر مؤمن سبع مَرَّاتِ بعث الله إليه ملكاً يعبد الله عند قبره، ويكتب [له و] لِلْمَيِّتِ ثواب ما يعمل ذلك الملك، فإذا بعثه الله من قبره لم يمرَّ على هَوْلٍ إِلَّا صرفه الله عنه بذلك الْمَلَكُ [الْمَوْكَل] حتى يدخله الله به الجنة، و تقرأ بعد «الحمد»، «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» سَبْعاً، و «الْمَعْوَذَتَيْنِ»، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «آيَةُ الْكُرْسِيِّ» ثلاثاً ثلاثاً.

﴿ حدیث دهم ﴾

ترجمه:

حسن بن عبدالله، از پدرش، از حسن بن محبوب، از عمرو بن ابی المقدام، از پدرش، وی گفت: در خدمت حضرت ابی جعفر علیه السلام به قبرستان بقیع عبور کردیم،

به قبر مردی از شیعیان که اهل کوفه بود رسیدیم، به حضرت عرض کردم: این قبر یکی از شیعیان است فدایت شوم.

راوی می گوید: حضرت درنگ نمود و فرمودند:

بار خدایا به غربتش رحم فرما، وحدت و تنهائیش را به پیوند مبدل کن، در حال وحشتش انس برقرار فرما، هراس او را برطرف کن، از رحمت آن قدر نصیبش نما که از رحمت غیر تو بی نیاز گردد، و ملحقش کن به آنانکه وی ایشان را دوست دارد.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از نصر بن سوید، از قاسم بن سلیمان، از جراح مدائنی، وی می گوید:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم: سلام دادن به اهل قبور چگونه است؟ حضرت فرمودند: بگو:

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ (درود بر اهل شهرها که عبارتند از مؤمنین و مسلمین) رَحِمَ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَالْمُسْتَأْخِرِينَ (خدا رحمت کند سابقین و لاحقین ایشان را).

و انا ان شاء الله بكم لاحقون (ان شاء الله ما نیز به شما ملحق خواهیم شد).
برقی از پدرش، از نصر بن سوید، از قاسم بن سلیمان، از جراح مدائنی نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم.... و مثل همان حدیث قبلی را ذکر نموده است.

﴿ حدیث دوازدهم ﴾

در برخی از کتب چنین یافتیم:

محمد بن سنان، از مفضل نقل کرده، وی گفت: فرمود:

کسی که «انا انزلناه» را هفت مرتبه نزد قبر مؤمنی بخواند خداوند متعال فرشته‌ای را به آنجا فرستاده تا خدا را در همان مکان عبادت کند و برای خواننده و میت ثواب عبادت آن فرشته منظور می‌شود.

و وقتی خداوند میت را از قبر بیرون آورد بواسطه آن فرشته موکل هول و هراس را از او بر طرف می‌کند تا داخل بهشتش نماید.

بعد از حمد سوره «انا انزلناه» را هفت بار بخوان سپس «معوذتین» یعنی قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و «قل هو الله احد» و «آیه الکرسی» هر کدام را سه بار قرائت نما.

متن:

۱۳ - حدّثنی اَبی - رحمه الله - عن الحسن بن الحسن بن أبان، عن محمد ابن أرمّة، عن النضر بن سويد، عن عاصم بن حمید، عن محمد ابن مسلم، عن اَبی جعفر علیه السلام «قال: سمعته يقول: كان رسول الله صلی الله علیه و آله إذا مرّ بقبور قوم من المؤمنین قال: «السَّلامُ عَلَیْكُمْ مِنْ دِیَارِ قَوْمٍ مُؤْمِنِینَ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ»».

۱۴ - و [أبی]، عن الحسن بن الحسن بن أبان، عن محمد بن أرمّة، عن علی بن الحکم، عن ابن جَلان «قال: قام أبو جعفر علیه السلام علی قبر رجلٍ فقال: «اللَّهُمَّ صَلِّ وَخَدِّتْهُ، وَآنِسْ وَخَشَّتْهُ، وَأَسْكِنْ إِلَیْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا یَسْتَعْنِي بِهِ عَنْ رَحْمَةٍ مَنْ سِوَاكَ»».

۱۵ - و حدّثنی محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری، عن أبیه، عن أحمد بن محمد اَبی عبد الله البرقی، عن الحسن بن علی الوشاء، عن علی ابن اَبی حمزة «قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام کیف نسلّم علی أهل القبور؟

قال: نَعَمْ؛ تقول: «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،
وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، أَنْتُمْ لَنَا قَرِطٌ وَإِنَّا بِكُمْ إِن شَاءَ اللَّهُ لَا
حِقُونُ».

﴿ حدیث سیزدهم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمة الله عليه، از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از نصر
بن سوید، از عاصم بن حمید، از محمد بن مسلم از حضرت ابی جعفر علیه السلام، وی
گفت: شنیدم آن حضرت می فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه به قبور دسته ای از مؤمنین عبور می کردند می فرمودند:
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ مِنْ دِيَارِ قَوْمِ مُؤْمِنِينَ (سلام بر شما که از شهرهای قوم
اهل ایمان هستید).

و انا ان شاء الله بكم لا حقوق (ما نیز ان شاء الله به شما ملحق خواهیم شد).

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

و پدرم از حسین بن حسن بن ابان، از محمد بن اورمه، از علی بن الحکم، از ابن عجلان نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابوجعفر علیه السلام بر سر قبر مردی ایستاده و فرمودند:

اللَّهُمَّ صَلِّ وَحْدَتَهُ (خدایا وحدت و تنهائی او را به پیوند مبدل کن).

و آنس و حشته (در حال و حشش انس بر قرار کن).

و اسکن الیه من رحمتک، یستغنی به عن رحمة من سواک (از

رحمتت آن قدر نصیبت نما که از رحمت و عنایت غیر تو بی نیاز گردد).

﴿ حدیث پانزدهم ﴾

و محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از احمد بن محمد ابی

عبدالله برقی، از حسن بن علی الوشاء از علی بن ابی حمزه، وی گفت: از حضرت

ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم: بر اهل قبور چگونه سلام دهیم؟

حضرت فرمودند:

آری، بگو:

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ

الْمُسْلِمَاتِ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ أَنْابُكُمْ أَنْ شَاءَ اللَّهُ لِأَحْقَاقِ.

(درود بر اهل شهرها که مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات باشند، شما

بر ما سبقت گرفتید و ما نیز به شما ان شاء الله ملحق خواهیم شد).

متن:

۱۶ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ؛ وَ غَيْرُهُمَا، عَنْ سَعْدِ

ابن عبدالله، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ

الجهنم، عن المفضل بن صالح، عن سعد بن طريف، عن الأصبغ بن نباتة «قال: مرَّ على أمير المؤمنين عليه السلام على القبور فأخذ في الجادة، ثم قال عن يمينه:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ مِنْ أَهْلِ الْقُصُورِ، أَنْتُمْ لَنَا قَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَا حِقُونَ»؛ ثم التفت عن يساره فقال: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ» - إلى آخره -.

١٧ - حدثني محمد بن الحسن بن الوليد - عمن ذكره - عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن أبيه، عن سعدان بن مسلم، عن علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال يخرج أحدكم إلى القبور فيسلم و يقول:

«السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، أَنْتُمْ لَنَا قَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ وَإِنَّا بِكُمْ لَا حِقُونَ، وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، يَا أَهْلَ الْقُبُورِ بَعْدَ سُكْنَى الْقُصُورِ، يَا أَهْلَ الْقُبُورِ بَعْدَ النُّعْمَةِ وَالسُّرُورِ، صِرْتُمْ إِلَى الْقُبُورِ، يَا أَهْلَ الْقُبُورِ كَيْفَ وَجَدْتُمْ طَعْمَ الْمَوْتِ؟!». ثم يقول: «وَيْلٌ لِمَنْ صَارَ إِلَى النَّارِ»، ثم يهرق دمعته و ينصرف».

١٨ - و عنه بإسناده، عن البرقي قال: حدثنا بعض أصحابنا، عن عباس بن عامر القصباني، عن يقطين قال: أخبرنا ربيع بن محمد المسلي «قال: كان أبو عبد الله عليه السلام إذا دخل الجبَّانة تقول: السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ».

ترجمه:

﴿ حدیث شانزدهم ﴾

پدرم رحمه الله علیه و علی بن الحسین و غیر این دو، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن خالد، از پدرش، از هارون بن جهم، از مفصل بن صالح، از سعد بن طریف، از اصیغ بن نباته، وی گفت:

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر قبور عبور کردند، پس در وسط راه ایستاده سپس به طرف راست توجه کرده و فرمودند:

السلام علیکم یا اهل القبور من اهل القصور (درود بر شما ای کسانی که در قصرها بوده و اکنون در قبرها خفته اید).

انتم لنا فرط و نحن لکم تبع و انا ان شاء الله بکم لاحقون (شما بر ما سبقت گرفتید و ما بدنبال شما بوده و ان شاء الله به شما ملحق خواهیم شد).

سپس به طرف چپ توجه نموده و فرمودند:

السلام علی اهل القبور.... تا آخر کلمات زیارت.

﴿ حدیث هفدهم ﴾

محمد بن الحسن بن الولید از کسی که ذکرش نموده، از احمد بن ابی عبدالله برقی، از پدرش، از سعد بن مسلم، از علی بن ابی حمزه از ابی بصیر، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند:

هرگاه یکی از شما به قبرستان رفتید، و ابتداء به اهل قبور سلام کرده و سپس بگوئید:

درود بر اهل قبور، درود بر مؤمنین و مسلمین که در قبور می باشند، شما بر ما سبقت گرفتید و ما تابع شما بوده و ان شاء الله به شما ملحق خواهیم شد، ما برای خدا بوده و به سوی او برمی گردیم، ای کسانی که در قبرها خفته اید بعد از آنکه در قصرها بودید، ای کسانی که در قبرها خوابیده اید بعد از آنکه اهل نعمت و سرور و شادی بودید، به قبور داخل شدید، ای اهل قبور: مزه مرگ را چگونه

یافتید؟

سپس بگوئید:

وای هر کسی که پس از این وادی به دوزخ داخل شود.
سپس اشکهای آن حضرت ریخت و از قبرستان باز گشتند.

﴿ حدیث هیجدهم ﴾

محمد بن الحسن الولید باسنادش از برقی، وی گفت:
برخی اصحاب از عباس بن عامر قصبانی، از یقطین، گفت:
ربیع بن محمد مسلمی به ما خبر داد و گفت:
حضرت ابی عبدالله علیه السلام هرگاه به قبرستان داخل می شدند می فرمودند:
درود بر اهل بهشت.



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

﴿ الباب السادس و المائة ﴾

﴿ فضل زیارة فاطمة بنت موسی بن جعفر علیه السلام بقم ﴾

متن:

- ۱- حدَّثني عليُّ بن الحسين بن موسى بن بابويه، عن عليِّ بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن سعد بن سعد، عن أبي الحسن الرضا علیه السلام «قال: سألتُه عن زیارة فاطمة بنت موسی علیه السلام، قال: مَنْ زارها فَلَهُ الْجَنَّةُ».
- ۲- حدَّثني أبي - رحمه الله - وأخي و الجماعة، عن أحمد بن إدريس؛ وغيره، عن القمركي بن عليِّ البُوفكي - عَمَّنْ ذكره - عن ابن الرضا علیه السلام «قال: مَنْ زار قبر عَمَّتِي بقم فَلَهُ الْجَنَّةُ».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

﴿ باب صد و ششم ﴾

﴿ فضیلت زیارت حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر ﴾

﴿ صلوات الله علیه در شهر قم ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

علی بن الحسن بن بابویه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش از سعد بن سعد، از حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام، وی گفت: از آن حضرت راجع به زیارت حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر سلام الله علیه پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

کسی که او را زیارت کند بهشت برایش خواهد بود.

﴿ حدیث دوم ﴾

پدرم رحمه الله عليه و برادرم و جماعتی، از احمد بن ادریس، و غیر او، از
 عمرکی بن علی البوفکی، از کسی که ذکرش نموده از حضرت ابن الرضا سلام
 الله علیهما، حضرت فرمودند:

کسی که قبر عمه‌ام را در قم زیارت کند بهشت برایش می‌باشد.



مرکز تحقیق و پژوهش در مورد اقصای

﴿ الباب السابع و المائة ﴾

﴿ فضل زیارة قبر عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی بالری ﴾

متن:

۱ - حدّثني عليُّ بن الحسين بن موسى بن بابويه، عن محمد بن يحيى العطار - عن بعض أهل الرّي - «قال: دخلت على أبي الحسن العسكري عليه السلام فقال: أين كنت؟ فقلت: زُرْتُ الحسين بن عليٍّ عليه السلام، فقال: أما إنك لو زُرْتَ قبر عبدالعظیم عندكم لَكُنْتَ كمن زار الحسين عليه السلام».



﴿ باب صد و هفتم ﴾

﴿ فضیلت زیارت قبر حضرت عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی در ری ﴾

ترجمه:

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، از محمد بن یحیی العطار، از بعضی اهل ری، وی گفت:

بر حضرت ابی الحسن العسکری علیه السلام داخل شدم، حضرت فرمودند: کجا بودی؟

عرض کردم: به زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام رفته بودم. حضرت فرمودند:

آیا نمی دانی، اگر قبر عبدالعظیم را که نزدتان هست زیارت کنی مثل آن است که حسین علیه السلام را زیارت کرده ای.

﴿ الباب الثامن و المائة ﴾

﴿ نَوَادِرُ الزِّيَارَاتِ ﴾

متن:

١ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام « قَالَ: قَالَ لِي: إِنََّّ عِنْدَكُمْ - أَوْ قَالَ: فِي قُرْبِكُمْ - لِفَضِيلَةٍ مَا أُوتِيَ أَحَدٌ مِثْلَهَا، وَ مَا أَحْسَبُكُمْ تَعْرِفُونَهَا كُنْهَ مَعْرِفَتِهَا، وَلَا تَحَافِظُونَ عَلَيْهَا وَلَا عَلَى الْقِيَامِ بِهَا، وَ إِنََّّهَا لِأَهْلًا خَاصَّةٌ قَدْ سَمَّوْا لَهَا، وَ أَعْطَوْهَا بِلَا حَوْلٍ مِنْهُمْ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا مَا كَانَ مِنْ صَنِيعِ اللَّهِ لَهُمْ وَ سَعَادَةِ حِبَاهِمَ [اللَّهُ] بِهَا وَ رَحْمَةٍ وَ رَأْفَةٍ وَ تَقَدَّمَ.

قلت: جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا هَذَا الَّذِي وَصَفْتَ لَنَا وَ لَمْ تُسَمِّهِ؟ قَالَ: زِيَارَةُ جَدِّي الْحُسَيْنِ [بْنِ عَلِيٍّ] عليه السلام فَإِنَّهُ غَرِيبٌ بِأَرْضِ غُرْبَةٍ، يَبْكِيهِ مَنْ زَارَهُ، وَ يَحْزَنُ لَهُ مَنْ لَمْ يَزُرْهُ، وَ يَحْرِقُ لَهُ مَنْ لَمْ يَشْهَدْهُ وَ يَرْحَمُهُ مَنْ نَظَرَ إِلَى قَبْرِ ابْنِهِ عِنْدَ رِجْلِهِ فِي أَرْضِ فَلَاحِمٍ قَرِيبِهِ وَ لَا قَرِيبٍ، ثُمَّ مَنَعَ الْحَقُّ وَ تَوَازَرَ عَلَيْهِ أَهْلُ الرَّدَّةِ حَتَّى قَتَلُوهُ وَ ضَيَّعُوهُ وَ عَرَضُوهُ لِلسَّبَاعِ، وَ مَنَعُوهُ شُرْبَ مَاءِ الْفُرَاتِ الَّذِي يَشْرِبُهُ الْكِلَابُ، وَ ضَيَّعُوا حَقَّ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ وَصِيَّتِهِ بِهِ وَ بِأَهْلِ بَيْتِهِ، فَأَمْسَى مَجْفُوعًا فِي حَفْرَتِهِ، صَرِيحًا بَيْنَ قَرَابَتِهِ، وَ شِيعَتِهِ بَيْنَ أَطْبَاقِ التَّرَابِ، قَدْ أَوْحَشَ قَرِيبَهُ فِي الْوَحْدَةِ وَ الْبُعْدَ عَنْ جَدِّهِ، وَ الْمَنْزِلَ الَّذِي لَا يَأْتِيهِ إِلَّا مَنْ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَ عَرَّفَهُ حَقًّا.

فقلت له: جُعِلَتْ فِدَاكَ قَدْ كُنْتُ آتِيَهُ حَتَّى بُلِيتُ بِالسُّلْطَانِ وَ فِي حِفْظِ

أموالهم و أنا عندهم مشهور فتركْتُ للتَّقِيَّةِ إتيانه و أنا أعرف ما في
أتيانه من الخير، فقال: هل تدري ما فضل من أتاه و ما له عندنا من
جزيل الخير؟ فقلت: لا، فقال: أمَّا الفضل فيباهيه ملائكة السماء، و أمَّا
ماله عندنا فالترحم عليه كلَّ صباح و مساء.

و لقد حدَّثني أبي أَنَّهُ لم يَحُلْ مكانه منذ قُتِلَ مِنْ مُصَلٍّ يَصَلِّي عليه من
الملائكة، أو مِنَ الْجِنِّ، أو مِنَ الْإِنْسِ، أو مِنَ الْوَحْشِ، و ما مِنْ شَيْءٍ إِلَّا و
هو يَغْبِطُ زائره و يتمسَّحُ به و يرجو في النَّظَرِ إِلَيْهِ الْخَيْرَ لِنَظَرِهِ إِلَى قَبْرِهِ
ﷺ، ثُمَّ قَالَ: بَلِّغْنِي أَنَّ قَوْمًا يَأْتُونَهُ مِنْ نَوَاحِي الْكُوفَةِ و [أ] نَاسًا مِنْ
غَيْرِهِمْ و نِسَاءً يَنْدُبُنَّه، و ذَلِكَ فِي النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، بَيْنَ قَارِيَةٍ يَقرء، و
قَاصٍّ يَقْصُ، و نَادِبٍ يَنْدُب، و قَائِلٍ يَقُولُ الْمَرَاتِي.

فقلت: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ شَهِدْتُ بَعْضَ مَا تَصِفُ، فقال: الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفِدُ الْإِنَّاوِ يَمْدَحُنَا و يَرْتِي لَنَا، و جَعَلَ عَدَوَّنَا مَنْ
يَطْعَنُ عَلَيْهِمْ مِنْ قَرَابَتِنَا و غَيْرِهِمْ يَهْذُونَهُمْ و يَقْبَحُونَ مَا يَصْنَعُونَ».

﴿ باب صد و هشتم ﴾

﴿ زیارت نادره ﴾

﴿ حدیث اول ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سلیمان،
از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد البصری، از حضرت ابی عبدالله ﷺ
می‌گوید: حضرت به من فرمودند:

بدرستی که نزد شما است یا فرمودند: بدرستی که در نزدیکی شما است

فضیلتی که به احدی مثل آن اعطاء نشده و گمان نمی‌کنم که به حقیقت آن پی برده باشید، شما نگهدار آن نبوده و بر آن قیام نمی‌کنید برای آن افراد خاصی بوده که اهلش هستند و این فضیلت به آنها اعطاء شده بدون اینکه از ایشان حرکت و فعالیت سرزده باشد بلکه صرفاً از ناحیه حق تعالی ایشان مورد رحمت و رأفت قرار گرفته و این عطیه الهی به آنها عنایت شده است.

عرض کردم: فدایت شوم این فضیلتی که توصیف فرموده و نامش را نبردید چیست؟

حضرت فرمودند:

زیارت جدّم حسین بن علی علیه السلام، چه آنکه او در سرزمین دوردست غریب می‌باشد هر کس به زیارتش رود بر او می‌گریزد و اندوهگین می‌شود و آن کس که بر سر مزارش حاضر نشود می‌سوزد و آن کس که به پائین پای آن حضرت به قبر فرزندش بنگرد و ملاحظه کند که در آن زمین فلات دفن شده است بر آن حضرت ترخّم می‌کند، نه خویشی در نزدیکی آن جناب بوده و نه اقربایش آن جا می‌باشند، او را از حقّ مسلّمش منع نموده و اهل ظلم و ستم و گروه مرتد با هم توافق کرده و بر علیه آن حضرت قیام کرده تا جایی که او را کشته و بدن مبارکش را در آن بیابان انداخته و در معرض درندگان گذاردند، از نوشیدن آب فرات که سگ‌ها از آن می‌آشامیدند او را منع کردند و بدین ترتیب حق رسول خدا صلی الله علیه و آله را ضایع نموده و عمل به وصیت و سفارشی که آن وجود مبارک راجع به حضرتش به سایر افراد اهل بیتش نموده بود را ترک نمودند، عصر آن روزی که حضرت شهید شدند در حالی که ستم‌ها به آن جناب شده بود در بین اقرباء و پیروانش در گودال روی خاک‌ها افتاده بودند، اهل بیتش در آن بیابان تنها و دور از جدّ و منزل و کاشانه‌شان به حالتی غمگین و اندوه بودند، این آزمایش برای احدی اتفاق نمی‌افتد مگر آنانکه خداوند امتحانشان کرده و قلبی مالا مال از ایمان داشته و به حقّ ما عارف و آگاه می‌باشند.

محضرش عرض کردم: فدایت شوم قبلاً من به زیارت آن حضرت می رفتم تا وقتی که مبتلا به سلطان شده و من را مستحفظ اموالشان قرار دادند و چون من نزد ایشان مشهور و معروف بودم از اینرو زیارت آن جناب را تقیۀ ترک کردم در حالی که به ثواب و اجر زیارت آن حضرت کاملاً واقف و آگاه هستم.

حضرت فرمودند:

آیا فضل و برتری کسی که به زیارت آن حضرت رود را می دانی؟ و آیا خیر عظیم و جزیلی که برای او نزد ما هست را آگاهی؟

عرضه داشتم: خیر.

حضرت فرمودند:

اما فضل او: تمام فرشتگان آسمان به او مباہات می کنند.

و اما خیر عظیمی که برای او نزد ما است: هر صبح و شام بر او رحمت می شود.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

سپس مصنف کتاب علیه السلام می فرماید:

پدرم برایم نقل نمود که از زمان شهادت آن حضرت آن مکان یک آن از نمازگذار خالی نمانده بلکه از آن تاریخ تا حال یا فرشتگان و یا جنّ و یا انس و یا وحوش در آن مکان مقدّس به عبادت و نماز اشتغال داشته اند، و هیچ موجودی نیست مگر آنکه به جال زائر آن حضرت غبطه می خورد و او را مسح کرده و به او نظر کرده و در این نظر امید خیر دارد زیرا شخصی که وی به او نگریسته به قبر آن حضرت نظر افکنده است.

سپس حضرت فرمودند:

خبر به من داده اند که از نواحی کوفه گروهی از غیر اهل کوفه و زمانی به زیارتش رفته و بر آن حضرت ندبه و زاری نموده اند و این زیارت در نیمه شعبان صورت گرفته، از این گروه بعضی به قرائت قرآن مشغول بوده و برخی قضایا و حوادث واقعه کربلاء را برای دیگران بازگو کرده و جماعتی به ندبه و زاری

سرگم شده و پاره‌ای به خواندن مرثی مبادرت نموده‌اند.

عرض کردم: بلی فدایت شوم من شاهد برخی از این توصیفات می‌فرمائید بوده‌ام.

حضرت فرمودند:

حمد و سپاس خدائی را که در میان مردم کسانی را گذارده که بطرف ما کوچ و سفر کرده و مدح و مرثی ما را می‌گویند و در مقابل دشمن ما را کسانی قرار داده که از اقرباء ما بوده و آن گروه اول را مورد طعن قرار می‌دهند ولی دیگران ایشان را هلاک کرده و کار و عملشان را تقبیح می‌نمایند.

متن:

۲- و بهذا الإسناد، عن عبد الله الأصم، عن عبد الله بن بكير الأرجاني «قال: صحبت أبا عبد الله عليه السلام في طريق مكة من المدينة فزلنا منزلاً يقال له: عُشْفَان ثم مررنا بجبل أسود عن يسار الطريق موحش، فقلت له: يا ابن رسول الله ما أوحش هذا الجبل! ما رأيت الطرى مثل هذا، فقال لي يا ابن بكير أتدري أي جبل هذا؟ قلت: لا، قال: هذا جبل يقال له: «الكمد» وهو على وادٍ من أودية جهنم، وفيه قَتْلَةُ أَبِي الحسين عليه السلام، استودعهم، فيه تجري من تحتهم مياه جهنم من الغسلين و الصَّديد والحميم و ما يخرج من جبِّ الجوّي و ما يخرج من الفلق من آثام و ما يخرج من الخبال و ما يخرج من جهنم و ما يخرج من لظى و من الحُطْمَةِ، و ما يخرج من سَقَر و ما يخرج من الحميم، و ما يخرج من الهاوية، و ما يخرج من السَّعير، و ما مَرَّت بهذا الجبل في سفري فوقفت به إلا رأيتها يستغيثان إلى و إني لا أنظر إلى قَتْلَةِ أَبِي و أقول لهما: إنما

هؤلاء فعلوا ما استمتا لم ترحمونا إذ وليتم و قتلتمونا و حرمتونا و
 وثبتم على قتلنا و استبددتم بالأمر دوننا، فلا رَحِمَ الله من يرحمكما،
 ذوقا و بال ما قدمتا، و ما الله بظلام للعبيد، و أشدها تضرعاً و
 استكانة الثاني، فرجما و قفت عليهما ليستلى عني بعض ما في قلبي، و ربما
 طويت الجبل الذي هما فيه و هو جبل الكمد، قال: قلت له: جُعِلْتُ
 فِداك فإذا طويت الجبل فما تسمع؟ قال: أسمع أصواتهما يناديان:
 عَرَج علينا نكلمك فإنا نتوب، و أسمع من الجبل صارخاً يصرخ بي
 أجيبهما و قل لهما: اخسؤوا فيها و لا تكلمون! قال: قلت له: جُعِلْتُ فِداك
 و من معهم؟ قال: كلُّ فرعون عتّا على الله و حكى الله عنه فعّاله، و كلُّ من
 علّ العباد الكفر، فقلت: مَنْ هُمْ؟ قال: نحو «بولس» الذي علّم اليهود أنَّ
 يد الله مغلولة، و نحو «نسطور» الذي علّم النصارى أنَّ عيسى المسيح ابن
 الله، و قال لهم: هم ثلاثة،

﴿ حدیث دوم ﴾

ترجمه:

و با همین اسناد از عبدالله اصم، از عبدالله بن بکیر ارجانی نقل شده، وی
 گفت:

با حضرت اباعبدالله علیه السلام در راه مکه از مدینه همراه بودم، پس به جایی که
 «عُفان» نامیده می شد فرود آمدیم و سپس از کنار کوهی سیاه که در سمت چپ
 جاده بود و کوهی وحشتناک به نظر می آمد عبور کردیم، محضر آن حضرت
 عرض کردم:

ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، چقدر این کوه و وحشتناک است! در این راه کوهی
 مثل این ندیده ام.

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر، می دانی این چه کوهی است؟

عرض کردم: خیر.

فرمودند:

این کوهی است بنام «کمد» و آن در وادی از وادی های دوزخ بوده و در آن قاتلین پدرم امام حسین علیه السلام نگه داشته شده اند، در این کوه از زیر قاتلین آب های جهنمی جاری می باشند، این آب ها عبارتند از:

غسلین (آبی که از پوست و گوشت دوزخیان جاری است)، صدید (آبی که ناشی از چرک و زردآب باشد) حمیم (عرق دوزخیان را گویند) آبی که از چاه جوئی خارج می شود و آن آبی است گندیده و متعفن، آبی که از چاه فلق در دوزخ خارج می شود و آن آبی است حاصل از چرک و خون مجرمین، آبی که از خبال یعنی چرک بدن دوزخیان جاری است، آبی که از جهنم روان است، آبی که از لظی (وادی از وادی های جهنم) بیرون می آید، آبی از حطمه (وادی از وادی های جهنم) خارج می شود، آبی که از سقر (وادی از وادی های جهنم) بیرون می آید، آبی که از حمیم (وادی از وادی های دوزخ) خارج می شود، آبی که از هاویه (وادی از وادی های دوزخ) بیرون می آید، آبی که از سعیر (وادی از وادی های دوزخ) خارج می شود.

و من در هیچ یک از سفرهایم به این کوه مرور نکرده و نه ایستادم مگر آنکه آن دو را دیدم که به من استغاثه و التماس می کردند و نیز قاتلین پدرم را مشاهده نمودم، به آن دو گفته و می گویم:

این قاتلین آنچه را که شما تأسیس کرده اید انجام داده اند، چرا وقتی زمام امور به دستتان بود به ما رحم نکرده و ما را کشتید و از حقوق خود محروممان نمودید و بر قتل و کشتن ما اقدام کرده و استبداد محض و کامل را به اجراء گذاردید خدا رحم نکند به کسی که به شما دو نفر رحم کند بچشید وزر و وبالی را که خود

فراهمش نموده‌اید، و خدا نسبت به بندگان ظالم و ستمکار نیست.
 البته دومی تضرع و اضطرابش شدیدتر از اولی است و بسا ایستاده و حالشان
 را مشاهده کرده تا اندکی از بغض و کینه و ناراحتی که از ایشان در قلب دارم
 کاهش یافته و کمی تسلی و آرامش خاطر پیدا کنم، و بسا کوهی که آن دو در آن
 محبوس هستند را طی کرده و از آن بالا رفته‌ام و آن کوه «کمد» می‌باشد.
 راوی گفت: محضرش عرض کردم: فدایت شوم وقتی از کوه بالا رفتید و آن
 را طی نمودید چه صدائی شنیدید:

حضرت فرمودند:

صدای آن دو را شنیدم که فریاد می‌زدند: ما را بالا بیاور تا با تو صحبت کنیم،
 ما توبه کرده‌ایم و می‌شنیدم از کوه که فریاد می‌زد و به من می‌گفت: جواب ایندو
 را بده و به ایشان بگو:



پائین روید و صحبت نکنید! راوی می‌گوید: عرضه داشتم: فدایت شوم چه کسانی با این دو می‌باشند؟
 حضرت فرمودند:

هر فرعون و متکبری که بر خدا طغیان کرده و خداوند کردارش را بازگو
 فرموده است و نیز هر کسی که به بندگان کفر تعلیم کرده است.
 عرض کردم: ایشان چه کسانی هستند.
 حضرت فرمودند:

نظیر «بولس» که به یهود یاد داد که دست خدا بسته است و مثل «نسطور» که به
 نصاری یاد داد که حضرت عیسی مسیح فرزند خدا است و ایشان سه تا هستند
 (یعنی معبود سه تا است: اب، ابن و روح القدس).

متن:

و نحو فرعون موسى الذي قال: أنا رَبِّكم الأعلى، و نحو غرود الذي قال: قهرتُ أهل الأرض و قتلْتُ مَنْ في السَّماء، و قاتل أمير المؤمنين، و قاتل فاطمة و محسن، و قاتل الحسن و الحسين، فأما معاوية و عمرو فما يطمهان في الخلاص، و معهم كلُّ من نصب لنا العداوة، و أعان علينا بلسانه و يده و ماله، قلت له: جعلتُ فداك فأنت تسمع ذاك له لا تفزع؟ قال: يا ابن بُكير إنَّ قلوبنا غير قلوب النَّاس، إنَّا مطيعون مصفَّون مصطفىون، نرى ما لا يرى النَّاس، و نسمع ما لا يسمع النَّاس، و أنَّ الملائكة تنزل علينا في رحالنا، و تتقلب في فُرُشنا، و تشهد طعامنا، و تحضر موتانا، و تأتينا بأخبار ما يحدث قبل أن يكون، و تصلي معنا، و تدعو لنا و تلقى علينا أجنتها، و تتقلب على أجنتها صبياننا و يمتع الدَّوابُّ أن تصلي إلينا، و تأتينا ممَّا في الأرضين من كلِّ نباتٍ زمانه و تسقيننا من ماء كل أرض نجد ذاك في آيتنا و ما من يوم و لا ساعة و لا وقت صلاةٍ إلَّا و هي تتهيأ لها، و ما من ليلة تأتي علينا إلَّا و أخبار كلِّ أرض عندها، و ما يحدث فيها و أخبار الجنِّ و أخبار أهل الهوى من الملائكة، و ما من ملك يموت في الأرض و يقوم غيره إلَّا أتانا خبره، و كيف سيرته في الدِّين قبله، و ما من أرضٍ من سِتَّةِ أرضين إلى السَّابعة إلَّا و نحن نؤتي بخبرهم، فقلت: جعلتُ فداك فأين منتهى هذا الجبل؟ قال: إلى الأرض السَّابعة، و فيها جهنَّم على وادٍ من أوديته، عليه حفظة أكثر من نجوم السَّماء و قطر المطر و عدد ما في البحار و عدد الثَّرى، قد وُكِّل كلُّ ملك منهم بشيٍّ و هو مقيم عليه لا يفارقه، قلت: جعلتُ فداك إليكم جميعاً

يَلْقَوْنَ الْأَخْبَارَ؟ قَالَ: لَا إِنَّمَا يَلْقَى ذَلِكَ إِلَى صَاحِبِ الْأَمْرِ، إِنَّا لَنَحْمِلُ مَا لَا يَقْدِرُ الْعِبَادُ عَلَى الْحُكُومَةِ فِيهِ فَتُحْكَمُ فِيهِ فَمَنْ لَمْ يَقْبَلْ حُكُومَتَنَا جَبَرَتْهُ الْمَلَائِكَةُ عَلَى قَوْلِنَا وَأَمْرٍ الَّذِينَ يَحْفَظُونَ نَاحِيَتَهُ أَنْ يَتَقَسَّرُوهُ عَلَى قَوْلِنَا، وَإِنْ كَانَ مِنَ الْجَنِّ مَنْ أَهْلُ الْخِلَافِ وَالْكَفَرِ أَوْ ثَقَفَهُ وَعَذَّبَتْهُ حَتَّى يَصِيرَ إِلَى مَا حَكَمْنَا بِهِ،

﴿ دُنْبَالِه حَدِيثِ دَوْم ﴾

ترجمه:

و مانند: فرعون معاصر با حضرت موسی علیه السلام که گفت: انا ربکم الاعلی و بدین ترتیب ادعای خدائی کرد و همچون: نمرودی که گفت: اهل زمین را مورد قهر خود داده و آنچه در آسمان هست را کشتم و نیز نظیر: قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام و قاتل فاطمه علیه السلام و محسن و قاتل امام حسن و امام حسین علیه السلام و اما معاویه و عمرو بن عاص ابدًا طمع و درخواست خلاص شدن از عذاب را نمی کنند. و نیز تمام کسانی که نصب عداوت ما اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله را نموده اند با ایشان هستند و همچنین کسانی که با زیان و دست و مالشان بر علیه ما اقدام کردند، با ایشان می باشند.

عرض کردم: فدایت شوم شما تمام این صداها را می شنوید و به فرع نمی آئید؟

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر، قلوب و دل های ما غیر از دل های مردم است، ما مطیع کامل حق تعالی و خالص از هر آلودگی بوده و برگزیده باری تعالی می باشیم، می بینیم آنچه را که مردم نمی بینند، می شنویم آنچه را که دیگران نمی شنوند فرشتگان در منازل ما فرود می آیند و در روی فرش های ما حرکت کرده در کنار سفره ما حاضر و شاهد هستند بر مردگان ما حاضر می شوند، اخبار حوادثی که هنوز واقع نشده اند

را به ما می‌رسانند، با ما نماز خوانده و برای ما دعاء می‌کنند، پرها و بالهایشان را برای ما پهن می‌کنند، کودکان و اطفال ما روی بال‌های ایشان حرکت می‌کنند، مانع می‌شوند از اینکه جنبنندگان به ما دست یافته و ایداء و آزارمان کنند، از تمام گیاهان و نباتاتی که در زمین می‌رویند در فصل و زمانشان برای ما می‌آورند، از آب‌های مختلف روی زمین به ما می‌آشامانند و ما آنها را در ظروف خود می‌یابیم، و هیچ روز و ساعت و وقت نمازی نیست مگر آنکه فرشتگان برای آنها آماده می‌باشند، و هیچ شبی فرا نمی‌رسد مگر آنکه اخبار تمام نقاط زمین را برای ما می‌آورند و نیز آنچه در زمین واقع می‌شود و اخبار جن و ملائکه را برای ما بازگو می‌کنند، و هیچ فرشته‌ای در زمین نمی‌میرد و دیگری جای آن قرار نمی‌گیرد مگر آنکه ما را اطلاع داده و رویه و سیره آن فرشته را با کسانی که قبلش بوده‌اند را برای ما بیان می‌کنند، و هیچ زمینی از شش طبقه زمین تا طبقه هفتم نیست مگر آنکه جز آنها را به ما می‌دهند.

عرض کردم: فدایت شوم انتهای این گوه کجا است؟

حضرت فرمودند:

تا طبقه هفتم زمین ادامه داشته و در آنجا دوزخی است که وادی از وادی‌های جهنم می‌باشد و نگیهانانی که مستحفظ آن هستند از ستارگان آسمان و دانه‌های باران و قطره‌های آب در دریاها و از عدد خاک‌های در کره زمین بیشتر می‌باشند، هر کدام از این فرشتگان موکل بر امری بوده که مراقب آن بوده و از آن تخلف نمی‌کنند.

عرض کردم: فدایت شوم به همه شما اهل بیت این اخبار را می‌دهند؟

حضرت فرمودند:

خیر، تنها به کسی که صاحب امر ولایت است، ما حامل چیزی هستیم که بندگان قدرت حکومت در آن را ندارند، پس ما در آن حکومت می‌نمائیم و کسی که حکومت ما را نپذیرد فرشتگان او را بر آن مجبور می‌کنند و امر می‌کنند به

کسانی که حافظ آن ناحیه هستند که بندگان را بر قول و حکومت ما ملزم و مجبور کنند و اگر جنی از اهل خلاف و کفر باشد او را به بند کشیده و آن قدر عذابش می کنند تا بر حکم ما گردن نهد.

متن:

قلت: جُعِلْتُ فِدَاكَ فهل يرى الإمام ما بين المشرق والمغرب؟ فقال: يا ابن بُكَيْرٍ يكون حُجَّةُ اللَّهِ على ما بين قطريها وهو لا يراهم ولا يحكم فيهم؟! وكيف يكون حُجَّةٌ على قوم غيَّب لا يقدر عليهم ولا يقدرُونَ عليه؟ وكيف يكون مُؤَدِّياً عن اللَّهِ وشاهداً على الخلق وهو لا يراهم؟ وكيف يكون حُجَّةٌ عليهم وهو محجوب عنهم؟ وقد جعل بينهم وبينه أن يقوم بأمر رَبِّهِ فيهم، واللَّهُ يقول: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ» يعني به من على الأرض والحُجَّةُ مِنَ بَعْدِ النَّبِيِّ ﷺ يقوم مقام النَّبِيِّ مِنْ بَعْدِهِ وهو الدَّلِيلُ على ما تَشَاخَرَتْ فِيهِ الْأُمَمَةُ، والأخذ بحقوق النَّاسِ، والقيام بأمر اللَّهِ، والمنصف لبعضهم مِنْ بَعْضٍ، فإذا لم يكن معهم مَنْ ينفذ قوله وهو يقول: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ»، فَأَيُّ آيَةٍ فِي الْآفَاقِ غَيْرَنَا أَرَاهَا أَهْلُ الْآفَاقِ وَقَالَ: «مَا تُرِيدُ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا»، فَأَيُّ آيَةٍ أَكْبَرُ مِنَّا، وَاللَّهُ إِنَّ بَنِي هَاشِمٍ وَقُرَيْشاً لَتَعْرِفَ مَا أَعْطَانَا اللَّهُ وَلَكِنَّ الْحَسَدَ أَهْلَكَهُمْ كَمَا أَهْلَكَ إِبْلِيسَ، وَإِنَّهُمْ لَيَأْتُونَنَا إِذَا اضْطَرُّوا وَخَافُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ فَيَسْأَلُونَا فَنُوضِّحُ لَهُمْ فَيَقُولُونَ: نَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَهْلُ الْعِلْمِ، ثُمَّ يَخْرُجُونَ فَيَقُولُونَ: مَا رَأَيْنَا أَضْلَ مَنْ اتَّبَعَ هَؤُلَاءِ وَيَقْبَلُ مَقَالَتَهُمْ!

قلت: جُعِلَتْ فِدَاكَ أَخْبِرْنِي عَنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْ نُبَشِّرُكَ بِمَا يَجْعَلُونَ فِي قَبْرِهِ شَيْئًا؟ قَالَ: يَا بَنُ بَكِيرٍ مَا أَعْظَمَ مَسَائِلَكَ! الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ أَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ الْحَسَنِ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، يُحِبُّونَ كَمَا يُحِبُّ، وَيَرْزُقُونَ كَمَا يَرْزُقُ، فَلَوْ نُبَشِّرُكَ فِي أَيَّامِهِ لَوُجِدَ؛ وَأَمَّا الْيَوْمَ فَهُوَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّهِ يَرْزُقُ وَيَنْظُرُ إِلَى مُعَشْكِرِهِ وَيَنْظُرُ إِلَى الْعَرْشِ مَتَى يُؤْمَرُ أَنْ يَحْمِلَهُ وَأَنَّهُ لَعَلَى عِمِينَ الْعَرْشِ مُتَعَلِّقٌ يَقُولُ: يَا رَبِّ انْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَإِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى زُوَارِهِ وَهُوَ أَعْرِفُ بِهِمْ وَبِأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَبِدَرَجَاتِهِمْ وَبِمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ أَحَدِكُمْ بَوْلَدِهِ وَمَا فِي رَحْلِهِ وَأَنَّهُ لَيَرَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ رَحْمَةً لَهُ، وَيَسْأَلُ أَبَاهُ الْإِسْتِغْفَارَ لَهُ وَيَقُولُ: لَوْ تَعْلَمُ أَنَّهَا الْبَاكِي مَا أَعَدَّ لَكَ لَفْرَحَتَ أَكْثَرَ مِمَّا جَزَعْتَ، فَلَيَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ مَنْ سَمِعَ بُكَاءَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فِي السَّمَاءِ وَفِي الْحَاثِرِ، وَيَنْقَلِبُ وَمَا عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبٍ»

﴿ دُنْبَالَهُ حَدِيثِ دَوِّم ﴾

ترجمه:

عرض کردم: فدایت شوم: آیا امام بین مشرق و مغرب را می بیند؟

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر چگونه امام حجّت خدا باشد بر آنچه بین دو نقطه مقابل هم در کره زمین واقع شده اند و حال آنکه آنها را ندیده و در میانشان حکم نکند؟! و چگونه بتوان گفت امام حجّت است بر قوم و جماعتی که در نظرش غائب هستند و بر آنها قدرت نداشته و آنها نیز بر دسترسی داشتن به وی جهت رفع نیازمندی های خویش قدرت ندارند؟

و چگونه امام احکام و حقائق را از طرف خدا اداء کند و شاهد بر خلق باشد در حالی که آنها را نمی بیند؟!

و چگونه حجت بر ایشان باشد در حالی که آنها از وی محجوب و مستور می‌باشند؟! در حالی که امام علیه السلام به امر خدا بین مردم نصب شده تا واسطه بین خدا و مخلوق باشد، خدا در قرآن خطاب به پیغمبرش می‌فرماید: و **ما ارسلناک الا کافه للناس** (ما تو را نفرستادیم مگر برای همه مردم).

مقصود از «کافه للناس» تمام کسانی هستند که روی کره زمین می‌باشند و حجت بعد از نبی صلی الله علیه و آله بعد از آن وجود مبارک قائم مقام او باید باشد پس همانطوری که نبی حجت است برای تمام مردم روی زمین و باید بر همه تسلط داشته باشد حجت بعد از او و قائم مقامش نیز باید چنین باشد و اساساً مناصب امام بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اموری است که لازمه آن اینست که وی باید به تمام امت و به کافه مردم مسلط بوده و آنها را ببیند، این مناسب عبارتند از:

الف: راهنما برای حل مشاجراتی که بین امت واقع می‌شود.

ب: حقوق مردم را احقاق کردن و گرفتن.

ج: قیام نمودن به امر خدا و فرمانش را بین مردم اجراء کردن.

د: انصاف گرفتن از بعضی برای بعضی دیگر.

در نتیجه باید امام قولش نافذ بین کل مردم باشد تا بدین ترتیب نظم عالم محفوظ ماند، و هرج و مرج پیش نیاید، حال اگر با مردم امام و رهبری نباشد که قولش بین آنها نافذ باشد کلام خدا در قرآن کریم بی مصداق می‌ماند، حق تعالی در قرآن می‌فرماید:

سنرهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم (محققاً به ایشان نشان می‌دهیم

آیات خود را که در آفاق و انفس می‌باشند)، با توجه به این آیه می‌پرسم:

چه آیه‌ای در آفاق غیر از ما وجود دارد که خداوند متعال به آن اهل آفاق را نشان داده است؟ و نیز در جای دیگر فرموده:

ما نرهم من آیه الاهی اکبر من اختها (ما به ایشان هیچ آیه‌ای را نشان ندادیم مگر آنکه آن آیه از آیه دیگر بزرگتر بود).

چه آیه‌ای را شما بزرگ‌تر از ما سراغ دارید، به خدا سوگند بنی‌هاشم و قریش به آنچه خدا به ما اعطاء فرموده آگاه و عارف هستند ولی حسد ایشان را هلاک کرده همان‌طوری که حسد ابلیس را هلاک نمود.

ایشان در موارد اضطرار نزد ما می‌آیند و از ما مشکلشان را سؤال می‌کنند و ما برای ایشان توضیح داده و مشکلشان را حل می‌کنیم بعد از آن می‌گویند: شهادت می‌دهیم که شما اهل علم هستید و از نزد ما که خارج شدند پیش دیگران می‌گویند:

ما ندیدیم کسی را گمراه‌تر از آنانکه از ایشان تبعیت کرده و گفتار آنها را بپذیرند!

عرض کردم: فدایت شوم به من خبر دهید از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام: اگر قبر آن حضرت را نبش کنند در آن چیزی می‌یابند؟
حضرت فرمود:

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

ای پسر بکیر، سؤال بسیار بزرگی نمودی، حسین علیه السلام با پدر و مادر و برادرش حسن علیه السلام در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده به ایشان اعطاء می‌شود همان‌طوری که به آن جناب اعطاء می‌گردد، روزی می‌خورند همان‌طوریکه آن حضرت روزی می‌خورد، اگر در همان ایام قبر را نبش می‌کردند، البته آن حضرت را در آن می‌یافتند، اما امروز آن حضرت زنده بوده و نزد پروردگارش روزی می‌خورد و به لشکرش و به عرش می‌نگرد تا چه کسی و در چه وقت امر شود که آن را حمل کند، آن حضرت در سمت راست عرش ایستاده می‌گوید:

پروردگارا، وعده‌ای که به من داده‌ای عملی کن، به زوارش نگریسته و او به ایشان و اسماء پدرانشان و به درجات و مراتب آنها نزد خدا از شما نسبت به فرزندان و آنچه در منزل دارید اعرف و آگاه‌تر است آن حضرت می‌بیند کسانی را که بر او می‌گیرند پس از خدا طلب آمرزش برای ایشان می‌کند و از پدر بزرگوارش نیز طلب آمرزش برای ایشان می‌کند و می‌گوید:

ای گریه کننده اگر بدانی برای تو چه آماده شده فرح و شادی تو بیش از جزع و ناراحتی تو خواهد بود پس تمام فرشتگانی که در آسمان و حائر بوده و صدای گریه او را می شنوند برایش استغفار می کنند و وی حرکت می کند در حالی که هیچ گناهی بر او نمی باشد.

متن:

۳ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَالِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: مَا مِنْ نَبِيٍّ وَلَا وَصِيٍّ نَبِيٍّ يَبْقَى فِي الْأَرْضِ بِأَكْثَرِ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ثُمَّ تَرْفَعُ رُوحُهُ وَعَظْمُهُ وَلَحْمُهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَإِنَّمَا تُؤْتَى مَوَاضِعَ آثَارِهِمْ وَيَبْلَغُونَهُمْ مِنْ بَعِيدِ السَّلَامِ وَيَسْمَعُونَهُمْ فِي مَوَاضِعَ آثَارِهِمْ مِنْ قَرِيبٍ».

و حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى؛ وَ غَيْرِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ زِيَادٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - مِثْلَهُ.

﴿ حدیث سوم ﴾

ترجمه:

محمد بن یعقوب، از عده ای اصحاب، از احمد بن محمد بن عیسی، از علی بن الحکم، از زیاد بن ابی الحلال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام، حضرت فرمودند: هیچ پیغمبر و هیچ جانشین پیغمبری بیش از سه روز روی زمین باقی نمی ماند سپس روح و استخوان و گوشت او را به آسمان می برند، و مردم به اماکن و مواضعی که آثار ایشان هست (یعنی قبورشان) رفته و از دور به ایشان

ابلاغ سلام می کنند و از نزدیک در مواضع آثارشان سلامشان را به ایشان می شنوایند.

پدرم رحمه الله عليه و محمد بن يعقوب، از محمد بن يحيى و غيرش از احمد بن محمد، از على بن الحكم، از زياد، از حضرت ابى عبد الله عليه السلام مثل همين حديث را نقل کرده.

متن:

۴ - و حدثني أبي - رحمه الله - عن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع - عن بعض أصحابه - رفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام «قال: قلت: تكون بمكة أو بالمدينة أو بالحائر أو الموضع التي يرجى فيها الفضل فرمًا يخرج الرجل يتوضأ فيجئ الآخر فيصير مكانه، قال: من سبق إلى موضع فهو أحق به يومه و ليلته».

۵ - حدثني أبو العباس محمد بن جعفر، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن منيع، عن صفوان بن يحيى، عن صفوان بن مهران الجمال، عن أبي عبد الله عليه السلام «قال: أهون ما يكسب زائر الحسين عليه السلام في كل حسنة ألف حسنة، و السيئة واحدة، و أين الواحدة من ألف ألف؟! ثم قال: يا صفوان أبشر فإن لله ملائكة معها قضبان من نور فإذا أراد الحفظة أن تكتب على زائر الحسين عليه السلام سيئة، قالت الملائكة للحفظة، كفى فتكف، فإذا عمل حسنة قالت لها: اكتبى أولئك الذين يبدل الله سيئاتهم حسنات».

﴿ حدیث چهارم ﴾

ترجمه:

پدرم رحمه الله علیه از محمد بن یحیی، از احمد بن محمد، از محمد بن اسماعیل بن بزیع، از برخی اصحابش بطور مرفوعه از ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده است و می گفت: محضر مبارک حضرت عرض کردم: ما در مکه یا در مدینه یا در حائر و یا در جاهایی که امید فضل در آن می رود می باشیم، بسا یکی از ما برای وضوء از مکانش خارج شده دیگری جایش را اتخاذ می کند حکم آن چیست؟ حضرت فرمودند:

در آن روز و شب وی احق و اولی به آن مکان می باشد.

﴿ حدیث پنجم ﴾

ترجمه:

ابوالعباس محمد بن جعفر، از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، از منیع، از صفوان بن یحیی، از صفوان بن مهران الجمال، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کمترین چیزی که زائر امام حسین علیه السلام بدست می آورد این است که در مقابل هر یک حسنه ای که از او صادر شود.

حق تعالی هزار هزار حسنه به او پاداش دهد و در قبال هر یک حسنه ای که مرتکب شود تنها یک حسنه برایش منظور می کند و یکی کجا و هزار هزار تا کجا؟

سپس حضرت فرمودند:

ای صفوان، بشارت باد تو را، خداوند متعال فرشتگانی دارد که با آنها تازیانه ای از نور بود و هرگاه فرشتگان حافظ و نگهبان بخواهند بر زائر امام حسین علیه السلام سینه ای بنویسند، فرشتگان به حافظین می گویند:

از این کار خودداری کنید، آنها خود را از آن باز می دارند و وقتی زائر عمل حسنه ای انجام دهد فرشتگان به حافظین می گویند:

بنويسيد، ایشان کسانی هستند که حق تعالی سیئاتشان را به حسنه تبديل فرموده است.

متن:

٦- حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ ابْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْحَذَّاءِ «قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ إِلَى جَانِبِكُمْ مَقْبَرَةٌ يُقَالُ لَهَا: «بِرَاثَا» يَحْشُرُ مِنْهَا عَشْرُونَ وَمِائَةً أَلْفَ شَهِيدٍ كَشَهِدَاءِ بَدْرٍ».

٧- وَ رَوَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ «قَالَ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ﷺ يَقُولُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ ﷺ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَاتَ فِي الطَّرِيقِ لَمْ يَعْزُضْ وَلَمْ يَحْسَبْ، وَيُقَالُ لَهُ: ادْخُلِ الْجَنَّةَ آمِنًا».

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

٨- حَدَّثَنِي أَبِي ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَحِمَهُمَا اللَّهُ - جَمِيعًا، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا بَنُ السَّحْتِ الْحَزَّازُ قَالَ: حَدَّثَنَا حَفْصُ الْمَزْنِيُّ، عَنْ عُمَرَ بْنِ بِيَّاضٍ، عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ «قَالَ: قَالَ لِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ﷺ: يَا أَبَانَ مَتَى عَهْدُكَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ ﷺ؟ قُلْتُ: لَا وَاللَّهِ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؛ مَا لِي بِهِ عَهْدٌ مِنْذُ حِينَ، فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَأَنْتَ مِنْ رُؤُسَاءِ الشُّعَيْعَةِ تَتْرَكَ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ ﷺ، لَا تَزُورُهُ؟! مَنْ زَارَ الْحُسَيْنِ ﷺ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً، وَحُمِيَ عَنْهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَيِّئَةً، وَغُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، يَا أَبَانَ لَقَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنِ ﷺ فَهَبْطْ عَلَى قَبْرِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ شُعْثٌ غُبَرٌ يَبْكُونَ عَلَيْهِ وَ يَنْوَحُونَ عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

﴿ حدیث ششم ﴾

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابی یحیی واسطی، از ابی الحسن الحذاء وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: در طرف شما مقبره‌ای است که به آن «برائاه» گویند از آن صد و بیست هزار شهید محشور شده همچون شهداء بدر.

﴿ حدیث هفتم ﴾

و از محمد بن مروان روایت شده که گفت: محمد بن الفضل می‌گوید: از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان زیارت کند و در راه فوت شود در معرض عتاب و خطاب او را نیاورده و نسبت به اعمالش محاسبه صورت نگرفته بلکه، به او گفته می‌شود: داخل بهشت شو در حالی که در امان هستی.

﴿ حدیث هشتم ﴾

پدرم و محمد بن الحسن رحمه الله علیهما جمیعاً از حسین بن سعید، وی گفت: علی بن سحت خزّاز برایم نقل نمود و گفت: حفص مزنی، از عمر بن بیاض، از ابان بن تغلب نقل کرد که وی گفت: حضرت جعفر بن محمد علیه السلام به من فرمودند: ای ابان چه وقت قبر حسین علیه السلام را زیارت کردی؟ عرض کردم: به خدا سوگند ای پسر رسول خدا تا بحال به زیارت آن حضرت نرفته‌ام.

حضرت فرمودند:

سبحان الله، تو از رؤسای شیعه هستی و زیارت امام حسین علیه السلام را ترک می‌کنی، به زیارتش نمی‌روی؟!

کسی که حسین علیه السلام را زیارت کند خداوند به هر قدمی که برمی‌دارد یک حسنه برایش می‌نویسد و از او در مقابل هر قدمش یک گناه محو می‌فرماید و تمام گناهان سابق و لاحقش را می‌آمرزد، ای ابان وقتی حسین علیه السلام کشته شد هفتاد هزار فرشته ژولیده و غبار آلود بر قبرش از آسمان هبوط کرده و از آن تاریخ تا ظهور قیامت بر او گریه و نوحه سرایی می‌نماید.

متن:

۹ - حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام: أَيُّهُمَا أَفْضَلُ: رَجُلٌ يَأْتِي مَكَّةَ وَلَا يَأْتِي الْمَدِينَةَ، أَوْ رَجُلٌ يَأْتِي النَّبِيَّ وَلَا يَأْتِي مَكَّةَ؟ قَالَ: فَقَالَ لِي أَيُّ شَيْءٍ تَقُولُونَ أَنْتُمْ؟ فَقُلْتُ: نَحْنُ نَقُولُ فِي الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَكَيْفَ فِي النَّبِيِّ؟! قَالَ: أَمَّا لَنْ قُلْتُ ذَلِكَ لَقَدْ شَهِدَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عِيداً بِالْمَدِينَةِ فَانْصَرَفَ فَدَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ لِمَنْ حَضَرَهُ: أَمَّا لَقَدْ فَضَّلْنَا أَهْلَ الْبِلَادِ كُلَّهُمْ مَكَّةَ فَيَمْنُ دُونَهَا لِسَلَامِنَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم».

۱۰ - حَدَّثَنِي أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ - يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: قُلْتُ: نَكُونُ بِمَكَّةَ أَوْ بِالْمَدِينَةِ أَوْ بِالْحَائِرِ أَوْ الْمَوَاضِعِ الَّتِي يَرْجَى فِيهَا الْفَضْلُ، فَرَبَّمَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ لِيَتَوَضَّأَ فَيَجِيَّ آخِرَ

فیصیر مکانه، قال: مَنْ سَبَقَ إِلَى مَوْضِعِ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ يَوْمَهُ وَلَيْلَتِهِ.

﴿ حدیث نهم ﴾

ترجمه:

حسین بن محمد بن عامر، از معلى بن محمد البصرى، از على بن اسباط، از حسن بن جهم، وی گفت: محضر ابی الحسن الرضا علیه السلام عرض کردم: کدام یک از این دو عمل افضل است:

اینکه شخصی به مکه رفته و مدینه نرود یا به زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه رفته و به مکه نرود؟

راوی گفت: حضرت به من فرمودند:

شما کدام را افضل می دانید؟

عرض کردم: ما درباره زیارت امام حسین علیه السلام زیارت آن جناب را از مکه رفتن افضل می دانیم چه رسد به زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله.

حضرت فرمودند: آگاه باش اگر این کلام را بگوئی صحیح و درست است چه آنکه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در یکی از اعیاد در مدینه حضور بهم رسانده و سپس مراجعت نموده داخل بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله شدند و بر آن حضرت سلام کرده و سپس به کسانی که برای زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله حاضر شده بودند فرمودند:

بدانید ما بر تمام اهل شهرها، مکه و غیر آن تفضیل داده شده ایم زیرا بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام کرده ایم.

﴿ حديث دهم ﴾

يُدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبدالله، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن اسماعيل بن بزيع...
مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه اش تحت رقم شماره (۴) از همین باب قبلاً نقل شد.

متن:

۱۱ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «قَالَ: لَمَّا أُسِرِيَ بِالنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله إِلَى السَّمَاءِ قِيلَ لَهُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَخْتَبِرُكَ فِي ثَلَاثَ لَيَظُنُّ كَيْفَ صَبْرُكَ، قَالَ: أَسْلَمَ لِأَمْرِكَ يَا رَبِّ وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الصَّبْرِ إِلَّا بِكَ فَا هُنَّ؟ قِيلَ لَهُ: أَوَلَهْنَّ بِالْجُوعِ وَالْأَثَرَةِ عَلَى نَفْسِكَ وَعَلَى أَهْلِكَ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ، قَالَ: قَبِلْتُ يَا رَبِّ وَرَضِيتُ وَسَلَّمْتُ وَمَنْكَ التَّوْفِيقَ وَالصَّبْرَ، وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَالتَّكْذِيبَ وَالْخَوْفَ الشَّدِيدَ وَبِذَلِكَ مُنْهَجَتِكَ فِي مُحَارَبَةِ أَهْلِ الْكُفْرِ بِمَا لَكَ وَنَفْسِكَ، وَالصَّبْرَ عَلَى مَا يَصِيبُكَ مِنْهُمْ مِنَ الْأَذَى وَمِنْ أَهْلِ النِّفَاقِ، وَالْأَلَمَ فِي الْحَرْبِ وَالْجِرَاحِ، قَالَ: قَبِلْتُ يَا رَبِّ وَرَضِيتُ وَسَلَّمْتُ وَمَنْكَ التَّوْفِيقَ وَالصَّبْرَ، وَأَمَّا الثَّالِثَةُ فَمَا يَلْقَى أَهْلُ بَيْتِكَ مِنْ بَعْدِكَ مِنَ الْقَتْلِ، أَمَّا أَخُوكَ عَلِيٌّ فَيَلْقَى مِنْ أَمَّتِكَ الشَّتْمَ وَالتَّعْنِيفَ وَالتَّوْبِيخَ وَالْحِرْمَانَ وَالْجُحْدَ وَالظُّلْمَ وَآخِرَ ذَلِكَ الْقَتْلُ، فَقَالَ: يَا رَبِّ قَبِلْتُ وَرَضِيتُ وَمَنْكَ التَّوْفِيقَ وَالصَّبْرَ، وَأَمَّا ابْنَتُكَ فَتُظْلَمُ وَتُحْرَمُ وَيُؤْخَذُ

حَقُّهَا غَضَباً الَّذِي تَجْعَلُهُ لَهَا وَتُضْرِبُ وَهِيَ حَامِلٌ وَ يَدْخُلُ عَلَيْهَا وَعَلَى حَرِيمِهَا وَ مَنَزَلَهَا بِغَيْرِ اِذْنٍ ثُمَّ يَمَسُّهَا هَوَانٌ وَ ذُلٌّ، ثُمَّ لَا تَجِدُ مَانِعاً وَ تَطْرَحُ مَا فِي بَطْنِهَا مِنَ الضَّرْبِ وَ تَمُوتُ مِنْ ذَلِكَ الضَّرْبِ، قَالَ: إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، قَبِلْتُ يَا رَبُّ وَ سَلَّمْتُ وَ مِنْكَ التَّوْفِيقُ وَ الصَّبْرُ، وَ يَكُونُ لَهَا مِنْ أَخِيكَ ابْنَانِ يَقْتُلُ أَحَدُهُمَا غَدِراً وَ يُسَلِبُ وَ يَطْعَنُ، تَفْعَلُ بِهِ ذَلِكَ أُمَّتُكَ، قُلْتُ: يَا رَبُّ قَبِلْتُ وَ سَلَّمْتُ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَ مِنْكَ التَّوْفِيقُ لِلصَّبْرِ.

﴿ حدیث یازدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمد بن سلیمان، از محمد بن خالد، از عبدالله بن حماد بصری از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از حماد بن عثمان، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام حضرت فرمودند:

زمانی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله را به آسمان سیر دادند به حضرتش عرض شد: خداوند تبارک و تعالی می خواهد شما را در سه چیز بیازماید تا صبر شما را ببیند، حضرت عرض کرد: پروردگارا من تسلیم امر تو هستم، من توان صبر را ندارم مگر به کمک تو، آن سه چیز کدامند؟ به حضرتش گفته شد:

اول آنها جوع و گرسنگی و ضیق بر خودت و بر اهلت.
حضرت عرض کرد: پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و از تو توفیق و صبر می خواهم.

و اما دوم: آنکه تکذیب شده و خوف شدید بر تو عارض گشته و در محاربه با اهل کفر مال و نفس خویش را بذل کرده و بر اذیت و آزاری که از ناحیه ایشان و اهل نفاق به تو می رسد صبر کرده و درد و جراحاتی که در حرب بر تو وارد

می شود را تحمل کنی.

حضرت عرض کرد:

پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و از تو توفیق و صبر می خواهم.

و اما سوّم: عبارت است از آنچه بعد از تو به اهل بیت متوجه می شود و آن قتل و کشته شدن ایشان است.

اما برادرت علی: از ناحیه اُمّت، فحش و درشتی و سرزنش و حرمان از حق و انکار و ظلم به او متوجه شده و در آخر او را خواهند کشت.
عرض کرد:

پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و از تو توفیق و صبر می خواهم.



و اما دخترت: مورد ستم قرار گرفته، حقش را غصب می کنند، او را می زنند در حالی که حامل و باردار است به حریم و منزلش بدون اذن وی داخل شده و افراد پست و فرومایه او را رنجور می نمایند و وی مانع و دافعی نیافته و بدنبال ضرب و کتکی که می خورد حملش سقط شده و از ناحیه آن فوت و رحلت می کند.
حضرت عرض کرد:

انا لله و انا اليه راجعون، پذیرفتم و راضی شده و تسلیم آن بوده و از تو توفیق و صبر می خواهم سپس به حضرتش گفته شد:

برای دخترت از برادرت دو پسر می باشد که یکی از آن دو را اُمّت با حيله و نیرنگ می کشند، لباسش را از او سلب نموده و مورد طعن و سرزنش ها قرار می دهند.

حضرت عرض کرد:

پروردگارا پذیرفتم و تسلیم آن شده و انا لله و انا اليه راجعون و از تو توفیق برای صبر می خواهم.

متن:

و أمّا ابنها الآخر فتدعوه أُمّتكَ للجهاد ثمّ يقتلونه صبراً، و يقتلون
 وُلده و مَنْ معه مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، ثمّ يسلُبون حَرَمَهُ، فيستعين بي و قد مضى
 القضاء مِنِّي فيه بالشّهادة له و لمن معه، و يكون قتله حُجَّةً على مَنْ بَيْنَ
 قَطْرِيهَا، فيبكيه أَهْلُ السَّمَاوَاتِ و أَهْلُ الْأَرْضِينَ جَزَعاً عَلَيْهِ، و تبكيه
 ملائكة لم يدركوا نصرته، ثمّ أُخْرِجَ مِنْ صُلْبِهِ ذِكْرًا بِهِ أَنْصُرَكَ و أَنَّ
 شَبَحَهُ عِنْدِي تَحْتَ الْعَرْشِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ بِالْعَدْلِ و يطبقها بالقسط، يسير
 معه الرُّعْبُ، يَقْتُلُ حَتَّى يَشْكَ فِيهِ، قُلْتُ: إِنَّا لِلَّهِ!

فقيل: ارفع رأسك، فنظرت إلى رجل أحسن الناس صورةً و أطيبهم
 ريحاً، و التور يسطع مِنْ بَيْنِ عَيْنَيْهِ و مِنْ فَوْقِهِ و مِنْ تَحْتِهِ، فدعوته
 فأقبل إليّ و عليه ثياب النُّور و سِيَّاءٌ كُلُّ خَيْرٍ حَتَّى قَبْلَ بَيْنِ عَيْنَيْ، و نظرت
 إلى الملائكة قد حقّوا به، لا يحصيهم إِلَّا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فقلت: يَا رَبُّ لِمَنْ
 يَغْضَبُ هَذَا و لِمَنْ أَعْدَدْتَ هَؤُلَاءِ؟ و قد وعدتني النَّصْرَ فَيُفْهِمُ فَأَنَا أَنْتَظِرُهُ
 مِنْكَ؟ و هَؤُلَاءِ أَهْلِي و أَهْلُ بَيْتِي و قد أَخْبَرْتَنِي مِمَّا يَلْقَوْنَ مِنْ بَعْدِي و لَنْ
 شَتَّ لَأُعْطِيَتَنِي النَّصْرَ فَيُفْهِمُ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْهِمْ، و قد سَلَّمْتُ و قَبَلْتُ و
 رَضِيتُ و مِنْكَ التَّوْفِيقُ و الرِّضَا و الْعَوْنُ عَلَى الصَّبْرِ، فقيل لي أمّا أخوك
 فجزاؤه عِنْدِي جَنَّةُ الْمَأْوَى نَزْلاً بِصَبْرِهِ، أَفْلَحَ حُجَّتُهُ عَلَى الْخَلَائِقِ يَوْمَ
 الْبَعْثِ، و أَوْلِيَهُ حَوْضُكَ يَسْقِي مِنْهُ أَوْلِيَاءُكُمْ و يَمْنَعُ مِنْهُ أَعْدَاءُكُمْ، و
 أَجْعَلُ جَهَنَّمَ عَلَيْهِ بَرْدًا و سَلَامًا، يَدْخُلُهَا فَيُخْرِجُ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ
 ذَرَّةٍ مِنَ الْمَوَدَّةِ، و أَجْعَلُ مِثْقَالَكُمْ فِي دَرَجَةٍ وَاحِدَةٍ فِي الْجَنَّةِ، و أمّا ابْنُكَ
 الْمَخْذُولُ الْمَقْتُولُ، و ابْنُكَ الْمَعْذُورُ الْمَقْتُولُ صَبْرًا، فَإِنَّهَا مِمَّا أُزَيِّنُ

بهما عرشي، ولهما من الكرامة سوى ذلك مما لا يخطر على قلب بشر
لما أصابهما من البلاء فعلي فتوكل، و لكل من أتى قبره من الخلق من
الكرامة لأن زواره زوّارك و زوّارك زوّاري، و علي كرامة زوّاري و
أنا أعطيه ما سأل و أجزيه جزاء يغبطه من نظر إلى عظمي إتياء، و ما
أعددت له من كرامتي.

ترجمه: ﴿ دنباله حدیث یازدهم ﴾

و اما فرزند دیگرش را امت برای جهاد دعوت کرده سپس او را با طرز بد
و ناهنجاری می کشند، فرزندانش و آنچه از اهل بیتش با او باشند را می کشند
و سپس حرمش را اسیر می کنند، پس از من کمک و استعانت می جوید ولی حکم
از من صادر شده که وی و تمام آنانکه با او هستند شهید شوند، قتل او حجت
است بر کسانی که بین دو طرف زمین می باشند، اهل آسمان ها و سکنه زمین بر او
گریسته و جزع و بی تابی می کنند، و فرشتگانی که نتوانستند او را یاری کنند بر
این امر می گریند، سپس از صلب و پشت او فرزندی خارج می کنم که بواسطه اش
تو را نصرت و یاری می نمایم، شبح و تمثال آن فرزند نزد من بوده و تحت عرش
می باشد، به واسطه او زمین را پر از عدل و داد کرده و رعب و وحشت با او سیر و
حرکت می کند، آن قدر از مردم بکشد که در او شک کنند که آیا حجت خدا است
یا نه عرض کردم: انالله!

به آن حضرت گفته شد:

سرت را بالا کن، پس نظر کردم به مردی که زیباترین مردم از حیث صورت
و خوش ترین آنها از جهت بو، بود، نور از بین دو دیدگان و بالای سر و پائین
پاهایش ساطع و درخشان بود، پس او را خواندم، به سویم آمد در حالی که بر او
جامه هائی از نور بود به من رسید تا بین دو چشمم را بوسید نگریستم به

فرشتگانی که دور او را حلقه زده بودند و عدد آنها را غیر از خداوند عزوجل دیگر نمی دانست عرض کردم:

پروردگارا، این شخص برای چه کسی غضب کرده و این گروه فرشتگان را برای چه شخصی آماده کرده‌ای؟

به من وعده نصرت در ایشان داده‌ای پس انتظار آن را از تو دارم، ایشان اهل و اهل بیت من بوده، تو خودت از ایذاء و آزادی که بعد از من به ایشان می‌رسد به من خبر دادی و اگر بخواهی حتماً می‌توانی بواسطه ایشان آنان را که ظلم و ستم به اهل بیت من کرده‌اند منکوب و ذلیل کرده و بدین وسیله من را نصرت نمائی و من تسلیم تو بوده و پذیرفته و راضی بوده و از تو می‌خواهم که به من توفیق و رضا و خشنودی را اعطاء کرده و بر صبر نمودن کمک نمائی.

به من گفته شد:

اما برادرت، پاداش او نزد من محفوظ بوده و آن این است که منزلگاهش را بواسطه صبری که نموده بهشت برین قرار می‌دهم، در روز بعث و قیامت حجتش بر خلائق ظهور می‌یابد، او را بر حوض کوثر متولی گردانده تا دوستان شما را سیراب و دشمنان را از نوشیدن آب باز دارد، جهنم را بر او خنک و آرام قرار می‌دهم، هر کس که در قلبش به قدر مثقالی از محبت و مودت او باشد در جهنم داخل شده و بدون اینکه آسیبی به او وارد شود از آن خارج می‌گردد و قرار می‌دهم منزل شما را در یک درجه و یک مرتبه از بهشت.

و اما فرزندان که منکوب و مقتول واقع شد (مقصود حضرت مجتبی علیه السلام است) و آن فرزندان که با طرزی فجیع و ناهنجاری کشته شده (منظور حضرت امام حسین علیه السلام است) عرش خود را با این دو زینت خواهم نمود و چنان کرامتی غیر از این به آن دو دهم که بر قلب هیچ بشری خطور نکرده باشد و آن بخاطر بلا و مصیبت‌هایی است که به ایشان رسیده، پس بر من اعتماد و توکل کن.

و نیز به کسانی که به زیارتش روند نیز این کرامت را اعطاء می‌کنم چه آنکه زوَّار او زوَّار تو بوده و زوَّار تو زوَّار من هستند و هر من حتم و لازم است که به زوَّارم این کرامت را عنایت نمایم و نیز آنچه را از من سؤال کنند به آنها خواهم داد و جزا و پاداشی به ایشان دهم که دیگران به آن غبطه برند.

متن:

و أمّا ابتك فإني أوقفها عند عرشي فيقال لها: إِنَّ اللَّهَ قد حَكَمَ في خلقه فمن ظلمك و ظلم و لَدِكِ فاحكمي فيه بما أَحَبَّتِ فإني أُجِيزُ حكومتك فيهم، فتشهد العرصة فإذا وقف مَنْ ظَلَمَهَا أَمَرْتُ به إلى النار، فيقول الظالم: و احسرتا! على ما فَرَّطْتُ في جنب الله، و يميتني الكثرة، و يعضّ الظالم على يديه و يقول: ياليتني اتَّخَذْتُ مع الرَّسُولِ سَبِيلاً، و يا ويلتي ليتني لم أَتَّخِذْ فلاناً خليلاً، و قال: حتّى إذا جاءنا قال: يا ليت بيني و بينك بُغْدَ المَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ القَرين، و لَنْ يَنْفَعَكُم اليَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْكُم في العذاب مُشْتَرِكُونَ، فيقول الظالم: أنت تحكم بين عبادك فيما كانوا فيه يَخْتَلِفُونَ، أو الحكم لغيرك، فيقال لهم: ألا لعنة الله عَلَى الظَّالِمِينَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عن سَبِيلِ اللَّهِ و يَبْغُونَهَا عِوَجاً و هم بِالآخِرَةِ كَافِرُونَ، و أوّل من يحكم فيه - حسن بن عليّ ؑ في قاتله، ثمّ في قنقذ فيؤتيان هو و صاحبه فيضربان بسيّاط من نار، لو وقع سوط منها على البحار لغلت من مشرقها إلى مغربها، و لو وضعت على جبال الدنيا لذابت حتّى تصير رماداً فيضربان بها، ثمّ يجثو أمير المؤمنين ؑ بين يدي الله للخصومة مع فلان في جبّ فيطبق عليهم، لا يراهم أحد ولا

یرون أحداً فيقول الذين كانوا في ولا يهتم: ربنا أرنا الذين أضلّنا من الجنّ و الأنس، نجعلهما تحت أقدامنا ليكونا من الأسفلين، قال الله عزّوجلّ: «وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَعْتُمْ أَنْكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ» فعند ذلك ينادون بالويل و الثُّبور، و يأتيان المحوض فيسألان عن أمير المؤمنين عليه السلام و معهم حفظة فيقولان: اعف عنا و اسقنا و تخلصنا، فيقال لهم: فلما رأوه زلفة سيئت وجوه الذين كفروا، و قيل: هذا الذي كنتم به تدعون بإمرة المؤمنين، ارجعوا ظماء مظمّين إلى التّار فما شرابكم إلّا الحميم و الغسلين و ما تنفعكم شفاعة الشّافعين».

﴿ دنباله حدیث بازدهم ﴾

ترجمه:

و اما دخترت:

او را نزد عرش نگه داشته، پس به او گفته می شود: خداوند تو را در میان خلقتش حاکم قرار داد، پس کسی که به تو و به فرزندان ظلم نموده در او حکم نما به آنچه خواهی و من حکم تو را بر ایشان اجراء خواهم نمود، آن حضرت در عرصه قیامت حاضر شده و وقتی اشخاصی که به او ظلم و ستم کرده اند در آنجا ایستادند، امر می کنم که ایشان را در آتش بیاندازند. پس ظالم می گوید: واحسرتا علی ما فرطت فی جنب الله (فریاد و احسرتا بر آورد و گوید:

ای وای بر من که جانب خدا را فرو گذارده و در حق خود ظلم و تغریط کردم) و به دنبال آن آرزوی بازگشت به دنیا را می کند و دو دست خود را از ناراحتی و شدت عذاب می گزد و می گوید: یالیتنی اتخذت مع الرسول سبیلاً (ای کاش من در دنیا با رسول حق راه دوستی و طاعت پیش می گرفتم). یا ویلتا لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً (وای بر من کاش فلان کافر و فلان فاسق را

دوست خود قرار نمی دادم) نیز می گوید:

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ (تا وقتی که از دنیا به سوی ما باز آید آن گاه با نهایت حسرت می گوید: ای کاش میان من و آن شیطان فاصله ای به دوری مشرق و مغرب بود که او همنشین بسیار بدی برای من بود).

و نیز می گوید:

وَلِي يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (وای ستم کاران هرگز در آن روز پشیمانی به حال شما سودی ندارد زیرا در دنیا ظلم کردید و امروز با شیاطین در عذاب دوزخ شریک هستید)

و نیز می گوید:

أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (تو خود میان بندگان در آنچه خلاف و نزاع می کنند حکم فرما) پس به ایشان گفته می شود:

آگاه باشید: لعنت خدا بر ستمکاران باد آنانکه بندگان خدا را از راه خدا باز می دارند و راه کج را می طلبند و به عالم آخرت اعتقاد ندارند.

و اولین نفری که در ظالمین حکم نموده و ایشان را محاکمه می فرماید حضرت حسن بن علی علیه السلام است که در قاتل خویش به حکومت می پردازد و سپس قنفذ (قاتل حضرت زهرا علیها السلام) را مورد محاکمه قرار می دهد پس قاتل آن حضرت و قنفذ و صاحب قنفذ را آورده سپس با تازیانه ای از آتش ایشان را می زنند، اگر یکی از این تازیانه ها در دریا بیفتد از شرق تا غرب دریا به غلیان و جوش آمده چنانچه اگر آن را روی کوه های دنیا بیاندازند آنها را ذوب کرده تا خاکستر شوند پس با این تازیانه ها ایشان را می زنند.

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام روی انگشت پاها در مقابل حق تعالی برای خصومت و دادخواهی با فلانی که در چاه عذاب است می ایستد، پس چاه را بر ایشان

می‌بندد به طوری که کسی ایشان را ندیده و آنان نیز کسی را نبینند، پس آنانکه در ولایت و دوستی این ظالمین بودند می‌گویند:

پروردگارا به ما نشان بده جن و انس که ما را گمراه کردند، تا ایشان را زیر قدم های خود گذاشته تا از اسفلین باشند.

خداوند عزوجل می‌فرماید:

«وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْتُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ»

در این وقت ایشان با صدای بلند می‌گویند: وای بر ما هلاک شدیم. آن دو نفر بر سر حوض کوثر حاضر شده و از امیرالمؤمنین علیه السلام درخواست آب می‌کنند در حالی که با ایشان نگهبانانی همراه هستند، پس آن دو نفر می‌گویند: ما را عفو کنید و سیرابمان نموده و رهایمان بنمائید.

به ایشان گفته می‌شود:

چون کافران آن عذاب سخت را به چشم خود نزدیک دیدند رخسارشان سیاه و زشت شود و به آنها گویند این همان عذابی است که بواسطه ظلمی که به امیرمؤمنان نمودید مستحقش می‌باشید، با حالت تشنگی به جهنم برگردید آب شما تنها حمیم (آب سوزان و گرم جهنم که از عرق دوزخیان جاری است) و غلین (آبی متعفن که از پوست و گوشت اهل دوزخ جریان دارد) می‌باشد و امروز شفاعت شافعین نفی برای شما ندارد.

متن:

۱۲- و حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ جَدِّهِ، «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّمَا أَفْضَلٍ: الْحَجُّ أَوَالصَّدَقَةُ؟ قَالَ: هَذِهِ مَسْأَلَةٌ فِيهَا مَسْأَلَتَانِ، قَالَ: كَمْ الْمَالُ؟ يَكُونُ مَا

يحمل صاحبه إلى الحج؟ قال: قلت: لا، قال: إذا كان مالاً يحمل إلى الحج فالصدقة لا تعدل الحج، الحج أفضل، وإن كانت لا يكون إلا القليل فالصدقة، قلت: فالجهاد؟ قال: الجهاد أفضل الأشياء بعد الفرائض في وقت الجهاد، و قال: ولا جهاد إلا مع الإمام، قلت: فالزيارة؟ قال: زيارة النبي ﷺ وزيارة الأوصياء وزيارة حمزة، و بالعراق زيارة الحسين ﷺ، قلت: فما لمن زار الحسين ﷺ؟ قال: يخوض في الرحمة، و يستوجب الرضا، و يصرف عنه السوء و يدرّ عليه الرزق، و تشيعه الملائكة، و يلبس نوراً تعرفه به الحفظة، فلا يمرُّ بأحدٍ من الحفظة إلا دعاه».



﴿ حديث دوازدهم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن وليد، از محمد بن الحسن الصفار، از عباس بن معروف، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از جدش، وی گفت: محضر حضرت ابی عبدالله ﷺ عرض کردم: فدایت شوم حج افضل است یا دادن صدقه؟ حضرت در جواب فرمودند:

این سؤال مشتمل بر دو سؤال است:

الف: مالی که آن را صدقه می دهند چقدر است؟

ب: آیا به مقداری که صاحبش را به حج برساند می باشد یا نه؟

راوی می گوید: عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

اگر مال صاحبش را به حج برساند، صدقه معادل حج نیست یعنی این مال را اگر صرف حج کند افضل است و اگر به این مقدار نباشد، پس صدقه دادن افضل

می باشد.

عرض کردم: جهاد چه طور است؟

حضرت فرمودند:

پس از فرائض جهاد در وقتش افضل اشیاء است و باید توجه داشت که جهاد مشروع نیست مگر با دستور امام علیه السلام.

عرض کردم: زیارت چه طور است؟

حضرت فرمودند:

زیارات عبارتند از زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و زیارت اوصیاء و زیارت حمزه و زیارت حسین علیه السلام در عراق، کدام منظور تو است؟

عرضه داشتم: چه ثوابی برای زیارت حسین علیه السلام است؟

حضرت فرمودند:

زائر حسین علیه السلام در رحمت الهی فرو می رود و زیارتش سبب خشنودی و رضایت حق می باشد، بدی ها از او دفع گشته، روزی به دنبالش بوده، فرشتگان مشایعتش نموده، نوری او را پوشانده که فرشتگان حافظ و نگهبان بدین وسیله او را می شناسند از اینرو به هیچیک فرشته نگهبان و حافظی عبور نمی کند مگر آنکه او برایش دعاء می نماید.

متن:

۱۳- و روی أحمد بن جعفر البلدی، عن محمد بن یزید البکری، عن منصور بن نصر المدائنی، عن عبدالرحمن بن مسلم «قال: دخلت علی الکاظم علیه السلام فقلت له: أیما أفضل: زیارة الحسین بن علی أو أمیر المؤمنین علیه السلام؟ أو الفلان و فلان، و سمیت الأئمة واحداً واحداً؟، فقال لی: یا عبدالرحمن من زار أولنا فقد زار آخرنا و من زار آخرنا فقد

زَارَ أَوْلَنَا، وَ مَنْ تَوَلَّى أَوْلَنَا فَقَدْ تَوَلَّى آخِرَنَا، وَ مَنْ تَوَلَّى آخِرَنَا فَقَدْ تَوَلَّى أَوْلَنَا، وَ مَنْ قَضَى حَاجَةً لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَانَا فَكَأَنَّمَا قَضَاهَا لِأَجْمَعِنَا، يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ أَحَبَّنَا وَ حُبٌّ مِّنْ يُحِبُّنَا وَ أَحَبُّ فِينَا، وَ أَحَبُّ لَنَا وَ تَوَلَّيْنَا وَ تَوَلَّى مَن يَتَوَلَّيْنَا، وَ أَبْغَضَ مَن يَبْغِضُنَا، أَلَا وَ إِنَّ الرَّادَّ عَلَيْنَا كَالرَّادِّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ جَدُّنَا، وَ مَنْ رَدَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ، أَلَا يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ وَ مَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا وَ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَ مَنْ أَبْغَضَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَصْلِيَهُ النَّارُ وَ مَالَهُ مِنْ نَصِيرٍ».

« حدیث سیزدهم »

ترجمه:

احمد بن جعفر بلدی روایت کرد از محمد بن یزید بکری، از منصور بن مدائنی، از عبدالرحمن بن مسلم وی گفت: بر حضرت کاظم علیه السلام داخل شده و محضرش عرض کردم:

زیارت حضرت حسین بن علی علیه السلام افضل است یا زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام یا فلان و فلان و یک یک اسامی آنهمه علیهم السلام را بردم؟ حضرت به من فرمودند:

ای عبدالرحمن، کسی که اول نفر ما را زیارت کند پس محققاً آخرین ما را نیز زیارت کرده و بالعکس اگر آخرین نفر ما را زیارت کند اولین نفر از ما را نیز زیارت کرده، و کسی که اولین نفر ما را دوست بدارد قطعاً آخرین ما را نیز دوست داشته و بالعکس اگر آخرین نفر ما را دوست بدارد اولین نفر ما را نیز دوست دارد و کسی که حاجتی از دوستان ما را روا کند گویا برای جمیع ما حاجتی را بر آورده است، ای عبدالرحمن ما را دوست بدار و کسی که محب ما هست را نیز دوست بدار و دوستیت در راه ما باشد، دوست بدار برای ما و بخواه

ما را و بخواه کسی را که ما را بخواهد و یحتمل بهار کفنی که دشمن ماهست، آگاه باش کسی که ما را رد و انکار کند گویا رسول خدا که جد ما است را انکار کرده و کسی که رسول خدا ﷺ را انکار کند خدا را انکار کرده، آگاه باش ای عبدالرحمن کسی که نسبت به ما بغض و کینه داشته باشد پس نسبت به حضرت محمد بغض دارد و کسی که نسبت به حضرت محمد بغض داشت نسبت به خدا بغض دارد و کسی که خدا را مبعوض داشت بر خدا است که او را به جهنم داخل کرده و برایش یآوری نمی باشد.

متن:

۱۴ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَلْبِيِّ «قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: لَمَّا قَتَلَ الْحُسَيْنِ ﷺ سَمِعَ أَهْلَنَا قَائِلًا بِالْمَدِينَةِ يَقُولُ: الْيَوْمَ نَزَلَ الْبَلَاءُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ فَلَا تَرَوْنَ فَرْحًا حَتَّى يَقُومَ قَائِمُكُمْ فَيُشْفِي صُدُورَكُمْ وَيَقْتُلَ عَدُوَّكُمْ، وَيُنَالُ بِالْوَتْرِ أَوْتَارًا، فَفَزِعُوا مِنْهُ وَقَالُوا: إِنَّ هَذَا الْقَوْلَ لِحَادِثًا قَدْ حَدَثَ مَا لَا نَعْرِفُهُ، فَأَتَاهُمْ خَبَرُ قَتْلِ الْحُسَيْنِ ﷺ بَعْدَ ذَلِكَ فَحَسِبُوا ذَلِكَ، فَإِذَا هِيَ تِلْكَ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَكَلَّمُ فِيهَا الْمُتَكَلِّمُ، فَقُلْتُ لَهُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ إِلَى مَتَى أَنْتُمْ وَنَحْنُ فِي هَذَا الْقَتْلِ وَالْخَوْفِ وَالشُّدَّةِ؟ فَقَالَ: حَتَّى يَأْتِيَ سَبْعُونَ فَرَجًا أَجْوَابَ وَيَدْخُلُ وَقْتُ السَّبْعِينَ، فَإِذَا دَخَلَ وَقْتُ السَّبْعِينَ أَقْبَلْتُ الرَّايَاتِ تَتَرَى كَأَنَّهَا نِظَامٌ، فَمِنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الْوَقْتَ قَرَّتْ عَيْنُهُ.

إِنَّ الْحُسَيْنِ ﷺ لَمَّا قَتَلَ أَتَاهُمْ آتٍ وَهُمْ فِي الْمُعْشَرِ فَصَرَخَ فَزَبَرَ، فَقَالَ لَهُمْ: وَكَيْفَ لَا أَصْرُخُ وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَائِمٌ يَنْظُرُ إِلَى الْأَرْضِ مَرَّةً، وَإِلَى

حزبكم مرة، و أنا أخاف أن يدعوا لله على أهل الأرض فأهلك فيهم، فقال بعضهم لبعض: هذا إنسان مجنون.

فقال التوابون: تالله ما صنعنا لأنفسنا، قتلنا لا بن سمية سيد شباب أهل الجنة، فخرجوا على عبيد الله بن زياد، فكان من أمرهم ما كان.

قال: فقلت له: جعلت فداك من هذا الصارخ؟ قال: ما نراه إلا جبرئيل، أمّا إنه لو أذن له فيهم لصاح بهم صيحة يخطف به أرواحهم من أبدانهم إلى النار، ولكن أمهل ليزدادوا إثماً ولهم عذاب أليم، قلت: جعلت فداك ما تقول فيمن يترك زيارته وهو يقدر على ذلك؟ قال: إنه قد عقر رسول الله ﷺ وعقنا واستخف بأمر هوله، ومن زاره كان الله له من وراء حوائجه، وكفاه ما أهله من أمر دنياه، وإنه لي جلب الرزق على العبد ويخلف عليه ما أنفق ويغفر له ذنوب خمسين سنة، ويرجع إلى أهله وما عليه ذنب ولا خطيئة إلا وقد محيت من صحيفته، فإن هلك في سفره نزلت الملائكة فغسلته، وفتح له باب إلى الجنة حتى يدخل عليه روحها حتى ينشر، إن سلم فتح الباب الذي ينزل منه رزقه فيجعل له بكل درهم انفق عشرة آلاف درهم وذخر له ذلك فاذا حشر قيل له: بكل درهم عشرة آلاف درهم، وإن الله تبارك وتعالى قد ذخرها لك عنده».

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين.

﴿ حدیث چهاردهم ﴾

ترجمه:

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمد بن الحسن الصَّغَّار، از عباس بن معروف، از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، از حسین، از حلبی، وی گفت: حضرت ابو عبدالله علیه السلام به من فرمودند:

هنگامی که حسین علیه السلام کشته شد اهل ما شنیدند قائلی در مدینه می گفت: امروز بلاء بر این امت نازل شد دیگر سرور و شادی نخواهند دید تا وقتی که قائم شما قیام کند و سینه ها را با قیامش شفاء داده و دشمنانتان را بکشد، و در مقابل آن تنها مانده ای که خونش قصاص نشد و به انتقام آن تنها مانده هائی را بکشد.

اهل ما از شنیدن این صدا به فزع آمده و گفتند: گوینده این صدا را ما نمی شناسیم کیست، پس بعداً که خبر شهادت حسین علیه السلام به ایشان رسید حساب کردند دقیقاً سخن و تکلم آن متکلم همان شبی بود که روزش حضرت امام حسین علیه السلام شهید شدند.

عرض کردم: فدایت شوم: تا کی شما و ما در سوز این کشتار و وقوع آن سوخته و در خوف و سختی بسر ببریم؟

حضرت فرمودند: تا زمانی که هفتاد مرتبه رخنه و شکاف و فرجه پیدا شده بطوریکه بین هر فرجه و فرجه دیگر فاصله بوده و بهم متصل نباشند و وقت فرجه هفتادمین که رسید پرچم ها پیدا شده که بترتیب می آیند و سپس ایستاده و درنگ می کنند گویا مروارید هائی بوده که برشته کشیده شده اند پس کسی که آن وقت را درک کند چشمش روشن باد.

زمانی که حسین علیه السلام کشته شد شخصی در میدان حاضر شد در حالی که لشکریان اهل کفر در جایگاهشان بودند، پس آن شخص فریادی برآورد به طوری که تمام را از هر گونه حرکتی باز داشت، پس به آنها گفت:

چگونه فریاد نکنم و حال آنکه رسول خدا ﷺ ایستاده گاهی به زمین و گاهی به حرب و جنگ شما نظر می‌کنند و من خوف دارم که خدا را خواننده و اهل زمین را نفرین کرده پس حق تعالی ایشان را هلاک کند.

بعضی از لشکریان به برخی دیگر گفتند: این انسانی دیوانه است. توبه کنندگان در بین لشکر گفتند: به خدا سوگند ما برای خود این کار را نکرده بلکه بخاطر رضایت و خشنودی پسر سمیه سرور جوانان اهل بهشت را کشتیم. پس بر عبیدالله بن زیاد خروج کرده و کارشان به آنجائی رسید که رسید. عرض کردم: فدایت شوم: این فریاد کننده چه کسی بود؟ حضرت فرمودند:

ما نمی‌بینیم او را مگر جبرئیل علیه السلام و همین قدر بدان اگر از خداوند اذن می‌داشت چنان صبحه می‌زد که جملگی قالب تهی کرده و روحشان به جهنم روانه می‌شد ولی مهلتشان داد تا به گناهان خویش افزوده و عذاب الیم و دردناک را برای خود فراهم کنند.

عرض کردم: فدایت شوم، چه می‌فرمائید راجع به کسی که بر زیارت آن حضرت قدرت دارد ولی معذک آن را ترک می‌کند؟ حضرت فرمودند:

وی عاق رسول خدا ﷺ و عاق ما بوده و به امری که باید به آن توجه می‌کرد استخفاف نموده و کسی که آن حضرت را زیارت کند خداوند متعال ماوراء حوائجش می‌باشد یعنی نیازمندی‌هایش را برآورده می‌کند و آنچه خواسته‌اش می‌باشد را کفایت می‌کند و نیز زیارت آن حضرت رزق را به بنده جلب کرده و آنچه را که باید وی خرج کند برایش باقی می‌گذارد و گناهان پنجاه سال او را خدا می‌آمرزد و پس از زیارت شخص به اهل خودش باز می‌گردد در حالی که هیچ گناه و لغزشی بر او نیست مگر آنکه تمام از نامه عملش محو می‌شود و اگر

در راه فوت کند فرشتگان بر او نازل شده و غسلش می دهند و دربی برایش به طرف بهشت گشوده می شود و روحش از آن داخل بهشت می گردد و اگر سالم ماند دربی که از آن روزی وی فرود می آید باز می شود و به هر یک درهمی که در این سفر و زیارت صرف کرده ده هزار درهم برایش منظور شده و آنها را برای او ذخیره می کنند و وقتی پس از مرگ محشور شد به او گفته می شود:

در مقابل هر یک درهم، ده هزار درهم داری که حق تعالی برای تو آنها را ذخیره کرده است.

پایان کتاب ترجمه کامل الزیارات تصنیف ابی القاسم جعفر بن

محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه القمی رحمته الله بدست ناتوان

سید محمد جواد ذهنی تهرانی در روز یکشنبه هفتم

ماه ذیحجه الحرام سنه یک هزار و چهار صد و هجده

هجری قمری نزیل قم المشرفه و از خداوند متعال

تقاضا دارم که آن را خالصاً لوجه قبول

فرماید بحق محمد و آله

الطاهرین آمین یا

رب العالمین.



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد

فهرست مطالب

۳	مقدمه
۶	«باب ۱» ثواب زیارت پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین و حسنین صلوات الله عليهم اجمعین
۱۰	«باب ۲» ثواب زیارت رسول خدا (ص)
۲۵	«باب ۳» زیارت قبر رسول خدا (ص) و خواندن دعاء نیز بر آن
۳۸	کیفیت سلام حضرت موسی بن جعفر (ع) بر حضرت رسول اکرم (ص)
۴۲	آنچه واجب است در نزد قبر مطهر رسول خدا (ص) خوانده شود
۴۶	«باب ۴» فضیلت خواندن نماز در مسجد رسول خدا (ص) و ثواب و اجر آن
۵۳	«باب ۵» زیارت حضرت حمزه عموی گرامی رسول خدا (ص) و قبور شهداء
۶۰	«باب ۶» فضیلت و ثواب زیارت مشاهد مشرفه در مدینه
۶۷	«باب ۷» وداع قبر رسول خدا (ص)
۷۱	«باب ۸» فضیلت نماز خواندن در مسجد کوفه و مسجد سهل و ثواب آن
۹۳	«باب ۹» روشن نمودن و تعیین کردن مکان قبر امیرالمؤمنین (ص)
۱۱۰	«باب ۱۰» ثواب زیارت امیرالمؤمنین (ع)
۱۱۷	«باب ۱۱» زیارت قبر امیرالمؤمنین (ع) و کیفیت زیارت و خواندن دعا در آنجا

- ﴿باب ۱۲﴾ وداع قبر امیرالمؤمنین (ع) ۱۳۴
- ﴿باب ۱۳﴾ فضیلت آب فرات و نوشیدن و غسل نمودن در آن ۱۳۵
- ﴿باب ۱۴﴾ محبت حضرت رسول (ص) به حسنین (ع) ۱۴۸
- ﴿باب ۱۵﴾ زیارت حضرت حسن بن علی (ع) و قبور ائمه معصومین (ع) ۱۵۸
- ﴿باب ۱۶﴾ در بیان خبر دادن جبرئیل (ع) از شهادت حضرت حسین بن علی (ع) ۱۶۴
- ﴿باب ۱۷﴾ سخن جبرئیل با رسول (ص) ... بعد از شهادت حسین (ع) را می‌کشند ۱۷۸
- ﴿باب ۱۸﴾ آیاتی که در باره شهادت امام حسین (ع) نازل شده است ۱۹۰
- ﴿باب ۱۹﴾ آگاه بودن انبیاء از شهادت حضرت حسین بن علی (ع) ۱۹۶
- ﴿باب ۲۰﴾ آگاهی فرشتگان از شهادت حضرت حسین بن علی (ع) ۲۰۳
- ﴿باب ۲۱﴾ لعنت نمودن حق تعالی و انبیاء در حق قاتلین امام حسین (ع) ۲۰۵
- ﴿باب ۲۲﴾ کلام رسول الله (ص): بعد از من امت، حسین (ع) را می‌کشند ۲۱۰
- ﴿باب ۲۳﴾ گفتار امیرالمؤمنین (ع) راجع به شهادت امام حسین (ع) ۲۲۰
- ﴿باب ۲۴﴾ نشانه‌هایی که به آنها بر شهادت امام حسین (ع) استدلال شده ۲۳۸
- ﴿باب ۲۵﴾ آنچه در باره کشنده امام حسین و یحیی بن زکریا (ع) وارد شده ۲۴۳
- ﴿باب ۲۶﴾ گریستن تمام مخلوقات بر حضرت حسین بن علی (ع) ۲۵۱
- ﴿باب ۲۷﴾ گریستن فرشتگان بر حضرت حسین بن علی (ع) ۲۶۴
- ﴿باب ۲۸﴾ گریستن آسمان و زمین بر شهادت حسین (ع) و یحیی بن زکریا (ع) ۲۸۳
- ﴿باب ۲۹﴾ نوحه سرائی طائفه جنّ بر حسین بن علی (ع) ۳۰۱
- ﴿باب ۳۰﴾ نفرین و لعنت نمودن کبوتران در حق قاتلین حضرت امام حسین (ع) ۳۱۵

- ﴿باب ۳۱﴾ نوحه سرائی و ذکر مصیبت نمودن جعفر بن محمد حضرت امام حسین (ع) ۳۱۸
- ﴿باب ۳۲﴾ ثواب کسی که بر حضرت حسین بن علی (ع) گریه کند ۳۲۲
- ﴿باب ۳۳﴾ ثواب کسی که بواسطه گفتن شعر در مصیبت امام حسین (ع) گریه کند و ... ۳۳۸
- ﴿باب ۳۴﴾ ثواب کسی که آب نوشیده و یاد امام حسین (ع) نموده و ... ۳۴۷
- ﴿باب ۳۵﴾ گریستن حضرت علی بن حسین بر حسین بن علی سلام الله علیهم ۳۴۸
- ﴿باب ۳۶﴾ امام حسین (ع) کشته اشک بوده و ... ۳۵۱
- ﴿باب ۳۷﴾ روایاتی که دلالت دارند بر اینکه امام حسین (ع) سیدالشهداء می باشد ۳۵۶
- ﴿باب ۳۸﴾ زیارت انبیاء (ع) حضرت حسین بن علی (ع) را ۳۶۵
- ﴿باب ۳۹﴾ زیارت فرشتگان حسین بن علی (ع) را ۳۷۱
- ﴿باب ۴۰﴾ دعاء نمودن رسول خدا (ص) و ... در حق زائرین امام حسین (ع) ۳۷۸
- ﴿باب ۴۱﴾ دعاء فرشتگان در حق زائرین قبر امام حسین (ع) ۳۸۷
- ﴿باب ۴۲﴾ فضیلت و اجر نماز فرشتگان برای زائرین قبر حضرت امام حسین (ع) ۳۹۳
- ﴿باب ۴۳﴾ وجوب زیارت حضرت امام حسین (ع) بر هر مرد و زن و ... ۳۹۵
- ﴿باب ۴۴﴾ ثواب کسی که به زیارت حضرت امام حسین (ع) رفته و ... ۳۹۹
- ﴿باب ۴۵﴾ ثواب کسی که با ترس و هراس به زیارت حضرت امام حسین (ع) برود ۴۰۸
- ﴿باب ۴۶﴾ اجر و ثواب آنچه شخص در زیارت حضرت امام حسین (ع) اتفاق می کند ۴۱۴
- ﴿باب ۴۷﴾ آنچه مکروه است همراه بردنش برای زیارت حضرت حسین (ع) ۴۲۲
- ﴿باب ۴۸﴾ در بیان اینکه واجب است زائر حضرت حسین (ع) چه گونه باشد ۴۲۶
- ﴿باب ۴۹﴾ ثواب کسی که سواره یا پیاده به زیارت حضرت امام حسین (ع) برود و ... ۴۳۱

- ﴿باب ۵۰﴾ کرامت خداوند متعال در حق زوّار حضرت حسین بن علی (ع) ۴۴۱
- ﴿باب ۵۱﴾ ایّام زیارت حضرت حسین بن علی (ع) جزء عمر زائر شمرده نمی‌شود ۴۴۵
- ﴿باب ۵۲﴾ زائرین امام حسین (ع) همسایه رسول خدا (ص) و ... می‌باشند ۴۴۶
- ﴿باب ۵۳﴾ زائرین امام حسین (ع) قبل از همه مردم وارد بهشت می‌شوند ۴۴۸
- ﴿باب ۵۴﴾ ثواب کسیکه زیارت امام حسین (ع) را نموده در حالی که عارف ۴۵۰
- ﴿باب ۵۵﴾ کسی که بخاطر حبّ بر رسول خدا (ص) و ... به زیارت امام حسین (ع) برود ۴۶۲
- ﴿باب ۵۶﴾ ثواب کسیکه از روی شوق به زیارت حضرت امام حسین (ع) برود ۴۶۵
- ﴿باب ۵۷﴾ ثواب کسی که به امید اجر از خدا به زیارت حضرت امام حسین (ع) برود ۴۷۲
- ﴿باب ۵۸﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) افضل اعمال می‌باشد ۴۷۹
- ﴿باب ۵۹﴾ کسی که حضرت امام حسین (ع) را زیارت کند مثل کسی است که ۴۸۳
- ﴿باب ۶۰﴾ زیارت حضرت امام حسین و آئمه (ع) معادل با ۴۹۱
- ﴿باب ۶۱﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) عمر را طولانی و روزی را فراخ و ۴۹۴
- ﴿باب ۶۲﴾ زیارت امام حسین (ع) گناهان را محو می‌کند ۴۹۸
- ﴿باب ۶۳﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) معادل یک عمره می‌باشد ۵۰۶
- ﴿باب ۶۴﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) معادل یک حج می‌باشد ۵۱۳
- ﴿باب ۶۵﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) معادل یک حج و یک عمره می‌باشند ۵۲۰
- ﴿باب ۶۶﴾ زیارت حضرت امام حسین (ع) معادل چند حج می‌باشد ۵۳۳
- ﴿باب ۶۷﴾ زیارت حضرت امام حسین معادل با آزاد کردن بندگان می‌باشد ۵۴۵
- ﴿باب ۶۸﴾ زوّار حضرت امام حسین (ع) شفاعت دیگران را می‌کنند ۵۴۷

- «باب ۶۹» زیارت حضرت امام حسین (ع) خم و نخله را برطرف کرده و ۵۵۲
- «باب ۷۰» (ثواب زیارت امام حسین (ع) در روز هره ۵۶۱
- «باب ۷۱» ثواب کسی که در روز عاشورا امام حسین (ع) را زیارت کند ۵۷۳
- کیفیت خواندن زیارت عاشورا ۵۸۳
- «باب ۷۲» ثواب زیارت حضرت امام حسین (ع) در نیمه شعبان ۵۹۲
- «فصل» در بیان اعمال نیمه ماه شعبان ۵۹۷
- «باب ۷۳» ثواب کسی که حضرت امام حسین (ع) را در رجب زیارت کند ۶۰۱
- «باب ۷۴» ثواب زیارت امام حسین (ع) در غیر روز عید و هره ۶۰۳
- «باب ۷۵» ثواب کسی که در فرات غسل کرده و به زیارت امام حسین (ع) برود ۶۰۷
- «باب ۷۶» جواز ترک غسل برای زیارت امام حسین (ع) ۶۱۲
- «باب ۷۷» زائرین حضرت امام حسین (ع) که به حق آن حضرت عارف هستند ۶۲۱
- «باب ۷۸» در باره کسانی که زیارت حضرت امام حسین (ع) را ترک می کنند ۶۳۱
- «باب ۷۹» در نقل زیارات وارده برای حضرت حسین بن علی (ع) ۶۳۶
- زیارت نامه نوزدهم حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ۶۹۶
- زیارت نامه بیستم حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ۶۹۷
- زیارت نامه بیست و یکم حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) ۶۹۹
- «باب ۸۰» کیفیت خواندن نماز نزدیک قبر حضرت امام حسین (ع) ۷۵۲
- «باب ۸۱» قصر نماز واجب و رخصت در نماز مستحبی در حائر و ۷۵۷
- «باب ۸۲» تمام خواندن نماز کنار قبر حضرت امام حسین (ع) و تمام شاهد مشرفه ۷۶۳

- ﴿باب ۸۳﴾ نماز غریضه در حرم امام حسین (ع) معادل حج و... ۷۷۱
- ﴿باب ۸۴﴾ وداع با قبر حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهما ۷۷۶
- ﴿باب ۸۵﴾ زیارت قبر حضرت عباس بن علی (ع) ۷۸۵
- ﴿باب ۸۶﴾ وداع با قبر حضرت عباس بن علی (ع) ۷۸۸
- ﴿باب ۸۷﴾ وداع با قبور شهداء (ع) ۷۹۰
- ﴿باب ۸۸﴾ فضیلت کربلاء و زیارت امام حسین (ع) ۷۹۱
- نقل حدیث امّ ایمن به روایت علیا مخدّره حضرت زینب (س) ۷۹۸
- فضیلت کربلاء و زیارت امام حسین (ع) ۸۰۹
- ﴿باب ۸۹﴾ فضیلت حائر حسینی (ع) و حرمت آن ۸۲۳
- ﴿باب ۹۰﴾ حائر حسینی (ع) از مواضعی است که دعاء در آن محبوب خدا می باشد... ۸۲۷
- ﴿باب ۹۱﴾ شفاء بودن تربت قبر حضرت امام حسین (ع) و مقدار مستحب بودن آن ۸۳۲
- ﴿باب ۹۲﴾ تربت قبر حضرت امام حسین (ع) شفاء و امان می باشند ۸۴۵
- ﴿باب ۹۳﴾ مکان و کیفیت اخذ تربت قبر حضرت امام حسین (ع) ۸۴۹
- ﴿باب ۹۴﴾ آنچه شخص هنگام تناول نمودن تربت می گوید ۸۶۳
- ﴿باب ۹۵﴾ حرمت خوردن تمام تربت ها مگر تربت قبر امام حسین (ع) ۸۶۵
- ﴿باب ۹۶﴾ کیفیت زیارت نمودن کسی که منزل و وطنش از قبر حضرت سیدالشهداء (ع) دور می باشد ۸۶۸
- ﴿باب ۹۷﴾ مکروه بودن جفاء نسبت به زیارت قبر حضرت امام حسین (ع) ۸۷۸
- ﴿باب ۹۸﴾ کمترین مدّتی که در آن حضرت امام حسین (ع) را می باید زیارت کرد و... ۸۸۸

- «باب ۹۹» ثواب زیارت قبر موسی بن جعفر و محمد بن علی الجواد(ع) در بغداد ۹۰۳
- «باب ۱۰۰» در بیان زیارت نامه حضرت موسی بن جعفر(ع) و امام جواد(ع) ۹۱۲
- «باب ۱۰۰» در بیان زیارت نامه موسی بن جعفر(ع) و امام جواد(ع) ۹۱۲
- «باب ۱۰۱» ثواب زیارت حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا(ع) در طوس ۹۱۸
- «باب ۱۰۲» زیارت قبر حضرت ابی الحسن الرضا(ع) ۹۳۱
- «باب ۱۰۳» زیارت نامه حضرت ابی الحسن علی بن محمد الهادی و حضرت ابی محمد الحسن بن علی العسكري(ع) ۹۴۴
- «باب ۱۰۴» زیارت نامه جمیع ائمه(ع) زیارت عامه ۹۴۸
- «باب ۱۰۵» فضیلت زیارت مؤمنین و کیفیت آن ۹۵۸
- «باب ۱۰۶» فضیلت زیارت حضرت فاطمه(س) دختر موسی بن جعفر صلوات الله علیه در شهر قم ۹۷۳
- «باب ۱۰۷» فضیلت زیارت قبر حضرت عبدالعظیم بن عبدالله الحسینی در ری ۹۷۵
- «باب ۱۰۸» زیارت نادره ۹۷۷

﴿ کتاب منتشر شده پیام حق ﴾

- تفسیر قرآن (المقام شرح فارسی جوامع الجامع) مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی
ترجمه کامل الزیارات
کلیات مفاتیح الجنان (رحلی - وزیری - جیبی)
با علامت و قاف
منتخب مفاتیح
درشت خط
ادعیه مناجات با خدا
داوری های شگفت (قضاوت های حضرت علی علیه السلام)
فرهنگ جیبی واژه های قرآن
مؤلف: آیت الله شوشتری
انسية الحوراء (فاطمة الزهراء علیها السلام)
مؤلف: حمید محمّدی
سارعوا (سرعت به سوی مغفرت)
اشعار از ژولیده
سید مهدی طباطبائی
سورة مبارکه انعام با دعای توسل و زیارت عاشورا
درشت خط
گوهر نفیس (دویست حدیث با ترجمه)
مگردآورنده: کتابی
یادگیری و مهارت کودک
مؤلف: علی ذوالفقاری
دفتر آمادگی کودک ۴ جلدی
مؤلف: یمینی
دوست دارم بدانم که (نوجوانان علمی) ۴ جلدی
مترجم: رضا شیرازی
سفر به سرزمین های ناشناخته (نوجوانان علمی) ۴ جلدی
مترجم فرزاد سجودی
رازهای یک جنگل ۳ جلد (علمی)
مترجم: سید شمس الدین جواهریان